۲۷۰

۲۷۰

۱۳۲۳۱

تعبیر خواب یا

خوابنامه

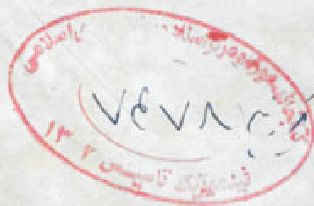
ابوالفضل بن حبیش تفلیسی

سده ۱۰۰۹

نسخ

اوراق ۲۳۹

۲۷۰



۲۷۰

۱۳۲۳۱

تعبیر خواب یا

خوابنامه

ابوالفضل بن حبیش تفلیسی

سده ۱۰و۹ #

تعبیر خواب یا خوابنامه   کامل التعبیر

مولانا ابو الفضل بن حبیش تفلیسی

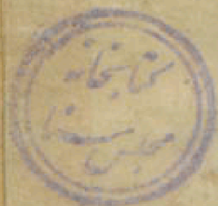
تالیف کتاب در حدود قرن ۷ هجری انجام شده و تاکنون بچاپ رسیده است

نسخه حاضر بقرینه خط و کاغذ و قرائن دیگر در حوالی قرن ۹ ه نوشته شده است
ترتیب کتاب علاوه بر آنکه بر ردیف حروف تهجی است حروف اول و دوم نیز رعایت گردیده
در کتابت حروف مختصه فارسی با یک نقطه و فرق دال و ذال فارسی گذارده شده

بعضی شعرا و فضلا در حواشی صفحات آثاری از خود ارز از منجمله اسحق برنزی در ص ۴۲
حاجی بیک صراف رزی صفحات ۵۳ و ۶۴ و ۷۸

کتاب ۴۷۷ صفحه و قریب ده هزار و هفده سطر کتابت

در نقل اقوال علما فن تعبیر علاوه از ابن سیرین و دانیال و حضرت جعفر صادق از چند نفر نام میبرد که در سیح کتاب و منبع اسم و اثری از آنان بنظر رسیده بدین شرح :



درجه شهیدان یابد جعفر طیار رضی الله عنه بخواب دیدن
دلیل که حق تعالی ورا حج و غزا روزی کند ابو هریره و انس
رضی الله عنهما بخواب دیدن دلیل که بسنتها راغب بود و علم
شرع نیز دوست دارد سلمان فارسی رضی الله عنه بخواب دلیل که
حق تعالی ورا علم قرآن ارزانی دارد و عاقبتش محمود بود عبدالله عباس
و عبدالله مسعود رضی الله عنهما بخواب دیدن دلیل که بکار دین
مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه بخواب بیند معروف گردد
و ثواب موذنان یابد و براه سنت و جماعت بود فی الجمله دیدن
یاران رسول علیه السلام دلیل خیر و منفعت دنیوی و اخروی بود
و اگر کسی از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل که کارهای خیر
طاعت و توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما میراث داران
مصطفی اند و راه نمایان مسلمانان اند و اگر بیند که در شهری با جملق
از علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد
بر جاهلان بگفتار و کردار و امر معروف و نهی منکر تمام شد سخن در باب
تاویل رویت حق تعالی و فرشتگان و پیغامبران و صحابه و تابعین و بعد از آن
تعبیر چیزها دیگر بیند بر حروف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی و توفیقه

حرف الالف مع الالف ابن سیرین گوید اگر دید که جای
خراب آباد میکرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدان ماند دلیل
بر صلاح دین و مزد و ثواب آخرت که او را حاصل شود و اگر دید که زمینی
خراب آباد میکند از بهر خود چون خانه و سرای و دکان و آنچه بدان
ماند دلیل که خیر و منفعت این جهان یابد و اگر دید که جایگاهی

تعبیر خواب یا خوابنامه . کامل التعبیر

مولانا ابوالفضل بن حبیش تفلیسی

تالیف کتاب در حدود قرن ۷ هجری انجام شده و تاکنون بچاپ نرسیده

نسخه حاضر بقرینه خط و کاغذ و قرائن دیگر در حوالی قرن ۹ [illegible] نوشته شده است

ترتیب کتاب علاوه بر آنکه بر ردیف حروف تهجی است حروف اول و دوم نیز رعایت گردیده
در [illegible] حروف [illegible] یک نقطه و فرق دال و ذال [illegible] گذارده شده

بعضی شعرا و فضلا در حواشی صفحات آثاری از خود [illegible] از جمله [illegible] ۴۲
[illegible] صفحات ۵۳ ، ۶۴ ، ۷۰

کتاب ۴۷۲ صفحه و قریب ده هزار و هفده سطر کتابت

در نقل اقوال علما فن تعبیر علاوه از ابن سیرین و دانیال و حضرت جعفر صادق از چند نفر
نام میبرد که در [illegible] کتاب [illegible] اسم و اثری از آنان بنظر نرسیده بدین شرح :

۴
۱۴۶
۱۴۶۲

درجه شهیدان یابد جعفر طیار رضی الله عنه بخواب دیدن
دلیل که خوی تعالی ورا حج و غزا روزی کند ابوهریره و انس مالک
رضی الله عنهما بخواب دیدن دلیل که بستنها راغب بود و علم
شریعت دوست دارد سلمان پارسی رضی الله عنه بخواب دلیل که
خوی تعالی ورا علم قران ارزانی دارد و عاقبتش محمود بود عبدالله عباس
و عبدالله مسعود رضی الله عنهما بخواب دیدن دلیل که بکار دین
مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه بخواب بیند معروف گردد
و ثواب موذنان یابد و براه سنت و جماعت بود فی الجمله دیدن
یاران رسول علیه السلام دلیل خیر و منفعت دنیوی و اخروی بود
و اگر کسی از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل که کارهای خیر
طاعت و توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما میراث داران
مصطفی اند و راه نمایان مسلمانان اند و اگر بیند که در شهری با خلق
از علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد
بر جاهلان بگفتار و کردار و امر معروف و نهی منکر تمام شد سخن در باب
تاویل رویت خوی تعالی و فرشتگان و پیغامبران و صحابه و تابعین و بعد ازان
تعبیر چیزها دیگر بینند بر حروف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی و توفیقه
حرف الف آبادانی ابن سیرین گوید اگر دید که جایی
خراب آبادان میکرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچ بدان ماند دلیل
بر صلاح دین و مزد و ثواب آخرت که اورا حاصل شود و اگر دید که زمینی
خراب آبادان میکند از بهر خود چون خانه و سرای و دکان و آنچ بدان
ماند دلیل که خیر و منفعت این جهان یابد و اگر دید که جایگاهی

اباذان خراب شد دلیل که اهل آن موضع را معصیت و بلا هر رسد
مغربی گوید اگر کسی خود را در مقامی آباذان مقیم بیند دلیل که خیر
و صلاح یابد بقدر آباذانی آن مقام و اگر بخلاف این بوذ دلیل بر شر
و فساد کند جعفر صادق رضی الله گوید دیدن اباذانی در خواب بر چهار
وجه بوذ اول صلاح کار این جهانی بوذ دوم بر خیر و منفعت
سوم بر مراد و کامرانی چهارم کارکشایش بر کار بسته **آب**
بدانکه زندگانی همه چیز ابست ومن الماء کل شیء حی ابن سیرین
گوید اگر بر سر آب می رفت چون آب دریا و رودخانه دلیل بر قوة
ایمان و دین داری و اعتقاد پاک بوذ و اگر بیند که ابی صافی خوش
گوار بسیار خورد دلیل که عمرش دراز بوذ و معیشت بروی فراخ
بوذ و اگر بیند که آب تیره بوذ یا شور و تلخ و از آن همی خورد دلیل
کدورت عیش بوذ و اگر بیند که اندر دریا ابی صافی همی خورد دلیل
بر قوة ایمان و دین بوذ و آنکه اورا از پادشاه نفعی رسد و اگر بیند
جمله آب دریا بخورد دلیل که بر همه جهان پادشاه شوذ و بعضی
گویند بقدر آب که اندر دریا خورده باشد اورا بزرگی حاصل شوذ و اگر
آب تیره باشد انچ بوی رسد بترس و سختی بوذ کرمانی گوید اگر
اب گرم میخورد دلیل که بیماری و رنج کشد و اگر بیند که در آفتاب
افتاد بغم و رنج گرفتار شوذ و اگر بیند که اب را بکاغذ یا بجامه
برداشت یا برداشتن بچیزی که بدان ممکن نبوذ دلیل که بزندگانی
دنیا مغرور شوذ و اگر بیند که آب از کاسه ابگینه خورد آبگینه زن
باشد و آب در کاسه فرزند که در شکم مادر بوذ و اگر بیند که کاسه

بشکست و آب بریخت زن بمیرد و فرزند بماند و اگر بیند که اب
بریخت و کاسه نشکست دلیل که فرزند بمیرد و مادر بماند
اگر بیند که مردم را اب میداد در دنیا خیر و نیکویی کند و جایها
خراب بر دست او اباذان شوذ اگر بیند که در خانه بوذ که در آن
اب ریخته بوذ دلیل که غمگین و متفکر شوذ و اگر بیند که آب صافی
پاک از پیاله یا مانند خمر میخورد دلیل که زندگانی بعشرت و خرمی
گذارد اما کاری کند که در آن مکروه باشد و اگر دید که اب از جوی
می شد دلیل که بلا و فتنه بدو رسد و اگر دید که اب بر مشک
میکرد و بر منزل خوذ می برد و از آن اندک اندک بمردم می داد دلیل
که مال خوذ را بمردم بخشد مغربی گوید اگر بیند که اب ... دید بیند
باشد و تیره می رفت دلیل که در آن سال نعمت و فراخی باشد
و اگر ابها بسیار دید که زمین میخورد دلیل بود که مردم عامه را سلامت
بوذ وقیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر
واستوت علی الجودی و اگر بیند که ابها از هوا بر سر مردم می
امد در آن سال فراخی و نعمت باشد و اگر بیند که بر در خانه وی
اب تیره ... دانیال گوید اب دادن باغ و کشت
را از جوی ... دلیل [illegible] ... بوذ و اب دادن مردم
دلیل [illegible] ... بوذ و اگر بیند که اب
و زمین ... و بدان حال ... قوی بوذ دلیل که بر کاری
مشغول شوذ که از آن راحت یابد و اگر بیند که در آبی صافی می
رفت و تن وی پوشیده بوذ قوت بوذ در دین و توکل بر خدای عز و جل

آبادان خراب شود دلیل بود که [illegible] معصیت [illegible] و بلاهی بر مردم

معبّری گوید اگر کسی خورد اندر فضایی آبادان مقیم بیند دلیل که خیر

و صلاح یابد چندانکه آبادانی آن مقام و اگر [illegible] بود دلیل بر شر

و فساد کند. جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن آب در خواب بر چهار

وجه بود: اول صلاح کار این جهانی بود، دوم رنج و مشقت

سوم مراد و کام، چهارم کار گشایش بر کار بسته

بدانکه زندگانی همه چیز از آبست «و من الماء کل شیء حی» ابن سیرین

گوید اگر بر سر آب می رفت چون آب دریا و رودخانه دلیل بر قوّه

ایمان و دین داری و اعتقاد پاک بود و اگر بیند که آب صافی خوش

گوار بسیار خورد دلیل که عمرش دراز بود و معیشت بروی فراخ

بود و اگر بیند که آب تیره بود یا شور و تلخ و از آن همی خورد دلیل

کدورت عیش بود و اگر بیند که اندر دریا آب صافی همی خورد دلیل

بر قوّه ایمان و دین بود و آنکه او را از پادشاه نفعی رسد و اگر بیند

جمله آب دریا بخورد دلیل که بر همه جهان پادشاه شود و بعضی

گویند بقدر آب که از دریا خورده باشد او را از وی حاصل شود و اگر

آب تیره باشد انچ بوی رسد با رنج و سختی بود. کرمانی گوید اگر

آب گرم همی خورد دلیل که بیماری و رنج کشد و اگر بیند که در آفتاب

افتاد بغم و رنج گرفتار شود و اگر بیند که آب را بکاغذ یا بجامه

برداشت یا برداشتن بچیزی که بدان ممکن نبود دلیل که بزندگانی

دنیا مغرور شود و اگر بیند که آب از کاسه آبگینه خورد آبگینه زن

باشد و آب در کاسه فرزند که در شکم مادر بود و اگر بیند که کاسه

بشکست و آب بریخت زن بمیرد و فرزند بماند و اگر بیند که آب

بریخت و کاسه نشکست دلیل که فرزند بمیرد و مادر بماند

اگر بیند که مردم را آب می داد در دنیا خیر و نیکویی کند و جا بها

خراب بر دست او آبادان شود. اگر بیند که در خانه بود که در آن

آب ریخته بود دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که آب صافی

پاک از پیاله مانند خمر میخورد دلیل که زندگانی بعشرت و خرمی

گذارد اما کاری کند که در آن مکروه باشد و اگر دید که آب از جوی

می شد دلیل که بلا و فتنه بدو رسد و اگر دید که آب بر مشک

میکرد و بر منزل خود می برد و از آن اندک اندک بمردم می داد دلیل

که مال خود را بمردم بخشد. معبّری گوید اگر بیند که آبها [illegible] دشتها

باشد و تیره می رفت دلیل که در آن سال نعمت و فراخی باشد

و اگر آبها بسیار دید که زمین میخورد دلیل بود که مردم عامه را سلامتی

بود «یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر

و استوت علی الجودی» و اگر بیند که آبها از هوا بر سر مردم می

آمد در آن سال فراخی و نعمت باشد و اگر بیند که بر درِ خانه وی

آب تیره بود بخلاف این. شیخ دانیال گوید آب دادن باغ و کشت

از جوی روان دلیل بر مال و رستگاری از غم بود و آب دادن مردم را

دلیل بر دین و دیانت و کردار نیکو پسندیده بود و اگر بیند که آب

بر زمین می رفت و در آن حال تن وی قوی بود دلیل که بر کاری

مشغول شود که از آن راحت یابد و اگر بیند که در آبی صافی می

رفت و تن وی پوشیده بود قوت بود در دین و توکل بر خدای عزّ و جلّ

واگر بیند که آبی بباغی یا به بندی می برد دلیل که زن خواهد
یا کنیزک خرد واگر بیند که کسی آب پاک بروی ریخت از آنکس خیر
ومنفعت بوی رسد واگر بیند که آب تیره وچرکن بروی ریخت
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
آب درخواب بر پنج وجه بود اول یقین دوم قوت سیم کار
دشوار چهارم ندیمی پنجم علمی که از جهة ریس شهر بود
آب بینی دنیال گوید که آب بینی درخواب دلیل بر فرزند بود اگر بیند
که از بینی وی آب بیرون می آمد اورا فرزندی آید ووامش گزارده شود
واز رنج وسختی باز رهد واگر بیمار بود شفا یابد واگر بیند که
آب بینی بر اندام وی افتاده بود اورا پسری آید واگر بر زمین
افتاده بود دختری آید واگر بیند که آب بینی بر زن انداخت
زن آبستن شود وفرزند بیفکند واگر بیند که آب بینی وی سیاه
وتیره بود دلیل که اورا بسبب فرزند اندوه رسد واگر بیند که آب بینی
او زرد بود دلیل که فرزند او بیمار شود آب تاختن ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که آب تاختن میکند بجایی که موضع او باشد دلیل که
از غم واندوه خلاص یابد واگر وام دارد گزارده شود واگر توانگر بود
مالش نقصان گیرد دانیال گوید اگر بیند که مجری آب تاختن بول گردد
دلیل که اورا فرزندی نیکو آید واگر بیند که بجای بول دم آمد اورا فرزندی
آید که تن مفلوج بود واگر بیند که آب تاختن میخورد دلیل که
مال حرام خورد کرمانی گوید اگر در جامه آب تاختن کرد از کسی مالی
حاصل کند واگر بیند که بر مصحفی آب تاختن کرد دلیل که فرزندش

دیگر باشد واگر بیند که صور در دست داشت و می دمید
دلیل بر محنت و بلا وفتنه بود زیرا که او مامور از خدای تعالی
بدمیدن صورست وهرجا که دمیدن صور پیدا شود سبب
تشویش وفتنه باشد قوله تعالی ونفخ فی الصور فصعق من فی
السموات ومن فی الارض واگر بیند که اسرافیل در خانه وی آمد واگر
خفته بود وزود بیدار شد دلیل اجلش نزدیک بود واگر
بیند که اسرافیل بخشم در وی نگاه کرد دلیل که پادشاه
آن دیار بروی خشم گیرد کرمانی گوید اگر اسرافیل اندوهگین
[illegible] که صور می دمید واو تنها آواز صور شنید دلیل که در آن
زمین مرگ بسیار بود واگر بیند که اسرافیل صور نداشت دلیل
[illegible] آن [illegible] امن وعدل بود وظالمان هلاک شوند اگر
[illegible] اسرافیل گشاده روی وشادمانه در وی نگاه کرد
[illegible] اورا از پادشاه خیر ونیکی رسد اگر بیند که اسرافیل
[illegible] نامه مهر کرده داد دلیل که اجلش نزدیک باشد واگر بیند
که اسرافیل بروی بانگ زد وناپدید شد دلیل که از پادشاه اورا
[illegible] رسد عزرائیل ابن سیرین گوید اگر کسی
[illegible] درخواب بیند که باسمان شد وخود را در زمین دلیل
[illegible] کاری که دارد از آن معزول شود واگر ملک الموت را نزدیک
[illegible] دلیل که اجلش نزدیک باشد واگر ملک الموت را
بیند دلیل که شهید گردد واگر [illegible] که با ملک الموت
[illegible] وافتاد زود از دنیا برود واگر بیند که ملک الموت

بینداخت بیمار شود اما شفا یابد جابر مغربی گوید هر که ملك
الموت بخواب بیند خرم و شادمانه دلیل که زندگانی او دراز بود
و اگر بیند که ملك الموت بروی سلام کرد اجلش نزدیك بود و
خاتمت کار او بر شهادت بود اگر بیند که ملك الموت بخشم در وی
نگاه کرد دلیل خطر مرگ او باشد اگر ملك الموت چیزی شیرین
بوی داد دلیل که جان کندن بروی آسان شود اگر بیند که
ملك الموت چیزی تلخ بوی داد دلیل که جان کندن بروی دشوار
گردد اگر بیند که او را خبر دادند که ملك الموت در فلان جانبست
و او از دور در وی نگاه کرد دلیل که او را به پادشاهی کار افتد
اگر بیند که ملك الموت نا بگشت دلیل که او دشمن خلق گردد
حملة العرش آن فرشتگان که عرش با مرجع بر داشته اند اگر
کسی ایشان را بیند دلیل که او را با سلطان بزرگ کار افتد و مراد
یابد اگر بیند که با ایشان پیوستگی داشت دلیل که با پادشاه
بزرگ پیوندد و خبر بیند کرمانی گوید با کسان که اهل دین
باشند پیوستگی باشد و طاعت و خیرات کند و حج
وتری الملائکة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم
و اگر بیند که فرشتگان او را بنواختند و نزدیك خود
باز داشتند دلیل که اجل او نزدیك بود کراما کاتبین
بر مردم و کردار می نویسند از نیك و بد ابن سیرین گوید
کراما الکاتبین بخواب بیند اگر مصلح باشد خیر
جهانی یابد و اگر مفسد باشد غم و اندوه بسیار

یعلمون ما تفعلون باب دیدن فرشتگان ابن سیرین گوید که اگر فرشتگان
با همدیگر جنگ و نبرد میکردند دلیل که گناه کار و عاصی بود و
مستوجب عذاب خدای تعالی گردد اگر بیند که فرشتگان
متفکر و غمناك بودند غم و اندوه بوی رسد و اگر بخواب بیند
که فرشتگان او را بشارت دادند او را پسری آید انا نبشرك بغلام
اسمه یحیی و اگر بیند که فرشتگان منتظر او ایستاده بودند
در طبقها تر دست دلیل که ازین جهان شهید بیرون شود اگر بیند
که فرشتگان منتظر او بودند تا چیزی از وی بستانند مال و نعمت
وی در معرض زوال وی افتد و اگر بیند که فرشتگان در یك
موضع ایستاده بودند در آن موضع ایمنی باشد و اگر بیند که
فرشتگان بحرب مشغول اند دلیل که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند
که فرشتگان در رکوع اند یا در سجود دلیل که احوال دین و دنیا
او مستقیم گردد اگر بیند که فرشتگان بر صورت زنان اند دلیل
که بیننده خواب بر خدای تعالی دروغ گوید افاصفیکم ربکم بالبنین
واتخذ من الملائکة اناثا انکم لتقولون قولا عظیما اگر بیند که بر داشت
و با فرشتگان می برید اجلش نزدیك است و با تو بر بیرون شود
اگر بیند که از دور فرشتگان دید و پیش ایشان نتوانست رفت
دلیل که او را مصیبتی رسد یوم یرون الملائکة لا بشری یومئذ
للمجرمین و اگر بیند که فرشتگان بانگ و فریاد داشتند
که خانه او خراب شود و اگر بیند که فرشتگان [illegible]
منبر [illegible] دلیل که او را از اهل خیر و [illegible]

بیند و اگر اهل شر و فساد بود رنج و غم بوی رسد او یوم تأتیهم الملائکة
یوم یبعثهم الله جمیعا اگر بیند که فرشتگان بر وی
سلام کردند بحرمت دلیل بر دشمن ظفر یابد و عاقبت کارش محمود
بود اگر بیند که ملایکه در یک مقام فرو آمدند اهل آن مقام از
غم و اندوه فرح یابند و دشمن را مقهور کنند زیرا که فرشتگان
پیوسته بنصرت پیغامبران آمده اند کرمانی گوید دیدن فرشتگان
مقرب در خواب بشارت بود از حق تعالی و سخن خوب از فرشتگان
پند و موعظه بود خداوند خواب را و اگر بیند که فرشته وی را وصیت
کرد و پند داد از دنیا شهید بیرون رود اگر فرشتگان مقرب در جایی
بیند که آنجا اهل اسلام و با کافران جنگ می کنند اهل
اسلام را بر ایشان ظفر باشد و اگر در آنجا قحط و رنج و سختی بود خو
[illegible] از آن موضع زایل کند و اگر بیند که فرشته کشته و بر آسمان
شد دلیل که در دنیا زهد و ورع اختیار کند و دست از دنیا بدارد
و راه آخرت جوید و اگر بیند که با فرشتگان در آسمان شد و باز
نیامد رود از دنیا برود و نامش در جهان به نیکی بماند جابر
مغربی گوید اگر بیند که فرشته مقرب بچشم حرمت در وی نگاه
کرد دلیل کند که از بس طول داد بیند و بعد از بیماری شفا
یابد و بعد از ترس ایمن گردد و حیرات و رنج و غم [illegible] و اگر
را بر صورت فرشته بیند دلیل بود که
[illegible] آزاده شود و اگر توانگر بود مالش زیادت شود
اگر [illegible] شود جعفر صادق گوید اگر بیند که فرشته

از آسمان بیامد و چیزها خوردنی بخورد و وی همه بسوخت دلیل که
طاعتهای او بنزد حق تعالی پذیرفته کرد بقربان تأکله النار
و اگر بیند که از آسمان آتش می آمد و مردم را بسوخت بیم و عذاب
خدای تعالی باشد عذاب النار التی کنتم بها تکذبون و اگر بیند که
با آتش بزرگ گرم می شد دلیل که بپادشاهی نزدیک شود و اگر بیند
که با آتش چیزی می پخت شغل دنیایی او تمام شود و اگر بیند که
آتشی از آسمان فرود آمد و نبات زمین را بسوخت دلیل که در آن
زمین مفاجاة بسیار بود و اگر بیند که آتش از زمین بر آمد دلیل
که در آن موضع دزدان غلبه کنند و اگر بیند که آتش بزرگ فتنه با شراره
بسوخت دلیل که پادشاه آن موضع هلاک شود و بعضی از معبران
گویند اگر بیند که آتشی از زمین بر آمد و فروغ میکرد دلیل که در آن
موضع جنگ باشد جعفر صادق گوید اگر بیند که آتش میخورد دلیل
که مال یتیمان خورد انما یأکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا
و اگر بیند که از دهان او آتش بیرون می آمد دلیل که بهتان و دروغ
گوید و اگر بیند که از دهان او آتش بیرون می آمد بهر جا آتش سوزنده
می گرفت دلیل که بهر جا سخن میانجی کند میان خلق و اگر بیند که در
پهلوی او آتشی افروخته بود و او را زیان نداشت دلیل که خیر و نیکی
بوی رسد أفرأیتم النار التی تورون و اگر بیند که بی هیزم آتشی
عظیم می سوخت دلیل که جنگ و فتنه بود در آن دیار و اگر بیند
که آتش وی را بسوخت و آتش نور نداشت دلیل که از علت سرسام
بیماری کشند و اگر آتش نور بود دلیل که کسی از خویشان او فرزند آید

که مردم بر وی ثنا گویند و مال یابد بقدر نور آن آتش و اگر آتش
در بازار بیند دلیل بر تباهی اهل بازار بود و اگر خود را بر آتش ایستاده
باشد دلیل که او را رنج و سختی رسد اِذ وُقِفُوا عَلَى النَّار
آتش افروختن ابن سیرین گوید آتش افروختن بخواب بادشاه بود و قوّت
وی و آتش بی دود قوت بود و با دود بادشاه ستمگر و غم و اندوه و
زیان بود و اگر بیند که آتش افروخت تا گرم شود دلیل که چیزی طلب
کند و از آن منفعت یابد و اگر بیند که بی فایده آتش بر افروخت
دلیل که بی سببی جنگ و خصومت کند و اگر بیند که بر آن آتش
چیزی بریان کرد و بخورد بقدر آن روزی بوی رسد ولیکن با غم و اندوه
بود و اگر بیند که در زیر دیگ آتش می افروخت و در دیگ گوشت
بود یا چیزی دیگر دلیل که منفعت به او رسد و اگر در دیگ هیچ
طعامی نبود او را غم و اندوه بود و اگر دید که آتش بر افروخت تا روشن
باشد دلیل که کاری بحجت و برهان روشن گرداند کرمانی گوید
اگر در جایی آتش بر افروخت تا روشن باشد با اهل آن جایگاه بسوزاند
دلیل که اهل آنجایگاه را غیبت کند و اگر بیند که در تنور یا در آتش
دان آتش بر افروخت بی آنکه طعام بود دلیل که با خویشان و اهل
بیت خصومت کند و اگر بیند که آتش خواست تا بر افروزد و
بر نمی افروخت و روشنایی نمی داد از علم خود برخوردار نیابد
و اگر این کس بادشاه بود عز و دولتش افزون شود و اگر دید که این
آتش بر افروخت بمرد دلیل که هلاک یابد مغربی گوید اگر بیند
که در بیابان آتش می افروخت و مردم از نور آن آتش راه می یافتند

دلیل که مردم از علم و حکمت وی بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بیند
که آن آتش بر افروخت و نورش زایل شد احوال وی متغیر گردد و باشد
که از دنیا برود و اگر بیند که آن آتش در بیابان افروخته و نور داشت
دلیل که علمی که داند بکسی بیاموزد و اگر بیند که نور آتش که می
افروخت نه براه راست می درفشید دلیل که علم او مردم بر ضلالت
آورد و اگر بیند که از خانه همسایه آتش می برد دلیل که مال حرام بدو
رسد **روشنایی آتش** ابن سیرین گوید اگر در خواب روشنایی آتش
بیند چنانکه بدان روشنایی راه توان یافت دلیل که راه هدی
یابد و بی غم شود و اگر بیند که روشنایی با وی سخن گفت دلیل
که در راه راست و علم و حکمت یابد و اگر اخگر افروخته دید دلیل که در آن
دیار دایت سلطان بدین آیین و اگر در خانه خود اخگر افروخته بیند
چنانکه خانه از آن روشن بود کارش بالا گیرد و دولتش زیادت شود
و اگر بیند که اخگر افروخته بکشت در خانه دان وی خصومت
بیند بدین آیین **آتش پرستیدن** دانیال گوید اگر آتش می پرستید و سجده
کرد دلیل که بادشاهی ستمگر سجده کند و بخدمت و مشغول
شود و اگر دید که تنور یا آتشدان با جواع سجده کرد و بخدمت
مردی محتشم مشغول شود و اگر بیند که آتش را بوسه می داد دلیل که
دوست و هواخواه بادشاه ستمگر شود کرمانی گوید اگر بخواب بیند
که آتش را بوسه می داد دلیل که صاحب هنر بادشاه شود و اگر بیند
که در میان آتش رفت بقدر آن بادشاه منفعت یابد و اگر دید که
آتش یا از روی یا از دست یا از جامه وی روشنایی داد چنانکه خلق

ازنوران منجر بوذ دلیل که بر دشمن ظفر یابد بامراد دو جهانی واذخل
یدک فی جیبک تخرج بیضاء من غیر سوء واین معجزهٔ موسی علیه
السلام بود با فرعون اسمعیل اشعث کوید اکر دید که اتش میپرستید دلیل
که عوانی کند واکر این اتش که میپرستید بر صورت انکری بوذ غرض
او ازدین جمع مال باشد ومال الحرام بسیار حاصل کند شرار آتش
ابن سیرین کوید شرار اتش درخواب دیدن سخنی بد باشد که
بوی رسد اکر بیند که شرار اتش تن وی را می سوخت دلیل که سخن
بد از هر کس شنوذ چنانکه دلش ازان سوخته کردد واکر بیند که بی
قیاس شرارها اتش درمقامی افتاد دلیل که جنگ وفتنه دران
موضع بدید اید واکر بیند که شرارها اتش بس بزرک بوذ دلیل
که عذاب خدای تعالی دران موضع بدید اید انها ترمی بشرر
کالقصر کانه جمالات صفر واکر بیند که شرارها اتش درمیان مردم
افتاد دلیل که مردم ان موضع با یکدیکر خصومت افتند واتش
اند[illegible] وبازی با اتش کردن سخت زشت بوذ جابر مغربی کوید
اکر بیند که پارهٔ اتش در فتیله در دست داشت دلیل که در کار او قوی
وترس بوذ واکر بیند که اتش در دست او بمرد دلیل که از پادشاه مال
حرام بدست آورد واکر دید که ازان اتش پارهٔ مردم بسوخت از
کردار وی مضرت بمردم رسد ومردم دشمن او شوند واکر بیند که
ازخوردنی چیزی با اتش می پخت دلیل که سخنهای خوش شنوذ جعفر
صادق کوید دیدن اتش درخواب بر بیست وهفت وجه بوذ
اول فتنه دوم کارزار سیم فساد چهارم شغب پنجم

خصومت ششم سخن زشت هفتم کام و مراد هشتم خشم پادشاه
نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم بیراهی دوازدهم علم وحکمت
سیزدهم راه هدی چهاردهم معصیت پانزدهم ترس شانزدهم
سوختن هفدهم پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم سرسام بیستم
بیست و یکم ابله بیست و دوم وبا بیست و سیم کشایش بیست و چهارم فضیحت
بیست و پنجم ایمنی بیست و ششم مال الحرام بیست و هفتم روزی بیست و هشتم منفعت
اتشدان [illegible] کوید آتشدان بخواب زنی باشند که خذمت
خانه کند [illegible]
اتشدان از کل بوذ آن زن از اهل دین باشد واکر از نج باشد ان
زن متکبر بوذ جعفر صادق کوید دیدن اتشدان بر سه وجه بوذ اول
خادمه خانه دوم کنیزک و پرستار سیم صورخانه اتش زنه
ابن سیرین کوید اتش زنه و سنک اتش هر دو انسان باشد یکی از ان
دلیر وقوی باشد دوم سخت دل و باقوت واین هر دو مردم با برشرف
وکارها بزرک مردم دارد کرمانی کوید اکر بخواب بیند که اتش زنه
بیرون اورد وازو شمع یا چراغ می افروخت اکر بینندهٔ خواب پادشاه
بوذ دلیل که رعیت از عدل وانصاف او آسایش یابند واکر بینندهٔ
خواب عالم بوذ دلیل که مردم از علم ودانش او بهره یابند واکر بازرکان
باشد با مردم خیر واحسان کند واکر درویش بوذ دلیل که مردم
از سیرت او منفعت یابند جعفر صادق کوید اکر از اتش زنه
اتش بیرون اید دلیل که مال الحرام از جهت پادشاه حاصل کند
واکر بیند که از اتش زنه اتش نتوانست افروخت دلیل که مال طلب

کند و بنا بد آتشکده ابن سیرین گوید آتشکده بخواب جای بیم
و خطر باشد از پادشاه کرمانی گوید جای مردم احمق بود و اگر بیند
که در آتشکده رفت و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل که بدان
قدر مذلت یابد و عاقبت برهد آذرگون بدانکه آذرگون شکوفه ایست
دیدن در خواب رنج و اندوه بود آرد دلیل بر مال و نعمت حلال
کند دانیال گوید اگر دید که آرد چون برف از هوا می آمد تعبیر آن
مال و نعمت حلال یابد از جایی که امید ندارد و ابن سیرین گوید
آرد جو بنا و بد درستی [illegible] آرد گندم مالی بود که از تجارت
باشد آرد کاورس مالی اندک حاصل [illegible] مغربی گوید آردفروش بخواب
دیدن مردی بود که در بند بنا داشته بود آردبیز کرمانی گوید
آردبیز مردی باشد که میان مردم گردد و ابن سیرین گوید آردبیز
زنی فضوله باشد یا خادمی بد و اگر بیند که آردبیز نو فرا گرفت
دلیل که زنی یا خادمی دوست وی گردد و گروهی گویند مردی
مصلح در خدمت وی مقیم شود جعفر صادق گوید آردبیز در
خواب بر چهار وجه بود اول مرد مصلح دوم زن فضول سوم
خادم چهارم منفعت آروغ زدن کرمانی گوید آروغ
بر آوردن در خواب دلیل که سخنی گوید که از آن رحمت رسد
و اگر بیند که آروغ از گلوش بر آمد اجلش نزدیک بود ابن سیرین
گوید اگر بیند که ترش و ناخوش بر آورد دلیل که سخنی گوید
مضرت بیند و اگر آروغ همچون دود بر آورد بی هنگام سخنی
و از آن پشیمان شود آزاد دانیال گوید اگر بیند که آزاد شد

یا کسی او را آزاد کرد اگر بیمار شود شفا یابد و اگر وام دارد گزارده
شود و اگر حج نکرده باشد حاجی شود و اگر فاسق باشد توبه کند
و اگر محبوس بود از خلاص یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و آزاد جمله
آزاد زاد در خواب پسندیده است آستانه کرمانی گوید آستانه
بالا کدخدای خانه بود و آستانه زیرین کدبانوی خانه بود و اگر
دید که آستانه بالا بیفتاد کدخدای خانه بمرد و اگر دید که
آستانه زیرین بکند و یکی نو بنهاد زن را طلاق دهد و دیگری خواهد
آسمان دانیال گوید اگر بیند که خود را در آسمان اول بود اجلش
نزدیک بود و اگر بر آسمان دوم بیند علم و حکمت حاصل کند و اگر بر
آسمان سوم بیند حکم دوم دارد و اگر بر آسمان چهارم بیند
سفر کند و اگر بر پنجم بیند از سلطان ترس و بیم یابد و اگر
بر ششم بیند عز و توانایی و رفعت و جاه یابد و اگر بر هفتم بیند
رفعت و حشمت این جهانی یابد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند
که باسمان اول رسید در بسته دید دلیل کارها او سبب بزرگی
بسته گردد و اگر دید که بر آسمان نگاه نمی توانست کرد از دیدار
بزرگی جدا ماند و اگر دید که فرشتگان از آسمان فرود آمدند
و بروی بگذشتند دلیل که درها حکمت بروی گشاده شود ابن
سیرین گوید اگر کسی خود را در آسمان بیند سفری کند و در آن
عز و مرتبت دنیا و آخرت حاصل کند و اگر دید که بر بهنای آسمان
می پرید سفر کند و اگر بیند که راست می رفت تا باسمان رسید
دلیل مضرت بود و اگر بیند که بر آسمان رفت بر آن نیت که باز نیاید

اجلش نزدیک بود واگر بیند که دستش باسمان رسید دلیل
که بزرگی وپادشاهی یابد واگر بیند که از اسمان بانگ وندامی
شنید خیر وسلامت یابد واگر بیند که مرغی از اسمان باوی
سخن گفت شاد شود کرمانی گوید اگر بیند که اورا در اسمان بنیاد
بست چنانک مردم در زمین اجلش نزدیک بود واگر بیند که از
اسمان انگبین می بارید مردم را خیر ومنفعت بود واگر بیند
که از آسمان ریگ یا خاک می بارید اگر اندک بارید خیر ونعمت
بود واگر بسیار بارید بد باشد واگر بیند که از اسمان بروی اویخت
دست در دین وسنت پیغامبران زند بعضی از معبران گویند
که اگر بیند که خود از برسن از اسمان فرو اویخت کارش بلند بود
مغربی گوید اگر بیند که بالای هفت اسمان رفت اجلش
نزدیک بود وعاقبت کارش پسندیده واگر خداوند خواب
مستور بود وبیند که از انجا فرود امد در راه دین زاهد ومصلح
شود واگر مستور نبود دلیل که زود هلاک شود واگر بیند
که اورا در میان اسمان وزمین بنیادی بود چون قبة یا
کوشکی اگر بنا از سنگ وگچ وآجر باشد وبال بود واگر از گچ
واجر باشد در ان سال دعای خلق مستجاب شود وباران بسیار
بود قوله تعالی ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر واگر بیند که از اسمان
بیفتاد ایزد تعالی باوی بخشم بود جعفر صادق گوید اگر بیند
که آسمان سبز بود در ان دیار امن وصلاح وایمنی بود واگر بیند

که سفید بود در ان دیار نعمت وفراخی باشد واگر بیند که ز
زرد بود بلا وفتنه بود واگر بیند که سرخ بود جنگ وخون
ریختن بود واگر اسمان سیاه بود قحط وفتنه بود واگر بیند که
روشن بود از حق تعالی روشنی یابد در دین ودیانت واگر بیند
که برابر او دری از اسمان کشاده شد بی در خیر وروزی بروی
کشاده کردد وعالم وحکیم شود واز وی راحت بمردم رسد
واگر بیند که در اسمان علامتها سرخ بود بکردارها عمودها
دلیل که پارسایان ان دیار قوت ونصرت بود واگر دید که
اسمان را می پرستید بی دین وگمراه شود اسمعیل بن اشعث گوید
اگر دید که از اسمان سنگ می بارید بلایی باهل ان دیار رسد
وامطرنا علیها حجارة من سجیل واگر دید که از اسمان آرد
وگندم می بارید در ان دیار نعمتهای بی قیاس شود وخلق را امنی
وکسب معیشت یابند اسمانه ابن سیرین گوید اگر بیند که
اسمانه خانه وی بلند شد بقدر ان مال ونعمت یابد واگر بیند
که از اسمانه خانه وی مار وکژدم بارید از پادشاه یا از بزرگی
غم واندوه بیند واگر بیند که از اسمانه خانه فرو افتاد ودر
زمین کرفتار شد اورا بیم هلاک بود واگر بیند که اسمانه خانه
وی برنگها ملون اراسته بود بترتیب واراستن دنیا مشغول
کردد آسیاب دانیال گوید اگر دید اسیاب غله خرد می کرد از خداوند
اسیاب راحت یابد واگر بیند که سنگ اسیاب بشکست واز
کار بیفتاد خداوند اسیاب هلاک شود واگر دید که سنگ آسیاب

بدزدیدند خداوند اسیاب بیمار گردد ابن سیرین گوید دیدن
اسیاب در خواب جنگ و خصومت بود و اگر خود را در اسیاب
بیند او را با کسی خصومت افتد و اگر اسیاب ملک وی باشد
آسان‌تر بود و اگر بیند که اسیاب غله نداشت و می‌گردید سفر
کند و اگر سنگ آسیاب از مس یا از برنج یا از آهن دلیل همه
بر خصومت بود و اگر بیند که سنگ اسیاب بر دست می‌گردانید
دلیل که او را انبازی بود بد جعفر صادق گوید که آسیاب
در خواب بر پنج وجه بود **اول** پادشاه **دوم** رئیس **سوم**
توانگری **چهارم** مرد دلیر **پنجم** خوان‌سالار پادشاه و اگر دید که
اسیاب خراب می‌کرد بد بود **اسیابان** در خواب کسی بود که روزی
اهل خانه سبب وی بود که می‌گردد و چیزی بدست می‌آرد
ابن سیرین گوید اگر با کسی آشتی کرد عمرش دراز بود و اگر بیند که
در آشتی کردن کسی با بفساد در خواند دلیل که او را بفساد دورا
تر خواند جعفر صادق گوید آشتی در خواب بر سه وجه بود
اول درازی عمر **دوم** قوت **سوم** سیرت و استاد
نیک **آغوش گرفتن** کرمانی گوید اگر بیند که معروفی یا در آغوش گرفت
اگر آنکه مستور و مصلح بود خیر دینی یابد و اگر مصلح نبود خیر
دنیاوی یابد اگر مجهول بود از کسی بیگانه چیزی یابد و اگر بیند
که زنی پیر در آغوش گرفت عمرش دراز بود ابن سیرین گوید اگر بیند
که کودکی در آغوش گرفت عمرش دراز بود و خواستار و محبت فرزند
شود و اگر دید که دختری در کنار گرفت با دشمن صلح کند

آفتاب دانیال گوید آفتاب در خواب پادشاه بود و اگر بیند که
آفتاب از آسمان فرا گرفت پادشاهی و بزرگی یابد و اگر بیند که
خود آفتاب شد پادشاه شود بقدر روشنایی آفتاب و اگر
اهل آن نباشد بقدر همت بزرگی و حشمت یابد و اگر بیند که
بجایگاه آفتاب یا ماهتاب مقیم شد پادشاه گردد و اگر بیند که
نور آفتاب بستد ملک از پادشاه بستاند و اگر دید که آفتاب را فرا
گرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و تیره بود از غمها
فرج یابد و اگر بیند که آفتاب تیره و تاریک بود دلیل که پادشاه محتاج
کار وی شود ابن سیرین گوید آفتاب پادشاه است و ماهتاب وزیر
و زهره زن پادشاه و عطارد دبیر پادشاه و مریخ پهلوان و مشتری
قاضی و خزانه‌دار پادشاه و زحل شحنه و صاحب عذاب و ستارگان
لازم پادشاه [illegible] آفتاب در خواب پدر و ماه مادر و باقی
لشکر پادشاه چنانچه حق تعالی در قصه یوسف یاد کرد **انی رایت**
احد عشر کوکبا والشمس والقمر رایتهم لی ساجدین
و هر که زیادت و نقصان در ماه و آفتاب و ستارگان بیند دلیل آن
بر مادران و پدران و برادران بود و اگر بیند که آفتاب پاکیزه و روشن
برآمد و در خانه وی افتاد از خویشان خود زن خواهد و اگر بیند که آفتاب
در خانه کسی دیگر افتاد از آن خانه زن خواهد و منفعت بدو رسد
و اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب بپوشانید دلیل که حال پادشاه
تغییر شود و حالش بد باشد و اگر بیند که آفتاب از تاریکی روشن شد
پادشاه بیمار شود و از بیماری بهتر شود و اگر بیند که از جرم آفتاب

رسنی یار شته و زهشته بوذ و از دست دران رسن زذ دلیل
از پادشاه یاری و قوت باشد و اگر دید که آن رسن بگسست و بی
ا نیز رکی بیفتد و اگر دید که افتاب ... اه را سجده کرد گناهی ازوی
شوذ و اگر بیند که افتاب و ماهتاب ... ستارکان بیك جای جمع شد
و او را همه بگرفت و نور از ایشان ببست ... کند که ملك جهان
بگیرد و پادشاهی یابد و اگر بیند که ابر ... ا گرفت و تاریك و
سیاه بوذند بیننده خواب بمیرد کرمانی گوید اگر در سیاه افتاب
نقطه سیاه بوذ دلیل کند که پادشاه از بهر مملکت دل مشغول دارد
و اگر بیند که دو افتاب با همدیگر جنگ کردند دو پادشاه با هم جنگ
کنند و اگر بیند که افتاب بر زمین بوذ و نور نداشت پادشاه آن دیار
معزول کردد و اگر افتاب در دست خوذ سیاه دید پادشاه را غمی بزرگ
رسد و او نیز از ان بهره یابد و اگر بیند که افتاب بسوخت و فرو شد
پادشاه بمیرد و اگر بیند که ابر افتاب و ستارکان بپوشانید دلیل که
پادشاه با لشکری که دارد بهزیمت شوذ و اگر بیند که افتاب می
پرستید پیش پادشاه مقرب شوذ اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر
فلك نشست و روی بر افتاب و پس روی از افتاب بگردانید دلیل
که اگر کافر شده باشد و پس مسلمان نشوذ و سر انجام هم کافر
کردد و اگر دید که پادشاه بلرزید پادشاه از دیار را رنجی رسد از جای
که چشم ندارد و اگر بیند که افتاب با وی سخن گفت جاه و حشمت یابد
جعفر صادق گوید دیدن افتاب بر هشت وجه بوذ اول خلیفه
دوم سلطان سوم رئیس چهارم عالمی بزرگ پنجم عدل پادشاه

ششم منفعت رعیت هفتم مرد را زن و زن را مرد هشتم
کار روشن نیکو و هم او گوید اگر دید که پادشاه او را سجده کرد
دلیل که پادشاه او را بنوازد افتاب ابن سیرین گوید افتاب در خواب
زنی خادمه بوذ یا کنیزك که حوایج خانه بوی سپارند و بعضی از
معبران گویند که افتاب خادم قومی بوذ که آن قوم بطاعت او کار بندند
و از معصیت پرهیز کنند و اگر دید که آفتاب بوی داشت یا کسی بوی
داد خادمی یا کنیزکی حاصل کند و اگر دید که افتاب بشکست
کنیزك یا خادم بمیرد جعفر صادق گوید آفتاب در خواب بر نه
وجه بوذ اول زن دوم خادم سوم کنیزك چهارم قوام دین
پنجم صلاح دین ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم
خیر و برکت نهم راحت از زنان اماس ابن سیرین گوید
اماس در خواب مال باشد اگر بیند که بر تن او اماس پدید آمد بقدر
ان مال حاصل کند خاصه بیند که بیم بسیار بوذ کرمانی گوید اگر
بر تن خوذ اماس بیند چنانك ریم و رنج ننماید دلیل مال الحرام بوذ که
بیابد جعفر صادق گوید اماس بر تن بر پنج وجه بوذ اول مال او
زیاده شوذ دوم زنی با منفعت خواهد سوم سبری آورد
چهارم حاجتش روا کرده پنجم ایمن کردد از همه غمها و اگر همه تن
خوذ را اماس بیند دلیل که هر رنج او را حاصل شوذ آهك دانیال
گوید اگر کسی بخواب بیند که با آهك موی از تن خوذ بسترد بقدر
ستردن موی مال او حاصل شوذ ... ن بوذ از غم فرج یابد و
اگر وام دارد وامش کزارده شوذ ابن ... ید آهك در خواب

توانگرانرا زیادتی مال و حذر و بیشار اکی اردن مالی و کافرانرا مسلمانی
جعفر صادق گوید اهن در خواب بر سه وجه بود اول خبر بد
دوم سخن ناخوش سوم کار دشوار و عمارت کردن با اهن تاویل بد
بود آهن ابن سیرین گوید آهن بخواب دیدن خادم باشد یا چیزی
از متاع که بدو رسد کرمانی گوید آهن که سبب سلاح دارد در
خواب پادشاه بود وانزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس
واگر بیند که اهن از سنگ بیرون آورد اورا سختی پیش اید قل کونوا حجارة
او حدیدا او خلقا مما یکبر فی صدورکم جابر مغربی گوید اگر بیند
که اهنگری میکرد و یا اهنگر بود دلیل که اورا با کسی خصومت افتد
واگر اهنگر بود دلیل خیر و منفعت کند و اهنگر دلیل پادشاه دادگر
بود ابن سیرین گوید اهنگر چون معروف بود بتاویل نیکو بود جعفر صادق
گوید از آهن هرچه بخواب بیند از سوزن تا سندان همه منفعت
و قوت و توانایی و ظفر بود آهو کرمانی گوید اگر بیند که آهو
بگرفت دلیل که کنیزکی خوب روی باصل بخرد واگر بیند که گلوی
آهوی برید با کنیزکی مجامعت کند واگر بیند که پوست آهو را بکند
با زنی غریب زنا کند واگر بیند که گوشت آهو میخورد زنی خوب روی
اورا حاصل شود واگر بیند که پوست آهو یا گوشت یا پیه وی دارد
دلیل که از زن بد مال یابد واگر بیند که اورا انگشت از قبل زن
اندوهگین شود ابن سیرین گوید اگر بیند که از پی شکار آهو را
بیفکند با زنی ناسزا گوید و مغربی گوید اگر بیند که بچه آهو را گرفت
یا کسی بدو داد اورا از کنیزک فرزند خوب اید جعفر صادق گوید

هوا می راند رسولان فصاحب خبران بجایها فرستد واگر بیند
که ابر بخانه وی در آمد دلیل که عالمی را یا بزرگی را بمهمانی آورد
وازان بزرگی یابد واگر بیند که ابر بر سر وی سایه کرد درازسال
مال و نعمت یابد وظللنا علیهم الغمام وانزلنا علیهم
المن والسلوی واگر بیند که از ابر جامه دوخت و بپوشید دلیل
که علم بسیار حاصل کند واگر بیند که ابر همه جهان بپوشانید
و هیچ باران نبود بد باشد کرمانی گوید اگر ابر جمع کرد یا بر داشت
یا بخورد دلیل که حشمت و دانش یابد واگر بیند که بر فراز ابر نشست
دلیل که بغایت علم و حکمت برسد و در دانش کامل شود مغربی گوید
اگر بیند که ابر را میخورد دلیل که معیشت وی از حکمت باشد واگر
بیند که ابری سیاه سهمگین بر فراز قومی گسترده بود دلیل که عذاب
خدای بریشان رسد واگر بیند که ازان ابر باران می بارید دلیل
خیرات و برکات بود واگر اب باران چو رد خوب باشد واگر ابر با
و رعد سخت بود دلیل بر ترسکاری وی باشد از دعای مادر یا پدر
واگر رعد را با برق بیند بد باشد واگر برق با صاعقه بیند عذاب
صعب تر و قوی تر بیند واگر بیند که بابر کوشکی بنا کرد اورا علم
و حکمت حاصل شود و مردم را از وی راحت و فایده بیند جعفر
صادق گوید ابر در خواب بر نه وجه بود اول حکمت دوم ریاست
سوم پادشاهی چهارم رحمت پنجم پرهیزکاری ششم عذاب
هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث گوید ابر سیاه
بر خواب ترس و بیم بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز گویند

غم و اندوه بوذ اما آن ابر که از کنار دریا خیزد دیدن وی در خواب
غنیمت بوذ بقدر آنچه دیده باشد ابرو ابن سیرین گوید ابرو در
خواب دیدن زینت دین باشد واگر بیند که ابروهاش تمام بوذ
دلیل که زینت دین بروی تمام بوذ واگر بیند که ابرو نداشت یا موی او
فرو ریخت کاری کند که وی را بدنامی حاصل شوذ واگر بیند که ابروهاش
سفید شده بوذ حکمت و آهستگی وی زیادت گردد و لیکن مالش
نقصان شوذ مغربی گوید اگر یک ابروی وی ریخته بیند و یک
دلیل که مال و جاه وی نقصان باشد و بعضی گویند دلیل بر نقصان
دین بوذ ابلیس دانیال گوید ابلیس بخواب دیدن دشمنی بد دین
بوذ و دروغ زن و فریبنده و بر شر و فساد دلالت کند واگر بیند
که با ابلیس در جنگ و نبرد بوذ و او را قهر کرد دلیل که او را بر راه خیر
و صلاح میل بوذ واگر بیند که ابلیس بر وی غلبه کرد بر راه شر و
فساد مایل بوذ ابن سیرین گوید اگر بیند که ابلیس با وی سخن گفت
از طاعت باز ایستذ واگر بیند که ابلیس او را نصیحت کرد و او را
خوش می آمد دلیل که او را هم بمال و هم بتن از شر و فساد او مضرت
رسد واگر دید که ابلیس دست او را بگرفت و بجایی می برد و او می
گفت لا حول و لا قوة الا بالله دلیل که بر گناهی بزرگ مبتلا گردد
و بر نصیحت کسی از گناه باز ایستد واگر بیند که ابلیس را بر گردن غل
نهاده بوذ اهل دین و صلاح را شادی رسد واگر ابلیس ضعیف
و درمانده بیند علما و مردم مصلح را فتح می رسد کرمانی گوید اگر بیند
که ابلیس او را مطیع شد دلیل که بهوا مبتلا گردد واگر بیند که ابلیس

او را عطا داد اگر چیزی نیک بوذ مال حرام یابد واگر بد بوذ فساد دین
بوذ واگر بیند که ابلیس خرم و شادمانه بوذ کار مردم بفساد قوی
گردد واگر بیند که خواست که ابلیس را بشمشیر بزند دلیل که ولایتی
بدست آورد و روی عدل و انصاف نگاه دارد واگر بیند که
ابلیس را بگرفت دلیل که نفس خود را قهر کند ارزیز ابن سیرین گوید
اگر بیند که ارزیز داشت بقدر آن متاع دنیا حاصل کند واگر ارزیز را
آلتها بوذ چون کاسه و طبق و آنچه بدان ماند و داند که ملک اوست
دلیل که بقدر آن وی را خدمتکار و چاکر باشد کرمانی گوید اگر بیند که
ارزیز گداخت دلیل بر زبان مردم افتد بر بدی جعفر صادق گوید
ارزیز در خواب بر سه وجه بوذ اول منفعت دوم خدمتکار
سوم متاع خانه ارزن ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه یا ارزن
بارش بسی بپوذ وی را از آن سود و منفعت بوذ مغربی گوید اگر بیند
که رسن یا جامه پشم یا پنبه می پوذ دلیل که بسفر رود و مال
حلال با بدست آرد واگر بیند که انچ بپوذ قز بنیه یا ابریشمینه بوذ
بقدر آن مال حرام یابد اره ابن سیرین گوید اگر بیند که باره درختی
می برید از صحبت مردی که تعلق بوی دارد مفارقت جوید و او را
بیازارد چنانک شرح هر درختی در حرف دال گفته ایم واگر بیند که
فرزند یا برادر یا خواهر را باره برید دلیل که میان فرزند یا برادر با
خواهر بیابد واگر بیند که اره فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که پسر را
پسری آید واگر فرزند و چهارپای دارد چهارپا بیع دیگر حاصل شود جعفر
صادق گوید دیدن اره بخواب بر سه وجه بوذ اول فرزند دوم برادر

سوم ابزار ابزار

ابن سیرین کوید ابزار بخواب زن باشد اگر دید که ابزار او میان بست زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که ابزار او ضایع شد از زن جدا شود و اگر ابزار او بایش بسوخت دلیل بیماری زن بود مغربی کوید که اگر بیند که ابزار ابریشمین جرکن داشت تاویلش بخلاف این بود

لرزه انجال کردیدن

دانیال کوید اگر کسی بیند که پیغمبری شد چنانک خلق را بخدای تعالی میخواند وراه توحید می نمود دلیل که اول در محنت و بلای دنیا کرفتار شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که زاهد و مصلح شد همین دلیل بود اگر بیند که توانکر شد نعمت دنیا بر وی فراخ کردد اما دین وی تباه شود کرمانی کوید اگر بیند که نام او بزرک شد چون محمد و محمود ~~و~~ وصالح [illegible] و علی مثل این دلیل که مردم او را بذکر خیر و نیکی یاد کنند و اگر بخلاف این بیند مردم او را به بدی یاد کنند و اگر بیند که امیر یا پادشاه شد و در شغل خویش عدل و انصاف نکاه داشت دلیل خیر و نیکی بود و اگر برخلاف این بود دلیل بر بدی و بدبختی کند و اگر بیند که از حال فساد بصلاح باز آمد سعادت دین و دنیا و جاه و رفعت یابد

اژدها

ابن سیرین کوید اژدها بخواب دشمنی بزرک باشد اگر بیند که با اژدها جنک می کرد و اژدها را بکشت و کوشت او بخورد بر دشمن ظفر یابد و مال بستاند و نفقه کند مغربی کوید اگر بیند که اژدها او را فرو خورد دشمن بروی غلبه کند و بیم هلاک باشد و اگر بیند که اژدها او را مطیع و فرمان بردار شد کارها او منتظم کردد

اسفندان

کرمانی کوید اسفندان بخواب غم و اندوه باشد و اگر بیند که کسی

اسفندان بدو داد از وی غم و اندوه رسد و اگر بیند که اسفندان بکسی داد غمی بوی رساند اسمعیل اشعث کوید اگر بیند که اسفندان داشت و بخورد غم و اندوه رسد

اسب تازی

دانیال اسب تازی بخواب عز و دولت باشد و اگر بیند که بر اسب تازی نشست و اسب مطیع و فرمان بردار وی بود عز و بزرکی یابد بقدر و قیمت اسب و اگر دید که اسبی داشت نه تازی و بر نشست بزرکی یابد بقدر اسب و اگر بیند که کسی اسبی بوی داد و از آلات اسب چیزی کم بود زین یا لکام بقدر آن از مرتبت وی کم شود و اگر بیند که دنبال اسب وی دراز بود و انبوه دلیل که چاکران و منصرفان شوند و اگر بیند که از اندام اسب چیزی ناقص بود بقدر آن نقصان عزت و شرف او بود و اگر بیند که با اسب جنک می کرد و اسب بروی غالب بود دلیل که بمعاصی و کناه اقدام نماید ابن سیرین کوید اگر دید که بر اسب برهنه نشسته بود دلیل که کناه و عصیان بیشتر کند و اگر از آن کسی بکر بود این تاویلها که کرده برخلاف و ند اسب را بود و اگر بیند که بر اسبی نشسته بود و اسب چون مرغ طیران میکرد دلیل که او را شرف و بزرکی بود در دین و ممکن که سفر کند کرمانی کوید اگر بیند که بر اسب سیاه نشسته بود مال بسیارش حاصل شود و اگر دید که بر اسب کمیت نشسته بود دلیل که او را از پادشاه قوت و بزرکی بود و اگر بیند که بر اسب اشقر نشسته بود دلیل بر صلاح دین و حرمت از پادشاه بود و اگر بر اسبی سمند نشسته بود یا اسبی زرد بیماری کشد و اگر بر اسبی سرمه سوار بود دلیل

بر خیر و صلاح دین بوذ و اگر بیند که از اسب فروذ امذ از بزرگی
بیفتذ و اگر بیند که از اسب برهنه فروذ امذ از معصیت و گناه باز
کردذ و اگر بیند که بر اسب سوار بوذ با سلاح تمام گناهی ازوی صادر
شوذ و اگر بیند که بر اسب نشسته و اسب اورا در مسجد شذ یا
در صومعه خیر بوذ و اگر بد در روذ بهتر بوذ و اگر دیذ که اسب او
در زمین مرلفه میکرد مال و دولت یابذ و اگر بیند که اسب با وی
سخن گفت کاری کند که مردم ازان عجب ایذ و اگر بیند که اسبی
بیگانه با وی در سخن آمذ یا بسرای او در امذ دلیل که مردی
بزرگ نامدار پیش او مقیم شوذ مغربی گویذ اگر بیند که اسبی
ماذیان بگرفت یا کسی بوی داذ که بر نشست دلیل که زنی خواهذ
و بروی مبارک بوذ و اگر ماذیان سیاه بوذ دلیل که زنی شریفه و
بزرگ باشذ و اگر ابلق بوذ زن او ماذر و پدر او از یک نسل نباشذ و اگر
ماذیان دیزه بوذ زن زشت باشذ و اگر ماذیان جرمه باشذ زن
خوب باشذ و اگر سبز بوذ زن دین دار پرهیزکار بوذ اما ماذیان کمیت
زن عشرة دوست بوذ و اگر بیند که کسی بر اسب نشسته بوذ و او
بر پس او نشست آن مرد تابع او شوذ و اگر بیند که اسبان بسیار
در سرای او در کوچه او امدند در آن موضع باران بارذ اسمعیل اشعث
گویذ اگر بیند که بر اسبی رهوار نشسته بوذ زنی نو اگر با صلاح
بخواهذ و از آن زن منفعت یابذ و اگر بیند که آن اسب با وی سخن
گفت دلیل که در عمل خویش قرار گیرذ و اگر بیند که گوش اسب وی بریده
بوذ پیغام مهتران از وی بریده شوذ و اگر بیند که اسب وی بنشاط

می رفت

می رفت و بانگ می کرد دلیل که کارش بلند شوذ و آوازه او در
دیار گسترده شوذ و اگر بیند که اسب وی بسر درامذ و زوذ برخاست
دلیل که در بعضی از شغل وی خلل افتذ و اگر دیذ که اسبی خریذ
بی دم و بروی نشست دلیل که زنی بی اصل خواهذ و اگر بیند
که با اسب بهوا شذ و با ان فروذ امذ بر دست باذشاه هلاک شوذ و اگر
بیند که اسب اورا لگد زد دلیل که عیالش تهمتی منسوب کرد و اگر
بیند که اسبش را دزدیدند عیالش بمیرذ و اگر دیذ که اسبی خریذ
زن خواهذ یا کنیزک خرد و اگر بیند که اسب را فروخت عز
و جاهش کم شوذ یا از عیال جدا کرد و اگر بیند که بر اسبی
باژگونه نشست دلیل که از وی کارها منکر بدید اید و اورا از ان
مضرت رسذ مغربی گویذ اسب در خواب هوا نفس بیننده خواب
بوذ و اگر اسب خوذ را سرکش بیند نفس او همچنین باشذ و اگر اسب را
مطیع بیند دلیل که نفس فرمان او برد و گفته اند هر اندامی از ان
اسب بنا و بلی نشانی بوذ از باذشاه و چون باذشاه خوذ را بر اسب
بیند حکم و رفعت و مملکت زیاده بوذ و عامه را اسب بخواب عز و
شرف بوذ خالد اصفهانی گویذ اگر اسبی بالانی در دیهی یا در شهری
بیند بخواب مردی غریب عجمی بران دیار ایذ و اگر بیند که اسبش
مرد و ضایع شذ دلیل که حالش بذ بوذ جعفر صادق گویذ دیدن
[illegible] در خواب بر پنج وجه بوذ اول عزت دوم مرتبت سوم
[illegible] نیکی پنجم خیر و برکت چنانک رسول صلی الله علیه وسلم
[illegible] نواصی الخیل والبرکة الی یوم القیامة والذل

فی اذناب النفس . واکر بیند که بوزنه بر اسب وی نشست جهودی
با زن وی فساد کند. **استر** ابن سیرین کوید: استر بخواب دیذن
جون مطیع نباشد مردی بوذ بدخوی بد اندرون و جون مطیع بوذ
دلیل خیر کند و اکر بیند که بر استری نشسته بوذ و ندانست که
ان استر از ان کیست بسفر رود و اکر استری نر بوذ در سفر دیر
بماند و اکر دید که بر استر خوذ نشسته بوذ سفر کند با سوذ و
منفعت و اکر بیند که بر استر زینی یا پالان یا عماری نهاده بوذ د
لیل که جفت وی نازاینده بوذ. کرمانی کوید: اکر بیند که بر استری ماده
سیاه نشسته بوذ زنی خواهد که خداوند مال و حشمت بوذ و اکر
استری سفید بوذ زنی با جمال دین دار پرهیزکار خواهد و اکر استر
سرخ بوذ زن معاشر و کشاده روی بوذ و اکر استر زرد بوذ بیمار کون
و زرد روی بوذ و اکر استر نر یا ماده بیند که نزاید دلیل بر ضعف
دشمن و بدخواه باشد. مغربی کوید: استر ماده در خواب زنی بوذ
ازاده . و استاذان این صنعت کفته اند استر نر مرد است و استر ماده
زن اکر دید که استر ماده بفروخت کنیزک بفروشد یا از وی جدا
شوذ و اکر بیند که بر استری نشسته بوذ عمرش دراز باشد و مراد
حاصل و اکر بیند که از پس وی میکذرد دلیل که او را غمی رسد. اسمعیل
اشعث کوید: اکر بیند که استر با وی سخن کفت او را کاری پیش
اید که مردم را از ان عجب آید و اکر بیند که استری بکشت مال
بسیار یابد و اکر بیند که استری وی بمرد یا ضایع شد از زن ...
جدا شوذ و کوشت استر دیذ در خواب مال بوذ و بو...

و بعضی کفته اند کوشت استر بیماری بوذ و اکر بیند که شیر استری
خورد دلیل بر دشواری کار و ترس و بیم کند. بدان قدر که شیر خورده
بوذ. جعفر صادق کوید: دیذن استر در خواب بر پنج وجه بوذ **اول** سفر
دوم زندکانی دراز **سوم** ظفر یافتن **چهارم** جمال و آرایش **پنجم** مرد
احمق. و استر ماده زن بوذ نازاینده و استر کره بخواب منفعت یافتن بوذ
استخوان ابن سیرین کوید: استخوان در خواب مالی بوذ که بدان معیشت
کند. اکر بخواب دید که استخوانی بستد و بران کوشت بوذ بقدر کوشت
مال یابد و اکر بخواب بیند که او استخوان بکسی داد دلیل که از وی بدانکس
چیزی رسد. کرمانی کوید: اکر بیند که استخوان کسی شکسته بوذ و
می بست دلیل که بزرکی یابد و صفتها کونا کون از وی ظاهر کردد.
که بیند کادنی نوای ازو بنوا کرذذ. جعفر صادق کوید: دیذن استخوان
بر هفت وجه بوذ **اول** اصل مال **دوم** خویشان **سوم**
فرزند **چهارم** همخانه **پنجم** مال **ششم** برادران **هفتم** یاران
و انبازان **استغفار** بدانک استغفار کردن در خواب امرزش بوذ از
خدای تعالی. ابن سیرین کوید: اکر بخواب بیند که استغفار میکرد حق
تعالی ورا مال و فرزندان بسیار کرامت کند چنانک فرموذ **استغفروا
ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال
وبنین ویجعل لکم جنات** جعفر صادق کوید: استغفار بر چهار
وجه بوذ **اول** اصل مال **دوم** خویشان **سوم** امرزش خواستن از
خدای تعالی **چهارم** توبه از کناه **اصطرلاب** کرمانی کوید: اصطرلاب بخواب
بحاجب سلطان بوذ اکر بیند که اصطرلاب داشت یا بخرید از حاجب

سلطان شوذ وجاه ومنزلت یابذ واگر بیند که اصطرلابش ضایع
شذ یا بشکست زجاه بیفتاذ مغربی گویذ اگر دیذ که اصطرلاب داشت
وبآفتاب نگاه میکرد بکار سلطان مشغول شوذ وخیر ومنفعت یابذ
بعضی از معبران گویند اصطرلاب بخواب مردی بوذ که اورا اثبات و
عزم نباشد **اسفناج** درخواب دلیل بر غم واندوه بوذ وخوردن
وی نقصان مال اما اگر دیذ که بگوشت بخته بوذ یا بروغن وارو
بخورد دلیل بر خیر ومنفعت باشذ **اشتر** ابن سیرین گویذ اگر
کسی خوذ را بر اشتر مجهول بیند که برشتاب می رفت دلیل که زوذ
بسفر روذ واگر دیذ که اشتر جولان میکرد دلیل که غمگین گردد واگر
بیند که که از اشتر فروذ آمذ بیمار شوذ وشفا یابذ واگر دیذ که بر
اشتری نشسته بوذ وراه گم کرد وندانست که راه کجاست در خوذ
سرگردان شوذ واگر دیذ که اشتری ماذه یافت زن خواهد واگر
اشتر با بچه بیند آن زن که بخواهد بچه بوذ واگر بیند که بار
اشتر می دوذ دلیل که غمگین شوذ واگر بیند که اشتر مطیع نشذ غمگین
شوذ دانیال گویذ اگر بیند که بر اشتری مست نشسته بوذ دلیل
که بر مردی بزرگ غلبه کند واگر بیند که با اشتر بختی جنگ ونبردی
کرد با مردی که دشمن او بوذ خصومت کند واگر بیند که رمه
اشتر می چرانید وان اشتران ملك وی بوذند بر ولایتی فرمان
روا شوذ واگر بیند که اشتری می دوشید از باذشاه مال وجاه
یابذ واگر دیذ که ماذه شتری بوی داذند یا بخرید زن خواهد
یا کنیزك خرذ واگر بیند که بجای شیر از اشتر خون می دوشید

مالی حرام بذو رسد واگر بیند که ماذه شتری بیفتاد وبمرد زنش
بمیرذ واگر بیند که اشتر او بچه بیاورد زنش فرزند آورد ومالش
زیادت شوذ کرمانی گویذ اگر بیند که گوشت اشتر بوی داذند
مال یابذ بقدر گوشت واگر دیذ که اشتر را قربان می کرد وگوشت
بمردم می داذ دلیل که مردی بزرگ از ایشان بمیرذ واگر بیند که اشتری
مجهول از پس وی می آمد دلیل که متفکر شوذ واگر دیذ که اشتری را
بون خوذ کرد ولیذ دلیل که دشمنی زبون کند واگر بیند که رمه اشتر
بی یاد در دهی جمع شدند بدان دیار بیماری وخرابی مستولی
گرذذ واگر بیند که اشتران بار جو وگندم داشتند دلیل که در ان
دیار خرمی وفراخی بوذ جابر مغربی گویذ اگر بیند که بر اشتر نشسته بوذ
بسفر شوذ واگر اشتر بختی بوذ سفرش دوذتر بوذ واگر بیند که بر
اشتری یك ساله نشسته اند وهلاك شوذ واگر بیند که بر اندام
اشتر وی خون روان شذ سعادت ونعمت دنیا یابذ بقدر آن
خون واگر بیند که اشتر می کشیذ با مردی بزرگ خصومت کنذ واگر بیند
در دریا بار اشتر بسیار یافت دلیل که بزرگی وفرمان روایی یابد
بیند که اشتر یافت وبکشت وگوشت کرد مردی بزرگ در ان
دیار بمیرد ومال او قسمت کنند اسمعیل اشعث گویذ اگر بیند که اشتر
بسیار داشت ودانست که ملك او بوذ اگر بیننده عرب بوذ در عرب
باذشاه شوذ واگر بیننده عجمی بوذ در عجم باذشاه شوذ واگر اشتران
بختی بوذند بر دشمن ظفر یابذ واگر زنی بخواب بیند که بر اشتری
نشسته بوذ وهرجا که خواست می رفت دلیل که ان زن شهری کند

وشوهر مطیع وی شود و اگر بیند که اشتری بخورد از پادشاه مال
یابد و پوست اشتر مال و نعمت دنیا باشد. و بعضی از معبران گفته اند
میراث باشد و اگر بیند که اشتری بر وی سخت کوفت دلیل که چیزی
و نیکوئی بوی رسد. جعفر صادق گوید: اشتر در خواب بر ده وجه باشد اول
پادشاه عجمی دوم امیری بزرگ سوم مرد مؤمن چهارم سیل پنجم
فتنه و جنگ ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت
دهم مال و اشتر عربی دلیل کند بر عرب و اشتر عجمی دلیل کند بر عجم
و اشتر بانی بنا و بار خداوند تدبیر و ولایت باشد. و راست کننده کار [illegible]
اشتر مرغ در خواب دیدن مرد بیابانی بود و اشتر مرغ ماده زن
بیابانی بود و اگر بیند که اشتر مرغ ماده بگرفت یا کسی بدو داد دلیل
که زنی بخواهد یا کنیزکی خرد و اگر دید که بر اشتر مرغی نشسته بود
دلیل که سفر بیابان کند و معبران گویند بر مردی بیابانی غالب شود
و بکاری بزرگ رسد. کرمانی گوید: اگر بیند که اشتر مرغی بکشت مال
حاصل کند. و اگر بیند که بچه اشتر مرغ داشت دلیل که فرزندش
از زن بیابانی شود. مغربی گوید: اگر بیند که بر اشتر مرغی نشست
و اشتر مرغ او را مطیع شد با مردی بیابانی بسفر رود و از آن سفر
با سود و منفعت باز گردد و اگر بخلاف این بیند بد باشد. اشترقاز
ابن سیرین گوید: اشترقاز بخواب دیدن غم و اندوه بود و اگر بیند
که اشترقاز فرا گرفت و بدو داد و می خورد غم و اندوه بوی رسد
و اگر بیند که اشترقاز بکسی داد یا بفروخت از غم و اندوه رسته
گردد. اشک اگر دید که اشک سرد از چشم می بارید شادی و خرمی

شود. و اگر بیند که بی گریستن اشک بر روی او بود بروی طعن
زنند و اگر بیند که اشک گرم می بارید غم و اندوه می بارید جعفر
صادق گوید: اشک از چشم آمدن در خواب بر سه وجه بود اول
شادی و خرمی دوم غم و اندوه سوم مال و نعمت. اشنان
ابن سیرین گوید: اشنان در خواب غم و اندوه بود و خوردن وی
بیماری. اصلع و اگر سر بود اگر اصلعی بخواب بیند که بر سر وی
موی رسته اندک مالی حاصل کند. و اگر بیند که اصلع شد از غم
و اندوه برهد. اما اگر زنی بیند که اصلع شد زینت و آرایش او
نقصان پذیرد. کرمانی گوید: بازرگان اصلع شدن فائده بود در
تجارت و پیشه کار را در کسب و پادشاه را بعکس و زنان را نقصان
زینت. افروشه ابن سیرین گوید: افروشه آن بهتر که در وی زعفران
بود و چون اندک بود سخن لطیف باشد و چون بسیار بود مال که
برنج بدست آید. و اگر بیند که کسی افروشه بوی داد و بخورد سخن
خوش شنود. و اگر بیند که افروشه بسیار داشت دلیل که مالی
بجهد و رنج حاصل کند. جعفر صادق گوید: افروشه در خواب
بر سه وجه بود اول سخن خوش دوم یافتن مال سوم حصول
مراد و گنج امید. و اما افسرده کرمانی گوید: چیزها افسرده دیدن
بخواب غم و اندوه بوی رسد. مغربی گوید: چیزها افسرده در خواب
جنگ و خصومت بود بقول معبران هیچ چیز نخورد از افسردها
بنوشد. افسون ابن سیرین گوید: افسون در خواب و نیز مردم
بود مگر اسم اعظم و آیة قرآن و چون بیند که افسون کرد و از آن

افسون اورا یاد بکری یا شفا از رنج حاصل شد دلیل که از غمها
و رنجها فرح یابد افیون ابن سیرین گوید افیون در خواب غم و اندوه
بود آله دانیال گوید آله در خواب پادشاهی با هیبت و ستم کش
بود و اگر بیند که آله بگرفت یا کسی بوی داد و مطیع او شد دلیل که
پیش پادشاه خاص و مقرب گردد و اگر بیند که آله را بگرفت دلیل
که بفرمان پادشاه سفری کند و بزرگی یابد ابن سیرین گوید
اگر بیند که آله در جائی فرود آمد پادشاهی بدان فرود آید و اگر بیند
که مردمان آن جای آله را بکشتند پادشاه آن دیار معزول شود
و اگر بیند که آله از دهان چیزی بیاورد و بوی داد بقدر آن از
پادشاه عطا یابد و اگر بیند که آله از دست وی بپرید و برشته
یا از پر و بال او چیزی باز ماند دلیل که پادشاه بروی خشم
گیرد و اورا از پیش خود دور کند کرمانی گوید که اگر آنرا بروی
شکار کرفت دلیل که مال و خزانه پادشاه و غلامان مطیع او
شوند و اگر بیند که اورا بچنگال و منقار بدرد اورا از پادشاه
بلا رسد و مالش بستانند و اگر بیند که آله با وی جنگ و نبرد می
کرد دلیل که اورا جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که گوشت
آله خورد یا از پر او بکند بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد
و اگر بیند که بر سر آله نشست دلیل که اورا بسری آید و شاد
شود جعفر صادق گوید دیدن آله در خواب بر دو وجه بود اول
پادشاه ظالم دوم عالم دیانت و بعضی از معبران گویند که
داشتن آله در خواب درازی عمر بود آلو ابن سیرین گوید که

آلو سیاه و سرخ در خواب بوقت دلیل مال و جاه بود و آلوی زرد
دلیل بیماری امامت کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که در پیش قومی
امامت میکرد و امام نبود دلیل که بر سران قوم مهتری کند
و همه تابع او شوند و اگر بیند که جمعی در نماز بودند و اورا گفتند
ما را امامت کن یا پادشاه قوم که ایشانرا امامت کن و امامت کرد
در آن دیار امیر و فرمان روا شود و ایشانرا عدل و انصاف کند و
اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد بر ایشان جور و ظلم کند کرمانی
گوید اگر بیند که امامت قومی نشسته میکرد دلیل که بیمار گردد
و اگر دید که در پهلوی خفته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل که زود
بمیرد و آن قوم بروی نماز کنند و اگر امامی را بخواب دید شرف
و بزرگی یابد و اگر دید که امام را ولایتی میداد یا با امام در خانه
رفت یا امام ویرا چیزی بخشید یا با وی عتاب کرد این جمله شرف
و بزرگی بود و اگر دید که با امام طعام خورد بقدر آن غم و اندوه
بوی رسد جابر مغربی گوید اگر دید که با امام بر چهارپای
برنشست دولت و ولایت یابد یا صاحب دولتی با وی شریک شود
و اگر بیند که از پس امام میرفت و اقتدا بدان امام کرد دینش با سلامت
بود و اگر بیند که امام در شهر یا در دهی یا در سرایی شد دلیل که
مصیبتی بدان دیار رسد اسمعیل اشعث گوید هر چه امام
در خود و آلت خود کم بیند نقصان مال او باشد و زیادت بر خلاف
جعفر صادق گوید امامت کردن در خواب بر شش وجه بود اول
فرمان روایی دوم پادشاهی بعدل سوم بزرگی علم چهارم

فصد کردن چیز پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمنان و اگر
بیند که امامت زنان میکرد بر گروهی ضعیفان والی شود و اگر دید
که امامی را از آسمان فرود آمد و قومی را امامت کرد دلیل که رحمت
باشد بر اهل زمین و اگر بیند که بر مردم امام شد دلیل که پادشاهی
و کامروایی بیند امرود ابن سیرین گوید امرود در وقت خود
چون شیرین بود مال حلال باشد و امرود زرد بیماری باشد
و اگر بیند که امرود سرخ یا سبز شیرین خورد مال و خواسته
بود و اگر ترش و ناخوش بود غم و اندوه بود کرمانی گوید امرود
شیرین بوقت خوردن در خواب مراد بود و اگر بیند که امرود گلو
گیر می خورد دیر که چیزی خورد که در آن شبهت بود جعفر صادق
گوید دیدن امرود در خواب بر پنج وجه بود اول مال حرام دوم
توانگری سوم زن چهارم یافتن مراد پنجم شفقت انار دانیال
گوید اصل انار در خواب مال بود بقدر مرتبت مردم و اگر نه بوقت
خود بود بد باشد و اگر بیند که انار از درخت بچید و بخورد از زنی
با جمال منفعت یابد ابن سیرین گوید انار شیرین در خواب زنی بود
با مال و بعضی از معبران گفته اند انار شیرین خوردن در خواب
هزار درم بود که بیابد و انار ترش غم و اندوه و اگر دید که انار
خورد و ندانست که ترش بود یا شیرین حکمش بر شیرین باشد
مغربی گوید اگر بیند که انار بوقت خویش بخورد مال بسیار یابد
و اگر بیند که زمستان بخورد بعد و هر دانه چون بخورد به همه حال
انار ترش بد باشد جعفر صادق گوید خوردن انار شیرین بر سه وجه بود

اول جمع مال دوم زن پارسا سوم شهر آبادان انجیر ابن سیرین
گوید انجیر خوردن در خواب بد باشد و اگر بیند که انجیر بستد
یا کسی بدو داد بقدر آن غم و اندوه بدو رسد کرمانی گوید انجیر
زرد بیماری بود و انجیر سیاه غم و انجیر سبز در وقت خوردن
زیان ندارد انجیل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که انجیل می خواند
از حق بباطل و فتنه گردد کرمانی گوید اگر انجیل از کتاب می خواند
از کسانی که بر ملت عیسی اند فایده بیند و اگر بیند که از بر بخواند
از حق بباطل گراید انداختن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی او را
بینداخت دشمن بر وی غالب شود و اگر بیند که او کسی بینداخت
بر دشمن غالب شود و اگر کسی بیند که سنگ بر وی انداخت سخن
سخت بوی گویند و اگر بیند که وی سنگ بر کسی انداخت کسی را
برنجاند و گویند او را بزنی متهم کنند کرمانی گوید اگر بیند که شکر یا بادام
یا فندق بکسی انداخت بقدر آن بذل و عطا بیند از و و اگر شکر و بادام
و غیره بجهان بایان انداخت مال خود بر جاهلان هزینه کند اندامها
ابن سیرین گوید اگر بیند که اندامی از آن او افزون شده بود خویشان
او زیادت شوند و او در موضع خود مقیم شود و اگر بیند که اندام
بریده شد و از تن بیفتاد بسفر شود و خویشان وی را گذاره شوند
و اگر بیند که اندامهای خود می برید و جدا می کرد خویشان و اهل
بیت او در شهرها پراکنده شوند کرمانی گوید اگر بیند که کسی از
اندام او پاره گوشت برید دلیل که خویشان او بغربت روند و اگر
بیند که اندامها او از رده بود بیمار شود و اگر بیند که مرغی پاره گوشت

بیرجا از مال او چیزی ببرند برود واگر بیند که از اندام او گوشت
می بریدند و در پیش مرغ می افکند از مال خود چیزی بکسی دهد
معزبی گوید اگر کسی بخواب بیند که اندامی از اندامها او باوی
سخن گفت دلیل که درمیان خلق رسوا شود قالوا انطقنا الله الذی
انطق کل شیء واگر بیند که اندامی از اندامهای او تباه گشت
بر راه رست بنوذ ام فضل گوید با رسول الله صلی الله علیه و سلم
گفت خوابی منکر دیدم گفت چه دیدی گفتم دیدم که پاره از اندام
تو بریدم و در کنار نهادم گفت نیکو دیدی فاطمه پسری آورد و
در کنار تو بزرگ شود بعد از آن حسین رضی الله عنه در وجود
امد و در کنار او بزرگ شد انگبین گوید انگبین در خواب
غنیمت بوذ از مالها و نیکی از کارها زیرا که ان شفاء دردهاست
شفا للناس ابن سیرین گوید انگبین مردم عامه را روزی بوذ اندک
و شهد روزی بسیار جعفر صادق گوید خوردن انگبین در خواب بر سه
وجه بوذ اول روزی حلال دوم منفعت سوم کام دل یافتن
انگشت ابن سیرین گوید پنج انگشت دست راست دلیل بر پنج نماز بود
و پنج انگشت دست چپ دلیل فرزند و خویشان انگشت مهین
دلیل نماز بامداد انگشت مسبحه نماز پیشین وانگشت وسطی نماز
دیگر وانگشت بنصر نماز شام وانگشت خنصر نماز خفتن از اهل تاویل
گفته اند زیادت و نقصان دست راست بر صلاح و فساد نمازها
کند واگر بیند که پنج انگشت دست راست نداشت در نماز تقصیر
کند واگر بیند که پنج انگشت چپ نداشت فرزند یا براذر بمیرد کرمانی

گوید اگر بیند که انگشت بهم اندر گذاشت دست تنگ شود
واگر بیند که انگشتان بهم جمع کرد کار فرزند و براذرش بصلاح اید
مغربی گوید اگر بیند که انگشت مسبحه او ببریدند فریضه نماز را تقصیر
میکند واگر انگشت مهین ببریدند توانگر بوذ واگر انگشت میانگی بریده
بیند دانا شهری بزرگی یا عالمی بمیرد واگر بنصر بریده بیند زیان
مال بوذ واگر انگشت کوچک بریده بیند فرزند زاده او بمیرد و انگشتان
پای در خواب زینت و آرایش بوذ اگر قوی و درست بیند کارهای
کدخدایی او ساخته گردد واگر بیند که انگشتان پای او را آفتی رسید
دلیل که او را غمی سخت پیش آید واگر انگشتان دست و پای کج بیند
دلیل که کارهاء او باشکوه بوذ جعفر صادق گوید دیدن انگشتان بر شش
وجه بوذ اول فرزند دوم برادرزادگان سوم خادمان چهارم
یاران پنجم قوت ششم پنج نماز خلف اصفهانی گوید اگر
بیند که از انگشتان مهین وی شیر می آید و از انگشت مسبحه خون
آنکس با مادر زن خود فساد کند واگر بیند که انگشت وی آوازی
بکرد با خویشان گفت و گوی کند انگشترین دانیال گوید چون
انگشترین مجهول بوذ از خداوندش بنو خبر رسد واگر بیند که
کسی انگشترین بوی داد تا چیزی مهر کند دلیل که از آنچه مراد او
بوذ بهره بیابد واگر توانگر بوذ مالش زیاده شود واگر بیند که در
نماز یا در مسجد یا در غزا کسی انگشترین بوی داد آنکس زاهد بوذ و
نصیبی از زهد وی بیابد واگر پادشاه بوذ نصیب مملکت یابد
واگر توانگر بوذ نصیب از مال بوذ واگر غازی بوذ بهره از غزا یابد

وصفتهاء دیگر برین قیاس کند واگر بیند که باذشاه انکشترین
بوی داذ از مملکت سلطان بهره یابد ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب
بیند که انکشترین ضایع شد در کارها او دشواری پدید آید
واگر بیند که نگین انکشترین وی بشکست بزرگی وجاه وی نقصان
شوذ واگر بیند که انکشترین خوذ بخشید دلیل که انچه دارد ببخشد
واگر بیند که انکشترین بفروخت و بها بستد انچه دارد بفروشد
و نفقه کند واگر باذشاه بیند که انکشترین وی ضایع شد
مملکت از دست وی برود کرمانی گوید اگر انکشترین زر بوذ مال
او از حرام حاصل شوذ واگر بیند که از سیم بوذ مال وحلال باشد و
اگر بیند که انکشترین از هفت جوش بوذ یا از سفید روی یا و پیل
آهن دارد واگر از زر بدنی وحقیرتر مغربی گوید اگر بیند که در انکشت
وی انکشترین آهنین بوذ قوت و توانایی یابد واگر بیند که از
برنج یا از مس است از مردم بی اصل منفعت یابد واگر انکشترین از
بلور بیند از غلام چیزی بوی رسد واگر بیند که انکشترین پیش
مردم بامانت نهاد یا بخشید وانکس باز برد زنی خواهد واورا
نهند واگر بیند که انکشترین وی بشکست باعیال جدایی افتد
واگر بیند که انکشترین یافت ودو نگین داشت بر قومی فرمان
روا شوذ و مال حلال حاصل کند واگر بیند که یکی از آن دو نگین بیفتاذ
دلیل که از گناهی توبه کند واگر بیند که نامه نوشته بانکشترین
مهر کرد چیزی آشکارا بذو رسد جعفر صادق گوید انکشترین
سیمین در خواب بر چهار وجه بوذ اول مملکت دوم زن سوم

فرزند چهارم مال وانکشترین زرین بر سه وجه بوذ اول جور از
باذشاه دوم بدعت از عالمان سوم خیانت از بازاریان
وانکشترین زر زنان را نیک بوذ واگر بیند زنی که انکشترین یا نگین
از وی ضایع شد حشمت وجاه از وی بشوذ یا فرزندش بمیرد یا مالش
تلف شوذ انکور سیاه دانیال گوید خوردن انکور سیاه در وقت بخواب
دیدن غم واندوه بوذ و بی وقت بیماری و ترس مغربان گویند بعدد
هر دانه که خورده باشد چوبی بزنند و خوردن انکور سفید بوقت
خوذ خیر و نعمت بوذ و بی وقت دلیل که از دهان خداوند سخنی
خوش بیرون اید وانکور سرخ همین بوذ کرمانی گوید انکور سیاه در وقت
بخواب دیدن فراخی و نعمت بوذ و بی وقت غم و اندیشه و هر انکور
که مالوی روشن تر دلیل بر مال الحلال و خلاف بر خلاف و هر انکور
که شیرین تر مال و منفعت زیادت تر مغربی گوید اگر بیند که انکور
در اناء چوبین می فشرد خدمت باذشاه ستمگر کند واگر بیند که آن
انا از خشت و گل بوذ خدمت باذشاهی عادل با دیانت کند واگر دید
که انکور در طشت می فشرد دلیل که حدیث زنی بزرگ کند واگر دید که
انکور در کاسه می فشرد حدیث کسی خسیس کند واگر دید که انکور
می فشرد و شیره او در خمها جمع می کرد دلیل که مال بسیار از سبب
باذشاه او را حاصل شوذ جعفر صادق گوید انکور سپید و سیاه
بوقت و غیر وقت بر سه وجه بوذ اول فرزند نیک دوم علم وافر
سوم مال حلال و فشردن انکور در خواب بر سه وجه بوذ اول
مال با خیر و برکت دوم فراخی سوم امان از بلا عام فیه یغاث

النّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ **افتادن** ابن سیرین کویذ اکر بیند که بر
روی در افتاذ تشویش وبرا کندکی بوذ خاصّه در جنك واکر بیند که
ازجایکاهی بزیر افتاذ امیذی که دارذ بر نیایذ واکر بیند که از
کوهی بزیر افتاذ حالش بذ بوذ واکر زخمی سخت بوی رسیذ بقدر
زخم اورا زیان افتذ واکر بیند که پایش بلغزیذ وبیفتاذ ورنجی بوی رسید
بقدر رنج زحمت یابذ واکر بیند که از آسمانه خانه بزیر افتاذ از پاذشا
غم واندوه بیند واکر بام خانه یا دیوار خانه بروی افتاذ مال بسیاری
بوی رسد والله اعلم **حرف الباء باذام** ابن سیرین کوید
باذام در خواب نعمت وروزی بوذ که برحمت بدست آیذ واکر دیذ
که باذام فراکرفت یا کسی بوی داذ بقدر آن نعمت یابذ ومعبران
کفته اند تاویل باذام در خواب علم بوذ وشفا از رنج معزلی کویذ
اکر بیند که باذام با پوست داشت یا کسی بوی داذ از مردی بخیل
چیزی یابذ واکر بیند که مغز باذام تلخ داشت از مردی بخیل بذو
جفا بی رسد واکر بیند که از مغز باذام روغن بیرون آورد از مردی
بخیل منفعت یابذ کرمانی کویذ دیذن باذام در خواب مال ونعمت
باشذ واکر باذام با پوست باشذ مال برنج وسختی بدست آیذ
جعفر صادق کویذ دیذن باذام در خواب بر دو وجه بوذ اول مال
نهاذن دوم شفا از بیماری **باوبادیذن پاذشاه** ابن سیرین کویذ دوازده
چیز است که بیننده خواب را دلیل است بر پاذشاهی **اول** انك
بیند که پیغمبر علیه السلام اورا امام کند **دوم** انك علم شریعت ورزذ
سیوم انك کوس پیغمبر علیه السلام پیش او زنند **چهارم** انك بر منبر

او علیه السلام خطبه کند **پنجم** انك جامه رسول الله صلی الله
علیه وسلم بوشذ **ششم** انك انکشتری اورا در انکشت کند **هفتم**
انك بیند که چشم او آفتاب وماهتاب کشت **هشتم** انك بیند
که چشم او روزنه خانه کشت **نهم** انك بیند که چشم او محراب مسجد
آدینه بوذ **دهم** انك بیند که چشم او دیوار شهری کشته بوذ
یازدهم انك پاذشاهی مرده اورا انکشتری دهد **دوازدهم** انك
بیند که چشم او کاوی شذه بوذ یا بازی یا مقامی واین دوازده
چیز بخواب دلیل پاذشاهی بوذ دانیال کویذ اکر دیذ که پاذشاه
اورا جامه وکلاه داذ دلیل که بر مردمان خویش رئیس ووالی کردذ
واکر دیذ که بر سر او کلاهی بوذ پاکیزه وبزرك دلیل بر شرف واقبال
وصلاح کار وی وزیادتی عمر واکر دیذ که بر سر پاذشاه کلاهی چرکین بوذ
دلیل حال بذ پاذشاه بوذ واکر دیذ که بر سر پاذشاه دستاری بوذ
چنانکه در روزکار رسول علیه السلام بر سر صحابه بوذ دلیل کنذ که
پاذشاه دین دار با عدل ودیانت بوذ واکر دیذ که پاذشاه یار کرفت
وبفرمان او شذ مملکت جهان بکیرذ وپاذشاه شوذ اکر بیند که پاذشا
یاذ او کند بیننده خواب توانکر کردذ واکر بیند که پاذشاه در کوچه
یا در محلتی فرو آمده آن قوم غم واندوه رسد **ان الملوك اذا دخلوا
قرية افسدوها وجعلوا اعزة اهلها اذلة** واکر در آمذن او آنجا
چیزی منکر نبوذ هیچ مضرت وزیان نرسد کرمانی کویذ اکر بیند که
در جنك وخصومت با پاذشاه غلبه کرد حاجتی که دارذ روا شوذ
واکر پاذشاه بخواب بیند که کعبه سرای او شذ دلیل که هرکز مملکت

اورا از زوال نشود و از دشمن ایمن شود واکر بیند که بکسی سلام
کرد ایمنی باشد از غم و اندوه چنانک فرمود سلام علیکم طبتم
فادخلوها خالدین واکر باذشاهی بیند که رسن در دست داشت
یا دست در رسن زده بود دلیل که بر راه راست می رود و
بجادهٔ عقل و انصاف اقامت می نماید واعتصموا بحبل الله جمیعا
ومغربی کوید اکر بیند که پیش باذشاهی عرب بزرک بودی دلیل که
از باذشاه بهره و نصرت یابد واکر باذشاهی را در لباس نیکو بیند
دلیل بر بزرکی و زیادتی باذشاه و ولایت بود واکر در باذشاهی نقصان
بیند دلیل بر خلاف بود واکر بیند که واکر بیند که باذشاهی بروی
خفته بود دلیل که باذشاهی بروی بماند واکر باذشاه بیند که
بر زمین فرو شد دلیل که در رنج و سختی کرفتار شود و بعضی
کویند باذشاهی بروی قرار کیرد واکر بیند که بر در سرای باذشاه امد
شد کردی از مردم باذشاه او را منزلت بیفزاید جعفر صادق رضی الله
عنه کوید اکر باذشاه را تازه روی و خرم بیند کارش بصلاح باز
اید واکر حاجب باذشاه را بیند از شغل او فرو ماند واکر ندیم باذشاه
بیند از کسی سلامت بیند واکر اعوان باذشاه را بیند کار بسته
بروی کشاذه کردد واکر جلاد باذشاه را بیند مراد زود حاصل شود
واکر امیر باذشاه را بخواب بیند کار وی قوی کردد واکر علم باذشاه را
بیند خبری بشنود اسمعیل اشعث کوید اکر بیند که باذشاه بخانه
او رفت از باذشاه بوی مال و راحت رسد بانیله ابن سیرین
کوید بانیله در خواب کدبانوی خانه بود واکر بیند که بانیلهٔ نو

بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کدبانوی نو بخانه آورد کرمانی
کوید اکر بیند که در بانیله چیزی از خوردنی بود دلیل که او را از
کدبانوی خانه خیر و منفعت رسد واکر بیند که در بانیله چیزی
ناخوش بود از کدبانوی خانه او را مضرت رسد باذ ابن سیرین
کوید اکر بیند که باذی سخت می جست مردم ان دیار را ترس و بیم
بود واکر بیند که باذ چنان سخت بود که درختان را می افکند دلیل که
مردم ان دیار را بلا و مصیبت رسد از علت وبا و طاعون و سرحد
کرمانی کوید باذ سموم در خواب دلیل بر بیماری و باذ معتدل دلیل بیماران
[illegible] واکر بیند که باذ او را از جایی بجایی برد دلیل که سفری
دور کند و دران سفر جاه و بزرکی یابد واکر بیند که با باذ کرد و غبار بود
ترس و بیم مردم آن دیار بود مغربی کوید اکر بیند که باذی سخت بسوی
آسمان برد اجلش نزدیک بود واکر بیند که باذ او را از اسمان بزمین
آورد از بیماری شفا یابد جعفر صادق کوید دیدن باذ در خواب
بر نه وجه بود اول بشارت دوم فرمان روایی سوم مال
چهارم مرک پنجم عدل ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا
نهم راحت واکر بر باذ نشسته بود بزرکی و فرمان روایی یابد
اسمعیل اشعث کوید اکر بیند که باذ مغرب بر وی جست دلیل بر راحت
اهل ان دیار بود واکر بخلاف این بیند خیر نباشد واکر بیند که
بانک باذ می شنید دلیل که خبر باذشاه دران دیار کسترده شود واکر
بیند که باذ مردم ان دیار بر کرفت و باسمان برد ان مردمان شرف
و بزرکی یابند باذنجان ابن سیرین کوید اکر کسی بخواب بیند که در بیا

جمعی بادی رها کرد چنانک مردم بشنیدند دلیل که سخنی گوید که
مردم افسوس کنند و بدان سخن در زبان خلق افتد و اگر باد نرم رها
کرد و بوی ناخوش ولی آواز آن نشنیدند سخن زشت گوید امّا
رسوا نشود و اگر بیند که آواز داشت و بوی ناخوش نداشت از کاری
یا فایده جدا شود و چنین شرح دادن بود و اگر بیند که کسی بر قصد باد رها
کرد و مردم بر وی می خندیدند و او شرم می داشت دلیل که بی شغلی
مراد و معیشت وی ساخته گردد جعفر صادق گوید باد رها کردن
در خواب بر چهار وجه بود اوّل سخن زشت دوم شنعت
سوم کاری که بدان ملامت کنند چهارم رسوایی و اگر بیند که
قصد را باد رها کرد این کسی بی دین بود باذرو ابن سیرین گوید
اگر بیند که باذرو می خورد حاجت وی روا شود و مراد یابد زیرا که
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مَا اطیبك وَمَا اطیب ریحك یعنی چه
خوشی و چه خوش بویی جعفر صادق گوید خوردن بادرو بر سه
وجه بود اوّل حاجت روایی دوم کام دل یافتن سوم دینار غایبه
دیدن بادریسه مهر دولت بود کرمانی گوید اگر زنی بخواب بیند که باد
ریسه یافت یا کسی بوی داد اگر آبستن بود خیر زاید و اگر آبستن نبود
از خویشان او یکی بزاید و اگر مردی بیند که بادریسه خرید یا کسی
بدو داد دلیل که کنیزکی خرد و اگر زنی بیند که بادریسه از دولت وی
بیفتاد دلیل که مهر وی از شوهر بریده شود یا دخترش بمیرد باذنجان
ابن سیرین گوید خوردن باذنجان در خواب بوقت وی وقت پخته
و خام تر و خشک غم و اندوه بود کرمانی گوید اگر بیند که باذنجان

بسیار داشت و همه ببخشید یا بعضی بخت یا از مقام خود بیرون
اندازد چنان از غم و اندوه رسته گردد بار بردن ابن سیرین گوید اگر بیند
که بر پشت بار سنگ می برد بقدر جنس بار وی خیر و منفعت رسد
و اگر بیند که بر پشت بار گران داشت گناه و معاصی بسیار کند
کقوله تعالی لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیامة کرمانی گوید
اگر بیند که بار بسیار داشت و داند که ملك او بود بقدر آن جنس
او را منفعت رسد و اگر آنچه داشت از آن او نبود خیر و شر بار بخداوند
بار گردد باران دانیال گوید باران در خواب برکت و رحمت بود از حق
تعالی چون باران عام باشد یعنی بهمه جای برسد قوله تعالی
وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ
بخواب دیدن باران در وقت خویش نیکوتر باشد که مردم باران خواهند
و اگر بیند که باران سخت بارید و جایی دیگر نبارید دلیل بر بیماری و رنج
اهل آن موضع بود و اگر بیند که اول سال یا اول ماه باران بارید در آن
سال و ماه خیر و نعمت بود و اگر بیند که باران تیره و سخت می بارید
فتنه و عذاب بود در آن دیار و اگر بیماری بخواب بیند که باران خرد
می بارید شفا یابد و اگر بیمار بیند که باران سخت و تیره می بارید
دلیل که در آن دیار بیماری هلاك شود ابن سیرین گوید اگر بیند که
باران سخت نه بوقت می بارید دلیل که بیماری و لشکر در آن دیار افتد
و اگر بیند که بر آب باران مسح می کرد دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد
و اگر بیند که باران بر سر وی می بارید و جامه وی تر می گشت بقدر تری
جامه منفعت یابد و اگر بیند که بسفر رفت و باران بر وی بارید در آن

سفر سود و منفعت یابد و اگر بیند که باران بر سر مردم می بارید
هم چون طوفان دران دیار مرگ مفاجاة اید نعوذ بالله و اگر بیند که ان
قطره باران اوازی می امد عزت و جاه او زیادت شود و اگر بیند که
باران عظیم می بارید چنانک بهر جانبی جویها روان گشت دلیل بر پادشاه
متعصب کند و اگر بیند که ان جویها نمی توانست گذشت دلیل که شد
پادشاه ازخود دفع نتواند کرد و اگر بیند که از هوا آب می امد نه بکردار
باران عذاب خدای تعالی و بیماری دران موضع بدید آید کرمانی گوید اگر
کسی بیند که بجای باران انگبین می بارید دلیل که غنیمت و نعمت
دران دیار بی قیاس بود و هر چیز که بیند که از اسمان می بارید تاویلش
از ان جنس آن چیز بود و اگر بیند که اب باران می خورد و ان اب صافی
و روشن بود بقدر ان خیر و راحت بدو رسد و اگر بیند که اب باران
تیره و ناخوش بود بقدر ان رنج و بیماری کشد جعفر صادق گوید دیدن
باران بخواب دوازده وجه بود **اول** رحمة **دوم** برکت **سوم** فریاد خواستن
چهارم بیماری **پنجم** بلا **ششم** کارزار **هفتم** خون ریختن **هشتم** فتنه
نهم قحط **دهم** امان **یازدهم** کفر **دوازدهم** دروغ **بارانی** ابن سیرین گوید
اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی بارانی بود دلیل که به نیکونامی معروف
شود و اگر بیند که بارانی از خز یا از دیبا بود کارها مکروه کند اگرچه
او را دران کار افرین و مدح و ثنا کنند و اگر بیند که بارانی از پشم بود یا از
کتان یا از پنبه و سپید بود دلیل نیکویی بود زیرا که صلاح دین و دنیا
در بدن جامه سپید است و اگر بارانی سرخ یا سیاه بود خیر و منفعت یابد
اما کمتر از ان باشد و اگر بارانی زرد بیند دلیل بیماری بود و بارانی

مردم زیاده میشو
کشتم بهر چار کنم همه
الصد بند مفی
حاج حرک

اسفید خیر باشد **باروی** ابن سیرین گوید باروی شهر و قلعه و دیه
دلیل بر پادشاه بود و معبران گویند اگر بیند که باروی شهر بلند و قوی
شد دلیل بر قوت پادشاه کند و اگر بیند که باروی شهر بیفتاد دلیل بر هلاک
پادشاه بود و اگر برجی بیفتاد دلیل بر هلاک والی بود و اگر بیند که
بارو را نو کرد پادشاه نو دران شهر مقیم شود کرمانی گوید باروی شهر
انچه نزدیک دروازه شهر بود دلیل بر پادشاه کند و اگر بارو از جانب
راست دروازه بیند یا از جانب چپ والی بود و انچه دورتر بود
تاویلش عیش و ایمنی بود و انچه در پس شهر بود زن بود و هر نیک و بد
و زیادت و نقصان که در بارو بیند در این پنج کاهم بود که یاد کرده شد
باز ابن سیرین گفت اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و باز
مطیع بود بقدر ان جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بازی سفید بر دست
او نشست دلیل که از پادشاه بزرگی یابد و اگر بیند که باز از دست
وی بیفتاد و بمرد دلیل که از ان منزلت و بزرگی بیفتد کرمانی گوید
اگر بیند که بازی سفید بیافت اگر از نزدیکان پادشاه بود ولایت
و بزرگی یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که کسی
دلیل بوی بخشید دلیل که او را فرزند اید صاحب حسن و اگر بیند
که بازی بر بام وی نشست دلیل که او را با پادشاهی صحبت افتد و از او
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که باز بگریخت و در خانه او شد یا بر
دامن او پنهان شد دلیل که او را پسری خوب اید و اگر بیند که در پای
ان باز زنگله زرین یا سیمین بود دلیل که او را دختری اید معبران گویند
اگر بازی بگرفت و بکشت اگر اهل پادشاه بود از عمل معزول گردد و اگر

از مردم پادشاه بنوا و نا غمی رسد و اگر بیند که باز از دست او بپرید
و باز نیامد اگر پادشاه دید مملکت از دست او برود و اگر باز آمد مملکت
یابد جعفر صادق گوید چون باز مطیع بود تاویلش بر پنج وجه بود اول
رامش دوم شادی سوم بشارت چهارم فرمان روایی پنجم
یافتن مال بقدر و قیمت باز از دو هزار درم تا ده هزار درم و خاصه
چون باز اسفید باشد و چون باز مطیع نبود بر چهار وجه بود اول
پادشاه ستمگر دوم حاکمی که میل کند سوم فتنه خاین و بی
امانت چهارم پسری که فرمان مادر و پدر نبرد بازو ابن سیرین
گوید که بازو در خواب مادر و پدر یا دوست و انباز بود و اگر بازوی
وی دراز و قوی شد و با قوت بود و اگر بیند که بازوی وی بیفتاد
یا کسی ببرید دلیل که برادر یا فرزند یا دوستان از دنیا برود جعفر
صادق گوید بازو در خواب بر شش وجه بود اول برادر دوم فرزند
سوم انباز چهارم دوست پنجم پسر عم ششم همسایه بازوبند
کرمانی گوید بازوبند زرین در خواب غم و کراهیت بود و اگر بیند
که بازوبند سیمین داشت دلیل که دختر بشوهر دهد و اگر این خواب
زنی بیند مال بسیار یابد و اگر بازوبند مسین یا آهنین بود دلیل
که او از دوستان و برادر رونق بیند و اگر بیند که بشکست یا ضایع
شد تاویلش بخلاف این بود پاس ابن سیرین گوید پاس داشتن
در خواب بر دو وجه بود اگر بیند که پاس اهل صلاح می داشت دلیل
که خیر و صلاح دو جهانی یابد و اگر بیند که بر در سرای پادشاه
پاسبانی می کرد از پادشاه خیر و منفعت بیند و اگر باز رکابی

این خواب بیند سود بسیار کند و اگر بیند که پاس از بهر اهل علم
و ورع می داشت دلیل که خیر و منفعت دنیائی بوی رسد و پاسبانی
در خواب دیدن خداوند ولایت و قدر باشد که مردم در اهتمام او باشند
پاشنه ابن سیرین گوید پاشنه در خواب دیدن دلیل بر نظام کار و
کسب کند و اگر بیند که پاشنه پای او بشکست بکاری مشغول شود
که از آن پشیمانی او را حاصل آید و اگر بیند که پاشنه پای وی
بشکافت یا ببرید همین تاویل دارد مغربی گوید اگر بیند که پاشنه
پای خود می برید و می خورد دلیل که آنچه بکشت حاصل کرده باشد
بخورد دشمن دهد و درویش گردد باغ دانیال گوید باغ در خواب
زن بود اگر بیند که باغ را آب می داد با زن خود مجامعت کند اگر بیند که
باغ او خشک شد دلیل که زن او از مجامعت معزول گردد و اگر بیند که
باغ را آب می داد و نمی شد دلیل که زن او از شوهر مجامعت طلبد و میسر
نشود و اگر بیند که در باغ گل و ریحان می کشت دلیل که فرزند صالح آورد
و اگر بیند که در باغ شفتالو می کشت دلیل که او را فرزندی آید که علم و ادب
آموزد و اگر بیند که باغ او سبز و آبادان بود و میوها بر درخت دلیل که
دلیل که او از اهل بهشت باشد و اگر بیند که در باغ آبادان بود و میوه می
خورد دلیل که زن توانگر خواهد و از و مال و نعمت یابد و اگر بیند که در
فصل خزان در باغی مجهول شد و از درختان برگها می ریخت دلیل که غم
و رنج بدو رسد و اگر بیند که در باغی کوشکها بود و سبزه و آب روان
و درختان و زنی صاحب جمال او را بخواهد دلیل که بهشت و حور العین
در آخرت یابد و دلیل که درجه شهدا حاصل کند و اگر بیند که باغی

داشت یا کسی ننوداذ و میوه ان باغ می خورد دلیل که زنی مال دار بخواهد
و از مال وی بخورد و اگر بیند که در باغی بوذ و میوه از درخت بلندی می افتاذ
دلیل که او با مردی شریف خصومت افتذ و بر وی غالب شوذ و اگر بیند که
در باغ بر سر درخت خفته بوذ دلیل که نسل و فرزندان وی بسیار شوند
کرمانی گوید باغ در خواب مردی بزرگ مال دار بوذ و اگر بیند که در وقت
بهار یا تابستان باغ سبز و خرم گشته بوذ و او درمیان باغ نشسته دلیل
که مرگ وی بشهادت بوذ زیرا که این جمله صفات بهشت است و اگر در
تابستان باغی بخواب بیند و میوهای شیرین و برگها از درخت ریخته
دلیل که او را با باذشاه محنت افتذ که آن باذشاه از خدم و حشم خالی
نباشد و اگر بیند که باغی سبز پر میوه بوذ و پیلی بزرگ بیامذ و باغ را بکند
و خراب کرد دلیل که باذشاه آن دیار را بیم هلاک بوذ یا از باذشاهی معزول
شوذ و اگر بیند که آتشی بیامذ و درختان آن باغ را بسوخت دلیل که باذشاه را
مرگ مفاجاة رسد و اگر بیند که آن باغ را بر شیر بوذ باذشاه از ملک بر
دشمن ظفر یابذ و اگر در آن باغ گرگان و نخجیر دیند دلیل که باذشاه وقت
ظالم و ستمگر بوذ و اگر در باغ گوسفندان دیذ بقدر گوسفندان از باذشاه او را
مال و نعمت حاصل شوذ و اگر در باغ گاو یا خر بیند مال و نعمت باذشاه بوذ
و اگر در باغ اسبان بیند قوت باذشاه بوذ و اگر در باغ پرندگان بیند
دلیل بر لشکر باذشاه بوذ و بر ایشان اعتماد نبوذ و اگر بیند که از باغ
میوه جمع کرد و بخانه برد بقدر میوه از باذشاه منفعت بیند و اگر بیند
از باغ هیزم جمع کرد برنج و سختی از باذشاه منفعتی بوی رسد جابر
مغربی گوید اصل باغ در خواب شغل مردم بوذ بقدر همت و اگر در خواب

باغی آراسته و سبز بیند دلیل که کار وی نیکو شوذ و اگر باغ را از
سبزه و میوه خالی بیند کار وی بد باشذ و اگر در باغی جایی دیذ که هرگز
در آنجا باغ نبوذ دران دیار باذشاهی نو بدید آیذ و اگر بوقت بهار یا
تابستان باغ را خراب دیذ و سبزه و درختان نبوذ دلیل که باذشاه بر رعیت
ستم کنذ و اگر بیند که بجوذ باغی نو ساخت و درخت نشاند و میوه بر
آمذ دلیل که زنی توانگر خواهد و از آن زن مال و نعمت و فرزند حاصل کند
و اگر دران باغ بوقت خوذ انگور دیذ مال و منزلت یابذ **حکایت** آورده اند
که مردی پیش سلیمان بن داود علیه السلام آمذ و گفت ای پیغمبر خذای در
خواب دیذم که باغی آراسته و میوه بسیار و در میان باغ خوکی بزرگ
نشسته مرا گفتند این باغ ملک اوست و من از آن حال متفکر شدم و خوکان
بسیار در باغ دیذم که میوه می خورند سلیمان علیه السلام گفت خوک
بزرگ باذشاه ستمگر است و خوکان دیگر دانشمندان حرام خواره که در
حکم باذشاه ظالم اند و دین بدنیا فروخته جعفر صادق گوید دیذن
باغ در خواب بر هفت وجه بوذ **اول** زن خوب **دوم** فرزند نیک
عیش خوش **سوم** مال **چهارم** بلندی **پنجم** شاذی **ششم** کنیزک
و اگر بیند که باغبانی کرد دلیل که زنی محتشم کند و بعضی از معبران
گویند دیذن باغ بر سه وجه بوذ **اول** کدخذایی سرای **دوم** قسمت زن
سوم فرزند **بافتن** ابن سیرین گوید بافتن جامها در خواب سفر بوذ
و اگر بیند که جامه یا چیزی دیگر بافت دلیل که زوذ بسفر روذ و آورده اند
که بافتن جامه در تاویل بلا باشذ و اگر دیذ که جامه بافت و ببریذ دلیل که آن
کار بپایان خصومت بریذه شوذ و اگر دیذ که ریسمان تاب می داذ دلیل

سفر بود و جامه پیمودن همچنین و اگر بیند که بجای ابریشم کتان و ریسمان
می بافت دلیل بد باشد و اگر بیند که جامه را تمام بافت و ببرید دلیل
که بسفر شود و کارش تمام کرده **باقلا** ابن سیرین گوید خوردن باقلا در
خواب اگر بوقت و اگر بی وقت خام و پخته غم و اندوه بود نبیند بخورد
و معبران گویند اگر بیند که باقلا داشت و کسی را داد یا از خانه بیرون ریخت
و نخورد زیان ندارد **بالا رفتن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که

بالا رفتن

بر کوهی یا بر بامی یا بر درختی می رفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشواری
یابد و اگر بیند که بر نردبان بالا می شد در دین شرف و منزلت یابد
خاصه که نردبان از گل بود و اگر از سنگ و آجر بود بهشت یابد و اگر بیند که
بر آسمان شد و بر نیامد رنجور شود و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید بالا رفتن در خواب بر پنج وجه بود **اول** روائی حاجت **دوم** خواستن
سوم مرتبت و بزرگی **چهارم** بمراد رسیدن **پنجم** بالا گرفتن کار **بالان**
ابن سیرین گوید بالان در خواب زن بود و اگر بیند که بالان داشت یا
از کسی خرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر دید که بالان بر پشت
داشت مطیع زن شود و اگر بیند که بالان از وی ضایع شد زن از وی
جدا شود و طلاقش دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که بالانی پاکیزه
بود داشت زنی خوب روی مستوره بخواهد و از وی راحت بیند و اگر
بیند که بالان کهنه و چرکین داشت زنی ستیزه روی ناسازگار بخواهد
و از وی مضرت بیند **بالش** ابن سیرین گوید بالش در خواب خادم
بود و اگر بیند که بالش نو فرا گرفت و آن بالش سپید بود یا کسی بوی
داد او را خدمتکاری یا خادمی مصلح باشد و اگر بیند که بالش کهنه

و چرکین بود تا وی را خلاف این بود و اگر بیند که بالش کهنه و چرکین بود
تا وی را خلاف آن بود و اگر بیند که بالش او بدرید یا بسوخت خدمتکار
وی بگریزد یا بمیرد و بلائی بوی رسد کرمانی گوید اگر کسی بالش از خانه
وی بدزدید دلیل که کسی از بهر زن وی باشد که وی را بفریبد و معبران
گویند که دزدیدن بالش از خانه دلیل که کسی از آن خانه بمیرد و اگر
مردی بیند که بالش بسیار داشت او را کنیزکان و خادمان حاصل
شود جعفر صادق گوید دیدن بالش در خواب بر پنج وجه بود **اول**
خادم **دوم** کنیزک **سوم** ریاست **چهارم** دین نیکو **پنجم** رهبر کاری **بام**
ابن سیرین گوید اگر بیند که بر بام خانه کسی مجهول بود زن خواهد و
اگر بام خانه معروف بود شرف و بزرگی یابد و کارش بنظام شود جعفر
مغربی گوید اگر بیند که بر بام پادشاه بود منزلت یابد و اگر بیند که
بر بام که وی بود بیفتاد از جاه و منزلت بیفتد **بانگ داشتن جانوران**
ابن سیرین گوید بانگ داشتن مردم در خواب غم و مصیبت باشد در آن
موضع که بانگ داد و اگر بیند که کسی او را بانگ کرد از جایی دور
اگر جواب داد بمیرد و اگر جواب نداد رنجور شود و اگر بیند که آواز
گریستن می آمد شادمان شود و اگر آواز خنده بدو رسید خبر مصیبتی
ظالمی شنود و اگر بانگ و ناله می شنید حاجتش روا شود و بر دشمن
ظفر یابد و اگر بانگ دشمن شنید ترسی بوی رسد و زود ایمن گردد کرمانی
گوید اگر بیند که اسبی بانگ کرد وی را بشارت رسد و بعضی گویند
ترسی بیند و ایمن شود و اگر بیند که خر بانگ کرد از جاهلی سخنی
شنود و برنجد قوله تعالی **ان انکر الاصوات لصوت الحمیر** و اگر

ببیند که اشتر بانگ کرد حج رود یا بغزا یا به بازرگانی و دراز سود
ببیند واگر بزرگی بانگ کرد از بزرگی خیر و منفعت بیند واگر بیند که
بزغاله بانگ کرد دلیل بر شادی و نشاط و نعمت بود واگر بیند که
آهو بانگ کرد کنیزکی نیکو حاصل کند واگر بیند که شیر بانگ کرد دلیل
بیم و ترس باشد از پادشاه واگر پلنگ بانگ کرد دشمن بر وی چیره شود
واگر خرس بانگ کرد دلیل که جنگ افتد واگر یوز بانگ کرد کسی بر وی
خشم گیرد واگر گرگ بانگ کرد او را از دشمن آفتی رسد واگر سگ
بانگ کرد دلیل دشنام و پشیمانی و گفت و گوی بود واگر خوک بانگ
کرد بر دشمن ظفر یابد واگر شغال بانگ کرد غم و اندیشه بود بسبب
زنان واگر روباه بانگ کرد مردی دروغ زن با وی مکر و حیلت کند
واگر گربه بانگ کرد از دزد بیم بود واگر موش بانگ کرد همچنین واگر
اشتر مرغ بانگ کرد خادمی بیابد واگر کرکس بانگ کرد خبر پادشاه
شنود واگر زغن بانگ کرد خبری پوشیده شنود واگر کبوتر بانگ
کرد خبر سرهنگان شنود واگر خروس بانگ کرد خبر مردی جوانمرد
شنود واگر بیند که جغد بانگ کرد خبر اندوه و مصیبت شنود
و بوتیمار همین تاویل دارد واگر فاخته بانگ کرد خبری دروغ شنود
واگر تذرو بانگ کرد خبری زنی با جمال بود و بانگ طاووس خبر
پادشاه عجم بود واگر کلنگ بانگ کرد خبر مردی درویش شنود واگر
کلاغ بانگ کرد خبر مردی بدعهد فاسق شنود و بانگ زاغ خبر مردی
دلیر حرام خواره شنود و بانگ کنجشک خبر خوش شنود واگر بیند
که بلبل یا هزاردستان بانگ کرد خبر مطربی با نوحه گری شنود واگر

ببیند که بط بانگ کرد خبر مصیبت کسی از اهل و بیت شنود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید بانگ همه مرغان در خواب نیک
نیک بود مگر مرغی که او را ابابیل نامند بانگ و ذوق رحمت خدای
تعالی بود بدان موضعها مغربی گوید اگر بیند که بانگی از هوا یا
از زمین بر می آمد دلیل غم و اندوه و نقصان پادشاه بود حکایت
گویند مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که جمله
با من سخن گفت ابن سیرین گفت ترا اجل نزدیکست قوله تعالی
وإذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم أن الناس
كانوا بآياتنا لا يوقنون چون یک هفته بر آمد مرد
از دنیا برفت بانگ نماز ابن سیرین گوید هر بنده مؤمن که در جای
معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز دهد حج بگزارد قوله تعالی
وأذن في الناس بالحج واگر بانگ نماز در جایی مجهول دهد مکروه
و ناپسند بد بود واگر این مردی فاسق بود بدزدی تمام بگیرند و
اگر بیند که بانگ نماز از مسجد می داد مردم را بخدای تعالی خواند و
اگر بیند که بانگ نماز بر در خانه خود می داد آخر عمر او باشد واگر بانگ
نماز در میان سرای خود می کرد و زن را خواهر نیز گیرد واگر بیند که بانگ
نماز در همسایه می گفت با زن همسایه خیانت کند واگر بانگ نماز بر
در سرای پادشاه می کرد مردم پادشاه وی را بدزدی بگیرند و بعضی
گویند پادشاه را سخن خوش گوید واگر بیند که بانگ نماز در بازار می داد
درویش گردد واگر بیند که بانگ نماز در جاه یا در سرا پرده می داد
انگشت نما بود واگر بیند که بانگ نماز در کوچه می داد دلیل جاسوس

باشد کرمانی کوید اکر باز نخود بانک نماز می داذ هر دو را اجل نزدیک
بوذ و اکر بیند که کودکی بانک نماز می داذ دلیل که پدر و مادر را او را
از دروغ کفتن زیان رسد اکر بیند که بانک نماز در قافله و لشکر گاه
می داذ تاویلش بد بوذ و اکر بیند که مجوسی در زندان بانک نماز می
داذ از زندان خلاص یابذ و اکر بیند که بانک نماز از سر کوهی داذ
هلاک شوذ یا با پادشاه سخن راست کوید و اکر بر مناره بانک نماز
داذ بزرکی یابذ و اکر در کنج خانه بانک نماز داذ در کاری خیانت کند
و اکر در محراب بانک نماز داذ بسفر رود و بسلامت باز آیذ و اکر در
میان کوهی بانک نماز داذ در میان قومی بذ کرفتار شوذ و اکر بر کرسی
یا بر تختی نشسته بانک داذ عقلش زیاده شوذ و اکر بیند که دیکری
بانک نماز کفت و او شنید در طاعت کاهل بوذ جعفر صادق
رضی الله عنه کوید بانک نماز در خواب بر دوازده وجه بوذ اول
حج دوم سخن سوم زمان روایی چهارم بزرکی پنجم ریاست
ششم سفر هفتم مرک هشتم بریدن نهم مفلسی دهم
خیانت یازدهم جاسوسی دوازدهم منافقی پای ابن سیرین
کوید پای بند در خواب دیدن سخن خوش بوذ یا بوسه که بفرزند
و عیال دهد و اکر پابند بسیار بیند نعمت و روزی حلال بوذ
بقدر آن که دیده باشد و اکر بیند که پیر زنی خروارهای پابند دا
ده و بخشید بقدر آن مال و نعمت یابذ و اکر بیند که پابند بسیار
داشت و جمله بخشید یا ضایع شد نفقه کند پای دانیال کوید
اکر کسی بخواب بیند که یک پای او بریده شد یا شکسته از مال او ی

نیمه تلف شوذ و اکر بیند که هر دو پای شکسته و مالش تمام برود
و معبران کویند اکر کسی هر دو پای خود بریده بیند بسفر رود و اکر
بیند که پایش آهنین بوذ یا مسین عمرش دراز بوذ و مالش باقی بوذ
و اکر بیند که پایش آبکینه بوذ دلیل که عمرش سپری شده و مالش
نماند و اکر بیند که لنک بوذ بر ضعف حال وی بوذ ابن سیرین کوید
اکر مردی صالح بخواب بیند که لنک بوذ زیادتی قوة دین او بوذ
قوله تعالی ولا علی الاعرج حرج و اکر بیند که پایها او بر سر بسته بوذ
از کسی بوی نفعی رسد و اکر بیند که پای او آهنین بوذ قوة و مالش
زیادت شوذ و اکر بیند که پای او دردمند بوذ او را زیانی رسد و اکر
بیند که پای او در دام یا تله کرفتار شده بوذ یا جایی فرو رفته دلیل
که در مکر و حیلتی کرفتار شوذ نقلدان و اکر بیند که پای وی بلغزید
از کار دین و دنیا باز ماند کرمانی کوید هر دو پای بتاویل مادر و پدر بوذ
و اکر بیند که پایها بسیار داشت بسفر رود و اکر درویش بوذ توانکر
کردد و اکر مردی بخواب بیند که پای خود حنا کرد زن بخواهد و اکر این
خواب زن بیند دلیل بر مرد او کند جابر مغربی کوید اکر بیند که پای
او چون پای شتر بوذ یا چون پای کاو دلیل که قوة و مال او زیادت شوذ
و اکر بیند که پای او چون پای اسب بوذ باخر عمر جاه او افزون کردذ و اکر
پای خوذ چون پای دکان بیند چیزی از حرام حاصل کند جعفر
صادق کوید دیدن پای در خواب بر هفت وجه بوذ اول عیش
دوم عمر سوم سعی کردن چهارم طلب مال پنجم قوت ششم سفر
هفتم زن و پای کوفتن در خواب غم و مصیبت بوذ پای ورنجن

ابن سیرین گوید اگر بیند که او بخو در پای داشت رنجی بوی رسد کرمانی
گوید پای او بخو زنان راشوی بود و اگر مردی بیند که او بخو از پای
بیرون کرد یا از وضایع شد رنج و سختی از وجدا شود و اگر بیند که
پای او بخو بکسی فروخت یا بخشید دلیل که آنکس از وی رنجور دل
گردد **پای بند** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پای او بند نهاده بود
ترسان و هراسان شود و اگر بیند که در پای او دو بند نهاده بود آن
پادشاه ترس و بیم بود و معبران گویند زنی خواهد و در آن موضع مقیم
شود و اگر در مسجد بند در پای خود بیند دینش قوی گردد کرمانی
گوید هر که در پای خود بند بیند و در بیماری عزم سفر نیز بود در سفر
در بماند و اگر بیند که بر پای اسب وی بند داشت همین تاویل دارد
و اگر بیند که در شهری در بند است در آن شهر زن خواهد و اگر بیند
که بندش از زر است مقیم شود در آن دیار از بهر مال و اگر بیند که
بندش از سیم بود مقیم شود از بهر متاع و اگر بیند که بندش
از آهن بود دلیل چیزهای سخت که یاد کرده شد مغربی گوید
اگر بیماری بیند که بر پای وی بند سخت بود از آن رنج خلاص
یابد و اگر پادشاهی بیند که بر پای وی بند بود پادشاهی بروی
پایدار بود جعفر صادق گوید دیدن بند در پای بر خواب بر سه
وجه بود **اول** ایستادگی در دین **دوم** زن خواستن **سوم** از
سفر باز ماندن فی الجمله هر که بیند که در پای وی بند است در تنگی
بماند **پای تابه** ابن سیرین گوید پای تابه در خواب چون نهاده بیند
مال باشد و چون بر پای پیچیده بیند چون مسافران و آهنگ

بیابان کند بی توشه رود از دنیا بیرون رود و اگر بیند که پای تابه خود
فروخت یا بکسی داد مال از وی ضایع شود جعفر صادق گوید
دیدن پای تابه در خواب بر سه وجه بود **اول** مال و خواسته
دوم سفر **سوم** مرگ **باچه** کرمانی گوید اگر کسی باچه گوسفند در
خواب بیند که خورد نعمتی بوی رسد بقدر خوردن باچه گاو اگر
در خواب دید که باچه گاو خورد در آن سال فراخی و نعمت بود مغربی
گوید خوردن باچه در خواب مال بیغمان بود خاصه چون خام خورد
پاسبانی کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را پاسبانی کرد دلیل که
کار آنکس پایدار و مقیم شود جعفر صادق گوید پاسبانی کردن در
خواب بر سه وجه بود **اول** مقیم شدن پیش آنکس که پاسبانی کرد
دوم عنایت کردن با وی **سوم** خیر و منفعت بوی رسیدن
و اگر بیند که از پاسبانی بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود **ببر**
جانوری درنده و از جمله سباع است و دشمن شیر باشد دیدن وی در
خواب دشمنی دلیر قوی باشد و لیکن کینه‌ور و اگر بیند که با ببر در
جنگ بود و او را قهر کرد بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که ببر از وی ترسان
بود از دشمن ایمن گردد کرمانی گوید پوست و استخوان و موی ببر در خواب
مال و منفعت بود که از دشمن بوی رسد و اگر ببر نشسته بود دشمن
مطیع او شود **بت** ابن سیرین گوید اگر دید که بت می پرستید
بر خدای تعالی دروغ گوید و اگر بت از چوب بود منافق بود و اگر بت
از سیم بود تقرب کند بزنی از برای هوای نفس و اگر بت از زر بود
جمع کردن مال بود و اگر بت از مس بود یا از آهن یا از زیر عرض او

روی بر دیوار [illegible]
آن قدر بگریست که از وی [illegible]
الفقیر [illegible]

عرض و اندوه بن صلاح دنیا بود و اگر دید که در بت خانه بود در عقل
و دانش خود فزوماند بود جعفر صادق گوید دیدن بت در خواب
بر سه وجه بود اول دروغ و باطل دوم مردم مکار و منافق سوم زن
مفسد فریبنده **بخشش** ابن سیرین گوید اگر بیند که مال خود بکار
خیر بخشش کرد فرزند را زن خواهد یا کسی از خویشان زن دهد
و مال خود بر ایشان قسمت کند و اگر بیند که مال خود را بفساد بخش
کرد مر فرزند را زن خواهد و اگر بیند که مال خود را بر بیگانگان قسمت
کرد دلیل که مالش پراکنده شود **بخور کردن** ابن سیرین گوید بخور کردن
در خواب مال باشد از مردی بزرگ و اگر بیند که از بوی خوش چیزی
بخور کرد مال یابد معبری گوید بخوری که بوی از خوشتر بود خداوند خواب را
خیر و منفعت بیشتر بود و اگر بوی بخور ناخوش بود تاویلش بخلاف این
بود جعفر صادق گوید بوی بخور در خواب بر سه وجه بود اول مال
بسیار دوم عیش خوش سوم نام نیکو **برآوردن** ابن سیرین گوید اگر بخواب
بیند که بر بر آورده بود چون مرغ دلیل که مهتری یابد بقدر پرها و
بعضی از معبران گویند پر دیدن بخواب قوت و جاه بود کرمانی گوید
اگر بیند که می پرید سفر کند و کارش نیک شود و اگر بیند که با خود
پر مرغ داشت بقدر پر خیر و منفعت یابد و اگر بیند که پرها بیفتاد
از بزرگی و جاه بیفتد و مالش نقصان شود **بربط** ابن سیرین گوید
بربط در خواب لهو باطل دنیا بود و اگر بیند که بربط زد سخن دروغ و
محال گوید و کسی را بدروغ مدح و ستایش کند و اگر بیند که کسی پیش
وی بربط زد سخن دروغ و محال شنود و اگر بیند که بربط و چنگ و نای

بود همه غم و اندوه بود و اگر بیند که بربط بشکست یا بیفکند از دروغ
و باطل توبه کند اگر بیمار بود که بربط زد مرگش بود کرمانی گوید اگر بیند
که بربط استاد وار می زد و بنواخت نزدن اگر عالم را بیند مردم را وعظ
گوید و اگر جاهل بود کاری کند که مردم او را از آن کار ملامت کنند
و اگر آواز بربط می شنید خبر زنی بزرگ شنود و با آن زن دوستی کند
برجستن ابن سیرین گوید اگر بیند که از جایی بجایی می جست از حال
بحال گردد و اگر دید که بجایی دور جست بسفر رود و اگر دید که بوقت
جستن عصا در دست داشت از حال بحال گردد کرمانی گوید اگر بیند که از
جوی یا از جایی بجست حالش بد نیک گردد و اگر بیند که بهر جا که
خواست می جست قوت و توانایی بود و اگر بخلاف این بود حاجتی
که دارد روا شود معبری گویند اگر بیند که بر جایی بلند با کبر و جست
از صلاح بفساد آید **بردار کردن** ابن سیرین گوید روزی مردی پیش من آمد
و گفت بخواب دیدم که مردی هر دو دست ببریدند و مردی دیگر بر
دار کردند گفتم این خواب راست می گویی امروز امیران شهر معزول کردند
و امیری دیگر بنشانند همچنان بود کرمانی گوید اگر بیند که وی را بر دار
کردند و مردم بر وی نگاه می کردند بر قومی مهتری کرد و اگر بیند که کسی
کسی که بر دار کرد بود ندمی خورد مال حرام حاصل کند و اگر بیند که او را
بر دار کردند و خون از وی روان شد غیبت مردم کند و گناه بسیار
جعفر صادق گوید بر دار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری
دوم مال سوم بزرگواری [illegible] **برد** ابن سیرین گوید
بهترین جامها در خواب برد بود اگر بیند که برد از بنیه بود سفینه

وسبز و پوشیده بود نقد در جامه فراخی و نعمت بود و اگر سیاه و کبود
بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید برده فروش درخواب مردی
بود که دین بدنیا اختیار کند خاصه چون برده ازینبه بود و اگر کرده
وی ابریشم بود برده فروش طالب دین بود **برده** ابن سیرین گوید اگر
بیند که برده در آویخته بود اگر نیک بود غم و اندوه بود و اگر
نیک شود و اگر برده بر در سرای بزرگ بیند یا بر در مسجد یا میان
بازار غم و اندوه بود کرمانی گوید برده درخواب ترس و بیم کمتر
بود و اگر بیند که برده ضایع شد خداوندش از غم و رنج باز رهد و چون
برده معروف نبود غم و اندوه ضعیفتر و اگر معروف بود آسانتر مغربی
گوید برده نو پادشاه نیکو رعیت پرور زنده بود **برده داشتن** ابن سیرین
گوید اگر بیند که برده داری کرد حاجتی که دارد روا شود و عز و
جاه بیفزاید مغربی گوید اگر بیند که برده داری پادشاهی عادل
مصلحی کرد خیر و صلاح بود و مال حلال یابد و اگر بیند که برده
داری پادشاه ظالم کرد بفساد مایل شود **برستو** ابن سیرین گوید
اگر بیند که برستو داشت یا کسی بدو داد مراد او حاصل شود
و اگر بیند که برستو را بکشت یا بیفکند از محبوب جدایی افتد
کرمانی گوید برستو درخواب مردی توانگر با خرد بود و اگر بیند که
برستو از دست وی بپرید از مردی توانگر جدا شود و اگر بیند که
برستو بر دست او بمرد او بمیرد مغربی گوید اگر بیند که برستو فرا
گرفت از غم و رنج یابد [illegible] **برف** ابن سیرین گوید
برف درخواب رنج و اندوه بود و اگر بزمستان برف بیند جایی که

پیوسته

پیوسته در آنجا برف بود اهل آن موضع را غم و اندوه رسد مغربی
گوید دیدن برف بخواب لشکر هزیمتی باشد خاصه که با برف باد
بود جعفر صادق گوید دیدن برف درخواب بر شش وجه بود **اول**
روزی فراخ **دوم** رنج کافی **سوم** مال بسیار **چهارم** ارزانی نرخها **پنجم**
لشکر **ششم** بیماری و اگر بیند که برف تابستان جمع می کرد مال
حلال جمع سکند و اگر بیند که بزمستان جمع کرد عیش خوش کند اگر
برف درخواب بسرد سیر چینی و تنگی بود و در گرمسیر غم و اندوه بود
و اگر بیند که برف بوقت خود میجوشد به که بی وقت **برق** درخواب
خزانه دار پادشاه باشند و بعضی گویند که وعده کردن بود مرد مطامع
در طمع خود و اگر بیند که برق از ابر یا از هوا فرو گرفت کاری طلبند
که در آن خیر و نیکی باشند و اگر بیند که برق همی درخشید در آن سال
نعمت فراخ بود خاصه با برف باد آهسته باشد جعفر صادق گوید
دیدن برق درخواب بر پنج وجه بود **اول** خزانه دار پادشاه
دوم وعده بد **سوم** عتاب **چهارم** رحمت **پنجم** راه راست **برگستوان**
ابن سیرین گوید برگستوان درخواب قوت و محکمی کار بود و اگر بیند
که بر اسبی برگستوان نشسته بود کارها او محکم و سخت گردد و
بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که اسب وی با برگستوان در میان مردم
می دوید دلیل که کار او بمراد باشد و دولت یار و اگر بیند که برگستوان
از اسب وی بیفتاد از خصم عاجز گردد **برنج** ابن سیرین گوید برنج
مال بود درخواب بقدر دیدن کرمانی گوید اگر برنج پخته بیند که خورد
حاجت وی روا شود و نیکی بسیار بدو رسد و اگر بیند که برنج بکوفت

بخته میخورد بهشتی باشد و برنج بشیر خوردن بخواب بغایت نیکو بود
و اگر بیند که برنج بدوغ پخته میخورد غم و اندوه بود جعفر صادق
گوید دیدن برنج در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم حاجت
سوم خیر و منفعت **برنده** ابن سیرین گوید اگر بیند که برنده داشت
و اندست وی ببرید و باز دست وامد حاجتش روا شود و اگر باز نیامد
چیزی از دستش برود **بزان** در حرف دال گفته شود **بستره**
ابن سیرین گوید بره نر و ماده در خواب فرزند بود و اگر بیند که بره گرفت
یا کسی بدو داد فرزند مبارکش اید و اگر بیند که بره گرفت یا کسی بدو
داد و اگر بره بکشت فرزندش بمیرد و اگر از گوشت بره خورد سبب
فرزند غم و اندوه بیند کرمانی گوید دیدن بره در خواب مال بود بقدر
بره اگر بیند که بره داشت مال و غنیمت یابد جعفر صادق گوید
دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم حلال سوم
معیشت [illegible] دائم غم و اندوه **برهنگی اندام** ابن سیرین گوید اگر بخواب خود را
برهنه بیند چنانک از مردم شرم دارد و پوششش طلب کند دلیل
که دار روی آشکارا شود و اگر بیند که برهنه بود و شرم نداشت
و جامه طلب نمی کرد اگر بیننده صالح بود گناهش عفو شود و اگر فاسق
بود بر خلاف این بود و اگر کسی خود را بخواب برهنه بیند و رطب
دنیا غم و اندوه خورد و اگر ازاری بمیان بسته بود بطاعت مجتهد
بود مغربی گوید برهنگی بخواب محنت و رسوایی باشد اما عورت
پوشیده مرد صالح را نیک بود و فاسق را بد جعفر صادق گوید برهنگی
در خواب مرد صالح را خیر و نیکی بود و فاسق را بد جعفر صادق

گوید برهنگی در خواب مرد صالح را خیر و نیکی بود و مفسد را رسوایی
پروانه ابن سیرین گوید پروانه بخواب دیدن مردی ضعیف نادان
بود خود را بنادانی هلاک کند و اگر بیند که پروانه بگرفت او را با مردی
نادان صحبت افتد ابن سیرین گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت
وی بپرید و این کس او را بگرفت دلیل بر کینی کو داشت در کار کند و او را
بسری اید و اگر بیند که آن پروانه را بکشت یا در دستش هلاک
شد آن فرزند بمیرد **بروت** در خواب بیند دلیل بر هیبت مرد کند
و اگر در خواب بیند که بروت خود را بمقراض پیراست نیکو بود و
اگر بیند که بوقت آراستن از بن ببرید یا بسترد نقصان هیبت وی
بود کرمانی گوید اگر بیند که بروت وی دراز شد دلیل قوت باشد
و اگر بیند که بروت وی بکند دلیل خصومت بود و اگر بیند که
بروتش سفید شد غم و اندوه بیند **برج** [illegible] حمل و اسد
و قوس در خواب سپهسالار و لشکر پادشاه باشند و دیدن ثور و سنبله
و جدی دبیر ایشان وزیر پادشاه باشند و دیدن جوزا و میزان و دلو
دیدن قاضی صاحب تدبیر پادشاه باشد و دیدن سرطان و عقرب
و حوت دبیر صاحب شرط و شراب دار بود ابن سیرین گوید اگر حمل را
بخواب بیند او را با مردی محتشم کار افتد و حاجت وی روا شود و اگر
ثور بیند با مردی جاهل کار افتد و حاجت وی دیر روا کند و اگر جوزا
بیند با مردی فصیح دانا کار افتد و مراد حاصل شود و اگر برج سرطان
بیند با مردی بی اصل او را کار افتد و حاجتش روا شود و اگر سنبله
را بیند با مردی کشتاورز بی وفا بی کار افتد و حاجتش روا شود و برج

وجاه یابد واکر میزان بیند بامردی عالم یا قاضی اورا کار افتد
وبهی وعده که کوید وفا کند وحاجتش روا شود واکر عقرب را
بیند بامردی دشمن یا زنی بدکمان ویرا کار افتد وحاجتش روا نشود
وغمکین شود واکر قوس را بیند بامردی سالار ومهتر ویرا کار افتد
وحاجت وی روا کرده واکر جدی را بیند دولت وعز یابد وحاجت
وی بامردی بزرك روا شود واکر دلو را بیند بامردی که نه درویش
ونه توانکر باشد ویرا کار افتد وحاجت وی روا شود وخلق ویرا دوست
دارد واکر حوت بیند بامردی غریب نیك رای ساده دل مهربان
کم سخن ویرا کار افتد وحاجت وی روا شود **پری** معبران اختلاف نمودند
پری را بخواب دیدن بعضی کویند دوستی عزیز بود وبعضی کویند
دشمنی باشد وبعضی کویند بخت است وکامروایی ابو هریره روایة
کرد از حضرت رسالة صلی الله علیه وسلم که دیدار پری در خواب
دولت وبزرکی بود وبا ایشان سخن کفتن وپیوستن خرمی بود ابن
سیرین کوید پری بخواب دلیل عز ودولت بود واکر ویرا زشت و
غمکین بدید دلیل غم واندوه بود واکر پری مرده بخواب بیند کارهای
وی آشوریده شود واکر بیند که باوی جنك کرد بخت وی آشفته
شود کرمانی کوید پری بعضی کافراند وبعضی مسلمان وانچه مسلمان اند
در خواب دیدن ایشان بخت ودولت بود وانچه کافراند بخلاف
این بود دانیال کوید اکر کسی خود را درمیان پریان بیند بسفر رود
وان سفر ویرا مبارك بود واکر بیند که پری ویرا بر کردن کرفت عز
وجاه وبزرکی یابد واکر بیند که پری ویرا از کردن بینداخت از

جاه وبزرکی بیفتد واکر بیند که پریان باوی بلطف سخن می کفتند
کارش نیکو کردد واکر پری را با جامه نیکو بیند کارش نیکو شود واکر
با جامه بد بیند حالش بد کردد مغربی کوید اکر پری مرده یا رنجور بیند بد
بود واکر بیند که پادشاه پری اورا بنواخت مقرب حضرت پادشاه
کردد واکر بیند که پری جای خود بدو نمود وخود را بر و عرض
کرد وپنهان می شد دلیل که زن باوی مکر وغدر کند جعفر
صادق کوید دیدن پری درخواب بر پنج وجه بود **اول** دوستی
عزیز **دوم** بخت ودولت **سوم** کامرانی **چهارم** بزرکی **پنجم** دروغ
وکار باطل **پرواز کردن** دانیال کوید اکر بیند که چون مرغ از
جایی بجایی پرید بسفر رود وبقدر بلندی مال یابد واکر بیند که
راست باسمان می رفت ورا مضرة بود واکر بیند که چون باسمان رسید
در آسمان ناپدید شد وانجا بر زمین نیامد زود از دنیا برود ابن
سیرین کوید اکر بیند که از جانب قبله پرید وبجای خود امد از
سفر زود اید با منفعت واکر بیند که پرها داشت چون مرغ
عز وجاه ودولت یابد واکر بیند که از بام خود ببامی دیکر پرید زنرا
طلاق دهد وزنی دیکر خواهد کرمانی کوید اکر بیند که از بام
خود بسرای مجهول پرید اجلش نزدیك بود جعفر صادق کوید پریدن
در خواب بر پنج وجه بود **اول** سفر **دوم** حج **سوم** بزرکی **چهارم**
تغییر حال **پنجم** بیماری ومرك **بیابان** ابن سیرین کوید بیابان
در خواب خداوند سخن بود وفراخی روزی وکوشش بجنبه تا بیابان
بهتر ان بیابان بود کرمانی کوید اکر بیند که بیابانی انکوشت کوسفند

خورد بقدر آن مال بیرنج بدست آورد و اگر بیند که بریان از گوشت
گاو خورد از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که برهٔ بریان یا بزغاله بریان
خورد مالی اندک حاصل کند و بعضی از معبران گفته اند خوردن مرغ
پخته در خواب دلیل بسر آمدن باشد مغربی گوید اگر بیند که
سر بریان خورد از مهتری او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند
که مرغ بریان خورد مال از جهت زنی بکر بدست آرد و اگر بیند که
ماهی شور بریان خورد بسفر رود بطلب علم بزاز جامه فروش
بخواب مردی بود خطرناک زیرا که بجامه درم و دینار بود
و اگر بیند که بزازی میکرد و بهای کالا درم و دینار نمی ستند
مردی با شرف بود و مردم او را دوست دارند و اگر درم و دینار می
ستد او را زیانی رسد و اگر کالای دیگر عوض کالا می ستد مراد هاش
حاصل شود مغربی گوید دیدن بزاز در خواب زینت دنیا باشد
ابن سیرین گوید بز نر مرد بود و بز ماده زن و اگر بیند که بزی مجهول
بکشت دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که پوست بز را
بکند دلیل که مالش بستانند و اگر بیند که بروی سوار شد و بهر
جانب می راند بر مردی بزرگ حیلت کند و اگر بیند که بز او را از خود
بیفکند و بگریخت از مرد از جاه و حرمت بیفتد و اگر بیند که شاخ بز
بشکست او را از عمل منع کنند و اگر بیند که شاخهای بز دراز و قوی
شده بود دلیل که در عمل خود مهتر و قوی گردد و اگر بیند که پشم
بز زیادت شد بقدر آن مال او زن زند و بستانند و اگر بیند که ماده
بزی بیافت یا کسی بوی بخشید زن خواهد کرمانی گوید اگر بیند که

ماده بزی خرید کنیزکی خرد و اگر بیند که ماده بزی دوشید و شیر
او بخورد از زنی مال یابد و اگر بیند که ماده بز را بکشت و از گوشت
او بخورد از زن حاجت او روا شود و اگر بیند که ماده بز از خانه
او بیرون شد زن را طلاق دهد و اگر بیند که رمهٔ بز در خانه
داشت بقدر آن مال و غنیمت یابد و اگر بیند که رمهٔ گوسفند
در صحرا می چرانید و بهر جا که میخواست می برد دلیل کند که ولایت
از عرب و عجم بوی رسد معبران گویند بز سفید دلالت بر ولایت
عجم کند و بز سیاه دلیل بر عرب مغربی گوید اگر بیند که از گوشت ماده
بز خورد بیمار شود و شفا یابد و پوست و پشم و شیر بز در خواب
خیر و برکت بود که بدو رسد جعفر صادق گوید بز نر در خواب
مقدم لشکر بود اگر بیند که بزی نر بیافت و بروی نشست پیشوای
قوم شود در خبر است از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت
از پیغامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که گفت هر که بز را بخواب
بیند که خرد و بخانه برد دلیل که چهل سال درویشی از وی دور
شود و دیدن بز و پشم را در خواب مردی باشد که مرد از او زنان را
بهم جمع کند برزقطونا دلیل غم و اندوه بود و خوردن وی دلیل بر
نقصان مال بقدر خوردن آن بساط اگر کسی بخواب بیند که
بساطی بگسترد و بروی نشست دلیل که ملک دنیا بروی
فراخ گردد و اگر بیند که پادشاه بساط افکند دلیل که جهان
بروی فراخ گردد و عمری دراز بود مغربی گوید اگر بیند که بساطی
پاکیزه نو نزد خود داشت دلیل که نعمت و مال بسیار حاصل کند

واگر بیند که بساط بفروخت مال و ملک او نقصان گیرد جعفر
صادق گوید بساط در خواب چون نو و بزرگ بود بر شش وجه بود
اول عز و جاه دوم بزرگی و رفعت سوم مرتبت چهارم مال
پنجم عمر دراز ششم شادی بقدر بزرگی بستر ابن سیرین گوید بستر
در خواب زن بود خداوند بستر را و آنچه در بستر بیند از نیک و بد
و زیادت و نقصان جمله تعلق بزن دارد و اگر دید که بستر خویش
یا بستری دیگر بدل کرد زنی خواهد و زن اول طلاق دهد و اگر
بیند که بستر وی از حال متغیر شد زن وی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی
خود را بر بستر مجهول بیند او را زیانی رسد مغربی گوید بستر در خواب
ولایت و پناسانی بود و اگر خود را بر بستر نرم بیند دلیل که سال
وی مبارک بود و اگر بیند که بستر از پشم افکنده بود زنی توانگر
خواهد و اگر بستر دریده بود اجلش نزدیک بود و اگر بیند که بستر
او ابریشمین بود به بستر کرباسین بدل کرد زنی فاسقه خواهد
و رها کند و زنی مستوره خواهد و اگر بیند که موش بستر او
سوراخ کرد دلیل که زن او با مردی بیگانه کار ناسزا کند و اگر بیند
که بستر در هوا معلق افکنده بود زنش بمیرد و اگر بیند که بستر
او در جایگاهی بلند افکنده بود دلیل که شغل او بالا گیرد و دولت
یابد و اگر بیند که بستر وی از هوا بر زمین افتاد زنش بیمار شود
دانیال گوید اگر بستر خود سپید بیند دلیل که زنی دیندار خواهد
و اگر بستر خود سرخ بیند زن او بفساد مشغول بود و اگر بستر
سپید بیند آن زن دانا و اهل دین بود و اگر بستر سیاه بیند

زنش بدخوی و ناسازگار بود و اگر بستر زرد بیند بیمار شود و اگر
بستری کهن و بستری نو زیر وی گسترده بود و بالشها نهاده دلیل
که زنی خواهد یا کنیزکان و خادمان جعفر صادق گوید دیدن
بستر در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سوم ولایت
چهارم منفعت بست ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که
بست میخورد یا داشت بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند
که بست بکسی داد یا بفروخت از وی بدان قدر غم و اندوه رسد مغربی
گوید اگر بست از خانه بیرون ریخت یا بخشید و نخورد از غم
و اندوه رسته گردد بستان افروز ابن سیرین گوید بستان افروز در خواب
شادی بود لیکن دیر نپاید باشد و اگر بیند که بستان افروز را
فراگرفت یا کسی بوی داد خرم گردد و اگر بیند که او بکسی داد
او را خرم و شادمانه کرد اند کرمانی گوید بستان افروز
چون بوقت خود بیند مهتری بود و بعضی از معبران گفته اند
زنی توانگر با جمال خواهد و اگر بیند که بستان افروز در جای خود
بوی کرد دلیل که او را با بزرگی دوستی افتد و اگر بیند که از زمین
برکند از صحبت مهتری جدا شود پستان ابن سیرین گوید پستان
در خواب دختر بود و آنچه از پستان بود زیادت و نقصان از دختر
بود و اگر بیند که از پستانش شیر روان شد دلیل که بر دخترش
روزی فراخ شود و اگر بیند که عوض شیر از پستان خون روان
شد مال حرام یابد و اگر زنی بیند که پستانش بی اندازه آویخته
بود و برا دختری آید و اگر مردی بیند که پستان او شیر جمع شد

اگر زن ندارد بخواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد توانگر شود
و اگر این خواب عجوزه بیند درویش شود و اگر این خواب زن جوان
بیند عمرش دراز شود و اگر دختر بیند بشوهرش دهند و اگر مردی
بیند که بستان زنی می مکید بیمار شود و اگر زن را آبستن بود پسر
آرد و اگر زنی بیند که از بستان مرد شیر میخورد کار دنیا بر وی
بسته شود مغربی گوید بستان مرد در خواب زن وی باشد
و بستان زن دختر وی باشد و اگر بیند زنی که بر سر بستان وی
بستانی دیگر برآمده بود دلیل که دختری آرد و اگر بیند که هر دو
بستانش بزرگ شده بود احوال فرزندانش نیکو شود یا دختر
بشوهر دهد و اگر بیند که از هر دو بستان خود شیر میخورد میراث
یابد از دختران و اگر بیند که از بستان شیر بشکم وی فرو می
شد دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که یک بستانش بسوخت
دخترش را شغلی رسد از پادشاهی و اگر بیند که همه بستانها
بود فرزندش بسیار شود و اگر فرزند ندارد مالش زیاده شود و
اگر زنی بیند که او را به بستان او بخته بودند او را از حرام پسری
آید جعفر صادق گوید دیدن بستان در خواب بر پنج وجه بود
اول فرزندان خرد دوم دختران سوم خادمان چهارم دوستان
پنجم برادران بستان‌بند ابن سیرین گوید بستان‌بند در خواب
نزاعی و مرتبت بود و مرد را زخم تازیانه خوردن بود و اگر زنی
بیند که بستان‌بند نو پاکیزه داشت بکام دل رسد و اگر مردی بیند
که بستان‌بند داشت زخم تازیانه خورد کرمانی گوید اگر زنی بیند

که بستان‌بند داشت مال و نعمت یابد و اگر مردی بیند بخلاف این
بود پشت ابن سیرین گوید پشت در خواب دیدن مردی باشد
که از او قوت و پناه طلبند و اگر بیند که پشت او بشکست دلیل که
آنکس پشت و پناه او بود از دنیا برود و اگر بیند که زخمی به پشت
او رسید رنجی و آفتی بدو رسد که پشت و استظهار او باشد کرمانی
گوید مهرهای پشت قوت فرزند باشد و هر صلاح و فساد که در
مهره پشت باشد دلیل بر قوت فرزند صاحب خواب باشد و اگر
بیند که پشت وی درست و با قوت بود دلیل که فرزندی بس قوی
آیدش و عاقل و اگر بیند که چیزی بر پشت گرفت بقدر گرانی از غم
و اندوه خورد و اگر بیند که مرده بر پشت گرفت بقدر گرانی از غم
و اندوه خورد مغربی گوید پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی باشد اسمعیل
اشعث گوید پشت بخواب دیدن برادر بود و اگر بیند که پشت
وی بشکست برادرش بمیرد و اگر بیند که پشت وی درد میکرد
از مهتری اندوه رسد و اگر بیند که پشت او را داغ کردند دلیل
بر صلاح دین و دنیا او بود و اگر بیند که پشت بدیوار باز داد
دلیل که بسفر شود و مال حاصل کند جعفر صادق گوید پشت
در خواب بر دوازده وجه بود اول قوت دوم برادر سوم
یار چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم محب هفتم بزرگ هشتم غم
نهم پسر دهم مال یازدهم یاری دادن دوازدهم بلند بود سینه
معبران گویند دیدن سینه کافر ایمان بود و سینه فاسقان
توبه و سینه جادو را اسلام سینه ابن سیرین گوید اگر بیند که

پشت بر دیوار دارم همچو کار
مینوی سیم بر در و دیوار
بنده کمترین حامی

در زمین هامون نشسته بود یا کوهی دلیل بر مردی بزرگوار کند که شرف
و منزلت وی بقدر فراخی ان زمین بود که پیرامن ان کوهست واگر بیند که
بر سر پشته بایستاد دلیل که نزد مردی بزرگی شود وازو مال و حرمت
حاصل کند واگر بیند که بعضی از ان پشته ازانا وی بود بقدر ان بزرگی
و نعمت یابد واگر بیند که از ان پشته بر زیر افتاد یا کسی وی را از بر ان انداخت
از سبب مردی بزرگوار بی حرمت شود واگر بیند که بر ان پشته
ببالا رفت بدشواری غم و اندوه بود جعفر صادق گوید که دیدن پشته
در خواب بر چهار وجه بود **اول** بلندی **دوم** مال **سیم** قوت
چهارم نومیدی **پشم** ابن سیرین گوید پشم در خواب از همه وجهی
مال حلال بود و پشم که نافته نبود بهتر واگر بیند که پشم داشت
یا کسی بوی داد بقدر ان مال حلال یابد ومن اصوافها واوبارها
واشعارها اثاثا ومتاعا الی حین کرمانی گوید که پشم از خود
دور می انداخت مال خود تلف کند واگر پشم را می سوخت دلیل
که مال خود هزینه کند واگر بیند که بر تن وی جامه پشمین بود
از زنان مال حاصل کند واگر بیند که جامه از پشم یا از پنبه بخرید
زنی کند **پشه** ابن سیرین گوید پشه در خواب مردی ضعیف
خوار بود واگر با پشه جنگ کرد با مردی ضعیف خصومت کند واگر
بیند که پشه بجای تیز فروشد با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول
شود و اندک چیزی بوی رسد واگر بیند که پشه بسیار بر تن او
جمع شد واورا می گزید دلیل که در زبان مردم افتد وازایشان مضرت
یابد واگر بیند که پشه در گوش یا در بینی وی می رفت و می گزید

از مردی ضعیف اورا غم رسد واگر از گوش او بیرون نیامد در
بلا و بیم افتد **بط** ابن سیرین گوید بط در خواب مال و نعمت بود بقدر
دیدن واگر بیند که بطان بسیار در کوچه یا در خانه او بانگ می
داشتند در ان موضع معیشتی افتد واگر بیند که بط با وی سخن
گفت سبب زنی توانگر سفر کند ومنفعت یابد کرمانی گوید بط در
خواب مردی بزرگ باشد با مال و حشم واگر بیند که اندام بط چیزی
بیافت از مردم بدین صفت که گفته شد چیزی یابد جعفر صادق
گوید بط سفید مال بود با زن توانگر و بط سیاه کنیزک بود واگر
بط بکشت وان گوشت او بخورد از زن میراث خورد **بغل** ابن سیرین
گوید بغل بخواب دیدن سلامت و زشتی بود که بوی باز گردد و بوی
بغل یافتن مراد مغربی گوید اگر بیند که از بغل بوی ناخوش می آمد
مال حرام یابد کرمانی گوید اگر بیند که دستها در زیر بغل داشت دلیل
بر یافتن مراد و قهر دشمن قوله تعالی واضمم یدک الی جناحک
وهر که بیند که در بغل او نقصانیست دلیل بر نامرادی بود واگر بیند که
از بغل او بوی خوش می امد مال حلال یابد واگر از بغل وی عرق روان
شد بقدر عرق از مال وی نقصان شود **بقالی** ابن سیرین گوید بقالی
در خواب کردن جهد کردن در جهة معیشت واگر بیند که بقالی کرد
بکسب دنیا مشغول شود کرمانی گوید اگر متاعهاء بقالی بزر و درم می
فروخت غم و اندوه بود جعفر صادق گوید بقالی در خواب بر سه وجه
بود **اول** کسب **دوم** منفعت **سوم** غم و اندوه چون بیند که متاعها
بسیم و زر می فروخت **بلانکین** بلانکینی در دست داشتن بخواب

دلیل که او را مددی و قوتی باشد و اگر بیند که بشکست یا ضایع
شد دلیل مدد و قوت نبود و اگر بیند که بلاس کهنه از زر داشت دلیل
بر قوت و استواری کار و اگر از چوب بود بر خلاف این **بلاس** کرمانی
گوید بلاس در خواب روشنی مصلح دین دار بود و اگر بیند که بلاسی
بپوشید بود از شخصی چنین بیند و اگر بلاس بسیار داشت بقدر
آن مال و نعمت بسیار حاصل کند و بعضی از معبران گویند بلاس
مالی حلال بود و اگر بیند که بلاسی نو یافت زنی پارسا خواهد
و از و منفعت یابد و اگر بیند که بلاسی نو بخرید کنیزکی پارسا مستوره
بخرد **بلبل** کرمانی گوید بلبل در خواب فرزند کوچک و غلام بود و
او را نا ورد خواب سخن خوش و اگر بیند که بلبلی از دست وی می پرید
فرزند یا غلامش ضایع شود و اگر بیند که بلبل در دست وی بمرد فرزند
یا غلامش بمیرد معبری گوید اگر بیند که بلبلان بسیار داشت بقدر
آن غلام خرد و اگر بیند که بلبل بکشت و بخورد دلیل که غلامش
بمیرد و مال او بخورد **بلیله** کرمانی گوید بلیله کنیزک باشد و ابن سیرین
گوید اگر بیند که بلیله بخرید یا کسی بدو داد کنیزکی خرد یا زن خواهد
و اگر بیند که بلیله بشکست زن او بمیرد **حکایة** ابو خلدون گوید پیش
محمد ابن سیرین بودم مردی بیامد و گفت که از بلیله آب خوردم
و آن یکی آب تلخ ابن سیرین گفت زنی و خواهری و هر دو را بکار داری
توبه کن توبه کرد و بخدا بازگشت **بلغم** ابن سیرین گوید بلغم
در خواب مردی باشد که مال بوجه حلال نفقه کند و اگر بیند که
بلغم بجایی چرک انداخت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بلغم

سفید از گلو بجایی پاکیزه انداخت مالی جمع کرده بصلاح نفقه
کند کرمانی گوید اگر بیماری بلغم برافکند از بیماری شفا یابد و اگر بلغم
سیاه افکند غم و اندوهش رسد و اگر بلغم خون آلوده بود مالش نقصان
شود و اگر بلغم با اندرون خانه انداخت مال بعزیزان نفقه کند **برگ**
ابن سیرین گوید برگ درخت در خواب خوی پسندیده بود و اگر بیند که
برگ سبز بر گرفت خوی نیکو گرفت یا کسی بدو داد صاحب خواب خوش خوی بود
کرمانی گوید اگر بیند که از درخت برگ تازه باز کرد بقدر برگ مالش حاصل
شود معبری گوید برگ و میوه دلیل بر خلق خوش بود و برگ درختان خار
دار دلیل بر خوی بد بود و برگ درختان که بار نیارد دلیل بر درم و دینار
کند **پلنگ** ابن سیرین گوید پلنگ در خواب دشمن قوی و توانا بود و
اگر بیند که با پلنگ جنگ کرد با دشمن خصومت کند و اگر بیند که
گوشت پلنگ میخورد در جنگی عظیم افتد و مظفر شود و شرف و بزرگی
یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر پلنگ نشست دشمن زبون خود کرد و اگر
اگر جنگ کردند و هیچ کدام مظفر نشدند از پادشاه ترسی عظیم یابد
و اگر بیند که شیر پلنگ میخورد از دشمن ترسد و عاقبت ایمن شود و اگر
بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا موی او فرا گرفت یا کسی بدو داد
بقدر آن از مال دشمن بهره یابد و اگر بیند که پلنگ را بکشت دلیل که
از اسلام روی بگرداند و در وی خیر نباشد جعفر صادق گوید دیدن
پلنگ در خواب بر سه وجه بود **اول** دشمن قوی **دوم** مال از فتر
از دشمن **سوم** ترس از پادشاه **بلور** بخواب دیدن بلور دلیل بی

اصل بود و اگر بیند که بلور داشت یا کسی بوی داد زنی بی اصل بزنی
کند و اگر بیند که بلور از وی ضایع شد زن را طلاق دهد و اگر بیند که
بلور بسیار داشت بقدر آن بلور مال از زنان حاصل کند مغربی گوید
اگر بیند که بلور فروخت دلالی زنان بی اصل کند **بلوط** ابن سیرین گوید
بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر خوردن آن و اگر بیند که
درخانه وی انبانها بلوط بود مال حاصل کند جعفر صادق گوید
دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود **اول** روزی حلال **دوم**
منفعت **سوم** شفقت **بلیته** کرمانی گوید بلیته در خواب کار
فرمایی بود که پیش وی روند و خدمتش کنند و بلیته که او ختنه
نبود تاویلش بخلاف این بود **بناگوش** ابن سیرین گوید بناگوش در خواب
پسری خوب روی بود و هر دو بناگوش دو پسر کرمانی گوید بناگوش
در خواب دلیل بر قدر و جاه و دین بود و زیادت و نقصان دیدن بناگوش
دلیل بر زیادت و نقصان جاه و قدر بود جعفر صادق گوید دیدن
بناگوش در خواب بر چهار وجه بود **اول** پسر خوب روی **دوم** قدر و جاه
سوم دین درست **چهارم** منفعت سبب فرزند **پنبه** ابن سیرین
گوید پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنک دیده باشد و پنبه
دانه هم مال بود که وی را باسانی بدست آید جعفر صادق گوید پنبه
در خواب بر سه وجه بود **اول** مال حلال **دوم** منفعت **سوم** ستر
پنبه دانه مردی با خصومت بیهوده گوی **بنجشک** دانیال گوید بنجشک
در خواب مردی با قدر و جاه بود و اگر بیند که او را بدام یا بحیلت
بگرفت با مردی بزرگ مکر کند و او را قهر کند و اگر بیند که از گوشت

او بخورد از بزرگی فایده یابد و اگر بیند که بنجشک از آشیانه بیرون آورد
از خانه بزرگی چیزی بوی رسد و ملامت بیند ابن سیرین گوید اگر بیند
که بچگان بنجشک شکار میکرد و در دامان می نهاد مع کودکان کند
و اگر بنجشک [illegible] سخن [illegible] کرد در وی [illegible] بیند بخورد و اگر
بنجشک زرد یافت زنی بخورد گونه خواهد و معبران گویند بنجشک در
خواب فرزند بود یا غلام و خانه بنجشک بخواب دلیل خیر و ایمنی کند
و اگر آواز بنجشک می شنید آوازهای عجب شنود و معبران گویند
آواز بنجشک در خواب تعبیر کردن باشد و اگر بیند که بنجشک بسیار
او را حاصل شد دلیل سروری کند کرمانی گوید کرمانی گوید بنجشک
در خواب چون یکی بیند فرزند باشد و چون بسیار بود مال بود و اگر بیند
که بنجشکان بسیار بانگ می داشتند دلیل که او را با مردم جنگ افتد
و اگر بیند که بنجشکان بدهان نهاد و فرو برد او را فرزندی آید و اگر بیند
که بنجشک بکشت یا در دست او بمرد زیانی رسد یا فرزندش بمیرد
و اگر بیند که خانه بنجشک را کرفت او را فرزندی آید جعفر صادق
گوید دیدن بنجشک در خواب بر نه وجه بود **اول** پادشاه **دوم** والی
سوم مردی بزرگ **چهارم** غلام خوب روی **پنجم** قاضی **ششم** بازرگان
هفتم مرد راه زن **هشتم** مرد با خصومت **نهم** مردی بجمع کردن
حریص **حکایت** ابوخلد کفت پیش محمد ابن سیرین بودم مردی بیامد
و کفت بخواب دیدم که در آستین من بنجشکان بودند و یک یک
بیرون می آوردم و می کشتم و بهر یک شهادت میکفتم و در چاه می
انداختم کفت خانه بکجا داری کفت بفلان جای کفت یک ساعت

بشنید ابن سیرین پیش پادشاه رفت و اورا آگاه کرد که حالی چنین است
و مردم پادشاه را آنجا برد که خانه او بود نگاه کردند و در خانه او چاهی
بود دیدند که [illegible] مرد کشته بودند و در چاه انداخته و مال ایشان
ستده مردم ازین معنی تعجب کردند **بند** ابن سیرین گوید اگر بیند
که مردی مصلح اورا بندی داد که دران بند اورا اصلاح دین و سعادت
آخرت بود دلیل بر بشارتی که خیر دین و دنیا باشد و اگر بخلاف این
بود دلیل بر فساد و تباهی بود مغربی گوید بند دادن در خواب که
صلاح دین بود بند دهنده فرشته مقرب بود که بشارت دهد
صاحب خواب را بچیزی که بدو رسد و شکر بجای آورد و بندی که دران
فساد بود بند دهنده دیو بود اورا توبه باید کرد تا از شر او ایمن گردد **بند**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین داشت در دینش خلل بود
و گویند بند آهنین بر دست دلیل بخل بود و بعضی از معبران گویند چون
مرد مصلح بر دست خود بند بیند از بدی دست بدارد و اگر بند چوبین بیند
آنچه گفتیم سهل‌تر بود ابن سیرین گوید اگر در گردن بند چوبین بیند
امانتی در گردن او باشد و آن امانت نمی گزارد و اگر بند چوبین بر پای
بیند دلیل بر صلاح و ادام وی در طاعت خدای تعالی بند و اگر بر کسی
بسفر رود بسلامت باز آید و اگر بیند که بند در گردنش از سیم بود دلیل
که از زنش رنج رسد و اگر بیند که بندش از زر بود دلیل که رنج و آفتش
سبب مال رسد و اگر بیند که بندش از مس بود رنج وی بهر کسب و
معیشت بود و اگر بیند که بند را بشکست خلل بود در دین و اگر بیند
که بند از پای وی برداشتند از عمل پادشاه خلاص یابد و اگر بر پای خود

تا و پایش خلاف است بعضی گویند سفری بود دران با رنج و غم و بعضی
گویند مهتری و بزرگی باشد که از وی منفعت یابند و بعضی گویند
فرزند باشد و بعضی گویند بیماری بود و هر یک بدلیلی و حجتی گفتند و قول
همه راست است **بهار** ابن سیرین گوید بهار بخواب در وقت خود دیدن
پادشاه بود و اگر بیند که فصل بهار بود و هوا نا معتدل اهل آن
دیار از پادشاه رنج بینند و اگر بیند که هوا معتدل بود و جهان
خرم از گل و شکوفه اهل آن دیار از پادشاه راحت بود اگر بیند که فصل
بهار در وقت خود با اعتدال بیند و مردم بی رنج دلیل که عز و شرف
و رفعت بود و عامه را از پادشاه ایمنی بود و عدل و انصاف و فضل
[illegible] همین باو بسیار دارد **بهشت** ابن سیرین گوید بهشت بخواب خرمی
و مژده بود قال الله تعالی قوله عز و جل ادخلوها بسلام آمنین
و اگر بیند که از میوهای بهشت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل
که خیر و خرمی بیند و اگر میوه بهشت فرا گرفت و هم در بهشت بخورد
علم آموزد و لکن سودش ندارد و اگر بیند که با حوران بهشت بود
کارها بروی آسان شود و اگر دید که در بهشت مقیم شد دلیل که در
دنیا نعمت و اقبال یابد و اگر بیند که خواست که مقیم شود و نگذاشتند
در دنیایش نقصان بود و اگر بیند که در بهشت بروی بسته
شد پدر و مادر از وی ناخشنود باشند و اگر نزدیک بهشت رفت
و باز گردید بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که فرشتگان دست
وی بگرفتند که به بهشت برند و او نرفت دلیل که دست از کار دنیا
بداشته بود و اگر او را گویند در بهشت شو میراث یابد و اگر

فرا گرفت

بیند که در بهشت بزیر درخت طوبی نشست مراد دو جهانی وی
حاصل شود **طوبی لهم وحسن مآب** واگر بیند که اورا از خوردن
شراب یا شمع منع کردند دلیل بر تباهی دین وی بود **ومن یشرك بالله فقد**
حرم الله علیه الجنة واگر بیند که میوهای درخت بکسی داد
آنکس را از علم وی بهره بود واگر بیند که در بهشت آتش انداخت باغ
بحرام چیزی خورد واگر دید که از حوض کوثر آب خورد بر دشمن ظفر یابد
واگر دید که کوشکی بوی دادند ولایتی یابد معبّر گوید اگر رضوان برابر
او شادمانه بود ندیم و شادمانه شود **سلام علیکم طبتم فادخلوها**
فادخلوها خالدین واگر بیند که بر جایگاهی بلند بود دلیل که بپادشاهی
پیوندد یا بزرگی یا عالمی واگر بیند که سوی بهشت می‌رفت پیوسته
براه حق باشد جعفر صادق گوید بهشت دیدن در خواب بر ده وجه
بود **اول** علم **دوم** زهد **سوم** منفعت **چهارم** شادی **پنجم**
ششم بشارت **هفتم** ایمنی **هشتم** خیر **نهم** برکت **دهم** سعادت
واگر بیند که در بهشت بود مراد دو جهانی یابد و بدست او خیرات
بسیار رود اما چون مصلح نبود بیلایی مبتلا گردد **پهلو** ابن سیرین
گوید پهلو در خواب دیدن زن بود واگر دید که پهلوی چپ
وی آماس داشت زنش آبستن شود واگر بیند که پهلوی وی
سوراخ شد و پاره گوشت از پهلوی وی بیفتاد دلیل که زن او
بچه بی هنگام بیندازد واگر بیند که هر دو دست او بر پهلو نهاد
در غمی بزرگ افتد کرمانی گوید اگر بیند که پهلوی او شکسته
بود دلیل که از جهت مادر یا پدر یا عیال اندوهگین شود واگر

بیند که از پهلوی وی گوهری یا لولوئی بیفتاد دلیل که اورا فرزندی
عالم عامل یا پارسا آید واگر بیند که هر دو پهلوی او فراهم آمد غم و اندوه
بود معبّر گوید پهلو در خواب دلیل بر زن باشد زیرا که زنان از پهلو
مردانند واگر بیند که از پهلوی او ماری بیرون آمد دلیل فرزندی بود جعفر
صادق گوید دیدن پهلو در خواب بر پنج وجه بود **اول** زن **دوم**
دختر **سوم** کنیزک **چهارم** خادم **پنجم** پیرزنی که در خانه بود **تیمار**
ابن سیرین گوید تیمار در خواب مال و روزی حلال بود که از زن
بدو رسد واگر بیند که تیمار بگرفت یا کسی بوی داد بزرگی یابد
از مال زن واگر بیند که تیمار بکشت و از مال او بخورد مال زن خورد
واگر بیند که تیمار گرفت و بخانه برد از خویشان زن خواهد و نفع
یابد **بوریا** ابن سیرین گوید اگر بیند که بوریا می‌کند دلیل سفله
و خسیسی باشد و نیز گویند زنی بی اصل خواهد و از مردم ملامت
یابد واگر بیند که بوریا یافت و سیری شد شغل خویش تمام کند
واگر از بوریا ابزاری یافت بکدخدایی خود مشغول بود معبّر گوید اگر
بوریا داشت یا کسی بوی داد از وی منفعت یابد جعفر صادق گوید
دیدن بوریا بر سه وجه بود **اول** منفعت **دوم** خواستار
شدن **سوم** بکدخدایی خود مشغول شدن **بوزینه** ابن سیرین
گوید بوزینه در خواب دشمنی فریبنده ملعون بود واگر بیند که با بوزینه
نشسته بود و بوزینه مطیع بود بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که بوزینه
نبرد کرد و بر وی چیره شد دلیل بیماری بود و اگر بوزینه چیره شد خلاص
نیابد کرمانی گوید که اگر بیند که بوزینه بکشت دشمن را قهر کند واگر بیند

که گوشت او بخورد به بیخی سخن گرفتار شود و اگر بیند که بوزنه بوی
بخشید نه کسی دشمنی بروی ظاهر کند مغربی گوید اگر بیند که بوزنه
بر اسب نشسته بود جهودی با زن وی فساد کند و بوزنه نر مردی
فریبنده بود و بوزنه ماده زنی مفسده جادو بود و اگر بیند که بوزنه
در خانه او امد زنی در خانه او جادویی کند و اگر بیند که بوزنه با وی سخن
گفت زن با وی زبان درازی کند و اگر بوزنه ویرا بگزید بیمار شود و اگر
دید که بوزنه چیزی داد مال بر اهل خود هزینه کند **پوست** دانیال گوید
پوست تن مردم ارایش و کدخدایی باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که
پوست تن وی برخاسته بود ستر وی گشاده شود و اب رویش ریخته
گردد و اگر پوست تن خود کبود یا سیاه بیند غم و اندوه بود و اگر بیند
که پوست با بیش پوشش بود کارش ساخته شود کرمانی گوید پوست
جمله چهار پایان بخواب مال بود و پوست شتر میراث بود از مردی
بزرگ و پوست گوسفند روزی بود و اگر بیند که پوست از مسلوخ
باز کرد از انکس که بدو منسوب بود مال بستاند و اگر بیند که سرایی
بنا کرد جهت پوست نهادن اگر انکس قصاب است بهنا و اگر معلم
بود بر کیتین کان ستم کند مغربی گوید اگر پوست گری میکرد شغلها
و کارها تباه بصلاح باز اید یا میانجی کند پیش بزرگان **پوستین** ابن سیرین
گوید اگر بیند که پوستینی پوشیده بود و زمستان بود چیزی بوی رسد
که وجه معیشت او بود لیکن سرانجام غمناک شود کرمانی گوید اگر
پوستین بره یا بزغاله داشت زنی توانگر خواهد و از وی مال یابد و اگر
بیند که پوستین پلنک داشت زنی خواهد و منفعت بیند و اگر

پوستین روباه داشت زنی خواهد پارسا لیکن محیل بود و اگر پوستین
خرگوش پوشیده بود زنی بدفعل خواهد و از وی زحمت بیند و اگر
پوستین سنجاب پوشیده بود زنی بدخوی ناسازگار خواهد و اگر پوستین
گربه پوشیده بود زنی دزد خیانت کار خواهد و اگر پوستین وشق
پوشیده بود زنی منکر خواهد و اگر پوستین حواصل داشت زنی دین
دار خواهد و اگر پوستین موش پوشیده بود زنی نابکار خواهد
و اگر بیند که پوستین وی دریده بود یا سوخته غم و اندوه و نقصان
مال بود **بوسه** ابن سیرین گوید اگر بیند که بوسه بخواب می داد
انکس را دوستدار شود و اگر انکس مجهول بود از جایی که طمع دارد
منفعت بیند و اگر معروفی ویرا بوسه دهد از انکس خیر و منفعت
یابد کرمانی گوید اگر بیند که مرده را بشهوت بوسه می داد از ان مرده بهره
چیزی کند و اگر بیند که مرده ویرا بوسه داد از مال مرده چیزی
بوی رسد و اگر بیند که کنده پیری ویرا بوسه داد خواستار دنیا
شود جعفر صادق گوید بوسه دادن در خواب بر چهار وجه
بود **اول** خیر و منفعت **دوم** حاجت روایی **سوم** ظفر بر دشمن
چهارم سخن خوش شنیدن **بوق زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب
بیند که بوق می زد و بوق زدن نداند دلیل که مردم را از حال خود
اگاه کند و اگر بیند که زدن می ندانست در میان مهتران دروغ گوید
و بسو کند راست کند مغربی گوید بوق زدن بتاویل مردان از مصیبت
بود و زنان را رسوایی جعفر صادق گوید بوق زدن در خواب بر چهار
وجه بود **اول** خبر مکروه **دوم** سخن دروغ **سوم** ظاهر شدن راز

چهارم مصیبت پل کردن ابن سیرین گوید پل ساختن در خواب
پادشاه بود یا مردی بزرگوار کرمانی گوید پل کردن در خواب تاویلش نیکویی
بود و اگر بیند که بر پل بگذشت از پادشاه عز و جاه یابد و اگر بیند که بنیاد
پل می نهاد و عمارت میکرد ولایت یابد و مال جمع کند قوله تعالی
والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة جعفر صادق گوید پل در خواب
بر چهار وجه بود اول مردی که همه مردم را بکار آید دوم پادشاه
سوم نیکویی و کامرانی یافتن چهارم مال حاصل کردن و اگر بیند که
پل بشکست از تباهی حال پادشاه بود در ملک بوم بخواب دیدن
مردی بود دزد ناپاک و مفسد و حسود و اگر دید که با بوم جنگ کرد با
چنین مردی خصومت کند و همه حال بوم دیدن مبارک نباشد
و اگر بیند که بوم داشت یا کسی بوی داد او با مردی دزد حسود دوستی
افتد و اگر بیند که بوم را بکشت مردی دزد قهر کند و اگر دید که گوشت
بوم خورد بقدر گوشت از مال دزدی بهره یابد و اگر بیند که بچه بوم
داشت دلیل که وی را غلامی دزد یا شاگردی دزد باشد بوی خوش
ابن سیرین گوید بوی خوش در خواب ثنا و مدح خداوند خواب
بود و اگر دید که بوی خوش شنید نکوهش بود و اگر بسیار دید مرگ
بود پی ابن سیرین گوید پی در خواب جمع کننده مال بود و اگر بیند که
پی اندام وی خشک شد دوستان او غایب شوند یا بمیرند و اگر بیند که
پیهای اندام او درشت و قوی شد دوستان و اهل بیت قوی گردند
و اگر بخلاف این بود تاویلش بخلاف بود بیابان دانیال گوید بیابان
در خواب قسمت و روزی بود بقدر بزرگی و اگر بیند که در بیابان

تنها بود از کسب خویش مال حاصل کند و اگر بیند که با گروهی در بیابان
می گشت مال و نعمت از سفر حاصل کند ابن سیرین گوید اگر بیند که از بیابان
بیرون آمد از غم رسته گردد و اگر بیند که در بیابان رفت غمگین
گردد جعفر صادق گوید دیدن بیابان در خواب بر چهار وجه بود
اول قسمت و روزی دوم حیرت و سرگشتگی سوم عنا و رنج
چهارم بیم و خطر پیاز کرمانی گوید پیاز در خواب مال حرام بود و
گفتار ناخوش و اگر بیننده خواب مصلح بود بجهد از خود دفع کند
و اگر مفسد بود مال حرام جمع کند و اگر پخته خورد از حرام جمع کند
جعفر صادق گوید دیدن پیاز در خواب بر سه وجه بود اول مال حرام
دوم غیبت و سخن زشت سوم پشیمانی در کارها پیاله ابن سیرین
گوید پیاله در خواب کنیزکی بود طرب دوست و اگر بیند که در پیاله
جلاب یا آب خورد دلیل که با کنیزک جمع شود و فرزندی مصلح آرد
و اگر پیاله بریخت فرزندش بمیرد جعفر صادق گوید پیاله در خواب
بر دو وجه بود اول کنیزک دوم خادم پیراهن دانیال گوید پیراهن
سفید در خواب دین بود و بعضی از معبران گویند پیراهن زن باشد
ابن سیرین گوید پیراهن مرد حال و کار او باشد در معیشت و اگر دید
که پیراهن نو فراخ پوشیده بود دلیل صلاح کار و نیکویی احوال او
بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر فساد کار او بود و اگر بیند که پیراهن
وی دریده بود یا سوخته تاویلش مانند بود در تنگی و بدی و اگر بیند
که پیراهن کهنه و چرکن بود دلیل بر بدحالی و نامرادی بکشد و هر چند
پیراهن بدتر رنج و بلا بیشتر و اگر بیند که پادشاه پیراهن خود بدو داد

ودر پوشید دلیل که پاذشاهی ازوی بستانند کرمانی گوید اگر پیراهن
نو سفید پوشید ودر زیر آن چرکن بوذ بظاهر نیک بود وبباطن
بد واگر بیند که پیراهن بی گریبان وبی آستین وبی دامن پوشید
بوذ اجلش نزدیک بوذ واگر بیند که پیراهن او گریبان از پس دریغ
بوذ او بدروغ متهم کنند ان کان قمیصه قد من دبر واگر دیذ که پیراهن
کسی داذ وآن کس پیراهن بروی وی مالید بی غم شوذ واورا بشارتی
آید اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی واگر بیند که پیراهن
خون آلوذ بوذ در دست مردی روزگاری درغم بماند وجاءو علی
قمیصه بدم کذب جعفر صادق گوید دیذن پیراهن درخواب بر
شش وجه بوذ اول دیذن مرد دیندار دوم ستی سوم عیش
خوش چهارم ریاست پنجم رامش وخرمی ششم بشارت بیت
المعمور خانه ایست در آسمان چهارم برابر کعبه طاعتگاه فرشتگان
ابن سیرین گوید اگر بیند که در بیت المعمور شذ میان خلق بامانت یا
بعلم ظاهر شوذ وحج گزارد واز شر دشمن ایمن گردد واگر بیند که بیت المعمور
در زمین بوذ پاذشاهی عادل پیوسته گردد واگر بیند که در بیت المعمور
مقام داشت اجلش نزدیک بوذ واگر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف
میکرد همین دلیل کند واگر بیت المعمور بکردار مسجدی بیند ودر وی
نماز میکرد حاجتش روا شوذ کرمانی گوید اگر از زمین تا بیت المعمور
راه گشاذه بوذ در آن سال حج بسیار کنند واگر بیت المعمور آراسته
دید وفرشتگان در وی طواف میکردند دلیل که کار علما واهل
دین بنظام شوذ وعز وجاه بیند پیرایه ابن سیرین گوید پیرایه در

خواب زینت زنان وکنیزکان باشذ بقدر وقیمت پیرایه که دیذه بوذ
کرمانی گوید اگر بیند که پیرایه بجوهر پوشیذه بوذ بقدر آن مال حاصل
کند واگر دیذ که پیرایه وی ضایع شذ زیانی رسد واگر دیذ که پیرایه
زنان داشت غمگین شوذ پیروزه ابن سیرین گوید پیروزه درخواب ظفر
وقوت بوذ واگر بیند که پیروزه داشت یا بخرید حاجتهاء وی روا شود
وبر دشمن ظفر یابذ واگر بیند که پیروزه ازوی ضایع شذ مرادش
بر نیاید مغربی گوید اگر بیند که پیروزه بخروار داشت بقدر آن اورا مال
حاصل شوذ جعفر صادق گوید دیذن پیروزه درخواب بر چهار وجه
بوذ اول حاجت دوم حاجت روایی سوم قوت چهارم ولایت
پیر شذن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پیر شذ ومحاسن او
سفید گشت دلیل عز وبزرگی بوذ واگر پیری مجهول را بیند از دوستی
مرادش بر آید واز غم رسته شوذ واگر پیری معروف بیند از وی چیزی
بدو رسد مغربی گوید اگر پیری بخواب بیند که جوان شذ در عز وبزرگی
او نقصان بوذ واگر جوانی یا کودکی بیند که پیر شذ بکار آخرت مشغول
شوذ پیشتی ابن سیرین گوید پیشتی درخواب مال وتوانگری بوذ واگر
بیند که بر وی بخش گشت بقدر آن مال ونعمتش رسد وبعضی از
معبران گویند پیشتی درخواب میراث بوذ جعفر صادق گوید دیذن
پیشتی درخواب بر پنج وجه بوذ اول مال دوم میراث سوم منفعت
چهارم ثواب پنجم پیدا شذن کاری پیشانی ابن سیرین گوید
پیشانی درخواب قدر وجاه بوذ وبعضی گویند فرزند توانگر بوذ واگر بیند
که بر پیشانی او نشانی بوذ به پرهیزکاری مشهور بوذ واگر بیند که

زخمی بر پیشانی او زدند و خون از وی روان شد جاهش زیادت شود
و اگر بیند که پیشانی او کوچک شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند
که بر پیشانی او موی رسته بود وام دار شود و اگر بیند که مویش
سفید یا سرخ شد و امثال آن سبب عیال افتد و اگر بیند که پیشانی
وی آماس داشت مالش زیادت شود و اگر بیند که مار یا کژدم
پیشانی او بگزید بقدر آن المی از دشمن بوی رسد معبری گوید اگر بیند
که بر پیشانی نیز چشم داشت بکدخدایی خود احتیاط کند و اگر
بیند که بر پیشانی او خطی سبز نوشته بود او را فرزندی عالم آید
و اگر بیند که بر پیشانی او آیت رحمت نوشته بود عاقبتش محمود باشد
و مرگش بر شهادت و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته بود
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید پیشانی در خواب
بر شش وجه بود **اول** جاه و قدر **دوم** عز و بزرگی **سوم** فرزند توانگر
چهارم معیشت **پنجم** ریاست **ششم** جود و نیکی **پیشه کردن** ابن
سیرین گوید اگر بیند که بر کاری پیشه گرفت یا بر کسی از کار دین
چنانک در عبادت یا در حج یا در غزا و آنچه بدین ماند رستگاری
یابد و اگر بیند که در کار دنیا بروی پیشه گرفت عز و اقبال یابد جعفر
صادق گوید پیشه گرفتن در خواب بر کارها خیر دلیل صلاح دو جهانی
بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر شر و فساد دو جهانی بود ابن سیرین
گوید اگر بیند که پیشه خود رها کرد و پیشهٔ بهتر از آن مشغول
شد دلیل که حال و کارش بهتر گردد و در کسبش برکت پیدا شود
و اگر بیند که پیشها گوناگون میکرد اگر پیشه نیک بود دلیل

نیک بود و اگر بد بود بد **بیشه درختان** ابن سیرین گوید بیشه در خواب
زنی بود بیابانی و اگر بیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز شد و درختان
میوه دار خاصه در وقت خود و از آن میوها خورد زنی خواهد که
اصل وی بیابانی باشد و از آن زن منفعت بیند و اگر بیشه را از سبزی
و میوه خالی بیند دلیل بر حیف و مضرت بود و اگر در آن بیشه عوض
درخت خار بود او را غم و اندوه رسد جهت زنان جعفر صادق گوید
بیشه در خواب بر چهار وجه بود **اول** زن بیابانی **دوم** کنیزک
سوم منفعت **چهارم** غم و اندوه **بیع کردن** ابن سیرین گوید اگر بیند که
مصحف قرآن بفروخت دین نزد او حقیر و خوار بود و اگر بیند که بنده
خود بفروخت حرمت او زایل گردد و اگر بیند که زن خود بفروخت بد
نام شود کرمانی گوید هرچه در دین عزت بود فروختن آن در خواب بد
بود **پیکان** ابن سیرین گوید اگر بخواب دید که پیکان بخرید یا کسی
بوی داد دلیل که رنجه دستکار رسد معبری گوید پیکان در خواب
قوت بود یا شکسته یا زنگار خورده بود بد باشد **پیکر** ابن سیرین
گوید اگر بیند که پیکری داشت زن خواهد و اگر پیکری بخرید کنیزکی
خرد و اگر بیند که پیکرش بشکست یا ضایع شد زن را طلاق دهد
یا بمیرد و اگر پیکر چهرهٔ خویش بر صورتی دیگر بیند احوالش بگردد
کرمانی گوید اگر پیکر خویش بصورت زشت بدل کرد حال وی متغیر
گردد و اگر بیند که باز صورت خود گشت توبه کند و اگر پیکر خود باز
گونه بیند همه کس روی از وی بگردانند معبری گوید اگر بیند که
پیکر آدمی با پیکر حیوانی کرد آن کس بد مذهب و دروغ زن بود

واکر بیند که بیکرا و بکونه دیکر که نه جنس او بود بکشت بیننده را
کاری صعب بدید این پیل معبران کویند وقت است میان خواب
دیدن روز و شب الا دیدن پیل اکر بیل در شب در خواب بیند که بران
نشسته بود زن خواهد و بکاری بزرک برسد و اکر بروز بیند زن را
طلاق دهد و اکر بیند که پیل را بکشت باذشاهی بدست او کشته
شود یا حصاری کشاده کرده اند و اکر بیند که پیل بای بروی نهاذ
و بکشت بهلاک نزدیک بود و حالش بد شود و اکر بیند که بر پیلی نشسته
بود و ان پیل دو سر داشت بخدمت باذشاهی دیکر شود کرمانی کوید اکر
بیند که بر پیلی نشسته بود با سلاح و پیل مطیع او بود دلیل که باذشاه
ملک عجم شود و اکر بیند که کوشت پیل میخورد بقدر ان از ان
باذشاه مال یابد و اکر بیند که بوست یا استخوان پیل با خوذ داشت
هم از باذشاه منفعت یابد و اکر هنکام رزم بر پیل نشسته بود
دشمنی بزرک قهر کند و اکر بیند که از پشت پیل بیفتاد در بلا و
سختی افتد و اکر بیند که پیل در میان جنک افتاد باذشاه از دیار
ببرد معربی کوید اکر بیند که ان بهر تماشا بر پیل نشست و از پیل
بروی قادر بود زنی عجمی خواهد و ان زن بروی قادر باشد و اکر
بخلاف این بود بر زن قادر شود و اکر بیند که پیلی با سلاح از شهری
بشهری دیکر رفت مملکت ان باذشاه بباذشاهی دیکر افتد و اکر
بیند که پیلی برهنه بود زنی بزرک عجمی را قهر کند و اکر بیند که پیل
او را زیر بای خوذ افکند تا هلاک کند باذشاه وقت بروی ستم
کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن پیل در خواب بر شش

وجه بود اول باذشاه عجمی دوم مرد غلام سوم مرد مکار چهارم
مرد با قوت پنجم مرد حسود ششم مرد با خصومت بیلاکوش
کیاهی است برک بهن و ان شکوفه زرد دارد دیدنا و در خواب بی
بود خادمه و بی اصل و اکر بیند که پیلاکوش داشت با زنی خادمه
چنانکه کفتیم جفت شود و خبر یابد بلور ابن سیرین کوید بلور در خواب
مانند طبیب باشد و مانند فقیه زیرا که طبیب را معالجه کند
و فقیه مردمان را براه دین آورد و بلور دارو ها و شد و هر سه بمردم
راحت می رسانند تعبیرش بر خیر و سعادت بود معربی کوید اکر بیند
که بلوری می کرد از و راحت بمردم رسد بیمار ابن سیرین کوید
پیمار در خواب خادمی بود که کارها بسته کند و بعضی کویند بیمار
در خواب کاری بود که برنج و عنا بدست اید بیمار ابن سیرین
کوید اکر بیند که بیمار است دین وی بفساد بود و بعضی کویند در ان
سال بمیرد و اکر بیماری بخواب بیند که تن درست شده بود و بخانه
خوذ بنوذ بیماری دراز کشد و بخطر بود و اکر بیند که با مردم مجالست
کرد از بیماری خلاص یابد کرمانی کوید اکر بیمار برهنه بود زن بمیرد
و معبران کویند بیماری در خواب دلیل بر فسق و فجور و اندوه بود
معربی کوید بیماری کونا کون در خواب دلیل بر خوار داشتن و نقصان
بود جعفر صادق کوید اکر بخواب بیند که بیمار بود و از بیماری
خوذ می نالید بقضای خدای تعالی راضی نباشد و بقول دیکران
غم این شود و اکر بیند که بیمار قانع و راضی بود صحت یابد و اکر
برهنه بود بمیرد لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة بیمار

درخواب نظام کار و انصاف و راستی بود با مردم و بعضی معبّران
گویند پیمانه بنا و بلا میانجی بود و اگر بیند که پیمانه می ستد با کسی
بوی داد دلیل بر انصاف و راستی او در معاملت بود و اگر بیند که پیمانه
بشکست یا بسوخت خداوندش بیم مرگ بود کرمانی گوید اگر بیند
که به پیمانه چیزی می پیمود و او از اهل علم نبود از بهر داوری بقاضی
محتاج گردد و بقولی دیگر پیمانه درخواب مردی بود راست گوی
و منصف باداد **بینی** دانیال گوید بینی درخواب جاه و منزلت بود
و هر زیادت و نقصان که در بینی بیند دلیل بر زیادت و نقصان
جاه بود و اگر بیند که بینی وی نیکو نا شده بود در جاهش نقصان شود
و اگر بیند که بینی وی افتاده بود از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که
سوراخ بینی وی فراخ شده بود معیشت بروی فراخ شود و اگر
بیند که تنگ شده بود تنگ عیشی بود ابن سیرین گوید اگر بیند که موی
از بینی بیرون آمد از مهتری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از
بینی وی بیرون آمد چون کرم و مگس و مانند این دلیل که او را فرزندی
آید و اگر بیند که بینی وی سوراخ کردند با مردم تواضع کند یا با زنی
جمع شود و از وی مال یابد و اگر بیند که سر بینی او بسته بود او را زیانی
افتد کرمانی گوید اگر کسی بیند که خون از بینی وی می آمد مال بسیار
یابد و اگر بیند که هر دو سوراخ بینی او یکی شده بود با زنی عاقله جمع
شود و اگر بیند که سر بینی او بریده بود فرزند خود را ختنه کند.
و بعضی گویند در جاه او نقصان شود مغربی گوید اگر بیند که چیزی
بکراهیت در بینی او شد دلیل بر خشم و کینه بود و اگر بیند که از

او خون می آمد و جامه او آلوده گشت دلیل که زن یا فرزند از خانه بیرون
کند و اگر بیند که بینی وی بر زمین افتاد دلیل که وی را دختری آید
و اگر بیند که خون می شست دلیل که مردی زن خود را بعز بیاند و اگر
بیند که از بینی او مرغی بیرون آمد چهارپایی که دار ذبیحه آرد
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بینی او بر مثال خرطوم دراز شده بود
بقدر آن عز و جاه بیفزاید و اگر بیند که از بینی او بوی خوش رفت دلیل
که او را فرزندی مصلح آرد و اگر بوی ناخوش رفت تاویلش بخلاف
این بود حافظ معبر گوید اگر بیند که بینی نداشت یکی از خویشان او بمیرد
و اگر بیند که او را دو بینی بود میان او و میان عیالش خلاف بود جعفر
صادق گوید دیدن بینی درخواب بر پنج وجه بود **اول** عزت **دوم** مال
سوم بزرگی **چهارم** فرزند **پنجم** عیش **پیه** ابن سیرین گوید اگر کسی
بخواب بیند که پیه می خورد خیر و نعمت و فراخی یابد و اگر بیند که پیه
گوسفند می خورد بقدر آن مال حلال یابد و اگر دید که پیه جانوری می
خورد که گوشت آن حرام بود بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر دید که
جانوری خورد که گوشت آن حلال بود مال حلال یابد جعفر صادق
گوید دیدن پیه درخواب بر سه وجه بود **اول** نعمت و فراخی
دوم مال و منفعت **سوم** گشایش در کارها بسته **بیهوشی** کرمانی
گوید اگر بیند که بیهوش گشت چنانک عقل از وی زایل شد او را کاری
پیش آید که در آن سرگشته شود جعفر صادق گوید بیهوشی
درخواب بر دو وجه بود **اول** دشواری کارها **دوم** سرگشتگی
حرف التاء تاب دادن ابن سیرین گوید تاب دادن رسن

یا رشته یا ریسمان بسفر بود و سفر پیش نیفتد کوتاهی و درازی ریسمان
بود و اگر بیند که از بهر چیزی جو وختن ریسمان تاب میداد دلیل که از بهر
مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس ریاضت کشند جعفر صادق
گوید تاب دادن ریسمان در خواب بر سه وجه بود اول سفر و تحویل
دوم ریاضت نفس سوم گشایش کارها و بسته تابستان ابن سیرین
گوید تابستان بخواب دیدن پادشاه بود و اگر بیند که تابستان بود و گرمای
سخت چنانکه مردم از آن زیان بود اهل آن دیار را زیان رسد از پادشاه
و اگر بیند که هوا سخت گرم بود و آفتاب با کس زیان نداشت دلیل که
اهل آن دیار را از پادشاه خیر و سلامت رسد و تابستان بوقت خویش
دیدن بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی تابستان بوقت خود بیند و درختان
بربار عز و دولتش زیادت شود و کارش بمراد ساخته گردد و عامه را
تابستان در خواب دیدن نصرت و قوت بود و تابستان نه بوقت دیدن
تاویلش بخلاف این بود تابوت ابن سیرین گوید تابوت بخواب زن بود
و بعضی از معبران گویند تابوت نور و بزرگی عز و جاه بود که با زر کنند
و اگر بیند که تابوت بشکست یا ضایع شد یا بسوخت دلیل که عز
و جاه او کم شود و زن از و جدا شود تاج ابن سیرین گوید تاج در
خواب پادشاهان ملک و ولایت بود و زنان را شوهر و عامه را بحج
حال و اگر بیند که تاج بر سر داشت دلیل که از زر و مرصع و جواهر
قدری یابد و لیکن در شریعت ضعیف بود و اگر این خواب زنی بیند
شوهری صاحب جاه یابد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه تاج بر سر
او نهاد دلیل که او را از پادشاه کام و مراد حاصل شود و اگر بیند که

تاج از سر وی بیفتاد زنش بمیرد یا طلاق دهد جعفر صادق
گوید اگر زنی بیند که تاج بر سر نهاد شوهر کند و اگر شوهر دارد بر سر زنان
مهتر شود و اگر زنی بیند که تاج از سر وی بگرفتند یا بیفتاد شوهرش
طلاق دهد یا زنی کند تاراج ابن سیرین گوید اگر بیند که مال و نعمت
کسی را بتاراج داد آنکس را غم و اندوه رسد جعفر صادق گوید
تاراج در خواب بر چهار وجه بود اول تعب دوم زیان سوم
غم و اندوه چهارم ارزانی نرخها تاریکیها ابن سیرین گوید تاریکیها
بخواب ضلالت بود در راه دین و اگر بیند که تاریکی فرا گرفت گمراه
بود اگر بیند که در تاریکی بود و بروشنایی بدل شد دلیل که توبه کند
و راه دین بر وی گشاده گردد جابر مغربی گوید تاریکی بخواب غم و
اندوه بود و اگر بیند که هوا سخت تاریک بود مردم آن دیار را غم و
اندوه رسد و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه تاریک شد در آن
دیار مرگ مفاجاة ظاهر شود جعفر صادق گوید دیدن تاریکی در
خواب بر پنج وجه بود اول کفر دوم تحیر سوم بستن کار
چهارم بدعت پنجم ضلالت اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که از
تاریکی بروشنایی شد از درویشی به توانگری افتد تازیانه دانیال
گوید تازیانه در خواب مال اندک بود و اگر دید که دوال تازیانه بگسست
دلیل بر زیان مال بود ابن سیرین گوید اگر بیند که تازیانه بدو زدند
فایده بوی رسد و اگر بیند که تازیانه از دست بینداخت دلیل که
آن کار که در دست دارد ترک کند ابن سیرین گوید اگر بیند که تا
زیانه زد از آنکس مال حلال یابد و اگر بیند که نشانها تازیانه بر تن

وی بماند سخنها ناخوش شنود معبری گوید اگر بیند که تازیانه نیکو
در دست داشت با علاقه ابریشم دلیل بر قوت و عمل وی و اگر تازیانه از
دوال یا از چرم سپید خیر و منفعت یابد و اگر بیند که تازیانه در دست
او بشکست و زندش هلاک شود یا از کار معزول گردد و اگر بیند که
بر پشت تازیانه زند و خون بر آمد آنکس مال حرام یابد و اگر بیند که تازیانه
بی اندازه زد غم و اندوه بود اسمعیل اشعث گوید اگر تازیانه کوتاه
داشت بعد از آن دراز شد زبان خصم وی دراز شود و اگر کوتاه
شد دشمن بر وی غلبه کند جعفر صادق گوید تازیانه در خواب
بر پنج وجه بود اول منفعت زن دوم جدل سوم کاری مشکل
چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگی و مال تاوه ابن سیرین
گوید تاوه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر بیند که تاوه داشت
یا کسی بوی داد دلیل که خدمتکار مصلح او را حاصل شود بقدر بزرگی
تاوه و اگر بیند که تاوه بشکست خدمتکار خانه هلاک شود یا از
وی جدا شود معبری گوید اگر بیند که در تاوه چیزی پخت و خورد
از خدمتکار بوی خیر و منفعت رسد و اگر بیند که از تاوه چیزی خورد
از خدمتکار رنجی رسد تب ابن سیرین گوید اگر بیند که وی را تب
گرفته بود بفساد مشغول باشد او را توبه باید کرد کرمانی گوید اگر
بیند که او را تب دراز گرفت تنش درست و عمرش دراز گردد و اگر تب
اندک بود تاویلش بخلاف این بود تبر ابن سیرین گوید تبر
در خواب خدمتکاری کاهل بود معبری گوید تبر در خواب مردی
ترسنده بود منافق که میان مردم جدایی افکند و اگر بیند که تبری

داشت یا کسی بوی داد با مردی منافق او را صحبت افتد و اگر بیند که
تبر بشکست یا ضایع شد دلیل جدایی ایشان بود تبیره طبل بود
بپارسی دیدن او بخواب مکروه است و کلام باطل و اگر بیند که تبیره زد
و آوای کوفت غم و اندوه بود و بیشتر بر زننده باز گردد و بعضی از معبران
گویند آواز او باطله یا شنعتی دروغ جعفر صادق گوید تبیره در خواب
کاری باشد که بنادانی کرده شود و عاقبت بدانند که دروغ است
تتماج ابن سیرین گوید اگر بیند که تتماج با گوشت بره یا ماست و سیر
خورد بقدر آن او را منفعت رسد و اگر بیند که با گوشت گاو یا گوشت
خرگوش و کشک میخورد دلیل بر منفعت اندک از مردم سفله بود معبری
گوید تتماج که ترش بود غم و اندوه بود تخت ابن سیرین گوید اگر بیند که
بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی نگسترده بود دلیل که بسفر شود
و اگر دید که بر تخت خفته بود و چیزی بر تخت گسترده بزرگی یابد
بقدر آن و اگر بیند که تخت بشکست و او بیفتاد از جاه و بزرگی
بیفتد جعفر صادق گوید تخت در خواب بر هفت وجه بود اول
عز و بزرگی دوم سفر سوم مرتبت چهارم بلندی پنجم ولایت
ششم قدر و جاه هفتم عالی شدن کار تخم ابن سیرین گوید
اگر بیند که تخم کاشت و بار جمع کرد دلیل که شرف و بزرگی یابد
و اگر دید که از آن تخم کشته بود میخورد دلیل نیکوتر بود و اگر دید
که تخمی کشت و حاصلی نبود غم و اندوه بود کرمانی گوید اگر بیند
که گندم کشت از پادشاه چیزی یابد و اگر جو کشت مال جمع کند
و اگر بیند که گاورس کشت مال اندک بود و اگر عدس و نخود و باقلا

و مانند این کشت غم و اندوه بود دانیال گوید اگر بیند که در زمین
خود تخم کشت زنی خواهد و کارش ساخته گردد و اگر زمین
کشته خود ناکشته بیند او را زیانی رسد یا با کسی خصومت کند
و اگر بیند که بجایی مجهول تخم می کشت و بر آمد غزا کند و اگر در
ملک خود کشت کرد دلیل که مال و نعمت بود جعفر صادق
گوید تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی
دوم خیر و شفقت سوم زن خواستن چهارم نفع تخمه ابن سیرین
گوید اگر بیند که او را تخمه بود دلیل که ربا خورد و فساد کند توبه
باید جعفر صادق گوید دیدن تخمه در خواب بر چهار وجه بود اول
مال و ربا دوم فساد سوم مال حرام چهارم متابعت هوا تخمها کرمانی
گوید تخمها اگر ترش و تلخ بود غم و اندوه باشد و خوردن آن بدین
و اگر شیرین باشد خوردن از منفعت بود مغربی گوید تخمها در خواب
خوردن از نیکو باشد مگر تخم پوسیده یا کرم خورده تذرو ابن سیرین
گوید تذرو در خواب مردی غدار بود و تذرو ماده زنی فریبنده
و بعضی گویند مال حرام بود اگر بیند که تذروی ماده حاصل کرد
زنی کند که در وی خیر نبود و اگر خایه تذرو بیند زنی خوب خواهد
کرمانی گوید اگر بیند که تذروی در خانه داشت و بمرد زنش بمیرد
و اگر بیند که تذرو از خانه او بپرید زن را طلاق دهد مغربی گوید
تذرو در خواب زن پارسا باشد با مال و جمال و اگر بیند که تذروی
یافت یا بگرفت زنی خواهد بدین صفت که گفته شد و اگر بیند که
تذروی در کنار وی افتاد و بگرفت دلیل که کسی با عیال او سروکار

باشد جعفر صادق گوید دیدن تذرو در خواب بر چهار وجه بود
اول زن دوم مال حرام سوم معیشت چهارم کام دل یافتن ترازو
ابن سیرین گوید ترازو در خواب قاضی بود اگر کسی بخواب بیند که
ترازو نو راست داشت یا کسی بوی داد در آن موضع قاضی شود یا فقیه
پاک دین کرمانی گوید اگر بیند که عمود ترازو بشکست قاضی از موضع
بیفتد و اگر بیند که سنگهای ترازو زیادت و نقصان بود در عدل
زیادت و نقصان بود مغربی گوید ترازو دیدن در خواب که نیکو
درست قاضی بود اندر نرخ ترازوگر بخواب دیدن پادشاه عادل
جعفر صادق گوید ترازوگر در خواب بر شش وجه بود اول
ی دوم پادشاه عادل سوم فقیه چهارم میانجی پنجم حکم
ت ششم حکم کج و اگر بیند که نیکی وی در ترازو بیش از بدی
دلیل بهشت باشد و از عقوبت برسته قوله تعالی
ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون و اگر در خواب بخلاف این
مستوجب عقوبت گردد قوله تعالی ومن خفت موازینه فاولئک
ین خسروا انفسهم فی جهنم خالدون کرمانی گوید ترب بخواب
سم و اندیشه بود خاصه که خورند و اگر بیند که ترب کسی بوی
غم و اندوه بود و اگر او بکسی داد یا از خانه بیرون افکند و بخورد
غم و اندوه رسته گردد ترید ابن سیرین گوید ترید بخواب
م و اندوه بود و خوردن از زیان مال ترخون ابن سیرین گوید
خون بخواب مردی بود بد گهر زیرا که اصل وی [illegible] است و اگر
ند که ترخون داشت یا کسی بوی داد از آن کس وی را مضرت رسد

و اگر بیند که ترنج کسی را از خانه بیرون انداخت از صحبت
مردی بدگهر جدا شود **ترسا** کرمانی گوید اگر مسلمانی بیند که ترسا شد
دلیل که گمراه بود در دین مغربی گوید اگر ترسایی بیند بخواب خداوند
خواب بر کسی خصومت کند و یا بکسی دشمنی دارد بروی ظفر و نصرت
یابد زیرا که ترسا نصرانی بود و او مشتق باشد از نصرت و اگر ترسایی
بیند که مسلمان شد دلیل که مسلمان شود یا بمیرد جعفر صادق
گوید اگر بیند که با ترسایان صحبت داشت دلیل که دوستی و هوا
دار ایشان شود **ترسیدن** ابن سیرین گوید در خواب ترسیدن
ایمنی بود هر که بیند در خواب که می ترسید و نداند که ترس او از
کیست بگروهی از ترسانند بلا برسد جعفر صادق گوید ترسیدن
در خواب نصرت باشد چنانک رسول علیه السلام فرمود النصر
بالرعب یعنی نصرة یافتم بترسانیدن و اگر بیند که از دردی یا از جانور
گزنده ترسید از آن کس که بدو منسوب بود مضرت رسد **ترشیها**
ابن سیرین گوید ترشیها در خواب غم و اندیشه بود و اگر بیند که
کسی چیزی ترش بوی داد از آن کس غم و اندوه بدان کس رسد
و خوردن ترشی غم و اندوه بود **ترف** ابن سیرین گوید ترف در خواب
غم و اندیشه بود و اگر بیند که ترف میخورد وامدار شود مغربی گوید
ترف در خواب مال اندک بود و خوردن از غم **ترنج** دانیال گوید
ترنج زرد است اما بوی خوش دارد و از میوهای بهشت است و دیدن
وی در خواب نیک باشد اگر اندک بود فرزند بود و اگر بسیار بود
مال و نعمت بود و ترنج سبز در خواب بهتر از زرد بود کرمانی

گوید ترنج در خواب مردی با جمال و توانگر بود چنانک همه کس او را دوست
دارند و اگر بیند که ترنج داشت یا کسی بوی داد با چنین مردی او را صحبت
افتد و اگر بیند که ترنج خورد از مال فرزند بهره یابد و اگر بیند که ترنج
بکرباسی پنهان کرد فرزندش بمیرد و اگر بیند که ترنجی خرید و در آستین
نهاد از کنیزک او را فرزندی آید جعفر صادق گوید ترنج در خواب دیدن
بر چهار وجه بود **اول** زن نیکو **دوم** کنیزک با دین **سوم** دوستی نیکو
چهارم فرزند شریف **ترنجبین** ابن سیرین گوید ترنجبین خوردن بخواب مالی
حلال بود بی منت قوله تعالی **وانزلنا علیهم المن والسلوی کلوا
من طیبات ما رزقناکم** و اگر بیند که ترنجبین بسیار داشت یا کسی بوی داد مال
حلال یابد از انجا که امید ندارد جعفر صادق گوید خوردن ترنجبین در
خواب بر سه وجه بود **اول** مال حلال **دوم** فراخی عیش **سوم** کام
دل یافتن **تره دوغ** ابن سیرین گوید تره دوغ در خواب غم و اندوه بود بتقدیر
خوردن **ترها** ابن سیرین گوید ترها انچه خوش و شیرین بود دلیل بر
خیر و منفعت و انچه تیز و ناخوش بود غم و اندوه بود **تره** اگر بخواب
بیند که تره فروشی میکرد تاویل نیک بود و خوردن ترها غم و اندوه
تره فروشی ابن سیرین گوید اگر بیند که تریاک از بهر بیماری خورد از رنج و
بیماری برهد و کارها بروی گشاده گردد و اگر بخلاف این بود دلیل
دلیل غم و اندیشه بود **[illegible]** ابن سیرین گوید اگر بیند که زن خواست
دلیل که بزرگی یابد و اگر عزب بود زنی توانگر خواهد و اگر بیند که زن را
طلاق داد شرف و بزرگی او نابود شود و اگر بیند که زنی مرده بزنی
کرد و با وی جمع شد از ملک و مال آن زن فایده رسد و اگر زن بخواب

تزویج

بیند که مردی مرده او را زن کرد و با وی جمع شد مال زن نقصان شود
و اگر زن بیند که در سرای مجهول که خداوندش مرده بود و آن مرده با وی
جمع شد دلیل که آن زن بمیرد کرمانی گوید اگر زنی که شوهر دارد بخواب
بیند که شوهری دیگر کرد دلیل بر شرف و بزرگی و زیادتی مال بود و
اگر مردی بیند که بیمار بود و زنی مجهول خواست بمیرد و اگر زنی بیمار
بیند که شوهری مجهول خواست از بیماری شفا یابد و اگر بیند که زنی
نابکار بزنی کرد و با وی جمع شد آنچه گفتیم کمتر باشد جابر مغربی گوید
اگر بیند که دختری دوشیزه دوشیزه بازنی کرد و دوشیزگی از وی
بستد مال حرام بدست آورد جعفر صادق گوید زن خواستن در خواب
بر چهار وجه بود اول بزرگی دوم زیادتی مال سوم نام نیکو و کام
چهارم خرمی و شادی **تسبیح** ابن سیرین گوید تسبیح کردن در خواب
مطیع بودن باشد و اگر بیند که تسبیح میکرد مطیع بود مر فرمان
خدای تعالی و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که با تسبیح شکر حق
تعالی میکرد دلیل بر قوی بود و نعمت و جاه یابد و اگر این خواب والی
بیند ابادانی در ولایت حاصل شود **[illegible] تشت**
کرمانی گوید تشت در خواب زنی خادمه بود ابن سیرین گوید تشت
در خواب کنیزکی بود که حوایج خانه بدو سپارند و اگر بیند که تشتی
وی کرفت یا بخرید زن خواهد یا کنیزکی خرد جعفر صادق گوید دیدن
تشت در خواب بر سه وجه بود اول زن خادمه دوم کنیزک سوم
منفعت از زنان **تشنگی** ابن سیرین گوید تشنگی در خواب
بدتر از سیرابی بود و اگر بیند که بغایت تشنه بود و آب نمی یافت

رنجی بوی رسد از بهر دین یا دنیا و اگر دید که تشنه بود و آب یافت
و بخورد دلیل که از رنج و بلا رسته گردد و بمراد رسد مغربی گوید تشنگی
بخواب فساد بود در دین و اگر بیند که در آن تشنگی آب یافت و بخورد
دلیل که توبه کند و رستگار شود **تعوید** ابن سیرین گوید تعوید در خواب
داشتن دلیل که از رنج و سختی خلاص یابد و اگر محبوس بود رهایی
یابد و اگر سفری بود بوطن رسد کرمانی گوید اگر بخواب بیند که تعوید
می نوشت و می خورد اندوهگین شود **تغار** دیدن تغار در خواب
زنی باشد عکسا صالحه که خانه وی را صلاح آورد کرمانی گوید اگر
بیند که تغاری بشکست یا ضایع شد دلیل که آن زن از وی جدا شود
یا بمیرد **تکبیر دیدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب اندوهگین شد
دلیل که از دشمنان ایمن گردد و در خیرات بروی گشاده شود جعفر
صادق گوید تکبیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی از دشمن
دوم رستگاری از بلا سوم خیر و برکت چهارم گشایش در کار بسته
تگرگ کرمانی گوید تگرگ در خواب دیدن عذاب و تنگی بود مگر آنکه
و اگر بوقت خود بود اهل آن موضع را فراخی و نعمت بود جعفر
صادق گوید تگرگ در خواب بر پنج وجه بود اول بلا دوم خصومت
سوم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری **تمام شدن کارها** ابن سیرین گوید
هر که بخواب بیند که کارهای دنیاوی تمام شد و بنظام گشت
احوالش متغیر شود لقوله تعالی **حتی اذا اخذت الارض زخرفها**
و اگر بیند که کارش تمام شد دلیل بر تغیر احوال و افتادن کار او
در دنیا از محل خویش **ترشرویی** در خواب دیدن دلیل بر غم و شکوه معیشت بود

واگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل بر درویشی کند و اگر تن
فربه بیند دلیل بر توانگری بود و اگر بیند که از تن وی رشته بیرون
می آید و دراز می شد چندانکه بعیش گذراند و مالش زیادت گردد و اگر
بیند که آن رشته گسسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که
تن وی آهنین شد یا مس یا برنج عمرش دراز بود و اگر بیند که تن وی از آبگینه
بود اجلش نزدیک بود کرمانی گوید اگر بیند که تن او فربه بود عاقبت کارش
بنظام گردد و اگر بیند که ضعیف است درویش گردد جعفر صادق گوید
اگر بر تن خود زیادتی بیند قوت و توانگری بود و اگر نقصان بیند تاویلش
بخلاف این بود **تندر** دیدن تندر در خواب ترس و بیم بود از عوان
ابن سیرین گوید اگر بیند که با غریدن تندر باران بود مردم را ترس و بیم
کمتر بود و نعمت فراخ و اگر بیند که باران اندک بود و تندر سخت غرید
دلیل بر ترسکاری بیننده خواب بود کرمانی گوید غریدن تندر و
باریدن باران اندک دلیل بر ترسکاری اهل اسلام از دعا بند راهدان
جعفر صادق گوید دیدن تندر در خواب بر پنج وجه بود **اول** عذاب
دوم حکمت **سوم** رحمت **چهارم** صواب **پنجم** خشم پادشاه و اگر بیند که
باران و برف و رعد و برق بود مردم از پادشاه ترس و بیم بود و اگر
بیند که با باران ژاله می بارید در آن دیار فتنه و عذاب بود و اگر
تندر سخت بغرید همین بود **تنگی** ابن سیرین گوید اگر بیند که از
تنگی بفراخی شد کارهای بسته گشاده شود و اگر بیند که از جای
تنگ بدری فراخ بیرون شد کارهاش بنظام شود و از رنج براحت
رسد و اگر بخلاف این بود تباهی کار بود و تنگی همه چیزها در خوا

نیکو باشد **تنور** ابن سیرین گوید تنور در خواب مهتر و کدخدای
خانه بود و بعضی معبران گویند اگر تنور درست بود دلیل بر درستی
کار و نظام احوال کدخدا بود و اگر دید که تنور خراب شد بیماری
و رنج کدخدای بود و اگر دید که در تنوری نان می پخت بقدر
نان روزی حلال حاصل شود کرمانی گوید که در تنور آتش است
و در بالای تنور شعاع آتش می تافت و دود نبود بسفر بیت المقدس
رود یا حج کند من شاطی الواد الایمن فی البقعة المبارکة جعفر صادق گوید
تنور در خواب بر دو وجه بود **اول** مهتر سرای **دوم** مرد با هیبت
توبره ابن سیرین گوید توبره در خواب خیر و منفعت بود خاصه
که نو باشد و اگر بیند که توبره داشت یا کسی بوی داد از کسی خیر
و منفعت بیند و اگر بیند که توبره او ضایع شد بخلاف این بود **توبه**
ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب توبه کرد از همه گناه و معصیت
پشیمان شود و کاری کند که خشنودی خدای تعالی در آن باشد
جعفر صادق گوید توبه در خواب بر چهار وجه بود **اول** پشیمانی از
گناه **دوم** رضاء حق تعالی کردن **سوم** راه آخرت جستن **چهارم**
سعادت جاودانی **توتیا** کرمانی گوید توتیا در خواب مال بود و اگر
بیند که توتیا در چشم کشید مقصود از توتیا روشنایی چشم بود و
دلیل بر صلاح دین مغربی گوید اگر بخواب بیند که توتیا بدو دادند بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که توتیا می خورد غمگین و مستمند شود
جعفر صادق گوید اگر بیند که توتیا در زیر بغل کرد از بهر دفع بوی
کاری کند که او را ثنا و مدح گویند **توث** توث شبی بر خورد در

خواب روزی بود و بخت تو دغم و اندوه ابن سیرین گوید توت سیاه خوردن
بهنگام بقدر آن از کسب روزی یابد و اگر نه بوقت خورد غم و اندوه بود
کرمانی گوید اگر توت سپید خورد از مردی نیکو عطا یابد جعفر صادق
گوید خوردن توت در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم منفعت از
کسب سوم منازعت توریة ابن سیرین گوید اگر بیند که توریة میخواند
دلیل که اورا توفیق بدید آید از مردم محتشم و گویند توریة خواندن خصومت
بود و ظفر یافتن و اگر بیند که توریة تعلیم کرد اورا خیر بیند تیر دانیال
گوید تیر در خواب سخنی راست باشد که بمردم رسد و بقول بعضی از معبران
غیبت بود و اگر بیند که کسی تیری بوی انداخت نامه یا سخنی بدو فرستد
برسول خاص چون بیند که بعرض انداخت و اگر تیر بی غرض انداخت
بدان کس نامه فرستد بقدر دور انداختن تیر و بنزدیک انداختن وی
و اگر تیر نه بر صید انداخت زنی یا کنیزکی زاید دشنام دهد ابن سیرین
گوید تیر انداختن رسول بود بقدر مردم و اگر صواب اندازد هر کجا
رسول فرستد صواب رود و حاجت روا باز کرده و اگر خطا انداخت
بخلاف این بود و اگر تیر را در شهری یا در دیهی انداخت در میان آن
مردمان سخن روا شود و اگر تیر را در میان خران و گاوان انداخت
در میان جاهلان و نادانان سخن روا کرده کرمانی گوید اگر تیر سوی
نشانه انداخت و نشانه را بزد مرادش حاصل شود و اگر بیند وی
تیر بسیار نهاده بود بقدر آن مال یابد و اگر در جعبه یا در ترکش وی
تیر بسیار بود مال خویش بجای نهند کند و اهل را سخن نیکو گوید
و وعدهای نیکو کند جابر مغربی گوید اگر کسی در خواب تیر تراشی میکرد

وی بها تمام میکرد و بپی نهاد و پیکان راست کرد در میان بزرگان
و مهتران رسولی کند و شغلها با ایشان گزارد چنانکه بیان
کس بوی حسد برد جعفر صادق گوید دیدن تیر در خواب بر هفت
وجه بود اول سخنها دوم پیغامی سوم نامه چهارم گواسه پنجم
رسول ششم اخبار هفتم زن کنیزک تیشه ابن سیرین گوید تیشه در خوا[ب]
خادمی بود تا کارش نفرماید کاری نکند و چون کارش فرماید از وی
بدان کس خیر و منفعت رسد تیمم ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب
تیمم کند یا جنابت داشت و آب نیافت و غسل جنابت بموجب شرع نکرد
ارکان شرع بجا نیاورد و اگر آب نیافت و تیمم کرد اگر غمگین بود از غمها
فرج یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و اگر زندانی بود خلاص
یابد و خدای عز و جل از کرم روزی بروی تمام کند قوله تعالی فلم تجدوا
ماء فتیمموا صعیدا طیبا فامسحوا بوجوهکم جعفر صادق گوید دیدن
تیمم در خواب بر شش وجه بود اول بکام رسیدن دوم شفا از بیماری
سوم یافتن مال چهارم حج پنجم فرج از غمها ششم یافتن مال و انا ذکرتن [illegible]
برده والله اعلم حرف الثاء ثرید ابن سیرین گوید دیدن ثرید در
خواب بهتر از طعامها بود زیرا که روزی حلال بود و نعمت بسیار بی رنج
بدست آرد و اگر ثرید بگوشت گوسفند بود مال و غنیمت حلال و بسیار
از قبل زنان حاصل شود و اگر ثرید بگوشت گاو است از مهتران بزرگ
بقدر ثرید وی را مال حاصل شود و اگر ثرید بگوشت ماده گاو بود سال
بروی مبارک و فرخنده بود و زندگانی و معیشت خوش کند اندر و مال و منفعت
و بیاد آن سال حاصل شود و اگر بگوشت بز بود مال از مردی بستاند و بروی

و بعضی از معبران گفته اند اگر [illegible]
و [illegible] اگر ثرید بگوشت [illegible]
و مال از مردی [illegible]

ستم کند و اگر بگوشت گوساله بود بر قدر آن نیکی بدو رسد و اگر بگوشت
بزغاله بود اندک مایه چیزی بدو رسد و اگر بگوشت مرغ بود چنین اندکتر
بود جعفر صادق گوید خوردن ثرید در خواب بر چهار وجه بود اول
مال حلال دوم عیش خوش سوم کام دل یافتن چهارم کسب و منفعت
ثؤلول بدانک ثؤلول بپارسی کندمه خوانند و در خراسان وبر آخ خوانند
و دیدنش در خواب زیادتی مال بود و اگر بر اندامش ثؤلول بسیار بدید
امد بر قدر آن مال و درم یابد و اگر از اندامهاء وی بکارد یا بناخن
یا باتش همی سوخت مضرت و نقصان مالش بود و اگر کندمه از اندامش
فرو ریخت یا ناپدید شد مالش ضایع شود و درویش و بیچاره گردد جعفر
صادق گوید دیدن کندمه در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم
منفعت سوم معیشت کردن از کسب والله اعلم حرف الجیم
جادو ابن سیرین گوید جادو بخواب دیدن سخن بوش بود و اگر بیند که
که چون زنان جادو پوشیده بود کاری کند که در آن چیز و شر بود و
اگر زنی بخواب بیند که جادوی بسوخت یا بدزد بید دلیل که سخن
وی دروغ شود کرمانی گوید جادو زن بخواب دیدن زن باشد و اگر
بیند که جادو زنی فرا گرفت که کسی بدو داد زنی خواهد و اگر بیند که
جادوی بنوح بید کنیزکی خرد و از وی فرزند آید و اگر زنی بیند که جادو
وی بسوخت شوهرش بمیرد یا طلاق دهد جعفر صادق گوید
دیدن جادو در خواب بر سه وجه بود اول قدر و جاه دوم مرد را
زن و زن را شوی سوم کدخدایی جادوی ابن سیرین گوید جادویی کردن
در خواب کار باطل باشد و اگر بیند که کسی را جادویی کرد از بهر وی

کاری کند که باطل بود و بقول معبران جادویی فتنه بود انکرزا معربی
گوید جادویی کردن ان بهر کسی کاری بود که مردم را بدروغ فریبند
جعفر صادق گوید جادویی در خواب بر شش وجه بود اول فتنه
دوم فریب سوم بیکار چهارم سکالش بد پنجم باطل و دروغ ششم
کاری که از آن اصلی نباشد چهارپای ابن سیرین گوید اگر بیند که چهارپا
فرا گرفت و آن چهارپای مطیع بود بقدر و قیمت آن چهارپای راحت یابد
و اگر بیند که رمه چهارپایان دشتی پیش او حاضر شدند و فرمان بردار
وی بودند دلیل که گروهی که در بیابان مسکن ایشان باشد مطیع
او شوند کرمانی گوید اگر بیند که چهارپای دشتی می پرستند مردم
نادان را خدمت کند معبری گوید اگر بیند که وی چهارپای شد نقص
عقل او روزی زایل شود و اگر چهارپای با وی سخن گفت بزرگی یابد جام
کرمانی گوید اگر جام پر آب یا جلاب فرا گرفت یا کسی بدو داد و او وی
بخورد زن خواهد یا کنیزک خرد و فرزند پارسا وی را بیاید و از وی خیر
و راحت یابد و اگر آب از جام بریخت و جام بماند فرزندش بمیرد و زن
وی بماند و اگر جام بشکست و آب بریخت زن و فرزندش بمیرد جابر معربی
گوید اگر بیند که در خانه وی جامها نشانده بودند دلیل که او را کنیزکان
و زنان بسیار شوند اگر جام سبز بیند یا سفید او را زنان پارسا باشند
و اگر جام زرد بیند زن بیمار زرد روی باشد و اگر جام سیاه بیند زن
او بدکار و معصیت کننده باشد جامه دانیال گوید جامه در خواب
کسب و کار مرد بود اگر جامه خود نیکو بیند دلیل که کار و کسب او
نیکو بود و اگر بد بیند کار و کسبش نباشد و اگر پادشاه در خواب جامه

خود را سیاه بیند دلیل بر نیکویی حال او باشد و جامهٔ زرد در خواب
بیماری بود و جامهٔ سبز خرمی بود که سبز حلهٔ بهشتیان است قوله تعالی
عالیهم ثیاب سندس خضر واستبرق و جامهٔ سفید در خواب
ناخنکی کار مردم بود و جامهٔ کبود مصیبت بود و جامهٔ سوخته
زیان بود سبب پادشاه و جامهٔ دریده ظاهر شدن راز و جامهٔ
پشمین و پلاس و ابریشمین دلیل مال و خواسته بود و جامهٔ مرقع
دلیل بر درویشی و جامهٔ چرکن غم و اندوه بود و جامهٔ کاغذی
ملامت و شناعت و جامه که از پوست چهارپای بود دلیل بر خیر
و منفعت بود و اگر بیند که جامهٔ حریر پوشیده بود عز و جاه یابد و اگر
بیند که جامههای پیچ در پوشیده بود بکردارهای کفن شغلهای دینی
و دنیاوی او تمام بود و اجلش نزدیک آمده باشد ابن سیرین گوید اگر بیند
که جامهٔ مهتری پوشیده بود کارش بلند گردد و اگر بیند که جامهٔ
حاجی پوشیده بود از عطاء بزرگان محروم ماند و اگر جامهٔ عوانی
پوشیده بود کسی او را یاری دهد بعطا رسانیدن و اگر جامهٔ جلادی
پوشیده بود منفعت یابد و اگر جامهٔ صاحب دیوانی پوشیده بود دلیل
که امانت بر دست و زبان او روان گردد و اگر جامهٔ صوفیان پوشیده
بود دین وی زیادت گردد و اگر جامهٔ زاهدان پوشیده بود از دنیا
اعتراض کند و اگر جامهٔ اهل فساد پوشیده بود از اهل فساد او را
غمی رسد و اگر جامهٔ جهودان داشت مکر و حیلت کند و اگر جامهٔ
ترسایان داشت دلیل که ایمن باشد از دشمن و اگر جامهٔ کشیشی پوشید
صاحب بدعت شود و اگر جامهٔ مغان داشت دلیل که میل تر بجانب

جامهٔ کله بانی اشتربانی پوشیدن بود

بددینان بود و اگر جامهٔ بت پرستان داشت بخدمت پادشاه مشغول
گردد و اگر بیند که جامهٔ دیوانه پوشیده بود از مهتر خود دور گردد
و اگر بیند که جامهٔ کشتیبان پوشیده بود از سلطانش بیم بود و اگر
جامهٔ کله بانی یا اشتربانی پوشیده بود از سلطانش بیم بود و اگر
در میان قوم خویش سخن روا گردد و اگر جامهٔ شبانی پوشیده بود
از مصلحی روزی حلال یابد و اگر جامهٔ قصابی پوشیده بود همچنین
و اگر جامهٔ مخنثی پوشیده بود زنی خواهد کرمانی گوید اگر بیند که
جامهٔ سفید فراخ پوشید مال یابد و جامهٔ تنگ زنان از مال بود و جامهٔ
خام به انشسته بود مغربی گوید جامه بر دو گونه بود بتأویل یکی
بدین تعلق دارد و یکی بدنیا و جامهٔ سرخ زنان را نیک بود و جامهٔ
زرد مردان را و زنان را بیماری بود بقول بعضی و جامهٔ سفید در خواب
زنان را و مردان را نیک بود اگر بر زنده بیند صلاح دین بود و اگر بر
مرده بیند رستگاری آخرت بود و جامهٔ سیاه کسی را که همیشه
پوشد نیک باشد و الا بد باشد و جامهٔ سیاه خطیب را و قاضی
و پادشاه نیک بود و رعیت را غم و اندوه باشد و اگر بیند که
جامهٔ ملون داشت از پادشاه یا از والی سخن شنود اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که جامه داشت که رویش از رنگی و پشتش
از رنگی دلیل که با اهل دنیا بمذلت زندگانی کند و اگر زنی بیند
که جامهٔ خویش میخورد از مال خود نفقه کند و اگر مردی بیند که
جامهٔ خود را بدرید با زن خود خصومت کند و اگر بیند که جامهٔ وی
بدرید دلیل که از وی اندوهگن شود و اگر مردی بیند که جامهٔ زنی

بوشید مال او نادرست شود اما اتش بوی رسد و اگر زنی بیند که
جامه مردی بوشید نعمتی یابد و جامه یافتن در خواب سفر باشد
بقدر درازی و کوتاهی جامه در سفر بماند خلف اصفهانی گوید بهترین
جامها بخواب جامه ایست که از بنبه باشد و در وی ابریشم نبود و
جامه عتابی و جامه خز هر دو دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که جامه
کهنه خرید بد باشد و اگر بیند که نو و خشن بیند باشد جعفر صادق
گوید دیدن جامه نو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم باذشا
سوم مال و نعمت چهارم خیر و منفعت و هم او گوید اگر بیند که جامه
خود را بمقراض ببرید دلیل که چیزی بد و رسد جامه خواب ابن سیرین
گوید جامه خواب دیدن در خواب تاویلش زن بود و اگر بیند که
جامه خواب سفید باکیزه بود دلیل که عیالش مستور و با امانت بود
و اگر جامه خوابش سرخ بود عیالش معاشر شود و اگر جامه خوابش
سبز بود دلیل که دیندار و مستور بود و اگر بیند که جامه خوابش
سیاه بود از عیالش اندوه رسد و جامه خواب سیاه باذشاه را نیك
بود و رعیت را بد و اگر بیند که جامه خوابش چرکن بود و دریده زنش
ناسازگار گردد و اگر جامه خوابش ضایع شد زن را طلاق دهد
یا از وی مفارقت کند جعفر صادق گوید جامه خواب دیدن بر سه
وجه بود اول زن نیك دوم راحت و اسانی سوم رنج و مصیبت
جان ابن سیرین گوید جان بخواب دیدن فرزند بود یا عیال موافق
و اگر بیند که جان از تن وی بیرون شد فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش
از دست برود و اگر جان خود را بصورت مردی بیند نیکو دلیل که وی را

تن زنده ی حکیم و دانا باید و اگر جان خود را بصورت مردی بد بیند
تاویلش خلاف این بود حکایت در خبر است که مردی بیش رسول الله
صلی الله علیه و سلم امد و گفت یا رسول الله بخواب دیدم که جان
از تن من بیرون امد و مرا در کنار گرفت و بعد از ان باسمان رفت
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که وصیت کن که جان تو بمقام
خود رسید هم در ان روز از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر جان خود را
بر کف دست بیند بکاری مخاطره مشغول شود که در ان او را بیم جان
بود اگر بیند که جان از کف وی باسمان شد بمیرد و اگر بیند که
رنك جان او زرد بود بیمار شود و بمیرد و اگر سرخ بود بیم قتل بود و اگر
سفید بیند عاقبتش محمود شود و اگر سیاه بیند مستوجب
عقوبت خدای تعالی بود مغربی گوید اگر بیند که مرده جان می کند
و خویشان بروی نوحه و زاری میکردند اهل بیت مرده را غم و اندوه
رسد و اگر بیند که خویشان وی اهسته میگریستند خویشان
از وی شادی و خرمی رسد جعفر صادق گوید چون مرده در خواب
جان می کند دلیل که جانش در عذاب و عقوبت بود جاه ابن سیرین
گوید اهل جاه بتاویل زن بود و اگر کسی بخواب بیند که جاه می کند زن
خواهد و اگر بیند که بکندن جاه کسی او را مدد کرد دلیل که او و میان
زن متوسط باشد و اب جاه در خواب مال زن باشد و اگر بیند که
از جاه اب خورد و بطعم خوش بود مال زن بکراهیت بستاند و اگر
جاه کند و اب کم بود جهت مال زن حیف بیند و بقول بعضی
بیمار گردد و اگر اب جاه خنك و خوش بود از زن خیر و منفعت بیند

و اگر دید که آب چاه بسیار بود دلیل که زن جوان غنی و سخی گوی بود
و اگر آب چاه اندک بود زن سفله بود و اگر بیند که چاه بر کند و آب زود
برآمد زن بیمار گردد و مال خود زود بخورد و اگر بیند که آب سیاه از چاه
برآمد یا کبود غم و اندوه بوی رسد و اگر از چاه آب سفید برآمد میراث
یابد کرمانی گوید اگر بیند که دلو در چاه کرد تا آب برآرد و دلو در چاه افتاد
و ریسمان بگسست فرزندانش ناتمام **حکایت** در خبر است که مردی از
عبدالله عباس پرسید که بخواب دیدم که آب می کشیدم و دلو در چاه
افتاد و رسن دو پاره گشت عبدالله گفت ترا از عیال خود غایب بوده
ترا فرزندی آمد و شش ماهه گشت و از دنیا برفت و همچنان بود که
گفت دانیال گوید اگر بیند که چاه معروف جا می کند با کسان خود مکر
و حیلت سازد و بقول بعضی از معبران کندن چاه حکم نکاح دارد مغربی
گوید اگر بیند که آب از چاه می کشید دلیل که بمکر و حیلت مال جمع کند
و اگر دید که آب برکشید و بر زمین ریخت مال خود نفقه کند بخیر
و اگر بیند که در چاه افتاد بمکر و حیلت افتد و اگر بیند که باغ را از
چاه آب داد زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که آب از سر چاه
برآمد و روان شد زنی توانگر خواهد و از وی مال حاصل کند جعفر
صادق گوید دیدن چاه در خواب بر شش وجه بود **اول** زن **دوم**
تزویج **سوم** عالم **چهارم** توانگری **پنجم** مراد **ششم** مکر و حیلت **جبه**
ابن سیرین گوید جبه در خواب زن بود اگر بیند که جبه فراخ و پاکیزه
داشت دلیل که او نیک رای و خوب صورت بود و اگر بخلاف این بود
دلیل که زن او ناسازگار و بدرای بود و اگر دید که جبه او بدرید یا بسوخت

زنی

بزودی و بنا شکار کرد از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و مرد بکار نسیم
و بیپاد کنند و اگر بیند که چرغ بگرفت و چرغ شکار نیکرد دلیل که
او را فرزندی آید کار گوشت چرغ چیزی خورد چون فرزندش بزرگ شود
از وی رنج و مضرت بیند کرمانی گوید چرغ در خواب مردی بزرگ بود
که هیبت و قوت دارد و اگر بیند که چرغ در خانه وی بیکبار باد و بار
بانگ کرد دلیل که زیانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد دلیل که زیانی رسد
و گویند چرغ مرد دزد بود که کارها بشب کند **چرک** ابن سیرین
گوید اگر بیند که جامه وی چرکن بود دلیل که مردی فساد کار بود و اگر
بیند که جامه وی بچیزی آلوده بود دلیل بر تباهی دین و دنیا وی بود
کرمانی گوید چرک بخواب دیدن بر سر رفتن غم و اندوه بود **جستن بجای**
ابن سیرین گوید اگر بیند که از جای بجای می جست از حالی بحالی گردد و
اگر جستن او دور باشد سفر دور کند و اگر بیند که چوبی یا نیم نیزه بر دست
داشت و بدان از جای بجای می جست دلیل که بر مردی قوی اعتماد
کند تا او را مدد دهد در کاری و اگر بیند که از دیوار فرو جست دلیل
که از مردی که امیدی دارد باری یابد کرمانی گوید اگر دید که بام
بر بام می جست زن را بگذارد و زنی دیگر کند و اگر بیند که از بام جست
و بر ستور نشست هلاک شود و اگر بیند که بجست و خانه زیر پایش
فرو رفت عیالش هلاک شود و اگر دید که از پشت ستور جدا شد
و بخانه خویش آمد دلیل که زنی که از وی جدا شده بود با زوی پیوندد
و اگر بیند که از زمین بر هوا شد و روی بقبله آورد و بعد از آن خود در
حرم مکه یا مدینه دید حج بگزارد و اگر بیند که بر هوا بر جست

و من غمی دیگر گرفت زن خود را بگذارد و زنی دیگر خواهد و اگر بیند که
بچوبی یا به عصایی از جایی بجایی می جست دلیل که مرادش حاصل
شود مغربی گوید اگر بیند که از چوبی یا کندهٔ بیرون جست از رنج
و اندیشه برهد و کارش بنظام گردد **چشم** ابن سیرین گوید
چشم بینایی باشد که بدان راه هدی بیند و چشم ازرق بدعتی باشد
و چشم شهلا فرزند باشند یک چشم و دو چشم دو فرزند بود و اگر بیند که
نابینا شده است از راه هدی گردیده باشد و اگر بیند که چشمش
کور شده دلیل که نیمه دین وی رفته باشد یا گناهی بزرگ کرده و اگر
بیند که چشم او درد می کرد تباهی دین وی بود و اگر بیند که کسی سرمه
بوی داد تا در چشم کشد بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنایی
چشم او ضعیف بود بظاهر و باطن منافق بود و اگر بیند که بر روی
چشمها بسیار است و همه چیز بکمال می بیند دلیل بر صلاح دین وی
و بجای آوردن فرض و سنت بود و اگر بیند که کسی چشم وی برکند
دلیل که چیزی که چشم وی بدان روشن است از زن و فرزند و مال
و سرای و باغ و غیره از نظر وی غایب شود چنانک دیگر نه بیند
مغربی گوید اگر بیند که چشم وی از آهن است دلیل که پردهٔ وی دریده
شود و اگر بیند که میان ابرو چشم است دلیل بر زبان سخن ناسزا
رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای وی روشن است و مردمان
پندارند که وی کور است یا شب کور دلیل که باطن وی در دین
بهتر از ظاهر باشد و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق
شد دلیل برگشتن حال وی بود قوله تعالی **ونحشر المجرمین یومئذ زرقا**

و اگر بیند که هر دو چشم وی سفید بود و دیگر باره سیاه گشت
بیمار گردد یا با کسی خیانت کند و اگر بیند که هر دو چشم وی سیاه
شد چنانک سفیدی نماند دلیل که مغ گردد یا گبر و اگر بیند که
کسی یک چشم او بر کند فرزند او را از راه ببرند و اگر بیند که یک چشم
بر دست گرفت از کسی زیانی بوی رسد یا ملکش از دست برود و اگر بیند
که از دیدهٔ وی خون می آمد بجهت فرزند غمی بوی رسد یا مالش
برود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چشم او کوژ شد و کوژ او
چشم زنی خواهد و زن او دختری بود و با هر دو مجامعت کند و
اگر چشم بر کف دست خویش بیند مال یابد و اگر بیند که در چشم
وی سفیدی بود غم و اندوه بیند قوله تعالی **وابیضت**
عیناه من الحزن آورده اند که مردی پیش دانیال آمد گفت بخواب
دیدم که چشم راست زنی بوسه بر چشم چپ می داد دانیال گفت ای
مرد از خدا بترس و توبه کن و هم از این با زن همسایه خیانت مکن
مرد گفت توبه کردم که دیگر خیانت نکنم جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن چشم در خواب بر هفت وجه بود **اول** روشنایی
دوم دین هدی **سوم** اسلام **چهارم** فرزند **پنجم** مال
ششم علم **هفتم** زیادتی در دین و مال **چشمه آب** ابن سیرین گوید چشمه
آب در خواب مردی بود جوانمرد و بخشنده همچون آب خوش بود
فیهما عینان تجریان و اگر آب تیره بود غم و اندوه باشد و اگر دید که
چشمهٔ آب روان بود یا بکوچه دلیل که هر جا که آب از چشمه برسد
غم و بیماری و مصیبت رسد و اگر دید که از آن آب بسیج کرد غمها

فرح یابد و اگر بیند که آب چشمه زیادت شد جاه و بزرگی یابد و اگر
بیند که آب چشمه نقصان شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که
آب چشمه خشک شد دلیل که در آن دیار مردی جوانمرد از دنیا
برود و اگر بیند که در خانه یا دکان او چشمهٔ آب روان شد غم و اندوه
و گریستن بود بقدر آب چشمه و اگر آب چشمه تیره و ناخوش بود غم
و اندوه صعبتر شد و اگر در آن چشمه دست و روی بشست اگر بنده بود
آزاد گردد و اگر غمگین بود فرح یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد
وامش گزارده شود و اگر گناهکار بود توبه و حج گزارد مغربی گوید
چشمهٔ آب در خواب دلیل بر درازی عمر صاحب خواب بود بقدر چشمه
و بعضی معبران گویند آب چشمه چون ایستاده بود خیر و صلاح دین
بود و آب روان دلیل بر غم و اندوه جعفر صادق گوید دیدن چشمه
در خواب بر پنج وجه بود **اول** مهتری **دوم** غم **سوم** مصیبت **چهارم**
بیماری **پنجم** زندگانی و اگر آب صافی یابد بقدر آن زندگانی یابد
جغانه ابن سیرین گوید جغانه در خواب سخن باطل و دروغ بود اگر
دید که جغانه می زند غمش رسد و اگر بیند که پادشاهی ویرا جغانه
داد پادشاه بزرگی یابد و اگر بیند که جغانه را بشکست یا بیفکند
دلیل که از دروغ و باطل توبه کند و اگر دید که کسی جغانه می زد و او
سماع میکرد مستمع کلام دروغ و باطل باشد کرمانی گوید اگر بیند
که جغانه استادوار می زد و جغانه در بیداری نداند زدن اگر صاحب
خواب عالم بود دلیل است که مردم را تعلیم علم کند و از علم او فایده
بمردم رسد و اگر جاهل بود کاری کند که از آن ملامت بیند اگر با جغانه

جنگ و نای و رقص بود غم و اندوه و مصیبت بود **جغد** ابن سیرین
گوید جغد در خواب مردی بود نابکار و حسود و حرام خوار و اگر
بیند که با جغد جنگ می کرد دلیل که او را با چنین مردی خصومت
افتد و بهمه حال دیدن جغد مبارک نباشد کرمانی گوید اگر بیند
که بانگ جغد می شنود دلیل که در این خانه نوحه و شیون باشد و اگر
بیند که بچه جغد بگرفت دلیل فرزند شوم ناخلف باشد و اگر دید
که گوشت جغد بخورد دلیل که از مال دزدی نابکار بخورد **جغند**
ابن سیرین گوید جغند در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که جغند را
از خانه بیرون افکند از غم فرج یابد کرمانی گوید که جغند در خواب
منفعت اندک بود از جهت زنان و اگر بیند که جغند بچه بخورد
از زنان منفعت یابد **چکاوک** بدانک چکاوک در خواب فرزند و غلام بود
و اگر بیند که چکاوک بگرفت یا کسی بوی داد غلامی را فرزند آید و گر
چکاوک نر بود پسری آید و اگر ماده بود دختر کرمانی گوید چکاوک در
خواب مردی بود شیرین کار از خوب زبان و اگر بیند که چکاوک او را
عطا دادند یا بگرفت دلیل که او را با چنین مردی صحبت افتد
جعفر صادق گوید دیدن چکاوک در خواب بر سه وجه بود **اول**
غلام کوچک **دوم** فرزند **سوم** مردی غریب شیرین سخن **جگر** ابن سیرین
گوید جگر در خواب مال پنهان بود و اگر بیند که جگر بریان کرده بسیار
داشت با انجام گنج یابد و جگر گاو همین تعبیر دارد و بعضی از معبران
گویند جگر در خواب دلیل بر فرزند باشد چنانک حضرت رسول الله
صلی الله علیه و سلم فرمود اولادنا اکبادنا کرمانی گوید جگر بینا شد

مال پنهان بود و گنج و دفینه جعفر صادق گوید جگر در خواب بر سه وجه
بود **اول** مال و فرزند **دوم** دوست که بجای فرزند بود **سوم** علم و اگر
بیند که از خانه او جگر بیرون می بردند یا آتش جگرهای سوختن دلیل که
پادشاه مال او بستاند و اگر این خواب عالمی بیند علمها را جمله فراموش
کند **جماع** دانیال گوید مجامعت کردن در خواب روا شدن حاجت باشد
خاصه چون بیند که منی از وی جدا شد و اگر بیند که کسی با وی
جماع کرد خاندان وی توانگر شود و اگر بیند که با زن خود مجامعت
کرد چنانک مرد زبر بود و زن بالا دلیل که زن توانگر خواهد و از و
شادی بیند و اگر دید که با زن دیگران از سوی پس مجامعت کرد
دلیل که شفقت خویشان از و بریده شود از زنده و مرده و بعضی
از معبران گویند اگر زنده باشد از ایشان خیر بیند یا حج اسلام گزارد
و اگر بیند که با زن خود مرده بود مجامعت کرد غمگین و مستمند شود
و اگر دید که با زن مرده بیگانه مجامعت کرد کاری که بدان امید
ندارد ساخته شود و اگر بیند که با جوانی مجهول مجامعت میکرد
میان ایشان خصومت افتد و بصلح انجامد و اگر بیند که با مردی
میکرد دلیل که خیر و نیکی بیند کرمانی گوید اگر بیند که دختری دوشیزه
بزنی خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که بحرم پادشاه جمع شد و با او
مجامعت کرد بهم از آنجا خیر و منفعت یابد و اگر با چهارپایی معروف
مجامعت کرد راحت و منفعت بیند از جایی که او را در آن حقی
نبود و اگر با چهارپایی مجهول مجامعت کرد بر دشمن ظفر یابد و کارش
بمراد شود و بعضی گویند از پادشاه ترسی بوی رسد و اگر دید که

با مرغی مجامعت میکرد دلیل که بر کسی که بدان مرغ منسوب بود ظفر
یابد و اگر بیند که با زن سابی یا جهودی یا گبری مجامعت کرد کار دنیا او
بنظام شود و اگر بیند بخواب مردی پیر که شهوت او بکلی زایل شده بود
که قوت شهوت بروی غالب بود چنانک بکار جوانی در طلب نام دین
طالب و راغب بود و اگر زنی بیند همین تأویل دارد و اگر بیند که با زنی
نا نکاح جماع کرد طالب دنیا شود و مال حرام یابد و اگر این خواب مردی
مستور بیند عالم و دانا شود مغربی گوید اگر بیند که با شیر جماع کرد از
سختی برهد و بر دشمن ظفر یابد و نامش منتشر گردد و اگر بیند که با زن
پادشاه جماع کرد از سختی برهد و بر دشمن ظفر یابد از و منفعت یابد
اگر بیند که با کنیزکی مجامعت کرد از پادشاه چیزی بوی رسد و اگر بیند
که با مادر خود جماع کرد دلیل که نیکی بوی رساند و اگر با مردی معروف
جوان مجامعت کرد از و چیزی بدان مرد رسد و اگر با مردی مجهول
جوان مجامعت کرد دلیل که از پادشاه حاجت وی روا شود و اگر بیند که
با امردی مرده مجامعت کرد از بهر وی خیراتی کند و اگر زنی بیند که با زن
مجامعت کرد از و نیکی بیند جعفر صادق گوید جماع در خواب که از و
غسل کردن واجب آید تأویلش نباشد **جلاب** ابن سیرین گوید جلاب خوردن
در خواب مال حلال باشد و دین پاک و اگر کسی بیند که جلاب بوی داد
و بخورد بقدر آن مال حاصل شود و دین وی درست بود و اگر بیند که
او بکسی جلاب داد و بخورد از آن کس بدو خیر و منفعت رسد و اگر
بیند که جلاب بخورد و بر زمین ریخت تأویلش بخلاف این بود **جنازه**
ابن سیرین گوید اگر بیند که جنازه می بردند خداوند خواب بر چنانک

ازبس جنازه می رفت فرمان دهد و بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که
بمرد و بر جنازه نهادند و مردم از پس جنازه می رفتند شرف و بزرگی
یابد و لیکن دین وی بفساد بود و اگر بیند که جنازه مرده بر داشت
و می برد دلیل که با پادشاه پیوندد و از وی خیر و نیکی بیند و اگر
خود را بیند بر جنازه و آن جنازه بر زمین می رفت بسفر شود کرمانی
گوید اگر بیند که زنده را بر جنازه می بردند و از پس جنازه وی کس نبود
دلیل بر نقصان و بستگی کار او کند و اگر بیند که از پس جنازه او
مردمان بسیار بودند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بر
جنازه گران بود دلیل که بر مردم ستم کند و اگر بر جنازه سبک
بود بر مردمان سبکبار بود و مالش نیکو گردد و اگر بیند که از جنازه
بیفتاد که کسان که او را می بردند بینداختند او را از عز و جاه بیفتد
و کارش بسته شود جعفر صادق گوید جنازه در خواب بر سه
وجه بود **اول** بزرگی **دوم** ولایت **سوم** عز و جاه **جنابت** اگر کسی
بیند در خواب خود را جنب دلیل که در حرام آشفته و سرگشته بود
و بعضی معبران گویند سفر کند و مراد نیابد و اگر بیند که خود را
از جنابت بشست کارش تمام بر نیاید کرمانی گوید اگر خود را در
خواب جنب و برهنه بیند دلیل که در کار خود عاجز و متحیر گردد
و اگر بیند که خود را در گرمابه بشست و بیرون آمد و جامه پاکیزه در
پوشید دلیل که بخدای تعالی باز گردد و توبه کند **چنگال** ابن سیرین
گوید اگر بیند که او را چون مرغان چنگال داشت او را در کسب و معیشت
قوت باشد و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغ در دست

داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ چیزی و منفعتی
بوی رسد جعفر صادق گوید چنگال در خواب بر سه وجه بود **اول**
قوت و توانائی در کارها **دوم** معیشت **سوم** کسب **چنگاله** در خواب
ستاری معلاف بود و دیدن آن مردی عذاب کننده بود و بد کردار
اگر بیند که چنگاله داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی چنین
او را صحبت افتد و اگر بیند که چنگاله اندام او را بخست از مردی بد
کردار او را مضرت رسد و اگر بیند که چنگاله از وی ضایع شد یا بخشید
دلیل که از مردی بد کردار جدا شود **چنگ زدن** ابن سیرین گوید چنگ زدن
در خواب سخن و باطل و دروغ بود و او را از آن غم و اندوه رسد و
اگر بیند که پادشاه او را چنگ داد از پادشاه بزرگی و جاه بیند و اگر
دید که چنگ بشکست یا بیفکند از دروغ توبه کند و اگر بیند که کسی
چنگ می زد و او می شنید دروغ و باطل شنود و بعضی از معبران گویند
چنگ زدن در خواب دلیل بر عمر دراز باشد کرمانی گوید اگر بیند که
چنگ می زد با زنی بزرگ پیوسته گردد و از وی عز و جاه بیند و اگر
بیند که چنگ و چغانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و مصیبت بود معبری
گوید اگر بیمار بخواب دید که چنگ با چغانه می زد بمیرد **جنگ کردن** ابن سیرین
گوید جنگ کردن مردم با مردم یا با حیوان دیگر چون هر دو از یک جنس
باشند آنکه غالب بود بر دشمن ظفر یابد **جهود** ابن سیرین گوید اگر بخواب
بیند که جهود گشت یا ترسا یا بت پرست دلیل بر ضلالت و گمراهی بود
و بر خدای تعالی بهتان گوید و اگر بیند که از آن دین بگذشت و مسلمان
شد دلیل که گناهی بزرگ از وی در وجود آید و عاقبت توبه کند و بخدای

تعالی باز کردد واکر بخواب بیند که نداند که از کدام دین است بانکداست
قبله نماز می کند دلیل که در راه دین سرکشته و متحیر شود جعفر صادق
کوید اکر بیند که جهود شد دلیل که صاحب خواب با کاری مشکل پیش اید
مخالف شریعت واکر بیند که مغ شد دلیل که بر کارهاء دنیا فریفته شود
و غافل بود از کار اخرت معربی کوید اکر جهود بیند که مسلمان شد دلیل
که مسلمان شود یا زود بمیرد جو اکر بیند که جو تر یا خشک بخته یا خام بخورد
دلیل که چیزی اندک بوی رسد اکر بیند که جو بخورد و بخشید بقدر ان
نکی بیند و تن درست شود واکر بیند که جو می کشت و برا مال جمع
شود و کاری کند که خدای تعالی ازو خشنود بود جعفر صادق کوید
جو بخواب مال بسیار بود که اسان بدست اید و جو فروش بخواب مردی
بود که دنیا را بر دین اختیار کند جوال دوز ابن سیرین کوید جوال دوز مردی
بود که کارهاء مردم بهم بپیوندد خاصه کارهاء کوچک اکر بیند که جوال
دوز فرو کرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی چنین صحبت افتد واکر
بیند که جوال دوز بشکست یا ضایع شد دلیل بر هلاک او بود جوان شدن
ابن سیرین کوید اکر بیند که جوان شد و محاسن سفید و سیاه شد
دلیل که خوار و فرومایه شود واکر جوانی بیند که پیر شد دلیل که حرمتش
زیادت شود جوب جابر معربی کوید جوب مردی بود که در وی نفاق بود در
دین ابن سیرین کوید و بعضی معبران کویند مردی حسود بود واکر بیند که
با خود جوب داشت منافق بود جورب جابر معربی کوید جورب مردی
بود که در وی نفاق بود در دین ابن سیرین کوید جورب در خواب خادمی باشد
از شمار زنان واکر بیند که جورب نو از پشم یا از ریسمان پوشیده بود

او را خادمی بود اصیل و از وی برخوردار بود واکر بیند که جورب پشمین
داشت زن خوب خواهد یا کنیزک خرد واکر جورب زرد بیند او را شاکردی
بیمار شود واکر جورب سرخ بیند او را خادمی بی شرم بود واکر بیند
که جورب او سیاه بود اکر صاحب خواب مصلح بود نیک باشد واکر
مفسد بود بد باشد واکر بیند که جورب کهنه و چرکن بود خادم او را
بفسادی متهم کنند واکر بیند که جوربش ضایع شد یا بسوخت دلیل
که مرک خادم بود و معبران کویند جورب در خواب مال و خواسته بود
واکر بیند که جورب او از پوست شتر بود دلیل که خادم وی بزرک
همت بود واکر از پوست اسب بود خادمش از اصناف سپاهیان باشد
واکر بیند که از پوست نخجیر بود خادمش بیابانی بود معربی کوید اکر
بیند که جورب حرباء داشت دلیل که مال نکاه دارد واکر بیند که جورب
سفید و پاکیزه بود دلیل که زکوة مال داده باشد جعفر صادق کوید
جورب نکاه دار مال مردم باشد و نکاه داشت مال از زکوة بود واکر بیند
که جورب او خوش بوی بود در مرک و زندکانی او را مدح کنند واکر بوی
ناخوش بود او را ملامت کنند جوشن ابن سیرین کوید جوشن در خواب
بزرکی و پناه بود بقدر وی واکر بیند که جوشن داشت دلیل که او
و اهل و بیت او ایمن شوند از دشمنان واکر بیند که جوشن حصار
وی شد دشمن بر وی ظفر نیابد کرمانی کوید اکر بیند که با جوشن
سلاح دیکر داشت از مکر منافق و شر عامه ایمن کردد و بعضی معبران
کویند جوشن در خواب زیادتی دین بود و نکه داشتن از معصیتها و هر که
جوشن در خواب بیند که پوشیده بود در حفظ خدای تعالی باشد

جعفر صادق گوید دیدن جوشن در خواب بر شش وجه بود اول بزرگی
دوم پناه سوم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم زیادتی در دین
و جوشن در خواب مونس مردم بود **چوگان** ابن سیرین گوید اگر کسی
بخواب بیند که چوگان در دست داشت و گوی می زد آنچه جوید بیابد
و قدر و منزلتش بیفزاید اما در دین سست بود کرمانی گوید چوگان در دست
پادشاه که گوی زند دلیل بر دشمن ظفر یافتن بود و چوگان که در دست
عامه بود بر خصومت تعلق دارد از قبل زبان و معتبران گوی را بدل تشبیه
کنند و چوگان را بزبان **جولاهه** ابن سیرین گوید جولاهه در خواب مرد مسافر
یا پیک و اگر بیند که جولاهه جامه می بافت او را با کسی خصومت افتد زیرا
که کرباس بافتن تاویل جدل باشد کرمانی گوید بافتن جامه در خواب سفر
بود و در حرف با تمام گفته ایم **جوهر** ابن سیرین گوید اگر بیند که جوهر
و مروارید می فروخت و آن جوهر ملک وی بود دلیل که خداوند علم و
دین بود و با همه کس احسان و نیکی کند و اگر خداوند دین باشد خداوند
علم شود و بقدر قیمت گوهرها و برابر او نعمت حاصل شود جعفر
صادق گوید اگر جوهر فروش مصلح بود علم و دینش حاصل شود **جوی آب**
ابن سیرین گوید جوی آب بخواب چون خوش طعام بود و پاکیزه دلیل بر زندگانی
خوش کند و اگر بیند که از جایی مجهول آب میخورد و این کس در سفر
باشد یا جایی بیگانه بکاری مجهول مشغول شود و عمر خود دراز کند
بمقدار آب که خورده بود و اگر جوی آب شور یا تلخ باشد دلیل بر تلخی
معیشت و زندگانی ابن سیرین گوید اصل جوی در تاویل وکیل بود که مرد
پادشاه بود و اگر کسی جوی آب صافی و روان بیند دلیل که کار وی

روان کرده و اگر آب جوی تیره بیند کارش تباه شود و هر جا که آب
جوی بیند تاویلش که وکیل آن ناحیت بیند و هر زیادت و نقصان
که در آب جوی بیند بوکیل باز گردد و اگر بیند که بر تختی نشسته بود
و در زیر تختش آب روان بود دلیل که دولت و اقبال روی بوی نهد و احوال
دو جهانی او نیکو گردد قوله تعالی تجری من تحتها الانهار لهم
فیها ما یشاؤن اگر بیند که در جوی آب صافی نشست از غم فرج یابد
و اگر بیمار بود شفا یابد مغربی گوید جوی آب دریا و یا مردی محتشم
با منفعت بود و اگر بیند که آب جوی بر داشت بقدر آن از مال یابد از مردی
بزرگ والله اعلم احکم بالصواب **حرف الحاء** **حبر**
ابن سیرین گوید حبر در خواب طلب کردن معیشت و یافتن مراد بود و اگر
بیند که حبر ساخت یا بخرید یا کسی بوی داد بقدر آن معیشت بر وی
فراخ شود و مرادش بیابد و اگر بیند که حبر بریخت یا از وی ضایع شد
تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که حبر بریخت بر جامه او او را
زیانی رسد و اگر کهنه بود زیان ندارد و اگر بیند که بحبر چیزی می نوشت
اگر آنچه نوشت قرآن بود یا نام خدای دلیل بر خیر و صلاح کند و اگر
خلاف این بیند دلیل بر شر و فساد بود **حب** ابن سیرین گوید حب
خوردن اگر از بهر بیماری خورد و بیند که از آن رنج خلاص یافت دلیل
بر خیر و منفعت کار دها بود و اگر بیند که او را منفعت نبود تاویلش
بخلاف بود **حجامی** ابن سیرین گوید اگر بیند که حجامی بیگانه در جای
بیگانه او را حجامت میکرد دلیل که بر خویشتن کتابی نویسد و اماتی
در گردن خود کند و اگر بیند که حجامت کننده دوست بود امانتی بوی

بوی سپارذ اگر آنکس دشمن بوذ از شر وی ایمن گردذ و از غم فرج یابذ و اگر
آنکس جوان بوذ بیمن تا او یادارذ و اگر پیر بوذ بزرگی یابذ کرمانی گویذ
اگر بیند که پیری را حجامت کرد کارش نکو شوذ و اگر بیند که حجامت
کرد و خون از وی بیامذ دلیل که زنش بمیرذ یا بیزار طلاق دهد و اگر
حجامت کرد و خون بیرون آمذ در آن سال از بیماری ایمن گردذ مغربی
گویذ حجامت بین بخت بیننده خواب بوذ و حجام جواذ بیمن او باشذ
و اگر بیند که حجامی کرد و شیشه بنهاذ و خون بر گرفت اگر بیننده خداوند
حکم است مستوفی شوذ یا دبیر پاذشاه و اگر جاهل بوذ در وام غرق گردذ
و بروی قبالها نویسند جعفر صادق گویذ دیدن حجامت در خواب
بر هفت وجه بوذ اول امانت گزاردن دوم شروط خواندن سوم
ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم با دبیران صحبت داشتن ششم
سنت پیغامبر علیه السلام هفتم آنکه عمل دار بوذ از عمل معزول گردذ [illegible]
چون بیند که حجام جوان بوذ از علت رسته گردذ و بعضی از معبران گویند
اگر حجام جوان بوذ بقول بعضی محاسب خارج بوذ یا بیمایند چیزها و بعضی
گویند کار مردم در دست وی گشاذه شوذ حج ابن سیرین گویذ اگر
بیند که بحج رفت حق تعالی حج روزی کند او را و اگر بیمار بوذ شفا یابذ
و اگر وام دارد وام وی گزارده شوذ و اگر سفری بوذ بسلامت بمقام رسد
و اگر بیند که بحج رفت و حج از وی غایب شذ دلیل که عمرش دراز بوذ و
کارش نظام شوذ کرمانی گویذ اگر بیند که در حرم لبیک می زد دلیل که
او را ترس و بیم بوذ و اگر بیند که حج بروی واجب شذ لیکن قصد حج نمی
کرد در امانت خیانت کند و اگر پنداشت که روز عرفه است با کسی صلح

کند و اگر بیند که در کعبه نماز کرد از بزرگان کارش نیکو شوذ جعفر
صادق گویذ حج کردن در خواب بر هفت وجه بوذ اول تزویج کردن
دوم کنیزک خریدن سوم زیارت پاذشاه داذگر کردن چهارم نیکوی
پنجم سعی نموذن در کارهای خیر ششم مزد و ثواب یافتن هفتم
بصحبت اهل علم رسیدن حجر الاسود ابن سیرین گویذ اگر بیند که دست بر
حجر الاسود می مالیذ دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر
بیند که حجر الاسود بر کنده داشت دلیل که بدمذهب و بی اعتقاد
و ناپاک بوذ و اگر بیند که حجر الاسود باز بجای نهاذه باز راه صلاح آیذ
و اگر بیند که آب زمزم میخورد دلیل که گم شده باز یابذ کرمانی گوید
اگر بیند که حجر الاسود را بوسه داد و روی در آن نمالیذ دلیل که خیر و
صلاح دینی زیادت شوذ و با علما پیوندد حد زدن ابن سیرین گویذ
حد زدن در خواب دلیل بر فرا آمدن کار زنان باشند و اگر بیند که
او را حد می زدند دلیل که بر قدر آن کار زنان فراهم آورذ و اگر بیند که
کسی او را حد زذ تاویلش بخلاف این بوذ مغربی گویذ اگر بیند که کسی را
از بهر گناهی حد زذ و بیننده مصلح بوذ بشغل دینی مشغول شوذ و اگر
مفسد بوذ دلیل بر رنج و اندوه حربه نیزه کوتاه بوذ اگر بیند که حربه
در دست داشت او را فرزندی آیذ و اگر زن ندارد مال یابذ و اگر بیند
که با حربه سلاح تمام داشت بزرگی و جاه یابذ و اگر بیند که پاذشاه
حربه بوی داذ از پاذشاه منفعت یابذ و اگر بیند که حربه خوذ بکسی
داذ از آنکس بوی چیزی رسد و اگر بیند که حربه در دست وی بشکست
از دشمن مضرت بیند جعفر صادق گویذ حربه در خواب بر شش وجه بوذ

اول عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر ریاست پنجم
منفعت ششم جائی ایمن بود **حرم کعبه** اگر بیند که در حرم کعبه
بود از آفات دنیا ایمن باشد و او را حج روزی شود کرمانی گوید اگر بیند که در
حرم پادشاه باد در حرم بزرگی شد از همه شرها ایمن گردد و اگر بیند که
از پادشاه چیزی بوی رسید گویند او را حاجت افتد با اهل آن حرم
و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خویش خواند و آنجا مقیم شد در کار
پادشاه شروع کند و چیزی کند که او را از آن بدنامی حاصل آید
جعفر صادق گوید اگر بیند که بحرم پادشاه عدل رفت دلیل که نیک
نامی تمام حاصل کند و اگر بیند که بحرم پادشاه ظالم رفت کاری کند
که از آن بدنامی یابد از آن حرمت وجهی برود و پادشاه خوف دل ایشان کنیم
والله التوفیق **حساب** ابن سیرین گوید که اگر بیند که با کسی حساب
کرد در محنت و عذاب افتد کرمانی گوید اگر بیند که حق تعالی با وی
در قیامت حساب میکرد و حساب بر وی آسان بود رستگاری
یابد و اگر بخلاف این بود در زحمت بماند جعفر صادق گوید حساب
قیامت در خواب بر شش وجه بود **اول** عذاب از پادشاه **دوم** مشغولی
سوم سختی و رنج **چهارم** بدحالی **پنجم** اندوه و عنا **ششم** عمر کوتاه
حصار ابن سیرین گوید اگر بیند که بحصاری در رفت از شر دشمن ایمن
گردد و اگر از آن حصار بیرون آمد دشمن بر وی ظفر یابد کرمانی
گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار ملک وی بود از شر دشمن
ایمن گردد و اگر دید که از حصار بیرون آمد بخلاف این باشد معبری
گوید اگر خود را در حصار بیند نعمت و روزی بر وی فراخ شود و قوع

در دین و اگر بخلاف این بود دلیل بر تباهی احوال و فروبستگی کار
حصیر ابن سیرین گوید اگر بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد بقدر
آن از زنی منفعت یابد و اگر دید که حصیری داشت بر زنی عاشق
شود و اگر بیند که حصیر دون کم بها می بافت آن زن درویش و بی اصل
بود اگر بیند که حصیر پاکیزه و قیمتی بود زنی محتشم اصلی خواهد معبری
گوید اگر بیند که حصیر می بافت و می فروخت دلیل که او را غم
و اندوه رسد جعفر صادق گوید دیدن حصیر در خواب بر سه و
جه بود **اول** زن **دوم** منفعت **سوم** خواستگاری که از آن وی را
ملامت بود **حقنه** ابن سیرین گوید حقنه در خواب در حشم شدن
باشد و از جای بجای شدن چنانک از سختی آن بی خویش شود بعضی
از معبران گفته اند حقنه در خواب کاری بود که به بینده باز گردد
جعفر صادق گوید اگر دید که او را حقنه کردند و از آن رنج دید دلیل
بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بود خیر و منفعت یابد **حقه** ابن سیرین
گوید حقه در خواب زن باشد یا کنیزک و اگر بیند که حقهٔ نو فرا
گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که
حقه بشکست یا ضایع شد زن از وی جدا شود معبری گوید اگر
بیند که حقهٔ بزرگ منقش داشت زنی توانگر خواهد و از او منفعت
یابد و اگر بخلاف این بود زنی درویش خواهد **حکمت** ابن سیرین
گوید اگر بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر
بیند که حکمت بسوخت دلیل بر تباهی دین بود کرمانی گوید اگر
بیند که اوراق کتاب حکمت بسوخت دلیل که علم و حکمت بسیار خواند

و اگر بیند که اوراق حکمت می درید دلیل که علم حکمت بسیار خواند
نماز نگزارد اگر بیند که کتاب حکمت می خواندند و او می شنید دلیل که
علم خواند **حلاج** ابن سیرین گوید حلاج در خواب مردی قوی بود که
مردم بر دست وی گشاده شود اگر دید که حلاجی میکرد با مردی
چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق گوید حلاجی بر دو
وجه بود **اول** منفعت **دوم** گشایش **حلبت** در خواب غم و اندوه
بود **حلوا** ابن سیرین گوید حلوا در خواب مالی بود که در دست
پادشاه گذشته بود و حرام گشته جعفر صادق گوید حلوا مال
بسیار بود و دین خالص و یک لقمه از حلوا بوسه بود که بر فرزند دهد
و یک لوزینه معیشت نیکو بود و حلوا که مغز بادام یا مغز جوز در وی
بود منفعت باشد که بدو رسد از مردی بخیل مغربی گوید حلوا کردن
در خواب دلیل که بر قدر آن مال و روزی حلال حاصل شود و اگر بیند که
در وی زعفران نبود بهتر باشد و حلوا فروش در خواب مردی لطیف
زبان و خوش سخن بود **حمال** ابن سیرین گوید حمال در خواب خداوند
جاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار ملک وی
بود بقدر آن بار و برا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن بار که بر پشت
داشت چنان بود که او را از آن گزندی رسید دلیل گناه و معاصی
بود **لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیامة** مغربی گوید اگر بیند که حمالی
از بهر دیگران می کرد و مزد می گرفت تاویلش غم و اندوه بود **حنا**
کرمانی گوید اگر دید که بر دست و پای خود حنا نهاد دلیل که خویشتن
بپاراید دلیکن در دین کراهیت بود و بعضی گویند حال خویشتن را و اهل

پشت پوشیده گرداند و اگر این خواب کسی بیند که حنا بر وی نشاید
غمی بوی رسد و زود فرج یابد جعفر گوید حنا بستن در خواب
بر سه وجه بود **اول** آرایش خویشتان **دوم** ستر اهل بیت **سوم**
غم و اندوه **حنوط** بوی خوش باشد که بر مرده پراکنند ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که حنوط بر وی پراکندند دلیل که تایب گردد و در
پناه حق گریزد و اگر این خواب کسی مصلح بیند از غم فرج یابد و از
ترس ایمن شود کرمانی گوید حنوط خوش بوی کردن ستایش مردم
بود با خطر از بهر آنکه بعضی از معبران گویند نیک نامی بود با خویشتان
و اهل بیت بر اندازه حنوط **حوض** ابن سیرین گوید اهل حوض در
خواب علم و دانش بود و اگر بیند که از حوض آب صافی میخورد بقدر
آن آب از علم بهره یابد و اگر بیند که خود را باب حوض می شست
دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان باز ایستد و اگر بیند که
آب حوض همه فرو خورد دلیل که عمر بسلامت بگذراند و مال تر زیادت
شود کرمانی گوید اگر بیند که جامه خود را در حوض می شست و پلید
در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلم کار نکند و اگر بیند که بر کنار
حوض سبزه رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم
او منفعت یابند خاصه داند که حوض ملک او است و اگر حوض
ملک او نباشد بعلمها آن جبار تاویل آن کرده و اگر بیند که آب
حوض زیادت می باشد بی آنکه آب در حوض آید دلیل که مال و علم
او بقدر آب زیادت شود و اگر بیند که آب حوض تیره و تلخ بود
دلیل بر غم و اندوه بود مغربی گوید اگر بیند که آب حوض بخورد

مال یابد از مردی توانگر و عاقبت او محمود بود جعفر صادق گوید
دیدن حوض در خواب بر چهار وجه بود اول مردم با منفعت
دوم مردی توانگر سوم مال جمع کرده چهارم عالمی که مردم
از علم وی نفع یابند حوض کوثر ابن سیرین گوید اگر بیند که قیامت برخاست
و خلق بنزدیک حوض کوثر آب طلب میکردند دلیل که پادشاهی بنا
شود که میان خلق عدل و داد کند و اگر بیند که از حوض کوثر یک
جام آب خورد دلیل که مرگ وی بر مسلمانی بود و اگر بیند که بر این
حوض کوثر می گشت و آب میخواست و آب ندادند دلیل که دشمن
یاران پیغامبر باشد و اگر بیند که پیغامبر اورا از حوض کوثر آب داد
بخورد دلیل که از شفاعت او بهره یابد کرمانی گوید اگر بیند که
نام او بر حوض کوثر نوشته بود و جامی بستد و از آن آب میخورد
اورا با عالمی بزرگ صحبت افتد و از و منفعت دو جهان یابد مغربی
گوید اگر بیند که از حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود دلیل که
بیننده منافق بود و اورا از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر بیند
که حوض کوثر بر آن صفت بود که در اخبار آمده است و از جمله
آب حوض کوثر بخورد دلیل که اورا نزد خدای تعالی قدری و محلی
بود و از جمله بزرگان دین شود حیض ابن سیرین گوید حیض
در خواب مرد از ابقا باشد در معصیت و زنان از زیادتی مال و اگر
بیند که حایض شد دلیل که بفساد و حرام گراید و معبران گویند
دلیل بر اندوه و سختی کند و اگر زنی بیند که حایض شد دلیل که
بفساد و حرام گراید بقدر خون حیض اورا مال حرام حاصل شود

اگر مردی بیند که زنش حایض شد دلیل که کار دنیا بروی بسته
شد و اگر صاحب خواب مستور بود در دین متحیر گردد و اگر بیند که زنش
از حیض پاک گشت و غسل کرد کارها دنیا بروی گشاده گردد والله
اعلم حرف الخاء خاج ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب
بیند که خاج بخرید یا کسی بوی داد در دین وی خلل باشد و میلش
بکافران بود و اگر دید که خاج در گردن داشت دلیل که اعتقادش
درست نبود و اگر بیند که خاج می پرستید در خدای تعالی شرک آورده
و اگر دید که خاج بدو دادند و او خاج را بشکست یا از خانه بیرون انداخت
دلیل که دین اسلام در دل او محکم و استوار بود و کافران را دشمن دارد
و اگر دید که خاج را بوسه داد و عزیز داشت تاویلش بخلاف این
بود خار در خواب وام بود و اگر بیند که خاری در اندام او شد
یا کسی خاری در وی زد دلیل که از کسی وام بستاند بقدر رنج زخم خار
از آنکس سخن تلخ بشنود و اگر بیند که او خار در اندام کسی زد دلیل
که وام بکسی دهد و سخن تلخ بگوید کرمانی گوید اگر بیند که خار بسیار
داشت و اندامش از آن خارها گزند می یافت دلیل که وام دار شود و
عاقبت بگزارد جعفر صادق گوید دیدن خار در خواب بر سه وجه
بود اول وام دوم دشنام سوم دشواری کارها خار مغربی گوید
خار در خواب دشمنی باشد زشت دیدار اگر بیند که خارپشتی
بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که از گوشت خارپشت
میخورد بقدر آن مال دشمن بخورد و اگر بیند که خارپشت وی را گزید
مضرتش رسد خاصه بیند که از آن زخم خون رفت خارش تن

ابن سیرین گوید اگر بیند که او را خارش تن پدید آمد طلب خویشان کند
و از ایشان غم و اندوه کشد کرمانی گوید خارش اندام دلیل است بر باز
جستن احوال خویشان و اهل بیت و غم و رنج کشیدن از ایشان
جعفر صادق گوید اگر خارش تن زحمت دهد از خویشان مضرت
بیند **خاشاک** ابن سیرین گوید خاشاک بخواب سند مال و نعمت بود
مردم عامه را اگر بیند که در خانه وی خاشاک بسیار بود و او در میان
خاشاک مقیم شد بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند
که خاشاک از خانه بیرون افکند دلیل که مال خود تلف کند و اگر بیند
که خاشاک او باد ببرد یا باتش بسوخت دلیل که پادشاه مال وی
بستاند و اگر بیند که خاشاک در زیر شور یا زیر دیگ می سوخت
دلیل که مال خود را هزینه کند کرمانی گوید اگر بیند که از صحرا
خاشاک می آورد و بخانه می برد بقدر آن از سفر مال حاصل کند و اگر
بیند که در شهری باد در کوچه باد خاشاک می آورد دلیل که مردم
آن شهر را بقدر خاشاک خیر و منفعت رسد **خاک** ابن سیرین گوید
خاک دیدن در خواب اندک و بسیار درم بود اگر بیند که در خانه او
خاک بود دلیل که بقدر خاک درم بی رنج بوی رسد و اگر بیند که بر خاک
رفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر می داشت این جمله
دلیل بر مال و درم بود کرمانی گوید اگر بیند که خاک از خانه بیرون میکشید
و پراکنده میکرد دلیل که مال خود تلف کند و اگر بیند که خاک از دست
می افشاند بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند از مال تهی دست
ماند جعفر صادق گوید دیدن خاک در خواب بر پنج وجه بود **اول** مال

منفعت **دوم** شغل **سوم** فایده از قبل پادشاه **چهارم** فایده از
قبل رئیس **خاکستر** ابن سیرین گوید خاکستر در خواب مال باطل بود از قبل
سلطان که هرکس باقی نباشد و معبران گویند علمی حاصل کند که در او
منفعت و خیر نباشد جعفر صادق گوید خاکستر در خواب بر نه وجه
بود **اول** علم نا پذیرفته **دوم** مال الحرام **سوم** کلام باطل **چهارم**
خصومت **پنجم** فسق **ششم** مکر **هفتم** حسرت **هشتم** پشیمانی
نهم کاری که در آن خیر بود قوله تعالی **مثل الذین کفروا بربهم**
اعمالهم کرماد اشتدت به الریح فی یوم عاصف قلم باشد اگر کسی بیند
که خامه فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل که علم حاصل کند و کارش
راست شود و مرادش بر آید و اگر بیند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن
نوشته خیر بود دلیل بر نیکویی کند و اگر شر بود دلیل بر فساد کند
و اگر بیند که بدو قلم می نوشت اگر غایبی در سفر دارد زود باز آید کرمانی
گوید اگر کسی در دست خود قلم نوشتن بیند اگر از اهل علم بود دلیل
که بر علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بقلم چیزی می نوشت و می
خواند دلیل مرگ وی بود قوله تعالی **اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم**
علیک حسیبا اگر آنچه نوشت موافق کتاب سنت بود دلیل که عز و جاه یابد
اگر بیند که قلم بر دست وی بشکست اگر عالم بود حرمتش بکاهد و بی رونق
شود کار او و اگر بیند که بقلم شکسته می نوشت اگر آنچه نوشت از شمار
جهاریان بود یا از شمار بزرگان تاویلش نیکو هر و صورت و طبع وی
باشد جعفر صادق گوید تاویل قلم بخواب بر هفت وجه بود **اول**
حکمت **دوم** فرمان **سوم** علم **چهارم** فرهنگ **پنجم** ولایت **ششم**

راست شدن چیزها **هفتم** کام و مراد **خانه** ابن سیرین گوید
خانه مرد در خواب زن بود و اگر بیند که در خانه نو شد زن خواهد و توانگر
شود و اگر بیند که خانه مفرد یخ اندوده و نداند که آن خانه کیست دلیل که
از دنیا برود و اگر بیند که در خانه گریخته بود و آن خانه بخانهای دیگر پیوسته
دلیل که از رنج و اندوه رسته گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بیند
که در خانه خود بشکست مال خود هزینه کند و اگر بیند که در خانه
دیگری بشکست دلیل که از کسی وی را مال رسد کرمانی گوید اگر بیند که
خانه بر وی افتاد یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر
بیند که خانه وی بی سببی خراب شد دلیل که مال و درمش حاصل شود
و اگر بیند که خانه او از آن بزرگتر شد که بود مال و نعمت بروی فراخ
گردد و اگر بخلاف این بیند مال و نعمت بروی تنگ شود و اگر بیند که در
خانه وی آهنین است دلیل که توانگر گردد و اگر در خانه سیمین بیند
او را توبه باید کرد قوله تعالی **لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفا من فضة**
اگر توانگر بود نعمتش زیادت شود و اگر بیند که پیرامن خانه وی
هیچ خانه نبود مالش تباه شود **خانی** ابن سیرین گوید خانی در خواب
دیدن غم و اندوه بود زیرا که خانی زنا لا ابن بر شدن است چون [illegible]
بیند که در خانی فرو شد دلیل که غمگین و مستمند گردد [illegible] بیند
که در خانی غسل کرد از غمها فرج یابد کرمانی گوید اگر در [illegible] خانه
خانه بسیار بیند دلیل که در آنجا غم و اندوه و معصیت [illegible] گریستن
خایسک بتازی مطرقه بود دیدن خایسک دلیل بر مهتری [illegible] کند و
اگر بیند که خایسک داشت یا کسی بوی داد دلیل که وی را با مهتری قوی

صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که کسی را بخایسک
بزد مهتری را مقهور کند و اگر بیند که خایسک وی ضایع شد
دلیل که از صحبت مهتری جدا گردد کرمانی گوید اگر کسی آهنگری
نداند و بیند که خایسک بر سندان می زند دلیل که میان دو مهتر
سخن چینی کند و دشمنی افکند **خایه مرغ** دانیال گوید خایه مرغ در
خواب کنیزکی بود و اگر بیند که ماکیان در پیش وی خایه کرد دلیل
که او را از زنی دون یا از کنیزکی فرزند آید و اگر خایه مجهول بیند و نداند
که خایه چه چیز است دلیل که زنی خواهد و روزگاری دراز با آن
زن بماند و اگر بیند که خایه مرغ پخته میخورد دلیل که برنج و تعب
مالی بدست آرد و اگر بیند که خایه نیم پخته می آشامید رنج خواهد
و اگر بیند که خام میخورد مال حرام خورد و رنج و غم بوی رسد
و اگر بیند که خایه با پوست خورد دلیل که مال مردگان خورد و کفن
مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه بسی گرد دلیل که زن
بسیار خواهد و بجماع حریص شود و اگر بیند که بر سر خایه نشست
چنانکه مرغ نشیند دلیل که بر زنان بسیار نشیند و فایده رسد
و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ از خایه بیرون آورد دلیل
که کار مرده او زنده گردد و بعضی گویند او را فرزندی مومن آید و اگر بیند
که خایه مرغ بشکست دلیل که دختری را دوشیزگی نتواند ستد
و اگر بیند که خایه بسیار داشت او را فرزندان بسیار حاصل شود
و خایه بط فرزندی بیچاره درویش بود و خایه بنجشک دلیل بر خیر
و خرمی **خایه** ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد

دلیل که فرزند و قوت و مالش زیادت شود و اگر هر دو خایه خود کوچک
بیند بخلاف این بود و اگر بیند که هر دو خایه بریده است دلیل که دشمن
بر وی ظفر یابد و اگر بیند که خایه چپ بیرون کشید و بینداخت
دلیل که فرزندش هلاک شود و اگر بیند که خایه خود بخشید دلیل
که او را فرزندی آید حرام زاده که نسب وی از کسی دیگر بود و اگر
بیند که خایهاش آماسیده بود یا درشت شده مال بسیار یابد لیکن
بیم از دشمنان بود و اگر بیند که خایه او دراز شد چنانک بر زمین
می کشید دلیل که مال بسیار او را جمع شود و اگر دید که یکی دیگر
خایه خود بدو بخشید دلیل که هر دو باز یار یکدیگر فساد کنند
و اگر بیند که پوست خایه خود باز میکند دلیل که کسی بر فرزند وی
ستم کند و اگر بیند که کسی خایه او سخت گرفت دلیل که خبر مرگ
فرزند شنود و اگر فرزندش نباشد از حرمت و جاهش کم شود و اگر
بیند که بر خایه برید قوت وی بریده شود و اگر بیند که خایه
وی بر ریسمان یا بچیزی دیگر بسته بود دلیل که کار بر وی بسته
گردد مغربی گوید خایه مردم در خواب دلیل باز داشتن شر مردم
بود از وی و اگر بیند که در خایه وی خلل و نقصان پدید آمد دلیل
که دشمن بر وی ظفر یابد جعفر صادق گوید دیدن خایه در خواب
بر هفت وجه بود اول فرزند دوم اهل بیت سوم مال چهارم
عز پنجم بزرگی ششم طلب حاجات هفتم مراد یافتن و خایه مرغ
آبی بر چهار وجه بود اول مراد یافتن دوم زن خواستن سوم
کنیزک خریدن چهارم فرزند آوردن ختنه کردن ابن سیرین گوید اگر بیند

که کسی او را ختنه کرد دلیل که غمگین و مستمند شود و اگر در عمل
باشد معزول شود و اگر بیند که کسی او را ختنه کرد دلیل بر غم بود و بعضی
گویند تنگ عیش بود ختنه کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که ختنه کرد
دلیل که سنتی بجای آورد که وی را از گناهان پاک کند و اگر بیند که
هنگام ختنه خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت
بود و از گناه توبه کند و اگر بیند که چون ختنه میکرد نظر بر ختنه گاه
داشت غم و اندوهی تمام بوی رسد کرمانی گوید اگر بیند که او را ختنه
کردند دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر ختنه نکرده باشد راه
مسلمانی و ملت پس پشت نکنده باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر
صادق گوید ختنه در خواب بر پنج وجه بود اول سنت بجای
آوردن دوم فرزند سوم نیکویی چهارم آرامش پنجم جدایی از زن
و از فرزند خربزه ابن سیرین گوید خربزه زرد در خواب بیماری بود
و سبز و شیرین عافیت و منفعت چون بوقت خود بیند و خربزه کوچک
بهتر از بزرگ بود کرمانی گوید خربزه سبز در خواب دلیل بر زوال غم
و اندوه بود و اگر بیند که خربزه بسیار پیش وی نهاده بود دلیل که باندوه
و غمی گرفتار شود کرمانی گوید چون خربزه بوقت خود بیند زنی بود با منفعت
بسیار و عیش خوش جعفر صادق گوید خربزه در خواب بر پنج وجه بود
اول بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم عیش
خوش خاصه چون خربزه شیرین بود خرچنک در خواب دلیل بر مردی
دون همت بود و اگر بیند که خرچنکی بگرفت دلیل که با کسی دون
همت بدخوی مصاحب گردد و از وی اندک مایه نفع بیند و اگر دید که

که خرچنگی را بکشت یا از خود دور انداخت از بدخویی دور همت جدا
گردد و اگر بیند که گوشت خرچنگ بخورد بقدر آن مال حاصل کند کرمانی
گوید اگر بیند که خرچنگ داشت دلیل که دوستی کند با مردم خوش
طبع سازکار و از وی نیکی بیند **خر** دانیال گوید خر در خواب بخت
و بزرگواری مردم بود نیکی و بدی به بیننده خواب باز گردد و اگر بیند
که خری ملک او شد یا در وثاق او آمد و او را بگرفت و ببست
دلیل که در خیر بر وی گشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خران بسیار
بیند نعمت و مالش بیشتر شود و بهترین خرها که بر بیند آنست که
مطیع بود ابن سیرین گوید اگر بیند که بر خری سیاه نشست دلیل که شرف
و بزرگواری یابد و اگر بیند که بر خری سفید نشست دلیل که عز و جاه دنیا
باشد و اگر بر خری سبز رنگ نشست زاهد و عابد گردد و اگر بر خری
سرخ نشست دلیل که راحت و عیش یابد و اگر بیند که بر خری زرد نشست
بیمار گردد و اگر بر خری ماده آبستن نشست امیدواری و خرمی بیند
و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که از تجارت مال بدست آرد و اگر
بیند که خر خود بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل که مال خود هزینه
کند و اگر بیند که بر خر نشسته بود بمرد زود بمیرد و اگر بیند که از
خر بیفتاد درویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از خری که نه
ملک وی بود بیفتاد از کسی زیان و مضرت بیند و اگر بیند که از خر
فرود آمد و دیگری بر وی نشست مال خود نفقه کند و اگر بیند که
آن بهر کار وی فرود آمد و دیگری بر نشست دلیل که کار و حاجتی طلب
کند و زود مهیا گردد کرمانی گوید اگر بیند که شیر خر میخورد بیمار

اگر بیند که خرمای تازه داشت دلیل که مالی بسختی حاصل کند
معبران گویند خرما بن در خواب منفعت بود که از مهتری برسد
اگر بیند که در خانه و منزل خود خرما بسیار داشت بقدر خرما از ضیاع
و عقار مال حاصل کند و اگر بیند که خرمای تازه یا خشک میخورد حلاوت
ایمان یابد و کارش بنظام گردد و اگر بیند که خرما بن خود می برید
دلیل که کاری که در دست دارد بریده و بی نظام گردد معبران گویند اگر
بیند که خرما داشت زنی توانگر خواهد و بقول بعضی دیگر مال یابد
و اگر بیند که از خرمای انگور سیاه یافت دلیل که از کنیزکی سیاه
فرزند آرد و اگر بیند که از خرمای خشک خرمای تازه فرا گرفت دلیل
که سخنی لطیف از مردی منافق شنود و بعضی گویند از مردی
جاهل سخنی مفید شنود و اگر صاحب خواب غمگین بود از غم
و رنج باز آید قوله تعالی **بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا**
جعفر صادق گوید دیدن خرما در خواب مال حلال بود از جهت
زنی کریم و بیشتر دلیل بود بر برکت و مال حلال بود خرمای تازه روشنایی
چشم بود و مال حلال و فرزند نیک **حکایت** گویند مردی پیش ابن
سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که اندر سرای سلطان چهل
خرما یافتم گفت تاویل آنست که آنجا چهل چوب بتو زنند و همچنان بود
سال دیگر هم آن مرد آمد و گفت دیگربار بخواب دیدم که بر در سرای
سلطان چهل خرما یافتم گفت چهل هزار درم بیابی گفتند پار سال
تعبیر این خواب بگونه دیگر بود و امسال بخلاف آن گفت پار سال خرما
بر درخت نبود دلالتش بر چوب بود امسال درختان سبز و خرما

بر این جمله باشد بعد از آنکه هفته چهار هزار درم بیافت **خرمن کردن**
ابن سیرین گوید خرمن غله در خواب مردی باشد که برنج و تعب
مال جمع کند و آن مال بگزاف هزینه کند و اگر بیند که کشت و درود
و در خرمن آورد مال برنج جمع کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که خرمنی
غله بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد و بعضی گویند او را با
مردی صحبت افتد که آن مرد مال برنج و تعب حاصل کرده باشد
خرتوت ابن سیرین گوید خرتوت بخواب مردی عیار باشد که مال
برنج و تعب بدست آورده باشد اگر بیند که خرتوت میخورد مال
برنج حاصل کرده خود بر عیال هزینه کند و اگر بیند که خرتوت
از درخت جمع کرد از مردی بخیل بقدر آن مال جمع کند و اگر بیند
که خرتوت را باتش می سوخت دلیل که پادشاه مال او بستاند **خروس**
ابن سیرین گوید اگر بیند که خروس داشت و دانست که ملک اوست
دلیل که مردی عجمی را که بنده زاده او بود قهر کند و اگر بیند که
خروس را بکشت دلیل که بر بنده ظفر یابد و اگر بیند که با خروس جنگ
میکرد با مردی عجمی خصومت کند و اگر بیند که از خروس وی را گزندی
رسید از آن مرد عجمی مضرت رسد و اگر بیند که خروس بچه بیافت
دلیل که غلامی کوچک یا پسری او را حاصل شود از کنیزک و اگر بیند که
بانگ خروس می شنید دلیل که راه خیرات و نیکی گزیند و اگر بیند
که خروس بروی می جست از کسی غم و اندوه رسد و خایه خروس
در خواب غلام خرد بود و اگر بیند که کسی وی را خروس بچه
داد دلیل که غلامی بوی بخشد مغربی گوید اگر بیند که خروسی داشت

او را پسری آید یا با مؤذنی صحبت افتد چنانکه رسول علیه السلام
فرمود الدیك صدیقی و هو یدعوا الی الصلوة یعنی خروس دوست
من است که مردم را بنماز میخواند جعفر صادق گوید اگر بیند که خروسی
یافت دلیل که بر مهتر زاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر
بیند که خروسی بیافت و بکشت دلیل بر مهتری کند یا مؤذنی یابد
خریدن و فروختن ابن سیرین گوید خرید و فروخت در خواب نیك باشد زیرا
که بدرم و دینار کند و اگر کالا بکالا معاوضه کند بقدر آن چیز بیند
خز ابن سیرین گوید جامه خز در خواب از جبه و دستار و کلاه
و قبا و آنچه بدین ماند جمله مردان را پسندیده است و رنگ این جامها
اگر بروی صورت بود و اگر نبود غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها
نیك بود جعفر صادق گوید دیدن خز در خواب کسی را که سزای خز
بود بر پنج وجه بود **اول** مال و منفعت **دوم** خیر و برکت **سوم**
عز و جمال **چهارم** مرتبت بر اندازه قیمت **پنجم** ریاست و بزرگواری
کرمانی گوید پوشیدن جامه خز در خواب دلیل بر مال حرام کند و مغز
گویند مردم را این بیتم بخواب دیدن بد باشد و زنان را نیك بود و مر خز
فروش کسی بود که دنیا بدین اختیار کند **خستگی** ابن سیرین گوید اگر بیند
که کسی تن او را بخست و از آن خون بیرون نیامد دلیل که خسته کننده
او را سخنی گوید راست که چنان باشد که جوابش نتوان داد و اگر بیند که
خون از جراحت او بیرون آمد دلیل که خسته کننده او را سخنی دروغ
و محال گوید کرمانی گوید اگر بیند که به تیغ زد و بدو نیم کرد دلیل که
در پیش وی سخن بد گوید و در وی طعنه زند و اگر کسی در خواب

خشنکی بسیار در تن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت بسیار بیند
مغربی گوید خشنکی بسیار در تن نقصان مال بود جعفر صادق گوید
خشنکی در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم منفعت سوم سخن
ناخوش راست **خشت** ابن سیرین گوید خشت در خواب مال مجموع بود
و در تاویل هر خشتی را هزار درم سیم یابد و اگر بیند که خشت بسیار
جمع شده بود دلیل که او را مال و نعمت بسیار جمع شود کرمانی گوید
اگر بیند که خشت از دیوار می تراشید دلیل که مال خداوند دیوار ببرد
و اگر بیند که خشت پاره پاره میکرد و سر کند دلیل که مال خود را هزینه
کند مغربی گوید خشت پخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است
و بدان سبب دلیل بر غم و اندوه بود **خشم گرفتن** ابن سیرین گوید اگر بیند که
بر کسی خشم گرفت دلیل بر کردار نیکو و خیر کند و اگر بیند که از بهر دنیا بی
خشم گرفت دلیل که کاره بزرگ حقیر و خوار دارد و به دنیا مغرور گردد
کرمانی گوید اگر مادر و پدر بروی خشم گرفتند دلیل که از جای بلند بیفتند
و من یحلل علیه غضبی فقد هوی **خصومت** ابن سیرین گوید اگر
بیند که با کسی خصومت کرد و غالب شد دلیل که سرانجام کار غالب
گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که آنکس غالب شد تاویلش بخلاف
این بود کرمانی گوید اگر بیند که با والی آن دیار خصومت کرد و بر وی غالب
شد دلیل که از والی او را چیز و منفعت رسد و اگر بخلاف این بود از والی
او را رنج رسد و اگر بیند که پیش پادشاه بخصومت رفت دلیل که حاجتش
روا گردد مغربی گوید اگر بیند که با مردم بی سببی خصومت کرد مردم
از وی اندهگین شوند زیرا که آن از مردم جوید **خصی کردن** ابن سیرین گوید اگر

بیند که خود را خصی کرد دلیل که خوار و زبون گردد و لیکن بطاعت
خدای تعالی راغب بود و بعضی معبران گویند فرزندش نمیرد لیکن توانگر
شود و اگر کسی مجهول را خصی بیند دلیل که او پسندیده و صالح بود و گویند
بین که فرشته باشد که او را به راه خیر و صلاح خواند یا بخیرات او را مژده دهد
زیرا که فرشتگان را شهوت نیست و اگر بیند که در صحبتش علم و حکمت
نیست آنکس فرشته نباشد اگر آن خصی که دید معروف بود آنچه دید
از نیک و بد تاویلش بروی بود کرمانی گوید اگر بیند که خایه وی بریده شد
یا بیفتاد دلیل که دشمن بروی مظفر شود و بعضی معبران گویند بریدن
خایه در خواب دلیل بر بریدن دختران بود و اگر بیند که خایهاء خود
بیرون آورد و بکسی بخشید دلیل که دختر را بکسی دهد مغربی گوید
اگر بیند که بی سببی خصی شد دلیل که او را خواری و زیانی رسد
و اگر بیند که قضیبش از بن بریده بود دلیل که او را خواری و زیانی رسد
و نامش از میان مردان کم شود جعفر صادق گوید دیدن خصی در خواب
بر سه وجه بود اول دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عبادت
کردن **خضاب** دانیال گوید خضاب کردن بر ریش پوشیدن کارها باشد
و اگر بیند که سر یا ریش خضاب کرد و رنگ نمی گرفت دلیل که ظاهر بمردم
نماید و اگر بیند که خضاب بگرفت دلیل که حالش نیکو شود اما کارها
بروی پوشیده بماند ابن سیرین گوید اگر بیند که خضاب بر چیزها میکرد
که مردم از آن منکر اند دلیل که خود را بکارها محال و چیزها ناپسندیده
دهد و اگر بیند که دست و پای بحنا خضاب کرد دلیل که فرزندان یا
برادران خود را بیارایند بآرایشی که خلاف شرع بود کرمانی گوید که دست
خود را بحنا خضاب کرد و نگار کرد دلیل که خداوند مکر و حیلت باشد

در کسب و عمل خویش و اگر بیند که نگار روی بهم شده است او را عزیزی
بمیرد یا خود هلاك شود و اگر این خواب بهار زن بیند خرمی و شادی بیند
اسمعیل اشعث گوید اگر مردی بیند که دست و پای خود خضاب کرد
کاری کند که مردم بروی افسوس کنند و اگر بیند که سر انگشت خضاب
کرد دلیل که تسبیح کند جعفر صادق گوید خضاب کردن در خواب
بر چهار وجه بود اول کار با شایست دوم آرایش حال دنیا سوم
طلب جاه چهارم معروف شدن بدروغ **خطبه** ابن سیرین گوید اگر بر
سر منبر خطبه میخواند و اهل خطابت باشد دلیل که عز و بزرگی
یابد و اگر اهل خطابت نباشد دلیل که بسفر رود و درنگ بسیار کند
و بیم خطر بود و گویند اگر توانگر بود درویش گردد و اگر بیند که بی
دینی خطبه میخواند دلیل که مسلمان شود یا بمیرد کرمانی گوید اگر
بیند که پادشاهی بر سر منبر خطبه میکرد اگر پادشاه مصلح بود
دلیل که عدل کند و اگر مصلح نباشد دلیل که تایب شود و اگر
بیند که زنی بر سر منبر خطبه میخواند و مردم را پند میداد شوهر زن
رسوا و فضیحت شود جابر مغربی گوید اگر بیند که در میان مردم
خطبه نیکو میخواند دلیل که خیر و صلاح بیند و با همه کس احسان
کند **خطمی** ابن سیرین گوید خطمی بوقت دیدن منفعت بود و بی
وقت غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت و نقصان و سرشتن آن دلیل
بر توبت و پاکی دینی بود **خفتن** ابن سیرین گوید خفتن در خواب
مرده را و کسی را که ترسیده بود راحت و ترسکاری بود و اگر بیند که
بر تختی خفته است دلیل که بزرگی یابد از راه دین و پرهیزکاری
و خبر باشد زیرا که خفتن غفلت بود در راه دین و اگر بیند که

دون بر بستری خفته بود دلالت بر حقارت و خواری وی بود کرمانی
گوید خواب نا ترسنده ایمنی بود و مرده را آمرزش و بیمار را شفا و
زندانی را فرح مغربی گوید اگر بیند که در میان مردگان خفته بود و مردم
او را دیدند دلیل که میان مردم شهرت یابد و بخشم ایقاظ او هم رود
خلال کردن ابن سیرین گوید خلال کردن در خواب نیکو نباشد زیرا که
دندانها در خواب اهل بیت بود و خلال ایشان چند جاروب بود که مال اهل
بیت می روید و اگر بیند که خلال میکرد بقدر آنکه بخلال بیرون آرد از
مال اهل بیت نقصان شود مغربی گوید اگر آنچه از دندان بیرون آرد
بکسی داد دلیل که از مال اهل بیت خویش بنا حق چیزی بستاند و بمردم
دهد **خلعت** ابن سیرین گوید خلعت بخواب چون با کبر و نیکو بود دلیل
بر عزت یافتن و مرتبت و ریاست و مملکت بود و زن و کنیزك و حکم تا و با اندازه
و قیمت خلعت دهنده بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی خلعت بوی داد
از پادشاه بقدر خلعت مال و نعمت یابد و اگر بیند که عالمی وی را خلعت داد
علم و دانش از آن علم حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
خلعتی که بوی دادند اگر کرباس بود سفید یا سبز عز و جاه دینی باشد
و اگر دیبا یا جامه ابریشمین بود عزت و جاه دنیا بود **خلقان** جامه
کهنه بود و پوشیدن آن غم و اندوه و درویشی بود که بر مردم بماند
ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه خلقان از تن خود بیرون کرد غم و اندوه
از وی دور شود و همه چیزها در خواب دیدن نیك بود مگر موزه کهنه
که از نو بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی بخواب خلقان فروشی کند بد باشد
و اگر در خواب جامه نو خرد و فروشد بغایت نیکو باشد و خلقان فروش

در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند **خلم** مخاط که از بینی
فرو ناید کرمانی گوید اگر بیند که از بینی او خلم بیرون می آمد و امتن کرده
شود و از غم فرج یابد ابن سیرین گوید خلم در خواب دلیل بر فرزند کند
و اگر بیند که خلم در جامه وی افتاد دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که از
بینی بر زمین افتاد او را دختری آید و اگر بیند که خلم بر زن انداخت
زنش آبستن گردد و فرزند از شکم بیفکند و اگر بیند که زنش بر وی
خلم افکند دلیل که با زن همسایه فساد کند و اگر بیند که خلم خورد مال
زن بخورد بوجهی نیک **خلیفه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خلیفه [را] که
روی گشاده بیند دلیل که خیرات دینی و دنیایی بوی رسد و اگر بیند
خلیفه او را کاری فرمود از کارها خاص دلیل که عز و مرتبت شرف
و بزرگی یابد از خلیفه یا از پادشاه یا از رئیس و اگر بیند که خلیفه ویرا
ولایتی داد از ولایتها مسلمانان شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای
خلیفه شد از خاصان و مقربان خلیفه شود و اگر بیند که خلیفه
او را از متاع دنیا چیزی داد منزلت یابد و میان بزرگان نامدار شود
کرمانی گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد از بهر کاری که
بشرع تعلق داشت دلیل که حاجتش روا شود و بر دشمن ظفر یابد و
اگر بیند که در بستر و جایگاه خلیفه است دلیل که خلیفه او را زنی
دهد یا کنیزکی یا مال و اگر بیند که در پس اسب خلیفه نشسته بود
در خلافت با او شریک شود و اگر بیند خلیفه با پهلوی او می رفت
دلیل که مقدم شغلها او باشد و اگر بیند که خلیفه با او ترش روی کرد
دلیل که در دین وی خلل افتد جابر مغربی گوید اگر بیند که خلیفه است

و با اهل آن نباشد دلیل که او را بکاری فرستند که پادشاهی و بزرگی
یابد و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل که از وی خیر بیند
جعفر صادق گوید اگر کسی خلیفه مرده یا زنده بیند که خرم و شادمان بود
و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عز و دولت یابد و اگر
خلیفه اندوهگن بیند بخلاف این بود **خم** ابن سیرین گوید خم
در خواب زنی بود که از قبل او فایده بخانه رسد بقدر نیکویی و بزرگی
خم کرمانی گوید خم نیکو در خواب یافتن گنج بود و خم آب بخواب زن
توانگر بود و اگر بیند که در خانه او خمی پر آب بود که از آن آب میخوردند مال
بسیار یابد و در راه خیر هزینه کند و خم سرکه در خواب دلیل که مردی
پرهیزکار بود و خم مسکه و روغن دلیل بر زیادتی مال حلال و خم آبکامه
دلیل بر بیماری بیمار و خم نفط دلیل بر مردی فرومایه و چرکین و خم دان
در خواب دیدن دلیل کند بر مسلمانی بزرگ و راست بر اصحاب سلطان
خمیر کردن ابن سیرین گوید آرد سرشتن هم بتاویل در سستی دین باشد و سرشتن
آرد گندم مالی بود از تجارت با سود بسیار بشرط آنکه خمیر برخاسته بود
و اگر خمیر نخاسته بود دلیل بر فساد بود و سرشتن آرد گاورس در خواب
نفع اندک بود که بوی رسد کرمانی گوید اگر خمیر فرا گرفت یا بخرید یا
کسی بوی داد اگر خمیر جوین بود دو سستی دین و صلاح بود و اگر خمیر گندم
بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر گاورس بود
منفعت اندک بود جعفر صادق گوید خمیر در خواب بر سه وجه بود
اول زیادتی در دین و مال **دوم** منفعت اندک **سوم** روزی حلال
خنبره اندر خنبره سه قول است بعضی گویند زن بود و بعضی گویند

خادمهٔ خانه و بعضی گویند رسول که پیغام بشهرها برد و آرد و اگر بیند
که خنبره داشت یا کسی بوی داد دلیل که زنی خادمه یا کنیزکی بقدر
خنبره او را حاصل شود یا زنی خادمه او را صحبت افتد و از و منفعت
یابد و اگر بیند که خنبره او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود **خنجر**
ابن سیرین گوید اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که کسی را با وی
جنگ و عداوت افتد و اگر بیند که خنجر وی شکست یا ضایع شد
دلیل که جنگ و عداوت از میان ایشان برخیزد و بصلح انجامد و اگر
بیند که خنجر آهیخته بی سلاح در دست داشت او را از کسی قوت
بود در آن کار که خواهد و اگر با خنجر سلاح داشت دلیل که بر دشمن
ظفر یابد و کارش بنظام شود **خنده** ابن سیرین گوید خنده در خواب
غم و اندوه بود و اگر بیند که بقهقهه می خندید غمش زیادت تر
شود **فليضحكوا قليلا وليبكوا كثيرا** و اگر بیند که باهسته بخندید
اندوهش کمتر باشد کرمانی گوید خندیدن در خواب آهسته
یا فتن مراد بود و بشارت **فتبسم ضاحكا من قولها** جعفر صادق
گوید خندهٔ آهسته در خواب دلیل بر فرزند عجیب بود قوله تعالی
فضحكت فبشرناها باسحق و خندهٔ قهقهه در خواب دلیل بر غم
و اندوه و شگفت آمدن از کار ایزدی قوله تعالی **أفمن هذا الحديث
تعجبون وتضحكون** **خوان** ابن سیرین گوید اگر بیند که خوانی داشت
و بر وی نانها بود و از آن میخورد دلیل که بقدر آن غنیمت یابد
کرمانی گوید برداشتن خوان از پیش چون طعام نخورده باشد پیدا
کردن بیماری بود جابر مغربی گوید خوان آراسته در خواب بیند

نیك بود و چون بر دارند طعام ناخورده غم و اندوه بود و بسیار خوردن
طعام دلیل بر درازی عمر کند و اگر بیند که در خوان بر سته گونه طعام بود
دلیل که روزی او فراخ باشد قوله تعالی **انزل علينا مائدة من السماء**
و بعضی گویند عز و شادی بود جعفر صادق گوید دیدن خوان بخواب
بر پنج وجه بود **اول** غنیمت حاضر **دوم** مردی شریف **سوم** قوت دین
چهارم نظام کار **پنجم** عز و حرمت **خور** ابن سیرین گوید اگر بیند
خور پولاد بر سر دارد دلیل که جاه و قوت زیادت گردد و اگر بیند
که خود از سر برداشت عز و جاه وی کم گردد کرمانی گوید اگر خور
بر سر بیند و برا فرزندان آید زیرا که خور چون تاج بود و تاج دلیل
بر فرزند بود و هر زیادت و نقصان که در خور بیند آن فرزند بود مغربی
گوید اگر بیند که خود فولاد روشن بر سر داشت دلیل که از مهتری قوت
یابد و اگر بیند که خود بکسی داد آنکس قوت و حشمت بود و اگر بیند که خود
وی بشکست یا ضایع شد قوتش نقصان شود جعفر صادق گوید دیدن
خود در خواب بر پنج وجه بود **اول** قوت **دوم** مال و بزرگی **سوم**
فرزند **چهارم** بقا و نیکویی **پنجم** خود را از مکر نگاه داشتن **خورش**
ابن سیرین گوید خورشی که بوی خوش دارد در خواب خیر و خرمی بود و اگر
ناخوش بوی بود دلیل بر شوریدگی کند و سبب زیان و کند ناخوردن بخواب
غم و اندوه بود و اگر بیند که خورشی تلخ ناخوش بود دلیل بر درویشی
و بیچارگی بود کرمانی گوید خورش چون بطعم شیرین بود دلیل بر خرمی
و شادی کند و چون ترش یا تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و خوردنی
روزی بنا و یا خداوند سخن بود **خوشه** ابن سیرین گوید خوشه در خواب

دیدن جون تازه بوذ فرزند باشد وبرکت وزیادتی مال وجون
خشک بوذ فقر وتنکی بوذ بر عمر دراز اما دران سال قحط وتنکی باشد
وخوشه خرما وخوشه انکور بهتر بوذ خاصه جون بوقت بوذ کرمانی
کویذ اکر بیند که خوشه سبز میخورد دران سال او را فراخی وخوش
عیشی بوذ واکر خوشهاء زرد وخشک بیند قحط وتنکی بوذ جعفر
صادق کویذ دیدن خوشه سبز دلیل بر فرزندان وبرکت **سبع سنابل**
فی کل سنبلة مائة حبة وخوشه خشک قحط بوذ **خوک** ابن سیرین
کویذ خوک مردی بقوت توانکر ولیکن دون همت ولجوج بوذ واکر
بیند که خوکانرا درجایی نکاه می داشت ورها نمی کرد که پراکنده
شوند دلیل که مال بسیار از حرام جمع کند کرمانی کویذ مخالطت کردن
با خوک دنیا را نیک بوذ ودین را بذ وبچه خوک درخواب غم واندوه
بوذ واکر بیند که کوشت خوک میخورد دلیل که ربا خورد واکر بیند که
خوکانرا از جایی می برد احوال دنیایی او نیک کردد واحوال اخرت بذ
واکر بیند که درمیان خوکان اسیر کردید دلیل که خرم شود بجهت مالی
که از حرام حاصل کند واکر بیند که درمیان خوکان نشسته بوذ
بر دشمن غالب شوذ واکر بیند که خوکی از پس روی او بیامد واز پیش
روی او بیرون شد مراد او حاصل شوذ واکر بیند که پوست خوک
یافت یا کسی بوی داد مال الحرام یابد واکر بیند که شبان خوکان
بوذ بر کروهی بذ فعل بذ دین مهتر کردد مغربی کویذ اکر بیند که با خوکان
صحرایی جنک میکرد دلیل که با مردی دون ستمکر او را خصومت افتد
واکر بیند که موی خوک یا پوست خوک یا استخوان داشت بقدر آن

مال الحرام یابد **خون آمدن** ابن سیرین کویذ اکر کسی بیند که از جراحت خون
تن وی امد او را زیانی رسد واکر بر تن خوذ جراحتها بیند که خون می
رفت زیان مال وغم واندوه بوذ واکر بیند که او را شمشیر زدند
وخون از تن وی روان کشت دلیل که زبان خلق بر وی دراز کردد واو را
دران ثواب بوذ واکر بیند که خون جراحت جامه آلوده کرد مالی حرام
حاصل کند کرمانی کویذ اکر بیند که خون میخورد مال الحرام خوردن یا خون
ناحق کند واکر بیند که بر تن او سوراخی بوذ واز ان خون بیار بیرون روان
شد وجامه او را آلوده کرد مالی حرام حاصل کند واکر بیند که از
قضیب او خون روان شد دلیل که او را فرزندی از شکم مادر بیفتد
واکر بیند که از مقعدش خون می امد نقدی از مال الحرام یابد واکر
بیند که از بن دندان خون آمد دلیل که از خویشان غم واندوه خورد
واکر بیند که در شهری یا در کوچه خون می رفت دلیل بر خون ریختن
بسیار دران موضع بوذ دانیال کویذ اکر بیند که خون بسیار از بینی
او بیرون می امد دلیل بر یافتن مال الحرام بوذ خاصه که جامه بخون
آلوده باشد واکر بیند که خون اندک امد وجامه الوده نکشت دلیل که
درویش شوذ ومالش نقصان کیرد **خیار** ابن سیرین کویذ خیار بوقت
خوذ بخواب دیدن دلیل که سخنی نیکو شنوذ یا زن بوی رغبت کند واکر
بیند که از ان خیار بخورد مراد از ان زن حاصل شوذ وخیار باذرنک
هم ازین قیاس بوذ جعفر صادق کویذ دیدن خیار بخواب بر سه وجه بوذ
اول پشیمانی از کار **دوم** شادی ودانش **سوم** منفعت از قبل
خویشان ودوستان **خنده دیدن** ابن سیرین کویذ دیدن خنده سبی

و ماست بخواب مردی بود که بر دستش مال حرام هزینه شود و بشغلها
خیر قیام نماید چون پل و رباط و مسجد و جز آن و اگر بیند مردی عالم بود
دانش آموز راه نماینده و اگر دید که جبه‌ای داشت یا بخرید دلیل که او را با مردی
بزرگ صفت صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بیند که جبه
بدر دید یا ضایع شد از صحبت وی جدایی افتد **جیزی** ابن سیرین
گوید جیزی بخواب اگر وقتش بود و اگر بی وقت دلیل بیماری بود **خیمه**
ابن سیرین گوید اگر بیند که خیمه از بهر خود بزد یا کسی بزرگ از بهر وی
بزد و آنجا بنشست دلیل اگر سپاهی بود مال یابد نفقه بزرگی و اگر
خیمه و اگر این خواب بازرگان بیند سفر کند و مال یابد و اگر بزرگی بیند
غم و اندوه بوی رسد و اگر خیمهٔ کهنه بیند مضرت بیشتر کرمانی
گوید اگر بیند که از خیمه بیرون رفت دلیل که از شرف و بزرگی
بیفتد و اگر بیند که پادشاه در خیمهٔ خود نشسته بود کارش نیکو
گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه او را در خیمهٔ خود خواند
و بنشاند پادشاه قدر و بزرگی یابد و کارش بنظام شود **جیو** ابن سیرین
گوید اگر بیند که جیو می انداخت سخنی گوید که او را حلال بود و اگر بیند
جیو در مسجد انداخت دلیل که سخن در دین گوید و هم چنین هر موضع
که جیو انداخت سخن در اصل آن موضع گوید و اگر بیند که جیو در دیوار
انداخت دلیل که مالی هزینه کند برضای خود نهانی و اگر بیند که جیو
در زمین انداخت ضیاع خرد و اگر بیند که جیو بر درخت انداخت دلیل
که عهد بشکند یا سوگند دروغ خورد کرمانی گوید جیو گرد دلیل
بر درازی عمر کند و جیو سرد دلیل بر مرگ و جیو سیاه دلیل بر غم

و اندوه و جیو زرد دلیل بر بیماری و آب دهن چون از دهن بیرون آید
بی آنکه جامه را بیالاید علی باشد که بگوید و اگر آب خون از دهان بیرون
آمد بی آنکه جامه را بیالاید علی باطل دروغ باشد و اگر بیند که بلغم
از گلو بیرون آورد و باستین بگرفت مال خود بر عیال هزینه کند
مغربی گوید اگر بیند که جیو در روی انداختند دلیل که در اهل بیت
وی طعنه زنند و اگر بیند که با جیو خون آمیخته بود حرام خورد
و دروغ گوید و بر وعده وفا ننماید والله اعلم

حرف الدال

دارو ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که از بهر بیماری دارو
خورد و او را موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که دارو
او را موافق نبود صلاح دین او زایل شود و اگر بیند که از بهر تن درستی
خورد بقدر موافقت دارو صلاح دنیا طلبد و اگر بیند که از بهر مردم
دارو ساخت دلیل که با خلق خدای احسان کند و اگر بیند که دارو
خشک می سود دلیل که از غم و اندوه برهد کرمانی گوید چون دارو
خورد و اسهال بسیار افتاد دلیل که مضرت رسد و اگر بخلاف این
بیند خیر و منفعت بود و اگر بیند که دارو خورد و عقل و هوش از وی
برفت از غم و اندوه فرج یابد جعفر صادق گوید هر دارو که زرد بود
رنج و بیماری بود و هر دارو که باشامیدن آسان بود دلیل بر شفا
و راحت بود و آنچه مکروه بود دلیل بر بیماری **دارچینی** ابن سیرین
گوید اگر کسی دارچینی بسیار دارد غمگین و متفکر شود و اگر بیند
که دارچینی خورد غم و اندوهش بیشتر گردد کرمانی گوید اگر دار
چینی از بهر علت خورد و او را سود داشت دلیل بر خیر کند

داغ کردن

ابن سیرین گوید داغ کردن در خواب یافتن مال و گنج بود بقدر آن و
در راه خدای تعالی هزینه کند و در عقبی از عقوبت رستگاری یابد
و اگر بفسق و فساد صرف کند در آخرت بعذاب گرفتار شود کرمانی
گوید اگر از نشان داغ خون و ریم می آید دلیل که در حضرت پادشاه
مقیم شود و اگر از نشان داغ خون نمی آید از پادشاه بهره نیابد دانیال
گوید اگر بیند که داغی بر تن کسی نهاد تاویلش سخن زشت باشد یا
بر وی تهمتی نهند و اگر بیند که جهت علتی بر پشت وی داغ نهادند
دلیل بر صلاح دین و دنیاوی باشد و بعضی معبران گویند داغ کردن
بیان باشد در کار پادشاه جعفر صادق گوید داغ در خواب
منع زکاة باشد و مشغولی با پادشاه قوله تعالی یوم یحمی علیها فی
نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم داس اگر بیند
که داس در دست داشت دلیل که آلتی سازد که اورا از آن آلت مالی
حاصل شود و اگر بیند که داس او بشکست یا ضایع شد نقصان مال
بود مغربی گوید اگر بیند که داس زرین یا سیمین داشت دلیل که از
مالی حرام چیزی حاصل کند دام ابن سیرین گوید دام در خواب
مکر و حیلت باشد و اگر بیند که پای وی در دام گرفتار شد در مکر و
حیلت گرفتار شود و اگر بیند که پایش از دام گشاده شد دلیل که
تاویلش بخلاف این بود مغربی گوید اگر بیند که جانوری بدام او گرفتار
شد آنکس که بدان جانور منسوب بود بمکر و حیلت بدست
آورد ابن سیرین گوید دانها در خواب اگر پخته بیند و اگر بریان
تر و خشک غم و اندوه بود کرمانی گوید دانها که بر زمین ریخته

دانها

باشد رنج کاسد گردد و هر چیز از دانها که در خانه خود گرد
بیند یا در جوال نرخ آن چیز گران شود مغربی گوید اگر بیند که
دانه در شیشه افتاد حال بر خداوند دانه تنگ شود و اگر بیند که
دانها از زمین برچید نرخ آن دانه گران شود و اگر بیند که مردگان
دانها بمردم میدادند دانها ارزان شود دباغی کردن ابن سیرین گوید دباغی
کردن در خواب گزاردن شغل و فرمان بود اگر بیند که دباغی میکرد
دلیل که شغل مردم بصلاح بگزارد و اگر بیند که مرده را زنده میکرد
دلیل که پیشه دباغی کند کرمانی گوید دباغی تاویلش والی بود و پوست
در خواب مال و میراث باشد مغربی گوید دباغ بخواب مردی بود
که صلاح کار میراث بروی باشد دبه روغن ابن سیرین گوید دبه روغن
بخواب مردی امین باشد و اگر بیند که دبه روغن داشت یا کسی بوی
داد دلیل که اورا با مردی امین دوستی افتد و از وی خیر و منفعت یابد
بقدر بزرگی و کوچکی دبه و اگر دبه را چرکن و کهنه بیند دلیل که بزشتی
و عسرت رسد جعفر صادق گوید دیدن دبه در خواب بر نه وجه
بود اول مرد امین دوم زن سوم خادم چهارم قوام دین پنجم
صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم
میراث از جهة زنان دبیری کردن دانیال گوید اگر بیند که دبیری میکرد
دلیل که مال مردمان را بحیلت بستاند و کارها ناکردنی کند و اگر
بیند که دبیری پادشاه میکرد دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر
بیند که دبیری مردم عام میکرد دلیل که دلها مردم بر خود گرم کند
ابن سیرین گوید اگر بیند که نویسنده شد بمکر و حیلت روزی از مردم

بدست آورد و اگر دبیر و دانا بود و بیند که دبیری میکرد خیر و منفعت
بسیار یابد اما اگر عمل‌دار بود معزول شود مغربی گوید اگر بیند که جامع
قران وحدیث می نوشت دلیل که خیر و منفعت از جهانی یابد و اگر
بیند که غزل وشعر می نوشت بشغل وعیش دنیا فریفته گردد و اگر
بیند که نامه می نوشت ومداد نیك بود دلیل که قباله یا نویسد
واگر بیند که آنچ نوشت خلاف شریعت بود عاقبتش بد بود **دبیرستان**
بخواب دیدن جای اندوه بود ولیکن عاقبتش خیر ومنفعت وبزرگی
باشد **دجال** ابن سیرین گوید دجال بخواب دلیل بر مردم بد باشد
که مردم از راه ببرد و دل و زبانش موافق نبود کرمانی گوید دجال اندر
جائی معروف دیدن دلیل که آنجا فتنه افتد ودروغ زنان
آنجا جمع شود و در آنجا خیر وبرکت نباشد **دختر** ابن سیرین گوید دختر
بخواب دیدن فرح وشادی بود و اگر بیند که اورا دختری آمد یا کسی
دختری بوی بخشید بقدر جمال وخوبی دختر اورا خرمی ونعمت
رسد و اگر بیند که دختری بمرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید
اگر بیند که دختر بکسی داد ازو خرمی بدانکس رسد و اگر بیند که دختر
وی چرکن وناقص بود دلیل بر غم واندیشه بود و اگر بیند که دختر
در بر گرفته بود ومی برد دلیل بر خیر ومنفعت بود **دخنه** اگر بخواب
بیند که در زیر خود عود یا بویها خوش دود میکرد پیشه بیاموزد
وازان منفعت یابد وبا مردم عیش خوش گذراند و اگر بوی
ناخوش بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دخنه
در خواب بر سه وجه بود **اول** کسب ومعیشت **دوم** خیر و منفعت

ددکان ابن سیرین گوید اگر بیند که ددکان داشت وجمله خر شدند
یا یکی خر شد ویکی گاو ویکی اشتر ویکی گوسفند دلیل که روزی
بروی فراخ شود لیکن دین او زیان دارد و اگر بیند که چهارپایان
با ددکان شدند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن
ددکان در خواب بر چهار وجه بود **اول** دشمن **دوم** پادشاه ظالم
سوم زنان سلیطه **چهارم** همسایگان بد مغربی گوید اگر بیند
که گوشت ددان میخورد مال مردم بحیلت بدست آرد کرمانی گوید اگر
بیند که بصورت ددی شد دلیل که عقل از وی زایل شود و اگر
بیند که ددان با وی سخن گفتند دلیل که پادشاهی یابد و اگر دید
که ددان می کشت بر دشمن ظفر یابد **دراج** ابن سیرین گوید دراج
در خواب زنی بود خوب روی بدمهر که با شوهر نسازد و اگر بیند
که دراج بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد بدین
صفت و اگر بیند که گوشت دراج خورد دلیل که از مال زن بقدر آن
بستاند مغربی گوید اگر بیند که دراج از دست وی بپرید وضایع
شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که دراج بسیار داشت
ودانست که همه ملك اوست بقدر آن از زنان وکنیزکان حاصل
شود **دراعه** ابن سیرین گوید اگر بیند که دراعه نو بزرگ فراخ
پوشیده بود بقدر وقیمت دراعه وی را جاه وقوت وشرف بود در
دین واز غم فرج یابد و اگر بیند که دراعه چرکن وشوخ ودریده
پوشیده بود تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که
دراعه سفید پوشیده بود مال ونعمت وبزرگی یابد و اگر سبز بود

بلهو دنیا مشغول شود و اگر زرد بود بیماری یابد و اگر کبود باشد معصیت
بود و اگر سیاه بود غم و اندیشه باشد لیکن سیاه را قاضی و خطیب
زیان ندارد و اگر بیند که دراعه از تن وی بیرون شد از زن جدا
شود جعفر صادق گوید دیدن دراعه در خواب بر هفت وجه
بود اول فرج از غم دوم قوت سوم حجت چهارم شرف و جاه
پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کار هفتم زن در دانیال
گوید در خواب دیدن زن بود اگر بیند که درهای بسته از جایهای معروف
یا مجهول در برابرش گشاده شد دلیل که درهای مال و نعمت بروی
گشاده گردد و اگر بیند که از درها که گشاده شد بر جای نه بود دلیل
که مال که دارد هزینه کند و اگر بیند که در سرای در برابرش گشاده شد
دلیل که مالی بدو رسد از پادشاه و بر عیال نفقه کند و اگر بیند که در
سرای وی بشکست یا بیفتاد یا بسوخت مصیبت بود و رنج عظیم
ابن سیرین گوید اگر بیند که در سرای بکندند و بردند و ندانند که کجا
رفت دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود و اگر بیند که در سرای
او ابنا شدند دلیل بر مصیبت اهل سرای بود و اگر بیند که میان
دو سرای او دری کوچک بود آفتی بعیال او رسد و اگر بیند که در سرای
او قوی و بزرگ بود دلیل بر نیکی اهل عیال او بود و اگر بیند که در سرایش
چنان فراخ بود که هیچ در بدان فراخی نبود قومی بی فرمان او در
سرای او روند بوقت مصیبت یا خصومت و اگر بیند که حلقهٔ در
سرای می جنبانید اگر جوابش دادند دعای او مستجاب شود و باشد
که گنجی بیابد و اگر بیند که حلقه بجنبانید و زود در سرایش گشودند

البته خدای تعالی دعایش مستجاب کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید
اگر بیند که در سرا محکم ببست و قفل بر نهاد دلیل که زنش بمیرد یا طلاق
دهد و اگر درودگری در دوخت تا دری نو بر خانهٔ وی نهاد کنیزکی دوشیزه
بخرد و اگر بیند که در خانه وی را غلق نیست زنی بیوه خواهد مغربی
گوید اگر بیند که درها بر در سرای وی می جهند و بانگ می دادند دلیل
که جوانان قصد عیال وی کنند و اگر بیند که در خانه دو حلقه داشت
دلیل که زن وی دوستان باشد و اگر بیند که در آسمان بگشادند بر مردم
آن دیار در خیر بگشایند جعفر صادق گوید دیدن در در خواب بر سه
وجه بود اول خداوند سرای دوم زن سوم خادم چهارم هر که دروازه
شهر بخواب بیند دلیل بر صاحب و دربان پادشاه باشد و دربان بخواب
دیدن مردی بزرگ بود دربانی ابن سیرین گوید اگر بیند که دربانی میکرد
حاجتی که دارد روا شود و اگر مردی بزرگ بود عز و جاه یابد و اگر بیند که
دربانی میکرد و دربان نبود دلیل که حاجت او بسبب کسی روا شود اما عز و جاه
نیابد مغربی گوید اگر بیند که دربانی پادشاه میکرد مقرب پادشاه شود
در بر گرفتن هر که بیند که کسی در بر گرفت شرح آن در الف گفته آمد
درخت دانیال گوید هر درختی که پیش مردم عزیز است بخواب دیدن آن مردی
شریف بود و بزرگوار و هر درخت که پیش مردم ذلیل بود دلیل بر مردی دون
و فرومایه بود و اگر درختی میوه دار بود مردی توانگر بود و درخت بی بر مرد
درویش بود و درخت که در دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی کند و
هر درخت که بر عجم بود دلیل بر عجم کند و درخت که در باغ بود دلیل مال
کند بخداوند باغ و اگر بیند که درختی از بن بر کند دلیل که مردی از جاه و

نعمت بیفکند درخت خرما بخواب دیدن دلیل بر مردی عالم شریف کند واکر
بیند که خرما بُنی درخانه داشت دلیل بر مردم بزرک را آشنا شوذ وخرما بن در
باغ دلیلش بخذاوند باغ بار کردد درخت آبنوس دلیل بر مردی فرمانده در
کار خویش وبعضی کوینذ زن یا کنیزک درخت آلو مردی طبیب بوذ که
نفعش بهر کس رسذ ودرخت آلو زرد بیماری درخت امرود دلیل بر مردی
توانکر بوذ درخت انجیر دلیل بر مردی توانکر با نعمت درخت انار دلیل که بر
مردی که مال ونعمت بسیار دارد درخت انکور دلیل بر زنی خوب روی درخت بادام
دلیل بر زنی بدکار درخت بید دلیل بر مردی شریف که کار مردم کزارذ درخت
دلیل بر مردی حلیم آهسته درخت ترنج دلیل بر مردی مخالف خودرای وبعضی
کوینذ مردی صاحب جاه بوذ درخت صنوبر مردی توانکر راست با منفعت بوذ
درخت حنظل مردی منافق بوذ که اورا نه دین بوذ ونه دنیا درخت خار مردی
بذ کردار که شرش بمردمان همی رسذ درخت زالو دلیل بر مردی مبارک که
نفع رساند درخت سرو مردی که خذاوند اصل ونسب بوذ درخت خیار
دلیل بر مردی عجمی بد طبع درخت سنجد همین تاویل دارد درخت سیب مردی
سبک روح محتشم درخت شمشاد دلیل بر مردی بیمار کونه درخت شفتالو دلیل
بر مردی تیز دولت که زود هلاک شوذ درخت عود مردی بزرکوار
بیش مرود درخت فستق مردی نیکو روی خوش زبان درخت فندق مردی
توانکر بخیل بوذ درخت کدو مردی غریب سخت دل طمع دوست
مردی عالم طبیب با فرهنگ درخت بلوط دلیل بر مردی بی خیر منافق
درخت کل دلیل بر مردی شادکام درخت نخل دلیل بر مردی شریف
جوانمرد درخت عرعر دلیل بر مردی عجمی که با مردم بخیلی کند وباعیال

جنک وخصومت دوم بند وزندان سوم کفت وکوی چهارم
ابن سیرین کوید درمنه درخواب دلیل بر غم واندوه کند وخوردن
وی دلیل بر نقصان مال وعیال کند دروغ ابن سیرین کوید دروغ
کفتن درخواب دلیل بر فساد وتباهی بوذ واکر دید که کواهی بدروغ
می دهد دلیل که دین وی تباه شوذ ودیانتش بخلل بوذ مغربی
کوید اکر بیند که پیش پادشاه دروغ کفت دلیل که مردم نکوهش
وبد او کنند وحرمت واب روی وی ببرد دروذکری کردن
دروذکری کردن نیک خواه مردم بوذ لیکن صحبت وی با مردم منافق
بذ مذهب باشد وبه مراد ایشان روذ زیرا که اهل چوب بخواب
دیدن نفاق باشد قوله تعالی کانهم خشب مسنده جعفر
صادق کوید بریدن وتراشیدن وراست کردن چوب دلیل تعلیم
نیکو باشد تا بصلاح آید لیکن فعل نفاق با وی باشد کرمانی کوید
درودکر بخواب دیدن مردی باشد که مردم را ادب وفرهنک
آموزد ومدبر ومصلح کارها مردم باشد در راه دین ونفاق و
فساد زایل کند جابر مغربی کوید درودکر درخواب معلم کودکان
باشد که مردم جاهل نادان را دانش وفرهنک اموزد وراه دین نماید
درویشی ابن سیرین کوید درویشی درخواب بهتر از توانکری باشد
خاصه در راه دین وصلاح بوذ واکر دید که درویش شده بود دلیل
بر صلاح دین بوذ واکر دید که توانکر شده بوذ تاویلش بخلاف این
بوذ کرمانی کوید اکر بیند که با درویشی مسلمانان حیرات کرد از غم واز
رنج رسته کردد واکر دید که از درهای نان میخواست دلیل که خیر ومنفعت

بدو رسد **دریا** دانیال گوید دریا در خواب پادشاه بود یا عالمی
بزرگ اگر بیند که آب دریا روشن و صافی بود دلیل که پادشاه عادل
و پارسا و دادگر بود و اگر بیند که آب دریا تلخ و ناخوش بود و تیره دلیل
که پادشاه مفسد و ظالم بود و اگر بیند که جمله آب دریا بخورد از پادشاه
عطا و بزرگی بیند یا از عالمی علمها بابهره یابد و اگر بیند که از دریا
آب برمی گرفت و در مشک یا در سبوی می‌ریخت او را از پادشاه منفعت
رسد بقدر آب که برگرفته باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که آب دریا
در بن دریا فرو شد چنانک تراو کل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه
غم و اندوه رسد و اگر بیند که تن خود از گل بشست اندوه و غم او
زایل گردد و اگر بیند که در دریا آشنا برد دلیل که پادشاه او را محبوس
دارد و اگر بیند که از دریا باشنا بیرون آمد از زندان خلاص یابد و اگر بیند
که در دریا غرق نشد و غرد در کار دنیا غرق شود و اگر از دور دریا دید
و نزدیک [illegible] دلیل که بانچ امید دارد نرسد و اگر بیند که بر فراز
دریا می رفت و پای وی تر نمی‌شد دلیل که از انتشح و رنج ایمن گردد و
کارهای دنیا بروی آسان شود کرمانی گوید اگر بیند که در دریا بود دلیل
بخدمت پادشاه رود یا مطیع مردی عالم فاضل گردد و اگر بیند که
در میان دریا شد و متحیر فرو ماند دلیل که کار وی بر خطر باشد و
اگر بیند که از دریا بیرون آمد دلیل که بی غم گردد و اگر بیند که آب دریا
بخورد و بغایت سرد بود و بیننده خواب عالم بود بهره از علم تمام بیابد
و الاعلوفیان بود لقوله تعالی قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی
لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی واگر بیند خواب از مردم

پادشاه بود دلیل که معتمد پادشاه شود و اگر بیند که آب دریا بخورد
از پادشاه ایمن گردد و اگر بیند که آب دریا خورد و کم بود دلیل بر کردن
گناه وسقوا ماء حمیما فقطع امعاءهم و اگر بیند که او آب دریا بخورد و گند
و ناخوش بود دلیل که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانک و را بیم بود
یتجرعه ولا یکاد یسیغه جابر مغربی گوید اگر بیند که در آب دریا می رفت
توفیق طاعت یابد و امانت گزارد و اگر بیند که از دریا بگذشت از دشمن
ظفر یابد و اگر بیند که از دریا بگذشت اندیشه ظفر یابد و اگر بیند که آب
دریا زیادت شد لشکر پادشاه زیادت شود و اگر بیند که آب دریا کم
بود لشکر پادشاه کم شود و اگر بیند که آب دریا خشک شد پادشاه و
لشکر هلاک شوند و اگر بیند که آب رودها و دریاها بهم جمع شدند
در یک جای دلیل که پادشاهان آن دیار مال و خزانه جمع کنند بیکجا
اگر بیند که از دریاها موج برخاست و جهان از ابر تاریک شد دلیل
بر گناه و عصیان اهل آن موضع قوله تعالی موج من فوقه سحاب
و اگر بیند که از دریا شکار میگرفت بقدر آن روزی حلال یابد و
عیش بر عیال او فراخ گردد احل لکم صید البحر وطعامه متاعا لکم و اگر بیند
که آب دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند و اگر بیند که آب دریا تیره
و شور بود و از وی شکار میگرد دلیل بر هلاک وی باشد وسئلهم
عن القریة التی کانت حاضرة البحر و اگر دید که از دریا یاقوت و مرجان
برآورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول شود و اگر بیند که از دریا
صدف برآورد در نعمت و روزی بروی گشاده گردد و اگر اهل علم
باشد علمش زیادت شود و اگر دید که از دریا نهنگی برگرفت و بکشت

وبخورد دلیل که دشمن پادشاه بدست وی هلاک شود جعفر
صادق گوید دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه
دوم والی سوم رئیس چهارم عالم پنجم مال ششم کاری بزرگ
دژ ابن سیرین گوید اگر بیند که دژ بنا کرد دلیل که صلاح دین
وی باشد واگر بیند که دژ خراب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین بود
کرمانی گوید بنا کردن دژ بگچ و آجر صاحب خواب از اهل دوزخ بود
واگر بگل و خشت بود از عمل اهل بهشت بود واگر دید که در دژی محکم
شد مقیم در دین ثابت گردد واگر بیند که هر زمان بیرون می آمد و باز
در می شد در راه دین کاهل باشد مغربی گوید اگر بیند که دژ
در نعمت بروی فراخ بود دلیل بر صلاح دین بود واگر بخلاف
این بود تباهی و ضعف دین بود دزدی کردن ابن سیرین گوید اگر بیند
که دستار جامه کتان در دست داشت از مال کسی چیزی بدزدید
و هزینه کرد دلیل که او را بکشند واگر بیند که نیت داشت که بدزدد
اما ندزدید دلیل که بر کسی مکروه رساند و بعضی گویند بیمار شود
و شفا یابد واگر بیند که دزدی در خانه وی آمد و چیزی بدزدید
رنجی یا آفتی بوی رسد کرمانی گوید اگر بیند که در دست دزد اسیر شد
حال وی بد شود و در اندوه گرفتار شود واگر بیند که دزدان بروی
راه زدند بیمار شود مغربی گوید اگر دزدی کالای کسان برد دلیل که
عیش بر خداوند کالا تباه شود جعفر صادق گوید دزدی بخواب
بیماری بود نزدیک هلاک و بعضی معبران گویند آنجا که دزدی کنند
دامادی باشد یا پسری در وجود آید واگر خداوند خواب غایب دارد

از وی جدا شوند واگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود جهت
دوستان غم خورد واگر بیند که میان گروهی دست می زد دلیل که آنجا
عروسی کنند واگر بیند که دست بتنهائی میزد و شادی میکرد غم و اندوه بیند
واگر در شهر یکی را دست بریدند و دیگری را بردار کردند امیر آن شهر
معزول گردد و دیگری بجای او بنشیند ابن سیرین گوید اگر قاضی
یا سلطان بخواب بیند که دست راست وی ببریدند دلیل که برادرش
یا خواهر یا فرزند بمیرد واگر هر دو دست خود بریده بیند دلیل که از
کسب و مراد خویش باز ماند واگر بیند که بیک دست دیگر پوست
باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و بیداد کند واگر دست خود را
بکاردی می برید دلیل که او را دل بنوای کسی مشغول شود قوله تعالی
وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ واگر بیند که کفها دست بر یکدیگر می سود دلیل
که خویشی بنکاح آورد واگر بیند که چون چهارپای بدست و پای می
رفت و باز گونه روی باسمان داشت دلیل که حاجتی محال جوید و بدشواری
برآید واگر بیند که هر دو دستش می لرزید دلیل که از کسب و روزی بماند
واگر بیند که دست وی از مادرزاد خشک بود دلیل که از صدقه
دادن و کار خیر وا ماند کرمانی گوید اگر بیند که دستها را سوزن زنیار
کرده بود همتش بر تعلیم علم و دانش بود واگر بیند که دستش برهنه بود
و ندانست که راست است یا چپ دلیل که او را مصیبتی رسد واگر بیند که
چون دستش برهنه شد قرآن میخواند دلیل که دست از حرام باز دارد و
عصیان نکند و معبران گویند دست برهنه در خواب دلیل بر عمر دراز کند
و گناه و عصیان نکند و خیر کن بند واگر بیند که دست راست او ان بهر

کناهی برید دلیل که دروغ کوی و بی امانت بوذ معزبی کوید اکر بیند که
دست خویش جون جنبر در کردن کرده بوذ دلیل بر کردار نیک و نماز و طاعت
و حج و غزا و خیرات بجای اورذ واکر بیند که دستها ورا از کاری کوتاه
کردند مقصودی که دارذ بر نیایذ واکر بیند که باذشاهی دست راستش
ببریذ دلیل که سوکند بدروغ کند واکر بیند که دستش از تن وی بحوبا
کردستی باذشاهی اکر ان باذشاه دین دار و مصلح بوذ دلیل بر خیر و
صلاح دین بوذ واکر باذشاه مفسد و بی دین بوذ دلیل بر شر و فساد
دین کند واکر بیند که یک دست وی از دیگر دست درازتر شذ دلیل
بر فوق حال وی بوذ بذانچه طلب میکند واکر بیند که بر دو دست
می رفت دلیل که بر کار خوذ اعتماد ندارذ و معبران کویند از خویشان
منفعت یابذ واکر بیند که دست با وی سخن کفت دلیل که معیشت
وی نیکو شوذ واکر بیند که هر دو دست خوذ مروارید بسته داشت دلیل
که جمله قران از ظاهر بخواند اسمعیل اشعث کوید اکر بیند که دستش
جون دست سلطان شذه بوذ دلیل که بزرکی و باذشاهی یابذ
واکر بیند که دست راست وی زرین شذه بوذ دولتش زایل شود
واکر دید جانوری که بتاو بلینک باشذ از سوی دست جب بیرون
امذ و بسوی دست راست بدر شذ یا از راست امذ و از جب بدر
شذ از غم جدا شوذ و عاقبتش محمود شوذ اکر ان جانور بتاو بلـ
بذ باشذ دلیل بر ضعیفی و ستم کند واکر بیند که دست جب وی
خشک شذ دلیل بر فساد صحبت کند واکر بیند که دست کسی در دست
کرفت یا دو کردن کسی اورد واکر زنده است یا مرده دلیل که عمر وی

ادرمانده دعا کرد دلیل که جز از کفتار او بد رمانده رسد و او را ثواب بوذ
واکر بیند که دعای کرد دلیل که خلق را نیک خواه بوذ و حاجتها روا کند واکر
بیند که دعای خاص میخواند دلیل که فرزندی ایذ اذ نادی ربه ندا
خفیا کرمانی کوید اکر بیند که در تاریکی دعا میخواند از غم فرج یابذ واکر
بیند که بتضرع و زاری دعا میخواند اکر مصلح و پارسا بوذ حق تعالی
او را بیامرزذ و حاجت وی روا کند واکر مفسد بوذ او را توبه دهد واکر
کافر بوذ اسلام یابذ **دف زدن** ابن سیرین کوید دف زدن در خواب امر معروف
کردن بوذ برا کسی که دف زند اکر مرد بیر دف زند دلیل که بزرکی کار
صلاح کند و ابن سیرین کوید اکر بخواب دید که دف زذ استاذ وار
زنی خواهد با صورت و بذکردار جعفر صادق کوید اواز دف شنیدن
در خواب نشاط و شاذی بوذ چون از زن یا از کنیزک شنوذ واکر
اواز دف از مردم شنوذ دلیل بر دولت و فیروزی کند و اواز دف
شنیدن در خواب نشاط و شاذی بوذ چون از زن یا از کنیزک
شنوذ دلیل بر دولت و فیروزی کند و اواز دف از جوانان شنیدن
دلیل بر ظاهر شذن محال کند **دلالی کردن** ابن سیرین کوید اکر بیند که
دلالی میکرد دلیل که مصلح و رهنمای خلق بوذ بخیر جعفر صادق کوید
[illegible] اب بر جهار وجه بوذ **اول** [illegible] مصلحت کردن میان
[illegible] ذن **سوم** کردار نیک کردن **جهارم** امر معروف
[illegible] که مردم را رهنمای بوذ بخیر و شر **دل**
[illegible] مان اوست و دل خزانه عقل و حکمت است
[illegible] بذن مال جمع کرده بوذ که بوی

رسد و اگر بیند که دل از تن وی بود دلیل بر صلاح و نیکویی بود قوله
حتی اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحق
و اگر بیند که دل وی شك شد کارها بر وی دشوار شود و اگر دل شاد
دلیل که کارها بر وی گشاده گردد و اگر دل را او بسته بیند از گناه توبه باید کـ
افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها و اگر دل را بر دست نهاده
بیند که سخت بیمار گردد و اگر بیند که دل را بهر دو دست سخت گرفته
دلیل که رها وی بر اید گمانی گوید اگر بیند که دل را درد میکرد مال از زیادت شود
و اگر بیند که چشمهاء دل وی گشاده بود دلیل که بکارها هر دو جهان راغب
و حریص شود و اگر بیند که از دل وی خون بیرون آمد دلیل که از گناه توبه کرد
توبه کند و بخدای باز گردد و اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آمد بیمار شود
و اگر بیند که بدل وی خستگی رسید دلیل که بی غم گردد و اگر بیند که از دل
وی گوهر بیرون آمد و آن گوهر از دهن بیرون افکند دلیل که کافر گردد
و اگر بیند که گوهر از زمین برداشت و فرو خورد دلیل که باز مسلمان گردد
و اگر بیند که گوهر از دل برآورد و گرد او مروارید بسته بود و مروارید
در زمین ریخت و گوهر فرو خورد دلیل که این کس نژاد بنج غاز
معبری گوید اگر بیند که او را بار شد دلیل که دل او را
مشغول گردد و اگر بیند که دل او بسوز و دوش
دین وی کند و اگر بیند که دلش تیره و تا
جعفر صادق گوید دیدن دل
ریاست سوم فرزند چهارم
و آن هفتم قوت

بیند که کسی چشم او جادو کرد او را زیان نماید بجز و اگر بیند که او را دو
درد کرد از هر کس سخنها زشت شنود و اگر بیند که بینی وی درد کرد یا
دهان وی نقصان بود دلیل که سخنی گوید که او را از ان و بال بود و اگر این
خواب بازرگانی بیند در تجارت دروغ گوید و اگر زنان خود بر بیند
دلیل بر صلاح و پارسایی کند و اگر بیند که کامش درد می کرد و اماس داشت
دلیل که حق کسی را منکر شود و اگر بیند که دهانش درد می کرد از خویشان
اندوه یابد و اگر بیند که گردن وی درد میکرد امانتی در گردن او باشد
و خیانت کرده و اگر بیند که شکمش درد میکرد حرام خورد و اگر درد پشت بیند
از مهتر خود آزرده گردد و اگر درد پهلو بیند سبب خویشان رنجور
شود و اگر درد جگر بیند فرزند مشفق شود و اگر درد دست بیند برادر
یا همسایه را جفا گوید و اگر درد ران بیند غریبان را دشمن دارد و اگر درد
ساق بیند دوستان را جفا گوید و اگر درد انگشت بیند کینه دارد
و اگر درد ناف بیند عیال را برنجاند و اگر بیند که عورت وی درد میکرد
دلیل که بر حرام و فساد گراید و اگر بیند که درد مقعدش میکرد فساد کند
و اگر بیند که سرین وی درد میکرد بر خویشان و دوستان جفا گوید
و اگر بیند که پای وی درد میکرد بر زیردستان شفقت کند و اگر بیند که
تن وی داغ میکردند مال یابد درم ابن سیرین گوید طبع ها مردم مختلف
بود و درم در خواب حاصل شد در رم بود در بیداری و گویند که درد
خواب درم ستد در بیداری سخن خوش شنود یا توحید خدای تعالی
گوید حاصه که درم سفید بود و اگر درم سیاه بود و بر وی صورت
بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی معبران گویند اگر بیند که

درم کوچک یافت دلیل که فرزندی کوچک باشد و اگر بیند که درم
ضایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که او را فرزندی خرد بابر دل آید
و اگر بیند که درم کوچک گم کرد و باز یافت آن رنج اندک او زایل گردد
و اگر باز نیافت فرزند او هلاک شود کرمانی گوید درم درخواب بدست
داشتن سخن نیکو بود و درم شکسته سخن پراکنده و درم بسیار مال
باشد و اگر بیند که با عیال خود درمهاء درست قسمت میکرد میان
ایشان داوری افتد و اگر بیند که در خانه بخروار درم داشت بقدر آن
مال یابد و اگر بیند که درم بسیار جمع کرد دلیل که مردم را از حق
باز دارد قوله تعالی یحسب ان ماله اخلده و اگر یک درم
سفید در کف خود دید او را فرزندی آید و اگر دید که آن درم از
وی ضایع شد فرزندش بمیرد و اگر بدرها درم و دینار یافت مال
و نعمت حلال جمع کند مغربی گوید اگر درم سفید بخواب بیند
درم سیاه یابد و بسیار بود که در بیداری همان یابد اسمعیل ا
گوید درم نیک درخواب صفاء دین بود و درم شکسته خصومت
بود و اگر بیند که پادشاه وی را درم داد دلیل که از وی غم و اندوه بیند
جعفر صادق گوید درم درست دیدن درخواب بر یازده وجه بود **اول**
سخنها درست **دوم** گزاردن حاجت **سوم** ولایت **چهارم** مال
مجموع **پنجم** دوست **ششم** فرزند **هفتم** دفین **هشتم** روزی
فراخ **نهم** ایمنی **دهم** کنیزک **یازدهم** درم یافتن خاصه که خداوند
خواب مستور بود و اگر مستور نباشد زخم و زندان و اندوه بود
اما درم شکسته درخواب دیدن بر چهار وجه بود **اول** سخن زشت

دنبال ابن سیرین گوید چون بیند که اسب و خر و گاو دم داشت
دلیل که مال و نعمتش حاصل شود و بندگانی و راحت کند اما در
راه دین سست باشد اگر بیند که دنبال او چون دنبال سگ یا گرگ
یا شغال بود دلیل که مال حرام یابد و مردم او را ملامت کنند و اگر
بیند که در دست دم گاو یا خر یا اسب داشت بقدر آن مال و نعمت
یابد و اگر کسی بدست خویش دنبال حیوانی بیند که گوشت وی حرام بود
مال حرام یابد جعفر صادق گوید دنبال بخواب دیدن بر چهار وجه بود
اول تبع **دوم** یاران **سوم** مال **چهارم** راحت و عیش **دنبل** ابن سیرین
گوید اگر بخواب بیند که دنبل داشت مالش زیادت شود بقدر دنبل
اگر بیند که دنبل وی شکافت و خون آمد دلیل که برخی از مال وی تلف
شود مغربی گوید اگر بیند که از دنبل وی خون و ریم می آمد و می چکید
بقدر آن مال حرام جمع کند اگر بیند که دارو بر دنبل نهاد و جامه از خون
بشست از حرام توبه کند **دنبه** ابن سیرین گوید دیدن دنبه درخواب
بدره مال بود که مردی نگه می دارد یا مال زن وی باشد بر قیاس زیادتی
و کمی اگر بیند که دنبه خام میخورد دلیل که مال شبهت خورد اگر دید که
دنبه پخته میخورد دلیل که دشمنش از مال وی بخورد کرمانی گوید اگر کسی
بیند که او را چون گوسفند دنبه بود دلیل که او را فرزندی آید که خداوند
اقبال و دولت بود و روزی فراخ شود جعفر صادق گوید دنبه
درخواب یک بدره زر بود **دندان** دانیال گوید دندان بخواب اهل خاندان
بود و دندانهاء بالا دلیل بر مردینه کند و دندانهاء زیر دلیل بر مادینه کند
و دندان پیشین دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران و مادر و پدر و
دندانها که بر جنب آن باشد دلیل بر عم و عم زادگان و دندانها ذکر

دلیل بر خالو و فرزندان خاله کنند و دندانها دلیل بر خویشان دور و
سفلی و اگر بن گوردندان دلیل بر قوت و جاه اهل بیت کند و سیاهی
و چرکینی دندان دلیل بر ضعف و فرومایگی اهل بیت و بعضی معبران
گویند دندانها پیشین آنچه از سوی راست است دلیل بر پدر و خویشان
کند و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر اگر بیند
که دندان پیشین وی می جنبد دلیل که از این جماعت که وصف کردیم
یکی بیمار گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که دندان پیشین وی بر کف دستش
افتاد یا بر کنار او یا بر زمین افتاد و بخاک آلوده نگشت دلیل که او را
فرزندی آید یا خواهری یا برادری و اگر بیند که دندان او در خاک افتاد
و ضایع شد دلیل که یکی از آن کسان بمیرد و اگر بیند که بعضی از دندان
او بشکست یا پوسیده شد دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد
و اگر بیند که یکی از دندان او بکندند دلیل که از جماعت او را سخنی زشت
گویند و از وی مفارقت جویند و اگر بیند که دندانها بیشتر وی
زیادت شد از این کسان در خیر و خرمی باشند و اگر بیند که در جیب
دندان پیشین وی دندانی برستی اگر از بالا بود پسری آید و اگر از
زیر بود دختری آید و اگر بیند که دندان پیشین خود بدست خود
بر کند تاوان مال از آنها بستانند و اگر بیند که جمله دندانهاش بیفتاد
و در خاک ناپدید شد دلیل که هلاک اهل خانهاش باشد و اگر بیند
که دندانها بر کف دستش یا در کنار وی افتاد دلیل که اهل خانهاش بسیار
گردند و اگر بیند که همه دندان وی از سوی زیر بود اگر بیننده از اهل
صلاح بود دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر از اهل فساد بود دلیل بر شر
و فساد کند و اگر بیند که همه دندان وی از سیم بود یا از آبگینه

یا سفال دلیل که زود هلاک شود و بعضی معبران گویند افتادن دندان
گزاردن وام بود و بعضی گویند دلیل بر جنگ و خصومت بود کرمانی
گوید دندان بالا که در مقابل چشم است دلیل بر نرینه کند و دندان
زیر دلیل بر مادینه اگر بیند که جمله دندانها در کنار افتاد و جمله
بر کف خود گرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی
جدا شوند و اگر بیند که از دندانها او بوی خوش می آید دلیل که خویشان
بر وی ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل که غیبت وی کنند و اگر
بیند که دندان او همه درد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند
که دندانها درد کنند و بر کند دلیل که مال را بنا اگر بیند که دندانها
وی زرد شد آنکس که دندان بدو منسوب باشد بیمار گردد اگر بیند که
دندانها وی سیاه شد او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که دندانها
وی افتاده بود و در دامن گرفت و بشکسته دلیل که وی را عمر دراز بود چنانک
همه تبار خود در گور کند معبری گوید اگر دندان که درد میکرد بدست خود
بر کند و بیم درد و دست گرفته دلیل که منفعت آنکس را بود که دندان برکرد
و لیکن او را مصیبت رسد و اگر بیند که بعضی از دندانهاش ناپدید گشت بعضی
از خویشان او بغربت روند و بسلامت باز آیند و اگر بیند که همه دندانها
وی در میان زبان جمع شد و دیگر هر دندانی باز جای خود نشست دلیل
که از خویشان مستغنی باشد جعفر صادق گوید دیدن دندان
در خواب بر شش وجه بود اول اهل بیت دوم مال سوم
منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مضرت دهان
دانیال گوید دیدن دهان در خواب کلید کارهاست و خاتمت

کار وی و باید کی و هرچه از دهان بیرون اید دلیل بر جوهر کلام بود اگر
نیك باشد و اگر بد و هرچه در دهان شود دلیل از جوهر روزی بود
و هرچه از داروها در دهان وی شود صلاح دین وی باشد و اگر چیزی
بکراهیت در دهان وی بود دلیل بر سختی و رنج کند بر معیشت و آنچه
در دهن شیرین بود و آسانی فرو شد دلیل بر راحت و خوشی و معیشت
بود ابن سیرین گوید اگر بیند که دهان وی سخت بسته بود دلیل که هلاك
شود و اگر بیند که دهانش از آرد یا از گندم یا از جو آگنده بود اجلش
نزدیك بود و اگر بیند که دهانش فراخ شد چنانك طعام بسیار در وی
گنجید بقدر آن او را روزی و نعمت رسد اگر بخواب دهان خود نیکو
بیند دلیل که سخنها نیکو شنود و اگر بخلاف این بیند سخنها زشت
شنود و اگر بیند که گوشت از دهان وی بیفتاد دلیل که وی را زیان
رسد و اگر بیند که از دهانش خون بیرون آمد با کسی گفت و گوی
کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که از دهانش کرم یا جانوری بیرون
آمد از عیالان یکی از وی جدا شود و اگر بیند که پلیدی از دهان
وی بیرون آمد دلیل که هر چیز که بجای مردم کرده بود سبب
نهادن باطل شود اگر بیند که از دهن وی بوی خوش می اید ثنای
خلق او را این بود و اگر بیند که از دهان وی مروارید بر زمین افتاد
و مردم بر می گرفتند از علم وی مردم بهره یابند و اگر بیند که از
دهان خود پلیدی می انداخت و مردم از ان میگریختند دلیل که
شاعر بود و مردم هجا کند و اگر بیند که کسی بر دهان وی مهر
نهاد و ندانست که کیست میان خلق رسوا شود قوله تعالی

الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد حافظ معبر گوید اگر
بیند که چیزی خوب از دهن وی بیرون آمد سخنی گوید نیکو معنی دار
و اگر بخلاف این بیند سخنی بود زشت و اگر بیند که چیزی نیك در دهان
نهاد چیزی حلال خورد و اگر چیزی بد در دهان نهاد چیزی حرام خورد
جعفر صادق گوید دیدن دهان در خواب بر هفت وجه بود اول
منزل دوم خزانه علم سوم گشایش کارها چهارم بازار اندر مال پنجم
حاجت وزیر ششم درمان دهل زدن ابن سیرین گوید دهل زدن در
خواب کلام باطل بی خبر بگوید و دروغ و کار بیهوده روشن از جمله
دلیل بر زنانه دهل کند اگر بیند که دهل با نای زنند و پای کوبند دلیل
بر غم و اندوه کند اگر دید که دهل معزّ می زند کلام باطل گوید جعفر صادق
گوید دهل زدن در خواب چیزها مختلف باشد که در ان هیچ فایده نبود
دهلیز کرمانی گوید دهلیز خانه خادم بود اگر بیند که دهلیز خانه آبادان
و نیکوست دلیل بر تندرستی و نظام خادم خانه بود اگر بیند که خراب است
بیماری و رنج خادم خانه بود مغربی گوید اگر بیند که دهلیز خانه را دیوار
از گل و خشت بود دلیل که خادم خانه دین دار و مصلح بود و اگر بیند که
دیوارش از گچ و آجر بود دلیل که خادم خانه مفسد و بی دین بود دوال
ابن سیرین گوید دوال در خواب خیر و منفعت بود بقدر و قیمت از جانور
که دوال از پوست او باشد اگر بیند که دوال پاره پاره کرد یا از وضایع
شد بقدر ان مضرت بیند مغربی گوید اگر بیند که بسیار دوالها داشت
و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت آن حلال است مال حلال
یابد و اگر حرام بود مال حرام یابد دوختن جامه ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه

خود می دوخت کارش مراد شود و حالش بصلاح اید و اگر جامه عیال خود
می دوخت همین نام بد بود و اگر بیند که جامه زنی بیگانه می دوخت غمی و زیانی
بوی رسد و اگر بیند که جامه مردی می دوخت خیر و نیکی بوی رسد
و اگر بیند که سوزن در دست داشت و تمام بدوخت اگر هر
شغلی که پیش اید تمام کند و اگر بیند که جامه دوخته بسیار در دست داشت
عیش بروی فراخ گردد و مال تمام از میراث بیابد معبری گوید اگر بیند
که ان پیرهن خود جامه بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار
بود اگر بیند که شلوار دوخت و نیفه ان نکرد دلیل که رنج خواهد
و عاقبت ازوی جدا شود اگر بیند که قبا دوخت بخدمت مشغول
شود اگر بخیه دوخت خیر و منفعت بیند و اگر پیراهن را پاره زد
بکدخدائی خود مشغول شود و اگر بیند که جامه عیال می دوخت
بگفت و گوی عیال درمانده شود و اگر بیند که ان پیرهن جامه رشته
می تافت دلیل که از جائی بجائی تحویل کند و اگر بیند که از بهر
عیال خود جامه ابریشمین می دوخت دلیل که غمگین شود تهمت
گناهی جعفر صادق گوید درزی در خواب کسی بود که کارها
پراکنده بدست وی باصلاح اید **دود** ابن سیرین گوید دود بخواب
پادشاه ستمگر بود اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب دودی
عظیم بود مردم ان دیار از پادشاه جور و ستم بینند اگر دود در
عالم برخاسته بود و اتش زبانه می زد دلیل که فتنه در عالم افتد
معبری گوید اگر در شهری یا در ولایتی بی انکه اتش بود دود بود
اهل ان موضع را از خدای تعالی بیم باشد اگر بیند که از خانه او دها

وی دودی بماند دلیل که پادشاهی ظالم ویرا مصادره کند و مال
وی بستانند **دوزخ** ابن سیرین گوید اگر بیند که در دوزخ بود و بیرون
نیامد دلیل که عاصی و بدکردار است توبه باید کرد و اگر دوزخ دید و از ان
گزندی بوی نرسید دلیل که در رنج و غم دنیا گرفتار شود و باخر
سلامت بیابد و اگر بیند که در دوزخ مقیم بود و نداند که کی در انجا
رفت دلیل که پیوسته در دنیا تنگ روزی بود و اگر بیند که از طعام
و شراب اهل دوزخ میخورد و از اتش می سوخت دلیل که در دنیا
کردار بد کند و در اخرت بلای وی باشد و اگر بیند که زبانیه موی
وی بگرفت و در دوزخ انداخت بیننده را علامت بدبختی باشد کرمانی
گوید اگر خون را بیند در دوزخ دلیل که بر گناه کردن دلیر بود اگر بیند
که از زقوم و حمیم میخورد دلیل که بعلمی باطل مجهول مشغول شود اگر
بیند که شمشیر برکشید و بدوزخ رفت سخن فحش منکر گوید و اگر بیند
که از اتش دوزخ میخورد دلیل که ربا و مال یتیم خورد و اگر بیند که اتش
نزدیک دوزخ می افروخت دلیل که کاری صعب سزاوار اید معبری گوید
اگر بیند که کشانش بدوزخ می بردند دلیل که عاقبتش بکفر کشد قوله تعالی
یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا و اگر بیند که بدوزخ رفت و بیرون
امد بیرون امدن از گناه بود و اگر بیند که ویرا در دوزخ بردند و فریاد
می توانست کرد دلیل بر راه کفر بود قوله تعالی
اگر بیند که بانگ اتش از دوزخ می شنید دلیل که هیبت و سیاست
پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که روزی
بروی تنگ شود جعفر صادق گوید دیدن دوزخ در خواب بر شش وجه بود

اول خشم خدای عزوجل دوم مبتلا بگناه سوم جور سلطان ستمگر
چهارم رنج و مصیبت پنجم خذلان ششم مال یتیم و ربا خوردن
دوشاب ابن سیرین گوید دوشاب در خواب مال و منفعت بود لیکن نه بسیار
اگر بیند که دوشاب میخورد بقدر آن مال حاصل شود و اگر بیند که از شیره
دوشاب می پخت کاری کند که از آن خیر و منفعت یابد اگر بیند که
اندکی دوشاب در دهان نهاد از کسی سخن خوش شنود معبری گوید اگر
بیند که کسی دوشاب سفید با کبره می خورد دلیل که او را فرزندی حاصل
شود دوش ابن سیرین گوید دوش در خواب آهستگی مرد و زینت وی
بود اگر بیند که دوش راست وی ضعیف و شکسته بود تاویلش بخلاف
این بود کرمانی گوید که دوش وی قوی و درست بود امانتی که بر گردن
وی باشد گزارده شود و اگر بیند که دوش وی ضعیف و سست بود
امانت در گردن وی بماند و اگر بیند که بر دوش وی موی بسیار بود
حق مردم بر گردن او بسیار بود اگر دوش را بی موی بیند امانت مردم
بگزارد و بعضی معبران گویند اگر بیند که موی بر دوش دارد مال یابد
از جایی که امید ندارد دوشیزگی ابن سیرین گوید اگر زنی بیند که مردی
نکاح دوشیزگی از وی بستد مال حرام یابد اگر زنی دوشیزه نباشد و
بیند که دوشیزه است دلیل بر ستر و عفت وی بود کرمانی گوید اگر بیند [مردی که]
دوشیزگی بستد در آن سال زن خواهد یا کنیزک خرد دوغ ابن سیرین
گوید خریدن دوغ در خواب غم و اندوه بود و خوردنش بیماری معبران
گویند خوردن دوغ بخواب مال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده باشد
اگر بیند که دوغ بکسی داد آنکس نیز غمناک شود دکان ابن سیرین گوید

اگر کسی بیند که دکان بنا کرد دلیل که زنی خواهد اگر بیند که دکان خراب
کرد دلیل که زن را طلاق دهد اگر بیند که دکانش بیفتاد زنش بمیرد اگر
بیند که بی رضای خداوند دکان بر دکانی نشست دلیل که عیال مردم
تصرف کند جعفر صادق گوید دیدن دکان در خواب بر شش وجه بود
اول زن دوم عیش سوم عز و جاه چهارم نیکویی پنجم بلندی
ششم مرتبت چون دکان نو بود دوک ابن سیرین گوید دوک در خواب
دلیل بر دختر کند اگر مردی بیند که دوکی فرا گرفت و در وی دو مهره دو
بود دلیل که دختر یا خواهر بشوهر بود اگر بیند که دوک وی بشکست
دخترش یا خواهرش بمیرد کرمانی گوید دوک مردی مسافر بود اگر زنی
بیند که دوکی فرا گرفت یا کسی بوی داد مردی مسافر را بشوی کند اگر
زنی بیند که مهره از دوک وی بیفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود
معبری گوید اگر بیند که دوک می رشت اندهگن شود و اگر زن بیند خرم گردد
و نیز گویند دوک در خواب دلاله بود دولاب ابن سیرین گوید دولاب در
خواب خانه خداوندار بود بر همت و اباذان و اگر بیند که دولابی می
ساخت اگر از اهل آن بود خداوند در خانه بسامان شود و اگر بیند که باد شاه
یا مردی بزرگ دولابی بوی داد دلیل که آن بزرگ خانه خود بوی سپارد اگر
بیند که از آب دولاب میخورد یا جمع میکرد دلیل که از خانه داری او را
خیر و منفعت رسد دلو کرمانی گوید دلو در خواب مردی بود که مالها
ناساخته بیرون آورد اگر بیند که دلو پر آب بود یا بدلو آب می کشیدند
بقدر آن مال بیخ بدست آورد اگر بیند که دلوی پر آب صافی داشت یا کسی
بوی داد او را مالی از ایشان بدست آید اگر بیند که بدلو آب از جوی بر میگرفت

دلیل که بقدر آن مال بمکر و حیلت بدست آورد اگر بیند که آب از دلو
بر زمین می ریخت دلیل که از مال بچیزی هزینه کند جعفر صادق گوید
اگر بیند که دلوی بزرگ بود داشت دلیل که او را با مردی که مال ناشناخته
بیرون آورد دوستی افتد و از و منفعت بیند **دوات** ابن سیرین گوید اگر
بیند که دوات داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی از خویشان خود
خصومت کند اگر بیند که بدوات همی نوشت دلیل که بدی از و کفایت
شود اگر بیند که دوات وی بشکست یا ضایع شد یا بدزدیدند دلیل
که زنی بیوه با کراهیت بخواهد اگر بیند که بقلم سیاهی در دوات میکرد
دلیل که او را از زنان زینه باشد مغربی گوید اگر بیند که دوات وی
زرین بود متفکر شود و اگر بیند که سیمین باشد زن خواهد یا کنیزک
خرد اگر برنجین بود نفع یابد و اگر آهنین بود در کارها قوت یابد و اگر دوات
سیمین بود چیزی اندک بوی رسد **دویدن** ابن سیرین گوید دویدن بپای
و دوانیدن ستور در خواب حریصی بود در دنیا بقدر آنک دویده باشد
و بوسیدن در خواب سفر بود و هر چند بلندتر سفر دورتر اگر بیند که بر
اسب بالانی بود و اسب می دوانید دلیل که با عیال خود بسفر رود و مال
یابد مغربی گوید اگر بیند که در دویدن بر کسی سبق گرفت دلیل که بحرص
مال از وی سبق برد اگر بیند که در دوانیدن مانده شد و آرام گرفت دلیل که
حرص دنیا و آز دنیا ترک کند و قانع شود بداده خدای تعالی **دنیا**
ابن سیرین گوید بدن دنیا و برهنان در خواب خیر و صلاح این جهانی بود
خاصه زنان را اگر مردی بیند که قبا برهنان پوشیده بود دلیل که بندگی دنیا
یابد اگر بیند که با قبا سلاح پوشیده بود و غزا کرد دلیل که عز و جاه

یابد در دین و دنیا اگر زنی بیند که جبه یا جامه اطلس سبز پوشیده بود آن
زن دین دار و با امانت بود اگر بیند که اطلس سفید پوشیده بود دلیل
بر ستر و پارسایی کند اگر اطلس زرد پوشیده بود بیمار شود اگر اطلس کبود
بود معصیت بود اگر سیاه بود اندهگن گردد و دیبا بافتن در خواب مردی
مسافر بود با صلاح دنیا و فساد دین **دیگ** ابن سیرین گوید دیگ در خواب
زن بود و بعضی معبران گویند کدخدای خانه بود اگر بیند که دیگی فرا گرفت
یا کسی بوی داد و دیگ بر آتش نهاد و خوردنی می پخت دلیل که بسبب
کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد بقدر دیگ خاصه دیگ سنگین
بود یا سنگی اگر بیند که سفالین بود کاری بسازد که بدان کار از بهر
خانه منفعت بدو رسد و اگر دیگ بر آتش نهاد و در وی هیچ طعام نباشد
دلیل مردی را بکاری دارد که در آن کار کراهیت باشد کرمانی گوید دیگ
بخواب دیدن کدخدای خانه بود یا کدبانوی اگر بیند که در دیگ گوشت
بود و خوردنی بود دلیل که روزی بی رنج بر داخته بدو رسد اگر بیند که
دیگ بشکست دلیل که کدخدا و کدبانوی خانه هر دو بمیرند جعفر صادق
گوید دیدن دیگ در خواب بر پنج وجه بود **اول** کدخدای **دوم** کدبانو
سوم رئیس **چهارم** خادم **پنجم** موکل بر خوانچ **دیگدان** ابن سیرین گوید
دیگدان در خواب بر دو وجه بود **اول** کدخدا **دوم** کدبانو اگر مردی بیند
که دیگدانی نو فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که کدبانوی بخانه آورد
اگر بیند که دیگدان بشکست دلیل که کدخدای خانه بمیرد مغربی گوید
دیگدان و سه پایه کدخدای سرای بود یا مردی قوی حال که از کس
بستد بستند **دینار** دانیال گوید اگر بیند که در دست دینارها داشت

که عدد بیش از چهار بود دلیل که او را از کاری کراهیت رسد یا سخنی شنود
که وی را دشوار آید اگر عدد دینار از آنچه گفتیم کمتر باشد ابن سیرین
گوید اگر بیند که عدد دینار پنج بود دلیل که کاری نیکو پسندیده کند اگر
با وی یك دینار بود یا هفتاد دینار دلیل که علمی اختیار کند و یا مالی حاصل
کند لیکن عدد وی باید که جفت باشد اگر بیند که دینار بکسی داد یا ضایع
شد از جهت فرزند او را مصیبت رسد اگر بیند که دینارها بسیار
داشت رنجی بوی رسد معبران گویند که دینارها در خواب امانتها بود
گزاردن ومنهم من ان ناشه نفسطار لا بود اگر در کف خود پنج دینار بیند
پنج فریضه بگزارد اگر بیند که دینارها بسیار یافت و بجائی محکم نهاد
دلیل که امانت مسلمانان نگه دارد اگر بیند که دینارها قسمت میکرد دلیل
که امر معروف کند و امانت گزارد مغربی گوید اگر بیند که یك دینار یافت دلیل
که بروی قباله نویسند بر امانت که بدو سپارند و بسیار بود که در خواب
دینار یابد و در بیداری هم دینار یابد اسمعیل اشعث گوید دینار در خواب
دیدن دین بود و راه راست مادام که صورة نکرده باشد اگر بیند که یك دینار
داشت و یك روی صوره کرده بود و روی دیگر نام خدای تعالی دلیل که اگر
مسلمان بود مرتد گردد و اگر کافر بود مسلمان شود دینار بخواب پنج نماز
باشد و اگر عدد جفت بود دین پاك و علم با منفعت بود و اگر عدد فرد
بود بخلاف این باشد که یاد کرده شد حافظ مصر گوید دینار در خواب زن و
فرزند و کنیزك بود و دینار بسیار مال بود که برنج و خصومت بدست آورد
دیه ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که در دیهی بود و نام دیه نداند دلیل
بر خیر و نیکوی کند و اگر نام آن دیه داند دلیل بر احوال بد بود اگر بیند که از

از ده به بیرون آمد نیك باشد اگر بیند که در ده بر رفت بد باشد کرمانی گوید
اگر بخواب بیند که از دهی خراب بدهی آبادان شد که در وی نعمت بود دلیل
بر خیر و برکت و عز و اقبال کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و ادبار
کند اگر بیند که در دهی کم شده بود حیز بود مغربی گوید اگر بیند که کسی
دهی مجهول بوی داد یا بخرید بقدر آبادانی دیه او را خیر و منفعت رسد
اگر بخلاف این باشد مضرت باشد دیوار ابن سیرین گوید دیوار حال بیننده
خواب باشد در دنیا اگر بیند که در دیواری نشسته بود و آن دیوار محکم
و با قوت بود دلیل که در دنیا محکم و نیکو باشد اگر بیند که دیوار خراب میکرد
و دیوار آهن بود دلیل که مال یابد و اگر دیوار کهن بود غم و مصیبت بود
بقدر خرابی دیوار اگر بیند که دیوار سست و شك بود حالش در دنیا
ضعیف شود اگر بیند که در بر دیوار بر پای بود حالش مستقیم باشد
اگر بیند که از دیوار بیفتاد معاش وی متغیر گردد اگر بیند که از دیوار
آویخته بود دلیل بر بلا کند کی و زوال العیش بود اگر بیند که دیوار
بینداخت دلیل که از معیشت بیفتد کرمانی گوید اگر بیند که دیوار
کج راست کرد یا دیوار خراب عمارت کرد دلیل که مال تباه شده مردی
بسبب مردی بصلاح آید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع
بیفتاد دلیل که والی شهر هلاك شود مغربی گوید دیوار بخواب دلیل
مردی بزرگ باشد جعفر صادق گوید اگر بیند که مسجد بدست خود
بنا کرد اگر از گل و خشت بود دلیل بر پاکی دین و مستوری کند و اگر از گچ و
آجر بود دلیل بر تباهی دین بود و اگر از سنك و آهك بود دلیل که بدنیا
مغرور و فریفته گردد و طالب آخرت نباشد دیو ابن سیرین گوید دیو

دو خواب دیدن دشمنی بزرگ باشد مکار و نهیب اگر بیند که دیو را وسوسه
کرد او را توبه باید کرد از کارها ناصواب تا دشمن بر وی ظفر نیابد
قوله تعالی ان الذین اتقوا اذا مسهم طایف من الشیطان تذکروا
اگر بیند که با دیو جنگ کرد و او را غلبه کرد دلیل که دین وی درست
باشد اگر بخلاف این باشد دینش ضعیف باشد کرمانی گوید اگر دیو را
خرم بیند دلیل که بهوا و شهوت مشغول گردد اگر بیند که دیو جامه
از تن وی برکشید اگر عامل بود از عمل بیفتد و اگر دهقان بود او را محنت
رسد مغربی گوید اگر دیوان از پی وی فراز شدند دلیل که دشمن بر وی
ظفر بود اگر بیند که دیوان وی را اسیر بودند دلیل که بر سرایی مشهور
گردد اگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود
اگر بیند که با دیو گفت که با اهل صلاح بکوشد ایزد تعالی مراد ایشان
ندهد قوله تعالی انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس
بضارهم الا اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با دیو طعام و شراب خورد
دلیل که براه فسق و فساد گراید و مطاوعت دیو کند و اگر بخلاف این
بیند براه خیر و صلاح باشد و تابع راه دین گردد اگر بیند که دیو را بگرفت
یا در شکم وی شد دلیل که از راه فساد دور شود و توبه کند و بطاعت
مشغول گردد جعفر صادق گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه
بود اول دیدار دشمن دوم فساد دین سوم شهوت و هوا چهارم
از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دوری جستن ششم
خوردن چیزها حرام دیوانگی ابن سیرین گوید دیوانگی در خواب
مال حرام بود صاحب خواب را بقدر دیوانگی کرمانی گوید اگر بیند که

شده بود دلیل که بحرام گراید و ربا خورد الذین یاکلون الربوا لا یقومون
الا کما یقوم الذی [illegible] مغربی گوید اگر بیند که با دیو هم صحبت بود دلیل
که با مردی رباخوار مصاحب شود و او را ملامت و بدنامی و فساد دین
حاصل شود حرف الذال ذکر دانیال گوید قضیب در خواب
فرزندی بزرگ نام آور باشد اگر بیند که او را دو قضیب بود دلیل که او را
دو فرزند بود و هم بزرگی میان مردم اگر بیند که قضیب وی بریده شد دلیل
که فرزندش بمیرد اگر بیند که قضیب خویش ببرید دلیل که او را فرزند نیاید
اگر بیند که قضیب وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار گردد ابن سیرین گوید
بزرگی قضیب در خواب دلیل بر بسیاری فرزند و بزرگی و نام آوری بود
و کوچکی وی دلیل بر خردی فرزندی و حقارت وی اگر بیند که از قضیب وی
قضیبها دیگر همانند شاخها پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند
زادگان بود اگر بیند که از قضیب وی ماهی بیرون آمد دلیل که دختری
اینا از زنی دیگر که آن زن از کنار دریا مسکن بود اگر بیند که از قضیب وی
گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد از آن زن پدید آید اگر بیند که از
قضیب وی مرغی پدید آمد تاویلش از نجوهران مرغ بود اگر بیند که از
قضیب وی مورچی بیرون آمد او را دختری بود نابکار که در وی هیچ خیر نباشد
اگر بیند که از قضیب وی ماری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید
که دشمن وی باشد اگر کژدم باشد همین تاویل دارد اگر بیند که کرم و
مور بیرون آمد فرزندش ضعیف و دون همت و فرومایه بود اگر بیند که
از قضیب وی نان بیرون آمد دلیل که عیال او گرسنه و شکسته دست شود
اگر بیند که گنج بیرون آمد دلیل که عیالش را کسی به پنهان دوست دارد

اگر بیند که خون بیرون آمد با زنی حایض جماع کند اگر بیند که بیم بیرون
آمد او را فرزندی معلول باشد اگر بیند که آب صافی بیرون آمد او بلیش
بخلاف این بود اگر بیند که منی بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و
خواسته باشد اگر بیند که آتش بیرون آمد و نیمه بجانب مشرق شد
و نیمه بجای مغرب دلیل که او را فرزندی آید که پادشاهی مشرق و مغرب
کند اگر بیند که از قضیب وی کرمی بیرون آمد دلیل که میلش بلواطه
بود کرمانی گوید اگر بیند که قضیب او برخاست و سخت شد بخت
و اقبال وی قوی باشد اگر بیند که قضیب وی سخت دراز بود
او را فرزندی بسیار باشد اگر بیند که پیرامن قضیب وی بر هار بسته بود
نامش در آن دیار مشهور گردد و حرمت و جاهش بیفزاید اگر بیند که بدست خود
قضیب خویش از جای بیرون کشید و باز جای نهاد دلیل که فرزندی
بمیرد و فرزندی دیگر بیاید اگر بیند که قضیب خود در دهان کسی نهاد
و می مکید از وی بدان کس نفع رسد اگر بیند که بر قضیبش موی رسته
بود دلیل که بجهت فرزند شادمانه شود معبری گوید اگر بیند که قضیب
از وی جدا شد فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود حرکت قضیب در خواب
دلیل بر فراخی نعمت و قوت کند اگر بیند که قضیب وی بشکافت و خون
از وی روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود اگر بیند که قضیبش
آماس داشت دلیل که مالش زیادت شود اگر بیند که گرهی بر قضیب وی
زدند دلیل بر تباهی عیش بود اگر بیند که قضیبش در میان وی بسته
بود دلیل که گواهی دروغ دهد و اگر زنی بیند که او را قضیب بود اگر
آبستن بود بمیرد و اگر آبستن نبود فرزندی که دارد بمیرد اگر بیند که

قضیب وی باریک بود بمیرد تا او نیز دارد اگر بیند که قضیب وی زخمی بریده
بود دلیل که فرزندش بمیرد یا بعضی از مال وی و جاهش کم شود اگر بیند که از سر قضیب
خود مرواریدی یا جوهری بیرون آمد او را فرزندی عالم پارسا آید جعفر
صادق گوید دیدن قضیب در خواب بر هفت وجه بود اول فرزند
دوم اهل سوم مال چهارم عزت پنجم بزرگی ششم طلب حاجت هفتم
جاه حرف الراء از بابه ابن سیرین گوید رازیانه در وقت
وی در وقت غم و اندوه بود و خوردنش مضرت باشد اگر بیند که در زمینی که ملک
او بود رازیانه بسیار داشت دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود راسو ابن
سیرین گوید راسو در خواب دزد بود اگر بیند که راسو در خانه یا دکان
رفت دلیل که دزد در آنجا رود و چیزی بدزدد اگر بیند که راسو گرفت یا کشت
دلیل که دزد بگیرد و بر وی ظفر یابد اگر بیند که گوشت راسو می خورد یا
چیزی از اندامهای او در دست داشت دلیل که مال که دزد برده از دزد باز ستاند
کرمانی گوید اگر بیند که راسو وی را بگزید دلیل که بیمار شود و عاقبت
شفا یابد اگر بیند که با راسو جنگ میکرد و بر وی غالب آمد دلیل که بر
دزد چیره گردد و او را قهر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن راسو در خواب بر سه وجه بود اول دزد دوم غم و اندوه
بیماری ران ابن سیرین گوید ران در خواب دیدن قوت وی و
خویشان وی بود اگر بیند که ران وی بشکست یا بیفتاد دلیل که از
خویشان جدا شود و بر تن ضعیف گردد و بر غربت هلاک شود اگر
بیند که ران کسی ببرید و بیفکند او را همین دلیل کند کرمانی گوید ران
راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری

ماذری کنند اگر بیند که ران وی باریک شد دلیل که کار خویشان وی
ضعیف شود اگر بیند که ران وی برهنه گشت دلیل که از خویشان
مفارقت جوید اگر بیند که ران وی بشکست دلیل که از مهتری خواری
بدو رسد اگر بیند که گوشت رانهاء وی افتاده بود مال خویشان وی
ضایع شود مغربی گوید اگر بیند که رانهاء وی بریسمان بر یکدیگر بسته بود
دلیل که از خویشان جدا شود و پیوستگی کند به نکاح اگر بیند که گوشت
ران خود میخورد دلیل که بر قدر آن مال خویشان خورد حکایت گویند که مردی
پیش ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که ران من سرخ شده بود و پر موی
موی رسته و کسی گفت که موی آن بتراش ابن سیرین گفت تو وام
داری و مردی از خویشان وام تو بگزارد بس هم در آن ماه یکی از
خویشان او دویست دینار وام او بگزارد جعفر صادق گوید دیدن ران
در خواب بر چهار وجه بود اول اهلیت دوم دوستان که بر ایشان
اعتماد بود سوم خشم چهارم مال راه ابن سیرین گوید راه بخواب
دیدن دین بود و استقامت او و جستن راستی در دین و دنیا اگر بیند که
بر شاه راه رفت دلیل که براه دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست
رهبری میکرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین راه نمایی کند
اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر میگشت دلیل که در راه دین یا کار دنیا
سرگشته شود اگر بیند که دزدان کالای او از راه بردند دلیل که بقدر
آنچه از وی برده اند غرامت کسی دیگر بگزارد کرمانی گوید اگر بیند که در راه
میرفت و مانده نمی شد دلیل که حق خود را از کسی بستاند اگر بیند که
هنگام رفتن مانده شد حق خود بدشواری از کسی بستاند اگر بیند که کسی

اورا از راه راست براه کج برد دلیل که اورا بمعصیتی مشغول گرداند و از راه
صواب باز دارد و بر او خطا افکند اگر بیند که بشب تاریک می رفت و راه بر وی
مشکل شد و گمان چنان بود که راه راست است دلیل که استقامت و راه راست
یابد و اگر راههای راست بیند و نداند که از کدام راه باید رفت دلیل که در دین
خویش متحیر بود و صحبت با مردمان بد بر دارد و اگر بیند که راه بر وی مشکل گشت
و ندانست که بکجا میرود بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم جانب دست راست گرفت
و می رفت چون شب در آمد راه گم کرد دلیل که راه حق بر وی پوشیده گردد
اگر بیند که بقصد از راه یکسو میرفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند
که براه راست میرفت و از راه دشمن کسی بر گشت دلیل که کارها کند که
دین را زیان دارد و بمجاها مشغول شود سبب معصیت خویش اگر بیند که
براهی میرفت و زخم در پیش آمد و سبب آن زخم از ره یکسو شد دلیل که بدنیا
فریفته شود و خلل در دین وی در آید و راه خیر بگذارد جابر مغربی گوید اگر
در راه وی سبزه و بناها نیکو بود دلیل بر پاکی و نیکویی دین کند اگر بیند که
در راهی پوشیده بگمان میرفت دلیل که در دین بدعت ورزد یا در کار
خود سرگشته شود قوله تعالی وان هذا صراطی مستقیما اگر بیند که کسی
از راه ببرد دلیل کند بر فساد تن وی وقد خاب من دسیها اسمعیل اشعث
گوید راه راست در خواب مسلمانی بود و استقامت و راه کج بخلاف این
باشد جعفر صادق گوید راه در خواب بر پنج وجه بود اول دنیا دوم
دانش سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و فرج ششم

راه زدن

ابن سیرین گوید راه زدن در خواب مردی بود که با مردم جنگ کند اگر
بیند که راه زن مال وی بستد دلیل که با مردی پیوند کند او را عز و کرا

دارد و از وفایده یابد بقدر انچه راه زن برده باشد اکر بیند که راه زنان بروی جمع
شدند لیکن از وی چیزی نتوانستند ستدن دلیل که بیمار شود و عاقبت شفا یابد
کرمانی کوید اکر بیند که راه زن چیزی از وی بدزدید دلیل که از راه زن بروی
دروغ کویند اکر بیند که راه زنان کالاهش بردند دلیل که معصیتی بدو رسد
کرمانی کوید اکر بیند که راه زنی کرد و کالای کسی برد دلیل که انکس با وی
خشم شود اکر خود را راه زن بیند لیکن کالای کسی نبرد دلیل که بیمار کردد و عاقبت
شفا یابد جعفر صادق کوید راه زنی در خواب بر سه وجه بود اول جنک
و خصومت دوم دروغ کفتن سوم تباهی عیش و بیماری ریبها
ابن سیرین کوید ریبها یعنی انچه خوش طعم و شیرین و خوش بوی بود دلیل
بر خیر و منفعت کند و انچه خلاف این باشد دلیل بر رنج و اندوه و مضرت بود
و بخنی ریب چون شیرین بود دلیل بر منفعت و چون ترش بود بخلاف این بود
رباب ابن سیرین کوید رباب در خواب دلیل بر لهو و باطل دنیا و سخن دروغ کند
اکر بیند که رباب می زد دلیل بر سخن دروغ کند و کسی را مدح و ستایش بدروغ
کند اکر بیند که با رباب جنک و چغانه و نای بود این جمله دلیل بر غم
و معصیت کند که با اهل آن موضع رسد اکر بیند که رباب بشکست یا بیفکند
دلیل که از دروغ کفتن توبه کند اکر بیمار بیند که رباب می زد بمیرد یا بیماری
بروی سخت شود رخسار ابن سیرین کوید رخسار در خواب دیدن
روشنائی و شرف مرد بود اکر بیند که رخساره او سرخ و پاکیزه بود در
میان مردم روی شناس کردد اکر بیند که رخساره او زرد یا سیاه کشته
بود تاویلش بخلاف این بود و هم ابن سیرین کوید رخساره در خواب ارایش
مردم کدخدای بود جعفر صادق کوید اکر رخساره وی بر موی بود وام

دار شود اکر بیند که موی رخساره خود بستزد دلیل که وامش کزارده شود
جعفر صادق کوید رخساره مردم در خواب دیدن دلیل بر نیکوی حال
و شادی مردم کند و زشتی رخسار دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند
ابن سیرین کوید دیدن رز در خواب دلیل بر زنی کرسنه نیکوکار کند
اکر بیند که رزی داشت که درختهای وی پاکیزه و سبز بود در هنکام
وی دلیل که زنی نیکوکار بزنی کند و از وی خیر و منفعت بیند اکر بیند که
اکر بیند که هیچ برک در درختها نبود تاویلش بخلاف این بود اکر بیند که
برکهای رز زرد کشته بود دلیل که بیمار شود و اکر ملک او شود تاویلش
بخداوندش باز کردد جعفر صادق کوید دیدن رز در خواب بر سه
وجه بود اول زن کریمه نیکوکار دوم منفعت سبب زنان سوم
رنج و اندوه و اکر رز را خراب بیند دلیل بر بدی احوال خداوندش بود
رستخیز قیامت باشد ابن سیرین کوید اکر بیند که قیامت برخاست
حق تعالی دران دیار عدل بکسترانید و اکر اهل ان دیار ظالم باشند
بلائی و افتی بدیشان رسد و اکر مظلوم باشند حق تعالی ایشان را بر ظالمان
نصرت دهد اکر بیند که اهل ان دیار در پیش حق تعالی ایستاده اند دلیل
که خشم و عذاب خدای بدایشان رسد کرمانی کوید اکر بیند که قیامت
برخاست دلیل که ظالم زیردست مظلوم شود و مظلوم بر ظالم ظفر
یابد و اکر در غم و محنت باشد خلاص یابد اکر بیند که علامتی از قیامت
پیدا شد چنانک افتاب از مغرب بر امد یا دجال یا یاجوج و ماجوج پیدا شد
باید که توبه کند و بخدای تعالی باز کردد اکر بیند که بشمار کاه شد دلیل که
نشان غفلت باشد اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة اکر بیند که با

باوی شمار کردند دلیل که او را زیانی رسد فحاسبناها حسابا شدیدا
وعذبناها اگر بیند که کردار وی کشیدند و نیکی بیش آمد دلیل که سرانجام
او نیک شود فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون و اگر بدی وی
گرانتر آمد جای وی دوزخ بود فاولئک الذین خسروا انفسهم فی جهنم
خالدون و اگر نامه او بدست راستش دادند دلیل بود بر راه راست وانزلنا
معهم الکتاب والمیزان اگر بیند که نامه کردار بدو دادند که برخواند اگر اهل
صلاح بود دلیل که کارش نیکو بود و اگر اهل فساد بود کارش در خطر باشد
اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک اگر خود را بر صراط دید دلیل که بر راه
راست باشد و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت دلیل که بر راه خطا
بود و بی اتوبه باید کردن تا خدای تعالی از و خشنود گردد رسن ابن سیرین
گوید رسن در خواب عهد و پیمان بود اگر بیند که دست در رسن زده
بود و از هوا معلق آویخته بود بقدر بلندی رسن منزلت یابد اگر
بیند که رسن ببریدند و اندکی از رسن در دست وی بماند از قدر و منزلت
بیفتد کرمانی گوید اگر بیند که رسن از آسمان آویخته بود و او دست در آن
زده دلیل ایمانی بود میان او و میان حق تعالی مثلا اگر بیمار بود و گوید که
حق تعالی مرا شفا دهد چنین کنم اگر بیند که بر رسن به پای ایستاده
بود دلیل بر تأکید آن پیمان بود که با حق تعالی کرده باشد اگر بیند که دست
در رسن زده بود دلیل که دست در حبل دین خدای تعالی زده باشد
واعتصموا بحبل الله بعضی از معبران گویند رسن پیمان بود که کرده باشد
با حق تعالی و هم با خلق اگر بیند که رسن در گردن وی کرده بودند دلیل
که امانتی در گردن وی باشد خدای را یا خلق را و در گزاردن آن تاخیر میکند

اگر بیند که چون مشعبد بر رسن بازی میکرد دلیل که در اعتقادش خلل
بود اگر بیند که از بام یا جایی بلند خود را بر رسن فرو هشت دلیل ترک خدمت
و مقصود که دارد بگوید [illegible] جعفر صادق گوید رسن در خواب بر چهار
وجه بود اول عهد و پیمان دوم دین سوم امانت چهارم حاجت
رضوان بدانک رضوان دربان بهشت بود ابن سیرین گوید اگر کسی رضوان
بخواب بیند از عذاب ایمن شود اگر بیند که رضوان بر در بهشت ایستاده بود
دلیل که از دنیا برود و بعضی از معبران گویند رضوان در خواب دلیل بر خزانه
دار سلطان کند که بوی صحبت افتد زیرا که رضوان خازن بهشت است
اگر بیند که رضوان ویرا در بهشت برد دلیل که زود از دنیا برود و خاتمتش
سعادت بود اگر بیند که رضوان او را از میوه بهشت چیزی داد یا جامه
سبز بوی بخشید دلیل که وفات او نزدیک شده باشد اگر بیند که رضوان
او را یاقوت و [illegible] داد یا گوهری داد دلیل که او را فرزندی آید عالم دانا چنانک
نام او بعالم منتشر گردد رفتن ابن سیرین گوید اگر بیند که از شهر و دیار
خود می رفت و نداند که کجا میرفت دلیل که بیچاره و فرومانده گردد اگر دید
که زن و فرزند با خود می برد دلیل که همه بیچاره و خوار شوند اگر بیند که
مانند شتر میرفت دلیل که سعادت دنیا بیابد اگر بیند که مانند دزدان
میرفت تاویلش بد باشد خاصه در دین اگر بیند که مانند مار و کژدم می رفت
همین تاویل دارد اگر بیند که مانند مرغان شکاری می رفت بد باشد اگر بیند
که غیر مرغان شکاری می رفت دلیل خیر و نیکی باشد کرمانی گوید اگر بیند
که از تاریکی به روشنایی میرفت دلیل که از باطل بحق گراید و توبه کند
اگر بیند که از خرابی به آبادانی میرفت دلیل که از رنج و سختی به نعمت و فراخی

رسد اگر بیند که از آبادانی به خرابی می رفت تاویلش بخلاف این بود
اگر بیند که بجایگاهی بد رفت بد بود اگر بیند که بجایگاهی نیک رفت
دلیل خیر و نیکویی بود **رفو کردن** ابن سیرین گوید رفو کردن جامه
و چیزها دیگر دلیل بود بر جنگ و خصومت اگر بیند که جامهٔ خود
با عیال منتفع بخود رفو کرد دلیل که او را با کسی از خویشان جنگ و
خصومت افتد یا با دوستی که در آن چیزی نباشد کرمانی گوید اگر بیند که
جامهٔ خود رفو کرد و نتوانست دلیل که از جهة عیال خود غم و اندیشه
برد و رفو کردن در خواب مردی خداوند جنگ و خصومت بود و جهد
کند که بجلدی کار خود بصلاح آورد و از خصومت برهد **رقص کردن**
بدانک رقص کردن پای کوفتن بود ابن سیرین گوید پای کوفتن در خواب
مردی خداوند جنگ و خصومت را غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی
گویند بیماری بود بعضی از معبران گویند مرد را از زندان خلاص بود
خاصه بر پای بند بود کرمانی گوید رقص کردن در خواب زنان را سلوی
بود و مردان را دلیل بر خصومت کند اما صوفیان و کسانی که بسیار رقص
کنند دلیل بر غم و اندوه بود و رقاص در خواب مردی باشد که پیوسته
در معصیت خویش و دیگران باشد جعفر صادق گوید رقص در خواب
غم و مصیبت بود **رگ زدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که او را رگ کشاد
دلیل که از دوستی سخنی شنود اگر بیند که جانی او را رگ زد دلیل که از دشمن
سخن شنود با ما للش تلف شود اگر بیند که رگ زد و خون از وی بر آمد
دلیل که از سلطان غمی بوی رسد و بقدر خون زیانی افتد کرمانی گوید
اگر بیند که عالمی او را رگ زد و خون بسیار آمد و در جامه گرفت دلیل که

بیمار شود و مال خود در بیماری هزینه کند اسمعیل اشعث گوید اگر
رگ کشاد از دست راست دلیل زیادتی مال و خواسته بود و دست چپ
دلیل بر زیادتی مال دوستان اگر بیند که معروفی او را رگ زد اگر آبستن نبود
آبستن شود و اگر آبستن بود دختری آرد جابر مغربی گوید هر که بیند
که رگ زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل که او را سخنی خوش گویند جعفر
صادق گوید رگ زدن در خواب دلیل بود بر پنج وجه **اول** کشاد کار
دوم سفر **سوم** خصومت از جهة مال **چهارم** انبازی اگر بیند که
رگ زد و خون نیامد دلیل بر خصومت کند و اگر خون تمام آمد چنانک
در تن خون نماند دلیل مرگ بود اگر بیند که تن وی با جراحتی خون
آلود گشت دلیل که خیری بدو رسد معبران گویند رگ زدن در خواب
چون بیننده مستور بود شادی و خرمی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و
فساد بود **رگها** ابن سیرین گوید رگها دلیل بر اهل بیت خویشان
وی کند اگر بیند که رگی از اندام وی آفتی رسید خویشان وی غم
خورند و هر رگی معین است که تعلق بکه می دارد رگهای سر و پیشانی
دلیل بر مهتران کند رگهای دست و بازو برادران و فرزندان رگهای شکم
دلیل خویشان مادر رگهای پشت دلیل خویشان پدر رگهای سرون
دلیل بر اهل بیت و دودمان رگهای ساق دلیل بر مال و منفعت اگر بیند
که رگ کشاد بر پهنا و بی بیره یا خشک شد دلیل که از خویشان وی
کسی که تعلق بدان دارد از دنیا برود و بعضی از معبران گویند غمی
و اندوهی بخویشان وی رسد و باشد که در غربت افتد و از خویشان
جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رگ کشاد از خویشان خویش سخن

شنوذ درشت بعضی کویند بقدر آن خون که ازوی جدا شد مال یکی از خویشان
تلف کند دانیال کویذ اکر بیند که رك قیفال کشاذ دلیل که کارها بروی بسته
کرده بوذ اکر بیند که رك باسلیق کشاذ همین تاویل دارد و اکحل نیز همین تاویل دارد جون
سایل کویذ از رك من خون می امد هر که باشذ دلیل که مالی یابد جون کویذ از
دست خون می رفت دلیل که اورا زیانی رسد و معبر باید که در لفظ کوینده خواب
نکه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند. اکر بیند که رك او تهی و کبود بوذ دلیل
که اورا اندوهی رسد **رکاب** ابن سیرین کویذ اکر بیند که رکاب از زین
جدا بوذ فرزند یا غلام بوذ و جون با رکاب بوذ فرزندی بوذ که در وی هیچ
خیانت نبوذ کرمانی کویذ اکر بیند که رکاب وی بازین بوذ دلیل که
فرزند منکر و خوذ بین بوذ و اکر رکاب سیمین بوذ فرزند بمال دنیا مغرور بوذ
اکر برنجین یا سیمین بوذ فرزند دو زحمت بوذ و اکر آهنین بوذ بقدر روشنی
و پاکی وی اورا قوت بوذ در کار دنیا اکر بیند که رکاب جوبین بوذ فرزند
وی بدرای و فرومایه بوذ و رکاب داردر خواب نیکو بوذ زیرا که اورا
بمهتر نزدیک است **رنکها** ابن سیرین کویذ رنکها سفید بخواب از جامها
و عنبران دلیل بر صلاح و پاکی دین بوذ و رنک سرخ مردان اکر اهیت
و رنج تن بوذ و زنان را نیک باشد رنک سبز از جامها و عنبران زنان را و
مردان را نیک باشد درد دین و دنیا و رنک سیاه مصیبت بوذ مکر کسانی
که سیاه پوشند و کبود زنان را و مردان را بد باشد جعفر صادق کویذ
رنک سبز و سفید دلیل بر خیر و برکت بوذ و دین پاك زیرا که لباس
اهل بهشت است **روباه** ابن سیرین کویذ روباه در خواب مردی فریبنده
مکار بوذ یا زن و کنیزك دروغ زن اکر بیند که با روباه در نبرد بود

با خویشان خصومت کند اکر بیند که روباه می جست از بر این زن سیرکرد بود
اکر بیند که روباه با او بازی میکرد دلیل که زنی اورا دوست دارد و دوستی
وی ضعیف بوذ کرمانی کویذ اکر بیند که روباهی شانه میکرد دلیل با کسی حیلت
سازد و اورا بفریبد اکر بیند که روباهی پیش او چاپلوسی میکرد دلیل با کسی
حیلت سازد و اورا بفریبد دلیل که غریمی با وی مکر و حیلت کند و پوست
روباه مال بوذ که بحیلت بدست آید و شیر روباه خوردن در خواب شفا
یابد از بیماری و شادمانی یابد از غمها و خلاص از زندان و بعضی معبران کویند
اکر بخواب دید که شیر روباه خورد دلیل که بیمار شوذ یا از نبی بد و رسد مغربی
کویذ روباه در خواب زن دروغ زن بوذ اکر بیند که روباهی کرفت یا
کسی بوی داد دلیل که زنی دروغ زن فریبنده خواهد اکر بیند که
روباهی در خانه وی امد و آرام کرفت دلیل که زنی خواهد و آن زن
دوستدار وی بوذ اکر دید که روباه از وی بکریخت دلیل که وام دار
از وی بکریزد **روذ** ابن سیرین کویذ روذ بزرك در خواب مردی بزرکوار
بوذ اکر بیند که در رودی بزرك صافی شد دلیل که با مردی بزرك پادشاه
پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد اکر بیند که از رود آب بیرون امد
دلیل که از بلا و غم رسته کردد اکر بیند که در رودی بزرك رفت و آبش
تیره بوذ دلیل که با مردی ستمکر پیوندد و از وی غم و اندوه یابد اکر بیند که
در آن روذ غرق شد دلیل که تا وقت مرك از غم رستکاری نیابد دانیال
کویذ روذ بزرك وزیر باشد اکر بیند که رودی بزرك خشك شد دلیل
که وزیر معزول کردد اکر آب رود زیادت شد دلیل که از وزیر عطا یابد
اکر آب رود تیره بوذ مال حرام یابد اکر آب رود تلخ بوذ رشوت بستاند اکر آب رود

کنده بوذ بیمار شوذ اکر سرد و خوش بوذ از وی بر نو لخت سند اکر بیند که رود
خون بوذ و می رفت در ان خون ریخته بیند اکر آب رود خانه بیند که
سفید و خوش بوذ دلیل که مردم عام بر و ثنا کویند اکر بیند که آب رود
فرو رفت و هیچ نماند دلیل عقوبت باشد در ان دیار قل ارایتم ان اصبح
ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین صدق الله اکر بیند که باب رود
خود را بشست دلیل که از شر وزیر باذشاه ایمن کردد اکر بیند که در آب
غوطه میخورد و باز بر می آمد دلیل که از راز وزیر آکاه کردد اکر بیند که جامه
خود را بشست دلیل که او را و اهل بیت او را از وزیر و باذشاه ایمنی باشد
اکر بیند که در رود رفت و جامه او کل آلوذ کشت دلیل که از قبل بازرکانی غم خورد
کرمانی کوید رود دجله در خواب خلیفه بوذ و رود جیحون بخواب باذشاه
خراسان و رود سیحون باذشاه هند و رود فرات باذشاه شام و بعضی کویند
باذشاه روم و رود نیل باذشاه مصر و رود کر باذشاه ارمنیه و خوردن از این
رودها و شستن خود را دران خیر و منفعت بوذ که ازین باذشاهان رسد
بقدر آب که خورده باشد اکر رودی بیند از شیر و خون را دران رود بیند
دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق کوید دیدن رود در خواب بر هفت
وجه بوذ اول حج دوم بزرکی سوم باذشاه چهارم تجارت پنجم
مال و نعمت ششم ریاست هفتم علم و ظفر روذبار یعنی وادی
ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که در رود باری شد در غم و اندوه کرفتار
شوذ اکر بیند که از رود بار بیرون آمد از غم و اندوه رسته کردد کرمانی کوید
رود بار در خواب دلیل بر حج اسلام بوذ بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم
مغربی کوید رود بار در خواب دلیل بر شعر کفتن بوذ بقوله تعالی والشعراء یتبعهم

الغاوون الم تر انهم فی کل واد یهیمون روده ابن سیرین کوید اکر بخواب بیند که
روده فرا کرفت و بخورد دلیل که از خویشان خیر و منفعت یابد اکر بیند که
روده های وی از درون بیرون آمد دلیل که فرزندی از خویشان وی مهتر کردد
اکر بیند که روده های کسی بخورد بقدر ان مال آن کس بخورد کرمانی کوید آشکار شود
روده کان در خواب مال نهاده بوذ که بیدا شوذ مغربی کوید اکر بیند که روده ها
از دهان بیرون آمد دلیل مرک فرزندان وی باشد اکر بیند که روده کسی از شکم
بیرون می آورد بقدر ان مال پنهان کرده یابد جعفر صادق کوید دیدن روده کان
در خواب بر شش وجه بوذ اول مال حرام دوم منفعت سوم سخنهای نیکو
چهارم فرزند پنجم زندکانی ششم کار کردن خویشتن روزها ابن سیرین کوید اکر بخواب
بیند که روز آذینه است و شنبه باشد در کاری شروع کند که بندارد که
خیر است و شر باشد اکر بخواب بیند که بندارد که شب است و روز بوذ دلیل
بر خیر و نیکویی بوذ اکر شنبه بخواب بیند دوستان جهودان بوذ اکر یکشنبه
هواداران ترسایان بوذ اکر شنبه آذینه بندارد دوست و هوادار اهل فساد
بوذ اکر روز چهارشنبه آذینه بندارد دلیل که دوست و هوادار خداوندان
نعمت بوذ جعفر صادق کوید بهترین روزها آذینه بوذ و بعد از ان دوشنبه و پنجشنبه
و هر چند دوشنبه و صافی تر بیند بهتر بوذ روزه ابن سیرین کوید اکر بخواب
بیند که روزه می داشت و قران و تسبیح و تهلیل می خواند دلیل که از کناه
و حرام توبه کند اکر بیند که با روزه غیبت مردم می کرد یا فحش میکفت
دلیل که طاعت و عبادت بریا کند و در راه دین صادق نباشد کرمانی کوید
اکر بیند که در ماه روزه بوذ دلیل بر کرانی و تنکی طعام و بعضی کویند دلیل
بر دوستی دین و فرح یافتن از غم و کزاردن وام خاصه که در ماه رمضان

جعفر صادق گوید روزه داشتن در خواب بر ده وجه بود اول بزرگی دوم
ریاست سوم تندرستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم ظفر هفتم
نعمت هشتم حج نهم غزا دهم بسر آمدن اما روزه گشادن در خواب
به فراموشی دلیل بر نیک مردی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد
گشاید دلیل که در سفر بلا کشد یا بیمار شود اگر بیند که دو ماه روزه
دلیل که از گناه توبه کند اگر بیند که روزه تطوع می داشت دلیل که از بیماری
ایمن گردد اگر بخواب دید که یکسال پیوسته روزه داشت دلیل که حج گزارد
اگر بیند که روزهٔ عاشورا داشت از غم و اندوه رستگار شود روستا ابن سیرین
گوید اگر بیند که در روستا بود جایگاه مجهول دلیل خیر بود و اگر جایی معروف بود
دلیل که نیک نباشد اگر بیند که از روستا بشهر می شد دلیل که از همه
فتنه و عذاب ایمن گردد و کارش به نظام بود اگر بیند که از شهر به روستا شد
دلیل بخلاف این که گفتیم مغربی گوید اگر بیند که در روستایی آبادان گم شده
بود دلیل پرورش و بزرگی بود اگر بیند که روستا ملک او بود یا کسی بوی بخشید نعمت
آبادانی آن روستا خیر و نیکی بوی رسد اگر بیند که روستا خراب بود تاویلش
بخلاف این بود روشنایی ابن سیرین گوید روشنایی در خواب دین و هدی
بود اگر بیند که آبادانی آن روستا خیر و نیکی بوی رسد اگر بیند که روستا
خراب بود تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که روشنایی فرا گرفت یا کسی
بوی داد دلیل که کسی را علم دین آموزد و راه راست نماید و تاریکی در خواب
بی دینی بود الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور
کرمانی گوید اگر بیند که روشنائی بر سینهٔ او افتاده بود دلیل که پارسا
و پاک دین بود افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه اگر بیند که

پیرامون وی روشنائی بود دلیل که عاقبت او خیر بود جعفر صادق گوید
دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود اول دین و هدی دوم علوم
سوم راه راست چهارم اعتقاد پاک روغن دانیال گوید روغن در خواب
مال و نعمت بود و بعضی گویند میراث باشد اگر بیند که روغن گاو داشت
و از آن بخورد بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم عزیز شود اما روغن گوسفند
هم مال یابد اما روغن گاو بهتر باشد و روغن دنبه و روغن کنجد و روغن بادام
جمله مال و نعمت بود و روغنهائی که نام برده چون روغن بلسان و روغن بنفشه
و روغن زیتون جمله علم و حکمت بود و دانش و روغن بنفشه منفعت بود
از دهقان و روغن خیری و زیتون منفعت بود از عرب و روغن نرگس منفعت
بود از روستا ابن سیرین گوید اگر بیند که همه تن وی آلوده روغن شد دلیل
که بیمار گردد اگر بیند که روغن بر سر می مالید دلیل آرایش بود و اگر روغن
خوش بوی بود چون روغن بنفشه و یاسمین دلیل آرایش و ثنای نیکو و
همه روغنها چون خوش بوی بود تاویلش نیکو بود و اگر ناخوش و گنده
بود دلیل که او را زشتی گویند کرمانی گوید روغن زیت مال و نعمت بود
اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن می مالید دلیل که بروی مکر و حیلت
سازد مغربی گوید روغنها خوردن و بر خود مالیدن آرایش بود لیکن
بسیار دیدن غم و اندوه بود اگر بیند که بروغن سینه چرب میکرد دلیل
که سوگند بدروغ خورد اسمعیل اشعث گوید روغنها همه نیکو باید بود
مگر روغن زیت که بخوردن مال باشد و بمالیدن غم و اندوه اگر بیند
که جامه وی بروغن آلوده شد اندوهگن گردد جعفر صادق گوید روغن
خوش در خواب بر سه وجه بود اول زن خوب روی دوم کنیزک

باجمال سوم ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهاء خوش ششم
طبعهاء نیک و دروغ کند در خواب دلیل بر سه وجه بوذ اول زن روسپی
دوم فسق سوم سخنهاء زشت نابکار روناس ابن سیرین کوید روناس
در خواب دلیل برارایش دنیا کند و خوردنش دلیل بر مضرت و رنج اکر بیند
که جامه خویش به روناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول کردد
و راه دین فرو کذارد روی ابن سیرین کوید اکر کسی روی خویش در خواب با
جمال تر از آن بیند که در بیداری شرف و منزلتش بیشتر کردد و اکر زشت
و ناخوش بیند دلیل که قدر و منزلتش کم کردد کرمانی کوید اکر بیند
که کونه روی کسی سرخ و یا کبزه کشت دلیل که روشناس کردد و اکر بیند که
کونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی کند و اما الذین ابیضت
وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون اکر بیند که کونه روی وی زرد شد
دلیل که بیمار شوذ و اکر سیاه بیند در میان مردم رسوا کردد و اکر بیند که
با سیاهی روی جامه سفید پوشیده بوذ اورا دختری اید و اذا بشر احدهم
بالانثی ظل وجهه مسودا وهو کظیم اکر بیند که با سیاهی روی کرد آلوده بو
دلیل که اورا مرک اید اکر بیند که رو ریش خون آلوده بوذ یا زرداب از رو بس
فرو می آمد اکر جراحت نه بیند زیان مال بوذ و اکر بیند که کسان وی
روی بکردانند اکر بیند که روی وی کج شده بوذ دلیل بر تباهی حال بوذ
اکر بیند که بر روی خال داشت وام دار شوذ مغربی کوید اکر کسی روی خود
نیکو بیند یا در آب یا در آبینه یا کسی بوی کوید روی تو نیکوست دلیل کار وی
نیکو شوذ و اکر زشت بوذ کار وی بد کردد اکر روی خود را سرخ بیند دلیل
که وی با کسی مناظره کند و خشم فرو خورد و اکر روی خود سفید و روشن بیند

توفیق

توفیق طاعت یابد و اکر سیاه بیند غم و اندوه مخاطره کفر بوذ و اما الذین
اسودت وجوههم اکفرتم بعد و اکر بر روی خود جراحتی بیند بقدر آن اسیب
غم و اندوه یابد اکر بر وی خراشیدکی بیند در کار وی کذخدایی او خلل
افتد اکر خود را دو روی بیند منافق بوذ جعفر صادق کوید دیدن روی
در خواب بر هشت وجه بوذ اول شرف و بزرکی دوم خواری و حقارت
سوم نظام کار چهارم دین و دیانت پنجم اندوه و رسوایی ششم
وام هفتم کار نیکو هشتم توفیق طاعت ریواس ابن سیرین کوید ریواس
در خواب اندوه بوذ بقدر خوردن اکر بیند که بینداخت از غم و اندوه رسته
کردذ ریحان اکر بیند که ریحان خوش و سبز بوی داشت دلیل فرزند بوذ و
کندن وی از زمین کریستن و اندوه باشد ابن سیرین کوید اکر ریحان بیند
که در جایکاه خود رست دلیل که خداوندش کارها نیکو کند و دانیال کوید اکر ریحان
خوش بوی بیند بکار خیر توفیق یابد جعفر صادق کوید دیدن ریحان در
خواب بر هفت وجه بوذ اول زن دوم کنیزک سوم دوست چهارم
فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیکو اکر بیند که در
سرای یا در باغ ریحان بوذ دلیل خیر بوذ مغربی کوید ریحان فروش چون بفروخت
خود ریحان فروشد سخت نیکو بوذ ریسمان در خواب سفر بوذ اکر بیند که
از ابریشم یا از موی ریسمان می رشت دلیل که سفر کند و راحت یابد اکر
بیند که از پنبه یا از قز یا از کتان ریسمان می رشت چنانکه زنان ریسند
دلیل که کاری حلال کند اکر بیند که ریسمان بجولاهه برد تا جامه بافد دلیل
تدبیر کاری بوذ که از آن وی را خصومت بوذ کرمانی کوید اکر زنی بیند که مانند
موی ریسمان از ابریشم یا از موی می ریسید دلیل که غایبش در سفر بر عاید اکر

بیند که بسیار ریسمان داشت عمرش دراز بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت بیند
از خویشان جعفر صادق گوید دیدن ریسمان در خواب بر چهار وجه بود **اول**
سفر **دوم** کار مردم **سوم** عمر دراز **چهارم** منفعت بسیار **ریش** ابن سیرین
گوید ریش در خواب آرایش مردم و کدخدایی او باشد و در خبر است که
خدای تعالی را فرشته است که تسبیح او اینست سبحان من زین الرجال
باللحی والنساء بالذوائب یعنی پاکست آن خدایی که بیاراست مرد از بر ریش
و زنان را بگیسوها اگر کسی ریش خود را دراز بیند کار کدخدایی وی ساخته
گردد اما چون درازی از ناف گذشته باشد دلیل بر غم و اندوه کند اگر
بیند که ریش خود بناخن بر راست میکرد کدخدایی خود را تیمار دارد
اگر دید که ریش را خضاب میکرد و خضاب نمی گرفت دلیل که حال خود مردمان
بپوشند اگر دید که ریش خود بر زمین می کشید اجلش نزدیک بود اگر دید که
ریش او بیرون بود زیان مال و حرمت بود اگر ریش خود کوسه بیند حرمت
و مالش کم شود کرمانی گوید اگر بیند که ریش وی سیاه و سرخ بود دلیل
که وی را داوری افتد اگر بیند که ریش وی سفید گشته بود دلیل که آهستگی
و بردباری او زیادت شود لیکن متهم گردد اگر بیند که ریش بدندان می
برید اهل بیت او را زیان رسد اگر بیند که ریش او از بیماری و رنج او را از
ترک مفاجات بیم بود و آب روی و مالش برود اگر بیند که ریش را شانه
کرد و بجود و کلاب بر وی زند شغلی کند که مردم ازو شکر گویند مغربی گوید اگر
بیند که ریش او دراز شد چنانک زیر ناف او بود دلیل که مال یابد اگر ریش
خود را با تدارک ریش پدر بیند از پدر میراث یابد اگر بیند که دست بدریش
فرا گرفت و پاره بدست وی بماند و او بیند لخت دلیل که مالش از دست

برود و اگر بیند که پاره ریش در چیزی نهاد و نگه داشت مال نگاه دارد اگر بیند که
ریش وی کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد وامش گزارده شود اگر غمگین بود بی غم
گردد اگر بیند که ریش وی در زمین افتاده بود بمیرد اگر بیند که ریش وی کنده
شد حرمت وی یکبار برود اگر بیند که سر و ریش بسترد دلیل که آب روی و
حرمت او برود اگر بیند که موی سفید از ریش خود برکند دلیل مخالفت
سنت پیغامبر علیه الصلوة والسلام کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که او را
در حرم بوقت موسم حج سر تراشیده اگر وام دارد گزارده شود و از غم خلاص
یابد اگر بی سببی بیند که اندک اندک ریش وی می افتاد و نقصان در وی ظاهر
شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد اگر بیند که ریش او تمام سفید شد دلیل
که اندک حرمتش نقصان شود اگر بیند که او را ریش بود غمگین و مستمند شود
و کاری کند که از آن رسوا شود اگر مردی بیند که زن او را ریش برآمد دلیل
که او را هرگز فرزند نباشد و اگر باشد محتشم قوم گردد و اگر کودکی نابالغ خود را
ریش بیند در غم و اندوه افتد اگر بیند که کسی ریش او بگرفت و می کشید
دلیل که مال آنکس به میراث بستاند جعفر صادق گوید ریش در خواب بر
ده وجه بود **اول** تبع مردم **دوم** عز و جاه **سوم** مرتبت **چهارم**
هیبت **پنجم** مروت **ششم** نیکویی **هفتم** ترویج **هشتم** مال **نهم**
فرزند **دهم** گرامی شدن و لقد کرمنا بنی آدم اما ریش ستردن در خواب
حاجبان را و زندانیان را نیک بود **ریش** یعنی جراحت ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که بر تن او ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود بقدر آن ریش و ریم
او را مالی حاصل شود اگر بخلاف این بود او را نقصان شود مغربی گوید اگر
بیند که جمله اندامهاء وی ریش بود و رنج بوی می رسید غم و اندوه بود

ریگ ابن سیرین گوید ریگ در خواب دلیل بر خیر و منفعت و مال کند اگر بیند
که در میان ریگ می شد از بهر کسب بکسبی مشغول شود بقدر کم و بیش ریگ
اگر بیند که ریگ جمع میکرد یا میخورد دلیل که از مردم بقدر ریگ خیر و منفعت
جعفر صادق گوید ریگ در خواب بر چهار وجه بود اول مشغولی بدنیا و دنیا
خاصه چون ریگ بسیار بود دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت
لیکن با رنج و عنا ریم ابن سیرین گوید ریم در خواب مال بود بر خداوند خواب
اگر بیند که ریم از تن وی بیرون می آمد بقدر آن مال وی نقصان شود
اگر بیند که ریم از تن وی بیرون می آمد و باز بجای می شد دلیل نقصان
مال بود و عاقبت نیک شود کرمانی گوید اگر بیند که ریم را می مکید و می
خورد مال حرام خورد علی الجمله ریم جمع شدن در اندام دلیل بر جمع مال
بود و بیرون آمدن از اندام نقصان مال بود و ریم سیم و آهن و غیره غم و
اندوه بود بقدر دیدن ریوند ابن سیرین گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت
در غم و اندوه گرفتار شود اگر بیند که آن بهر علتی ریوند خورد و از آن شفا
حاصل شد دلیل بر تندرستی و خیر و صلاح اگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج
و بیماری کند حرف الزای ابن سیرین گوید اگر زنی
بیند که دختری دارد دلیل که خیری بوی رسد و از خویشان خود
خرم شود اگر بیند که پسری بزاد و زنش آبستن نبود او را دختری آید
اگر بیند که زنش دختر زاد پسر آید کرمانی گوید اگر زن پادشاه بیند که دختری
بزاد دلیل که شوهرش گنج یابد اگر مردی بخواب بیند که دختری زاد
غمگین گردد اگر بیند که پسری زاد کارش خوب گردد اگر دختری دوشیزه
بیند که فرزندی زاد دلیل آن تاویل زناست جعفر صادق گوید اگر

بیند که پسری زاد و هم در زمان سخن با وی گفت دلیل امر الغا و باشد اگر
دید که دختری زاد دلیل که آن نسل وی فرزندی آید که مهتر قوم خویش
باشد زاغ ابن سیرین گوید زاغ مردی بد دین فاسق دروغ زن
باشد اگر بیند که زاغی فرا گرفت دلیل که با کسی بدین صفت پیوندد و بکار باطل
فریفته شود اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که در آنجا دزدان و فاسقان
جمع شوند اگر بیند که زاغی را بشکار گرفت دلیل که از جایی باطل غنیمت یابد
کرمانی گوید اگر یک زاغ بخواب بیند دلیل کنیزک هندو بود اگر زاغان
بسیار بیند تاویل لشکر باشد اگر بیند که زاغی را بوسه باز کرد دلیل که
با زنی غریب زنا کند اگر بیند که زاغی را بکشت اهل بیت را مصیبت رسد
اگر بیند که زاغان بسیار در هوا آمدندی و می گذشتند دلیل که در آن
جای لشکر پدید آید بقدر آن زاغان مغربی گوید اگر بیند که زاغ و تذرو
هر دو شلوار او بودند دلیل که با کنیزک خود فساد کند اگر بیند که زاغی
معالجت کرد مردی درد را بند دهد زاک ابن سیرین گوید از جمله زاکها
دیدن زاک سبز بهتر بود و دیگر زاک سفید و زاک زرد بیماری بود و زاک
سیاه مصیبت بود و زاک سیاه دلیل بر مرگ کند و رنگ کردن جامه
و غیر آن تاویلش بد بود و در خواب دیدن هیچ منفعت نبود جعفر صادق
گوید زاک در خواب بر چهار وجه بود اول غم و اندوه دوم بیماری سوم
مصیبت چهارم خصومت سبب زنان ژاله ابن سیرین گوید اگر بیند که
در شهری یا مقامی ژاله می بارید دلیل که مردم آن مقام را از پادشاه رنج
رسد اگر بیند که با ژاله باران و رعد و برق بود دلیل که در آنجا قحط
و تنگی و مضرت باشد کرمانی گوید ژاله با باران بخواب دیدن دلیل نعمت

و فراخی و ایمنی کند جعفر صادق گوید دیدن ژاله در خواب بر پنج وجه بود اول بلا دوم خصومت سوم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری **زرو**

حیوانیست که در آب باشد و پارسایان ازرو خوانند ابن سیرین گوید دیدن او را در خواب دشمن طامع بود اگر بیند که زرو خون از اندام وی می مکید دلیل که دشمن بروی چیره گردد بقدر خون که خورده بود از مال او نقصان شود اگر سند که زرو در گلوی وی شد دلیل که با دشمنی از درون خانه مجالست کند اگر بیند که زرو از اندام خود جدا کرد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید زرو عیالی باشد که مال او بکبران خورد اگر بیند که زرو بسیار جمع شدند و خون وی بر می مکیدند دلیل که بقدر آن خون نقصان مال بود مغربی گوید اگر بیند که بر اندام وی بود و خون می مکید دلیل که از دشمن وی را زیانی رسد. **زانو** ابن سیرین گوید اصل زانو در خواب معیشت بنده خواب بود اگر زانو را بزرگ و قوی بیند کار وی قوی گردد و عیش وی فراخ شود اگر سند که بر زانو می رفت دلیل که کار معیشت وی ضعیف گردد اگر سند که چشمه زانو وی شکسته بود دلیل که کار وی تباه شود اگر بیند که چشمه زانو وی بیفتاد دلیل که مایه دارد از دست بشود کرمانی گوید زانو در خواب جای کسب و معیشت مردم بود اگر سند که زانو وی سخت قوی شد معیشت و کسب وی زیادت شود و اگر ضعیف سند کسب و معیشت وی منقطع گردد مغربی گوید زانو در خواب جایگاه رنج و عنا باشد و جای اندوه و هر زیادت و نقصان که در زانو سند دلیل بر جبر بود که یاد کردیم **زباد** عرق حیوانیست و بوی خوش دارد و از هندوستان آرند و مانند کرم بود ابن سیرین گوید اگر سند که زباد با خوشبوی داشت یا کسی بوی داد دلیل که با ادب و هنر

و مردمان مدح و ثنای او گویند اگر سند که از آن زباد بوی ناخوش می آمد دلیل که مردمان نکوهش وی کنند اگر بیند که از آن زباد هیچ بوی نیامد دلیل که نیکو با کسی کنند که از وی هیچ منت ندارد اگر سند که زباد می خورد دلیل که عیالان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر صادق گوید دیدن زباد در خواب بر چهار وجه بود اول ادب دوم خصومت سوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده **زبان** ابن سیرین گوید اگر سند که زبان بریده و ناقص شد بی آنکه با کسی خصومت داشت دلیل که خیر و صلاح بود و اگر با کسی جنگ و خصومت داشت بوقت حجت زبانش بسته شود اگر سند که زبان در طول و عرض زیادت شده بود بوقت حجت زبانش روان باشد و بر خصم ظفر یابد اگر سند که زبان وی دراز شد نه بجنگ و خصومت دلیل که سخنهای زشت گفتن در از شود کرمانی گوید اگر سند که وی را دو زبانست خدای تعالی او را علم و دانش روزی کند اگر دید که زبان خود بقصد تا سخن نگوید از گفتن باطل توبه کند اگر سند که بر زبانش سخن خطا رفت دلیل که سخنی گوید که در آن جز رضای حق تعالی نباشد اگر سند که کسی زبان در دهان وی نهاد دلیل که وی را از کسی حجتی و قوتی باشد در سخن اگر بیند که زبان کسی می مکید از آنکس علم و دولتش حاصل کند مغربی گوید اگر بیند که زبانش کند شده بود دلیل بر فساد دین و دنیا او بود اگر سند که زبان درویشی برید چیزی بدو بخشش دهد اگر بیند که زبان زنی برید دلیل که بی ستر کنند و از وی آشکارا کند و اگر سند که زبانش با کام گرفته شد دلیل که وام دار شود دانیال گوید اگر بیند که زبان وی قوی و ستبر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر سند که زبانش بسته شد بیمار گردد اگر سند که زبانش پیش شد

بر کسی بهتان گوید یا گواهی بدروغ دهد اگر بیند که بر زبان وی موی بر آمده
بود از سبب گفتار زشت در بلایی افتد اگر بیند که زبان وی آماسیده بود سبب
گفتارش او را مالی حاصل شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که زبان وی دراز
شد دلیل که کسی وی را غمز کند یا دشنام دهد اگر بیند که زبان وی دو شاخ
شد منافق شود اگر بیند که زبان نداشت از همه شغلها فرو ماند اگر بیند که
سر زبان وی بریده بود چنانک سخن نتوانست گفت دلیل که شغل وی بدست
وکیل بر آید اگر بیند که زبانش خشک شده بود تاویلش بد باشد جعفر صادق
گوید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود **اول** حکمت **دوم** ریاست
سوم ترجمان **چهارم** حاجت **پنجم** وکیل **ششم** یار و سخن گفتن بزبانها در
حروف سین بیان کنیم **زبرجد** ابن سیرین گوید زبرجد در خواب دلیل
بر خیر و منفعت کند اگر بیند که زبرجد بسیار داشت نقد دان مال
و نعمت حاصل کند اگر بیند که زبرجد از وی جدا شد دلیل مال و نقصان
شود جعفر صادق گوید زبرجد در خواب بر سه وجه بود **اول** خرمی
دوم منفعت **سوم** مال **زبور** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که کتاب زبور می خواند دلیل که بخدای تعالی بازگردد و بکار خیر رغبت
نماید اگر بیند که زبور را از ظاهر میخواند دلیل که زهد و خیرات بریا و نفاق
کند مغربی گوید اگر بیند که زبور می نوشت بکاری مشغول شود که از آن منفعت
یابد اگر بیند که زبور خواند کار و کردار وی نیک بود **زجر** فال گرفتن بود
ببانگ مرغان تاویلش غرور و باطل دنیا باشد و او در خواب و بیداری از راه
تاویل نکوهیده بود ابن سیرین گوید اگر بیند که ببانگ مرغ فال میگرفت دلیل
که بباطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف مغربی گوید اگر کسی به بانگ

مرغ فال میگرفت و بانگ مرغ هدهد فرد بود و اگر هدهد زوج بود دلیل که بیمار
شود و شفا یابد **زخم** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر تن خود زخم داشت و از
خون نبود دلیل بر زخم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت بیند اگر بیند که از
خون بدان زخم نبود تاویلش بخلاف این باشد اگر بیند که از زخم وی خون
روان شد و اندامش آلوده گشت دلیل که مال حرام یابد و اگر اندامش آلوده
نگشت دلیل که زننده وی را بگناهی متهم کنند کرمانی گوید اگر بیند که زخم
بر تن وی رسید و اندامش بخون آلوده گشت دلیل که مال حرام یابد و اگر
اندامش آلوده نگشت و از آن خون از زخم وی روان شد در مال و نقصان
افتد جعفر صادق گوید زخم در خواب بر سه وجه بود **اول** ظفر یافتن
دوم خیر و منفعت **سوم** نقصان **زردچوبه** ابن سیرین گوید زردچوبه
رنج و بیماری بود اگر بیند که بخروار زردچوبه داشت او را زیان و مضرت
رسد و اگر بیند که جامهٔ خود بزردچوبه زرد کرد بیمار شود و در زردچوبه
خیر و منفعت نباشد **زدن** دانیال گوید اگر کسی بخواب بیند که او را
تازیانه زدند چنانک اثر زخم زدن بدید آمد یا وی را بسته بستون
و وی را چندان زدند که خون از تن وی روان شد تاویلش بد باشد
ابن سیرین گوید اگر بیند که او را بتازیانه زدند مال او از حرام حاصل شود
خاصه چون بیند که اندامش بخون آلوده گشت اگر بیند که نشان زخمی
از زخم و خون بر تن وی پیدا شد نقد دان از هر کس فایده یابد و بعضی
از معبران گفته‌اند جامهٔ نو پوشد کرمانی گوید اگر بیند که بر تن وی یک تازیانه
زدند و خون بیرون آمد دلیل که آنکس مال حرام یابد و اگر بر پشت خود
زخم تازیانه زد بدو ندانست که او را که زد دلیل که شغل دنیا و دین وی

نیکو شود اگر بیند که تان باید بر سر کسی زد چنانک پاره پاره گشت دلیل که
اهل خانه زن وی را کند. شود اگر بیند که او را تازیانه بی شمار زدند دلیل
که او را غمی و زیانی رسد اگر بیند که کسی او را بچوب زد غمگین و مستمند
شود سبب مردی بددین منافق اگر بیند که او را محتسب بدره زد دلیل که
سلطان او را عملی دهد و کارش نیکو شود اگر بیند که کسی او را بکلوخ زد از
انکس منفعت یابد اگر بیند که کسی کلوخی بر پشت وی زد دلیل که کسی او را
نصیحت کند. اگر بیند که کسی طپانچه بر روی او زد از کسی سخنی زشت شنود
مغربی گوید اگر کسی بیند که او را زدند و نداند که زد مال یابد و جامه نو یابد
اگر بیند که از زخم چوب نترسید از آن ترس ایمن شود اگر بیند که معروفی
او را زد چیز ستد از وی و بستد او را زیانک نباشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که
مرده وی را همی زند دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد
اگر بیند که مرده بود که وی را همی زد دلیل که در سفر منفعت یابد و بر قوت
دین بود جعفر صادق گوید زدن در خواب بر شش وجه بود **اول** شفای عین
دوم مجادله **سوم** روشن شدن کار مشکل **چهارم** سفر **پنجم** شرف و بزرگی
ششم مال الحرام **زر** ابن سیرین گوید زر در خواب مردان را غم است و غم
و اندوه و زیان ایشان و بستدن بود اگر بیند که زر یافت یا کسی بوی داد
بقدر آن مالش ضایع شود کرمانی گوید اگر بیند که زر یا سیم می گداخت
دلیل که بر زبان مردم افتد اگر بیند که زری خرید و میفروخت او را غم
و اندوه رسد اگر بیند که زر بخورد و بخانه برد دلیل که مال یابد اگر بیند که
زر بخورد بقدر آن مال بر عیال هزینه کند مغربی گوید زر بینند در خواب
مردان را نیز بود اگر کسی زر و سیم در یکجا با هم بیند عز و جاه یابد

و اگر کام سیم بیند دهش بزرگی بجلال خواهد و گویند زر در خواب مردی
باشد دروغ زن اگر بیند که با زرگری نشسته بود و با وی معاملت میکرد
او را با دروغ گویی سر و کار افتد **زرد آلو** ابن سیرین گوید زرد آلو در خواب
بوقت خود چون شیرین بود بهتر زرد آلو که خورد دیناری حاصل کند اگر ترش
بود غم و بیماری باشد و بعضی معبران گویند زرد آلو بخواب کنیزک بود یا مال
کرمانی گوید اگر بیند که استخوان زرد آلو بشکست و تلخ بود اندوه بوی
رسد ابن سیرین گوید از مردی بی اصل منفعت یابد جعفر صادق گوید
زرد آلو بوقت بیماری بود و بی وقت ترس و اندوه بود و اگر شیرین بود
منفعت یابد **زرد بها** ابن سیرین گوید زرد بها در خواب بیماری بود از
جایها و خوردنی معیوب **زرشک** ابن سیرین گوید زرشک در خواب غم
و اندوه بود و خوردن آن مجتنب و اگر از درخت جمع میکرد او را با مردی
بخیل خصومت افتد **زرنیخ** ابن سیرین گوید زرنیخ در خواب بیماری
بود اگر بیند که زرنیخ میخورد دلیل بیماری و هلاک بود اگر بیند که زرنیخ
بفروخت یا کسی بوی داد از غم و اندوه و بیماری ایمن شود مغربی گوید اگر
بیند که کان زرنیخ یافت مال بسیار بدست آورد و به بیماری هزینه کند
اگر بیند که زرنیخ در جایی جمع کرد در سفر بیمار شود **زره** ابن سیرین
گوید اگر بیند که زره پوشیده بود از شر دشمن ایمن گردد اگر بیند که زره او
ضایع بود دشمن بروی چیره شود اگر بیند که کسی زرهی بوی داد و
او بپوشید دلیل که با او بقهر کردن دشمن یار گردد و نصرت وی کند و بعضی
گویند زره حصن دین بود کرمانی گوید اگر بیند که زره داشت دلیل ایمنی
بود او را و اهل بیت او از دشمنان و اگر بیند که زره پوشیده بود دلیل که از شر

عامه و منافق این شود جعفر صادق گوید دیدن زره در خواب بر شش
وجه بود اول ایمنی از دشمن دوم حصن دین سوم قوت چهارم مال
پنجم زندگانی ششم نیکویی و زره در خواب مردی بود که ادب آموزد
مردان را زعفران ابن سیرین گوید اگر بیند که زعفران داشت دلیل که مرد را
مدح و ثنا گویند اگر بیند که رنگ زعفران بر تن و جامهٔ وی بود بیمار شود
کرمانی گوید اگر بیند که زعفران ناکوفته بوی دادند دلیل که زنی ترا اگر
خواهد اگر بیند که بخروار زعفران داشت و می‌خورد و جامه بزعفران آلوده گشت
دلیل که او را مال و نعمت حاصل شود زاغ در خواب دلیل بر پادشاه
موضع کند ابن سیرین گوید اگر بیند که زاغ مطیع او شد دلیل که از پادشاه
مال و بزرگی یابد اگر بیند که زاغ او را مطیع شود دلیل که او را اعلا می
باشد و بدرجهٔ بزرگی رسد اگر زنی این خواب بیند و آبستن بود پسر آورد
که مقرب پادشاه شود کرمانی گوید اگر بیند که زاغ از دست وی بپرید دلیل
که اگر زنش آبستن بود فرزند مرده آورد یا طفلی از دنیا برود جعفر صادق
گوید دیدن زاغ در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه متواضع دوم
بنه گواری سوم فرزند چهارم مال زفت ابن سیرین گوید زفت در خواب
غم و اندوه بود اگر بیند که زفت داشت یا کسی بوی داد در رنج و اندوه گرفتار
شود اگر بیند که زفت می‌خورد غم و اندیشهٔ او بهر عیال بود اگر بیند که زفت را
بفروخت یا بکسی داد یا از خانه بیرون افکند از غم و اندوه رستگاری یابد
معبری گوید اگر بیند که زفت بر جراحت نهاد و درست شد از کسی خیر و ر[illegible]
بیند اگر کسی بیند که جامهٔ او بزفت آلوده گشت دلیل که از وی کاری که او را
از آن کار زشتی و بدنامی بود زکوة ابن سیرین گوید اگر بیند که زکوة

مال می‌داد مالش زیادت شود اگر بیند که زکوة فطر می‌داد دلیل که نماز و تسبیح
بسیار کند و رستگاری یابد و اگر وام‌دار بود گزارده شود اگر بیمار بود شفا یابد
اگر دشمن دارد بر وی ظفر یابد کرمانی گوید اگر بخواب دید که زکوة مال می‌داد
مال او در حصن آید و بلا از وی دفع شود بقول رسول علیه السلام که فرمود
حصنوا اموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید مال خود را بزکوة دادن معبری
گوید اگر بیند که زکوة مال می‌داد دلیل افزون شود قوله تعالی وما آتیتم من
زکوة تریدون وجه الله فاولئک جعفر صادق گوید زکوة و صدقه دادن
بر هشت وجه بود اول بشارت دوم خیر و برکت سوم روشن شدن
کارها مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنایی ششم از غم فرح هفتم
زیادتی مال هشتم ظفر بر دشمن زنگار ابن سیرین گوید زنگار دیدن بخواب
مال حرام بود اگر بیند که زنگار از کسی بستد بقدر آن مال حرام حاصل کند
اگر بیند که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیک بر افروخت با پادشاه معامله
کند و از وی فایده ستد کرمانی گوید زنگار بخواب مال و خواسته بود از
قبل سلطان اگر بیند که زنگار یافت از قبل سلطان مال حرام یابد اگر بیند که
اگر بیند که جامه با اندامش زنگار شد دلیل که وی را از سلطان غم و مضرت
رسد اگر بیند که زنگار می‌خورد مال حرام خورد و باشد که سرانجام او را از
سلطان غم و اندوه بود زکام ابن سیرین گوید اگر بیند که او را علت زکام بود
روزی چند بیمار شود و هر چند زکام بیشتر روزی بیشتر کرمانی گوید اگر
بیند که زکام بود دلیل بر کسی خشم گیرد و زود صلح کند جعفر صادق گوید دیدن
زکام در خواب بر سه وجه بود اول بیماری اندک دوم خشم گرفتن سوم
منفعت یافتن زلابیه ابن سیرین گوید زلابیه در خواب دلیل بر جهد و کوشش

چون از اندازه و یافتن مال بسیار از نزهت و شادی اگر بیند که زلابیه در
دهان وی نهاد از کسی سخن لطیف شنود مغربی گوید اگر بیند که زلابیه بی
زعفران می‌خورد بقدر آن مال یابد و اگر با زعفران بود بیمار شود **زلزله**
ابن سیرین گوید اگر بیند زلزله که زمین همی جنبید دلیل که مردم آن دیار از پادشاه
رنج و زحمت رسد بقدر جنبیدن زمین معبران گویند که آفت بمردم رسد
و در آن دیار بیماری افتد اگر بیند که زمین بر گردید و جانب زیر بالا باشد
دلیل فتنه بود در آن دیار کرمانی گوید اگر بیند که زمین آهسته بجنبید
دلیل که آن سالی مبارک بود و خیر و برکت بود و اگر بیند که زمین سخت
بجنبید و بیک نیم فرو رفت پادشاهی بدان زمین آید و اهل آنجا عذاب
کند جعفر صادق گوید دیدن زلزله و خسف و زمین فرو شدن در خواب
محنت و بلایی عظیم بود از قتل پادشاه یا قحط یا بیماری **خسفنا برق**
و بهمه حال زلزله در خواب عقوبت و علامت بود بر اهل آن دیار **بدلیه**
زمرد ابن سیرین گوید زمرد در خواب فرزند و برادر باشد یا مال الحلال اگر
بیند که زمرد داشت یا کسی بوی داد او را فرزندی آید یا برادری و از و منفعت
یابد اگر بیند که زمردی ضایع شد دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد یا مال [illegible]
برود کرمانی گوید زمرد در خواب دیدن دین و مذهب نیکو بود و هر زیادت
و نقصان که در زمرد بیند تاویل آن بدین و مذهب او باز گردد مغربی گوید
زمرد در خواب سخنی نیکو باشد جعفر صادق گوید زمرد در خواب
بر پنج وجه بود **اول** فرزند **دوم** برادر **سوم** مال الحلال **چهارم** کنیزک
خوب **پنجم** کلام نیکو و هر چند زمرد نیکوتر این دلیلها که گفته شد بهتر
زمستان ابن سیرین گوید زمستان در خواب پادشاه بود اگر بیند که زمستان

بود چنانک مردم را از آن مضرت می‌رسید دلیل که اهل آن دیار را از پادشاه
زیان رسد اگر بیند که هوا سرد بود و مردم را زیان نداشت مردم آن
دیار از پادشاه خیر و نیکی رسد و زمستان در قوت دیدن قوت و نصرت
بود **زمین** دانیال گوید زمین در خواب زن بود و اگر در خواب بیند که
او را زمینی بود فراخ بزرگ و خاک او را پاک بود دلیل که بیننده زنی باشد
بستر و صلاح چنانک در میان زنان و بر افضل و منزلت باشد بقدر فراخی
و بزرگی زمین و اگر در زمین سبزه و نبات مجهول بود و داند که ملک او نیست
دلیل که آن کس مسلمان و دیندار بود و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین
گوید اگر بیند که در زمین سبزه و نبات معروف بود دلیل که او را فضل و دیانت
باشد اگر بیند که در زمین بنا نهاد و عمارتی کرد دلیل که او را فضل و دین بود و بنا
باشد و سرانجام ثواب آخرت یابد اگر بیند که او در میان زمین و صحرا بود
مانند بیابان و آن زمین را نشناسد دلیل که سفری دور کند اگر بیند که
زمین بشکند و خاکش بخورد مال یابد بقدر خوردن خاک اگر بیند که در
زمین ناپدید شد فی الحال در آنجا چاهی یا مغاکی بود دلیل که بمیرد اگر بیند
که زمین را مانند چاه یا سردابه می‌کند مال دنیا بمکر و حیلت بدست آورد
اگر بیند که زمین فرو برد او را فرو گرفت دلیل که در غم و مصیبت افتد یا از قبل زن
مال او تلف شود اگر بیند که از زمین فراخ به زمین تنگ می‌رفت از کاری
نیک بکاری بد افتد مغربی گوید اگر بیند که زمین با وی سخن گفت
و بخیر و نیکی و را اشارت داد دلیل که در دنیا خیر بسیار کند و بعد از وفاتش
به نیکی یاد کنند اگر بیند که زمین در زیر بالش در نوشت دلیل که عمرش
با آخر رسیده باشد اگر بیند که زمین وی فراخ و بزرگ بود دلیل بر درازی

عمر و فراخی معیشت کند اگر بیند که زمین می پیمود دلیل که بر سفر شود اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که زمین از بر گشت می شکافت دلیل که بشغلی بزرگ مشغول
شود و از فعل آن منفعت یابد اگر زمین خوش آباذان بیند دلیل که کارش
نیکو گردد و اگر زمین خراب بیند کارش ضعیف گردد یا با کسی خصومت
افتد اگر خود را در زمین کشته بیند دلیل که او را با کسی انبازی بود یا زنی
بنکاح بخواهد اگر بیند که آب آمد و زمین او را غرقه کرد و آن کشت را تباه
کرد دلیل که از پادشاه ملامت یابد جعفر صادق گوید زمین در خواب
بر چهار وجه بود اول زن دوم دنیا سوم مال چهارم ولایت زن ابن سیرین
گوید زن جوان در خواب شادی بود و زن پیر شغل این جهان و نیز دیدن
زنان در خواب بعد جوانی و جمال و فربهی و لاغری بود و بهترین زنان که
در خواب بینند زنی باشد که معروف نباشد و زن خوب روی فربه
در خواب فراخی بود و زن زشت لاغر قحط بود و شکی و زن شاذمان
آراسته مراد این جهانی بود و زن پیر ترش روی جرکن دلیل بد حالی وی
مرادی کرمانی گوید اگر زنی بیند که او را قضیب بودی چون مردان دلیل
که فرزندی آورد و آن فرزند بر خاندان بزرگ و سرور باشد اگر زن جوان بیند
که پیر شده بود دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا او کند اگر زنی بیند که قضیب
داشت و مجامعت کرد دلیل که در کاری رسوا شود اگر مردی بیند که
با زن از پس مجامعت کرد حرمت و بزرگی او را باطل کرد اگر زنی بیند که مرد
شد و جامه مردانه پوشید اگر آن زن مستور بود دلیل بر خیر و صلاح بود و
اگر مفسد بود دلیل بر شر و فساد بود مغربی گوید زنان روسپی اهل دنیا
زیادتی مال و اهل صلاح زیادتی علم و زن غریب بتاویل بهتر از زن آشنا

باشد اگر بیند که بزن وی کسی دست دراز کرد اهل آن زن توانگر شوند
اگر بیند که زن وی نزدیک بیگانه بفساد شد دلیل که بسری ناید و خیر و
منفعت بوی رسد جعفر صادق گوید زن در خواب بر شش وجه بود
اول شادی دوم دنیا سوم شغل این جهانی چهارم فراخی نعمت پنجم
قحط ششم توانگری **زنار** ابن سیرین گوید اگر بیند که زنار در میان
بسته بود اگر بیننده مستور باشد انصاف از خصم بستاند و اگر مستور
نبود بر وی توبه باید کرد جابر مغربی گوید اگر بیند که زناری در دست داشت
دلیل که در دین ضعیف شود اگر بیند که زنار در میان بسته بود اگر بیننده
مستور بود دلیل که کافر شود و اگر بیند که زنار ببرید و بیفکند چنانک
از کار بد توبه کند و بخدای تعالی باز گردد و راه صلاح اختیار کند **زنبور**
ابن سیرین گوید زنبور بخواب مردم دون سفله بود اگر بیند که زنبور
وی را بگزید از مردی دون وی را رنج رسد اگر بیند که زنبور بسیار بروی جمع
شدند دلیل که میان مردم گرفتار شود خاصه چون زنبوران وی را بگزند
کرمانی گوید اگر بیند که زنبور او را بگزید دلیل که از زنی بد آزار بیند
اگر زنبور بسیار در خانه جمع بیند دلیل که او را با زنان بد سخن چین کار
افتد اگر بیند که زنبوران بکشت بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که بر هوا
زنبوران بی قیاس گرد آمده بودند دلیل که لشکری آنجا رسد جعفر صادق
گوید دیدن زنبور در خواب بر شش وجه بود اول غوغا دوم مردم دون
سوم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم و رهزنان **زنبیل** ابن سیرین گوید
زنبیل در خواب زن بود یا کنیزک اگر بیند که زنبیلی داشت دلیل که وی را خادمی
حاصل شود و بعضی گویند زنبیل مال و نعمت بود جعفر صادق گوید زنبیل

در خواب بر هشت وجه بود اول غوغا دوم مردم دون سیم لشکر چهارم
صلح پنجم دشمن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت زنجبیل
ابن سیرین گوید زنجبیل در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن از مضرت
و زیان و بعضی معبران گویند زنجبیل دلیل بر حکومت و گفتگوی کند و خوردن
و دیدن زنجبیل در خواب بی نفع بود زنجیر ابن سیرین گوید زنجیر در خواب
معصیت و گناه بود اگر بیند که زنجیر کوتاه و ضعیف داشت معصیتش اندک
بود اگر بیند که زنجیر بگسست و بینداخت دلیل که از گناه توبه کند و بخدای
باز گردد مغربی گوید اگر بیند که در گردن زنجیر داشت دلیل که مظالم در گردن
دارد اگر بیند که زنجیر بر دستها داشت در مال کسان دست درازی کند
و از حرام نیندیشد اگر بیند که بر پایها زنجیر داشت دلیل که در خانها مردم
معصیت و فساد کند و دیدن زنجیر در خواب مردی عاصی گنهکار بود
زنخ مهتران خاندان بود و خداوند شغل بسیار اگر بیند که زنخ بزرگ بود
دلیل که از بهر اهل بیت خواهد کرد مغربی گوید اگر بیند که با سیخ بر زنخ وی زد
دلیل که مهتر خاندان سخنی سخت بوی گوید که از آن رنجور شود اگر بیند
که از زنخ وی خون روان شد بقدر آن از مهتر خاندان زیان رسد و بعضی
از معبران گویند که در کسب و کارش نقصان افتد زندان ابن سیرین گوید اگر
بیند که در زندان بود و آن زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک او باشد اگر
زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود اگر بیند که در زندان بند بر پای
داشت دلیل که بر عملی که باشد دیر بماند و در غم و فکر بود کرمانی گوید اگر
خداوند خواب مستور باشد و خود را در زندان معروف بیند دلیل که بزرگی
بیند و اگر مستور نبود از جهت شغلها دنیا مبرا غم و اندوه رسد

اگر بیند که مردی زندانی بپای بند می رفت دلیل کار بسته او بگشاید جعفر
صادق گوید دیدن زندان در خواب چون معروف باشد یافتن مراد و عاقبت
نیکو بود قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه چون مجهول بود گور باشد
و غم و اندوه چنانک یوسف صدیق علیه السلام گفت السجن قبر الاحیا
و منزل البلوی و تجربة الصدیق و شماتة الاعداء یعنی زندان بخواب گور زندگانست
و منزل بلاست و آزمایش کردن دوستانست و خرم کردن دشمنانست اگر بیند
که در زندان شد و زود بیرون آمد دلیل که مراد تمام بیابد ابن سیرین گوید
زندان در خواب گور بود زنگله ابن سیرین گوید زنگله در خواب دلیل بر
جنگ و خصومت کند اگر بیند که زنگله داشت با کسی جنگ کند اگر بیند که
کسی آنرا زنگله زرین یا سیمین داشت دلیل که وی را با اهلی خصومت افتد
زهار ابن سیرین گوید اگر بیند که در زهار نگریست و پنداشت که هرگز موی
نبود دلیل که کار بر وی بسته شود اگر بیند که بر زهار او موی بسیار رسته
بود غمگین و مستمند شود بسبب زنان اگر بیند که در زهار دردی یا رنجی بود
بقدر آن رنج وی را زحمت رسد جعفر صادق گوید دیدن زهار در خواب بر
دو وجه بود اول زن دوم مال و هر زیادت و نقصان که در آن بود تاویل
آن بر زن و مال وی افتد زهر ابن سیرین گوید زهر خوردن در خواب مال حرام
بود و حرب و کشتن بناحق اگر بیند که زهر خورد بقدر آن مال حرام خورد
یا خون ناحق بریزد اگر بیند که تن وی آماس گرفته بود از خوردن زهر دلیل که
مال حرام حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که تن وی زهر آلوده است دلیل که گردی
کرد بود سخت حریص بود و بعضی معبران گویند سخنی که بگوید اقدام نماید اگر بیند
که تن وی را از آن زهر گزند رسید بقدر آماس تن وی را غم و اندوه رسد اگر بیند

که زهر خورد از کسی خشم فرو خورد **زهره** ابن سیرین کویذ اکر بیند که زهره
مردم میخورد دلیل که خشم فرو خورد اکر بیند که زهرهٔ چهارپای میخورد بقذر
آن مال حرام یابذ اکر بیند که زهرهٔ ددان میخورد بذخوی و خشمناک شوذ مغربی
کویذ اکر بیند که تن وی بزهرهٔ مردمان آلوذه کشت از آن مردم چیزی یابذ اکر بیند
که تنش بزهرهٔ چهارپای آلوذه کشت دلیل که لباس حرام پوشذ اکر بیند که بزهرهٔ
ددان آلوذه کشت دلیل که صحبت با کسی دارذ که بذخوی و ناسازکار بوذ **زوبین**
ابن سیرین کویذ اکر بیند که زوبین بر دست داشت و جز زوبین هیچ سلاح دیکر
نداشت دلیل که او را فرزندی آیذ و اکر با زوبین سلاحها داشت دلیل که
او را فرزندی آیذ و از پادشاه خیر و بزرکی رسد و بر دشمن ظفر یابذ مغربی
کویذ اکر بیند که بر کسی زوبین انداخت کسی را سخن بذ کویذ اکر بیند که کسی را
بزوبین مجروح کرد بهتانی بر کسی نهذ **زیتون** ابن سیرین کویذ زیتون
در خواب غم و اندوه رسذ اکر بیند که زیتون داشت و میخورد بقذر آن
غم و اندوه خورد مغربی کویذ اکر زیتون تلخ بوذ و با نان میخورد او را استغنی
بسختی حاصل شوذ کرمانی کویذ زیتون در خواب خیر و برکت باشذ اکر بیند
که روغن زیتون می یالوذ و می خورد بقذر آن غم و اندوه خورد **زیربا**
ابن سیرین کویذ زیربا چون بطعم ترش نباشذ و میلش بشیرینی دارذ دلیل
بر خیر و منفعت باشذ و چون میل بترشی دارذ غم و اندوه باشذ و چون
در وی زعفران باشذ دلیل بر بیماری کنذ بعضی کویند خوردن زیربا
دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بوذ **زیلو** ابن سیرین کویذ زیلو در خواب
چون کسترده بوذ دلیل بر درازی عمر و سلختکی کار دنیا کنذ و هر چند زیلو
درازتر بوذ به باشذ و چون زیلو در نوشته بوذ دلیل بر نقصان عمر کنذ

اکر سند

اکر بیند که بر زیلو کوچ نشسته بوذ و آن زیلو در زیر وی فراخ شذ دلیل
که عیش و روزی بر وی فراخ شوذ اکر بخلاف این بیند عیش و روزی تنک
شوذ کرمانی کویذ اکر بیند که زیلو فراخ کسترده بوذ عیش و روزی بر وی
فراخ شوذ اکر زیلو بدست خوذ در نوشت و بکنج خانه نهاذ عز و دولت
خوذ تباه کنذ اکر بیند که زیلو بر پشت نهاذ امانت مردم بر کردن وی
جمع شوذ اکر بیند که زیلو در نوشت و بکسی دیکر داذ دلیل که عمر او بآخر
آمده باشذ مغربی کویذ اکر بیند که زیلو نو پاکیزه داشت دلیل که نعمت
بر وی فراخ شوذ اکر بیند که زیلو وی کهنه و دریذه بوذ عیش بر وی دشوار
شوذ اکر بیند که زیلو مجهول افکنده بوذ دلیل که آنچه دارذ از دست وی
برود اکر بیند که زیلو بوی داذند و در خانه بکسترد دولت و اقبال یابذ
و عمرش دراز کردذ جعفر صادق کویذ دیدن زیلو در خواب بر شش
وجه بوذ **اول** سلختکی کار **دوم** عمر دراز **سوم** روزی فراخ **چهارم**
عز و دولت **پنجم** دشواری عیش **ششم** کناه **زین** ابن سیرین کویذ
زین بخواب زن بوذ چون بر پشت چهارپای نباشذ اما چون بر پشت چهارپای
باشذ حکم بر وی نیک آن به راکب باشذ اکر بیند که زینی بخریذ یا کسی بوی داذ
دلیل که کنیزکی بخرذ یا زنی بخواهذ و خداوند مال بسیار بوذ و باشذ که مال
میراث یابذ اکر بیند که زین وی بشکست دلیل که زن وی بمیرذ یا بیمار شوذ
اکر بیند که زین وی بزر و سیم آراسته بوذ زنش خوذبین و متکبر بوذ و اکر
بیند که زین وی سیاه بوذ و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و دین
دار بوذ و زین در خواب دلیل زن و دلاله بوذ والله اعلم **حرف السین** **سار**
مرغی است ابن سیرین کویذ سار بتاویل مردی باشذ مکار که بسیار سفر

کند اگر بیند که ساری بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی سیاه قد آور
صحبت دارد اگر بیند که از گوشت سار میخورد سار در خواب مردی کافر
بود که سخن دروغ بسیار گوید اگر بیند که سار بسیار بر وی جمع شد دلیل که
میان کافران گرفتار شود **سارو** ابن سیرین گوید سارو در خواب مردی شجاع
بود اگر بیند که سارو بر داشت دلیل که مردی چنین که گفتیم صحبت افتد
و از وی خیر و منفعت بیند اگر بیند که سارو بشکست یا ضایع شد دلیل
که از چنین مردی که گفتیم صحبت افتد و از وی خیر و منفعت نبیند
ضایع و جدا شود مغربی گوید سارو در خواب مردی بود که کارها در شود
بسبب وی آسان گردد خاصه که سارو بزرگ بود **ساعد** ابن سیرین
گوید ساعد دست دوست و ابناء و معتمد بود اگر بیند که ساعد دستش
قوی بود دلیل که او را از دوست و ابنا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که
ساعد دستش بشکست دوست و ابنا از وی جدا شود مغربی گوید اگر بیند که
بر ساعد دست وی موی بسیار بود دوستان از وی جدا شوند و غمگین
شود اگر بیند که موی از ساعد دست خود بسترد دلیل که وامش گزارده شود
ساق ابن سیرین گوید ساق در خواب مال بسیار بود که مردم را بدان اعتماد
بود و معبران گویند ساق مردان عمر باشد اگر بیند که ساقش درست و قوی
بود دلیل که حال و کارش نیکو شود اگر ساق ضعیف و سست بیند
کارش ضعیف و بی نظام بود کرمانی گوید اگر بیند که ساقش آهنین
یا رویین بود عمرش دراز شود و مالش باقی بود اگر بیند که ساق وی بشکست
یا از تن وی بیفتاد عاقبت بد باشد مغربی گوید دیدن ساق در خواب
مرد از زن بود و زن را شوی اگر بیند که ساقها وی بر یکدیگر پیچید نشان

هلاک بود اگر بر ساق موی بسیار بیند وام دار شود اگر بیند که موی از ساق
بسترد وامش گزارده شود جعفر صادق گوید دیدن ساق در خواب بر چهار
وجه بود **اول** مال **دوم** معیشت **سوم** عمر **چهارم** مرد از زن و زن را
شوی **سایه** ابن سیرین گوید سایه در خواب بزرگی و هیبت بود و سایه
بادشاه و سایه کوشک در تاویل بادشاه بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود
و سایه درخت آسانی و راحت باشد اما در سایه درخت بی برگ دلیل بر فساد
کند. کرمانی گوید اگر بیند که در جایی بر سایه نشسته بود مرگش نزدیک باشد
الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا جعفر صادق گوید
نشستن در خواب بر سایه بر پنج وجه بود **اول** بزرگی **دوم** هیبت **سوم**
پناه **چهارم** منفعت **پنجم** ملک **سایه بان** ابن سیرین گوید سایه بان در
خواب بادشاه مرد و معتبر بود اگر بیند که در زیر سایه بان نشسته بود دلیل که
با خدمت چنین بادشاهی بپیوندد اگر بیند که سایه بان بر وی افتاد و گزندی
نرسید، بادشاه بر وی خشم گیرد مغربی گوید اگر بیند که سایه بان پشمین
بود یا کرباسین و بلون سبز یا سفید بود دلیل که خدمت بادشاه پارسا
عادل کند اگر بخلاف این بیند خدمت بادشاه عادل نکند **سیب** ابن سیرین
گوید سیب در خواب غم و اندوه بود و خوردن وی نقصان مال و کاری
کند که ملامت یابد **سپر** ابن سیرین گوید سپر در دست داشتن پناه او
گناه. بادشاهش پناه بود اگر بیند که با سپر سلاح دیگر بود دلیل که مردی
با فرهنگ باشد که برادران و دوستان از شر نگاه دارد اگر بیند که سپر بر
زمین نهاد با مردی فاضل صحبت افتد و منفعت بیند جعفر صادق گوید
دیدن سپر در خواب بر هفت وجه بود **اول** برادر **دوم** یار **سوم** قوت

چهارم پسر پنجم ابنی ششم نشیب وبنا، بقدر بزرکی سبزه. سبزه ابن سیرین
کوید سبزه بخواب مال وشادی بوذ اکر بخواب بیند که سبزه رسته داشت
ویرا از مردی بزرک مال حاصل شوذ اکر سبزه کاو داشت دران سال مال یابد
اکر سبزه چهارپای داشت ویرا از مردم غریب مال حاصل شوذ اکر بیند که سبزه
دذ داشت بقدر آن از زیر زمین مال یابذ جعفر صادق کویذ دیذن
جمله سبزها در خواب مال بوذ اکر سبزه جانوری که حلال کوشت
باشذ مال حلال یابذ واکر حرام باشذ حرام. سبزه ابن سیرین کوید سبزه
در خواب دین بوذ خاصه در وقت وی اکر بیند که دران زمین کیاه مجهول
بوذ که اورا نشناخت ودران نکاه میکرد بتعجب ودانست که آن زمین ملک
وی است این جمله دلیل بر دین و دیانت کند. اکر بیند که زمینی داشت
ودران سبزه بسیار بوذ دلیل بر صلاح وپاکدینی کند. اکر بیند که دران
زمین کیاه معروف بوذ فراخی نعمت ومال وی بوذ مغربی کویذ سبزه در
خواب جون بوقت بیند زهد وورع بوذ ابن سیرین کویذ سبزه زار در خواب
سلامتی بوذ اکر بیند که درمیان سبزه زاری مقیم شذ در راه دین مقیم
شوذ اکر مرده درمیان سبزه زار بیند دلیل بر نیکویی عاقبت احوال
او بوذ وثواب آخرت یابد. کرمانی کویذ اکر سبزه زار خرم وتازه بیند
وداند که ملک اوست دین پاک ودیانت وورع او باشذ واکر سبزه زار
بیمار وزرد وپژمرده بیند تاویلش بخلاف این بوذ اکر بیند که در سبزه
زار ملک دیکران بوذ دلیل که اورا صحبت باکسانی بوذ که با دیانت وبا ورع باشذ
واکر بخلاف این بوذ صحبت او بامفسد بوذ جعفر صادق کویذ دیذن سبزه در
خواب بر چهار وجه بوذ اول راه اسلام دوم دین سوم اعتقاد پاک چهارم

ورع وپرهیزکاری. سبل ابن سیرین کویذ اکر بیند که بر چشمها سبل داشت
چنانک نمی توانست دیذن بقدر تاریکی چشم در دین نقصان بوذ خاصه
جون سیاه دارذ واکر چشمها ازرق دارذ وسبل دران دلیل که در راه بدعت
بماند واکر چشمها شهلا بوذ وسبل دران دلیل که در راه بدعت بماند وفرزندش
بیمار کردذ اکر بیند که سبل از چشم وی بر کرفتند توبه کند وبعضی کویند
فرزندش از بیماری شفا یابد. واکر در غربت بوذ بسلامت باوطن آید
ابن سیرین کویذ سبو در خواب مرد و زن منافق بوذ که بر دست وی مال
ضایع شوذ کرمانی کویذ سبو در خواب کنیزک بوذ یا خادم اکر بیند که سبوی
نو فرا کرفت یا بخرید کنیزکی خوذ یا خادمی حاصل کند. اکر بیند که سبو بشکست
یا ضایع شد کنیزک یا خادمش بمیرد اکر بیند که سبوی وی سوراخ شذ
کنیزک یا خادمش بیمار کردذ اکر بیند که سبو پر آب صافی بوذ از کنیزک یا
خادم منفعت یابذ جعفر صادق کویذ دیذن سبو در خواب بر پنج وجه
بوذ اول مرد و زن منافق دوم زن سوم خادم چهارم کنیزک پنجم فواید دین
سبوس ابن سیرین کویذ سبوس در خواب دلیل بر نیازمندی کند. اکر بیند که مردم
نان سبوس میخوردند دران دیار قحط افتد اکر بیند که سبوس از خانه بیرون
ریخت دلیل بر فراخی نعمت بوذ جعفر صادق کویذ دیذن سبوس در
خواب بر سه وجه بوذ اول نیازمندی دوم قحط سوم سختی معیشت
سپیداب کرمانی کویذ سپیداب در خواب غم واندوه بوذ اکر بیند که سپیداب
داشت سبب کاری یا کسی کفت وکوی کند وهرآینه غمکین کردذ. سفیدروی
ابن سیرین کویذ سفیدروی از حبش ترسایان بوذ اکر بیند که سفیدروی
داشت بقدر آن متاع دنیا حاصل کند. کرمانی کویذ سفیدروی مرد مکار

بود و بعضی معبران گویند که خدای خانه بود و نیك و بدان بکدخدای خانه
بان کرده سپیدمهره ابن سیرین گوید اگر بیند که سپید مهره می جمید از نهان
وی ظاهر گردد اگر سپید مهره نداند زدن کاری کند که ان کار نداند
معزبی گوید سپید مهره بنا و یا مرد ان رنج و سختی و زنان رسوائی
و ظاهر شدن راز جعفر صادق گوید سپید مهره در خواب بر چهار
وجه بود اول مکروه دوم سخن دروغ سوم ظاهر شدن راز چهارم
رنج و سختی ستارگان دانیال گوید ستارگان دلیل بر بندگان و امیران و آفتاب
دلیل بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر اگر زحل بخواب بیند اورا با دهقان شغلی
افتد و اورا مال و نعمت رسد اما بخیل و سفله بود و اگر مشتری بخواب بیند
اورا با مهتری مصلح نیك خواه کار افتد اگر مریخ بیند با سرهنگی خونخوار
بدکردار کار افتد اگر زهره بخواب بیند پیوستگی بود با خاتونان و خادمان
و زنان محتشم و از ایشان خیر و راحت بیند و اگر عطارد بود پیوستگی بود
با حکیم و متکلم و از او فایده رسد اگر بیند که ستارگان بعضی با وی سخن
گفتند بزرگی و منزلت یابد ابن سیرین گوید اگر ستارگان ثابته همچون عیوق
و سهیل و اکلیل که بعضی از مشرکان می پرستیدند از ایشان یکی بخواب
بیند دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد اگر بیند که ستاره روشن بر زمین
افتاد و ناپدید شد عالمی در ان دیار بمیرد وعلامات وبالنجم هم یهتدون
اگر بیند که ستارگان می گردند فتنه و آشوب در بزرگان افتد اگر بیند که ستاره
بر سر وی افتاد از پادشاه نعمت و مال یابد اگر بیند که ستاره را بدست گرفت و برا
بسری یابد و مقرب پادشاه گردد اگر در خانه خود ستاره بیند او را فرزندان بسیار
بود کرمانی گوید اگر بیند که در آسمان ستارگان متفرق شدند دلیل که تفرقه

در پادشاه افتد اگر بیند که ستارگان سعد بهم جمع شدند حال نیك بود
اگر بیند که ستارگان مطیع وی شدند پادشاهی یابد اگر بیند که ستارگان
سخن چیزی می گفتند دلیل که پادشاه عادل و دادگر باشد اگر بخلاف این بیند
پادشاه ظالم و ستمگر باشد اگر بیند که ستارگان باهم جنگ میکردند دلیل
که در ان دیار جنگ و کارزار افتد اگر بیند که ستارگان در آستین خود نهاد
دلیل مال حاصل کند معزبی گوید اگر بیند که ستاره در برابر او منخسف شد
و در کنار وی افتاد او را فرزندی آید عزیز و گرامی اگر بیند که ستاره که خداو
طالع اوست در منزل خویش است دلیل که نسلش زیادت شود اگر بیند که
ستاره پرستید خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث گوید ستارگان
که در بیابان مردم بدان راه می برند دلیل بر خیر و منفعت کند و بدان
ستارگان که مردم از او می پرستند دلیل بر شر و مضرت کند جعفر صادق گوید
دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود اول فقها دوم علما سوم قضاة
چهارم خلفا پنجم وزرا ششم دبیران هفتم خزانه داران هشتم مردمان جنگ
جوی نهم شاکران حکایت آورده اند که در بغداد مردی بخواب دید که
که ستاره روشن در زمین افتاد معبران گفتند عالمی بمیرد در ان هفته امام
اعظم ابو حنیفه رحمة الله علیه از دنیا رحلت کرد ستون ابن سیرین گوید
ستون در خواب خداوند دولت و اقبال بود اگر بیند که ستونی داشت قوی
و راست از مردم مقبل مالی تمام حاصل کند اگر بیند که ستون بروی بشکست
یا بسوخت آن مرد از دنیا برود کرمانی گوید دیدن ستون در خواب اسلام
بود اگر بیند که ستونی باریك داشت در راه دین ضعیف بود معزبی گوید
ستون در خواب خداوند خانه باشد اگر بیند که ستون خانه بیفتاد یا
بشکست خداوند خانه هلاك شود جعفر صادق گوید ستون در خواب

بر پنج وجه بود اول خداوند دولت دوم مرد محکم در اسلام سوم
مرد محتشم چهارم قوت در کارها پنجم ولایت **سجاده** ابن سیرین
گوید اگر بیند که در مسجدی نشسته بود بر سجاده بسفر حج رود واتخذوا
من مقام ابرهیم مصلی خاصه چون بیند که در مسجد معتکف شد مغربی
گوید اگر بیند که سجاده پشمین یا پنبه داشت بطاعت و عبادت حریص
گردد اگر بیند که سجاده وی بسوخت تاویلش بخلاف این باشد اگر بیند که
اگر بیند که سجاده ابریشم بود طاعت ریایی کند **سجده** ابن سیرین گوید
اگر بیند که خدای تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد اگر
بیند که جز خدا سجده کرد دلیل که مرادی که دارد بر نیاید جعفر صادق
گوید اگر بیند که مهتری را سجده کرد از سلطان رنج و معصیت رسد افتعبدون
من دون الله ما لا ینفعکم شیئا ولا یضرکم **سختن** ابن سیرین گوید اگر بیند که ترازو در دست
داشت و چیزی می سخت دلیل که حکم و داوری کند میان مردم اگر
بیند که راست سخت حکم براستی گوید وزنوا بالقسطاس المستقیم اگر بیند که
کج سخت حکم کج کند کرمانی گوید اگر بیند که چیزی می سخت اگر اهل علم بود
قاضی گردد و اگر عالم نبود بقاضی محتاج شود جعفر صادق گوید چیزی
راست سختن بر چهار وجه بود اول حکم راست دوم نیکویی سوم
محتاج شدن بداوری چهارم حاکم شدن و اگر کج سخت بخلاف این بود
سخن ابن سیرین گوید سخن گفتن و شنیدن تاویلش بر زبانها مختلف
بود اگر بیند که بر زبان عربی گفت یا شنید دلیل که از مهتران عز و جاه یابد
و اخبار رسول علیه الصلوة و السلام سماع کند اگر بفارسی گفت یا شنید
با مهتران ویرا صحبت افتد و از ایشان نیکویی بیند اگر بیند که بزبان
عبری سخن گفت یا شنید میراث یابد اگر بزبان هندی گفت یا شنید

سجاده

سخن

با مردم بی اصل دون همت او را کاری افتد اگر بزبان ترکی گفت یا شنید
خبر ناخوش شنود اگر بزبان قبطی گفت یا شنید با دهاقین صحبت کند
اگر بزبان خوارزمی گفت یا شنید خبری مکروه شنود اگر بیند که بزبان
سقلابی گفت یا شنید با مردم نا انصاف او را شغلی افتد اگر بزبان
یونانی گفت و شنید بر معقولات مشغول شود اگر بزبان رومی گفت یا شنید
از صحبت نادانی غم و اندوه رسد کرمانی گوید اگر بیند که همه زبانها سخن
گفت و شنید در همه کارها شروع کند و او را از آن منفعت بود معبری
گوید بهر زبان که او را در خواب سخن گوید و شنود اگر خیری گوید
تاویلش خیر و صلاح بود و اگر شر گوید بخلاف این اگر بیند که بر اندامی
از اندامهای وی سخن گفت دلیل که بر خویشتن گواهی راست دهد
یوم تشهد علیهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم بما کانوا یعملون وهر اندامی
که بدان سخن گوید ستم و بیداد باشد ابن سیرین گوید سداب در خواب
خصومت و داوری بود اگر بیند که سداب داشت یا کسی بوی داد دلیل
که با کسی خصومت کند و اگر بیند که سداب خورد خصومت زیادت باشد
مغربی گوید اگر بیند که سداب زرد شده بود و مجوز دلیل بیماری بود اگر
بیند که سداب بکسی داد یا از خانه بیرون افکند از جنگ و خصومت رسته
گردد و درد بدن سداب بهتر باشد **سر** بخواب دیدن مهتر قوم باشد
اگر بیند که سری بریان بستد دلیل که مهتری یا دوست و خواستار شود
و از وی چیز و منفعت بیند اگر بیند که بی زخم تیغ سرش از تن جدا گردد
اگر غلام دارد آزاد شود و از غم فرج یابد اگر بنده بیند آزاد شود
اگر بیمار بیند شفا یابد اگر مهتری سر بریان در خواب بیند ولایت یابد

سداب

اگر بیند زنی توانگر خواهد ابن سیرین گوید اگر کسی سرها بریده بسیار
بیند دلیل که جمعی مهتران انجا شوند اگر بیند که ازان سرها موی یا پوست
یا مغز داشت ازان مهتران مال یابد اگر بیند که پوست سرها میخورد بقدر آن
از مهتران و ریشان مال حاصل کند اگر بیند که پوست سر چهارپای میخورد
مال یابد اگر بیند که پوست مردم خام میخورد دلیل که مهتری با وی عتاب کند
اگر بیند که سر مردی معروف میخورد دلیل که سرمایهٔ خود بخورد اگر بیند که سر
چهارپای دشتی میخورد مال یابد اگر بیند که سر مردی مجهول میخورد دست مایهٔ
کسی بخورد اگر بیند که سر مرغ میخورد مال پادشا بخورد اگر بیند که مردی
سری پیش وی آورد دلیل که سروران آن گروه گرد و ازیشان خیر و نیکی
بیند اگر در خواب سر زنی از زنان توانگر بیند راحت یابد اگر بیند که سر
گوسفندی میخورد عمرش دراز شود و مال حلال یابد اگر بیند که سر گاو
میخورد آن سال مال و نعمت یابد کرمانی گوید اگر کسی در خواب سر خود
بزرگ بیند جاه و بزرگی یابد اگر خود را دو سر بیند کارش قوی گردد
اگر سر خود را برهنه بیند از شغلی که بود معزول گردد و غمگین و مستمند
شود و اگر بر سر خود جراحتی بیند که ازان جراحت خون می‌رفت او را
با کسی داوری افتد اگر بیند که از سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین افتاد
دلیل که سرمایه از دست وی برود اگر بیند که مغز با زجای نهاد مایه وی
با زجای آید اگر سر خود را چوب بیند کارها حاصل کند اگر بیند که سر بریده
در دست داشت و ندانست که سر کیست دلیل که دو هزار درم یابد اگر دو
سر داشت مال بسیار یابد یا در ولایتی مهتر و فرمان روا گردد اگر بیند که
سر با وی سخن گفت نیک دلیل داد و انصاف دهد اگر سخن بد گفت خلاف

این بود اگر سر خود را بدو نیم بیند چنانک یک نیمه در دست راست داشت
و یک نیمه در دست چپ دلیل مادر و پدر وی بمیرد اگر سر خود را بر دست
خود بیند از مهتری خیر و منفعت یابد مغربی گوید اگر بیند که سر وی چون
سر پیل شد ولایت یابد اگر بیند که سرش چون سر شیر شد بکام و مراد
گراید اگر بیند که چون سر اسب شد از پادشاه مال یابد اگر بیند که چون
سر خر شد از بخت کامکاری یابد اگر بیند که همچون سر گاو شد بنزد خلق
خوار شود اگر بیند که چون سر گوسفند شد جهال بروی غالب گردد
اگر بیند که چون سر شتر شد فرمان روایی یابد و دشمن را قهر کند اگر بیند
که چون سر سگ شد دلخواری یابد اگر بیند که چون سر خوک شد مال
بگذارد اگر بیند که سر وی آبگینه شد دلیل هلاک بود اگر بیند که سر زرین
یا سیمین داشت مال و نعمت یابد اگر بیند که سر وی آهنین یا سنگی بود
خدمت مهتری سفله کند اگر بیند که سر وی چوبین بود اجلش نزدیک شود
اگر بیند که سر وی سفالین بود خدمت مردی لاف زن بود اگر بیند که سر وی
شعلهٔ آتش می‌آویخت دلیل که کارش بالا گیرد اگر بیند که سر وی چون
سر ترکان بود ولایتی از گراف بگیرد اگر سر او چون مرغان بود بسفر شود
اگر بیند که سر خود بریده در دست داشت او را بردار کنند اگر سر خویش پخته
میخورد سرمایه خود بخورد اگر بیند که سرش از تن جدا کردند و بعد ازان باز جای
نهادند و درست شد عاقبت درجه شهید یابد اگر بیند که سری در کنار
داشت و زنش آبستن بود پسری آورد و اگر زنی سر خود را تراشیده بیند
شوهرش بمیرد اگر بیند که سر بریان میخورد مال یابد خلف اصفهانی گوید
سر بریان بتاویل ریشی یا مهتری باشد اگر بیند که سر بریان بخرید یا کسی بوی

داد و از آن بخورد از مهتری فایده یابد اگر بیند که سر خام میخورد مهتری را
غیبت کند و سر پخته بهتر از خام حافظ معبر گوید که سر مردم بخواب
بد بود یا مهتری یا پسر اگر سر خود را بریده بیند از بد رها شود یا از بیم بر شود
اگر سر خود بر دست خود بیند دلیل که باز ایشان پیوندد و اگر بیند که
سر خود را بر کردن باز بست از کسی بضاعت ستاند و وام کند اگر ک
بیند که سرها بر نیزه در پیش داشت و رقص میکرد دلیل که مهتران او را
غم و مصیبت رسد اگر سر پادشاهی بر دوش بیند دلیل که ده هزار
درم یابد جعفر صادق گوید سر مردم در خواب دیدن بر دوازده
وجه بود اول رئیس دوم مهتر سوم پدر چهارم مادر پنجم
امام ششم امیر هفتم عالم هشتم ده هزار درم نهم پسر دهم
غلام یا کنیزک یازدهم زن دوازدهم توانگری اگر بیند که سر بزرگ
کرد و جامهٔ پاک پوشید دلیل که او را با مهتران صحبت افتد و اگر جامهٔ
چرکن پوشید از مهتری غم و اندوه یابد اگر بیند که سرها در شوربا داد
و خام برآورد از مهتران کار زشت بر نیاید **سراب** تاویلش سخن باطل باشد
و علمی که در آن منفعت نباشد ابن سیرین گوید اگر بیند که در سراب
مقیم شد دلیل که بعلم باطل و سخنی که در وی خیر نباشد مشغول
شود اگر بیند که از زمین سراب جدا شد دلیل که بترک از علم باطل
بگوید اگر بیند که از خاک زمین سراب میخورد از علم باطل بیان جمع آورد
سراپرده ابن سیرین گوید اگر بیند که سراپرده بوخوی داشت که ملک
اوست دلیل که بزرگی و منزلت یابد و باشد که مهتر لشکر شود اگر
ببیند که در سراپردهٔ پادشاه مقیم شد از پادشاه حرمت یابد اگر بیند که

سراپردهٔ پادشاه بیفتاد زوال مملکت وی بود اگر بیند که سراپردهٔ
پادشاه بسوخت دلیل که پادشاه بمیرد اگر بیند که پادشاه از سراپ
پرده بیرون آوردند دلیل که پادشاهی از وی برود اگر بیند که سراپرده
پادشاه با خود بر هوا برد دلیل که پادشاهی یابد و ملک او بستاند
جعفر صادق گوید دیدن سراپرده در خواب بر پنج وجه بود اول
سلطنت دوم ریاست سوم ولایت چهارم دولت پنجم سرهنگی **سرای**
دانیال گوید اگر بیند که در سرای بیگانه شد و هیچ کس نشناخت و
در انجا مردگان دید دلیل که آن سرای آخرت است و وقت اجلش باشد
اگر بیند که در انجا شد و بیرون آمد دلیل بیماری بود لیکن شفا یابد اگر
بیند که بسرای معروف شد که بنیاد وی از گل کرده بودند روزی حلال
یابد و اگر بنیاد از سنگ و آجر بود جو بینه مال حرام بود اگر سرای بزرگ
فراخ بیند روزی بر وی فراخ شود و اگر سرای کوچک بیند تاویلش
این بود ابن سیرین گوید اگر بیند که سرای خود می کند دلیل که راه صلاح
بر خود به بندد و عبادت بکند اگر بیند که سرای کهنه می کند در خیرات
بر وی گشاده شود اگر بیند که در سرای نو پاکیزه شد دلیل که مالش
زیادت شود کرمانی گوید اگر بیند که سرای وی نو شد او را دختری
یا خواهری آید اگر بیند که صفه نو پاکیزه بود دلیل بر شدن سختی و غم
در از مادر و پدر وی کند مغربی گوید اگر بیند که بسرای نو پاکیزه درون
شد و دانست که ملک اوست روزی بر وی فراخ گردد و عز و جاه یابد
جعفر صادق گوید دیدن سرای در خواب بر هشت وجه بود اول
مرد را زن و زن را شوی دوم توانگری سوم ایمنی چهارم مال پنجم

عیش **ششم** ولایت **هفتم** عزت **هشتم** امانت **سرب** ابن سیرین گوید
اگر بیند که سرب داشت دلیل که از مال دنیا چیزی دون اورا حاصل
شود اگر بیند که سرب می گداخت دلیل که بر زبان مردم افتد به
بدی **سرخی** بدانک در جامهٔ مردان در دنیا کراهت بود و رنج و اندیشه
و زنان را خیر و خرمی اگر مردی بیند که همه جامهٔ او سرخ بود دلیل که
فتنه و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم ستم و قهر کند بقدر سرخی
جامها **سرنجه** سرنجه در خواب دلیل بر زیادتی مال بود اگر بیند که
سرنجه بر تن وی پدید امد مالی برنج و سختی حاصل کند اگر بیند که سرنجه
بر تن وی ناپدید شد تاویلش بخلاف این باشد **سرفیدن** ابن سیرین گوید
سرفیدن در خواب بر پنج وجه بود **اول** سرفه تر **دوم** سرفه خشک
سوم سرفه بلغم **چهارم** سرفه که خون برارد **پنجم** سرفه که بلغم برارد
اگر بیند که بگاه سرفیدن بلغم براورد دلیل که پیش کسی شکایت کند
از بلایی که بوی رسد یا بسبب مال که ازوی ضایع شود اگر بیند که سرفه
خشک داشت شکایت که کند محال و بیهوده بود اگر سرفهٔ تر بلغمی داشت
شکایت وی از خویشان بود اگر سرفه وی خون داشت شکایت وی از
فرزندان بود اگر سرفه وی صفرا براورد دلیل که مردی بود که از همه
کس شکایت کند اگر بیند که پیش مهتری می سرفید دلیل که غم خوار
دین بود کرمانی گوید اگر بیند که اورا سرفه می امد دلیل ناتوانی باشد اگر
بیند که سرفه در گلوی وی بماند وقت مرگش بود اگر بیند که اورا
سرفه پیران پیدا شد چنانچه بلغم می انداخت از غم و سختی فرج یابد
اگر بیند که اورا سرفه جوانان پیدا شد همین تاویل کند جعفر صادق

گوید اگر بیند که می سرفید ان پادشاه افت بوی رسد **سرکه** ابن
سیرین گوید سرکه در خواب مال حلال بود با برکت و خوردنش
همین تاویل بود چنانک رسول علیه الصلوة والسلام فرمود نعم الادام
الخل و بعضی معبران گویند سرکه ترش در خواب غم و اندوه باشد و سرکه
فروش در خواب مردی خصومت طلب بود **سرگین** ابن سیرین گوید سرگین
گاو و اسب در خواب مال و نعمت بود اگر بیند که سرگین بسیار جمع اورد
اورا مال و نعمت حاصل شود و سرگین مردم مال حرام بود اگر بیند که
در آب خانه سرگین می انداخت دلیل که مکروهی بوی رسد و نقصان
مال بود اگر بیند که در بستر پلیدی میکرد دلیل که از مال بعضی بعیال
دهد اگر بیند که چون سرگین افگند از انجاک بپوشید دلیل که مال
در زمین پنهان کند کرمانی گوید اگر بیند که سرگین مردم بخورد مال حرام
خورد اگر بیند که بجایی مجهول سرگین افگند مال خود بجایی هزینه کند
اگر بیند که تن خود را بسرگین بیالود دلیل که در گناهی افتد اگر بیند
که اورا اسهال پیدا شد مال خود به اسراف خورد دانیال گوید سرگین
مردم مال حرام بود و سرگین چهارپای اماس گیرد و دام مالی باشد
که بظلم بدست اید مغربی گوید هر پلیدی که از مردم جدا شود زیان
باشد اگر بیند که در میان پلیدی باشد و در میان پلیدی که می رفت
غرق شد از پادشاهی غم و اندوهی بوی رسد اگر بیند که پای بر پلیدی
نهاد و بیفتاد و جامه و اندامش الوده گشت دلیل که از حاکم مضرت رسد
جعفر صادق گوید اسهال در خواب بر چهار وجه بود **اول** مال حرام
دوم گشایش **سوم** نفقه کردن بر عیال **چهارم** زوال غم **سرگردن**

بعضی جعل گویند دیدن آن در خواب مردی بود که مال حرام جمع کند ابن
سیرین گوید اگر بیند که جعلی بگرفت با مردی حرام خواره صحبت کند اگر بیند که
جعل بکشت مردم حرام خوار بکشد اگر بیند که جعل بخورد مال مردی حرام
خوار بخورد. **سرما** ابن سیرین گوید [illegible] در خواب رنج و مضرت بود اگر بیند که
در خواب بفسرد سرما او را درویشی [illegible] سختی بود اگر بیند که سرما وی را
گزند رسانید از خویشان مضرت بیند. **سرمه** ابن سیرین گوید سرمه در
خواب مال بود اگر بیند که سرمه در چشم کشید دلیل صلاح دین بود
اگر بیند که کسی سرمه بوی داد بقدر آن مال یابد. کرمانی گوید که سرمه در
خواب مال و جاه بود بعضی معبران گویند سرمه در خواب یافتن راه حق
و صواب بود. جعفر صادق گوید سرمه فروش در خواب مردی باشد که
راه دین مسلمانان نماید و در میان مردم صلح اندازد. اسمعیل اشعث
گوید سرمه فروش مردی بود که در صلاح خود و دین [illegible]
یا که چشم دین بود و سرمه روشنایی. **سرمه‌دان** ابن سیرین گوید سرمه
دان در خواب زنی بود که پیوسته خدای تعالی را یاد دارد و مردمان را
براه صلاح دین خواند اگر بیند که سرمه دانی داشت دلیل که زنی
بدین صفت بخواهد اگر بیند که سرمه دان بشکست زن وی بمیرد
مغربی گوید سرمه دان بخواب دیدن زن دیندار بود اگر بیند که
سرمه دان وی ضایع شد دلیل که از صحبت چنین زنی جدا شود اگر
بیند که سرمه دان بخرید کنیزکی خرد دیندار. **سرنج** کرمانی گوید سرنج
در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که سرنج داشت یا کسی بوی داد غمگین
و متفکر شود اگر بیند که سرنج میخورد بیمار شود اگر بیند که سرنج بر [illegible]

یا کسی را از غم و اندوه رسته گردد. **سرود** ابن سیرین گوید سرود گفتن
در خواب دلیل سخن باطل و معصیت باشد اگر بیند که سرود گفتن غم
و اندوه بود اگر بیند که سرود با نواهای دیگر می زدند چون دف و چنگ
و نای اندوه و معصیت بیشتر بود اگر بیند که سخنی می شنید سخن باطل
شنود. کرمانی گوید سرود گفتن به بازار در خواب توانگران رسوایی
باشد و درویشان غم و اندوه. معبران گویند سرود در خواب عالمی
یا حکیمی بود. جعفر صادق گوید سرود گفتن بخواب یا شنیدن بر شش وجه
بود. **اول** کلام باطل **دوم** غم و اندوه **سوم** مصیبت **چهارم** رسوایی
پنجم جنگ **ششم** علم و حکمت. **سروها** ابن سیرین گوید سروها بخواب دیدن
همه نیک باشد اگر سرو گاو نر بیند از بزرگی خیر و منفعت یابد اگر
سرو گاو ماده بیند در آن سال منفعت بسیار بوی رسد و هر چند
سرو شکسته‌تر باشد حاصل بیشتر اگر بیند که سروی در هوا معلق آویخته
بود دلیل که بر قوم آن دیار خیر و منفعت رسد. کرمانی گوید اگر بر سر
خود بیند که دو سرو داشت از بزرگی قوت یابد اگر بر سر خود سروها
بسیار بیند دلیل که غم و اندوه بسیار داشته باشد. مغربی گوید اگر بیند که بر
سر خود دو سرو داشت دلیل که کار وی بصلاح باز آید و عمر در خرمی
بگذراند اگر بیند که مردم را بدان سرو می زد دلیل که بزرگی بمردم رساند
جعفر گوید سروها چهارپایان دشتی دلیل بر خیر و منفعت بود و سرو
چهارپای شهری بخلاف این بود. **سرین** ابن سیرین گوید سرین در خواب
دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن وی مضرت و نقصان اگر بیند که بسرین
چیزی می چسبانید کاری بد کند و باز صلاح آورد. **سریشم** ابن سیرین

کویذ اکر بیند که سر پشیم داشت یا کسی موی وی از بغداد ان ویرا راحت رسد
اکر بیند که سر پشیم میخورد دلیل که ویرا سبب عیال غم و اندوه رسد اکر
بیند که به سر پشیم چیزی می جبانید دلیل که کاری محکم استوار
کند **سریر** ابن سیرین کویذ سریر در خواب دلیل بر یکی از خویشان
کند بعضی کفته اند سریر راست دلیل امیر کند و سریر چوب
دلیل بر دختر کند اکر بیند که سریر وی قوی و محکم بوذ حال فرزندش
نیک بوذ و اکر سریر کوچک و ضعیف بیند تاویلش بخلاف این بوذ
اکر بیند که سریر وی بشکست فرزندش بمیرذ جعفر صادق کویذ
دیذن سریر در خواب بر چهار وجه بوذ **اول** فرزند **دوم** قوت
سوم باغ **چهارم** یکی از خویشان **سطل** ابن سیرین کویذ سطل در خواب
دلیل خدمتکار بوذ اکر بیند که سطل وی بشکست خدمتکارش بمیرذ
مغربی کویذ اکر بیند که سطلی نو بخرید کنیزکی خرذ اکر بیند که سطل وی
سوراخ شد عیبی بر کنیزک ظاهر شوذ **سعتر** ابن سیرین کویذ سعتر
در خواب غم و اندوه بوذ و خوردن ان مصیبت و بعضی کویند خوردن
ان نقصان مالش بوذ و دیذن آن چیز نباشد **سفر** ابن سیرین کویذ اکر
بیند که سفر کرد و داند که ان مقام به از نیست دلیل که حالش نیکو کردد
و الا بخلاف این بوذ اکر بیند که سفر کرد و نداند که کجا رفت دلیل که
از عیال خوذ دور کردذ یا از سرایی به سرایی نقل کند اکر بیند که بوذ و
کروهی رفت یا فوجی بوداع وی امذند دلیل که مدتی کار و حال بروی
متغیر کردد و باز بحال خویش ایذ مغربی کویذ اکر بابن سفر که رفت یا برک
و ساز تمام رفت کارش نیکو شوذ و اکر بخلاف این باشذ کارش نه نیکو شوذ

سفره ابن سیرین کویذ سفره در خواب کنیزک بوذ اکر دیذ که سفره
نو پاکیزه داشت یا بخرید دلیل که کنیزکی بخرذ اکر بیند که سفره وی دریده
و کهنه بوذ کنیزک زشت روی خرذ اکر بیند که سفره بر نان و نعمت بوذ
از ان کنیزک خیر و منفعت بیند کرمانی کویذ سفره بخواب سفری باشذ
با منفعت خاصه انکه سفره نو باشذ و بر نعمت هرچند سفره بزرکتر
منفعت بسیارتر و اکر سفره تهی بیند و کوچک منفعت کمتر و اکر بیند
که سفره وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که کنیزکش بمیرذ یا تلف شوذ
جعفر صادق کویذ سفره در خواب بر چهار وجه بوذ **اول** کنیزک **دوم**
خدمتکار **سوم** سفر **چهارم** کسب و معیشت **سفوف** خوردن سفوف
در خواب غم و اندیشه بوذ ابن سیرین کویذ اکر بیند که سفوف خورد
از خوردن ان خیر و منفعت یافت دلیل خیر بوذ **سقا** ابن سیرین کویذ
سقا در خواب مردی بذار بوذ که پیوسته بر دست وی خیرات بوذ
خاصه چنان بیند که اب دادن بخلق بی طمع کرمانی کویذ اکر بیند
که سقایی میکرد بی طمع دلیل که بر کار دین و اخرت راغب کردذ اکر بیند
که مشک پر اب کرد و بکس نداذ مال جمع کند و لیکن راحت نیابذ اکر بیند
که ان اب بخانه کسان برد دلیل که ان بهر کسان مال جمع کند و او را از ان مال
هیچ نیابذ **سقنقور** ماهی است که در بیابان ریک باشذ اکر بیند که ویرا
سقنقور داشت دلیل که ویرا کارها نیکو حاصل شوذ و بکام دل رسذ
اما در دین ضعیف بوذ معبران کویند ماهی سقنقور در خواب مکروه باشذ
سقمونیا ابن سیرین کویذ سقمونیا خوردن دلیل بر غم و اندوه بوذ و نقصان
مال اکر بیند که سقمونیا از بهر علتی خورد و از ان شفا یافت دلیل بر خیر

ومنفعت بود و اگر خورد و از آن مضرت یافت تلف مال بود **سگ**
ابن سیرین گوید سگ در خواب دشمنی خوار بود و فرومایه اما مهربان
و سگ سیاه دشمنی بود از عرب و سگ سفید دشمنی از عجم اگر بیند که
سگی او را بگزید از دشمن گزند بیند اگر جامه باب دهان سگ آلوده شد
از سخن دشمن خسته گردد اگر بیند که جامه او بدرید از مالش نقصان
شود اگر بیند که گوشت سگ بخورد دشمن را دفع کند اگر دید که سگی را
نان داد روزی بروی فراخ شود اگر بیند که سگ با وی نزدیکی کرد
دشمن بروی طمع کند اگر بیند که سگ بروی تکیه کرد بر دشمنی فرومایه
اعتماد کند اگر بیند که سگ از وی می بگریخت دلیل که دشمن از وی بر حذر
باشد کرمانی گوید اگر بیند که سگ ماده در خانه وی آمد دلیل که زنی
دون فرومایه بزنی کند اسمعیل اشعث گوید سگ شکاری دشمن ظاهر
باشد اگر بیند که به سگ شکاری شکار میکرد دلیل که از دشمنی کام دعوی
دانش کند چیزی بدو رسد اگر بیند که گوشت سگ شکاری میخورد
میراث یابد اگر بیند که سگ شکاری از وی دور گشت دلیل که از دشمنی
با منفعت جدا شود جعفر صادق گوید دیدن سگ بخواب بر چهار وجه
بود **اول** دشمن **دوم** پادشاه طامع **سوم** دانشمند **چهارم** مرد غماز **سکبا**
ابن سیرین گوید اگر بیند که سکبا بگوشت گوسفند و حوایج نیکو پخته بود
دلیل بر عیش خوش و عز و جاه بود اگر بگوشت گاو پخته بود یافتن مال
و خواسته بود اگر بگوشت مرغ بود دلیل بر بزرگی و فرمان روایی بود **سکره**
ابن سیرین گوید اگر بیند که سکره نو بدو داد سخنی لطیف شنود اگر
بیند که سکره بشکست یا ضایع شد سخن باطل شنود و بعضی معبران

گویند سکره در خواب بر سه وجه بود فرزند و عیال و دوست مغربی
گوید دیدن سکره کنیزک بود اگر بیند که سکره نو خرید کنیزک خوب خرد
اگر بیند که سکره بشکست کنیزک هلاک شود جعفر صادق گوید دیدن
سکره در خواب بر نه وجه بود **اول** زن **دوم** خادم **سوم** کنیزک **چهارم**
فرزند **پنجم** صلاح حال **ششم** عمر دراز **هفتم** مال **هشتم** معیشت خوش
نهم میراث از جهت زنان **سکنجبین** ابن سیرین گوید سکنجبین در خواب
چون شیرین بود مال و روزی حلال بود که آسان بدست آید و اگر ترش
بود بیماری وی دراز شود **سلاح** ابن سیرین گوید اگر سلاح پوشیده
بود و در میان خلقی بیگانه بود دلیل که زبان اعتراض بروی دراز کنند
و لیکن مکروهی نرسد و اگر گروهی آشنا باشند دلیل بر دشمنان ایشان
کند کرمانی گوید اگر خود و نیزه و کمان بیند بزرگی یابد اگر بیند که
از آن آلتها که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل
بر نقصان بزرگی وی کند اگر بیند که با کسی جنگ و نبرد میکرد خصم منت
افتد اگر بیند که کسی وی را بزد دلیل که بر آنکس زبان دراز کند اگر
بیند که کسی او را تیر زد آنکس را مضرت رساند اگر بیند که کسی را به
عمود بزد کسی بتو رساند مغربی گوید اگر کسی وی را زخمی زد و ندانند
که آن زخم که زد دلیل که او را مضرت رسد اگر بیند که در آن زخم
ریم جمع آمد دلیل که بر قدر آن مال جمع شود اگر بیند که بدان زخم
که خورد گوشت و استخوان ببرید دلیل که از وی آنکس مال و نعمت رسد
اگر بیند که در حرب دست کسی ببرید دلیل که سخن سخت گوید و
میان ایشان جدایی افتد اگر دید که سر بریدند دلیل که عز و نعمت

گویند و میان ایشان جدایی افتد اگر بیند که سلاحش ببرید دلیل که مالش
بستانند جعفر صادق گوید دیدن سلاح در خواب بر شش وجه بود
اول قوت دوم بزرگی سوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست
ششم حصن و سلاح کرده در خواب مردی پادشاه بزرگ را ذکر بود
سلام کردن ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که دوستی بروی سلام کرد
آن دوست از وی شادی و خرمی بیند اگر بیند که دشمنی سلام کرد آن
دشمن دوست شود اگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد غریبی
با وی دوستی و آشنایی کند اگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او را
ندیده بود ایمن شود از عذاب خدای تعالی اگر بیند که پیری آشنا بروی
سلام کرد که او را دیده بود ایمن شود از عذاب خدای تعالی اگر بیند که
پیری آشنا بروی سلام کرد دلیل که زنی خوب روی خواهد کرمانی گوید
اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب باز داد میان ایشان جدایی
افتد مغربی گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل که او
کسی شادمانه شود اگر بیند که زنی پیر بروی سلام کرد اقبال دنیا
یابد اگر بیند که در نماز بود و سلام بر سنت جبت داد کارش شوریده شود
جعفر صادق گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی دوم
شادی سوم اقبال چهارم منفعت و مال سلطان ابن سیرین گوید اگر
بیند که سلطان در سرایی شد یا در مسجد یا در دهی یا در شهری
دلیل که رنجی و مصیبتی بدان مقام رسد قوله تعالی ان الملوک
اذا دخلوا قریة افسدوها و اگر بیند که در جنگ بر سلطان غلبه
کرد دلیل که حاجت که دارد روا شود و بمقصود رسد اگر بیند که سلطان

دست راستش ببرید نیکو کند دست دهد اگر بیند که سلطان خان میکند
دیوانه کرده اگر بیند که سلطان از تخت بیفتاد یا تخت بشکست یا اسب
او را لگد زد یا شمشیر وی بشکست یا گاو سر و زد و مجروح کرد این همه دلیل
بر زوال مملکت او باشد اگر بیند که سلطان حاضر شد دلیل که شرف و بزرگی
یابد بقدر عدل که کرده باشد اگر بیند که سلطان بساطی بزرگ بگسترد
دلیل که ملک دنیا او را باشد و عمرش دراز گردد مغربی گوید اگر سلطان
مال خویش و ملک خویش نیکو شد دلیل که عمر و جاهش زیادت گردد اگر
سلطان مرده را گشاده روی و خرم بیند که با وی سخن گفت دلیل که کارش
نیکو شود و شغلها مرده زنده گردد سماروغ گیاهی بود که آنرا کماه خوانند
بخواب زنی بود که در و خیر نباشد و اگر زیادت از سماروغ بیند مال
و نعمت بیند که از زنی بوی رسد کرمانی گوید اگر سماروغ بزرگ بیند
او را پسری آید و اگر کوچک بیند او را دختری آید سماق ابن سیرین گوید
خوردن سماق در خواب دلیل بر جنگ و خصومت و لجاج کند اگر بیند
که سماق خورد با کسی گفت و گوی کند بود و خوردن سماق هیچ خیر نبود
سمانه ابن سیرین گوید سمانه در خواب پسر غلام بود اگر بیند که سمانه
بگرفت یا کسی بوی داد غلامش را فرزندی آید اگر بیند که سمانه از
دستش بگریخت و بپرید فرزند غلامش بگریزد اگر سمانه در دست وی
بمرد فرزند غلامش بمیرد کرمانی گوید سمانه در خواب مال و روزی حلال بود
وانزلنا علیکم المن و السلوی و اگر بیند که گوشت سمانه می
خورد روزی حلال یابد جعفر صادق گوید سمانه در خواب بر
بر چهار وجه بود اول فرزند دوم روزی حلال سوم منفعت چهارم

مال **سمور** ابن سیرین گوید سمور در خواب مردی بود کافر ظالم را ه
زن اگر دید که با سمور نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت
کند و قوت او را بود که غالب اید اگر بیند که گوشت سمور میخورد مال
مردی ظالم کافر خورد بقدر گوشت که خورده بود کرمانی گوید سمور
در خواب مردی غریب توانگر نا امن زید بود و پوست و موی وی
مال و خواسته بود و گوشت او در خواب مال غریب اگر بیند که
سمور بکشت و گوشت او در زمین افتاد مال مردی غریب تلف کند
سنان ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سنان بر خصم زد و او را
بیفکند دلیل که خصم را به حجت غلبه کند و بر وی ظفر یابد اگر
بیند که سنان او بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود
کرمانی گوید اگر بیند که سنان فولاد درفشنده داشت اگر اهل
آن باشد ولایت یابد و اگر نباشد از بزرگی منفعت بیند اگر بیند
که سنانش زنگ گرفته بود نفعش اندک بود جعفر صادق گوید
سنان در خواب بر شش وجه بود **اول** حجت **دوم** ولایت
سوم عمر دراز **چهارم** ظفر **پنجم** ریاست **ششم** منفعت بقدر قیمت
سنان **سنب** ابن سیرین گوید سنب در خواب فرزند بود اگر
بیند که سنبی فرا گرفت یا کسی بدو داد او را فرزندی اید اگر بیند
که سنبی داشت و از او ضایع شد دلیل که فرزندش ضایع و غایب
شود یا بمیرد کرمانی گوید سنب اسب و سنب خر مال بود اگر بیند
که این سنبها فرا گرفت یا کسی بدو داد بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند
که بر پای خود سنب داشت دلیل که عمرش بخوشی و خرمی بگذرد اگر بیند

که سنبش بیفتاد تاویلش خلاف این بود **سنبل** ابن سیرین گوید اگر بیند
که سنبل تر داشت بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر سنبل خشک
داشت تاویلش خلاف این بود مغربی گوید اگر بیند که سنبل از نان میبود
دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزندی اید ش که در آن دیار مشهور
گردد اگر بیند که سنبل را آتش می سوخت نقصان مال بود **سنجاب**
ابن سیرین گوید سنجاب در خواب مردی غریب توانگر نا امیز بود باشد
و پوست و موی و استخوان وی مال و خواسته بود و گوشت از مال غریب
اگر بیند که سنجاب بشکست و پوست باز کرد و گوشت وی بخورد مال
غریبی تباه کند یا بغصب بستاند کرمانی گوید اگر بیند که سنجاب را
خبه میکرد و از گردنش خون روان شد دلیل که دختری بستاند **سنجد**
ابن سیرین گوید سنجد در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آورد مغربی
گوید اگر بیند که سنجد از درخت جمع میکرد از مردی بخیل مال بدست
آورد اگر بیند که بخرید یا کسی بوی داد مالی بسیار حاصل کند اگر بیند که
سنجد میخورد دلیل که از مال بر عیال نفقه کند جعفر صادق گوید دیدن
سنجد در خواب بر سه وجه بود **اول** مال برنج **دوم** مال بی رنج **سوم**
منفعت از مردم بخیل **سندان** ابن سیرین گوید سندان در خواب ریش
بزرگ بود اگر بیند که سندان فرا گرفت یا کسی بوی داد و دانست که ملک
اوست دلیل که خبر از رئیسی و منفعت یابد کرمانی گوید سندان در خواب
دلیل بر مهتری راست کردار کند اگر بیند که سندانی داشت یا کسی بوی
داد با مهتری صحبت افتد و از وی راحت یابد اگر بیند که سندانی داشت
یا کسی داد یا ضایع شد از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر صادق گوید

دیدن سنگها در خواب بر پنج وجه بود اول مهتری دوم منفعت
سوم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال در کارها سنگها کرمانی گوید
سنگها در خواب بر دو وجه بود یکی مال دوم مهتری و هر سنگ که نرم تر
بود منفعتش بیشتر بود اگر بیند که سنگی سفید بگرفت با مهتری خوش
صحبت او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد اگر بیند که سنگی سیاه
بگرفت با مهتری از عرب صحبت دارد و از وی منفعت یابد اگر سنگی
زرد داشت با مهتری بدخوی صحبت افتد اگر سنگ سرخ بیند از
مهتری مفسد راحت یابد اگر بیند که بر کوهی شد و سنگها بسیار در دامن
گرفت و بیاورد بنگرد که سنگها بر چه رنگ بود تاویل بیان قیاس کند
اگر سنگ سیاه و سفید داشت دلیل بر منافقی کند ابن سیرین گوید
ابن سیرین گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد اگر بیند که سنگ
از زیر آب جمع کرد مال بمکر و حیلت جمع کند اگر بیند که سنگ از کوه
می تراشید از بزرگی مال جمع کند اگر بیند که سنگ از بیابان جمع کرد
مال از سفر حاصل کند اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت از مال خود بکراهت
چیزی بکسی دهد اگر بیند که سنگ ریزه بخانه می برد بمقدار مال یابد
مغربی گوید اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت وی را تهمت کند بزنا
جعفر صادق گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود اول مال
دوم مهتری سوم سختی در کارها چهارم کسب بر پنج سنگ خواره مرغیست
که سنگ ریزه خورد ابن سیرین گوید اگر بیند که سنگ خواره بگرفت در
کاری دشوار افتد و از آن خبر بیند مغربی گوید اگر بیند که سنگ خواره
بگرفت وی را با مردی ابله کار افتد اگر بیند که سنگ خواره از دستش

بپرید یا در دستش بمرد از کاری دشوار بزودی خلاص یابد اگر بیند که گوشت
سنگ خواره بخورد کسب بدشواری بدست آورد سواری ابن سیرین گوید
اگر بیند که سواری میکرد از پادشاه اسب و سلاح و نعمت یابد اگر دید
که با سواران میگشت و سواران مطیع وی بودند دلیل که او را شکوه و
فرمان روایی بود اگر بیند که سواران مجهول از متاع دنیا چیزی بوی
دادند او را از کسی غریب منفعت رسد اگر سواران با جامهای کبود و
سرخ بر اسبها لاغر بیند تاویلش بخلاف این بود سورتهای قران خواندن
اول فاتحه ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که سوره فاتحه
میخواند عمرش دراز باشد و خاتمتش با ایمان باشد البقره همین تاویل دارد
و از شر دشمنان ایمن شود جعفر صادق گوید در میان خلق راست گوی
گردد و اگر درویش بود توانگر شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین
بود شادمانه گردد و اگر بندی بود آزاد گردد آل عمران ابن سیرین گوید از
همه بلیها پاک گردد و عاقبتش خیر بود جعفر صادق گوید دینش
قوی گردد ابن سیرین گوید اگر شهد الله میخواند بقضای خدای تعالی
راضی باشد کرمانی گوید اگر امانتی دارد بگزارد و مردم او را عزیز دارند
ابن سیرین گوید اگر قل اللهم مالک الملک میخواند بزرگی و عز و جاه یابد
و حاجتها او روا گردد النسا ابن سیرین گوید میراث یابد و خویشان
و اهل بیت او بسیار شوند کرمانی گوید مال و نعمت یابد جعفر صادق
گوید پرهیزکار بود و میراث یابد المائده ابن سیرین گوید شرف و بزرگی
یابد کرمانی گوید خواندن مائده در خواب دلیل بر زیادتی مال و نعمت
کند و خیرات دو جهانی جعفر صادق گوید دلیل بر صحت و سلامتی

و قوت کار و شغل کند **الانعام** ابن سیرین گوید سعادت دنیا و آخرت یابد
کرمانی گوید چهار پایان بسیار حاصل کند جعفر صادق گوید توفیق
یابد باحسان و سخاوت **الاعراف** ابن سیرین گوید دین دار و مؤمن بود
و عاقبت محمود یابد کرمانی گوید خواندن اعراف در خواب کوه طور را
زیارت کند جعفر صادق گوید همه خلق از وی خشنود گردند و امانت
نگاه دارد **الانفال** ابن سیرین گوید بر دشمن ظفر یابد و مال بی حد حاصل
کند کرمانی گوید قدر و جاه و بلندی یابد جعفر صادق گوید خداوند
اقبال شود و روزی بروی فراخ گردد و پیوسته شادکام بود **التوبه**
ابن سیرین گوید توبه نصوح یابد از گناه کرمانی گوید عاقبت انجام کارش
بخیر بود جعفر صادق گوید در راه دین یگانه شود **یونس** ابن سیرین
گوید روزی بروی فراخ شود و کارش بمراد گردد کرمانی گوید مکر
کافران و کید جادوان از وی دفع شود و بر دشمن غالب گردد جعفر
صادق گوید لفظ و عبارتش نیکو گردد **هود** ابن سیرین گوید روزی
او از کشت و زرع زیادت گردد کرمانی گوید در کارها اقبال یابد
و کارش نیکو شود جعفر صادق گوید در کار دین یگانه شود **یوسف**
ابن سیرین گوید سورهٔ یوسف در خواب خواندن دلیل که سفر بسیار کند
و مال یابد کرمانی گوید پس از رنج و محنت بزرگی و عزت یابد و کارش
بالا گیرد جعفر صادق گوید راست قول و با امانت باشد **الرعد**
ابن سیرین گوید دلیل که پیوسته بدعوات و قرآن خواندن مشغول باشد
کرمانی گوید بخیر و طاعت راغب گردد جعفر صادق گوید عمرش کوتاه باشد
ابرهیم ابن سیرین گوید نزد حق تعالی پسندیده بود کرمانی گوید هر

امید که دارد بیابد جعفر صادق گوید حافظش نزد حق تعالی
زیادت شود **الحجر** ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ النحل میخواند
روزی حلال یابد و دوستدار اهل دین باشد کرمانی گوید از آفت و محنت
ایمن گردد جعفر صادق گوید حق تعالی ورا علم روزی کند **بنی اسرائیل**
ابن سیرین گوید خواندن سورهٔ بنی اسرائیل در خواب دلیل که نزد حق تعالی
جاه و منزلت یابد کرمانی گوید بر دشمن ظفر یابد و بکام دل رسد جعفر
صادق گوید دین و اعتقادش پاک و درست بود **الکهف** ابن سیرین گوید
اگر بیند که سورهٔ الکهف میخواند از همه آفتها ایمن بود و در راه دین یگانه
و مخلص بود کرمانی گوید عمرش دراز بود و سعادت عقبی یابد جعفر
صادق گوید چندان عمر یابد که [illegible] **مریم** ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورهٔ مریم میخواند در قیامت از عذاب ایمن باشد
کرمانی گوید راه خیرات کند و سنت رسول علیه السلام بجای
آرد **طه** ابن سیرین گوید اگر طه میخواند با دشمن خصومت کند
و دشمن قهر کند کرمانی گوید نامش در دیار منتشر گردد جعفر صادق
گوید در راه دین یگانه و نامدار بود **انبیا** ابن سیرین گوید اگر بیند
که سورهٔ انبیا میخواند حق تعالی ورا علم و سیرت پیغامبران بخشد
کرمانی گوید اقبال دو جهانی یابد جعفر صادق گوید در راه دین
یگانه و نامدار بود **مکرر** ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره انبیا
میخواند حق تعالی ورا علم و سیرت پیغامبران بخشد کرمانی گوید
اقبال دو جهانی یابد جعفر صادق گوید دانا و عالم شود و بعد از رنج
و مشقت آسانی یابد **الحج** ابن سیرین گوید سورهٔ حج در خواب مالخود

دررا حق نفقه کند کرمانی کوید کردارها بسندیده اختیار کند جعفر
صادق کوید درزهد یکانه ودرراه دین مجتهد بود المؤمنون ابن سیرین
کوید اکر بیند که سورة المؤمنون میخواند دلیل که با مؤمنان در بهشت شود
کرمانی کوید درجات بسیار یابد جعفر صادق کوید دینش قوی کردد وسیرت
بسندیده اختیار کند النور ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة النور
میخواند دلش بعلم وحکمت منور کردد فرقان ابن سیرین کوید اکر بیند
که سورة فرقان میخواند دلیل که براستی حق از باطل جدا کند کرمانی کوید
با خلق دادکر ومنصف باشد جعفر صادق کوید از باطل بحق کراید الشعرا
ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الشعرا میخواند در پناه حق تعالی باشد
کرمانی کوید از کناه پاک کردد ودر راه دین مجتهد شود جعفر صادق
کوید حق تعالی اورا از فواحش نکاه دارد النمل ابن سیرین کوید بزرکی
یابد کرمانی کوید دولت وبختش مساعد کردد جعفر صادق کوید مال
ونعمت بسیار یابد القصص ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة القصص
میخواند دلیل که مال ونعمت یابد وبذکر حق تعالی مشغول کردد کرمانی
کوید سودست در راه دین وصلاح کوشد جعفر صادق کوید مال ونعمت
فراوان یابد العنکبوت ابن سیرین کوید خواندن سورة عنکبوت در خواب
دلیل که تا وقت مرک در حرز حق تعالی باشد کرمانی کوید از رنج وبلا ایمن
باشد جعفر صادق کوید بر دشمنان ظفر یابد الروم ابن سیرین کوید اکر
بیند که سورة الروم میخواند دلیل که بشهری از روم بردست وی کشاده
شود کرمانی کوید در جهاد وغزا مجتهد باشد جعفر صادق کوید در غزا
ظفر یابد لقمن ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة لقمان میخواند عالم و

وعابد وحاکم شود جعفر صادق کوید خلق را از دین وصلاح
ونعمت وی نصیب بود السجده ابن سیرین کوید هرکه بخواب بیند که
سورة السجده میخواند دلیل که در سجده باشد که از دنیا برود کرمانی کوید
سجده حق تعالی بسیار کند جعفر صادق کوید عاقبت کارش محمود
بود الاحزاب ابن سیرین کوید خواندن سورة الاحزاب بخواب دلیل که مال یابد و
بخصم دهد کرمانی کوید رسول الله صلی الله علیه وسلم بخواب بیند
جعفر صادق کوید توفیق یابد تا رسول را متابعت کند السبا ابن سیرین کوید
اکر بیند که سورة السبا میخواند دلیل که عابد وزاهد کردد کرمانی کوید
طاعت وعبادت بجد کند جعفر صادق کوید سیرت صلحا کیرد فاطر
ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة فاطر میخواند عاقبتش محمود کردد کرمانی
کوید دلش پیوسته ملازم عبادت بود جعفر صادق کوید در نعمت بروی
کشاده کردد یس ابن سیرین کوید هرکه بخواب بیند که سورة یس میخواند
دلیل که عاقبتش خیر باشد کرمانی کوید عمرش دراز باشد واز حق تعالی
رحمت یابد جعفر صادق کوید محبت رسول در دلش مستقیم کردد والصافات
ابن سیرین کوید توفیق یابد از حق بهدایت دین کرمانی کوید براه صلاح کراید
جعفر صادق کوید اورا فرزندی صالح اید ص ابن سیرین کوید اکر بیند
که سورة ص میخواند دلیل که مالش زیادت شود وزیرک کردد الزمر
ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الزمر میخواند حق تعالی کناهش عفو
کند کرمانی کوید خاتمت وی بسعادت بود جعفر صادق کوید دینش
قوی کردد مومن ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة مومن میخواند دلیل
که مومن ومخلص کردد کرمانی کوید تا شریعت کیرد جعفر صادق کوید

الاحزاب

رحمت و غفران یابد **السجدة** ابن سیرین گوید اگر بیند که حم سجده میخواند
از مقربان حق گردد کرمانی گوید بخیر و صلاح راه دین گراید جعفر صادق
گوید دعا مستجاب باشد بحق و اجابت کند و برا **عسق** ابن سیرین گوید اگر
بیند که سورهٔ عسق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب رسته گردد
کرمانی نیز همین تاویل میگوید جعفر صادق گوید عمرش دراز باشد **الزخرف**
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ الزخرف میخواند نماز و طاعت بسیار
کند و پیوسته روزه دارد جعفر صادق گوید راست قول و خوب افعال
بود **الدخان** ابن سیرین گوید خواندن سورهٔ الدخان در خواب دلالة بر
طاعت شب کند کرمانی گوید مردی راست باشد جعفر صادق گوید
توانگر گردد **الجاثیة** ابن سیرین گوید توبه کند و بخدای تعالی باز گردد کرمانی
گوید دست از گناه باز دارد و از گناه پشیمان گردد جعفر صادق گوید
اگر بد کردار باشد توبه باید کرد **الاحقاف** ابن سیرین گوید سورهٔ الاحقاف
خواندن دلیل بر فرمان برداری مادر و پدر کند کرمانی گوید عجایبها
بسیار بیند **محمد** صلی الله علیه وسلم ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ محمد صلی الله علیه
وسلم میخواند بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید از همه آفت و بلاها ایمن
گردد جعفر صادق گوید در جهاد توفیق یابد **الفتح** ابن سیرین گوید
فتح و نصرت یابد در همه باب **الحجرات** ابن سیرین گوید سورهٔ الحجرات
دلیل که مردم را بالقاب خوش کند و غیبت نکند کرمانی گوید بنیاز کس
نجوید جعفر صادق گوید با مردم پیوند کند **ق** ابن سیرین گوید اگر
بیند که سورهٔ ق میخواند بطاعت و عبادت مشغول گردد کرمانی گوید
با خلق جود و احسان کند جعفر صادق گوید روزی بروی فراخ گردد

والذاریات ابن سیرین گوید حق تعالی او را توفیق دهد بکار و صلاح کرمانی
گوید کارها دشوار بروی آسان شود جعفر صادق گوید از کسب خود
بهره یابد **والطور** ابن سیرین گوید بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید کار خوش را
یاری کند جعفر صادق گوید در مکه مجاور شود **والنجم** ابن سیرین گوید
اگر بیند که سورهٔ والنجم میخواند حق تعالی در رحمت بر وی بگشاید
کرمانی گوید بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق گوید حق تعالی او را پسری
صالح دهد **القمر** ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ القمر میخواند
بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید کار دشوار بروی آسان گردد جعفر
صادق گوید جادویی بروی کار نکند **الرحمن** ابن سیرین گوید اگر
بیند که سورهٔ الرحمن میخواند دلیل که از دروغ و حرام اجتناب نماید
کرمانی گوید سیرت نیکو و راه راست گزیند جعفر صادق گوید در این
جهان مال یابد و در آن جهان رحمت **الواقعه** ابن سیرین گوید دیدن
سورهٔ الواقعه در خواب دلیل که از گناهان توبه کند کرمانی گوید توفیق
طاعت یابد جعفر صادق گوید سبقت یابد در طاعتها **الحدید** ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورهٔ الحدید میخواند دلیل که روزی برنج و سختی
یابد کرمانی گوید راه آخرت گزیند و راه حق جوید جعفر صادق گوید
خصومت کند با اهل خود **الحشر** ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ
الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد کرمانی گوید صحبت
او با اهل صلاح باشد جعفر صادق گوید بر دشمن ظفر یابد **الممتحنة** ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورهٔ الممتحنه میخواند از ما بین کار براستی کند کرمانی
گوید صحبت او با اهل صلاح بود جعفر صادق گوید بمحنتی گرفتار شود

المجادله

که هلاک وی در آن باشد الصف ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة صف
میخواند دلیل که در راه خدای تعالی خیرات و غزا کند کرمانی گوید توبه
رضای حق تعالی طلبد جعفر صادق گوید اجر عمر شهید گردد الجمعه
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الجمعه میخواند خدای تعالی ویرا
علم و نور بیت روزی کرداند کرمانی گوید حرمت و جاه یابد جعفر صادق
گوید توفیق خیرات یابد منافقون ابن سیرین گوید دلیل که منافق
باشد کرمانی گوید در دل هوای منافقان دارد جعفر صادق گوید
از منافقی توبه کند التغابن ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة التغابن
میخواند صدقات بسیار دهد کرمانی گوید کرمانی گوید ضعفا را
دستگیری کند جعفر صادق گوید راست قول و مستقیم احوال
باشد الطلاق ابن سیرین گوید خواندن سورة الطلاق در خواب
دلالة بر گفت و گوی با زنان کند کرمانی گوید سیرت حق نگاه دارد
جعفر صادق گوید گفت و گوی از بهر کاوین کند التحریم ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورة التحریم میخواند در خانهٔ خود کار به نفاق کند
جعفر صادق گوید از حرام دور باشد الملک ابن سیرین گوید سورة
الملک در خواب خواندن دلیل که او را عذاب گور نباشد کرمانی
گوید عاقبتش محمود باشد جعفر صادق گوید شرف و بزرگی یابد
القلم ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که سورة القلم میخواند خیر و صدقه
کردن دوست دارد کرمانی گوید با همه کس خیرات و احسان کند جعفر
صادق گوید خدای تعالی او را علم روزی کرداند الحاقه ابن سیرین گوید
اگر بیند که سورة الحاقه میخواند حق تعالی او را نعمت دهد و شکر حق گزارد

المعارج ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة المعارج میخواند خیر و نیکی بسیار
کند کرمانی گوید بخیرات و احسان گراید جعفر صادق گوید از بیم و غم
ایمن باشد نوح ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة نوح میخواند توبه کند
و عاقبتش محمود بود جعفر صادق گوید امر معروف کند الجن ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورة الجن میخواند توبه کند و از جن ایمن باشد جعفر
صادق گوید دیو و پری بروی مضرة نرساند المزمل ابن سیرین گوید نماز
شب دوست دارد کرمانی گوید شب بطاعت زنده دارد جعفر صادق گوید
توفیق طاعت و عبادت یابد المدثر ابن سیرین گوید اگر سورة المدثر بیند
عمل صالح کند جعفر صادق گوید سیرت پاک و راه راست جوید مکرر
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة المدثر میخواند عمل صالح کند جعفر صادق
گوید سیرت پاک و راه راست جوید القیامة ابن سیرین گوید اگر بیند که
سورة القیامة میخواند بشهادت و توبه از دنیا برود کرمانی گوید
از عذاب حق تعالی ترسان باشد جعفر صادق گوید توبه کند الانسان
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الانسان میخواند درویشان را
طعام دهد و رضای حق جوید کرمانی گوید با خلق احسان کند جعفر
صادق گوید توفیق یابد بر سخاوت و شکر نعمت والمرسلات ابن سیرین گوید
اگر بیند که سورة والمرسلات میخواند از دروغ گفتن توبه کند کرمانی
گوید راه راست جوید جعفر صادق گوید روزی بروی فراخ شود النبأ
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة النبأ میخواند پرهیزکار گردد و متوکل
شود کرمانی گوید کار خیر کند جعفر صادق گوید کارش نیک گردد و
نامش بلند شود والنازعات ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة والنازعات

میخواند بوقت مرگ او را جان کندن هراس نباشد کرمانی گوید توبه کند و از
عقوبت ایمن شود جعفر صادق گوید دلش از مکر و خیانت پاک گردد
عبس ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة عبس میخواند بر مردم روی ترش
کند کرمانی گوید روی ترش کند کرمانی گوید روزی بسیار دارد جعفر
صادق گوید خیرات کند کورت ابن سیرین گوید اگر بیند که کورت
میخواند اندر دوزخ نترسد کرمانی گوید سفر بسیار کند از جانب مشرق
جعفر صادق گوید از آتش نترسد ایمن شود انفطار ابن سیرین گوید اگر سورة
الانفطار میخواند از عذاب خدای تعالی نترسد و توبه کند کرمانی گوید
میان ملوک دنیا باشد جعفر صادق گوید نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد
المطففین ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة المطففین خواند کیل و پیمانه
راست دارد کرمانی گوید راستی جوید جعفر صادق گوید با همه کس منصف
بود انشقت ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة انشقت میخواند در قیامت
نامهٔ او بدست راست دهند کرمانی گوید شمار او و حساب قیامت
آسان باشد جعفر صادق گوید نسلش بسیار شود البروج ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورة البروج میخواند در دنیا اندوهگین باشد و عاقبت
کارش محمود بود کرمانی گوید در آخرت درجات رفیع یابد جعفر صادق
گوید از غمها فرج یابد الطارق ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة والطارق
میخواند او را فرزندی صالح آید کرمانی گوید او را فرزندی چون روی
آید جعفر صادق گوید سبب فرزند مقبل و خرم شود الاعلی ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورة الاعلی میخواند تسبیح و تهلیل بسیار خواند
کرمانی گوید ذکر حق بر زبانش جاری و مشغول باشد جعفر صادق

گوید کار دشوار بروی آسان شود الغاشیه ابن سیرین گوید اگر بیند که
سورة الغاشیه میخواند از هول قیامت نترسد و توبه کند و از آن ترس
ایمن گردد کرمانی گوید ثابت بود در رضای حق تعالی جعفر صادق گوید
قدر و محل وی بزرگ شود والفجر ابن سیرین گوید اگر بیند که والفجر میخواند
بکارهای نیکو مشغول شود کرمانی گوید حج اسلام گزارد جعفر صادق گوید
هیبت و شکوه او کم گردد البلد ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة البلد
میخواند صدقه دادن دوست دارد کرمانی گوید با همه کس احسان کند جعفر
صادق گوید از آفت و بلا ایمن گردد والشمس ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة
والشمس میخواند دلیل که بر دست او کارها فاسد شود جعفر صادق گوید
از بلا ایمن گردد واللیل ابن سیرین گوید اگر سورة واللیل میخواند دلیل که
سائل را منع نکند و زکوة مال دهد کرمانی گوید حق تعالی او را توفیق
دهد بر قیام شب والضحی ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة والضحی میخواند
چیزی بخواهند که از نه دهد کرمانی گوید پیوسته با خلق احسان کند جعفر
صادق گوید عزیز یا ناعزیز دارد الم نشرح ابن سیرین گوید اگر بیند که الم نشرح
میخواند دشواری بر وی آسان شود کرمانی گوید حق تعالی کارهای بسته
بر وی گشاده گرداند جعفر صادق گوید از سختی فرج یابد والتین ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورة والتین میخواند نیک سیرت و خوب کردار گردد کرمانی
گوید خیر و منفعت یابد جعفر صادق گوید مراد دو جهانی یابد العلق
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة العلق میخواند حق تعالی او را علم قرآن
روزی کند کرمانی گوید عالم و فصیح زبان باشد جعفر صادق گوید متوا ضع
و نیکو خصال بود القدر ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة القدر می

خواند از دنیا بیرون رود تا ثواب شب قدر بیابد کرمانی کوید عمرش
دراز بود و مراد یابد جعفر صادق کوید جاهش و قدرش عالی کردد البینة
ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة البینه میخواند دلیل که با نور بهار از دنیا رود
کرمانی کوید مردم را بخیر و صلاح دارد جعفر صادق کوید راه براه راست
آورد زلزلت ابن سیرین کوید اکر بیند که سوره اذا زلزلت میخواند او را باکسی
کاری افتد و عدل و انصاف کند جعفر صادق کوید قومی را از اهل کفر
هلاک کند والعادیات ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة والعادیات میخواند
دلیل که اهل بیت را دوست دارد کرمانی کوید بغزا رود جعفر صادق کوید
غزا کند و مظفر کردد ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة القارعة میخواند
در قیامت ترازوی وی از اعمال و از کردار نیک کران کردد کرمانی کوید
در کار خیر کوشد جعفر صادق کوید مردم وی را کرامی دارند التکاثر ابن سیرین
کوید اکر بیند که سورة التکاثر میخواند زیارت جمعی صالحان کند کرمانی کوید
او را با قومی دروغ زن کار افتد جعفر صادق کوید دست از دنیا بدارد والعصر
ابن سیرین کوید سورة والعصر دلیل بر صبر و شکیبایی کند کرمانی کوید که
او را زیانی رسد جعفر صادق کوید که او را زیانی رسد او را تجارت نیک
باشد الهمزة ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الهمزة میخواند دلیل
سخن بسیار کوید و پیش مردم روشناس باشد کرمانی کوید حریص بود و عال
و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق کوید مال در راه خدای نفقه کند
الفیل ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الفیل میخواند ظلم را یاری
کند کرمانی کوید بر دشمن ظفر یابد و حصول مراد یابد جعفر صادق
کوید بر دشمنی فتح یابد و دشمن را قهر کند قریش ابن سیرین کوید

اکر بیند که سوره قریش میخواند از ترس و بیم ایمن کردد کرمانی کوید با کسی
صحبت کند که او را نصیحت کند در راه دین جعفر صادق کوید با خلق
احسان کند الماعون ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الماعون میخواند
نماز کم کند کرمانی کوید حذر کند از صحبت بد دینی جعفر صادق کوید
بر دشمنان ظفر یابد الکوثر ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الکوثر میخواند
مال و نعمت یابد کرمانی کوید از بزرکان عطا یابد جعفر صادق کوید خیرات
بسیار کند الکافرون ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الکافرون میخواند براه نعمت
رود بدنیا مغرور کردد کرمانی کوید توفیق غزا یابد جعفر صادق کوید در
راه دین صلب بود النصر ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة النصر
میخواند بر دشمن ظفر یابد کرمانی کوید اکر در غم بود فرج یابد جعفر صادق
کوید اجلش نزدیک آمده باشد زیرا که چون این سوره منزل بود آخر
عمر حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم و بارک علیه بود تبت ابن سیرین
کوید اکر بیند که تبت میخواند مکار و فریبنده بود و از عقوبت خدای
تعالی بی خطر بود کرمانی کوید او را زنی بدکردار بود جعفر صادق کوید که هر
به بدی وی کوشد اخلاص ابن سیرین کوید اکر بیند که سوره اخلاص میخواند
در راه دین یکانه و موحد باشد و توفیق طاعت یابد کرمانی کوید اندر دین
و نیکو اعتقاد بود جعفر صادق کوید مراد دو جهانی یابد و عیش بر وی خوش کردد
الفلق ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الفلق میخواند جادوی بروی
کار نکند کرمانی کوید از شر بد کرداران ایمن باشد جعفر صادق کوید از رنج و آفت
این جهان ایمن شود الناس ابن سیرین کوید اکر بیند که سورة الناس میخواند
ایزد تعالی او را از خشم بد نکاه دارد و اکر بیند که تسبیح و تهلیل و دعا

میخواند حق تعالی او را از چشم زخم نگاه دارد و روزی بروی فراخ
گرداند اگر بیند که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم میخواند مال و
خواسته یابد اگر بیند که ابتی از قرآن میخواند در حرف قاف تاویل آن
بیان شده والله اعلم **سوزن** ابن سیرین گوید سوزن در خواب صالح کار
بود اگر بیند که سوزن بر دست داشت و چیزی می دوخت دلیل که شغلها
پراکنده وی باتمام آید و حاجتش روا گردد کرمانی گوید اگر بیند که جامه
خود می دوخت احوال او نیکو گردد اگر بیند که سوزن او گم شد احوالش
بد بود مغربی گوید اگر بیند که کسی سوزنی بوی بخشید اگر مشفق
احوال او شود اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل بر خیر و صلاح کار
او بود **سوسمار** کرمانی گوید سوسمار مردی دلیر باشد از نژاد عرب
و گوشت وی خوردن در خواب مال و نعمت بود اگر مردی بیند که سوسمار
وی را بگزید مضرت یابد اگر سوسمار بکشت دشمن قهر کند ابن سیرین گوید
گوشت سوسمار خوردن دلیل بر مال و منفعت بود که بوی رسد اگر بیند که
سوسمار در خانه وی بانگ می داشت دلیل که از خانه وی آواز شیون برآید
سوسن ابن سیرین گوید سوسن در خواب بوقت خود بر درخت دلیل که
خبری بوی رسد و او را از آن مزدی آید و چون سوسن بیوقت بود دلیل
غم و اندوه بود اگر زنی بیند که سوسن از درخت بکند و بغلام داد
غلامش بگریزد کرمانی گوید اگر کسی بیند که دسته سوسن بوی داد میان
ایشان گفت و گوی افتد مغربی گوید درخت سوسن در خواب کنیزک
بود **سوگند** ابن سیرین گوید اگر بیند که براست سوگند خورد کاری که
بدست وی بود یا امانتی گزارد یا خیراتی کند و از آنچه ترسد ایمن گردد

اگر بیند که سوگند بدروغ خورد دلیل که بر خشم حق تعالی بود و از
رحمت و خیرات دو جهانی بی بهره باشد مگر توبه کند اگر بیند که بخواب
سوگند خورد در دوام عزت گردد و زیان بیند از قبل پادشاه کرمانی گوید
اگر بیند که سوگند براست خورد او را توبه باید کرد از گناه و خطا تا رستگار
شود اگر بدروغ خورد تشویش شاه شود و اعتقادش خلل پذیرد **و یحلفون**
علی الکذب وهم یعلمون مغربی گوید اگر بیند که سوگند براست خورد اندوه
و مضرت بیند **سوراخ** ابن سیرین گوید اگر بیند که سوراخی بود و بدان
سوراخ درون شد از راه پادشاه آگاه گردد اگر بیند که از آن سوراخ چیزی
بیرون آورد دلیل که از پادشاه صلت یابد بقدر آنچه بیرون آورده باشد
اگر بیند که در زمین سوراخی بود و او در آن سوراخ شد دلیل که کسی از راز
او آگاه شود اگر بیند که اندر اندام وی سوراخی بود و از آن خون می رفت
او را زیانی رسد اگر خون نمی رفت زیان نرسد مغربی گوید اگر بیند که در شکم
وی سوراخی بود از عیال خود نا ایمن بود اگر بیند که در سنگی سوراخی
میکرد در مسلمانی پایدار بود اگر بیند که در خشتی سوراخی میکرد تاویل
بخلاف این باشد که گفتیم و معبران گویند بقدر آن سوراخ مالش نقصان
افتد **حکایت** در خبر است که مردی پیش امیر المومنین ابی بکر صدیق رضه رفت
که در خواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بیرون رفت و هر چند
گاو خواست که باز جای رود نتوانست گفت آن سوراخ دهن است و آن
گاو سخن چون گفته شد باز جای نرود **سوهان** در حرف میم در باب مهر
بیان کرده ایم **سیب** ابن سیرین گوید سیب چون سبز باشد فرزند بود و چون
سرخ باشد منفعت از پادشاه و چون سفید بود منفعت از بزرگان

وچون زرد و ترش بود دلیل بر بیماری اگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز
کرد و بخورد او را دختری آید کرمانی گوید سیب در خواب خیر بود اگر سیب
ترش بود خبر ناخوش بود و اگر شیرین بود خبر خوش بود دانیال گوید سیب
در خواب همت ستده خواب باشد در شغل و صنعت وی اگر پادشاه
سیب بخواب بیند تاویلش مملکت باشد اگر بازرگان بیند تجارت باشد و
بود اگر بیند که سیب داشت و آن بخورد بقدر خوردن نفع آید جعفر صادق
گوید سیب در خواب بر هفت وجه بود اول فرزند دوم منفعت سوم
بیماری چهارم کنیزک مال پنجم فرمان روایی ششم و هفتم همت خداوند
خواب و خبر غایب و حاضر سبزی ابن سیرین گوید سبزی در خواب مال
حرام بود کرمانی گوید خوردن سبزی در خواب سخن زشت باشد که از پس مردم
گوید اگر بیند که سبزی پخته میخورد از سخن زشت توبه کند مغربی گوید سبزی
در خواب رنج و گریستن باشد جعفر صادق گوید دیدن سبزی در خواب
بر پنج وجه بود اول مال الحرام دوم سخن زشت سوم غم و اندوه چهارم
گریستن پنجم سختی دیدن سیری ابن سیرین گوید اگر کسی خود را
سیر بیند بی نیاز گردد و اگر در راه دین ضعیف بود اگر خود را گرسنه
بیند دلیل که معصیت کند کرمانی گوید که بهتر خواب است که خود را
نه سیر بیند نه گرسنه زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود
مزاج او برنج آید سینین اگر بیند که سینین داشت نامش بخورد و نیکی
منتشر گردد اگر بیند که در زمین وی سینین بود خاصه بوقتها و دلیل بر
خیر و منفعت کند ✿ اگر خلاف این بیند دلیل بر مضرت بود سبکی
ابن سیرین گوید سبکی جدا اصل مال الحرام بود اگر بیند که درمیان سبکی شد

درمیان فتنه افتد اگر بیند که سبکی میخورد بقدر آن مال الحرام یابد اگر بیند
که سبکی پخته میخورد مال حرام برنج و سختی دست آورد اگر بیند که سبکی
بسیار در خانه داشت بقدر آن از دهقان منفعت یابد کرمانی گوید اگر بیند که
بی خوردن مست بود ترسی عظیم بوی رسد وزی السلس سکابی دام
بسکاری اگر بیند که از می پخته مست می شد مال الحرام یابد اگر
بیند که با دیگران خورد جنگ و خصومت بود اگر بیند که پیاله در دست
داشت و نبیذ از دست میگرفت او را بسبب معیشت در گفت و گوی افتد
اگر بیند که سبکی میخورد خدمت پادشاه کند و بر دستش کارها بخت
رود اگر بیند که جوی سبکی می رفت و او درمیانش شنا میکرد در فتنه
دنیا گرفتار شود مغربی گوید اگر بیند که با سبکی می آمیخت و می خورد
مال یابد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد اگر بیند که سبکی میفروخت
چیزی حرام فروشد و بی بازدهد و خیر نباشد در سبکی خوردن و والی را
دلیل بر عزل کند و سبکی خرما غم و اندوه بود جعفر صادق گوید سبکی
در خواب بر سه وجه بود اول مال الحرام اول تن و رنج کردن دوم
نعمت این جهانی و سبکی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه
طلبد سیل ابن سیرین گوید سیل در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاهی
ظالم اگر بیند که سیل از خود دفع کرد و بجایی دیگر افکند بر دشمن ظفر
یابد و غم و اندوه زایل شود اگر بیند که از سیل میگریخت از دشمن بگریزد
کرمانی گوید در دیار سردسیر غم و اندوه بود و در گرمسیر منفعت بود و
شادی مغربی گوید اگر جهان پر سیل بیند و بداند که آن سیل از نجاست
خدای تعالی عذابی بدان دیار فرستد فارسلنا علیهم الطوفان بعضی معبران
گویند که چون بخواب بیند که سیل جایی خرابی میکند مردم آنجا از

ترس پادشاه بیم و ترس مضادره بود جعفر صادق گوید دیدن سیماب در
خواب بر چهار وجه بود اول دشمن بزرگ دوم پادشاه ستمگر
لشکر غالب سوم بلا و فتنه و سختی چهارم ابن سیرین گوید اگر کسی
بخواب بیند که در معدن وی درون شد یا از آنجا سیماب برگرفت
دلیل که زنش در کاری بد افتد اگر بیند که او سیماب خورد رنجی و زیانی
یابد اگر بیند که سیماب بفروخت یا بکسی داد از مکر و حیلت زنان ایمن
گردد اگر بیند که در چشمهٔ سیماب غرق شد زنان وبرا جادوی کنند
سیم ابن سیرین گوید بسیار مردم بود که در خواب سیم بیند و در بیداری
سیم یابد و بسیار باشد که در خواب سیم بیند و در بیداری غم و اندوه
سبب طبعهاء مخالف کرمانی گوید سیم درست دیدن در خواب بخیر
درست باشد و سیم شکسته جز دروغ اگر در کیسه بیند کسی پیش
او ودیعتی نهد دانیال گوید اگر کاسه یا آفتابه یا طشت سیمین
بیند همه دلیل بر جمع مال بود اگر بیند که پارهٔ سیم گداخته از معدن
بیافت از آن دیار زنی خواهد اگر بیند که بی اندازه سیم و آلات سیمینه
یافت بقدر آن گنج یابد و سیم پالا در خواب مردی بود که در حق او
سخن زشت گوید سیمرغ ابن سیرین گوید اگر در خواب سیمرغ بیند مردی
بزرگوار خوش طبع بود اگر ماده بیند زنی بود باکمال اگر بیند که سیمرغ
او را برداشت و در هوا برد دلیل که در پناه مردی بزرگ بسفر رود اگر
بیند که سیمرغ با وی سخن گفت وزیر پادشاه شود اگر بیند که با سیمرغ
جنگ میکرد با مردی بزرگ خصومت کند اگر بیند که گوشت سیمرغ
میخورد بقدر آن مال یابد از مردی بزرگ کرمانی گوید اگر بیند که سیمرغ
ماده بکشت دوشیزگی دختری بستاند اگر بیند که سیمرغ از دست او

بپرید دلیل که زنان را طلاق دهد اگر بیند که بچهٔ سیمرغ بگرفت وبرا
فرزندی ابله آید مغربی گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود اگر بیند که سیمرغ
بکوچه او فرود آمد پادشاهی در آن کوچه فرود آید اگر بیند که اهل آن
کوچه سیمرغ بکشتند پادشاه از دیار هلاک شود اگر بیند که سیمرغ و
برا بگرفت در پناه پادشاه شود اگر بیند که از سیمرغ بدو رسید پادشاهی او را
عطا دهد جعفر صادق گوید دیدن سیمرغ در خواب بر چهار وجه بود اول
مرد بزرگ دوم پادشاه ولایت سوم زن با جمال سینه ابن سیرین گوید
سینه در خواب شریعت بود افمن شرح الله صدره للاسلام اگر بیند که
سینهٔ وی فراخ شد کارهاء وی ساخته گردد اگر بیند که تنگ شد
در دینش خلل بود اگر بیند که بر سینهٔ وی خطی سبز نوشته بود
حق تعالی او را کرامت با او کند اگر بیند که کبود یا سیاه بر سینه وی
نوشته بود در دین وی خلل افتد و بچه نهادن ببرد اگر بیند که بر
سینه موی داشت دلیل که وام کند اگر بیند که از سینهٔ وی موی سترده
بود وام گزارده شود کرمانی گوید اگر بیند که سینه وی گرفته بود چنانک
دم نتوانست زدن کار دین و دنیا بر وی گشاده گردد و عمل صالح کند اگر
بیند که سینه وی گشاده شد کارها و دین وی گشاده شود اگر بیند
که سینه وی گرم بود باقی اندامها سرد دلیل که تعلق مهر اش باشد
دانیال گوید اگر سینه خود تنگ بیند دلتنگ گردد و اگر فراخ بیند
خرم و شادمان گردد و بمراد رسد و بعضی گویند اگر کافر بیند که سینه
وی فراخ شد مسلمان شود ان یرده یشرح صدره للاسلام
جعفر صادق گوید دیدن سینه در خواب بر هفت وجه بود اول

علم حکمت دوم سخا سوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم ارفته
هفتم مرتبه هشتم بخار [illegible] شاخها ابن سیرین گوید
دیدن شاخها در خواب دلیل بود بر خداوند خواب از برادران و
فرزندان و خویشان اگر بیند که شاخهای درخت انبوه و بسیار بود خویشان
و اهل بیت او بسیار باشند اگر بخلاف این باشد کم باشند اگر بیند که
شاخی از درخت وی خشک شد یکی از خویشان وی هلاک شود اگر
بیند که شاخی از درخت دیگران شد تاویل بخداوند درخت باز گردد
کرمانی گوید اگر بیند که شاخ درخت خرما بوی دادند یا بیافت فرزندش
آید اگر بیند که از شاخ چیزی بخورد بقدر آن مال و زن بخورد شاذروان
ابن سیرین گوید دیدن شاذروان نو و فراخ در خواب بیند که گسترده
بود و دانست که ملک او ست بقدر بزرگی و فراخی آن عیش خوش
و عمر دراز یابد اگر بیند که بر شاذروان فراخ نشسته بود در شهر خود
با دوستان یا در جایگاه بیگانه آن بر وی گسترده بودند و ندانند که جای
کیست احوال دنیا بر وی متغیر شود و در غربت بمیرد اگر شاذروان کوچک
بود اندک روزی و کوتاه عمر شود اگر بیند که شاذروان در نوردیده بود
و بر دوش گرفته از جای خود بجای بیگانه برد و عمر تکیه بود اگر بیند که
بر شاذروان صورت مردی نگاشته بود و مردم می شناختند و آن صورت
با وی سخن گفت دلیل که آن مرد را بدروغ ستایش کنند اگر دید که شاذروان
کسی را دیا بفروخت تاویلش بد باشد دنیا گوید اگر شاذروان گسسته بیند
دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار وی بود اگر بیند که شاذروان کوچک در
زیر وی فراخ شد روزی بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند تنگ

روزی گردد اگر بیند که شاذروان فراخ گسترده بود و بدست خود بپیچید
و بکنج خانه نهاد دولت و اقبال خود تباه کند مغربی گوید اگر بیند که
شاذروان کهنه بود و دریده بود زندگانی بر وی دشوار شود اگر بیند که شاذروان
پاکیزه بود نعمت بر وی فراخ گردد اگر سرخ بیند بهره دنیا مشغول
گردد اگر سیاه و کبود بیند غم و اندوه بود اگر زرد بیند بیماری و اگر سفید
بیند نعمت و روزی حلال بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که شاذروانی
مجهول در جایگاهی مجهول افکنده بود آنچه دارد از دست وی برود
اگر بیند که شاذروان در خانه کسی گسترده بود خداوند خانه را دولت و نعمت
حاصل کند جعفر صادق گوید دیدن شاذروان در خواب بر چهار وجه
بود اول روزی حلال دوم عمر سوم منفعت چهارم معیشت
شادی ابن سیرین گوید شادی در خواب غم و اندوه بود در بیداری اگر
بیند که از کسی شادمان شد آن اگر غم و اندوه رسد اگر مرده در خواب
شاد و خرم بیند حالش نیکو شود و خاتمتش بسعادت جعفر صادق گوید
اگر کسی در خواب بی سببی شادمانه و خندان بیند اجلش نزدیک آمده
باشد حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة شانه ابن سیرین گوید شانه
در خواب مردی بود که او را حسب و نسب نبود و در دین او نفاق باشد
اگر در خواب بیند که سر و ریش شانه میکرد از غمها فرج یابد و عمر دراز
و وامش گزارده شود و بمراد برسد کرمانی گوید اگر ریش را شانه میکرد
و یکان یکان بیرون می آورد دلیل که زکوة مال بدهد مغربی گوید شانه در
خواب یاران موافق باشد در کار خیر و موی شانه کردن با [illegible]
بود و شانه تاش در خواب مردی بود که اندوه و غم از دل زدوده دارد و دوام

بکرازد و بعضی کویند مردم خوب روی باشند که از دیدار شان چشم روشن
کردد **شانه مردم** ابن سیرین کوید شانه آدمی در خواب دیدن دلیل زن بوذ
اکر بیند که شانه وی قوی بوذ و بزرک زنی خواهد اکر بیند که شانه کاو
یا کوسفند یافت زنی اورا حاصل شوذ اکر بیند که شانه وی بشکست
زنش بمیرذ کرمانی کویذ اکر بیند که کوشت از شانه باز میکرد و دورهایید
بوذ دران سال باران بسیار باشذ و اکر بخلاف این بوذ کم باشذ اکر بیند که
دران شانه سیاهی بوذ دران سال آفت و بلا باشذ اکر دران شانه سرخی
بیند یا سیاهی نرخها ارزان شوذ اکر زردی بیند بیماری باشذ اکر برکنا
شانه خطها بسیار بیند دران سال مرک بسیار باشذ **شاه رود** در خواب
دیدن دلیل بر لهو و طرب دنیا کند و سخن دروغ و محال کویذ اکر بیند که
که پیش وی شاه رود می زدند بسخن محال رضا دهند اکر بیند که پادشاه
روز و جنک و چغانه و نای بوذ دلیل غم و معصیت بوذ کرمانی کویذ
اکر بیند که شاه رود بشکست یا بیفکند از سخن دروغ توبه کند مغربی
کویذ اکر بیند که شاه رود می زد با زنی بزرک بپیوندد و ازو عز و جاه یابد
شاهسپرم ابن سیرین کویذ اکر شاهسپرم سبز و پاکیزه و خوش بوی بیند دلیل
بر عز و بزرکی بوذ اکر بیند که زرد و پژمرده بوذ بیماری بوذ کرمانی کویذ
شاهسپرم در خواب بر شش وجه بوذ **اول** عز و بزرکی **دوم** فرزند
سوم دوست **چهارم** سخن خوش **پنجم** مجلس علم **ششم** نام نیکو و
ثنا و مدح **شاهین** ابن سیرین کویذ اکر دید که شاهی بکرفت یا کسی بوی
داذ و آن شاهین مطیع بوذ اورا فرزندی آیذ اکر بیند که شاهین
اورا مطیع نبوذ از پادشاهی ظالم اورا بزرکی رسد کرمانی کویذ شاهین

بخواب مردی بوذ بسیاردان اکر بیند که شاهی بکرفت یا کسی بوی داذ
اورا با مردی دانا صحبت افتذ و از وی خیر و منفعت یابذ جعفر صادق کوید
دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه بوذ **اول** قدرت و منزلت
دوم فرمان روایی **سوم** مال و نعمت **چهارم** فرزند **شب تیره** ابن سیرین
کویذ اکر بخواب شب تیره و تاریک و ناخوش بیند غم و اندوه بوذ اکر بیند
که شب روشن بوذ و ماهتاب دلیل خرمی و عیش بوذ کرمانی کویذ
اکر بیند که بشب تیره می رفت و راه بروی مشکل بوذ و به بیند راه راست
می رفت دلیل که استقامت بوذ در دین **شب یمانی** که انرا ک سفید
خوانند دیدن آن در خواب غم و اندوه بوذ و خوردن آن دلیل هلاک
مغربی کویذ اکر شب یمانی روز روشن بیند و آفتاب در رفتن دلیل بوذ
بر خیر و کشایش کارها و اکر بخلاف این بیند مضرت و بستکی کار بوذ **شبان**
ابن سیرین کویذ شبان کاو و کوسفند و اسب و خر و مانند آن هر یکی را
بر قدر تاویلی بوذ شبان اسب دلیل بر بزرکی و ولایت کند و شبان خر دلیل
بر محنت کند و شبان کاو دلیل بر سال نیک و همت فراخ و شبان کوسفند
مال و روزی حلال کرمانی کویذ اکر بیند که شبانی میکرد و کرک از کله او کوسفندی
برد دلیل که پادشاه از دیار او خراب کند و احوال رعیت تباه شوذ دانیال
کویذ شبانی کوسفند دلیل بر عدد کوسفندان بوذ و وی را مهتری در فرمان
بوذ اکر بیند که شبانی چیزی بوی داذ بقدر آن چیز وی را خیر و منفعت
رسد جعفر صادق کویذ شبان در خواب مردی بوذ شایسته و ناصح و
حافظ فالها مردم چنانک صواب کارها هر کس با نمایذ **شب باز** خیالک
باز باشذ ابن سیرین کویذ شب بازی کردن در خواب لهو و طرب بوذ اما

شرم داشتن از کاری که دران شر و فساد بوذ دلیل بر زیادتی ایمان کند
و شرم نا داشتن از کاری که دران شر و فساد بوذ دلیل بر نقصان
ایمان بوذ **شستن** ابن سیرین گوید شستن سر و تن با آب جوی و حوض
و دریا دلیل کند که نجات از غم و خلاص از اندوه بوذ اگر این خواب محبوس
بیند از حبس رهایی یابذ اگر وامدار بیند وامش گزارده شوذ اگر بیمار
بیند شفا یابذ اگر بیند که تن را تمام بشست کارش تمام شوذ کرمانی
گوید اگر بیند که مرده خوذ را می شست دلیل که خویشان او از غم و
اندوه رسته شوند اگر بیند که با آب شور خوذ را بشست رنجی بوی
رسد اگر بیند که جامه پاک با آب گرم بشست دلیل توبه کند مغربی
گوید شستن با آب سرد بر چهار وجه بوذ **اول** توبه **دوم** عافیت از
بیماری **سوم** خلاص از زندان **چهارم** ایمنی از ترس و شستن با آب
گرم غم و اندوه و بیماری بوذ و دست و روی شستن در خواب بر هشت
وجه بوذ **اول** حصول مراد **دوم** شفا از بیماری **سوم** یافتن مال
چهارم حج **پنجم** فرج از غم **ششم** ایمنی از ترس **هفتم** دیر بارک **هشتم**
حاجت روا شدن **شپش** ابن سیرین گوید شپش در خواب شادی و
خرمی بوذ اگر بیند که کسی شپش بوی داذ و آنکس معروف بوذ دلیل که از و
خرمی بیند و اگر شپش خوذ بکسی داذ خبر بوی رساند مغربی گوید
اگر بخواب بیند که شپش خام یا پخته میخورد از جانوری که گوشتشان
حلال باشد بقدر آن مال حاصل کند **شطرنج** در خواب بهتان بوذ
و سخن دروغ اگر بیند که شطرنج می باخت و خصم را غلبه کرد دلیل
که کسی را بباطل غلبه کند اگر بیند که خصم بروی غلبه کرد غلبه کند

گوید اگر شکم خوذ آماسیده بیند دلیل که او را مال بسیار حاصل شوذ
اگر شکم خوذ را شکافته بیند بوی مصیبتی رسد اگر بر شکم خوذ موی رسته
بیند وامش افتد از قبل عیال اگر موی از شکم سترده بیند بی غم شوذ و وامش گزارده
شوذ اگر بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل که عیال مال وی بخورد جعفر
صادق گوید دیدن شکم در خواب بر چهار وجه بوذ **اول** جای علم **دوم**
خزانه **سوم** نظام عیش و فرزند **چهارم** **شکنبه** ابن سیرین گوید شکنبه همه جانور
گوشتخوار و حلال بوذ دلیل بر مال حلال کند اگر شکنبه را بر سرگین بیند دلیل
بر مال حرام بوذ اگر بیند که شکنبه پخته میخورد خیر و منفعت بیند **شکنجه**
ابن سیرین گوید شکنجه در خواب خواری و بیچارگی بوذ اگر بیند که او را از
شکنجه الم رسید دلیل بیمی بوذ اگر بیند که او را از شکنجه زحمتی نرسید
تاویلش بخلاف این بوذ اگر بیند که شکنجه کرد از پادشاه گزند رسد **شکوفه**
پادشاه او را
بدانک شکوفه درختان بوقت خویش بهتر بوذ و شکوفه سرخ و سپید
به از زرد بوذ و گلنار در خواب عروسی بوذ یا کنیزک خوب روی و شکوفه
درختها سخنها لطیف بوذ بقدر کوتهی و بلندی و کوتاهی درخت مغربی
گوید اگر بیند که شکوفه درختان بهنگام می خورد از گروهی که بدان درختان
نسبت دارند سخنی لطیف شنوذ و از ایشان خیر و منفعت بیند اگر بیند
که شکوفه را می بوییذ مردم وی را مدح و ثنا گویند **شرمندی** ابن سیرین گوید اگر
بخواب بیند که اندامی از اندامهای وی برهنه شد و شرم بوذ و خوذ را بکنج خانه افکند و
نتوانست برخاست دلیل که از کارها بد توبه کند و شرم خوذ از مردم باز داذ
اگر بیند که مردم معتقد بذین باشند تاویلش بخلاف این بوذ مغربی گوید اگر
بیند که اندامی از اندامهای وی خسته شده بوذ آنکس را از خویشی که اندام

شکسته دارد آفتی رسد **شلغم** ابن سیرین گوید شلغم در خواب غم و اندوه بود
اگر بیند که شلغم بکسی دارد بدان کس رنج رساند مغربی گوید شلغم پخته
به از شلغم خام بود کرمانی گوید اگر بیند که شلغم از خود دور کرد از غم و
اندوه رسته گردد **شلوار** ابن سیرین گوید شلوار در خواب کنیزک عجمی بود
یا زنی چون اگر بیند که شلوار نو بخرید و بپوشید کنیزکی عجمی زن کند
اگر بیند که زنی شلوار نو بخرید شوهر کند اگر بیند که شلوارش کشوده بود
دلیل بر بی ستری بود اگر بیند که او را شلواری بخشیدند او را خادم
زیادت شود اگر بیند که شلواری نو یافت خادمی یابد اگر بیند که
شلواری چرکن داشت دلیل که عقوبت یابد از حق تعالی **سرابیلهم من
قطران و تغشی وجوههم النار** اگر بیند که شلوار سرخ در پای داشت
دلیل بر بی حرمتی باشد اگر شلوار زرد داشت بیمار شود و اگر سبز داشت
مردم وی را ملامت کنند و زنان از شلوار و بکبر نیکو باشد اگر بیند که شلوار
وی گم شد کنیزک یا خادم او بگریزد اگر بیند که شلوار زنی در
پای داشت او را از زنی خواری رسد جعفر صادق گوید دیدن شلوار
در خواب بر سه وجه بود **اول** زن **دوم** کنیزک **سوم** خادم خانه **شلوار بند**
دلیل بر عورت مرد بود اگر بیند که شلوار بندی داشت بود دلیل بر سختی
و محکمی قضیب بود اگر کهنه بیند دلیل بر ضعیف قضیب باشد **شمار**
ابن سیرین گوید اگر بیند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت افتد مغربی
گوید هر شماری که آسان بود محنتش کمتر بود و تاویل عددها از یکی تا
صد و هزار در حروف عین بیان کردیم **شمشیر** دانیال گوید شمشیر در
خواب که در نیام بود زن باشد و بی نیام مال و خواسته و فرمان روایی

اگر بیند که شمشیر در دست داشت او را پسری آید اگر بیند که شمشیر از
نیام بیرون بود زنش پسری آرد اگر بیند که شمشیر در نیام و نیام بشکست
و شمشیر بسلامت بماند فرزند از شکم بسلامت بیرون آید و مادرش بمیرد
اگر بیند که دسته شمشیر از نیام بیرون کشید زنش پسری آرد اگر بیند که
شمشیر برهنه در دست داشت و بالا برد تا بکسی زند سخن اندیشیده
باشد که بکسی گوید اگر بیند که شمشیر بکسی زد و شمشیر همچنان رها کرد
دلیل که زبان در حق آنکس گشاده باشد اگر بیند که بر کسی زد و کارگر بود
آنکس که زخم خورد نسلش منقطع گردد اگر بیند که شمشیر در گردن
حمایل داشت دلیل که ولایتی در گردن او بود اگر بیند که حمایل شمشیر دراز
بود دلیل که احتمال ولایت داشتن ندارد اگر بیند که حمایل کوتاه بود دلیل
کند دلیل که آن ولایت که باو سپارند نقل کند اگر بیند که حمایل شمشیر
گسسته بود دلیل که آن ولایت از دست وی برود اگر بیند که کسی بر جنگ
شمشیر زد دلیل که نام آنکس مشهور گردد کرمانی گوید اگر بیند که بر شمشیر
شمشیر آهیخته بود دلیل که وی را فرزندی آید اگر فرزند بود فرمان روایی
یابد اگر بیند که کسی وی را شمشیر هدیه داد دلیل که توانگر گردد اگر بیند که
شمشیر و نیام هر دو بشکست فرزند و مادر هر دو بمیرند اگر بیند که کسی را
بشمشیر بزد و خون از وی روان شد و جامه وی آلوده گشت دلیل که زخم خورده
و معصوم باشد اگر جامه نشده بخون آلوده گشت دلیل که او را تهمت
کنند بمال حرام اگر بیند که شمشیر او ببستند دلیل که عملی که دارد از او
بستانند اگر بیند که شمشیر در میان بسته عمر دراز شود مغربی گوید
اگر بیند که شمشیر زیر داشت از زنان منفعت یابد اگر بیند که شمشیر آهنین

داشت کارش قوی گردد اگر بیند که شمشیر پولاد داشت از زنی پسر [illegible]
یابد اگر بیند که شمشیر از مروارید داشت از علما و اهل دین قوت یابد
اگر بیند که شمشیر چوبین داشت کارش ضعیف شود اگر بیند که شمشیر
سفالین داشت از زنان پادشاه قوت یابد اگر بیند که آهن نیام
شمشیر او شکسته بود یکی از اهل و بیت او بمیرد اگر بیند که دو شمشیر داشت
بدو جای عمل کند اگر بیند که شمشیر او را دو روی بود کارش روان گردد
اگر شمشیر لاجورد بیند کارش بلند باشد اگر بیند که پادشاه شمشیر
بر دست وی داد از پادشاه قوت یابد اگر بیند که شمشیر او چون آبگینه می
درفشید از مهتری نواخت و حرمت یابد جعفر صادق گوید دیدن شمشیر
در خواب بر پنج وجه بود اول فرزند دوم ولایت سوم حجت چهارم منفعت
پنجم ظفر بر دشمن و شمشیر کند در خواب مردی بود قوی و فصیح زبان شمع
ابن سیرین گوید شمع در خواب دولت و عزت و فراخی و نعمت بود اگر
بیند که شمع افروخته داشت دولت و نعمتش زیادت شود اگر شمع
افروخته بخانه خود نهاده دید و همه خاندان روشن گشت دلیل
که در آن سال نعمت بروی فراخ گردد و تجارت وی روان شود و بعضی
گویند زنی با جمال ستوده باشد اگر بیند که شمع افروخته او را دادند دلیل
که دولت و عزت یابد اگر شمعی یا شمعدان سیمین بیند زنی از اصل نیک
خواهد اگر شمعدان زرین بود زنی از زن دیگان پادشاه خواهد اگر شمع
دان ارزیز بود زن از قبیله متوسط خواهد اگر مس بیند زن بی اصل
خواهد اگر برنج بیند از اصل کار بود اگر آهن بیند از اصل قوی باشد
اگر از سفال بیند از مردمان عامه باشد کرمانی گوید اگر بیند که شمع

روشنی کم شد

افروخته کسی بکشت دلیل که آنکس بروی حسد برد اگر بیند که عز و
دولتش کم شود دانیال گوید اگر بیند که در دست شمع افروخته داشت
اگر زن دارد او را پسر آید اگر در شهر شمعها افروخته بسیار بیند دلیل که پادشاه
عادل و دادگر باشد و قاضی منصف و دانشمند و زاهد و خرمی در شهر
بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند مردم آن موضع بطاعت و تعلیم
علم مشغول باشند جعفر صادق گوید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه
بود اول پادشاه دوم قاضی سوم فرزند چهارم عز پنجم نام و روایی
ششم مهتری هفتم سرای هشتم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم
عیش دوازدهم کنیزک سیزدهم زن چهاردهم دلیل بر آنک بیننده بیند شناه
ابن سیرین گوید شناه کردن در خواب بآب صافی که بوقت شناه کردن
غرق نشد دلیل که در عز دنیا غرق شود کرمانی گوید اگر بخواب بیند
که در دریا شناه میکرد و بکنار نمی توانست آمد دلیل که بازداشته پادشاه
شود اگر بیند که شناه کردن بروی آسان بود و اگر دشوار دلیل که
کارها بروی دشوار گردد اگر آب را کناره نبیند در حبس بماند اگر بیند که
آب غلبه کرد و او در میان آب بماند در دست خصمان هلاک شود
اگر بیند که از غرق شدن سلامت یافت از شغلهای این جهان سلامت
یابد و در کار آخرت کاهد اگر بیند که از زیر آب بر زبر آمد دلیل که از
غم و اندوه فرج یابد مغربی گوید اگر بیند که از دریا بیرون آمد و جامه
در پوشید از شغل پادشاه خلاص یابد اگر بخلاف این بیند خلاص نیابد
اگر بیند که در رودی بزرگ شناه میکرد و بکنار رسید دلیل که از شغلی
بزرگ رسته گردد و اگر بخلاف این بیند در آن شغل بماند شکرف

ابن سیرین گوید شنگرف در خواب رنج و غم و اندوه بود اگر بیند که شنگرف
داشت اندوه یابد اگر بیند که شنگرف خورد بیمار شود اگر بدان چیزی می
نوشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود نیکی بود و اگر بخلاف این بیند مضرت
یابد **شهادت** ابن سیرین گوید اگر بیند که شهادت آورد از غمها فرج یابد و عاقبت
کارش محمود بود مغربی گوید اگر بیند که شهادت می آورد مصلح باشد
دلیل که بوقت مرگ شهادت بیرد اگر مفسد بود توبه کند و از گناه پشیمان
شود و اگر جهود بود در خواب مشرک بود مسلمان شود و عاقبتش بخیر بود
شاه بلوط ابن سیرین گوید اگر بیند که شاه بلوط میخورد غمگین و مستمند گردد
مغربی گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت یا کسی بوی داد بقدر آن از مردی
بخیل منفعت یابد **شهد** انگبین بلوم بنا و بیم میراث باشد یا غنیمت
حلال ابن سیرین گوید اگر بیند که شهد داشت بقدر آن میراث یابد
یا از جایی مال حلال حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که شهد داشت
بقدر آن علم و دانش حاصل کند اگر بیند که مردم را از آن شهد می داد
و می خوردند مردم از او علم و منفعت یابند اگر بخلاف این بود منفعت نیابد
معبران گویند شهد دلیل بر قرآن کند جعفر صادق گوید دیدن شهد در
خواب بر پنج وجه بود **اول** میراث **دوم** غنیمت **سوم** علم **چهارم**
قرآن **پنجم** روزی فراخ **شهرستان** ابن سیرین گوید اگر بیند که بشهرستان
اندر شد دین وی استوار بود و عاقبتش محمود بود و اگر بیند که شهرستانی
بنا کرد دلیل که بخدمت پادشاه رود و خیر و منفعت یابد جعفر
صادق گوید دیدن شهرستان در خواب بر پنج وجه بود **اول** پادشاهی
دوم ریاست و ولایت **سوم** عامر **چهارم** قوت دین **پنجم** ایمنی **ششم**

ظفر **هفتم** استواری در کارها **شهر** ابن سیرین گوید اگر دید که در
شهری شد دینش قوی گردد و کارش تمام شود و بمراد رسد اگر
بیند که از شهر بیرون شد یا کسی او را بیرون کرد تاویلش بخلاف این
بود اگر خود را بر کنگره باروی شهر بیند دلیل که هلاک شود اگر بیند که
از شهر بشهری تحویل کرد دلیل که زن را طلاق دهد و زن وی شوهری
دیگر کند اگر بیند که در شهری مقیم شد زن از او جدا شود اگر بیند که از
شهر مسلمان بشهر کافران تحویل کرد دلیل که از دین راست بدین باطل
گراید و باشد که زنی کافر به زنی کند و اگر در شهر گرمسیر برف و یخ بیند
دلیل بود بقحط و تنگی و اگر در شهر سردسیر بیند دلیل بر فراخی و ارزانی
نعمت کند ابن سیرین گوید اگر بیند که در شهری شد و آن شهر او را خوش
آمد دلیل که عز و جاه یابد اگر بیند که از روستا بشهری شد دلیل که خیر
و نعمت بدو رسد **ادخلوا مصر ان شاء الله آمنین** اگر بیند که از شهر
بروستایی رفت مرادش بر نیاید **ربنا اخرجنا من هذه القریة** و اگر خود را در شهری
بیند بهتر از شهر خود تاویلش بد بود و اگر بیند که خود را در شهری
کم کرده بود تاویلش نیک بود اگر بیند که زنان در شهری شدند دلیل که
در آن شهر بلا و فتنه افتد و اگر زنان را آراسته و پاکیزه بیند در آن شهر
فراخی و نعمت باشد اگر بیند که پیرزنان بشهری درون شدند دلیل که
عاملان باشند در آنجا شوند و اهل آنجا ظلم پیدا کنند و اگر بیند که زنان
زنان روی بسته بشهر شدند دلیل که در آن شهر خبرها خوش شنوند اگر
خود را بیند که در شهری بود که از جانب مشرق بود بهتر از جانبها شهر مغرب
جابر مغربی گوید اگر کسی خود را بیند که در شهری بود که از هندستان بود

باشذ اکر خوذ را در شهرها ترکستان بیند دشمن بروی ظفر یابذ اکر خوذ را
بشهر بلغار یا صقلاب بیند دلیل که بروی خیانت کنند و کارها بروی
پوشیده کردذ اکر خوذ را در شهر ماورا النهر بیند عز و جاه و غنی یابذ اکر
بخوارزم بیند کارش بسته کردذ اکر در شهر خراسان بیند کارها و یاسانی
تمام شوذ اکر در طبرستان بیند در کارها صعب کرفتار شوذ اکر در عراق
یابذ دولت و کامرانی بیند اکر در فارس بیند صحبت او با مردم پارسا بوذ
اکر در کرمان بیند عیالش بسیار بوذ و اکر در شهر حجاز بیند دلیل که حج
کنذ و اکر در شهر یمن بیند دلیل بر ایمنی و سلامت کنذ اکر بشهر مصر بیند
شاذمانی و خرم شوذ اکر بشهر شام بیند غمکین و مستمند شوذ اکر در
آذربایجان بیند در کارها رنج و بلا کشذ اکر در شهر ارمینیه بیند
با مردم دون صحبت دارذ اکر در شهرها روم بیند مرادش برآیذ اکر
بشهرهای مغرب بیند کارش در نقصان افتذ اکر در شهر فرنک بیند
کارها دنیا او نیک شوذ اما در دین ضعیف باشذ اکر در شهرها مروا
بیند نیکو نباشذ کرمانی کوید اکر خوذ را در مکه بیند عز و نعمت
یابذ اکر خوذ را در مدینه رسول علیه الصلوة و السلم بیند او را با علما
صحبت افتذ و از ایشان خیر و منفعت بیند اکر در یمن بیند از ترس
و بیم ایمن شوذ اکر بطایف بیند سفر بسیار کنذ اکر در بصره بیند از علما
بهره مند شوذ اکر بواسط بیند دین دار و پارسا شوذ اکر در کوفه بیند
از عام نیکویی یابذ اکر ببغداذ بیند توانکران و بازرکانان او را چیز رسانند
و اکر بحلوان بیند معیشت خوش کذارذ و اکر در اصفهان بیند او را
با بزرکی صحبت افتذ و اکر در کرمان بیند بسبب عیالش در مال نقصان

شوذ اکر بموصل عراق برسد و اکر در دمشق بیند روزی بروی فراخ شوذ
اکر بحلب بیند از بزرکی منفعت یابذ و اکر بانطاکیه بیند از مهتری فایده
بیند اکر به بیت المقدس بیند پارسا و با امانت بوذ و حج بکزارذ اکر بمصر
بیند عز و کامرانی یابذ و اکر بقسطنطینه بیند در راه دین ضعیف بوذ
اکر بقیصریه بیند از پاذشاه منفعت یابذ و اکر در اخلاط بیند کارش
شوریذه شوذ اکر بدربند بیند کارش بسته شوذ و اکر بتفلیس بیند کارش
نقصان شوذ اکر بکنجه بیند غمش زیاده شوذ اکر بخوی بیند مالش تمام
شوذ اکر بمراغه بیند شاذ و راحت یابذ اکر بتبریز بیند از رنج رسته کردذ
اکر بزنکان بیند اندوهکن شوذ اکر به همدان بیند جاه و منفعت یابذ اکر به
قزوین افتذ او را با مهتران صحبت افتذ اکر بری بیند او را سوکندی
افتذ اکر بکرکان بیند خصومت کنذ اکر بدهستان بیند متفکر شوذ
اکر به بسطام بیند خرمی یابذ اکر به ساوه بیند نقصان مالش بوذ اکر به مرو
بیند بشغلی که ساخته بوذ بجای نماند اکر بنیسابور بیند با مردی بزرک
او را صحبت افتذ اکر بطوس بیند خیر و منفعت یابذ اکر به بلخ یابذ بر دشمن
ظفر بیند اکر در سمرقند بیند در میان مردم نام دار شوذ اکر بغزنین بیند
از بزرکان خیر و منفعت یابذ اکر بکاشغر بیند اندوهکن شوذ اکر باسکندریه
بیند کاری سخت کیرذ و از آن پشیمان شوذ و اکر در آن دکین بیند با وی خیانت
کنند و اکر در حصاری بیند کارش فرو بندذ جعفر صادق کوید دیذن
شهرها در خواب بر چهار وجه بوذ **اول** دین **دوم** کار و شکار **سوم**
عیش خوش **چهارم** زنی که جفت وی باشذ **شوربا** ابن سیرین کوید شوربا
که بکوشت کوسفند پخته و بطعم و بوی خوش باشذ خیر و منفعت بوذ و اکر

بود اگر بخلاف این بود غم و اندوه بود مغربی گوید چون بگوشت لطیف پخته
باشد و اگر بگوشت غلیظ پخته باشد غم و اندوه بود **شونیز** ابن سیرین
گوید شونیز در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردنش مضرت و نقصان
و اگر بسیار داشت در اندوه گرفتار شود **شبت** دانیال گوید شبت
هرچند تازه تر و بیشتر بیند دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود بر خلاف
این باشد اگر بیند که شیر تازه میخورد قدر آن مال حلال یابد اگر زنی بیند
که شیر در پستان وی جمع شد او را فرزندی آید اگر مردی بیند که او را شیر می
دوشید و عوض شیر خون می آمد دلیل که مال حرام یابد اگر بیند که از پستان
خود شیر میخورد کسب و معیشت خود زیان کند اگر زنی بیند که کودک را از شیر
باز گرفته را شیر داد زیان کند اگر مردی بیند که کودک را شیر داد بود و شیر
میخورد مرادها یابد کرمانی گوید شیر چهارپای دشتی بخواب دلیل بر مال
اندک بود اگر بیند که شیر کره میخورد دلیل بر توبه و صلاحیت بود اگر بیند
که بچگان را شیر می داد از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که شیر شتر میخورد
از بزرگی مال یابد اگر بیند که شیر آهو میخورد روزی بروی فراخ شود
اگر بیند که شیر بز میخورد از برادر زن مال و نعمت یابد اگر بیند که شیر
پلنگ میخورد با دشمن خصم شود اگر بیند که شیر ببر میخورد از دشمن
مال یابد اگر بیند که شیر پیل میخورد از مردم بزرگ مال حرام یابد اگر شیر
گاومیش میخورد مال یابد اگر شیر خر میخورد بیمار شود و شفا یابد اگر
بیند که شیر خرگوش میخورد از زنی منفعت بیند اگر بیند که شیر خوک میخورد
ابله و بیخرد گردد و اگر شیر روباه میخورد با کسی مکر و حیلت سازد اگر
شیر گرگ میخورد عیالش با وی خیانت کنند اگر بیند که شیر گوسفند میخورد

مال حلال یابد [illegible] گوید شیر دوشیدن از حیوانی که مال و حلال باشد
و حیوانی که گوشتش حرام باشد غم و اندوه باشد جعفر صادق گوید شیر در
خواب خوردن بر سه وجه باشد **اول** روزی حلال **دوم** مال و فرزند **سوم**
غم و اندوه ابن سیرین گوید شیره انگور در خواب خیر و منفعت دنیا بود
قوله تعالی **یغاث الناس وفیه یعصرون** اگر بیند که شیره انگور می فشرد دلیل
که با پادشاهی نزدیک شود اگر بیند که شیره تازه میخورد قدر آن روزی
حلال یابد اگر بیند که بطعم ترش بود دلیل که روزی او برنج و محنت بدست آید
کرمانی گوید اگر بیند که شیره داشت خیر و منفعت یابد اگر بیند که انگور می
پالود و شیره می ستد و تلف می گذاشت مال بسیار یابد و شیره هرچند تازه و
شیرین تر منفعت بیشتر جعفر صادق گوید دیدن شیره در خواب بر چهار
وجه بود **اول** مال حلال **دوم** نعمت بسیار **سوم** عیش خوش **چهارم** منفعت بی
رنج **شیرینی** ابن سیرین گوید شیرینیها در خواب شادی و خرمی و روزی حلال بود
اگر بیند که کسی شیرینی بوی داد آنکس روزی یابد اگر بیند که شیرینی خورد
منفعت یابد کرمانی گوید شیرینی در خواب کنیزک خوب روی بود اگر شیرینی
بگونه سفید بود دلیل که پارسا و دین دار بود و اگر بگونه سرخ بود دلیل که
طرب و عشرت دوست دارد اگر زرد بود کنیزک بیمارگون شود جعفر صادق
گوید دیدن شیرینی در خواب بر شش وجه بود **اول** منفعت **دوم** مال حلال
سوم علم و حکمت **چهارم** فرهنگ و ادب **پنجم** ثنای نیکو **ششم** خوب روی
شیر ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب با شیر جنگ میکرد با دشمنی خصومت
کند و از هر دو آنکه ظفر یابد که غالب باشد اگر بیند که بر اثر شیری شد دلیل
که از پادشاه بترسد اگر بیند که از شیر میگریخت و شیر او را طلب میکرد

از انجه می ترسد ایمن گردد اگر بیند که از گوشت شیر میخورد از پادشاه مال یابد
و بر دشمن مظفر شود اگر بیند که از شیر شیر میخورد از پادشاه منفعت و صلت
یابد کرمانی گوید شیر در خواب پادشاه بود اگر بیند که از اندام شیر آفت یا کسی بوی
داد و بخورد دلیل که از مال دشمن چیزی خورد اگر بیند که با شیر مجامعت کرد از محنتها
برسته گردد و مراد بیابد اگر بیند که شیر در بر گرفت با دشمنی آشتی کند اگر بیند که
شیر با وی مجامعت کرد از پادشاه خواری یابد اگر [illegible] که شیر از در وی در
آمد و از پیش وی بیرون شد از پادشاه وی را مضرت رسد دانیال گوید اگر بیند
که سر شیر یافت پادشاهی یابد اگر بیند که پادشاه وی را شیر داد پادشاهی
حرز بخود دهد یا در ولایتی او را پادشاه کرد اندا گر بیند که بر پشت شیر نشست
دولت و حرمت زیادت گردد مغربی گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر
ماده زن پادشاه اگر بیند که شیر می دوشید دبیر پادشاه گردد و اگر زنی
این خواب بیند دایه پسر پادشاه شود اگر دید که شیر را بر پشت گرفته
دشمن بر وی ظفر یابد اگر بیند که شیر وی را بگزید او را از دشمن مضرت
رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که شیر وی را در بر گرفت مقرب پادشاه
شود اگر خلاف این بیند خشم پادشاه یابد اگر بیند که با شیر طعام خورد معتمد
پادشاه شود پوست و گوشت و استخوان شیر جمله دشمن بود اگر بیند که
گوشت شیر میخورد مال دشمن بآسانی بدست آرد جعفر صادق گوید دیدن
شیر در خواب بر سه وجه بود اول پادشاه دوم مرد دلیر سوم دشمن قوی

شیرخشت

ابن سیرین گوید شیرخشت در خواب روزی حلال بود اگر بیند که در
صحرایی شیرخشت جمع کرد از سفر مال حاصل کند اگر بیند که شیرخشت
میخورد مال بر عیال نفقه کند و عوض باز یابد اگر بیند که شیرخشت

باشد آنان را که از ان مال جمع کند جعفر صادق گوید دیدن شیرخشت در خواب
بر سه وجه بود اول مال حلال دوم فراخی عیش سوم کام دل یافتن

شیشه

ابن سیرین گوید شیشه در خواب زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت
زنان کند ولیکن ثبات نباشد اگر بیند که شیشه بوی دادند زن خواهد
درویش اگر بیند که در شیشه روغن بود مثل روغن و بنفشه زنی دیندار
توانگر بخواهد اگر بیند که از ان روغن چیزی بر سر مالید دلیل که از مال
زن چیزی بوی رسد اگر بیند که از شیشه شرابی میخورد چون شراب سیب
و انار و غیره بقدر ان مال از زن خورد مغربی گوید اگر بیند که شیشه آبگینه
سفید و پاکیزه داشت دلیل که زنی پارسا خوب روی خواهد اگر بیند که
شیشه بشکست زن هلاک شود اگر بیند که شیشه ضایع شد زن را طلاق
دهد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که شیشه داشت و در وی جلاب
بود یا چیزی شیرین دلیل که زنی خواهد سازگار خوش طبع اگر جلاب
ترش بود تاویلش بخلاف این بود اگر در شیشه چیزی خوش بوی بود زنی
خوب روی مستور کند جعفر صادق گوید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه
بود اول کنیزک خوب دوم خادم

شیطرج

داروی است خوردن آن در خواب مضرت و نقصان مال بود و خوردن آن خیر نبود و بالله التوفیق

(حاشیه: اول زر اجمال)

حرف الصاد

صابون

ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه خود بصابون
شست از کارها باز گردد اگر بیند که جامه کسی بصابون شست دلیل که
کسی را از کردار بد منع کند اگر بیند که صابون میخورد چیزی حرام خورد اگر
بیند که صابون بکسی داد که بخورد چیزی حرام بخورد کرمانی گوید اگر بیند
که صابون بسیار داشت و جامه خود بشست دلیل که او را مال و نعمت

حاصل آید اگر بیند که دست خود بصابون بشست دلیل که از مراد
باز ماند. مغربی گوید خریدن صابون در خواب به از فروختن بود چون
بلون سفید بود و از وی نیک خوش بیاید بنا و بر اغایت نیکو بود و
صابون رقی بهتر. صرافی: صراف در خواب عالم بود اما طامع باشد. ابن
سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که صرافی میکرد معبران نگاه کنند تا
سائل چه مرد بوده و اگر مستور و دین دار بود تاویل آنست که آنچه موافق
نزدیک بود از آن اختیار کند اگر سائل را هیچ پیشه نداند تاویل آنست که
مردی متحیر باشد مشغول بخرافات. کرمانی گوید اگر بیند که صرافی میکرد
دلیل که بغیبت مردم و خیانت مشغول باشد. اگر بیند که صرافی مردم
طمع میکرد دلیل که امانتها مردم نگاه دارد. اگر بیند که صرافی از بهر طمع
میکرد تاویلش بخلاف این بود. مغربی گوید اگر بیند که صرافی کرد دلیل
که بر خیانت کردن مشغول شود و گویند صراف مردی عالم بود که از علمش
هیچ فایده بکس نرسد. جعفر صادق گوید صراف مردی باشد
خرافه گوی و همه آن کند که زبان دارد. صاروج: ابن سیرین گوید
اگر بیند که صاروج کرد دلیل با مردم سخن لطیف گوید و صاروج
کردن در خواب مردی خوش بود. مغربی گوید اگر بیند که از بهر کسی صاروج
کرد دلیل که با آنکس مدارا کند. جعفر صادق گوید صاروج کردن در
خواب بر سه وجه بود: اول سخن لطیف، دوم مدارا کردن، سوم
رضای آنکس جستن. صاعقه: آتشی بود که از ابر جهد. ابن سیرین گوید
اگر بیند که از ابر صاعقه بیفتاد دلیل که بقدر آن صاعقه عذاب
حق تعالی باهل آن مقام رسد قوله تعالی ویرسل علیها حسبانا من

السماء فتصبح صعیدا زلقا اهل آن دیار را توبه باید کرد تا عذاب از
ایشان دفع شود. کرمانی گوید اگر بیند که آتش از هوا ماننده باران می
بارید دلیل بود بر بلا و فتنه و خون ریختن از جهت پادشاه. مغربی گوید
اگر بیند که صاعقه بیفتاد و وی را بسوخت دلیل که از عقوبت پادشاه
هلاک شود. صبح: ابن سیرین گوید اگر بیند که صبح صادق دمید و جهان
روشن شد دلیل که اهل آن دیار را غنی حاصل شود. اگر بیند که بعد از
صبح تاریکی در آمد تاویلش بخلاف این بود. مغربی گوید اگر بیند که صبح
بدمید و رنگ آن سرخ بود چنانک زمین از عکس آن سرخ شد در آن
دیار قتل و خون ریزش شود. اگر رنگ صبح زرد بود بیماری بود. جعفر
صادق گوید اگر در خواب صبح دید قوت بود و صلاح دین مردم آن دیار.
صبر: در خواب عالمی بود که از علم جذب مال دنیا نکند. اگر بیند که
صبر میخورد دلیل که عالم شود بدین نوع که گفتیم. اگر نخورد بخلاف این
بود. مغربی گوید صبر خوردن در خواب غم و اندوه بود که بوی رسد.
صحبت: ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که صحبت با مردی مصلح پارسا
میکرد دلیل که بر دیانت و صلاح زندگانی کند. اگر بخلاف این بود دلیل
بر تباهی و فساد کار وی بود. مغربی گوید اگر بیند که همراه پادشاهی
بود او را از پادشاه خیر و منفعت رسد. اگر بیند که همراهی با عالمی
میکرد دلیل که علم و دانش آموزد و کارش بنظام شود. اگر بیند که همراهی
با مشرکی کرد توبه باید کرد. اگر بیند که همراهی با پیرزنی کرد دلیل که بدنیا
مغرور باشد. صحرا: دیدن صحرا در خواب خرمی و نیکویی بود از جهت
پادشاه بقدر بزرگی و نیکویی صحرا. اگر صحرا بی سند بی اندازه چنانک

بوقت خود کشته بود دلیل که مقرب باذشاه کردد و منفعت بیند اگر
صحرایی بیند پی اندازه چنانک بوقت خود کشته بود دلیل که مقرب
باذشاه کردد و منفعت بیند اگر صحرایی بیند پی اندازه و در آنجا خار
وحش بسیار بود دانه پی قیاس و او در آنجا می‌گشت دلیل که با باذشاه
ستمکر صحبت دارد و مقرب وی شود اگر صحرایی بیند که در وی سبع
بود دلیل که با مردی عالم فاضل صحبت دارد و فایده یابد **مصحف** ابن
سیرین گوید اگر دید که صحف ابرهیم میخواند دلیل که کسی او را صواب
نماید و از خطا دفع کند خاصه چون از کتاب خواند اگر بیند که مصحف
از ظاهر میخواند دلیل که صحبت او با مردم به نفاق و ریا باشد مغربی
گوید اگر بیند که مسلمانی مصحف قرآن رها کرد و صحف ابرهیم میخواند
دلیل که اعتقادش در دین مسلمانی ضعیف باشد و کبران و جهودان
دوست دارد و میلش بدیشان بود **صحیفه** سه معنی دارد **اول** نامه
دوم کاغذ **سوم** برده وی ابن سیرین گوید اگر بیند که صحیفه چیزی
می نوشت میراث یابد اگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود
نوشتش می داد دلیل که میراث آنکس بخورد مغربی گوید اگر بیند که صحیفه
بخط سبز می نوشت از مردی دین دار منفعت یابد اگر چیزی بر صحیفه
ننوشت میراث نرسد **صدف** کرمانی گوید صدف در خواب زن بود اگر
بیند که صدفی داشت خادمی یابد اگر بیند که صدف ضایع شد
خادمش بگریزد **صد بوذن** معبران خلاف کرده اند ابن سیرین گوید اگر بخواب
بیند که عالمی صدقه می داذ دلیل که از علم او نفع بمردم رسد اگر بیند
که باذشاه صد فرداذ دلیل که منفعتش بسیار بود اگر بیند که پیشه

کاری صد قدر داذ دلیل که شاگرد از آن پیشه آموزد کرمانی گوید صد قدر داد
در خواب ایمنی بود و خلاف از رنج و سختی مغربی گوید اگر وام دار بیند
که صد قدر داذ وامش گزارده شود اگر بنده این خواب بیند آزاد شود اگر
زندانی بیند خلاص یابد اگر ملحد بیند مسلمان شود فی الجمله صد قدر داذن
در خواب دلیل بر سعادت دو جهانی بود **صراط** ابن سیرین گوید اگر بر صراط
ایستاده بود و بر دست وی کارها بحق راست کردد زیرا که صراط راه راست
بود **ویهدیک صراطا مستقیما** اگر بیند که از صراط بگذشت از بلایی
بزرگ ایمن شود اگر بیند که از صراط در دوزخ افتاد در رنج و بلا و مصیبت
افتد کرمانی گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گیرد و
عمل صالح کند جعفر صادق گوید دیدن صراط در خواب بر شش وجه بود
کار راست **اول** صعب کار و مخاطره وی **دوم** ترس و بیم **سوم** رنج از
قبل سلطان **چهارم** کناه **پنجم** نفاق **ششم** **صفه** ابن سیرین گوید سرای در خواب مادر
و پدر بود اگر بیند که صفهٔ سرایش نو بود و بلند و پاکیزه دلیل بر درازی عمر
و سلامتی نفس مادر و پدرش بود اگر بیند که صفه بیفتاد و خراب شد دلیل
بر هلاک ایشان مادر و پدر مغربی گوید اگر بیند که صفه از جانب راست خلل کرد
و در آن رخنه افتاد پدرش هلاک و بیمار شود و اگر رخنه از جانب چپ بود
دلیل بر بیماری مادرش بود و اگر پدر و مادر زنده نباشد رحم و اندوه بود **صلوات**
ابن سیرین گوید اگر بیند که صلوات بر بهترین عالم رسول خدای صلی الله
علیه و علی آله و سلم میداد حاجتهاش روا کردد و روزی بروی فراخ شود
و خاتمت کارش بسعادت بود مغربی گوید اگر بیند که صلوات بسیاری
داد دلیل که بحج اسلام گزارد و گوید هر که وجود شریف و صلی الله و سلم علیه

بخواب بیند سنتها وی بجای آورد صمغ ابن سیرین گوید اگر بیند که صمغ
داشت یا کسی بوی داد و از آن می‌خورد بقدر آن از فضله مال کسی خورد اگر
بیند که صمغ بکسی داد از فضله مال خود چیزی بکسی دهد مغربی گوید صمغ
در خواب منفعتی اندک بود از مردی که بدان درخت منسوب است چنانکه اگر
صمغ بادام خورد از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ زردآلو داشت از مردی
بیمار منفعت یابد اگر صمغ عربی داشت از مردی قتال منفعت یابد اگر صمغ
مقیلان داشت از مردی بیابانی منفعت یابد صنج ابن سیرین گوید صنج
زدن در خواب چیزی مکروه و کلامی باطل دروغ بود اگر بیند که در پیش
وی صنج می‌زنند دلیل بر غم و مصیبت بود که اهل آن موضع رسد اگر بیند
که صنج بشکست یا بیفکند از کلام دروغ توبه کند جعفر صادق گوید صنج
زدن در خواب بر پنج وجه بود اول خبر مکروه دوم کلام باطل سوم متاع
دنیا چهارم غم و اندوه صندل ابن سیرین گوید اگر بیند که صندل داشت یا کسی
بوی داد دلیل که مدح و ثنا گویند اگر صندل سفید داشت از مردی بزرگوار
ملت و عطا یابد هر چند بوی صندل بیش منفعت او بهتر جعفر صادق
گوید دیدن صندل در خواب بر سه وجه بود اول ثنا و آفرین دوم
خیر و منفعت سوم جاه و حرمت و صندل سفید بهتر از سرخ صندوق
کرمانی گوید صندوق در خواب زن بود و بعضی معبران گویند عز و جاه بود
اگر بیند که صندوقی بزرگ نو خرید یا کسی بوی داد بقدر آن عز و جاه یابد
اگر بیند که صندوق وی بشکست یا ضایع شد دلیل که جاه وی کم شود
مغربی گوید اگر بیند که صندوقی پاکیزه داشت زنش خوب روی و پاکیزه بود
اگر صندوق کهنه بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن

صندوق در خواب بر سه وجه بود اول عزت و جاه دوم بلندی قدر و
مرتبت سوم زن بود صورت ابن سیرین گوید اگر بیند که چهره وی بصورتی
نیکو شد دلیل که احوالش بگردد بدان صورت که دیده باشد اگر خوب
و اگر زشت اگر بیند که بصورت خود باز گشت دلیل که بخدای تعالی باز گردد
اگر صورت خود واژگونه بیند دلیل که همه کس روی ازو بگردانند مغربی گوید اگر
بیند که صورت آدمی با صورت جانوری شد دلیل که بدمذهب و دروغ زن
شود جعفر صادق گوید دیدن صورت در خواب کسی بود که بر خدای عز و جل
دروغ گوید صوف ابن سیرین گوید جامه صوف در خواب خیر و منفعت دنیا بود
خاصه مردم مصلح را اگر بیند که صوفی پوشید و در میان صوفیان در خانقاه
نشست دلیل که راه آخرت گیرد و دست از شغل دنیا بدارد اگر بیند که از
میان صوفیان بیرون آمده بود دلیل که میل بخطا و گناه دارد کرمانی گوید
اگر صوفی شد و مرقع پوشید و در میان ایشان مقام داشت دلیل بیداری
بود اگر بیند که صوفیان او را از میان خود بیرون کردند دلیل که تاویلش
بخلاف این بود اگر بیند که صوفی شد و با صوفیان نشست دلیل که عبادت
و طاعت پنهان کند جعفر صادق گوید صوفی شدن در خواب بر چهار
وجه بود اول دست از دنیا بداشتن دوم از خلق کناره کردن سوم
پیوسته بعبادت مشغول شدن صیقل ابن سیرین گوید صیقل پادشاه
بود و بعضی گویند وزیر پادشاه بود اگر بیند که صیقلی میکرد اگر اهل
صلاح بود پادشاهی یابد یا مقرب پادشاه گردد جعفر صادق گوید صیقل
مردی باشد که بدست خود حق از باطل جدا کند صینی کرمانی گوید
صینی آلت زن خادمه بود اگر صینی روشن و پاکیزه بیند زن و خادمه

با حامل بوذ اگر پیر بوذ خادمه زشت روی بوذ اگر بیند که آلات او
فرا گرفت دلیل که زنی خادمه را بخانه آورد یا کنیزکی خرد اگر بیند که صینی
بشکست یا ضایع شد یا کنیزک یا زن بگریزد یا بمیرد جعفر صادق گوید دیدن
صینی در خواب بر سه وجه بوذ اول زن خادمه دوم کنیزک سوم
منفعت از زنان و صینی مرد نیست که احوال بازنان بیشتر باشد حرف
الضاد ضرابی ابن سیرین گوید ضرابی در خواب مردیست که سخنان
بیاراید و بسخن باز گوید اگر بیند که خود ضرابی میکرد سخنان آراسته با فخر
بگوید مغربی گوید اگر بیند که درم می زد و سیم میکرد دلیل که سخنی چند
با اصل سازد و لطیف و شیرین بگوید اگر بیند که درم دون می زد دلیل که
سخنان درشت ناخوش گوید که مردم از آن برنجند ابن سیرین گوید اگر بیند ضعیف
که سر وی ضعیف شد نقصان قدر و جاهش باشد اگر بیند که چشم وی
ضعیف شد در دین ضعیف باشد اگر بیند که گوش وی ضعیف شد
زنش یا دخترش بیمار شوذ اگر بیند که بینی وی ضعیف شد جاه و حشمتش
کم گردد اگر بیند که دهن وی ضعیف شد از سخنان باطل بگوید اگر
گردنش ضعیف شد امانت کم گزارد اگر بیند که قفای وی ضعیف شد
غیبت مردم کند اگر بیند که دوش وی ضعیف شد زنش رنجور شوذ اگر
بیند که بازوی وی ضعیف شد برادر یا فرزندش بیمار شوذ اگر ساعدش
ضعیف شد سیمین تاویل دارد اگر بیند که انگشتش ضعیف شد در عمارکار
کند اگر بیند که سینه وی ضعیف شد راه آخرت بگزیند اگر دل وی ضعیف
شد تدبیر و رای وی محیل گردد اگر پستان وی ضعیف شد دخترش بیمار
گردد اگر بیند که شکم وی ضعیف شد آنکس که پشت و پناه اوست ضعیف

گردد اگر بیند که سرین وی ضعیف شد حال مهتری از خویشان او بد گردد
اگر بیند که ران وی ضعیف شد کسی از دودمانش بیمار گردد اگر زانو ضعیف
شد مال وی نقصان پذیرد اگر بیند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوهگین
و مستمند گردد ضیاع زمین و ملک بوذ ابن سیرین گوید اگر بیند که در زمین
خود تخم می کشت و درخت می نشاند و لیکن بسنده و نیکو گردد و معیشت فراخ
اگر بیند که در ضیاع وی بوقت خود سبزه رسته بوذ دلیل که در راه دین
پسندیده بوذ مغربی گوید اگر بیند که در ضیاع وی وقت خود سبزه رسته
بوذ دلیل که در راه دین نیکو باشد مغربی گوید اگر بیند که جمله ضیاع خود
بفروخت و بها بستد در رنج و غم افتد اگر بخلاف این باشد دلیل بر خیر و صلاح
و نیکویی کند اگر بیند که ضیاع خود آبادان می داشت بقدر آن عمارت
و بیرا مال دنیا حاصل شوذ اگر بخلاف این بوذ نقصان مال بوذ اگر بیند که
ضیاع او سیل خراب کرد دلیل که از لشکریان مضرت رسد حرف الطا طابع
ابن سیرین گوید اگر بیند که باذشاه طابع بذو داذ تا خزانه خود
مهر کند دلیل که جاه و بزرگی یابد زیرا که بنا و بیل طابع بهتر و قوی تر از انگشتری
کرمانی گوید اگر بیند که باذشاه یا امیری طابع بذو داذ تا مهر بر خزانه او
نهد دلیل که مال خود بذو سپارد اگر سزاوار بوذ نفد خود بزرگی یابد جعفر
صادق گوید دیدن طابع در خواب بر سه وجه بوذ اول بزرگی و جاه دوم
خزانه سوم مال جمع کردن طاس ابن سیرین گوید طاس بخواب دیدن زن بوذ
یا خادم یا کنیزک یا خدمت خانه کند اگر بیند که طاسی داشت یا کسی بوی داذ
زنی خادمه بخانه آورد یا کنیزک خرد اگر بیند که طاس وی بشکست دلیل که

زن از وی جدا شود یا بمیرد کرمانی کوید طاس در خواب کنیزک ضربت
بود اکر بیند که طاس آب بوی دادند و بخورد دلیل که اورا فرزندی بود
در شکم اکر بیند که طاس بشکست و آب بماند کنیزک بمیرد و فرزند بماند
و اکر بیند که آب بریخت و طاس بماند فرزند بمیرد و کنیزک بماند جعفر صادق
کوید دیدن طاس در خواب بر چهار وجه بود **اول** زن **دوم** کنیزک **سوم**
فرزند **چهارم** منفعت از زنان **طاعون** ابن سیرین کوید علت طاعون بخواب دیدن
فتنه و بلا باشد اکر بیند که بر تن وی علت طاعون بود در فتنه و بلا
افتد مغربی کوید طاعون در خواب جنک و کارزار بود **طاوس** ابن سیرین کوید
طاوس در خواب پادشاه عجم بود اکر بیند که طاوس نر داشت دلیل که
از پادشاه عجم جاه و مال حاصل کند اکر طاوس ماده بیند دلیل که ملک
اوست زنی عجمی بزرک با جمال بخواهد و از وی فرزند و مال حاصل کند کرمانی
کوید اکر بیند که طاوس با کبوتر جفت شد دلیل که فساد کند دانیال کوید
طاوس در خواب زنی مفسده بود اکر بیند که کوشت طاوس ماده بخورد مال
زنی مفسده خورد اکر بیند که طاوس بزبان وی سخن کفت دلیل که ولایت یابد
اکر بیند که نر و ماده طاوس با هم بودند دلیل که بیکانه با عیال وی فساد کند
اکر بیند که طاوس از خانه وی بپرید زن را طلاق دهد اکر بیند که طاوس
بکشت از دختری دوشیزکی بستاند اکر بیند طاوس در دست داشت مال
و نعمت یابد اکر بیند که بچه طاوس بکرفت اورا دختری آید اکر بیند که
طاوس نر از دست وی بپرید از پادشاه دور شود جعفر صادق کوید
دیدن طاوس در خواب بر دو وجه بود **اول** پادشاه عجم **دوم** خزا

و مال **سوم** خوردنی بود و طعام پز در خواب مردی حریص ابن سیرین کوید
اکر بیند که طباخی میکرد و آن طبخ بطعم خوش بود خیر و نیکی بوی رسد
و اکر بخلاف این بیند مضرت یابد **طبق** ابن سیرین کوید طبق در خواب
خادمی بود که کار مجلس سازد بوقت شادی و هرکه وی را بیند شاد
کردد و اکر بیند که طبقی بزرک داشت بدین صفت او را خادمی حاصل شود
اکر بیند که طبق بشکست خادم بمیرد کرمانی کوید اکر بیند که طبق در آتش
نهاد و بسوخت کنیزک یا پرستار بیمار شود و بطاعون و سرسام کرفتار
آید جعفر صادق کوید دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود **اول** خادم
مجلس **دوم** کنیزک **سوم** فایده **چهارم** هدیه **طبل** ابن سیرین کوید دیدن
طبل در خواب سخن باطل و دروغ بود اکر بیند که با طبل نای بود و رقص
دلیل معصیت و غم بود اکر طبل می زد سخنی باطل کوید یا چیزی مشهور
بد و رسد کرمانی کوید اکر بیند که طبل می زد کاری کند با شناعت
جعفر صادق کوید اکر بیند که طبل می زد کاری باطل کند و طبال مردی
باشد که دروغ آراسته کوید **طبیب** اکر بیند که طبیبی را بیماری علاج
میکرد و درست شد دلیل که کوی از فسق و فساد براه صلاح آورد اکر بیند
که بیماری بر آنکس صعب تر شد تاویل بخلاف این بود اکر بیند که مردم را
دارو داد و نافع بود علم کوید و پند دهد و مردم پند وی بپذیرند و بعلم وی
کار کنند اکر بیند که نافع نبود تاویل بخلاف این بود و طبیبی کردن
در خواب مردم مصلح را دین وراه آخرت بود و مردم مفسد صلاح تن
و کسب و معیشت **طعام پز** دانیال کوید هر طعامی و شرابی که از آتش
رسیده باشد تاویلش بد بود مکر پالوده و عنبر زیرا که جواهر حلوا از اصل

روغن و انگبین باشد و این هر دو در تاویل مال بود ابن سیرین گوید هر طعام
که ترش بود دلیل بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود ابن سیرین
گوید اگر بیند که طعام ارزد و دام بستد زیان مال باشد اگر بیند که طعام
که در خانه داشت همه بخورد عمر وی سپری شود اگر بیند که چندان
طعام بخورد که طاقت نداشت دلیل مرگ وی بود اگر بیند که مرده
از طعام وی بخورد دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق گوید اگر
بیند که درویشی طعام داد از رنج و غم رسته گردد و از ترس و بیم ایمن
شود اگر بیند که کافر را طعام داد دلیل که دلیل کاری دشمن خدای
تعالی یاری کند **طعنه** نیزه زدن بود اگر کسی دید که نیزه زد و نیزه
در تن وی شد دلیل که آنکس بقدر زخم دشمنی وی در دل دارد مغربی
گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن بود اگر بیند که کسی را طعنه
زد و جای زخم درد کرد از سخنی که در حق وی بگوید درد دل حاصل
شود و اگر درد نکرد تاویلش بخلاف این بود **[illegible]** [illegible] سیرین گوید
اگر بیند که زن را طلاق داد و او را یک زن بود از شرف و بزرگی بیفتد
اگر او را زن دیگر باشد یا کنیزکی بعضی از شرف و بزرگی و نقصان شود
جعفر صادق گوید اگر بیند که زن را طلاق داد کاری کند که از آن
پشیمان شود و خلع کردن در خواب توانگری بود **و ان یتفرقا یغن الله**
کلا من سعته بار خرما بود اگر بیند که یک طلع یا دو سه
فرا گرفت او را فرزندی آید اگر بیند که طلع خورد مال و نعمت حاصل کند
اگر بیند که طلع بسیار داشت و همی خورد و بکس نمی داد دلیل که پادشاه
بغصب مال از وی بستاند و عاقبت خشنود شود جعفر صادق گوید دیدن

طلع در خواب بر چهار وجه بود **اول** فرزند **دوم** نعمت **سوم** منفعت **چهارم**
ستدن مال بغصب **طلق** اندک مایه سختی بود در کارها زیرا که جوهر
وی از سنگ است اگر بیند که از جایی طلق بسیار جمع کرد دلیل که او را
بمکر و حیلت مال از سفر جمع شود مغربی گوید اگر بیند که طلق مجهول برتن
مالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج باو نرسید شر پادشاه از وی
دفع شود اگر بیند که طلق بخورد مال برنج و سختی حاصل کرده هزینه
کند اگر بیند که طلق از و ضایع شد مال از تکلف شود **طنبور** ابن سیرین گوید
اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور می زد در آنجا مصیبت و غم بود اگر
بیند که طنبور او بشکست دلیل توبه بود اگر بیمار بیند که طنبور می زد نیز
بود اگر بیند که آواز طنبور می شنید بسخن باطل شنیدن رضا دهد **طوطی**
ابن سیرین گوید طوطی در خواب دیدن فرزندی بود که او را فروشد
اگر بیند که طوطی از دست وی بپرید فرزند یا غلام بسفر رود و اگر بیند که
طوطی با وی [illegible] گفت دلیل که سخنی گوید یا کاری کند که مردم را از آن عجب
آید و طوطی در خواب دختر دوشیزه بود و طوطی نر مردی بود با دین یا
غلامی پارسا جلد اگر بیند که طوطی ماده بکشت دوشیزه که دختری بستاند
اگر بیند که طوطی از مقعد یا از دهان وی بیرون آمد او را فرزندی آید که
بروی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق گوید دیدن طوطی در خواب بر
سه وجه بود **اول** دختر و غلام **دوم** دختر دوشیزه **سوم** شاگرد جلد
جلد پارسا **طوق** ابن سیرین گوید اگر بیند که در گردن وی طوق است
از زر یا از سیم بقدر آن ولایت یابد و در آن انصاف نگاه دارد اگر بیند که
طوق از آهن بود دلیل بر فی امانتی و فساد دین بود کرمانی گوید اگر

طوق در گردن خود بیند دعوی بدروغ کند مغربی گوید اگر در گردن خود
طوق زرین بود ولایت یابد اگر از مس یا اهن بیند اکسی خصومت کند
جعفر صادق گوید دیدن طوق در خواب بر شش وجه بود اول حج دوم
ولایت سوم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیزک اگر طوق در
گردن اسب خود بیند از پادشاه مال و بزرگی یابد طیلسان ابن سیرین گوید
طیلسان در خواب قدر و جاه و بزرگی بود اگر بیند که طیلسان نو پاکیزه
داشت مروتش نیکو بود اگر خلاف این بود عدم مروت بود کرمانی گوید
اگر بیند طیلسان بدرید یا بسوخت عزیزی از آن وی بمیرد اسمعیل گوید
طیلسان در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود اگر طیلسان پاکیزه
بیند امانت بگزارد اگر طیلسان چرکن بیند امانت رد کردن بماند اگر بیند
که طیلسان او در وی بدرید در عجمی سخن افتد مغربی گوید طیلسان سفید
در خواب فرزند مصلح بود اگر سرخ بیند فرزندش عیش و طرب دوست دارد
اگر سیاه بیند و سبز بیند عالم بود فرزندی آورد که قاضی باشد یا خطیب جعفر
صادق گوید دیدن طیلسان در خواب بر ده وجه بود اول عز دوم
جاه سوم ولایت [illegible] فرزند پنجم دولت ششم بزرگی هفتم مال
علم هشتم دین نهم شمشیر حرف الظا ظلم کردن
ابن سیرین گوید اگر بیند که بروی ظلمی رفت دلیل که بر ظلم کننده نصرت
یابد اگر بیند که وی بر کسی ظلم کرد آنکس بروی ظفر یابد اگر بیند که پادشاه
بروی ظلم کرد دلیل که پادشاه بروی محتاج شود اگر بیند که او بر پادشاه
ظلم کرد دلیل که از پادشاه مضرت بیند مغربی گوید اگر خود را مظلوم
بیند و هیچ ظلم بروی نبود دلیل که او ظالم بود اسمعیل اشعث گوید اگر

اگر بیند که بر بزرگی یا بیچاره ظلم کرد دلیل که آن بیچاره را او را نفرین کنند
اگر خواجه بیند که بر بنده ظلم کرد او را آزاد کند اگر بنده بیند که بر خواجه
ظلم کرد از خواجه بلا و محنت بیند ظلمات ابن سیرین گوید اگر بیند که در
ظلمات بود و بروشنایی بدل شد دلیل که راه دین بروی گشاده شود کرمانی
گوید اگر بیند که از ظلمات بروشنایی آمد و باز در ظلمات شد دلیل که منافق
باشد وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مغربی گوید ظلمات در خواب
غم و اندوه بود اگر بیند که در دیاری ظلمات ظاهر شد دلیل که در آنجا غم و
اندوه صعب پدید آید جعفر صادق گوید دیدن ظلمات در خواب بر پنج وجه
بود اول کفر دوم تحیر سوم فرو بستن کارها چهارم بدعت پنجم ضلالت
اگر توانگری بیند که بدرویشی آمد مالش زیادت شود اگر درویش بیند که
توانگری آمد کارش بنظام شود اگر بیند که در دیاری ظلمات پیدا شد در آنجا
غم و اندوه پدید آید والله التوفیق حرف العین عاج ابن سیرین
گوید عاج در خواب دولت بود از پادشاه اگر بیند که عاج داشت از
پادشاه مال یابد اگر بیند که عاج از وی ضایع شد مالش ضایع شود مغربی
گوید اگر بیند که عاج در صندوق داشت دلیل که یکی از خویشان او زنی
بزرگ بخواهد اگر بیند که دواتی از عاج داشت دلیل که پادشاه او را کتابتی
عطا دهد و عز و جاه یابد اگر بیند که عاج بشکست یا ضایع شد کنیزک
یا زن هلاک شود هر چند عاج سفیدتر و پاکیزه‌تر مال بیشتر عاریت دادن
ابن سیرین گوید اگر بیند که چیزی بعاریت کسی داد اگر آن چیز [illegible] بود که
دوست داشت دلیل که آن چیز ثابت شود و اگر آن چیز [illegible]
تاویل بخلاف این بود اگر بیند که چیزی بعاریت از وی بستند [illegible]

راست نماند و اگر بخلاف این بود راست نماند عاشق ابن سیرین گوید اگر
بیند که عاشق است حریص بود یعنی اگر عاشقی وی بچیزی حرام بود دلیل
بر فساد و بدی کند و اگر چیزی حلال بود دلیل بر خیر و صلاح اگر بیند
که بر کسی خوب روی عاشق شده بود اگر عشق نه بنیت حرام بود خیر
باشد و اگر بود دلیل بر شر و فساد بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که ان
معشوق فی کام دل یافت دلیل خیر و منفعت بود عالم اگر بیند که
عالم یا فقیه شد و جاهل بود دلیل که مردم سخن او قبول نکنند و در
زبان مردم افتد بیدی و اگر عالم یا فقیه بود علمش زیادت گردد اگر بیند
که قاضی یا حکیم یا طبیب بود بزرگی یابد اگر بیند که حکیمی یا عالمی یا مرده
در موضعی بگذشت که در انجا ترس و بیم بود دلیل که مردم آن موضع از
ترس ایمن شوند و پادشاه ایشان عادل گردد کرمانی گوید اگر بیند که مردم را
علم میگفت اگر اهل علم بود ذات دیار بگیرد و اگر عالم بود عز و جاه و بزرگی
یابد اگر بیند که بعلم گفتن عطا بستد دلیل که وی را رشوت دهند
جعفر صادق گوید اگر بیند که عالم بود بر چهار وجه بود اول بزرگی دوم
عز و جاه سوم قبول مردم چهارم ولایت عبادت ابن سیرین گوید اگر بیند که
بعبادات خدای تعالی مشغول بود خیر و ثواب آخرت کند اگر بیند که جز
خدا یرا عبادت میکرد تاویلش بخلاف این بود معبری گوید اگر بیند که عباد[ت]
در مسجد یا در صومعه میکرد دلیل که خیرات این جهان یابد و اگر جائی
عبادت کرد که مکروه بود تاویل بخلاف این بود عجوزه پیدا شد و در کاف
بیان کنیم درم ابن سیرین گوید اگر بیند که یکی از درم یا از دینار یا از
جامه یا چیزان بوی دادند خیر و نیکوئی بیند قوله تعالی من جاء

بالحسنة فله عشر امثالها یکی طاعت را ده باداش است بنابر این معبران
گویند اصل ده از یکیست کرمانی گوید عدد یکی نیک بود و دو غم و اندوه و لی
بر دشمن فیروز گردد ثانی اثنین اذ هما فی الغار اگر عدد شمار سه بیند بد باشد
و اکاری دارد نبود و برخورداری نیابد قال آیتک الا تکلم الناس ثلث لیال سویا
و لفظ سه دلالت بر فرقت کند زیرا که سه طلاقست اگر عدد چهار باشد
نیکو باشد چون چیزی دیگر بدان مضاف نباشد ما یکون من نجوی ثلثة
الا هو رابعهم اگر عدد پنج بود نیکو بود و فتح که صاحب خواب پنج نماز بر
پای دارد و اگر عدد شش بیند نیک بود خلق السموات و الارض فی ستة ایام
اگر عدد هفت باشد بد باشد سبع سموات طباقا و چون با هفت
هشت پیوسته بود بیم بد باشد سبع لیال و ثمانیة ایام حسوما و اگر عدد نه
بیند بد باشد تسعة رهط یفسدون و اگر عدد ده بیند نیکو باشد و مراد
دینی و دنیائی حاصل باشد تلک عشرة کاملة و اگر یازده بیند شفاعتی
وی بروزگار بر اید و اگر دوازده بیند نیک باشد ان عدة الشهور عند الله
اثنا عشر شهرا اگر سیزده بیند بد باشد و کارش بسته گردد
و اگر چهارده باشد نیک باشد اگر پانزده بیند کار پراکنده وی بر اید اگر
شانزده بیند حاجتش بدیر بر اید اگر هفده بیند باشد اگر هشده باشد
امیدش بر اید و اگر نوزده بیند وی را با مردم کار افتد علیها تسعة عشر
اگر عدد بیست بیند نیک باشد و بر دشمنان ظفر یابد عشرون صابرون
و اگر عدد سی بیند او را با کسی داوری فیصل گردد و واعدنا موسی
ثلثین لیلة و اتممناها بعشر و اگر عدد چهل بیند کارها بسته گردد و
متغیر شود اگر عدد پنجاه بیند دلیل بر رنج و سختی الف سنة الا خمسین عاما

اگر عدد شصت بیند دلیل او را سوگند بگردن افتد و او را بپوشند دو ماه روزه
باید داشت یا شصت درویش را طعام باید داد شهرین متتابعین قوله
ستین مسکینا ادله و اگر هفتاد بیند حاجات بتاخیر برآید و اگر هشتاد
بیند او را تهمت کنند بزنان و هشتاد چوب بزنند فاجلدوهم ثمانین جلدة
و اگر عدد شمار نود بیند دلیل که چند تن از بزرگان بنکاح بخواهد تسع و
تسعون نعجة ولی نعجة واحدة اگر عدد شمار صد بیند دلیل نصرت و ظفر
بود مائة یغلبوا مائتین و اگر سلطانی بخواب بیند که صد سوار با وی بود
بر دشمنان ظفر یابد اگر بیند که او را صد درم دادند تهمتی بروی نهند بزنا
و صد چوب بزنند فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة اگر بیند که کسی ورا
صد دانه گندم داد یا جو یا چیزی از غلها چیز او را برکت بود و عیش بروی
فراخ گردد فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء اگر شمار
دویست بیند دشمنان بروی ظفر یابند و اگر سیصد بیند دلیل که روزگار
دراز مراد او حاصل شود ولبثوا فی کهفهم ثلث مائة سنین وازدادوا تسعا
اگر چهارصد بیند بر خصمان ظفر یابد چنانک از سرور فرموده علیه الصلوة
والسلام خیر الجیوش اربعة آلاف یعنی بهترین لشکرها چهار هزار است
اگر عدد پانصد بیند کارش موفق گردد و اگر عدد ششصد بیند شاد
شود و بمقصود رسد و اگر هفتصد بیند کار بروی سخت گردد و عاقبت
مراد برآید و اگر هشتصد بیند بر دشمن ظفر یابد اگر هزار بیند بزرگی یابد
و دشمن را قهر کند وان یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله اگر عدد دو هزار
بیند بد باشد اگر عدد سه هزار بیند دلیل بر قوت و پیروزی کند
بثلثة آلاف من الملائکة منزلین و اگر عدد چهار هزار بیند دلیل بر قوت

اگر نهصد بیند دشمن بروی ظفر یابد

و نصرت باشد اگر پنج هزار بیند مبارک و فرخنده باشد و اگر شش هزار
بیند قوت و نصرت یابد و اگر هفت هزار بیند گشایش کارها باشد و اگر
هشت هزار بیند کارش منتظم باشد اگر نه هزار بیند بد شود اگر ده هزار
بیند نصرت و پیروزی بود اگر چهل هزار بیند نصرت و ظفر یابد اگر پنجاه هزار
بیند دلیل که بر رنج و سختی عاجز و فرومانده شود مقداره خمسین الف سنة
اگر شصت هزار بیند خرم و شادمان شود اگر هفتاد هزار بیند بر دشمن
ظفر یابد و اگر هشتاد هزار بیند کارها بروی پوشیده گردد و اگر نود هزار
بیند دشمن بروی ظفر یابد و اگر صد هزار بیند همه مرادش برآید و بر
دشمن ظفر یابد قوله تعالی وارسلنا الی مائة الف عدس معبران را در تاویل
عدس خلافست ابن سیرین گوید خوردنش نیک است زیرا که ابرهیم خلیل
صلوات الرحمن علیه دوست داشتی کرمانی گوید خوردن عدس بدانست
زیرا که چون قوم موسی از من و سلوی ملال گرفتند از خدای تعالی
عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی گوید خوردن عدس در خواب مال
بود که از زنان بوی رسد خاصه پخته شود اگر خام خورد دلیل
بر مضرت و اندوه بود عراده ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که در شهر
یا در درگاه کافران سنگ عراده می انداختند دلیل که کافران غنیمت دشمن
دارد اگر بیند که از شهر یا از در مسلمانان سنگ عراده می انداختند
دلیل که در دین مسلمانی سخنان ناهموار گویند و باشند که اهل اسلام را
دعا کنند اگر بیند که خود سنگ عراده می انداخت دلیل که اهل آن
موضع را غیبت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین گوید عرش در خواب
مردی امین بزرگ بود یا مال و خواسته بسیار اگر بیند که عرش را آراسته

اورا با مردی بزرگ صحبت افتد و عزت و نصرت یابد اگر عرش را حقیر
بیند نزد مردم خوار شود اگر خود را بر عرش نشسته بیند بر مردی بزرگوار
پیوندد و از وی حرمت و جاه یابد اگر بیند که از عرش بر آمد تاویلش بخلاف این
بود جعفر صادق گوید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود اول صاحب
بزرگ دوم رفعت سوم مرتبت چهارم عز پنجم بزرگواری عرعر
درخت سرو باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که درخت عرعر داشت با مردی
اصیل نشست و برخاست افتد و درخت عرعر بتاویل مردی باشد که نیکی
کند عرق ابن سیرین گوید اگر بیند که از تن وی عرق روان شد بقدر عرق
وی را زیان افتد خاصه بیند که عرق وی در زمین می چکید اگر بیند که
جامه از عرق تر شده بود بقدر آن مال بر عیال هزینه کند اگر بیند که عرق
خویش می خورد مال خود بخورد اگر بیند که عرق وی سفید بود و بوی
خوش داشت مالش حلال بود و اگر بخلاف این بود مالش حرام بود کرمانی
گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روا می کند اگر بیند که عرق میکرد
تا عیبش روا شود اگر بیمار بیند شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر عزب
بیند که عروسی بخواست و لیکن او را ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد
یا کشته شود اگر بیند که عروسی بخانه آورد با وی بخفت بزرگی یابد
و خیری که ملک او بود ملک او شود کرمانی گوید عروسی که در انجا جنگ
و جغانه و نای باشد دلیل بر مصیبت و ماتم کند مغربی گوید اگر زنی
بخواب بیند که عروس شد و او را نزد شوهر می بردند دلیل که عمرش آخر
آمده باشد اگر بیند که شوهر او را بستد و با وی نزدیکی کرد خیر و منفعت
یابد عزل دور کردن از کاری بود اگر بخواب بیند که پیری یا معزول کردند

خواری و بی حرمتی یابد اگر بیند که جوانی معزول کردند تاویلش بخلاف این بود
کرمانی گوید اگر مهتری بیند که معزول کردند دلیل صلاح دین بود و کار وی
دلیل بر کسب و معیشت کند تاویلش نقصان وی باشد و اگر کارش
عملی بود که او را معزول کردند دلیل که دست بدی کوتاه کند و راه صلاح
گیرد عسس ابن سیرین گوید اگر بیند که با اهل عسس می گشت و ایشان
مردمان مصلح بودند دلیل که او را عز و منفعت رسد اگر بخلاف این بیند
شر و مضرت رسد اگر بیند که او را عسس بگرفت و گزندی رسید دلیل که
از مردم پادشاه بدو رنج رسد اگر بیند که از عسس رنج و گزندی نرسید
دلیل بر خیر و نیکی کند اگر بیند که عسس جامه وی بر کند یا وی را بزندان
کرد از پادشاه مضرت و بی حرمتی بیند اگر بیند که از عسس بگریخت و کس
او را نشناخت گرفت دلیل که رنجی بوی رسد عماری ابن سیرین گوید اگر
بیند که او عماری میکرد بکاری مشغول شود که او را ثنا گویند و نام
وی به نیکو منتشر گردد عصا ابن سیرین گوید اگر بیند که او عصا در خوا
مردی بزرگ با قدر بود اگر بیند که عصا در دست داشت یا کسی بوی داد
دلیل که از مردی بزرگ او را قدر و جاه پدید آید اگر بیند که عصا ضایع شد
تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که تکیه بر عصا کرد آنچه می جوید بیابد
بمعاونت مردی بزرگ کرمانی گوید اگر بیند که عصا در دست وی دراز
شد دلیل که بمراد رسد و اگر کوتاه بیند خلاف این بود اگر بیند که عصای
خود بدل کرد هلاک شود اگر بیند که عصا با وی سخن گفت او را از وی نیکی
آید و از او منفعت بیند جعفر صادق گوید دیدن عصا در خواب بر سه وجه
بود اول مردم بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت عصا نوعی بود از

حلواها و آن بهتر که در وی زعفران نبود و دیدن عصیده در خواب
مالی بود که بی رنج و مشقت بدست آید ابن سیرین گوید اگر بیند که لقمهٔ عصیده
در دهان نهاد سخنی خوش شنود اگر بیند که بسیار خورد مال بی خصومت
حاصل کند **عطا** ابن سیرین گوید اگر بیند که چیزی او را عطا دادند
معبر باید که بپرسد که عطا چه نوع بود زر یا سیم یا جامه و عطا دهنده
معروف بود یا مجهول زن بود یا مرد چون جمله دانست آنگه تعبیر کند
اگر نیکو باشند و از چیزی مردم دوست دارند از آن عطا بوی نیکویی رسد
و اگر عطا دهنده مجهول بود سبب دنیا و بی خواری رسد و اگر عطا و عده
خط بود این جمله عشوه بدروغ بود اگر بیند که عطا بستند و دیگر باز
دادند و نیک آن به عطا دهنده باز گردد و اگر بیند که او را عطا دادند
میوه یا جامه یا چیزی شیرین با یکدیگر پیوستگی کنند و اگر عطا دهنده
جهود یا ترسا بود و آنچه عطا چیزی نیکو بود و او برغبت بستد دلیل که
ایمان وی بر خطر باشد اگر جهود یا ترسا بخواب بیند که مسلمانی ایشان را
عطا دادند و برغبت بستد مسلمان شود کرمانی گوید اگر بیند که کسی او را
عطا داد و او شکر گفت زیادتی مال و تندرستی بود و اگر شکر نگفت بخلاف
این بود مغربی گوید اگر بیند که عطا چیزی نیک بود و عطا دهنده مصلح
دلیل خیر و صلاح دین بود و اگر عطا دهنده دون و ناپارسا و عطا دون تاویل
آن بد باشد **عطر** ابن سیرین گوید اگر بیند که با خود بوی خوش داشت
و بیننده عالم بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر توانگر بود از
مال نفع رساند کرمانی گوید اگر بیند که خود عطر داشت دلیل که مردم
او را آفرین و ثنا گویند جعفر صادق گوید دیدن عطر در خواب بر نه وجه

اول ثنا نیکو **دوم** سخن خوش **سوم** علم نافع **چهارم** طبع نیکو **پنجم** مجلس علم
ششم مرد کریم **هفتم** سخن با فرهنگ **هشتم** در بالید **نهم** خبر خوش **عطاری**
اگر بخواب بیند که عطاری میکرد مردم او را شکر و ثنا گویند اگر بیند که مردم
بوی خوش میفروخت مردم را وعده دهد و لی خلاف بود اسمعیل اشعث
گوید اگر بیند که با مردم عطار دوست و آشنا شد مردم او را مدح و ثنا گویند
عطسه ابن سیرین گوید اگر بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت دلیل که اگر
بیمار است او را بطبیب احتیاج افتد و اگر تن درست است کسی حاجتش روا کند
و بر وی منت نهد اگر بیند که سه بار عطسه داد دلیل خیر و نیکی بود اگر بیند که
عطسه بسیار داد دلیل که مرادش بدشواری بر آید اگر بیند که عطسه داد و
آب بینی باز کشش گرفت فرزندش آید اگر بیند که چون عطسه داد مخاط از بینی
وی روان شد در وی سخن زشت گویند اگر بیند که چون عطسه داد خمیده
از بینی وی بیرون آمد از خواهران او فرزندی آید که بخواهران منسوب بود
کرمانی گوید عطسه در خواب اگر باسانی بیند که داد مال باسانی بدست آید
و اگر بدشواری داد مال بدشواری بدست آید **عقل** ابن سیرین گوید اگر کسی
عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و داند که عقل
وی است اگر بینندهٔ خواب اهل باشد او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از و
خیر بیند و پادشاه زاده سخت و دوست دارد کرمانی گوید اگر کسی عقل
خود بدین صفت که گفته شد بیند دلیل که بخت روی بوی نهد و عز و
جاه یابد و توانگر شود دانیال گوید عقل بخواب دولت و بخت بود اگر بیند
که عقل و جان خود را بصورت آدمی بود چنانکه گوید من جان توام بخت
و دولت یار او شوند مغربی گوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود اگر

زنده باشند و غایب دلیل که دیدار ایشان باز بیند اگر مرده باشند
دعا و صدقه از وی بدیشان رسد در خبرست که مردی پیش پیغامبر
صلی الله علیه و علی آله و سلم آمد گفت بخواب دیدم که عقل و جان از من
جدا شدند و بصورت هر دو آدمی بودند و بخانه من آمدند و هر سه بنشستیم
و بشراب مشغول شدیم رسول علیه الصلوة والسلام فرمود که عقل قسمت
این جهانیست و جان قسمت آن جهانی پس کار تو بمراد شود و بزرگی یابی
اگر بیند که با عقل و جان ستیزه میکرد دلیل که با سلطان ولایت منازعت
کند جعفر صادق گوید عقل و جان در خواب بر چهار وجه بود اول بخت و دولت
دوم مادر و پدر سوم پادشاه چهارم مال و فرزند عقیق ابن سیرین گوید اگر بیند
که عقیق داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی بزرگ مصاحب شود و ازو
خیر یابد و اگر بیند که عقیق ازوی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند
که بجز و از عقیق داشت بقدر آن مال و نعمت یابد مغربی گوید اگر دید که
عقیق داشت چنانک ازوی چیزی خورد دلیل که ویرا فرزندی آید که
بشرف و بزرگی منسوب باشد علک کندرو بود اگر بیند که علک می
خایید مال یابد بخصومت و گفت و گوی جعفر صادق گوید اگر بیند که علک
بر آتش نهاد بقدر آن مال وی نقصان شود علم در خواب مردی بود عالم
دانا یا امامی زاهد یا شیخی که مردم بوی اقتدا کنند اگر بیند که علم در دست
داشت دلیل که از آن مردم که صفت کردیم با کسی آشنا شود و ازو راحت یابد
اگر بیند که علم ازو بیفتاد یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید
علم در خواب دلیل سفر بود اگر بیند که پادشاه علمی بوی داد با لشکری بروی
جمع شود جاه و بزرگی یابد خاصه آنکه علم سفید باشد یا سبز مغربی گوید

اگر بیند که علمی بزرگ سفید در دست داشت با مردی توانگر صالح او را صحبت
افتد و از وی خیر و منفعت یابد اگر بیند که علم سبز داشت دلیل که زاهد و دین
دار شود اگر بیند که علم سیاه داشت قاضی یا خطیب شود جعفر صادق
گوید دیدن علم در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری بزرگ دوم سفر
سوم جاه چهارم نیکو حالی عمارت ابن سیرین گوید اگر بیند که در جایگاه خراب
عمارت میکرد چون [illegible] مسجد و مدرسه و خانقاه دلیل بر صلاح دین و صواب
این جهانی که ویرا حاصل شود اگر بیند که زمینی خراب شده بود از بهر خود
عمارت کرد چون سرای و دکان و مانند آن دلیل که فایده این جهانی یابد
اگر بیند که جای معروف خراب شد در بلا و مصیبت افتد مغربی گوید اگر
خود نادرجایی معروف مقیم شد دلیل که خیر و صلاح و منفعت یابد
بقدر عمارت جعفر صادق گوید عمارت در خواب بر چهار وجه بود اول
صلاح این جهان دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش
کارها بسته عماری ابن سیرین گوید اگر بیند که در عماری نشسته بود یا
عماری ویرا بر اسب یا بر اشتر بود و می رفت دلیل که بزرگی و مرتبت یابد
اگر بیند که از عماری بیفتاد یا از عماری بیرون آمد تاویلش بخلاف این
بود مغربی گوید اگر بیند که کسی ویرا در عماری نشاند به بزرگی بپیوندد و کارش
بالا گیرد و قدر و جاه وی زیادت گردد جعفر صادق گوید عماری در خواب
بر هفت وجه بود اول بزرگی دوم عز سوم مرتبت چهارم ریاست
پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پوشش یا مهتری عمود ابن سیرین
گوید عمود بنا و بنیاد مردی است درست و راست معبران گویند تنها بخت
باشد اگر بیند که عمود بر سر کسی زد سخن سخت با کسی گوید اگر بیند که عمود

اهنی داشت وی را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر عمود از دست وی بستدند
تا و بلیش بخلاف این بود جعفر صادق گوید عمود در خواب بر چهار وجه است
اول مرد راست درست دوم سخنها سخت سوم مهتری بزرگی چهارم
اگر بیند که عناب داشت و میخورد بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند که بهتری
عناب بکسی داد از وی بدان کس مال رسد مغربی گوید اگر بیند که از درخت
عناب جمع میکرد بقدر آن مال بی رنج و سختی حاصل کند عنبر ابن سیرین
گوید اگر بیند که عنبر داشت بقدر آن منفعت یابد اگر بیند که عنبر بسیار
یافت بقدر همت خویش ولایت و کامرانی یابد اگر بیند که عنبر بکسی داد از و
بدان کس منفعت رسد اگر بیند که عنبر وی ضایع شد مال و نقصان پذیرد
اگر بیند که بر عارض کسی عنبر مالید بجای وی نیکویی کند جعفر صادق گوید
عنبر در خواب بر چهار وجه بود اول منفعت دوم ولایت سوم کامرانی
چهارم ثنای نیکو عنقا نوعی از نواها بود چون چنگ و بربط و مانند این
اگر بیند که عنقا می زد دلیل که بباطل و سخن محال رضا دهد اگر بیند که
عنقا بشکست یا بیفکند از باطل و دروغ توبه کند اگر بیماری بیند که عنقا
زد زود بمیرد عنکبوت ابن سیرین گوید عنکبوت در خواب مردی ضعیف گمراه
عاصی بود و گویند مردی جولاهه بود اگر بیند که عنکبوت بگرفت دلیل که
بر مردی بدین صفت ظفر یابد کرمانی گوید که عنکبوت از وی بگریخت از
مردی جولاهه جدا شود عود ابن سیرین گوید عود در خواب مردی باشد
خوب روی و لطیف طبع اگر بیند که در زیر کسی عود می سوخت از وی چیز و
منفعت یابد کرمانی گوید اگر بیند که عود خام داشت یا کسی بوی داد دلیل که
از پادشاه صلت یابد اگر چند بوی عود خوشتر عطا بیشتر جعفر صادق

گوید عود در خواب بر چهار وجه بود اول مردی خوب روی سخن خوش دوم
پادشاه پارسا سوم ثنا و آفرین چهارم مال و منفعت عودسوز ابن سیرین گوید
عودسوز در خواب کنیزک نازنین یا غلام زیرک دانا بود اگر بیند که عود
سوز سپید روی بود دلیل که غلام یا کنیزک از اصل ترسا باشد اگر از مس باشد
از اصل جهود باشد اگر از آهن بود از نسل گبر باشد اگر بیند که عودسوز بشکست
یا ضایع شد غلام یا کنیزک هلاک شود عورت اگر بیند که عورتش عام ظاهر
شد چنانک خلق عورت او را می دیدند ستر او در میان ظاهر شود اگر بیند که
زود عورت خود باز پوشید ستر خود زود بپوشیده گردد معبران گویند اگر بعضی
از عورت وی برهنه بود و بپوشید و کس ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد
اگر وام دار بود وامش گزارده شود و اگر ترسی دارد ایمن گردد کرمانی گوید
اگر بیند که عورتش برهنه شود اما پیدا بود و از آن شرم زده شد دلیل که از حال
بد بحال نیک گردد اگر بیند که قصد عورت خود برهنه کردن کاری کند که
بدان مستوجب عقوبت گردد یا آفتی بوی رسد که عیب خلق گردد
عید قربان ابن سیرین گوید اگر بیند که عید قربان بود دلیل که او را با مردی عاقل کار
افتد اگر بیند که عید روزه بود او را با مردی زاهد عابد صحبت افتد و
منفعت دینی یابد کرمانی گوید که عید بود و مردم آراسته از شهر بیرون
می آمدند دلیل که اگر زندانی بود خلاص یابد و اگر از اهل عز و شرف باشد
عز و شرف زیاده گردد اگر روز عاشورا بیند کامکاری یابد زیرا که این آیت
عاشورا آمد الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی و اگر در خواب
سر سال بیند آن سال و ماه و روز بر وی خجسته بود حرف الغین غار
ابن سیرین گوید اگر بیند که در غاری شد و در آنجا مقیم شد از دنیا برود اگر بیند که

در غار شدن و روز دیگر بیرون آمدن دلیل که در کاری صعب افتد و خلاص شود معبران
گویند اگر بیند که در غار شد و آن غار روشن بود دلیل که او را بزندان کنند و بعضی
گویند که در کاری سخت گرفتار شود اگر بیند که از غاری تاریک بیرون آمد رنجور
شود و شفا یابد **غارت** ابن سیرین گوید اگر بیند مال و نعمت وی غارت کردند
دلیل غم و اندوه بود مغربی گوید اگر بیند که لشکر اسلام دیار کفار غارت
کردند اهل کفار را غم و اندوه بود مغربی گوید اگر بیند که لشکر کفار دیار اسلام
غارت کردند غم و اندوه بمسلمانان رسد جعفر صادق گوید غارت در خواب
بر چهار وجه بود اول جنگ دوم زیان سوم غم و اندوه چهارم نرخ ارزان
غالیه ابن سیرین گوید غالیه در خواب فرهنگ و نام اوری و ثنا بود اگر
بیند که غالیه بر کسی مالید اگر از وی فرهنگ و ادب آموزد کرمانی گوید
غالیه نشان حج بود و معبران گویند غالیه بخواب مالی بود که از مهتری
بدو رسد اگر بیند که غالیه یافت از زنی بزرگ یا از بزرگان وی را منفعت رسد
اگر بیند که کسی بر چشم کسی غالیه مالید بجای وی خوب کاری کند و مردم
وی را دعا گویند اگر بیند که کسی بر بناگوش وی غالیه می مالید دلیل که وی را
متهم کنند بدروغ گویی جعفر صادق گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج
وجه بود اول ادب و فرهنگ دوم ثنا و آفرین سوم حج اسلام چهارم
مال و خواسته پنجم خیر و منفعت **غایب** ابن سیرین گوید اگر بیند که
غایبی از سفر نزدیک او آمد دلیل که نامه یا خبر از غایب برسد اگر بیند
از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر از خویشان رسد مغربی گوید
اگر بیند که غایبش از غربت نزدیک او آمد دلیل که کار بسته بر وی
گشاده شود اگر بیند که غایبش نزد وی و مفلس بود بخلاف این بود

کرمانی گوید اگر بیند که غایبش از سفر بسوار باز آمد دلیل که غایبش
بر وجهی باز آید با نعمت و مال پیاده بیند و برهنه دلیل که غایب را
در راه قطع افتد و مفلس باز آید **غبار** ابن سیرین گوید اگر بیند که غبار
بر چیزی که ملک اوست نشست بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند که
غبار در میان آسمان و زمین می شد دلیل که مردم آن موضع از آن کار که
دارند بیرون آیند مغربی گوید اگر بیند که روی او پر غبار بود دلیل که وی را
رنج و عقوبتی رسد **وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ** و اگر غبار بیند
بر زمینی که ملک اوست بقدر آن غبار مال حاصل کند **غربال** ابن سیرین
گوید غربال در خواب مردی خادم بود تمییز اگر بیند که غربالی داشت او را خادمی
حاصل شود اگر بیند که غربال وی ضایع شد خادم وی بگریزد یا بمیرد کرمانی
گوید اگر بیند که غله بغربال پاک میکرد دلیل که کاری که مردم از آن منفعت
یابند او را میسر شود اگر بیند که آرد پاک میکرد از بهر خود میکرد منفعت یابد
جعفر صادق گوید غربال در خواب دیدن بر سه وجه بود اول خادم
دوم یار سوم شاگرد **غرق شدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که در دریا غرق
شد و بمرد دلیل که پادشاه وی را هلاک کند اگر بیند که آب او را فرو برد
و باز بالا افکند و غرق نشود دلیل که از کار دنیا دست بدارد و صلاح دین و راه
آخرت جوید مغربی گوید اگر بیند که چهارپایی یا بنایی یا دکانی یا جامه
در آب غرق شد دلیل که بکاری صعب درآمد و سرانجام رهائی یابد جعفر
صادق گوید غرقه شدن در خواب بر چهار وجه بود اول مال بسیار
دوم اقبال در کارها سوم صحبت با مردم بد مذهب **غزا کردن** منفعت
ابن سیرین گوید اگر بیند که در راه خدای تعالی غزا کرد دلیل که کار خویشان

وعیال او نیکو گردد و بی نیازی یابند ومن یهاجر فی سبیل الله یجد
فی الارض مراغما کثیرا وسعة اگر بیند که از غزا روی بگردانید دلیل که
از خویشان رحم و شفقت ببرد فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا
فی الارض وتقطعوا ارحامکم کرمانی گوید اگر بیند که بغزا رفت دلیل که
دولت و نعمت و بزرگی یابد وفضل الله المجاهدین علی القاعدین
اجرا عظیما اگر بیند که مردم از دیار بغزا بیرون آمدند دلیل که عز و جاه
یابند و دشمن را قهر کنند مغربی گوید اگر بیند که با کافری تنها جنگ میکرد
دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی حلال بدو رسد اگر بیند که کافران
بروی چیره شدند دلیل که در طلب روزی وی را رنج و مشقت رسد اگر
بیند که کافر او را در غزا بکشتند شادی و خرمی بیند و روزی حلال
یابد و عمرش دراز شود ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا
بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین جعفر صادق گوید غزا کردن در خواب
بر شش وجه بود اول خیر و برکت دوم سنت رسول علیه السلام گذاردن
سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم شفا از بیماری پنجم طاعت داشتن
پادشاه عادل ششم غنیمت یافتن غسل کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که در
آب دریا غسل کرد دلیل بر رستگاری و دیانت کند اگر بیند که غسل با آب
روشن کرد غمها از وی زایل گردد اگر بیمار بود شفا یابد اگر وام دارد
گزارده شود اگر ترسان بود ایمن شود اگر زندانی بیند خلاص یابد اگر بیند
که با آب گرم غسل میکرد و بعد از آن دست و روی بشست دلیل که خیر و
منفعت بیند اگر بیند که دست با آب گرم و اشنان می شست اگر دوستی
دارد میان ایشان فرقت افتد اگر بیند که خود را از جنابت بشست

شغلش تمام شود مغربی گوید غسل کردن از جنابت دلیل بر پاکی از دروغ
و هر زیادت و نقصان که از نشستن جنابت پدید آید دلیل بر دین و ورع دارد
غل ابن سیرین گوید دیدن غل در خواب کفر بود و صبر بلا خود اگر بیند که غل
در گردن داشت دلیل که کافر بود یا کافر میرد اگر بیند که غل وی گردن بسته
بر رضا و منافق بود اگر بیند که غل در گردن بود و پای بند دلیل که کافر گردد یا
دعوی مسلمانی بدروغ کند کرمانی گوید اگر بیند که غل بر دست نهاده داشت دلیل
بخل کند وقالت الیهود ید الله مغلولة غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا
و مقصود از غل بخل است بقول ابن عباس رضی الله عنه و معبران گویند
چون مرد صالح غل در گردن بیند دلیل که دست از کار شر بدارد غلاف
ابن سیرین گوید غلاف در خواب زن بود اگر بیند که شمشیر از غلاف بیرون
کشید دلیل که زن وی پسر آرد اگر غلاف شمشیر بشکست و شمشیر سلامت
ماند فرزند بسلامت از شکم مادر بیرون آید و مادر هلاک شود و غلاف
کار محبین و دلیل دارد غلام ابن سیرین گوید اگر بیند که غلام زشت بود دلیل
که بکاری سخت افتد و بدان رنجور شود اگر بیند که غلامی نیکروی با بخرید
دلیل که نیکویی بیند کرمانی گوید دیدن غلام شادی بود وبشرناه بغلام حلیم
وجای دیگر فرموده یا بشری هذا غلام جعفر صادق گوید اگر بیند که
غلام یا کنیزک می فروختند دلیل نیک بود و اگر بیند که می خریدند بد بود و
اینها غلام و کنیزک اگر زر و سیم ستانند بد بود و اگر اجناس ستانند نیکو بود
غلبه کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که بر خصم غلبه کرد بر خصم غالب شود
اگر خلاف این بیند خصم بروی غلبه شود غم ابن سیرین گوید غم در
خواب فرج و خرمی بود اگر بیند که غمگین شده بود از غم فرج یابد و بمراد دل

معرفی کویذ اکر بیند که انذوهکین شد دلیل که مالی یابذ بقدر ان از غنم اکر بیند که
از غنم رسته شذ تا وقتش خلاف این بوذ غنیمت ابن سیرین کویذ غنیمت یافتن
بخواب جون از مال کافران بوذ دلیل که نرخها کران کردذ اکر بیند که لشکری
مسلمانان از دیار کافر غنیمت اورد دلیل که ازانجا غنیمت بذو آورند و نعمت
فراخ کردذ و نرخها ارزان شوذ و اکر بیند که کافران از دیار اسلام غنایم
آوردند نعمت کران کردذ اکر بیند که از دیار کافر نعمت اورند بقدر ان
اورا منفعت و روزی حاصل شوذ غواص ابن سیرین کویذ اکر بیند که بدریا
فروشذ و مرواریذ براورد بقدر ان علم و دانش اموزذ و از مال سلطان راحت
یابذ و اکر بدریا فروشذ و هیچ برنیاورد بعلم اموختن مشغول شوذ و لیکن
منفعت نیابذ اکر بیند که کوهری کرانمایه از قعر دریا براورد دلیل که عالم
و دانا و فاضل شوذ و از باذشاه مال یابذ غوره ابن سیرین کویذ اکر غوره
بوقت خویش میخورد بقدر ان خیری برنج و مشقت بدست اورد و لیکن
با ایمان بوذ کرمانی کویذ اکر بیند که غوره میخورد اندوهناک شوذ اکر بیند که
غوره بر بوخت یا بکسی داذ و از ان هیچ نخورد اندهش کمتر شوذ و غوره نکوفت
بخته بهتر بوذ غول ورع بوذ و بود درحرف واو کفته ایم حرف الفا فاخته
ابن سیرین کویذ فاخته درخواب زنی بوذ ناقص دین بذ مهر که با کس سازکاری
نکنذ اکر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بذین نشان کنذ اکر بیند
که فاخته کرفت اورا فرزندی اید اکر بیند که کوشت فاخته میخورد بقدر
ان مال زن بستاند و هزینه کنذ کرمانی کویذ فاخته فرزند دروغ زن
بوذ اکر بیند که بنام وی فاخته بانک کرد یکبار خبر غایب شنوذ و اکر
دوبار بانک کرد بهتر بوذ اکر سه بار ز غایب نیک بوذ اکر بیند که فاخته

بانغ

بانک بجا زوی در آمذند دلیل که دزد اید و کالای وی ببرد جعفر صادق
کویذ فاخته درخواب بر سه وجه بوذ اول زن دوم فرزند سوم
خادم فال اکر بیند که فال میکرفت و فال نیک آمذ دلیل که بر دشمن ظفر
یابذ اکر بیند که فالش میانه بوذ دشمن بروی ظفر یابذ اکر بیند که فال
کیری میکرد این کس جوز هندی بسیار خورد جعفر صادق کویذ فال
کرفتن درخواب بر سه وجه بوذ اول ظفر بر دشمن دوم مراد سوم
حاجت روا شذن فالوذه اکر زعفران بیند بیماری بوذ و دیذن فالوذه
درخواب خصومت و رنج بوذ بقدر انش که بوی رسیده باشذ اکر بیند
که یک لقمه از فالوذه در دهان نهاذ دلیل که سخنی لطیف کویذ اکر بیند که
او بکسی لقمه فالوذه داذ با انکس سخنی خوش کویذ یا انکه وی کاری
نیک کنذ جعفر صادق کویذ دیذن فالوذه درخواب بر جهار وجه بوذ اول
سخن خوش دوم مال بی رنج سوم منفعت با جنک جهارم کاری که بدشواری
برایذ فام ابن سیرین کویذ اکر بیند که فام بروی بوذ دلیل که حج کنذ و اکر
نمازش فوت شذه قضا کنذ و اکر امانتی نزد وی بوی بازدهذ و اکر وام
دارذ بکزارذ فتنه ابن سیرین کویذ اکر بیند که درجایی فتنه بدید امذ در انجا
فسق و فساد بوذ اکر بیند که فتنه ازجایکاهی تا بایستذ اهل ان دیار بجای
بازکردند کرمانی کویذ اکر ده جیز بیند که دران موضع ظاهر شذ فتنه اید
اول تاریکی دوم اتش سوم باذ سرد جهارم باذ کرم پنجم سیاهی
افتاب و ماهتاب ششم غبار هفتم باران بی وقت هشتم برکندن درختان
نهم ابر سرخ تا سیاه دهم پوشیذن جامها سرخ و زرد فراخی ابن سیرین
کویذ که اکر بیند که ازجایی تنک بفراخی بیرون امذ دلیل که کارها ستنه

الی ضد بیند دشمن
روی ظفر یابذ

بروی گشاده گردد اگر بیند که از تنگی بفراخی یا از سختی باسانی رسید دلیل
که از غم واندوه فرج یابد مغربی گوید اگر بیند که خانه یا دکان بروی فراخ
شد روزی بروی وعیال وی فراخ شود اگر بیند که خانه بروی تنگ شد
بعد از آن فراخ شد دلیل که راه دین وشریعت بروی مستقیم گردد علی الجمله
فراخ شدن چیزها تنگ در خواب دلیل برکت وگشایش بود **فراش** ابن
سیرین گوید فراش در خواب دلاله بود که از بهر کسی زن خواهد اگر بیند که
فراشی از بهر خود میکرد یا از بهر کسی دلیل که از بهر خود یا کسی زن خواهد
فرج ابن سیرین گوید اگر بیند که اورا فرج بود چون فرج زنان دلیل که خوار
وبیچاره گردد اگر بیند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجتش از وی
روا شود اگر دو زن بیند که ایشان را یک فرج است دلیل که هر دو زن
یک کس باشند کرمانی گوید اگر کسی بیند که فرج وی از آهن بود یا مس دلیل
که از یافتن مراد نومید گردد اگر مردی بیند که فرج زنش از سوی پس بود
دلیل که آن زن چیزی دوست دارد که رضای شوهر در آن نبود اگر زنی فرج
خود در ابریشم بیند دشمن بر وی ظفر یابد اگر زنی بیند که از فرج او ماهی بیرون
آمد دختری آرد اگر زنی بیند که از فرج او کبک بیرون آمد اورا فرزندی دزد
راه زن آید اگر بیند که از فرج او موشی بیرون آمد دختری آرد نابکار اگر
بیند که از فرج او ماری بیرون آمد اورا فرزندی آید که دشمن وی گردد
واگر کژدمی بیند همین تاویل دارد اگر بیند که کرم یا مور بیرون آمد اورا فرزندی
دون همت آید اگر بیند که نان بیرون آمد مفلس ودست تنگ گردد اگر بیند که
گنجد بیرون آمد شوهر اورا دوست دارد اگر بیند که خون بیرون آرد شوهر
در حالت حیض با وی مجامعت کند اگر بچه بیرون آمد اورا فرزندی معلول آید

اگر بیند که از فرج او آب صافی بیرون آمد اورا فرزند مصلح پارسا آید اگر آب
تیره بیرون آمد بخلاف این بود اگر بیند که از فرج او مشک بیرون آمد بقدر
آن مال یابد اگر بیند که آتش بیرون آمد دلیل که فرزندان او ملک جهان بگیرند
اگر بیند که کسی فرج او بدید از آن کس منفعت یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند
که بر فرج او موی بسیار بود سبب فرزندان وهکز شود اگر موی نبود از
فرزندان شاد شود اگر بیند که فرج او آماسیده بود مال یابد اگر زنی بیند که بجای
فرج قضیب بود اگر آبستن بود فرزند آرد ونماند واگر آبستن نبود فرزندش
بمیرد اگر بیند که اورا از فرج گوهر ومروارید بیرون آمد اورا فرزندی عالم
پارسا آید **فرجی** ابن سیرین گوید اگر بیند که فرجی فراخ پاکیزه داشت از غم
فرج یابد وجاه یابد اگر چرکن وکهن بود بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند
که فرجی از دیبا پوشیده بود نیک باشد ولیکن مردم پارسا را بد باشد ودیبا
یک رنگ بهتر از ملون وفرجی ابریشمین وکرباسین دلیل بر زهادتی کند
مغربی گوید اگر مردی بیند که فرجی زنان پوشیده بود اورا ملامت رسد اگر
بیند که در آن فرجی مجامعت کرد دلیل که حاجتش روا شود از آنکس که با وی
مجامعت کرد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که فرجی سفید پوشیده بود دلیل
بر دینداری وامانت وپارسائی کند اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده
بود دلیل بر لهو وطرب بود اگر بیند که فرجی زرد پوشیده بود بیمار گردد
اگر فرجی سیاه بیند وعالم بود دلیل بر خیر ونیکی بود واگر عالم نبود بد باشد
وفرجی کبود غم ومصیبت باشد **فرزند** ابن سیرین گوید اگر بیند که اورا
دختری آید خیر وراحت یابد واز اهل وبیت شادمانه شود اگر بیند که
اورا پسری آمد غمگین شود کرمانی گوید اگر بیند که اورا پسری آمد غمگین شود

کرمانی گوید اگر بیند که او را پسری آید دختری آید اگر بیند که او را دختری آمد
پسری آید مغربی گوید اگر بیند که او را فرزندی بود و آن فرزند کسی ببیند دلیل
که بیمار شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که فرزند طفل در جایگاهی افکنده
بیافت یا کسی بوی داد دلیل که از جایی که امید دارد چیزی بوی رسد **فرعون**
ابن سیرین گوید اگر بیند که یکی از فرعونیان مقدم یا از پادشاهان ستمگر در
شهری در آمد و آنجا مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون در آن دیار ظاهر گردد
اگر بیند که از پادشاهان مقدم یکی در شهری رفت دلیل که سیرت و عدل آن
پادشاه در آن دیار ظاهر گردد مغربی گوید اگر فرعون عطایی بوی داد یا خلعتی
بخشید بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مال حرام یابد
فرمودن ابن سیرین گوید اگر بیند که وی را فرمودند که دیگ بپزد دلیل که در کاری
که هست پیوستگی نماید اگر بیند که کسی بوی گوید که دیگ بگردان تا نسوزد
یعنی بر حذر باش اگر بیند که بدو گفتند نان بشکن یعنی برادران خویش دار
اگر بیند که کسی میگوید که آب خوردنی از دیگ فرو ریز یعنی بجد باش در کار
اگر بیند که گویند گندم بفروش یعنی نان اگر بیند که گویند میان دربند یعنی
فایده برگیر اگر بیند که گویند توقف کن یعنی بر دشمن ظفر خواهی یافت اگر بیند که
کسی گفت با نانش کم بباش یعنی مال نگه دار تا درویش نشوی اگر بیند که گویند
چراغ برافروز یعنی مال هزینه کن اگر بیند که گویند بستر بگستر یعنی زن بخواه
اگر گویند که عمر بکار یعنی با خلق خدای نیکویی کن اگر بیند که کسی گوید که غسل
کن یعنی توبه کن و بخدای تعالی باز گرد اگر بیند که کسی با وی گفت چیزی بشر
خور یعنی لقمه حلال بخور **فروختن** ابن سیرین گوید اگر بیند که هر چه در شرع
و راه دین حرام بود فروختن آن در خواب بد باشد اگر بیند که مصحف قرآن فروخت

دلیل که نزد دین مسلمانی بر وی خوار بود کرمانی گوید اگر بیند که پیش خود را
بفروخت دلیل که حرمت و بزرگی وی از زنان بود و زشت نام گردد مغربی گوید
اگر بیند که چیزی بفروخت از چیز حقیر شود **فرود آمدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که
از کوهی یا از بامی یا از درختی بلند فرود آمد شرف و بزرگی و مالش نقصان شود
اگر بیند از نردبان بزیر آمد بیش نقصان شود خاصه نردبان که از گل بود اگر
نردبان از آجر و سنگ باشد مال وی نقصان پذیرد مغربی گوید اگر بیند که از
کوه فرود آمد دلیل که اگر پیش پادشاه بود خوار و جدا شود و در حرمت و جاهش
نقصان افتد اگر از گل خاک فرود آمد بقدر بلندی مال از نعمت وی نقصان
آید اگر بیند که نردبان از گل معزد فرو آمد بد باشد اگر از آجر و سنگ فرو آمد در دین
نفاق ورزد **فروتنی** ابن سیرین گوید اگر بیند که فروتنی که در آن کار خیر و صلاح
بود نیک باشد و هر چیزها که در آن شر و فساد بود بد باشد کرمانی گوید اگر
بیند فروتنی در زن دید چون شر از آن ندارد نیک بود و هر چند در فروتنی
بیش بیند مال و نعمت بیش یابد اگر بیند که فروتنی شر و مضرت رسید نقصان
مال و رنج و بیماری بود **فستق** ابن سیرین گوید فستق در خواب مال و نعمت
بود اگر بیند که مغز فستق داشت و بخورد بقدر آن مال و نعمت حاصل کند
کرمانی گوید اگر فستق داشت از مردی بخیل منفعت یابد مغربی گوید اگر فستق
داشت و مال و نعمت یابد **فقاع** ابن سیرین گوید فقاع خوردن در خواب چیزی
منفعت یابد از قبل خادمی که بوی رسد اگر بیند که فقاع میخورد از خادمی
مال و نعمت یابد اگر بیند که فقاعی بکسی داد آنکس منفعت یابد اگر بیند که کوزه
فقاع بیفتاد و بریخت دیر از یانی رسد کرمانی گوید فقاع خوردن در خواب
خدمت کردن مردم سفله بود اگر بیند که فقاع خورد خدمت مردی سفله بود

اگر فقاع شیرین بود از وی منفعت یابد و اگر ترش و ناخوش بود وبال زیان و مضرت
رسد جعفر صادق گوید خوردن فقاع در خواب بر چهار وجه بود اول
منفعت دوم بوسه دادن سوم خدمت کردن چهارم مرد سفله فقیه
ابن سیرین گوید اگر بیند که فقیه فاضل شده بود و سخن وی نزد مردم بود دلیل
که شرف و بزرگی یابد و نام وی در آن دیار منتشر گردد بنیکی مغربی گوید اگر مردی
عامی فقیه بیند دلیل عوان شود و اگر عالم و فقیه بود قاضی شود فلاخن
ابن سیرین گوید اگر بیند که فلاخن بکسی انداخت دلیل که بدان کس نفرین کند
اگر بیند که کسی سنگ بفلاخن انداخت آنکس بدو نفرین کند اگر بیند که سنگ
بوی رسید رنجور گردد مغربی گوید فلاخن در خواب سخن ناخوش بود و غم و اندوه
فلوس ابن سیرین گوید فلوس در خواب جنگ و خصومت بود اگر بیند که
فلوس داشت با کسی خصومت افتد اگر بیند که فلوس بسیار داشت در غمی
سخت گرفتار شود اگر بیند که فلوس بسیار از خانه بیرون انداخت از غم و
اندوه رسته گردد مغربی گوید فلوس دیدن در خواب مردی مفلس بود فندق
ابن سیرین گوید فندق در خواب مال بود اگر بیند که فندق داشت از مردی
بخیل منفعت یابد اگر بیند که بخروار فندق داشت دلیل که او را با کسی داوری
بود کرمانی گوید اگر بیند که مغز فندق شیرین بود مال حلال یابد فنك
ابن سیرین گوید فنك در خواب مردی غریب بود توانگر امین و پوست و موی
و استخوان وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب توانگر
اگر بیند که فنك مطیع وی بود منفعت بیابد اگر بیند که با فنك جنگ
میکرد با مردی غریب خصومت کند اگر بیند که فنك را بکشت و پوست آن
بکند و گوشت آن بیفکند مال مردی غریب تلف کند اگر بیند که فنك را

خفه کرد و باز کردن وی خون روان شد دوشیزگی دختری غریب بستاند اگر
بیند که فنك بسیار بر وی جمع شده و از ایشان گزیده در میان گروهی غریب
افتد و از ایشان منفعت بیند و اگر بخلاف این بیند مضرت رسد فواق
ابن سیرین گوید اگر بیند که او را فواق است دلیل که خشم گیرد و دشنام دهد
و سخنان ناسزا گوید کرمانی گوید اگر بیند که وقت نان خوردن او را فواق پدید
آمد بیمار گردد اگر بیند که فواق پیاپی می آمد دلیل که بی حجتی بر کسی خشم
گیرد اگر بیند که فواق با بانگ بلند بود دلیل که خود را چیزی نماید بدروغ
و بدان چیز وی را ملامت رسد اگر بیند که فواقش نرم و آهسته بود بر کسی
خشم گیرد ولی زود باز آید اگر بیند که در فواق قی میکرد و هر چه در شکم
داشت برآورد دلیل که اجلش نزدیک بود فوده بفارسی خمیر خشک باشد
که از آن انگامه گیرند و خوردن آب در خواب غم و بیماری بود کرمانی گوید
اگر بیند که فوده میخورد بسبب کاری متفکر شود و فوده در خواب جنگ
و خصومت بود با خویشان جعفر صادق گوید فوده در خواب بر پنج وجه
بود اول بیماری دوم غم و اندوه سوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسازگاری
با اهل فوطه ابن سیرین گوید فوطه در خواب شادی و آسانی بود اگر بیند که
جامه پنبه از فوطه بود که داشت راحت دینی و دنیایی یابد خاصه نو
و فراخ بود اگر کهنه بیند و دریده تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید
فوطه لباس مردم صالح بود اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود
و مستور بود دلیل بر زیادتی ستر بود اگر بیند که فوطه داشت و سیاه
مفسد بود توبه کند و راه صلاح جوید مغربی گوید اگر جامه فوطه [illegible]
بیند دلیل که عدل و داد بجای آورد اگر بیند که قاضی فوطه پوشیده ا

حکم براستی کند اگر مشرک بیند مسلمانی شود اگر فاسق بیند تایب
کردد اگر دزد بیند از دزدی توبه کند و راه صواب جوید **حرف القاف**
قاضی ابن سیرین کوید اگر بیند که قاضی شد و در میان خلق
داوری میکرد و از اهل قضا نبود در رنج و بلا کرفتار شود و مالش
اندست برود و اگر در سفر بود او را قطاع افتد و مالش تلف شود اگر
بیننده جوان بود از سفر باز افتد اگر بیننده عالم و دانا بود قاضی شود
کرمانی کوید اگر کسی قاضی معروف مجهول بیند بمنزلت علما و بزرکان دین
برسد کرمانی کوید اگر کسی قاضی مجهول بیند تاویل حق تعالی بود و حکمی که
رفته بی شک آن بود **والله یحکم لا معقب لحکمه** وحاجتی بکر و نمود **یقص**
الحق وهو خیر الفاصلین مغربی کوید اگر بیند که قاضی بر وی حکم کرد میان
بود که در رنج باشد اگر بیند که قاضی ترازو در دست داشت دلیل که
در میان خلق حکم براستی کند اگر بیند که قاضی بروی شفقت
در روی نکاه کرد و با وی بلطف و مدارا سخن کفت دلیل که او را نزد
اهل علم جاه و حرمت نبود و خوار و فرومایه باشد **قافله** ابن سیرین
کوید اگر بیند که با قافله در راه بود ببادیه و اهل قافله مفسد و بد بودند
زیانش رسد و اگر با قافله سوار بود مال و نعمت حاصل کند کرمانی کوید
اگر با قافله سوی خانه می آمد دلیل که کار بسته بروی کشاده کردد
و از خویشان دور شود **قالب** کالبد بود ابن سیرین کوید اگر قالب
کفش و موزه در خواب بیند خادم و زن بود که کارهای وی بسازند
اگر بیند که قالبی داشت خادمی ویرا حاصل شود اگر بیند که قالب بشکست
یا بسوخت آن خادم هلاک شود مغربی کوید اگر بیند که قالب بسیار د[اشت]

دلیل که ویرا از خادمان خیر و منفعت رسد اگر بیننده کفش یا موزه دوز
بود بهتر باشد **قالی** ابن سیرین کوید اگر بیند که قالی بزرگ از بهر وی
کسترده بود و دانست که ملك ویست دلیل بر عمر دراز کند و روزی
فراخ اگر بیند که بر قالی نشسته بود در جایی بیکانه و ندانست که آن
جایگاه کیست دلیل که احوال دنیا بر وی متغیر شود و در غربت بمیرد کرمانی
کوید اگر بیند که بر قالی کوچك نشسته بود عمرش کوتاه بود و روزی تنك
مغربی کوید اگر بیند که قالی در نوشته بود و در دوش داشت دلیل که
از جای خود بجایی دیکر رود و عمرش اندك مانده بود و هر چند قالی بزرکتر و
فراختر عیش و روزی بیشتر و بهتر اگر بیند که بر قالی کوچك نشسته
بود و در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی بر وی فراخ شود و اگر
بخلاف این بیند عیش و روزی بر وی دشوار شود اگر بیند که قالی بدست
خود کسترده بود و در نوشت و در کنج خانه نهاد اقبال و دولت خود
تباه کند اگر بیند که قالی بر پشت نهاد و میبرد کناه و رنج بسیار کند
دانیال کوید اگر بیند که قالی سبز و کوچك بود روزی بر وی تنك شود
اما عمرش دراز بود اگر بیند که قالی سبز پاکیزه داشت نعمت بر وی فراخ کردد
اگر بیند که در خانه کسان قالی کسترده بود خداوندان خانه را دولت و
اقبال بود اگر بیند که در خانه مجهول قالی کسترده بود خداوند آن خانه را
دولت و اقبال بود **قبا** ابن سیرین کوید قبا اگر با سر در خواب پناه و قوت
و سفر بود اگر بیند که قبا کرباس فراخ پوشیده بود از غمها فرج یابد اگر بیند
که قبا حریر پوشیده بود از پادشاه یا مردی بزرك شرف و منزلت یابد اما
در دین مکروه بود مکر با حرب که با سلاح در پوشند اگر بیند که قبای پوشیده

داشت و بحرب می رفت بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که قبا سبز پوشیده بود
دلیل که روشنایی یابد اگر زرد بود بیمار شود اگر سرخ بود منفعت یابد
اگر کبود بود مصیبت یابد اگر سیاه بود غم و اندوه بود اگر ملون بود کارش
بنظام گردد اگر قبا کهنه و دریده بیند زن را طلاق دهد جابر مغربی گوید اگر
بیند که قبای عبا بر داشت اگر اهل قبا بود غم و اندوه و ملامت بود اگر بیند
که قبای پوستین سیاه یا سفید پوشیده بود دلیل که زنی توانگر بزنی
کند و از وی چیز و منفعت یابد اگر بیند که قبا از پوست روباه بود زنی
پارسا بزنی کند اگر بیند که قبا از پوست سمور بود زنی توانگر خواهد جعفر
صادق گوید قبا در خواب بر شش وجه بود اول پناه دوم قوت سوم حجت
چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قباله ابن سیرین گوید اگر بیند که
خط و قباله داشت بقدر قباله و خط او را حکمت حاصل شود اگر بیند
که کسی قباله وی بدرید دلیل که خصم حجت او را باطل کند اگر بیند که پادشاه
قباله بوی داد قبان ابن سیرین گوید قبان در خواب مردی خونخواره
بود و گفته اند قبان در خواب شنوایی بود و زبان اش فرونی بود بوقت
گزاردن حکم مغربی گوید قبان در خواب قاضی بود اگر بیند که قبان داشت
دلیل که با وکیل قاضی و برا صحبت افتد اگر بیند که به قبان چیزی می سخت
دلیل که وکیل او را خصومت افتد قبله ابن سیرین گوید اگر بیند که سوی
قبله نماز میکرد در راه دین و سنت صادق بود اگر بیند که قبله بگذاشت
و بجانب مغرب یا مشرق نماز گزارد دلیل که بر راه رسول الله صلی الله علیه و سلم
میل ندارد نعوذ بالله اگر بیند که قبله را نشناخت در راه دین متحیر و سرگشته
بود قبه گنبد بود و در حرف کاف بیان کنیم قدح ابن سیرین گوید اگر بیند که

قدحی آب یا جلاب داشت زن خواهد یا کنیزک خرد یا فرزند مصلح پارسا
بیارد اگر بیند که آب بریخت و قدح بماند فرزند بمیرد و زن بماند اگر بیند که قدح
بشکست و آب بماند زن بمیرد و فرزند بماند اگر بیند که آب بریخت و قدح بشکست
زن و فرزند هر دو بمیرند اگر در قدح ببیند بود و خورد دلیل که او را فرزندی
بد کردار آید و از وی محنت بیند اگر بیند که قدح تهی بود وی را فرزند نیاید
جعفر صادق گوید دیدن قدح در خواب بر سه وجه بود اول زن یا کنیزک
دوم خادم که مشرف و حیج بود قدید ابن سیرین گوید اگر بیند که گوشت گوسفند
قدید بود دلیل که غنیمت بود اگر گوشت اسب بود غیبت مردم کند و در
خوردن گوشت قدید خیر نباشد قرآن در خواب دلیل بر حکم است اگر بیند که
آیت رحمت میخواند دلیل که رحمت و بشارت یابد از ایزد تعالی بر وی واجب
بود که خیرات کند و شکر خدای گزارد اگر آیت عذاب بخواند دلیل بر خشم و عصیت
بود توبه باید کرد و بخدای تعالی باز گردیدن و اگر آیات قصص و امثال آن
باشد دلیل که معصیت کند کرمانی گوید اگر بیند که همه از قرآن خواند همه
عمرش گذشته باشد اگر بیند که حافظ قرآن شد علم و امانت نگاه دارد اگر
آواز قرآن می شنید دلیل که کارش در راه دین نیکو گردد اگر بیند که قرآن بروی
میخوانند و از آن هیچ فهم نمیکرد دلیل غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی
گوید اگر بیند که جمله قرآن ختم کرد دلیل که مرادها بیابد و بعضی معبران
گویند که عمرش با خر رسیده باشد اگر بیند که قرآن باواز بلند میخواند کارش
بلند شود و میان مردم معروف گردد به نیک و بخیری اگر یاد دارد که کدام
آیت میخواند معبر آیت تعبیر وی باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چهار یکی
از قرآن خواند دلیل که کار وی نیکو گردد اگر بیند که اعراف یا مریم خواند

دلیل که در میان خلق مشهور گردد اگر بیند که از سر بهر تا زمین خواند دلیل که زنی
پارسا بزنی کند اگر بیند که از سر تا سورة الناس خواند همه حاجات او برآید اگر
بیند که تمام قرآن خواند دلیل که سال و ماه بر وی مبارک بود اگر بیند که هفت
بار خواند از غم و اندوه رسته گردد اگر کسی قرآن خوان نبود و بخواب دید که
قرآن خواند اجلش نزدیک آمده باشد اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم حسیبا
اگر بیند که برهنه بود و قرآن میخواند دلیل هوادار بود اگر بیند که در جایگاهی
ناکیزه میخواند دلیل که در اعتقادش خلل بود جعفر صادق گوید قرآن خواندن
در خواب بر چهار وجه بود اول سلامت از آفتها دوم توانگری
بعد از درویشی سوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرهیزکاری و نمودن
کسانی را که مستور باشند و کسانی را که مستور نباشند روز قیامت حجت بود
مر ایشان را بعقوبت و عذاب قربان ابن سیرین گوید اگر بیند که گاو یا گوسفند
یا اشتر قربان کرد دلیل که اگر بنده بود آزاد شود و اگر در رنج و بلا گرفتار بود
رحمت و راحت یابد اگر در بند بود آزاد شود اگر بیمار بود شفا یابد اگر درویش
بود توانگر گردد اگر ترسکار بود ایمن شود اگر وام دارد گزارده شود اگر حج
کرده باشد حج بگزارد اگر بیند که قومی بجا رفته بودند اگر آن قوم از چیزی
ترسند ایمن گردد و اگر زندان باشد خلاص یابد اگر قحط و تنگی اندر بود فراخی
و نعمت بدل گردد خاصه آنکه این خواب نزدیک عید قربان باشد اما ولش
زود تراش کند کرمانی گوید اگر بیند که گوشت قربان بمردم قسمت میکرد دلیل
که مردی محتشم در آنجا بمیرد و مال وی قسمت کنند اگر بیند که گوشت قربان
بدزدید دلیل که بر خدای تعالی دروغ گوید و قرآن خوان بشارت بود و بشرناه
باسحق نبیا من الصالحین وبارکنا علیه اگر خداوند خواب زن بود و

و حامله بود پسری مصلح آرد جعفر صادق گوید تاویل قربان کردن در خواب بر
شش وجه بود اول ایمنی از ترس دوم نایل شدن مراد و حاجت سوم
خیر و برکت چهارم تا ششم زوال قحط و تنگی قرابه ابن سیرین گوید قرابه
در خواب کنیزک بود که مال و خواسته بوی سپارند اگر در قرابه آب بیند
یا جلاب که چیزی که خوردنش حلال بود دلیل که آن کنیزک حلال خواره
بود و اگر در قرابه چیزی بود که مستی کند آن کنیزک حرام خواره بود و بد فعل
مغربی گوید اگر بیند که قرابه برداشت دلیل که او را با کنیزک پیری صحبت افتد
اگر از آن قرابه آب و جلاب خورد او را از آن کنیزک خیر و منفعت رسد و
اگر از قرابه چیزی ترش خورد دل غم و اندوه بود و اگر از قرابه تهی هیچ چیز وش نرسد
اگر بیند که بشکست آن از آن کنیزک بر جدا شود قرنفل ابن سیرین گوید قرنفل بخواب
دلیل بر ذکر و ثنای نیکو کند اگر بیند که قرنفل بسیار داشت و بهر کس عطا داد
اهل آن دیار بر وی ثنا گویند و نامش به نیکی منتشر گردد اگر بیند که قرنفل عود
غم و مصیبت یابد قز ابن سیرین گوید قز و ابریشم چون سفید باشد دلیل
بر منفعت این جهانی کند اگر زرد بود دلیل بیماری کند و دیدن ابریشم پخته بهتر
از خام اگر بیند که ابریشم یا قز او بسوخت یا ضایع شد وی را زیان رسد اگر
بیند که سفید بود و ملک او بود خیر و منفعت بود و اگر سبز بود بهتر و اگر سرخ
بود مرد را زیبا باشد و اگر سیاه و کبود بود دلیل غم و اندوه کند اگر ابریشم از
هر رنگی بیند که داشت دلیل که متاع از هر گونه او را حاصل شود و ابریشم
مرد را در دین مکروه و زنان را نیک بود قسط دارو بیست بوی خوش
ابن سیرین گوید اگر بیند که در زیر خود قسط می سوخت و دود می کرد مردم
آن دیار او را مدیح و ثنا کنند و نام نیکی او در آن دیار منتشر گردد اگر دید که

دو دار آن قسط کند و با خوش بود تا بلین خلاف این بود مغربی گوید اگر سند که
قسط محزون و غمگین و متفکر شود **قسمت کردن** ابن سیرین گوید اگر سند که میان مردمی
چیزی قسمت میکرد دلیل که میان خلق انصاف نگاه دارد اگر سند که مال
خود بخیر و صلاح قسمت کرد دلیل که او را فرزندان بود و مال بر ایشان قسمت کند
اگر سند که مال خود بشر و فساد قسمت کرد دلیل که حال تن را کند و شود اگر
سند که مال کسی بر رضای مالک قسمت کرد اگر بصلاح و فساد قسمت کرد خیر و شر
آن بدو باز کردد **قصاب** ابن سیرین گوید قصاب در خواب چون مجهول بود ملک الموت
باشد اگر بیند که قصاب در سرا یا در کوچه وی درآمد دلیل که کسی در آنجا
بمیرد اگر سند که او قصاب است و قصابی میشود دلیل که کسی را بکشند یا جراحتی
بر کسی کند اگر بیند که با قصاب همراهی کرد و بر با ظالمی صحبت افتد کرمانی
گوید اگر بیند که قصابی کرد و قصاب بود غم و اندوه از او زایل شود اگر سند که
کارد در دست داشت و قصابی کرد و قصاب بود خون ناحق کند اگر
قصاب بود خون بخون ریزد مغربی گوید اگر سند که قصاب مجهول در خانه وی
درآمد یا در کوچه در آن موضع مرگ مفاجا پیدا شود **قصه گفتن** ابن سیرین
گوید اگر سند که قصه میخواند دلیل که از ترس و بیم ستمکاران ایمن شود
فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
کرمانی گوید اگر سند که مردم را قصه میگفت دلیل خیر و صلاح بود اگر بنیک می
گفت و اگر قصه بد میگفت دلیل شر و فساد بود مغربی گوید اگر بیند که قصه
میگفت کارش نیکو شود و مرادش حاصل گردد و قصه گوی در خواب
مردی نیک محض بود **قضیب** ابن سیرین گوید قضیب شاخ درخت بود در
خواب اگر سند که او را خیر و منفعت رسد و اگر آنکس مجهول بود از کسی

بیگانه بدو چنین رسد اگر بیند که کسی او را شاخی باریک خشک داد خبری بوی
رسد مغربی گوید که اگر کسی شاخ درخت میوه ترش داد دلیل که از آنکس غم
و اندوه رسد و اگر شاخ درخت میوه شیرین بود خیر و منفعت رسد **قطایف**
ابن سیرین گوید اگر بیند قطایف بشکر و مغز بادام کسی بوی داد و از آن بخورد
بقدر آن وی را مال و نعمت از آن بدست آید و اگر قطایف بر مغز جوز و دوشاب
بیند دلیل بر مال اندک بود جعفر صادق گوید دیدن قطایف در خواب بر
چهار وجه بود **اول** سخن لطیف **دوم** مال حلال **سیوم** نعمت **چهارم**
منفعت بی رنج **قطران** ابن سیرین گوید قطران مال حرام بود اگر بیند که
قطران داشت و از آن بخورد بقدر آن مال حرام حاصل کند اگر سند که تن
یا جامه او بقطران آلوده بود دلیل که لباس حرام حاصل کند اگر سند که تن
یا جامه او بنفت بوشند و بعضی گویند سبب مال در بلا و محنت گرفتار شود
اگر سند که قطران از خانه خود بیرون ریخت دلیل که توبه کند از حرام **قفا خوردن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بر قفا خود موی سند دلیل که وام دار شود اگر سند
که موی از قفا ستزده بود وامی که دارد گزارده شود اگر سند که کسی بر قفای
او سیلی زد چنانک آماس کرد دلیل که منفعت بسیار یابد از آنکس اگر بیند
که کسی استین بر قفای او زد دلیل که بیم او را منفعت بود و بیم کسان او را
اگر سند که آنکس بفرمان او را سیلی زد دلیل که منفعت از بیگانه یابد کرمانی
گوید اگر کسی بیند که چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد دلیل که
او را با کسی داوری بود و زیانش رسد اگر بیند که قفای خود را برید عیالش
عیال او وی خیانت کند اگر سند که با قفا حجامت کرد دلیل که چیزی که خزینه
باشد فنا له نو سیند اگر سیند که رویش بقفا گشته بود با مردم منافقی کند

قفص ابن سیرین کوید اکر بیند که قفصی داشت دلیل که درجای تنك کرفتار
شود معبران کویند او را در زندان کنند یا کسی از خویشان وی اکر بیند که
قفص بشکست یا ضایع شد از تنکی و زندان خلاص شود جعفر صادق کوید
دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود اول زندان دوم جای تنك سوم
سرای نخاس قفل ابن سیرین کوید قفل در خواب دلیل بر است شدن کارها
دینی و دنیایی بود اکر بیند که قفل زود بکشاد کارها بروی کشاده شود و شاید
که حج اسلام بکزارد اکر بیند که قفل نتوانست کشاد کارش دیر کشاده شود
معبری کوید اکر بیند که قفلی محکم برجایی نهاده بود دلیل که مال خود بر مصلحی
سپارد اکر بیند که قفلش سست و ضعیف بود تاویلش بخلاف این بود
جعفر صادق کوید دیدن قفل در خواب بر شش وجه اول ساختن کار
دوم قوت بود سوم حجت چهارم منفعت پنجم زن ششم اعتماد
داشتن بر کسی مصلح قلعه در بود و در حرف دال کفته شد معبران
در تاویل قلم خلاف کرده اند ابن سیرین کوید قلم امر خواست و خدای تعالی
بقلم بر لوح محفوظ نیاز نیست معبری کوید قلم فرشته اینست که بفرمان
خدای تعالی و لوح محفوظ نیاز نیست معبری کوید قلم فرشته ایست که
بفرمان خدای تعالی کار کند اکر کسی را قلم بران صورت بیند که هست
دلیل که به پادشاهی عاقل او را کار افتد و حق تعالی یاد فرموده ن والقلم
وما یسطرون اکر بیند که قلم را بر دست کرفت او را فرزندی اید عالم و فاضل اکر
بیند که قلم که در دست داشت چیزی نوشت دلیل که علم اموزد علم
بالقلم علم الانسان ما لم یعلم جعفر صادق کوید دیدن قلم در خواب بر پنج وجه بود اول
امر حق تعالی دوم فرشته سوم توانکر چهارم حقیقت پنجم قلم را

خامه کویند و در خا یاد کرده ایم قلیه ابن سیرین کوید قلیه که بر اب ساخته
باشد بهتر از ان که بی آب باشد و هرچند قلیه بطعم خوشتر منفعت ان
بهتر اما اکر قلیه از کوشت کاو فربه بود دران سال از زر و سیم ایمن شود اکر
از کوشت بره یا بزغاله باشد مالی اندك باشد معبری کوید اکر بیند که قلیه
از کوشت اسب خورد دلیل که برنج و سختی از مال پادشاه چیزی بدست آید
اکر بیند که از کوشت اشتر خورد دلیل که از مال مردی بزرکوار چیزی بدست
اورد اکر بیند که قلیه از کوشت ماهی میخورد مال از جهت زنان بدست آرد
اکر بیند که خداوند خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه کند اکر بیند که قلیه از
کوشت چهارپای خورد که کوشت او حرام است دلیل که مال حرام خورد
ابن سیرین کوید قمع در خواب غلام یا کنیزك بود اکر بیند که قمع بزرك خرید
انمرد ندیمی کند در کارها اسراف نکند اکر بیند که قمع کوچك خرید یا کسی
بوی داد دلیل که غلام یا کنیزك کوچك بخرد اکر بیند که قمع او بشکست یا ضایع
شد دلیل که او از صحبت چنین مردی مفارقت کند اکر بیند که قمع رویین
بود دلیل که او را با مردی بی باك رای خردمند صحبت افتد اکر بیند که آهنین
بود دلیل که او را با مردی قوی رای شجاع صحبت افتد و از وی چیز و منفعت بیند
قند ابن سیرین کوید اکر بیند که قند میخورد دلیل که تعجیل کاری میکرد
که از ان پشیمان شود اکر بیند که کسی او را پاره قند در دهان نهاد دلیل که
انکس او را بوسه دهد اکر بخروار قند داشت بقدر ان او را مال حاصل شود اکر
بیند که قند میفروخت زیانش رسد و خریدن قند بهتر از فروختن قندیل
ابن سیرین کوید اکر قندیل افروخته توفیق عبادت بود خاصه روشن باشد
اکر بیند که در خانه وی قندیل افروخته او بخته بود دلیل که زنی صالحه

پارسا بخواهد اکر این خواب زن بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر
صادق کوید قندیل آویخته بر چهار وجه بود اول زن خواستن دوم
توفیق طاعت سوم عز و دولت دنیا چهارم کشایش کارها بسته و قندیل نا
آویخته دیدن منفعت اندک بود قنوت ابن سیرین کوید اکر بیند که در خواب
قنوت خواند در خواب مردم صالح پارسا روا شود حاجت از حق تعالی و
مردم مفسد روا شود حاجت از مردم بزرک و کشایش کارها دنیوی و مردم
مصلح کشایش کارها اخروی قنینه ابن سیرین کوید قنینه در خواب خادمی
بود که کلید خانه بدو سپارند اکر بیند که قنینه داشت و در وی آب بود
یا جلاب یا از خوردن چیزی که از حلال بود و از آن میخورد دلیل که مال
حلال یابد اکر بیند که در قنینه چیزی حرام بود و از آن میخورد دلیل که وی را
چیزی حرام حاصل شود اکر بیند که قنینه بشکست خادم بمیرد اکر ضایع
شد خادم کریزد کرمانی کوید قنینه خادمی باشد که خویش خانه بود
او باشد قیامت ابن سیرین کوید اکر بیند قیامت بود حق تعالی در آن دیار
عدل کسترده کرداند اکر اهل آن دیار ظالم باشند قهر بلایی رسند اکر
مظلوم باشند حق تعالی ایشان را بر ظالمان نصرت دهد اکر بیند که اهل
دیار پیش حق تعالی ایستاده بودند دلیل بر خشم خدای تعالی باشد کرمانی
کوید اکر بیند که قیامت برخاست دلیل که اکر مظلوم بود بر ظالم دست
یابد و از غم رسته کردد و اکر بیند که علامتی از قیامت پیدا شد چنانکه
آفتاب از مغرب بر آمد یا دجال یا یاجوج و ماجوج پیدا شد باید که
توبه کند و بخدای تعالی باز کردد اکر بیند که کورها بشکافت و مردکان بیرون
آمدند دلیل بر دشمن ظفر یابد اکر بیند که وی در شمارگاه بود دلیل

غفلت بود قوله تعالی اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون
اکر بیند که با وی شمار کنند دلیل که او با زیان رسد قوله فحاسبناها
حسابا شدیدا وعذبناها عذابا نکرا اکر بیند که کردارهای وی بسنجیدند و نیکی
وی بیشتر آمد دلیل که سر انجام کار وی نیکو کردد قوله فمن ثقلت موازینه
فهو فی عیشة راضیة اکر بیند که بدی وی بیشتر و کرانتر از نیکی بود
دلیل که انجام کار وی بحت بد بود قوله تعالی ومن خفت موازینه فامه
هاویة اکر بیند که ترازو وی نامه بدست داشت دلیل که وی براه راست
بود فانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط اکر بیند که
نامه کردار بوی دادند و کفتند برخوان و او اهل صلاح بود کارش نیکو شود
و اکر فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقرء کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا
اکر بیند که بر صراط است دلیل که براه راست می بود اکر بیند که بر صراط نیارست
کذشتن نه براه راست بود جعفر صادق کوید قیامت در خواب اهل صلاح را
بر چهار وجه بود اول رستکاری دوم فرح از غم سوم بر دشمنان ظفر
یافتن چهارم اقبال و رحمت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این باشد
قبر ابن سیرین کوید قبر در خواب حبس و زندان بود اکر بیند که قبر داشت بقدر
آن مال حاصل کند اکر بیند که جامه وی قیر اندود شد دلیل که از نعمت
بخانه برد اکر بیند که قیر از خانه بیرون افکند تاویلش بخلاف این بود و اکر
بیند که آتش در قبر وی افتاد و بسوخت پادشاه وی را مصادره کند و
مالش بستانند اکر بیند که قیر میخورد چیزی حرام خورد و بعضی کویند او را
عمر رسد قی ابن سیرین کوید اکر بیند که قی میکرد و آسان بیرون آمد
توبه کند اکر بیند که قی نمی توانست کردن یا در وقت بر آمدن بازجای شد

دلیل که از نو بر باز کرده و سرانجام عقوبت یابد و بعضی گویند مصیبت و زیان
افتد اگر بیند که قی میکرد و میخورد از غل چیزی و عیال نفقه کند کرمانی گوید
اگر بیند که قی میکرد و طعم آن ترش و ناخوش بود بعد از توبه باز سر گناه شود
اگر بیند که بهنگام قی کردن چیزی از شکم وی بیرون آمد دلیل که بیمار شود
اگر بیند که بلغم از شکم بر آورد از بیماری شفا یابد اگر بیند که خون بسیار
بر آورد مال یابد اگر صفرا بر آورد از بیماری ایمن شود و اگر هر چه در شکم
او بود بر آورد دلیل که هلاک شود جعفر صادق گوید قی کردن در خواب
بر شش وجه بود اول توبه دوم پشیمانی سوم مضرت چهارم از غم رستن
پنجم باز دادن ششم کشادن کارها بسته و هم او گوید اگر بیند که قی کرد
و بخورد چیزی کسی دهد و باز ستاند

حرف الکاف کاچی

ابن سیرین گوید اگر بیند که کاچی بروغن پخته و شکر و بادام میخورد بقدر
آن چیز منفعت یابد و اگر بروغن و انگبین میخورد بقدر آن راحت رسد
اگر بیند که کاچی بروغن و ماست میخورد از کسی اندک منفعتی برسد اگر بیند که
کاچی بچیزی ترش میخورد دلیل که از غم و اندیشه بود مغربی گوید اگر بیند
که کاچی بچیزی شیرین میخورد ویرا مالی آسان بدست آید و اگر بچیزی
ترش میخورد غم و اندوه بود بقدر ترشی **کارد** ابن سیرین گوید کارد فرزند
باشد و بنام کارد دلیل که او را فرزندی آید اگر بیند که با کارد سوراخ میکرد
دلیل که منزلت و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که سلاح پوشیده بود و
کاردی در دست داشت دلیل که ویرا از کسی قوت و پناه بود و بعضی گویند
غلام را کاردگری آموزد مغربی گوید اگر بیند که کارد از میان بر کشید دلیل
زنش پسری آرد اگر بیند که کارد از میان بشکست دلیل که پدر یا یکی از خویشان

بد نیکی بیند اگر بیند که اندام خود را بکارد بخست بقدر خستگی اندام او را
زیان رسد اگر بیند که بکارد چیزی تراشید از آن چیز منفعت یابد اگر بیند که
چیزی بهرزه همی تراشید دلیل که کاری کند که از آن چیز نه بیند اگر بیند که
در کارد وی رخنه افتاد یا زنگ گرفت یا عیبی در وی ظاهر شد دلیل نقصان
مال بود جعفر صادق گوید دیدن کارد بر هفت وجه بود اول حجت دوم
فرزند سوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم توانائی هفتم ولایت **کارزار**
ابن سیرین گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود اگر بیند که کارزار
میکرد او را از علت طاعون بیم بود اگر بیند که در کارزار دشمن بروی چیر شد
بعلت طاعون هلاک شود کرمانی گوید اگر بیند که بشمشیر در کارزار جنگ
میکرد دلیل که بر کسی در خصومت افتد و غلبه بر خصم او را بود که دشمن را
قهر کند اگر کارزار بتیر کنند بمیان او سیاه دارد و اگر تیر و کمان در میان بود
با ایشان گفت و گوی بود **کازر** ابن سیرین گوید اگر بیند که کازری میکرد
اگر کازر نبود دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه
بتاویل خشم و اندوه باشد و کازر پاک کننده چرک است پس باز گشتن بود
بخدای تعالی کرمانی گوید اگر بیند که جامه وی بشستن ببرید دلیل
که توبه بشکند اگر بیند که جامه در رنگ را بسوخت دلیل که باز توبه کند
اگر بیند که جامه وی بشستند و سفید شد دلیل که از توبه خلاص و
فواید بیند اگر بخلاف این بیند توبه او خالص نباشد اگر بیند که جامه
می شست و سفید نمی شد دلیل که پیوسته در خیرات بماند مغربی گوید
کازر در خواب مردی باشد که بدست وی خیرات و احسان رود و از آن بهر
کفارت گناهان جعفر صادق گوید کازر در خواب مردی باشد که غم

از دل بر خیزد از بن سبب معبران گویند چون بخواب بیند که جامه شستن در خواب دلیل که از غم و اندوه فرج یابد یا از گناهان توبه کند خاصه چون جامه را سفید شده بیند **کار دنیا** ابن سیرین گوید اگر بیند که کار دنیا میکرد دلیل بود بر فساد و نقصان دین وی اگر بیند که کاران دنیا میکرد دلیل بود بر صلاح دین و احوال ان جهانی اگر بیند که کارها دنیا راست شده بود دلیل که اجلش نزدیک باشد اگر بخلاف این بیند عمرش دراز شود اگر بیند که نه او را و نه غیر او را از ان منفعت نبود دلیل که بکاری مشغول شود که از ان خیر و منفعت نباشد جعفر صادق گوید با مردم بکاری شدن در خواب دلیل مخالف دین باشد قوله **فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله** **کاروان** ابن سیرین گوید اگر بیند که با کاروان در راه بود و اهل ان کاروان مصلح و پارسا بودند دلیل بود بخیر و صلاح کار وی اگر بیند که کار مردم کاروان مفسد و بدخو بودند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که او سوار بود و بر ایشان تمام داشت دلیل که وی را نعمتی حاصل شود اگر بیند که او در کاروان پیاده بود تاویل بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می امد دلیل که کارها بروی گشاده کردد و اگر بخلاف این بیند کارها بروی بسته شود **کاریز** ابن سیرین گوید اگر بیند که بجایگاهی معروف بود کاریزی میکند دلیل که با کسی خود مکر و حیلت سازد و این تا وقتی بود که در کندن کاریز اب پیدا نشود و چون اب پدید امد و روان گشت حکم کاریز کندن معبر نکاح کند کرمانی گوید اگر بیند که کاریز اب می شد دلیل که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه کاریز او کنده باشد منفعت بدو رسد بقدر ان از و اب بر دارد اگر بیند که اب از کاریز بر داشت و در خم ریخت یا در سبو دلیل که مالی که شده هزینه کند اگر بیند که در کاریز بیفتاد دلیل که در مکر و حیلت افتد معبری گوید اگر بیند که باغ را از کاریز اب میداد دلیل که با زن خود مجامعت کند اگر بخواب کاریز سند مردی باشد که کارها بمکر و حیلت سازد **کاسه** ابن سیرین گوید کاسه چوبین در خواب چون در وی خوردنی بود و بیند که خورد بقدر ان از سفر روزی حلال حاصل کند و کاسه سفالین در خواب روزی بود و کاسه نهی در خواب بیچارگی و درماندگی بود کرمانی گوید کاسه طعام خادمی بود با برکت و منفعت که بر دست وی خیرات بود و مال بصلاح قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی خوردنی بود روزی حرام بود و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که در وی شبهتی باشد و کاسه ابگینه دلیل بر زن کند معبری گوید اگر بیند که در کاسه خوردنی بود چیزی خوش طعم شیرین بود دلیل که نعمت و مالی بوی رسد اگر بیند که در کاسه چیزی ترش و ناخوش بود غم و اندیشه بود و کاسه کرد دلیل بر مفلسی کند **کاغذ** ابن سیرین گوید کاغذ در خواب مال و بزرگی بود اگر بیند که کاغذ او در اب بزیان رفت یا بسوخت بقدر ان از بزرگی و مال او نقصان شود کرمانی گوید کاغذ در خواب علم و دانش بود چون خداوند خواب نارسا بود اگر بیند که کاغذ بسیار داشت در علم و فضل شهرت یابد اگر خداوند مفسد و جاهل بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن کاغذ در خواب بر چهار وجه بود **اول** علم **دوم** بزرگی **سوم** دولت **چهارم** مکر و حیلت **کافر** ابن سیرین گوید اگر بیند که کافر شده است دلیل که او را علت کفر میل باشد اگر بیند که کبر شد و اتش می پرستید بخدای تعالی عاصی شود و بخدمت پادشاه ظالم رود اگر بیند که اتش نور و شعاع نداشت

دلیل که مال الحرام جوید و دین خود را بمال الحرام فروشد جعفر صادق گوید کافر
شدن در خواب بر سه وجه بود اول میل داشتن بکافران دوم صحبت
داشتن با مردم بد اعتقاد سوم خذلان خدای تعالی بروی کافور ابن سیرین
گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاك و راستی بود در راه حق اگر بیند که کافور
می سوزد و از وی بوی ناخوش می آمد دلیل که نیکویی با کسی کند که از آن منت
ندارد اگر بیند که اندکی کافور یافت دلیل که بشارت و شادی یابد اگر بسیار یافت
مال و نعمت بسیار یابد جعفر صادق گوید کافور در خواب بر هفت وجه بود اول
مردی عالم دوم زن سوم دوست چهارم کنیزک سخن بروی پنجم مال بسیار
ششم ثنا و آفرین و سخنهای خوش هفتم آسایش نفس کازرغم نباتی باشد که
شکوفه او زرد باشد و از وی بوی کافور آید اگر بیند که وی را در زمین و ملك بخود
رسته دلیل او را مدح و ثنا گویند اگر بیند که کازرغم را بجای برکند دلیل که آن
موضع مدح و ثنای او منقطع گردد اگر بیند که کازرغم میخورد دلیل که او را
غم و اندوه رسد جعفر صادق گوید دیدن کازرغم در خواب بوقت خویش
دلیل بر سه وجه بود اول ثنا و آفرین دوم نفع اندك سوم سخن لطیف
گفتن و شنیدن کام ابن سیرین گوید اگر بیند که کام وی چنان دراز شد که گلوی
او از درازی کام بسته شد دلیل که بد بنا حریص بود و مردم را غیبت کند که مال
گوید اگر بیند که بالا و زیر کام وی دو سیده بود که رها وی بسته گردد اگر بیند که گلو
کامش دراز شده بود و بینیو بیند اخت دلیل که ترك حرص و آز بگوید و مردم را
غیبت نکند کامها ابن سیرین گوید کامها در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت
اگر بیند که کامه میخورد بقدر آن رنج و اندوه بوی رسد اگر بیند که کا...ب
داد و او بخورد دلیل که آنکس از وی بجور دل گردد اگر کامه میخورد غم و اندوهش

کمتر بود جعفر صادق گوید دیدن و خوردن کامه بر سه وجه بود اول
غم و اندوه دوم مضرت سوم خصومت و گفت و گوی کاه ابن سیرین
گوید کاه در خواب مال و نعمت بسیار بود خاصه کاه گندم اگر بیند که کاه
بسیار داشت و در خانه می کشید بقدر آن مال و نعمت حلال بوی رسد و اگر
کاه جو بود از غنیمت کمتر باشد کرمانی گوید اگر بیند که در کاهدان رفت و دانه
که ملك اوست توانگر شود و مراد دو جهانی یابد مغربی گوید اگر بیند که آتش
در کاهدان افتاد و همه بسوخت پادشاه او را مصادره کند و مال و خواسته
از وی بستاند اگر بیند که چهارپای کاه میخورد دلیل که بجهال مال خود تلف کند
جعفر صادق گوید دیدن کاه در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال
دوم کسب و معیشت سوم کام دل و شادی کاسه ابن سیرین گوید که
کاسه شیرین بوقت خود خوردن دلیل بر غم و اندیشه بود اگر بیند که کاسه تلخ
میخورد مضرت و زیان بیند و بین گویند با کسی گفت و گوی کند کاورس ابن سیرین
گوید کا[illegible]ر خواب مال و خواسته بود که برنج و تعب بدست آید اگر بیند که
[illegible]یار داشت بقدر آن مال برنج حاصل کند اگر بیند که کاورس [illegible]
[illegible]سند و خوردن کاورس ثنا و یاد باشد کرمانی گوید کاورس در خواب
اندك و نفع اندك بود گاو دانیال گوید اگر بیند که بر گاو نشسته
بود و گاو از آن او بود دلیل که از پادشاه عمل گیرد و نفع بسیار از آن بیند
خاصه گاو سیاه بود اگر گاو زرد بیند بیماری بود اگر بیند که گاو وی
در خانه او در آمد حق تعالی وی را خیر و روزی بروی گشاید لیکن اندوهش بری
نکرد اگر بیند که گاوان بسیار داشت دلیل که عاملان بسیار زیر دست
او [illegible]ند و او دل کارا بیشان عنایت کند اگر بیند که گاوی نر بسروند و آن

منزلتش بیرون شود دلیل که مضرت از عاملان بوی رسد و او خود معزول گردد
اگر بیند که گاو سه سر بود یا بیشتر و سرها بموضع سر بود بعدد هر سری
علامتی یکسال عمل او کند و اگر از اندامی از اندامها او افزونی بیند در عمل او
افزون شود و اگر نقصان بیند نقصان شود کرمانی گوید گوشت گاو نر مال
عامل بود و گاو چرب و فربه و نحیف عامل بود اگر بیند که دنبال گاو نر در سرای وی
آمد دلیل مال بسیار بود و روزی بروی فراخ شود و اگر در کوچه خویش گاوان
بسیار بیند دلیل مهتر گردد و در کار او خیر و برکت پدید آید اگر بیند که گاوی
او را بسرو زد و بینداخت اگر بیننده خواب صاحب عمل بود معزول گردد و اگر
بازرگان بود زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک بیفتد اگر بیند که سر وی برید
و بینداخت کسی بسر وی شرف و بزرگی کند و در عزل وی کوشد مغربی گوید
اگر بیند که گاوی از گاوان عوامل بکشتند و قسمت کردند و گاو نر از آن عامل
بود دلیل که مردی بزرگ در آن کوچه بکشند و اگر بیند که آن گاو بکشت و
از گوشت او بخورد دلیل که خداوند خواب را هلاک کند و مال او بستانند
اگر بیند که گاوی بکشت که نه از گاوان کار بود دلیل که مردی محتشم در آن
موضع بمیرد اگر گاوان نر و ماده با رنگهای مختلف بیند که در آ[illegible]
شد میکردند دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند [illegible]
گاو لاغر باشند و اگر گاو فربه بیند فراخی و ارزانی نرخها بود و اگر گاوان
زمین می شکافتند دلیل که مال بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث گوید
اگر بیند که با گاوی نر جنگ میکرد او را با مهتری خصومت افتد ابن سیرین
گوید ماده گاو در خواب سال بود اگر بیند که ماده گاوی فربه داشت و دانست
که آن آن اوست دلیل که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر ماده گاو لاغر بیند

دلیلش بخلاف این بود و گوشت ماده گاو مال بود و فراخی در آن سال و پوست
وی ذخیره باشد اگر بیند که ماده گاوی می دوشید و از آن میخورد مالش افزون
گردد و از آن خیر و برکت بیند و اگر این خواب بنده و درویش بیند آزاد گردد و
توانگر شود و اگر آزاد بیند مال یابد اگر ذلیل بود عزیز گردد اگر ماده گاو آبستن
بیند دلیل امیدواری بود حافظ مغربی گوید اگر بیند که گوشت گاو فربه بخورد دلیل
که در آن سال زنی توانگر بزنی کند اگر بیند که ماده گاوی می دوشید و از آن شیر میخورد
دلیل که مال از آن سلطان جمع کند و از آن هیچ نخورد اگر بیند که ماده گاو با وی سخن
گفت عیش بروی فراخ گردد اگر ماده گاو پیش او آمد سال بروی مبارک بود اگر
بیند که ماده گاو روی از او بگردانید آن سال بروی بد بود اگر بیند که بر ماده گاو
نشسته بود و از وی بیفتاد دلیل که در آن سال حال بروی متغیر گردد اگر بیند که
ماده گاو جنگ میکرد دلیل که با زن در آن زمان خصومت کند اگر بیند که ماده
گاو در زمین ملعنت می دود در آن سال مال و دولت یابد اگر بیند که ماده گاو او را
بکر بزد دلیل که عیالش با وی خیانت کند اگر بیند که ماده گاو در خانه او ناگاه بمرد
دلیل که ناگاه مال یابد و بی غم گردد جعفر صادق گوید ماده گاو در خواب بر شش
وجه بود اول زمان دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم
نیکویی ششم سال نیکو گاو دشتی کرمانی گوید گاو دشتی در خواب مردی
توانگر بود با مال بسیار اگر بیند که در شکار گاو دشتی بگرفت بقدر آن مال
و نعمت یابد اگر بیند که دو گاو دشتی با همدگر خصومت کردند دلیل که دو مرد
فاسق با یکدگر خصومت کنند و ماده گاو دشتی زنان با زینت باشند اگر بیند که
گوشت ماده گاو کوهی میخورد دلیل که از همت زنان حاصل کند اگر بیند که
بچه گاو دشتی بگرفت او را فرزندی آید مغربی گوید اگر بیند که گوشت گاو دشتی

برخوردن قوت و دولت یابد اگر بیند که گاو دشتی شاخها بسیار داشت دلیل
که بر هر شاخی او را دولتی و قوتی باشد **گاومیش** ابن سیرین گوید گاومیش چون با قوت
و قدرت تمام باشد تاویلش چون گاوها دیگر باشد کرمانی گوید گاومیش نر در خواب
مردی بود که از وی منفعت بمردم رسد خاصه مطیع و فرمانبردار بود **گاو**
چشم گیاهیست و در خواب کنیزک نیکو بود ابن سیرین گوید اگر زنی بیند که
شکوفه گاوچشم از درخت بکند و بشوهر داد البته او را طلاق دهد اگر بیند
که شکوفه گاوچشم بکند و بغلام داد غلام بکر بزد مغربی گوید اگر بیند که
گاوچشم بوقت خویش بر درخت بود دلیل که او را فرزندی آید و اگر نه وقت
بود بد باشد اگر پژمرده بیند فرزندش بیمار شود اگر فرزند ندارد غمگین شود
و باشد که زیان رسد **گاوزبان** از انواع نباتاتست و برگهای وی درشت
باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که گاوزبان میخورد غمگین و مستمند شود
و اگر نخورد تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید خوردن گاوزبان در خواب
خصومت و گفت و گوی باشد و در خوردن و دیدن آن خیر نبود **گوشت**
ابن سیرین گوید گوشت پخته در خواب بهتر از گوشت کباب بود اگر بیند
که کباب از گوشت گوسفند میخورد بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد
اگر کباب از گوشت گاو بود از رنج و بیم ایمن گردد اگر بیند که کباب از گوشت
اسب پاره میخورد از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که کباب از گوشت
چهارپای دشتی میخورد دلیل که او را چیز و منفعت از مهتران بیند که در ما آن
نشینند کرمانی گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل منفعت بود
کبر ابن سیرین گوید اگر بیند که کبر جمع میکرد اندهگن شود خاصه نه بهنگام
وی بود اگر بیند که کبر میخورد غم و اندوهش صعبتر بود اگر بیند که کبر درشت

هیچ منفعت نه بیند **گبر شدن** اگر بخواب بیند که گبر شد خواستار دنیا باشد
نه طالب آخرت جابر مغربی گوید اگر بیند که گبر شد و در کنشت مقیم شد
صحبت با اهل بدعت و بی‌دینان دارد و تابع اهل فساد و هوای نفس باشد
اگر بیند که از گبری مسلمان شد و پشیمان گشت از گناهان توبه کند و بخدای
تعالی باز گردد و بکار خیر مشغول شود **کبک** ابن سیرین گوید کبک در خواب
زن خوب روی بود یا کنیزک با جمال اگر بیند که کبکی بگرفت دلیل که زن
خواهد اگر بیند که کبکی بزد و بکشت دلیل که از بهر وی زنی خوب روی
خواهند اگر بیند که کبکی چند بدید زنی با جمال خرد اگر بیند که کبک را بشکار بگرفت
کنیزکی خوب بدست آورد اگر بیند که گوشت کبک میخورد او را لباسی نو
حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند که گلوی کبکی را ببرید دلیل که دوشیزکی
کنیزکی خوب روی بستاند مغربی گوید کبک نر پسر باشد و کبک ماده زن
و کنیزک ناموافق اگر بیند که کبک ماده از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق
دهد یا کنیزک بگریزد جعفر صادق گوید دیدن کبک در خواب بر چهار وجه بود
اول پسر **دوم** دوست **سوم** آرامش **چهارم** کام دل و مراد **کبوتر**
ابن سیرین گوید کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک اگر بیند که کبوتر بگرفت زن
خواهد یا او را دختری آید اگر بیند که کبوتر بسیار بگرفت بعدد کبوتران
زن خواهد یا کنیزکان خرد اگر بیند که گوشت کبوتران میخورد دلیل که از مال
زنان فایده یابد اگر بیند که کبوتری را بزد و بیفکند دلیل که زنی را رها کند
سبب سخنی بد که بگوید اگر بیند که کبوتر بچگان را بگرفت دلیل که از زنان
منفعت یابد و بعضی از معبران گویند کبوتر بچه غم و اندوه بود از قبل زنان
که بوی رسد کرمانی گوید اگر بیند که کبوتر بسیار در خانه او بود دلیل که

اورا فرزندان بسیار حاصل شوند و بزرگ شوند و اورا مال بسیار از جهت زنان
حاصل شود مغربی گوید کبوتر بچه دلیل بر زنان آزاد بود اگر بیند که کبوتر بچه
کسان بحیلت بگرفت بقدر آن مال به مکر و حیلت حاصل کند اگر بیند که کبوتری
از هوا پیش وی آمد و مطیع او شد از جایی که امید ندارد منفعت بوی رسد
اگر بیند که کبوتری را طعام داد زنی را سخنی تلقین کند اگر بیند که کبوتران بی
قیاس بر وی جمع شدند و دانست که همه ملک اوست دلیل ریاست و سروری
بود و بهترین کبوتر که در خواب بیند سفید باشد یا سبز فام اگر خداوند
خواب زن بود شوهری کند یا دختری ازو و کبوتر بازی در خواب کار باطل
بود و کبوتر خانه در خواب کار ناحق و باطل و بعضی گویند کبوتر خانه در خواب
جای زنان اناث بود جعفر صادق گوید کبوتر در خواب بر پنج وجه بود
اول زن دوم کنیزک سوم مال چهارم نامهٔ غایب پنجم ریاست و معبران هر
کبوتری که در خواب بینند صد درم یابند کتاب خواندن ابن سیرین گوید اگر بیند
که در خواب تفسیر قران میخواند دلیل که در راه دین و زهد گراید و کارها بسته
بروی گشاده شود اگر بیند که کتاب موافقه میخواند از کارها ناکردنی باز ایستد
اگر بیند که کتاب اخبار میخواند دلیل که در راه دین بود پادشاه معجب
رای بود اگر بیند که کتاب اصول کلام میخواند بکاری مشغول شود و منفعتی
برنج حاصل کند اگر بیند که کتاب توحید میخواند بعملها مشغول شود که
در آن فایدهٔ دینی باشد اگر بیند که کتاب فضایل و تسبیح و تهلیل میخواند
دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود اگر بیند که سخن قصص میخواند
دلیل که بر قصه انبیا و اولیا حریص بود خواندن اگر بیند که قصه ملوک
میخواند مصحف قران خواند اگر بیند که کتاب نحو و ادب میخواند دلیل

بشغل دنیا مشغول گردد و خواهد که مردم او را شکر و ثنا گویند اگر بیند که
کتاب رسایل میخواند بصلاح و کدخدایی خود مشغول گردد اگر بیند که کتاب
طبایع میخواند دلیل که در طلب شناختن چیزها دانا و بینا گردد اگر بیند
که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح این جهانی و بر او حاصل شود اگر بیند
که کتاب شعر میخواند اگر غزل و نحو بود دلیل که بکاری مشغول شود که مردم
او را ملامت کنند و اگر شعر توحید بود نیک باشد اگر بیند که کتاب تفسیر
میخواند بحدیثی بزرگ بر مهتری منت نهد و از وی چیزی یابد اگر بیند که کتاب
هندسه میخواند بعملی مشغول شود که مردم او را دانا خوانند لیکن دین او را
سود ندارد اگر بیند که کتاب مساحت و مساحی میخواند دلیل که بسفر
رود و از آن سفر راحت یابد اگر بیند که حساب میخواند همواره اندوهگن
بود اگر بیند که کتاب افسانه و مضاحک میخواند کاری کند که از آن زشت
نام شود اگر بیند که کتاب عیب و هجا میخواند دلیل که غیبت مردمان کند
و در میان خلق بدنام شود کتان ابن سیرین گوید کتان در خواب مال
حلال باشد بقدر آنکه دیده باشد لیکن منفعت آن کمتر رسد باشد
چنانکه در حرف جیم بیان کرده ایم پوشیدن جامهٔ کتان در خواب مبارک
بود اگر بیند که تخم کتان میخورد مال از طعام حاصل کند جعفر صادق گوید
دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دوم منفعت سوم
ستر کتف در خواب دیدن آهستگی مرد بود و جمال و زینت وی ابن سیرین
گوید اگر کتف را درست و قوی بیند دلیل بر زیادتی جمال و زینت وی بود
اگر کتف را شکسته و ضعیف بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید
اگر کتف را درست و قوی بیند دلیل که امانت گزارد و اگر ضعیف بیند

دلیل که از امانت گزاردن باز ماند اگر بیند که بر کتفها او موی بسیار بود
دلیل که امانت و خون مردم در گردن او باشد و اگر کتف از موی پاک باشد
امانت در گردن او نباشد و بعضی معبران گویند اگر بر کتف موی داشت
از آنجا که خبر ندارد مال یابد **کتیرا** ابن سیرین گوید اگر بیند که کتیرا داشت
یا کسی بوی داد بقدر آن فضله از مال مردی بخیل فرومایه بوی رسد اگر بیند
که کتیرا میخورد دلیل که مال هزینه کند جعفر صادق گوید دیدن کتیرا در خواب
بر سه وجه بود اول فضله مال دوم نفع اندک سوم کار حقیر که از آن
اندک منفعت بخداوند خواب رسد ابن سیرین گوید دیدن **گچ** در خواب جنگ
و خصومت بود اگر بیند که گچ بخرید یا کسی بوی داد دلیل که در جنگ و خصومت
افتد اگر بیند که گچ بخرید یا بکسی داد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید
گچ در خواب سختی باشد در کارها و هر بنا که از گچ و آجر و آهک بیند
همه بد باشد که همه با آتش پخته اند اگر بیند که گچ میخورد بیم مرگ او باشد
کحال هر که بخواب کحال بیند دلیل بر صلاح کارها کند و شنه و راه نمودن
در کارها که در آن گمراه باشد کند اگر بیند که کحالی میکرد و داروی او
بچشمها نافع بود دلیل که خلق را براه صلاح خواند و گمراهان را از راه فساد
و مردم را از و منفعت حاصل شود مغربی گوید اگر بیند که کحالی میکرد دلیل
که دوستان که از هم جدا باشند جمع کند با هم و همچنان مردم صلاح جوید
اگر بیند که داروی وی نافع نبود تاویلش بخلاف این بود **گدایی کردن** ابن
سیرین گوید اگر بیند که گدایی میکرد و چیزی میخواست دلیل که خیر و نیکویی
بسیار کند و یابد خاصه مردم او را چیزی دهند کرمانی گوید اگر بیند که
از درها چیزی می خواست دلیل که او را منفعت بسیار بود از کاری که کند

و یا هر کس بندگانی با لطف کند و یکی مردم او را ملامت کنند اگر بیند که از
درها چیزی میخواست و ندادندش دلیل که کاری بر وی بسته گردد جعفر صادق
گوید گدایی در خواب بر چهار وجه بود اول خیرات دوم منفعت سوم
معیشت چهارم عز و جاه **کدو** ابن سیرین گوید اگر کدو بوقت خود در
خواب بیند که درخت کدو بود جاه و همتش افزون گردد و اگر بیمار بیند
شفا یابد اگر بیند بینا از آن شود اگر کافر بیند مسلمان شود اگر مسلمان بیند
سلامت بجان و مال خود رود اگر فاسق بیند توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که
کدو داشت از زنی پارسا چیزی و منفعت بیند اگر بیند که درخت کدو از بن
برکند از زنی متواضع منفعت یابد اگر بیند که کدو پخته میخورد حاجتش
روا شود و توفیق طاعت یابد مغربی گوید کدو در خواب بر سه وجه بود اول
عز و جاه دوم نعمت و مال سوم نظام کارها **کک** ابن سیرین گوید کک
در خواب مال و خواسته بود اگر بیند که بر تن وی کیک بسیار آمد و اندک
خارش میکرد و در کیک بسیار بود دلیل که مال بیرنج و سختی حاصل کند مغربی
گوید اگر بیند که کک داشت و جمله از تن وی فرو ریخت یا ناپدید شد دلیل
که مال جمع کرده تلف کند و بعضی معبران گویند اگر بیند که اندام وی تر و
سیاه بود مالی که جمع کند از حرام خورد **کنابنو** جانوریست و او در خواب
مردی بود که در میان مردم فساد اندازد ابن سیرین گوید اگر بیند که کنابنو را
بگرفت دلیل که مردی مفسد بخود نزدیک کند اگر بیند که کنابنو از وی
بگریخت از مفسد از وی بگریزد اگر بیند که کنابنو را بکشت از مفسد رهایش
پناه کند اگر بیند که گوشت کنابنو میخورد بقدر آن از مردی مفسد مال
حرام خورد **کوه** ابن سیرین گوید هر که در خواب مردی مفسد دزد بود اگر

بیند که کربه معروف بخانه او در آمد دلیل که دزدی معروف بخانه او در آید
اگر کربه مجهول بیند دزد بیگانه بود اگر بیند که کربه از خانه چیزی بخورد یا
ببرد دلیل که دزد از خانه او چیزی ببرد اگر بیند که کربه را بکشت دزد قهر کنند
کرمانی گوید اگر بیند که گوشت گربه بخورد و پوست او بستد دلیل که از مال دزد
بقدر آن او را حاصل شود اگر بیند که گربه جنگ کرد و گربه وی را بخراشید
دلیل که بیمار گردد و اگر گربه را قهر کرد از بیماری شفا یابد اگر بیند که گربه
وی را بگزید بیماری بر وی دراز کشد و بعضی از معبران گویند که گربه در تاویل
خادم بود دانیال گوید کس بنا شد که گربه در خواب بیند که بعد از
صحت شش روز بیمار گردد اگر بیند که گربه دوشید و شیر او بخورد
دلیل که اناث گوید و از آن خانه که اناثی یافته باشد زنی را بزنی خواهد
و اگر اناث بیند که شیر گربه خورد جنگ و خصومت با کسی افتد جعفر صادق
گوید دیدن گربه در خواب بر هفت وجه بود اول دزد دوم غماز
سوم خادم چهارم بیماری پنجم زنی منافق ششم حسود هفتم جنگ
و خصومت کرته جامه کوتاه باشد و از نام قرطق خوانند و پوشیدن
آن در خواب قوت و پناه و سفر بود ابن سیرین گوید اگر بیند که کرته سفید
پوشیده بود از غم وا رهد و فرح یابد و باشد که سفر کند اگر بیند که کرته
سبز پوشیده بود از مردی عالم پناه قوت یابد اگر کرته زرد بیند بیمار شود
اگر کبود بیند مصیبت رسد اگر سرخ بیند بشرف دنیا مشغول شود کرمانی
گوید اگر بیند که کرته وی ابریشمین بود از مردی بزرگوار شرف و بزرگی
یابد اما در دین ضعیف بود اگر بیند که کرته وی بسوخت یا ضایع شد
دلیل که پناه و قوتش نقصان بود جعفر صادق گوید پوشیدن کرته در

خواب بر چهار وجه بود اول قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام
کارها کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که گردن بر چیزی که ملک او بود نشست
بقدر آن او را مال حاصل شود اگر بیند که میان آسمان و زمین گردن جمع
شده بود دلیل که کاری پوشیده در آن موضع بود و ندانند که از آن کار
چگونه بیرون آید کرمانی گوید اگر بیند که روی او بر گردن شده بود دلیل
که او را رنج و عقوبت رسد و اگر گردن و خاک بر زمین بیند که ملک او بود
بقدر آن مال و خواسته یابد جعفر صادق گوید دیدن گردن در خواب بر سه
وجه بود اول مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت خون ناحق چهارم
دانیال گوید گردن در خواب جایگاه امانت بود و دین اگر بیند که گردن
او ستبر بود دلیل که او را قوت بود در امانت گزاردن و نگاه داشتن
صلاح دین اگر بیند که گردن وی کوتاه بود و ضعیف دلیل که عاجز بود
در امانت کردن و صلاح دین نگه داشتن اگر بیند که ماری در گردن وی
شده بود زکوة ندهد سیطوقون ما بخلوا به یوم القیامة اگر بر گردن خود
گرانی بیند یا آنکه چیزی بر گردن داشته باشد بیمار گردد و اگر باری بر گردن
خود بیند و هیچ رنج و گرانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین و عمر دراز
بود کرمانی گوید اگر بیند که گردن وی ستبر و قوی شده بود امانت
نیکو گزارد و کارش قوی گردد اگر گردن دراز بیند بار امانت در گردن
او بماند و از گواهی دادن باز ماند اگر گردن خود را کوتاه بیند این امانتها
از گردن وی زود بیفتد اگر گردن سیاه بیند در امانت خیانت کند
اگر گردن خود شکسته بیند از مراد خود باز ماند و درد بر وی ظلم افتد
زیرا که امانتی بزرگتر از امانت دین نبود اگر گردن خود را کج بیند در امانت

گردن

بیند در امانت خیانت کند. اگر بر گردن خود موی بیند دلیل که او
از جهت امانت گزاری وام افتد. اگر موی از گردن خود بسترد وامش
گزارده شود. و اگر گوشت از خود بریده بیند دلیل که مال کسی با وی بود
ضایع شود. اگر گردن خود کوتاه بیند اگر در پیش او امانت نهاده باشند
خیانت کند. مغربی گوید اگر بیند که گوشت گردن کسی بخورد تاویلش
بخلاف این بود. اگر بیند که در گردن کسی نشسته بود بر دشمن ظفر یابد.
جعفر صادق گوید دیدن گردن در خواب بر پنج وجه بود. **اول** امانت **دوم**
توانایی **سوم** خیانت **چهارم** وام **پنجم** بیماری. **گردن بند** ابن سیرین گوید اگر
بیند که گردن بند سفید از مروارید در گردن داشت دلیل که حق تعالی
علم کلام خود او را کرامت کند. هر چند جوهر گردن بند قیمتی تر بود علم و
دانش او بیشتر بود. کرمانی گوید اگر بیند که گردن بند وی از زر بود یا از
سیم مرصع بگوهرهای گرانمایه بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که
امانتی در گردن گیرد. و اگر گردن بند دراز باشد امانت تحمل خوار دارد
و اگر گردن بند کوتاه بیند تاویلش بخلاف این بود. و اگر گردن بند موافق بیند
نه دراز و نه کوتاه شرف و بزرگی و امانت موافق حال او بود. جابر مغربی
گوید اگر بیند که گردن بند بجواهر مرصع کرده بود یا مرصعینه در گردن داشت
دلیل که جاه و ولایت یابد. اگر بیند که گردن بندش دراز بود جاه و بزرگی
یابد. اگر کوتاه بود بخلاف این بود. اگر بیند که گردن بندها بسیار داشت
دلیل که در علوم بسیار کامل شود. جعفر صادق گوید دیدن گردن بند
در خواب بر شش وجه بود. **اول** حج گزاردن **دوم** ولایت **سوم**
جنگ و خصومت **چهارم** امانت **پنجم** معالجت **ششم** کنیزک روم

او گوید چون گردن بند زرین بود حج کند و ولایت یابد و چون سیمین بود
کنیزک باشد. **گردن زدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که وی را گردن زدند و
سر از تن جدا شد دلیل که اگر بنده بود آزاد شود و اگر بیمار بود شفا
یابد و اگر وام دارد وامش گزارده شود و اگر حج نگزارده باشد حج کند و اگر
غمگین بود شاد و ایمن شود و اگر ترس و بیم دارد ایمن شود و اگر کافر بود مسلمان
شود. و اگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا نشد بخلاف این بود. اگر
آنکس که او را میزد معروف بود از این خیرها که گفته شد از گردن زننده باو
رسد. اگر بیند که گردن زننده کودک و نابالغ بود اگر بیمار بود بمیرد. کرمانی
گوید اگر آنکس که گردن زدند توانگر و تن درست و آزاد بود دلیل که از حال
نیک بحال بد افتد و مال و نعمتش نماند و درویش و حیران گردد و سرانجام
هلاک شود. فی الجمله گردن زدن درویشان و خداوندان محنت نیکو بود اما
بر توانگران و خداوندان نعمت بد بود. **گرده** دانیال گوید گرده در خواب مال
نهان بود که بیابد و هزینه کند. اگر بیند که گرده پخته یا بریان کرده بسیار
داشت بقدر آن مال نهان کرده بیابد و هزینه کند. مغربی گوید خوردن
گرده چون جانوری بود که گوشت آن حلال باشد دلیل بر یافتن مال حلال و اگر
جانوری حرام بود مال حرام یابد. کرمانی گوید اگر بیند که گرده یافت مالی
نهان کرده بود. و بعضی معبران گویند گرده در خواب فرزند بود سبب
آنکه منی مایه فرزند بود و از او بوجود آید. اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که
گرده پخته داشت و میخورد بقدر آن از پادشاه مال یابد. اگر بیند که گرده
شتر میخورد از مردی بزرگوار مال یابد. اگر بیند که گرده گاو داشت او را در آن
سال مال و نعمت بسیار حاصل شود. اگر بیند که گرده گوسفند میخورد مال

حرام باشد اگر کردها بخورد دانچه گفتیم کمتر بود **گردون** ابن سیرین گوید اگر بیند
که بر گردون نشسته بود و گردون نیک می‌رفت دلیل که بزرگی و شرف یابد
اگر بیند که گردون بی‌گاو ایستاده بود و او بر گردون نشست دلیل که رنج
و سختی و بیماری افتد اگر بیند که پادشاه از گردون خود گردونی بوی داد
دلیل که از پادشاه بزرگی و منزلت یابد جعفر صادق گوید گردون دادن پادشاه
کسی را دلیل بر هشت وجه بود **اول** بزرگی و کار **دوم** عز و جاه **سوم** مرتبت
چهارم بزرگی **پنجم** هیبت **ششم** جزمی **هفتم** رفعت **هشتم** آسانی در کارها
گرسنگی ابن سیرین گوید گرسنگی در خواب بهتر از سیری بود و سیری از آب
بهتر از تشنگی باشد اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد
دلیل که حرص و آزش در مال دنیا کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که گرسنه
بود و بر انقدر گرسنگی معصیت و گناه بود مگر آنکه گرسنگی وی بسبب روزه
داشتن بود اگر بیند که گرسنه بود و چیزی بخورد و سیر شد دلیل که از گناه
و معصیت توبه کند اگر آنچه خورد بطعم شیرین و خوش بود دلیل که بر توبه
ثابت باشد اگر آنچه خورد ترش و ناخوش بود دلیل که توبه بشکند و بر سر
معصیت رود جعفر صادق گوید گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود **اول**
نصرت و نیکی **دوم** حرص و بیمار **سوم** معصیت و گناه **چهارم** طمع داشتن بمردم
کرسی ابن سیرین گوید کرسی بخواب علم است و از آن حوزه خبر و حشر و الحمد
که ایزد تعالی در کلام قدیم خود بیان فرموده **وسع کرسیه السموات والارض**
ابن عباس رضی الله عنه گوید وسع یعنی علمه و ابرهیم کرمانی گوید کرسی
احاطت و قدرت خدای تعالی است و بعضی از معبران گویند کرسی آن بود که عامل
و کامل باشد مغربی گوید تاویل کرسی امام شفیع بود یا زاهدی که تقوی بکمال

دارد یا پادشاهی عالم بهر کار دانا چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین
و صلاح و علما را نیک بود و بینندهٔ خواب را از سلطان عادل خیر و نیکی رسد و
مالش زیادت گردد جعفر صادق گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود **اول** عدل
دوم انصاف **سوم** عز و شرف **چهارم** مرتبت **پنجم** ولایت و بلندی **ششم** ٨٤
قدر و جاه اگر بیند که کسی در آسمان بر کرسی نشسته بود کار او بالا گیرد و قدر
و مرتبت و جاه یابد و بهمه مرادها برسد و در میان مردم عزیز و مکرم شود
و عدل و انصاف در میان خلق بسیار شود اما این کرسی که در دو ذکر کنند در
خواب زن باشد اگر بیند که کرسی یا کرسی نو برای بستند و بر وی نشست زن
خواهد و از آن زن مال و نعمت حاصل کند اگر بیند که بر کرسی نو نشست
دختری دوشیزه خواهد اگر بیند که در زیر کرسی نشست زن وی بمیرد اگر بیند
که کرسی وی کهنه و کوچک بود دلیل که زن وی درویش و حقیر و درمانده
بود اگر بیند که کرسی داشت و بر وی نشست دلیل که زنی بخانه آرد از بهر
خدمت کردن **کرفش** ابن سیرین گوید اگر بیند که کرفش بوقت خود بخورد دلیل
که غمگین و مستمند شود و بعضی از معبران گویند چیزی مکروه خورد اگر کرفش
بیند اما نخورد آنچه گفتیم کمتر بود جعفر صادق گوید خوردن کرفش در خواب
بر سه وجه بود **اول** غم و اندوه **دوم** مصیبت و گفت و گوی **سوم** خوردن
چیزی مکروه **کراث** بدانکه مرغی بود خجسته که کبوتری و ناویلان بزرگ کنند اگر
عرب بود زن خواهد و اگر بر کنیزک خرد اگر بیند که کراث از دست وی بپرید
دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک بگریزد اگر بیند که وی را بکشت و از
گوشت وی را بخورد بقدر آن میراث زن بستاند و هر چه کند جعفر صادق
گوید دیدن کراث در خواب بر سه وجه بود **اول** زن **دوم** کنیزک **سوم** خادم

که جوبیج خانه بدست وی بود **کرکس** ابن سیرین گوید کرکس مهتر مرغان
بود و قوی و تیزبین و دراز عمرتر بود از همه مرغان اگر بیند که کرکس داشت
از مردی بزرگ شرف و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند
اگر بیند که استخوان یا پر کرکس داشت یا از گوشت وی میخورد همین تاویل
دارد اگر بیند که کرکس ویرا برگرفت و بهوا برد تا نزدیک آسمان دلیل که سفری
دور و دراز کند و از آن سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دیر زوی بنیاد
بود بسبب آنک عمر و ذکر کرکس با آسمان برسند اگر بیند که کرکس اورا بهوا در زمین
برافکند یا خود از چنگال کرکس بزیر افتاد دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد
و کارش تمام نشود اگر بیند که کرکس ورا باسمان برد و آنجا مقیم ماند دران
سفر بمیرد و اگر مقام نشناخت و باز بزمین آمد دلیل که دران سفر از پادشاهی بزرگی
یابد اگر بیننده نه اهل پادشاه بود از خویشان خود مهتری و بزرگی یابد کرمانی گوید
کرکس و چنگال دیدن در خواب فرشته بود زیرا که فرشتگان حملة العرش بصورت
کرکسان اند اگر بیند که کرکسی بالا سر وی شکال میکرد بیننده خواب بازرگانی
کند اگر بیند که با کرکس جنگ میکرد و بر وی غالب می شد دلیل که بمردی بزرگ
خصومت کند و بر وی غالب شود اگر بخلاف این بیند دشمن ویرا قهر کند
اگر بخواب بچه کرکس بیند اگر زن دارد دختر آید و اگر ندارد دختری دوشیزه
بزنی خواهد اگر دید که کرکس بروی نشسته بود دلیل که ویرا بردار کنند دانیال
گوید اگر بیند که کرکس بکوچه فرود آمد بهمان کوچه پادشاهی فرود آید اگر بیند
که مردم آن کوچه با کرکس بکشتند پادشاه آن دیار آن مملکت معزول کردند یا
هلاک شود اگر بیند که کرکس چیزی از دهان بیرون آورد و بدو داد نقد از پادشاه
عطا یابد جعفر صادق گوید دیدن کرکس در خواب بر شش وجه بود **اول** بزرگی

و نهان توانایی **دوم** ریاست **سوم** ثنا و ستایش **چهارم** مرتبت **پنجم** امر و نهی
ششم **کرک** ابن سیرین گوید کرک در خواب پادشاه دروغ زن و ستمگر بود اگر بیند
که با کرک جنگ و نبرد میکرد دلیل که با پادشاهی یا با کسی که دشمن بود مخاصمت
کند اگر بیند که شیر کرک میخورد سختی عظیم بوی رسد یا کاری از وی فاسد شود
اگر بیند که گوشت کرک میخورد دلیل که از پادشاهی ستمگر بقدر آن مال یابد کرمانی
گوید اگر بیند که کرکی بکشت دلیل که از اهل اسلام روی بگرداند و در روی حیز
باشد و بعضی گویند دشمن را قهر کند اگر بیند که سر کرک یافت یا کسی بوی داد
دلیل که بزرگی و ولایت یابد بقدر آن اگر بیند که پوست کرک یا استخوان وی
یافت از پادشاه مضرت رسد اگر بیند که کرک در خانه وی بدرآمد و زیانی آنجا
دلیل که از پادشاه زیان رسد و بعضی گویند اگر کرک در خانه وی درآمد اگر
بیند که کرک زیان نکرد دلیل که پادشاه بمهمانی او آید معزی گوید اگر بیند که
کرک بدست او خفته بود دلیل که پادشاه قصد جان وی کند اگر بیند که
کرک در بستر وی گمیز کرد پادشاه با عیال او فساد کند جعفر صادق گوید
کرک در خواب بر سه وجه بود **اول** پادشاه ظالم **دوم** مرد دزد دروغ زن
سوم مردی ضعیف و مخالف چون کرک ماده بیند **کرمابه** ابن سیرین گوید عمارت
کرمابه در خواب غم و اندوه بود و خویشتن [illegible] بشستن شادی و خرمی بود
و آب آن گرم سنگ بود و آب سخت گرم بد باشد اگر بیند که بکرمابه رفت و غسل
کرد و خود را پاک بشست دلیل که از رنج و فکر رستگاری یابد اگر بیند که در
کرمابه رفت و خود را نشست دلیل غم و اندوه بود که بدل او رسد سبب زنان
کرمانی گوید اگر بیند که در کرمابه رفت و آهک بر خود مالید و خود را پاک بشست
دلیل که اگر ترسی دارد ایمن شود اگر غمگین بود شاد شود و اگر بیمار بود شفا یابد

اگر وام دارد وام گزارده شود اگر توانگر بود از این چیزها که گفتیم خالی ماند
و نیز مالش نقصان شود اگر بیند که اهل بخود مالید و نشست دلیل که کارش تمام
نکرده معزول گویند اگر بیند که در گرمابه شد و دست و روی با سر و تن بشست و
بیرون آمد دلیل که از رنج و غم بیرون آید اگر بیند که در کوچه یا خانه وی گرمابه
بود دلیل که در آن مقام برنج دوستی بدید آید اگر بیند که بگرمابه شد و پای آن
بشست محتاج بود دلیل که غمگین و وام دار شود اگر بخواب بیند که در گرمابه
در جامه وی ببرد و او برهنه بماند دلیل که بسبب کاری غمگین و رسوا شود
جعفر صادق گوید دیدن گرمابه در خواب بر شش وجه بود اول زن دوم
غم و اندوه سوم دین چهارم نابکاری پنجم دوست ششم وام و گرمابان
در تاویل قیم زن باشد و بعضی از معبران گویند کدخدای خانه بود کرمانی گوید
گوید اگر بیند که گرمابه بانی میکرد اگر مرد بود محتشم زنی خواهد و بشغلهای زن
مشغول شود اگر خداوند خواب زن بود شوهری بدین صفت کند

کرمان

ابن سیرین گوید اگر بیند که کرمان بسیار در شکم وی جمع شدند و طعام در شکم
وی بخوردند دلیل که عیالان وی باشند که از مالش خورند اگر بیند که کرمان
تنش بخوردند دلیل که عیالان وی از مال دیگری خورند اگر بیند که کرمان
از تنش می افتادند و [illegible] جامه وی بسیار کرمان بودند دلیل که مال و
حشمت و عیال بسیار او را حاصل شود اگر بیند که کرمان از تن خود بر زمین
می افکند دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و تیمارشان ندارد کرمانی
گوید اگر بیند که بعضی از اندامها او کرمان بخوردند دلیل که عیال بعضی از مال او
بخورند اگر بیند که از خوردن کرمان تن او را مضرت می رسید دلیل که عیالان
وی از رنج و مضرت رسد اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن یا از مقعد
او کرمان بیرون می آمدند بقدر آن مال او عیالش زیادت گردد اگر بیند که کرمان
از تن وی می افتادند و می مردند عیالان وی هلاک شوند یا از وی جدا شوند
اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانه و غیر آن بیرون می آمدند بقدر آن مال و
خدم و حشم حاصل کند جعفر صادق گوید دیدن کرمان در خواب بر تن خود
بر سه وجه بود اول عیالان دوم حشم و خدم سوم مال و خواسته

گره

ابن سیرین گوید اگر بیند که بر ریسمان گره افکند دلیل که کاری که از دور بود
تکیه کند اگر بیند که از ریسمان گره باز گشود دلیل که بر آن کار اعتماد نکند
اگر بیند که چیزی را محکم ببست و دلیل که در آن کاری در آن شغل و آن چیز بسته
بماند چنانک گشودن بروی نتوانند اگر آن چیز تعلق بدین می دارد و اگر بدنیا
کرمانی گوید بستن گره دلیل بر بستگی کارها کند و هر چند گره سخت تر بستگی
کار وی دشوارتر بود اگر بیند که گره گشودن نتوانست دلیل که کار وی بسته
بماند

گرو

ابن سیرین گوید اگر بیند که او در جایی بگرو است یا تن خود را بچیزی
گرو نهاده است دلیل که بر تن خود می ترسد از بسیاری گناهان که کرده است
اگر بیند که عیال یا فرزند خود بکسی گرو کرده است دلیل که بروی بیداد و ستم کنند اگر
بیند که کسی خود را پیش وی بگرو نهاد دلیل که آنکس مظلوم بود و باشد که کسی
ظلم بروی کند کرمانی گوید اگر بیند که خود را بگرو کرد دلیل بر فساد دین وی
بود

گرانش یا کشتن رهینة

اگر بیند که چیزی از متاع دنیاش کسی گرو
کرد دلیل که از بهر متاعی با کسی گفت و گوی کند و از آنکس مضرت رسد

کزوبر

ابن سیرین گوید اگر بیند که کزوبر داشت دلیل که غمگین و متفکر شود اگر بیند که
کزوبر میخورد با کسی جنگ و خصومت کند و اندوهی بوی رسد زیرا که بطعم
تلخ و ناخوش است و در تاویل هر چه تلخ و ناخوش بود غم و اندوه رسد

کنجاق

گره کرد

ابن سیرین گوید گریختن در خواب رستگاری بود اگر بیند که از دشمن یا از جانوری
گریختی می گریخت از شر دشمن رستگاری یابد و بر دشمن مظفر شود زیرا که موسی
علیه السلم بخواب دید که از فرعون میگریخت پس از آن از شر فرعون رستگار
شد و سر انجام بروی ظفر یافت کرمانی گوید اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت
چنانک دشمن او را ندید از شر دشمن ایمن شود و عاقبت بروی مظفر گردد و
اگر بیند که از دشمن معاینه میگریخت چنانک دشمن او را می دید غمگین و متفکر
شود مغربی گوید اگر بیند که از مردان میگریخت دلیل که او را از بزرگی بهی
رسد یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت اگر بیند که مردان از زنان
گریختند اگر زنان مصلح و پارسا باشند بد باشد و اگر مفسد بود نیک باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید گریستن در خواب شادی بود چنانک و بانگ
و فریاد ندارد و زاری و نوحه نکند اگر بانگ و نوحه کند مصیبت و اندوه دارد
موضع گریستن اگر بیند که از گریستن روی نشانی دلیل که بر کردار بد
بینک او طعنه زنند کرمانی گوید گریستن در خواب شادی بود و از مرضش
از خدای تعالی اگر در خواب بر گناه گریست یا در مجلس علم یا قرآن خواندن
و ابجه بدین ماند کرم حق تعالی باشد که بفضل وجود بروی رحمت کند
و گناهان وی عفو کند اگر بیند که میگریست و اشک از چشم وی می
امد دلیل که زیانش رسد اگر بیند که بجای اشک خون می ریخت دلیل که کاری
گذشته از ناکردن آن حسرت و ندامت خورد و توبه کند اگر بیند که مانی بهر
معصیتی که کرده باشد می گریست بی نوحه و زاری دلیل که وی را خرمی و شادی
باشد جعفر صادق گوید اگر بیند که در خواب بگریست و بعد از آن بخندید
دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد وانه هو اضحك وابكى وانه هو امات واحيا

کری در خواب درویشی و بدحالی بود و فرو بستگی کارها ابن سیرین گوید
بخواب تباهی دین بود و غم و اندوه و کارها که بروی بسته گردد و مراد دنیا
بر نیاید لقوله تعالی صم بكم عمى فهم لا يرجعون کرمانی گوید کری بخواب
دلیل بر بی نوایی و بستگی کارها کند اگر بیند که گوش وی شنوا شد دلیل که
که کار بسته بروی گشاده شود و مراد کام دل برسد و از رحمت حق تعالی
نصیب یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کری در خواب بر چهار وجه بود
اول درویشی دوم تباهی دین سوم غم و اندوه چهارم بستگی کارها و بی
مرادی گز مردم منافق بی خبر بود که خصومت کند و بعضی از معبران
گفته اند دیدن گز در خواب فتنه و مصیبت بود گزانگبین ابن سیرین گوید
گزانگبین در خواب روزی حلال بود که بی منت خلق بدو رسد وانزلنا
علیهم المن والسلوی اگر بیند که گزانگبین داشت و بکس نداد دلیل که مالی
حلال بوی رسد و چیزی از آن نه بیند و بکس نرساند و اگر خلاف این بیند
از آن مال اجر و راحت بوی رسد گزاکند ابن سیرین گوید اگر بیند که گزاکندی
پوشیده بود دلیل که زنی بخواهد و بر دشمنان چیره گردد اگر این خواب زنی
بیند دلیل که شوهر کند و از آن شوهر خیر و منفعت بیند مغربی گوید اگر بیند
که گزاکندی نو پوشیده بود دلیل که زنی توانگر پارسا بزنی کند اگر بیند که گزاکندی
سبز پوشیده بود دلیل که آن زن مصلح و دین دار باشد و اگر گزاکندی سرخ بود
زنی معاشر و طرب دوست بود اگر بیند که گزاکند زرد پوشیده بود دلیل که
زن بیمار گون باشد اگر بیند که گزاکند سیاه بود و پوشنده قاضی یا خطیب
بود نیک باشد و الا بد باشد و اگر گزاکند کبود بیند دلیل که آن زن خنثی و بد
مصیبت باشد و اگر گزاکند کهنه و دریده بیند آن زن پلید و بدخو باکاری

کژدم ابن سیرین گوید کژدم در خواب دشمن ضعیف بود که مردم می
رنجاند و دوست و دشمن نزد او یکسان بود اگر بیند که کژدم وی را بگزید دلیل که
دلیل که دشمن وی را سخن سخت گوید که از آن رنجور دل شود اگر بیند که کژدم را
بکشت بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که بعد از کشتن کژدم آن کژدم زنده شد
و دیگر بار قصد او کرد دلیل که بعد از آن که بر دشمن ظفر یافت دشمن دیگر بار
قصد وی کند اگر بیند که در دست او کژدم بود دلیل که او مردی بود که از
پس مردم بد گوید و مردم را در یکدیگر اندازد و فتنه انگیزد اگر بیند که کژدم
پخته یا بریان کرده می خورد دلیل که بر قدر آن مال دشمن خورد و اگر بیند که
کژدم را در دهان نهاد و بخورد دلیل که دشمن در خانه دارد و با وی مجالست
و صحبت و حرکت کند اگر بیند که کژدم در درون جامه داشت بیم با وی جنگ کند
معبری گوید اگر بیند که از کژدم همی ترسید و کژدم وی را نگزید دلیل که از دشمن
گزند نیابد و بعضی از معبران گویند با زن مجامعت نتواند کرد اگر بیند که
کژدمی در پیرهن وی بود دلیل که از دشمن دین وی را مضرت رسد اگر بیند که
اگر بیند که در شلوار وی کژدم بود دشمن با عیال وی فساد کند یا کنیزک
وی جعفر صادق گوید کژدم در خواب بر سه وجه بود اول دشمن دوم
حاسد سوم سخن چین کژدم هوار چیزیست که در خوزستان میان آب باشد
و دم در زمین میکشند و چون کس زخم وی یافت در حال هلاک شود
کرمانی گوید دیدن آن در خواب دشمن باشد با خرد و حلیم و آرامیده و فروتن
و سخن و درشتی صعب بود اگر بیند که کژدم خوارده وی را بگزید دلیل
که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بدو رسد اگر بیند که او را بکشت
دلیل که دشمنی قوی هلاک کند اگر بیند که وی را کژدم نرسید از شر دشمن

ایمن شود اگر بیند که چیزی مانند کژدم خوارده بود و آن وی را نرسید دلیل
که از کسی اندیشه دشمنی دارد و آنکس نه دشمن بود گزر ابن سیرین گوید گزر
در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که گزر بستد و بخورد اندوه بسیار بدو رسد
معبری گوید گزر که نه پخته بود غم و اندوه بود و اگر پخته بود غم و اندوه
کمتر بود و گزر که با گوشت پخته بود مشقت بود که رنج بدو رسد و بعضی از
معبران گویند خوردن گزر در خواب بیماری بود و اگر گزر بریان بود بهم نیک
باشد بهتر آن بود که با گوشت و بریخته بود گزیدن ابن سیرین گوید اگر بیند
که کسی وی را بگزید دلیل که مهر و هوای آنکس در دل او زیادت شود اگر بیند
که کسی با خشم و کینه گزید بقدر آن از وی زیان رسد معبری گوید اگر بیند که
خوکی وی را بگزید دلیل که از بخت کارش مختل باشد اگر بیند که اشتر
وی را بگزید از سفر وی را رنج و زیان رسد اگر بیند که او را گاوی گزید در آن
سال مضرت بیند و بدانکه گزیدن جمله ددگان و گزندگان در خواب دلیل
بر دشمن بود جعفر صادق گوید گزیدن در خواب بر چهار وجه بود اول
مضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم نقصان عز و مال کشتی
ابن سیرین گوید اگر بیند که با کسی کشتی میگرفت و آنکس را بشکست دلیل
که حال وی نیکو شود و بر آنکس غالب گردد اگر بیند که بیفتاد تا وی را علات
این بود اگر بیند که هر دو قایم بودند دلیل که احوال هر دو و هر چیز و شر
میانه باشد و با یکدیگر رنج و گزند نرسانند اگر چه در دست ایشان جنگ
و خصومت باشد اما حیان بظاهر باشند که ایشان را با اهل دوستی است
کشتی ابن سیرین گوید خوردن کشتی در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که
کشتی بوی دادند و بخورد از آنکه عنا ... و هلاک شود معبری گوید

کشتی در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که کشتی بری داذند و بخورد اگر غمناک و
اندوه گن شد و خوردن از مضرت و خصومت بسیار **کشت ورزد** ابن سیرین
گوید کشت ورز توکل باشد بخدای تعالی و روزی حلال طلب کردن و نیز مردی
فاضل نیک محض باشد اگر بیند که از بهر تخم کشتن زمین می شکافت دلیل که
خیرات و صدقات کند و استاذان این صنعت رحمهم الله تعالی گویند
اگر کسی بیند که کشاورزی میکرد دلیل بر بیماری ولی بود کرمانی گوید
اگر بیند که زمین را می شکافت و تخم می انداخت و بارش جمع میکرد دلیل
بزرگی و مال و نعمت باشد اگر بیند که کشته برد و بارش بخورد اناج گفتیم
بهتر و نیکوتر بود اگر بیند که از کشت چیزی حاصل نشد و ندانند که بارش
چگونه است دلیل بر غم و اندیشه بود اگر بیند که گندم را می کشت دلیل که
از پادشاه خیر و نیکی بوی رسد اگر بیند که جو می کشت دلیل که وی را مال بسیار
حاصل شود اگر بیند که گاورس می کشت مال اندک یابد دانیال گوید اگر بیند
که در زمین خود تخم میکشت دلیل که زن خواهد و کارش ساخته گردد
اگر بازرگانی زمین خود نا کشته بیند دلیل که زیان بیند یا با کسی خصومت
کند اگر بیند که بجای مجهول زمین را می شکافت و تخم می کشت دلیل بر غزا
و خیرات و صدقات بود اگر ملک بخود کشته بر آمده بیند نعمت روی فراخ
گردد اگر بیند که جو یا گندم را در یخت در زمین خود کشت دلیل عز و جاه بود
بقدر آن که کشته باشد جعفر صادق گوید کشاورزی در خواب بر پنج وجه
بود **اول** روزی حلال طلبیدن **دوم** خیر و منفعت **سوم** بیماری **چهارم**
عز و جاه **پنجم** معیشت **کشته زار** ابن سیرین گوید کشته رسته چون معروف
بود و جایش معروف بوقت خود دلیل بر و زهدان مرد بود اگر بیند که کشته

درود دلیل که مردم در جنگ کشته شوند دانیال گوید اگر بیند که در کشته زاری
معروف دلیل که عملی کند که در دین و دنیا نیکو باشد اگر بیند که کشت کرد و درود
و در خرمن خود نهاد دلیل که امذی گذارد بیابد اگر بیند که میان کشت زاری
می رفت دلیل که با غازیان بغزا رود مغربی گوید کشت و درود بخواب دلیل بر
حرب و خصومت کند و بعضی از معبران گویند اگر بیند که در میان کشت می
رفت و کشته هنوز سبز نبود و می درود دلیل که مصاف میان روذ اگر بیند که
آتش میان کشته زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آن دیار قحط
پیدا شود اگر بیند که کشته نان خود را آب می داد دلیل که کاری از دست او برآید
که دنیا را و عقبی را منفعت دهد اگر بیند که آتشی برآمد و کشته وی همه
بسوخت دلیل که وی را از پادشاه مضرت رسد اگر بیند که در میان کشته
زاری روذی بیرون می آمد دلیل که در آن موضع قحط و تنگی بود اگر بیند
که از خوشها که کشت دانها بر زمین می ریخت دلیل که بقدر آن خداوند کشت
زیان رسد اگر نداند که آن موضع از آن کیست زیان خداوند خواب بود
نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم و اگر در وقت خویش کشته زاری سبز بیند
دلیل بر فراخی نعمت آن دیار بود اگر اناج گفتیم ملک خود بیند حاجتش روا
گردد و بمقصود رسد اگر بوقت خویش کشت را بدرود و خوشه بخانه
برد دلیل بر مصیبت کند اگر بیند که در میان کشته زاری می رفت
دلیل که با یاران در مصاف و غزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
کشت و درود و خوشه رسیده در خواب بوقت خود دلیل بر نیکوی
و منفعت کند و چون سبز و نارسیده بود دلیل بر وبا و بیماری بود اسمعیل
اشعث گوید کشت و درود بوقت خویش دلیل که امر خوشحالی بجای

بجای آورده توفیق یابد از خدای تعالی تا بدر و بیشان خیر و صدقه کنند قوله تعالی
وآتوا حقه یوم حصاده واگر آن چیز که می درود بد می روید دلیل که عاقبت کارش
محمود باشد کشتن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سرش را
ببریده از وی بدانکس خیر و نیکی رسد و معبران گویند کشنده بر کشته بیداد
و ظلم اندیشد اگر بیند که وی را بکشتند عمرش دراز بود کرمانی گوید اگر بیند
که کسی وی را بکشت خیر و منفعت بیند اگر بیند که گروهی وی را بظلم بکشتند از
سلطان وی را اجر و منفعت رسد ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه
سلطانا فلا یسرف فی القتل اگر بیند که کسی وی را بظلم بکشت دلیل که عاصی
و ظالم باشد که خدای تعالی بر گمارد تا وی را برنجاند قوله تعالی ثم بغی
علیه لینصرنه الله مغربی گوید اگر بیند که فرزند خود را بکشت دلیل که روزی
حلال یابد ولا تقتلوا اولادکم خشیة املاق نحن نرزقکم وایاهم و بعضی از
معبران گویند ستم بر فرزند کردن در خواب بهر مال عرض دنیا باشد اگر بیند که
کسی را بکشت و خون از تن وی روان شد دلیل که بر قدر آن مال یابد اگر
تن خود را بیند که بخون آلوده شد از مال خود چیزی بر مقتول دهد
اگر بیند که خون روان شد دیر کشیده بود جعفر صادق گوید اگر بیند
ستوری یا چیزی از حشرات بکشت بدانکه کشنده مخور خوار بود و کشتن
در خواب دیدن مردم غدار پیداکار باشد کشتی دانیال گوید کشتی در
خواب غم و اندیشه باشد یا زندان یا کاری که از آن رنج و بلا بدو
رسد خاصه که از کشتی بیرون نیاید یا کشتی در میان دریا فرو ماند ابن
سیرین گوید اگر بیند که در میان کشتی بود و بسلامت بیرون آمد دلیل که از
رنج و غم برهد قوله تعالی فانجیناه ومن معه فی الفلک اگر بیند که بدریا

در کشتی هلاک شد بدست قومی هلاک شود اگر بیند که کشتی وی
بر زمین خشک بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و رستگاری دیر
دهد اگر بیند که کشتی غرق شد و او بسلامت بماند دلیل که مالش تلف شود
و او بسلامت بماند اگر بیند که کشتی بشکست و جمله غرق شدند دلیل که
مصیبتی عظیم بدو رسد اگر بیند که کشتی بجای بلند نشسته بود و کشتی در
میانه دریا میرفت دلیل که او را از پادشاهان و بزرگان فتوحی و منزلتی پیدا شود
اگر بیند که در میانه دریا کشتیها می گشت دلیل که بسفر شود قوله وله الجوار
المنشآت فی البحر اگر بیند که کشتیها ایستاده بود در سفر دیر بماند بلکه
در آن سفر مقیم گردد اگر بیند که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد
و کشتی خوش میرفت دلیل که از غم و اندوه فرج یابد اگر بیند که کشتی را میان
و از همه جانب کشتی موج می آمد دلیل که وی را غمی سخت پیش آید که بیم هلاک
وی باشد وجاءهم الموج من کل مکان و اگر بیند که کشتی از پیش وی برفت
و او نتوانست بدان کشتی رسیدن دلیل که در کاری دشواری کند و عاقبت
خلاص یابد فانجیناه واصحاب السفینة و اگر بیند که در پهلوی کشتی در دریا رفت
دلیل که در سفر بود و منفعت بسیار یابد ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا
من فضله و اگر بیند که در میان دریا کشتیها نهی می رفتند دلیل که پاد
از دیار رسولان بجای فرستد اگر بیند که کشتیها غرق شدند دلیل که رسولان
باز دارد مغربی گوید اگر بیند که کشتی وی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی ملک
وی بود دلیل که وی را بیم هلاک بود اگر کشتی ملک وی نبود وی را از هلاک
بیم نباشد و اگر بیند که بر کشتی نشسته بود و از دریا می ترسید دلیل که
پیش پادشاه مقرب شود بقدر بزرگی کشتی منفعت یابد اگر بیند که در

شاهان

ایمن نشسته بود و برا از پادشاه بیم باشد اگر بیند که در دریا کشتیها ایستاده
بود بجامها ملون دلیل که مقرب پادشاه شود اگر بیند که کسی بقعر دریا
فرو شد دلیل وی را فوتی عظیم باشد از پادشاه اگر کشتی نمی رفت تاویلش
بخلاف این بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته
بود و کشتی نمی رفت دلیل که غم و اندوه زیادت شود اگر بیند که کشتی
در آب روان بود دلیل که بسفر رود و بازآید اگر کشتی خود را در خشک
ایستاده بیند دلیل که در کاری درماند اگر بیند که تختها کشتی باد ببرد دلیل
که مال او را پیش پادشاه برند حافظ معبر گوید اگر بیند که در کشتی نشسته بود
دلیل که در کار پادشاه مشتغل گردد جعفر صادق گوید دیدن کشتی در خواب
بر هشت وجه بود اول فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم [illegible]
هفتم عیش هشتم توانگری کشف سنگ پشت گویند و بپشتا بر در خواب
دیدن آن دلیل که مردی زاهد عالم باشد و از صحبتا و منفعت رسد اگر بیند
که کشف داشت یا بجای وی دارند دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد اگر
بیند که گوشت کشف میخورد بقدر آن از علم حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که کشفی
در سر کوی دلی بیافت دلیل که بصحبت مردی عالم رسد اگر بیند که کشفی در
مسجد یا جای عزیز بیافت دلیل که زاهد شود و بنزدیک بزرگان و علما او را
حرمت دارند جعفر صادق گوید دیدن کشف در خواب بر سه وجه بود اول
مردی زاهد دوم عالم سوم مردی ضایع در کارها کشکاب ابن سیرین گوید
اگر بیند که در کشکاب عناب و بنفشه با شکر بود و میخورد از بیماری رهد
شفا یابد اگر بیند که کشکاب نمی توانست خوردن تاویلش بخلاف این بود کشمش
ابن سیرین گوید کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند اگر بیند که کشمش داشت

یا کسی بوی داد و بخورد بقدر آن خیر و منفعت یابد اگر بیند که کسی کشمش داد
بقدر آن منفعت بوی رساند اگر آب کشمش جدا میکرد و میخورد اگر عالم بود علمش
زیادت شود و اگر بازرگان بود مالش زیادت شود کرمانی گوید اگر بیند که بخروار
کشمش داشت اگر عالم بود دلیل بر زیادتی علم کند و اگر پیشه کار بود مال تمام
از پیشه حاصل کند جعفر صادق گوید کشمش در خواب بر سه وجه بود اول
منفعت دوم مال حلال سوم کسب کشنیز ابن سیرین گوید کشنیز در خواب
غم و اندوه بود اگر بیند که کشنیز داشت و بخورد بقدر آن غم و اندوه خورد
ابن سیرین گوید کعب در خواب دیدن بناء و بنا مقام بود اگر بیند که بسیار کعب
داشت بقدر آن غم و اندوه رسد اگر بیند که کعب پای وی بشکست دلیل فرزندش
میرد یا غمی بوی رسد و بنا و بناء منازعت بود و کعبتین مکر و حیلت و خصومت
باشد جابر مغربی گوید بازی کردن بکعب و کعبتین دلیل بود بر دشمن حقیر
و حیلت و خصومت جعفر صادق گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود اول
مقام دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم گفت و گوی و کواعب اترابا
وکاسا دهاقا : و اگر کعب جانوری بود که گوشت وی حلال باشد دلیل بر مال
حلال و اگر حرام بود دلیل بر مال حرام بود کعبه ابن سیرین گوید کعبه در
خواب دیدن خلیفه بود و هر کس که کعبه قبله وی بود هر زیادت و نقصان
که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود اگر بیند که کعبه طواف میکرد دلیل بود
بر صلاح دین و از خلیفه راحت یابد اگر بیند که احرام گرفته بود و روی
بکعبه داشت و لبیک می زد دلیل بر زیادتی صلاح وی بود اگر بیند که
سرای وی کعبه شده بود و مردم زیارت میکردند دلیل که مردم را امانت
کنند و حرمت و منزلت یابد جابر مغربی گوید اگر پادشاه بیند که بکعبه میرفت

دلیل که از خلیفه بزرگی یابد اگر بیند که کعبه بیفتاد یا باتش بسوخت احوال
خلیفه بد گردد اگر بیند که از خلیفه چیزی برگرفت دلیل که او را از خلیفه فایده
رسد اگر بیند که در کعبه نماز میکرد از خلفا کارش نیکو شود کرمانی گوید اصل
کعبه ایمان و مسلمانی بود اگر خود را در کعبه بیند از شر دشمن ایمن شود و
دعاش مستجاب گردد و من دخله کان آمنا اگر بیند که روی بحجر الاسود
نهاده بود و بوسه میداد دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بزیارت قبر رسول الله
صلی الله علیه و علی آله و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دلیل که بحج
رود و بسلامت باز آید اگر بیند که در بام کعبه بود دلیل که بد مذهب بود
جعفر صادق گوید دیدن کعبه در خواب بر چهار وجه بود اول خلیفه
دوم امام سوم ایمان و مسلمانی چهارم ایمنی از بیم کفتار ابن سیرین گوید
کفتار در خواب زن زشت پلید بدکردار باشد اگر بیند که کفتار بسته بود
زنی زشت پلید خواهد اگر بیند که گوشت کفتار میخورد دلیل که زنی بر
وی جادویی کند کرمانی گوید اگر بیند که شیر کفتار میخورد یا استخوان
و پوست وی چیزی داشت دلیل که از زن فایده بیند مغربی گوید اگر بیند که
کفتار با وی سخن گفت دلیل که زنی با وی رازنانی کند جعفر صادق گوید
دیدن کفتار در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین گوید کفچه در خواب
کارفرمای خانه بود اگر بیند که کفچه نو با کنیزی داشت دلیل که خادمهٔ خانه
او پارسا باشد اگر بیند که کفچهٔ کهن و شکسته بود ناولش بجای آن بود
مغربی گوید اگر بیند که کفچه بشکست خادمه خانه بیمار شود اگر ضایع شد
یا بسوخت خادمه بمیرد کفچلیز اسطام نیز گویند و دیدنش در خواب
چون پادشاه بیند مردی بود دلیر در کار ملوک و سلاطین و چون قاضی بیند

نایب وی باشد و هر کس که این دو بیند دلیل بر خدمتکار خانه و اهل
وی باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که کفچهٔ آتش دان داشت دلیل که وی را خدمتکار
خانه حاصل شود اگر بیند که اسطام بشکست یا ضایع شد چند خدمتکار بمیرد
یا بزرگی برود کفش ابن سیرین گوید کفش در خواب زن بود اگر بیند که کفش
نو داشت و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد اگر کفش کسی دیگر
در پای کرد دلیل که زنی بیوه بخواهد اگر آن کفش سیاه بود دلیل که آن زن که
خواهد توانگر بود و اگر کفش سبز بود زن که بخواهد ستیره بود اگر سرخ بود زن
معاشر و لهو دوست بود و اگر کفش سپید بیند زن خوب روی خواهد کرمانی گوید
اگر کفش از پوست گاو و گوسپند بود زن با اصل باشد و اگر از پوست ددی بود که
اصل او از عرب بود اگر بیند که در هنگام رفتن یک کفش از پای وی بیفتاد و
ضایع شد دلیل بر غم و اندوه و بی حرمتی بود اگر بیند که کفش در پای وی تنگ
بود دلیل که زن وی سیاه کار بود و نیز گویند کفش کهنه بهتر از کفش نو بود
جعفر صادق گوید دیدن کفش در خواب بر هفت وجه بود اول یکی زن
دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم
سفر و کفشگر در خواب مردی بود که قسمت میراثها کند کف
ابن سیرین گوید اگر بیند که چیزی در کف داشت بقدر آن چیزی بوی رسد اگر بیند
که کف دستها بر هم می سود دلیل که از خویشان جدا شود اگر بیند که در میان
کوهی کفها بر هم می سود دلیل که اجماع و سخی و شادی بود اگر بیند که کفها او
خسته یا ریش بود دلیل که از سفر و بخوریا باز ماند اگر بیند که کفها او گشاده
و قوی بود دلیل بر فراخ دستی بود اگر حال افراین بیند شک دستی و نامرادی
باشد جعفر صادق گوید دیدن کف دست در خواب بر شش وجه بود اول

فراخ دستی دوم مال سوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلبری ششم با زن
حرام در شدن کف دریا ابن سیرین گوید کف دریا بخواب منفعت بود از پادشاه
یا مردی بزرگوار کفن ابن سیرین گوید اگر بیند که کفن از بهر مرده یا زنده می‌ساخت
اگر آنکس معروف بود رنجی از وی بوی رسد اگر بیند که کفن مرده برکند دلیل که در
دنیا طریق از مردجویی کرمانی گوید اگر بیند که کفن مرده می‌دزدید معبر باید که
کند اگر آنکس مصلح و پارسا بود و طالب علم و سخنان باریک نیکو گوید دلیل
که دنیا روی بوی ننهد و مال حرام جمع کند اگر بیند که مردگان را کفن می‌کند
و از جایی بجایی دیگر می‌برد دلیل که مال حرام بدست آورد و روان شود اگر خداوند
خواب معتمد بود دلیل که منافق و غماز باشد و بفساد مردم گواهی دهد کلاب
ابن سیرین گوید کلاب ثنا و یاری تن درستی بود اگر بیند که کسی کلاب بروی
ریخت تن درستی بود و مردم را مدح و ثنا گوید اگر بیند که کلاب بر کسی بریخت
آنکس تن درست بود اگر بیند که کلاب بخورد غمگین و متفکر شود اگر بیند
که کلاب بر هر کس می‌داد نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد اگر عالم بود
خلق از وی بهره‌مند گردند کلاغ مرغیست و نیز عقعق گویند و در خواب
مردی بی‌وفا و دزد بود اگر بیند که کلاغ بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت
که گفته شد دوستی کند اگر بیند که با کلاغ نبرد می‌کرد با مردی بدین صفت
خصومت کند اگر بیند که کلاغ از دست وی بپرید ترک صحبت از مردی که
گفتیم کند اگر بیند که کلاغ را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که دشمن را قهر
کند و بفقدان مال وی بخورد کلاغ ابن سیرین گوید کلاغ در خواب مردی
فاسق بدعهد بود اگر بیند که با کلاغ نبرد می‌کرد دلیل که مردی فاسق در
خانه او باشد کرمانی گوید اگر بیند که کلاغی بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی

مکر و دروغ حاصل کند اگر بیند که کلاغ بر شاخ درختی نشسته بود و بانگ
می‌داشت دلیل بر وبال او بود اگر دو کلاغ بود دلیل بر رنج و سفر و مشقت
بود علی الجمله بودن کلاغ خیر نبود کلاه دانیال گوید کلاه در خواب دلیل
عز و جاه باشد بقدر و قیمت کلاه اگر در سر کلاه دو گوشه بیند پیش پادشاه
نزدیک شود و عمل یابد اگر در سر کلاه غازیان بیند دلیل که بر خصم چیره گردد
ابن سیرین گوید اگر بیند که بر سر کلاه ترکان داشت دلیل که سختی و منفعت یابد
اگر بیند که در سر کلاه مغان داشت دلیل که عز از جهانی یابد لیکن در دین
ضعیف بود اگر بر سر کلاه حاجیان بیند عز و جاه یابد لیکن رنج و سختی کشد
بر سر کلاه پادشاه بیند از پادشاه حرمت و جاه یابد اگر بر سر کلاه عنانی بیند
دلیل که شادمان شود و منفعت یابد اگر بر سر کلاه ابره بیند خیر دینی و دنیایی
حاصل کند اگر بیند که بر سر کلاه دستار نهاده بود او را کاری افتد که آن کار
از مردم پنهان می‌باید داشت اگر کلاه ابریشمین داشت منفعت بیند اگر بر سر
کلاه از زر بیند از مردم بد منفعت یابد اگر از سیم بیند از کار خود منفعت یابد
اگر کلاه از مروارید بیند پیش مردم عزیز باشد و صحبت با کسی دارد که دین دار
و غازی باشد اگر کلاه آهنین بیند از پادشاه عز و جاه و قوت یابد اگر کلاه
از چوب بیند دلیل که خود را نزد مردم عزیز دارد و دروغ و محال گوید
کرمانی گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بزمستان بر سر نهاد دلیل که کام دل
بیابد و اگر بخلاف این بود محروم بود از مراد اگر در خواب کلاه سیاه بیند
و در بیداری همان پوشد خیر و منفعت یابد اگر بیند که کلاه از سر وی بیفتاد
از عمل معزول گردد یا غمی سخت بوی رسد اگر بیند که کلاهی از بر کلاهها که
منفعت مردم داشت بقدر بزرگی و قیمت کلاه از مهتری جاه و بزرگی یابد

اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفتند دلیل که از عز و جاه بیفتند اگر زنی بیند
که کلاه دو گوشه بر سر داشت دلیل که آن زن را نبیری آید فرمان سر پادشا
شود اگر بیند که کلاه و تیر بر سر نهاد دلیل که آنکس بد دین بود اما پادشاهان را
نیک باشد مغربی گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف
و منزلت او زیادت گردد اگر بیند که کلاهش دریده بود اندوهگن و مستمند
شود اگر بیند که پیکان کلاه از سر وی در بود دلیل که از مردی بزرگ اندوه
شود اگر بیند که کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه و مانند این
دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردمان که در دین کاهل باشند اگر بیند
که کلاهی پوشیده داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود اگر کلاه سپید
بود دلیل که دین وی نیکو بود اگر بیند که سبز بود دلیل طاعت و خیر بود
اگر سرخ بیند دلیل بر نقصان دین کند اگر زرد بود دلیل بیماری و اگر سیاه
بیند بد حالی مکروه داشته باشد در بیداری اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که
کلاهی مرصع داشته بود بقدر و قیمت جوهر و شرف از بزرگی یابد لیکن
در دینش نقصان بود اگر بیند که در کلاه وی آتش افتاده بود پادشاه وی را
مصادره کند جعفر صادق گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی
باشد و بر شش وجه بزرگ دلالت کند اول ولایت دوم ریاست سوم بزرگی
چهارم عز و جاه پنجم منزلت و کلاه دوز کسی بود که خدمت بزرگان و مهتران
کند کل شدن ابن سیرین گوید اگر بیند که سر وی کل شده بود مال و خواسته
بسیار یابد و بعضی گویند غم و اندوه از او زایل شود اگر وام دارد وامش
گزارده شود اگر بیند که وی را با مردی کل صحبت بود دلیل که با مردی توانگر
دوست و آشنا شود اگر بیند که سر وی کل بود و بعد از آن موی بر آورد دلیل

که مال او قوی تلف شود و وام دار گردد گل ابن سیرین گوید گل در خواب
دیدن بر دو نوع باشد یکی آنکه گل بر درخت بود و یکی آنکه از درخت جدا
بیند اگر او را فرزندی آید و چون بوقت بیند سبب فرزند وی را مصیبتی رسد
و چون گل از درخت جدا بیند دلیل غم و اندوه و گریستن باشد اما درخت
گل سرخ در خواب مهتری بود و سخن روایی و درخت گل زرد نوعی بازرگان
حاجت روا کنند و درخت گل سپید دولت و عز و جاه اگر در سرای خویش
بر درخت گل بیند بوقت دلیل که دختری را بنکاح آورد اگر در سرای خود گل
سپید صد برگ بیند سبب فرزند شاد شود اگر گلها از هر گونه شکفته بیند
دلیل که از خویشان و اهل بیت شادمان و خرم شود اگر بیخ درخت گل
از زمین گسسته بیند مردم سرایش که اهل انباز باشند مغربی گوید گل در خواب
مردم دون همت بد عهد بود که با کس وفا نکنند اگر بیند که گل داشت دلیل
که با چنین مردی صحبت افتد اگر بیند که گل بکسی داد یا از کسی بستد
از صحبت چنین مردی دور افتد اسمعیل گوید که گل در خواب نامه بود
که از غایبی برسد یا امن غایبی باشد جعفر صادق گوید دیدن گل در
خواب بر شش وجه بود اول فرزند دوم دوست سوم مرد دون همت
چهارم کنیزک پنجم غلام ششم نامه غایب گل شکر ابن سیرین گوید گل شکر
و گل انگبین در خواب غنیمت باشد و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد
اگر بیند که گل شکر یا گل انگبین داشت و از آن بخورد اگر توانگر بود مالش
زیادت شود اگر بیمار بیند شفا یابد اگر غمگین بیند شاد گردد اگر وام
دارد وامش گزارده شود گل ابن سیرین گوید اگر بیند که گل میخورد دلیل
که از پس مردگان بد میگوید اگر بیند که گل با خاک میخورد مال خود را بر عیال

نفقه کنند اگر بیند که از خانهٔ زینت مصطفی صلی الله علیه و علی آله و سلم
می‌خورد رنج کند اگر بیند که خانه را بگل می‌اندود دلیل که غمگین شود مغربی
گوید دیدن گل سبز و سفید در خواب مال حلال بود و گل زرد بیماری و گل
سرخ لهو و طرب و گل سیاه غم و اندیشه و گلاب بتر دلیل بر غم و ترس
اگر بیند که میان گل غرق شده بود در محنتی عظیم افتد یا بند اگر
بیند که از میان گل بیرون آمد و خود را با کین بشست از رنج و بلا رهایی
یابد و شادمان شود جعفر صادق گوید گل در خواب در سردسیر صعبتر
بود که در گرمسیر **گلبتین** ابن سیرین گوید گلبتین در خواب خادمی باشد دلیر
که بخوبی مال از دست پادشاه بدر آورد و بر مردم نفقه کند اگر بیند که
گلبتین در دست داشت دلیل که وی را نعمتی حاصل شود اگر بیند که گلبتین
او ضایع شد او را زیان رسد کرمانی گوید اگر بیند که بگلبتین چیزی از میان
آتش بیرون آورد و بغدیان از پادشاه راحت یابد **کلم** ابن سیرین گوید
کلم در خواب منفعت بود از سبب زنان و پختهٔ وی بهتر از خام بود اگر
بیند که کلم داشت و بخورد بقدر آن از زنی منفعت یابد و چون بی گوشت بود
منفعت کمتر بود مغربی گوید اگر بیند که کلم با گوشت پخته بود و می‌خورد رنج
و منفعت بسیار بدو رسد و اگر خام خورد منفعتش کمتر بود و اگر کلم بی وقت
خورد غم و اندیشه بود و اگر بشیر بود منفعتش بیشتر بود **گلنار** ابن سیرین
گوید دیدن گلنار در خواب عروسی بود یا کنیزکی خوب خاصه هنگام خود
که بر درخت باشد اگر بیند که گلنار از درخت بشکست از دنیا عروس
یا کنیزک جدا ماند **کلنگ** در خواب مردی درویش غریب بود ابن سیرین
گوید اگر بخواب بیند که کلنگی بگرفت یا کسی بدو داد با مردی غریب پیوندد

و با وی نیکویی کند اگر بیند که کلنگی داشت یا گوشت او دلیل که از مردی
غریب راحت بیند و گویند مزد و ثواب یابد بسبب مردی غریب اگر بیند که
گوشت کلنگ می‌خورد بقدر آن از مردی غریب راحت یابد ابن سیرین گوید اگر
بیند که کلنگان را می‌چرانید دلیل که با غریبان و درویشان مهتر شود اگر بیند
که بر کلنگ نشسته بود بسفر رود و درویش گردد اگر بیند که خایهٔ کلنگ داشت
زنش درویش شود **گلو** ابن سیرین گوید گلو در خواب امانت بود و گزارد
وام اگر بیند که گلویش از آفتها بسلامت بود دلیل که امانتها که دارد
و وامها بگزارد اگر بیند که رنج و آفتی در گلوی وی آمد تاویلش بخلاف
این بود اگر گلوی خود فراخ بیند روزی بر وی فراخ شود اگر تنگ بیند
بخلاف این باشد اگر گلوی خود نادرست و قوی بیند دلیل که امانتهایی
که دارد مغربی گوید اگر بیند که گلوی او را ببریدند دلیل که آنکس روی ظلم
کند یا در دین او طعنه زنند و هر جانوری که کشتن را نشاید اگر بیند که گلوی
او ببریدند دلیل بر مردی بود که بدان جانور تعلق دارد که بدان مرد ستم
رود اگر بیند که بهیمه را گلو ببرید کار بر وی شوریده گردد اگر بیند که گلوی را
بضرورت ببرید اگر حلال گوشت بود بقدر آن مال حلال یابد و اگر حرام بود مال
حرام یابد اگر بیند که گلوی آدمی ببرید دلیل که بر آنکس ستم و بیداد کند یا در دین
او طعنه زند اگر بیند که گلوی کسی بفشرد و خبه کرد دلیل که وی را از شرف
و بزرگی معزول کنند جعفر صادق گوید گلو در خواب دلیل دخل و خرج مردم بود و
هر زیادت و نقصان که در گلوی بیند دلیل بر دخل و خرج بر مردم کند اسمعیل
اشعث گوید گلو فشردن دلیل بر تنگ شدن عیش مغلوب باشد **کلیچه** ابن سیرین
گوید کلیچه در خواب دلیل بر عیش خوش و مال و نعمت کند که بدست آورد

دلیل که دست عبادت دارند بود باب بالک اگر بیند که کلید او بیفتاد دلیل که
کاهل عبادت بود جعفر صادق گوید کلید در خواب دلیل بر هشت وجه بود
اول گشادن کارها دوم فرج از غم سوم شفا از بیماری چهارم یافتن
مراد پنجم قوت دین ششم گزاردن حاجت هفتم اجابت دعا هشتم
علم و دانستن آن کلیدها ابن سیرین گوید اگر بیند که کلید داشت و در گشاد
و نعمت نداد دلیل که کارها دین و دنیا او گشاده گردد اگر بیند که کلید
داشت بدشواری گشاد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که کلید داشت نتوانست
گشود و در بسته بماند کارها بروی بسته گردد و از حال نیک بحال بد گردد
معبری گوید اگر کلید دارد بخود آسان گشاد و در باز کرد اگر غمگین بود فرج یابد
و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد اگر حاجتی دارد روا شود کلیسا
ابن سیرین گوید اگر بیند که در کلیسا شد و در آنجا سوی قبله نماز کرد دلیل
که انکار کند توبه کند و در دین محکم شود ان نهر آنکه کلیسا جای عبادت است
کرمانی گوید اگر بیند که در کلیسا بود دلیل که میل او با بت پرستان باشد
خاصه آنکه نماز سوی قبله ایشان کند جعفر صادق گوید اگر بیند که در
کنشت شد اگر بیند بخواب مستور و پارسا بود نیک باشد اگر ناپارسا
بود بد باشد خاصه آنکه بیند که در آنجا مقیم شد کلیم ابن سیرین گوید
کلیم در خواب مردی رئیس و سرور بود خاصه بیننده خواب مهتر بود
و بعضی از معبران گویند درویشی مصلح بود که زینه ارد رو بینان دین دار
کرمانی گوید اگر بیند که کلیمی یافت دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر خواب
زن بیند دلیل که شوهری توانگر کند و لیکن و جیز و منفعت بیند اگر بیند
اگر بیند که بر کلیمی پاکیزه نشست زن خوب پارسا بزنی کند اگر بیند که کلیچه

اگر بیند که کلیچه میخورد دلیل که وی را مال و نعمت آسان بدست آید اگر
بیند که بخروار کلیچه داشت مال و نعمت بسیار حاصل کند اگر بیند که کلیچه
در جهان نهاد و نتوانست خوردن مال و نعمت او قسمت دیگران باشد
جعفر صادق گوید خوردن کلیچه در خواب بر چهار وجه بود اول مال
حلال که آسان بدست آید دوم روزی فراخ سوم نعمت چهارم عیش خوش
کلید ابن سیرین گوید کلید در خواب مردی کشاینده کارها بود اگر بیند که قفل
بکلید بگشاد و در باز کرد کارها بسته بروی گشاده گردد و بر دشمن ظفر یابد
اگر بیند که بر دست کلید بسیار داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد له مقالید
السموات والارض کرمانی گوید کلید در خواب گشایش در کارها بود و بستن در
شی و بعضی گویند کلید در بستن شریح بود اگر بیند که کلیدها در بهشت در دست
داشت دلیل که در دین سلطان بود و عاقبت کارش محمود بود دانیال گوید اگر
بیند که کلید آهنین داشت دلیل قوت و نیکویی بود اگر کلید مسین داشت
یا برنجین دلیل که وی را سخن روایی بود اگر بیند که کلید چوبین داشت دلیل نیکو
بود اما کمتر اگر کلید زرین یا سیمین داشت سخن روا باشد و نیز گویند گنج
یابد یا مال بسیار معبری گوید چندان که کلید بیشتر مال بسیارتر مفاتحه لتنوء
بالعصبه و نیز گویند کلید دعا بود و استغفار و از خدای تعالی حاجت خواستن
اگر بیند که قفل را بکلید بگشاد و در باز کرد حاجت وی روا شود و کار
بسته او گشاده گردد اگر بیند که قفل را گشادن نتوانست یا کلید بشکست
یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که کلید در کلید دار بشکست
دلیل که دعا او خالص باشد اگر بیند که بیک کلید دو قفل بگشاد و درها باز
کرد دلیل که زن خود بخواهد حافظ معبر گوید اگر کسی بدست خود کلید بیند

سبز بود دلیل که زن ستیزه و دین دار بود اگر گلیم سرخ بود و بی معاشر طرب دوست دارد
اگر گلیم زرد بیند بیمار و زرد گونه باشد اگر بیند که سیاه بود آن زن عابد و زاهد
بود اگر گلیم ملون بود این همه که گفتیم در زن موجود باشد اگر بیند که گلیم از
خود دور افکند یا ضایع شد تاویلش بخلاف این باشد جعفر صادق گوید دیدن
گلیم در خواب بر پنج وجه باشد **اول** مردی رئیس سرور **دوم** مهتری پارسا
سوم زنی توانگر **چهارم** کنیزک **پنجم** حرز و منفعت **کمان** دانیال گوید اگر بیند
که کمانی بی تیر میکشید دلیل که بسفر رود و با فایده باز گردد اگر بیند که بهنگام
کشیدن زه کمان ببرید سفر او تمام بسر نرود و باشد که در راه او را زیان افتد
اگر بیند که کسی کمان بوی داد دلیل که پسری آرد یا برادری اگر بیند که کمان او
بشکست از شرف و بزرگی بیفتد یا برنجی از مال او برود اگر بیند که از کمان
تیر می انداخت از بزرگی نامه بدو رسد ابن سیرین گوید اگر بیند که از کمان تیر
می انداخت دلیل که سخن حق و باطل گوید بسبب راست و کج رفتن تیر اگر
بیند که از بهر خود کمانی نو ساخت دلیل که زن خواهد و ویرا پسری آید و بعضی
گویند از پادشاه عجم شرف و بزرگی یابد یا زنی عجمی خواهد و ویرا پسری آید اگر
بیند که کمان داشت و تیر انداختن نتوانست از سختی دلیل که ویرا از پادشاه
یا از زن که خواسته باشد فایده نباشد اگر بیند که کمان بفروخت یا بکسی
داد دلیل شرف و بزرگی او برود و بعضی گویند کمان بتاویل برادری عمر بود
کرمانی گوید اگر بیند که کمانی نو پاکیزه در دست داشت زن خواهد اگر بیند که
کمان بکشید زن باردار بود اگر بیند که کمان او ضایع شد از زن جدا شود اگر
بیند که کمان سخت بود و بوقت کشیدن زه شد دلیل که کار او آسان
براید اگر سفر کند بروی مبارک باشد ما ان سفر بمراد رسد اگر بیند که کمان

زن خواهد

سخت بود و سخت شد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که کمانی بدست خویش
از بهر خود ساخت دلیل که کار او ساخته شود اگر بیند که کمان بفروخت
و بهای آن درم و دینار بستد دلیل که دین بدنیا اختیار کند اگر بها کمان
چیزی دیگر بستد دلیل که مراد وی حاصل شود اگر بیند که کمانی عطا بوی
دادند دلیل که زود زن خواهد و بر دشمن چیره گردد اگر بیند که کمانی خمیده کشید
بوی دادند پی آنکه کمان را کشید دلیل که عمر وی دراز بود اگر بیند که کمان
وی در کمان دان نهاد از دنیا برود اگر بیند که کمانها بسیار داشت دلیل که او
دوستان بسیار باشد که بگاه سختی او را فریاد رسند اگر بیند که کمان نو پاکیزه
داشت کردارها نیکو مثل خیرات و احسان و طاعت و حج و زکوة و آنچه بدین
ماند بجای آورد و بخدای عز و جل نزدیک شود قوله **فکان قاب قوسین او ادنی**
جعفر صادق گوید کمان در خواب بر شش وجه بود **اول** سفر **دوم** فرزند یا
برادر **سوم** زن **چهارم** قوت **پنجم** کردارهای نیک **ششم** مردم درست کارها
کمان گروهه ابن سیرین گوید کمان گروهه در خواب کار پادشاه بود با غم و اندوه
اگر بیند که کمان در دست داشت و گل می انداخت دلیل که کسی با وی درشت
گوید و دشنام دهد زیرا که کمان گروهه در راه دین ناپسندیده بود کرمانی گوید
اگر بیند که بکمان گروهه گل بر مردم می انداخت دلیل که غمگین شود بسبب آزار
مردم اگر بیند که کمان گروهه وی بشکست یا ضایع شد دلیل که آزار کسی
بجوید **[illegible]** ابن سیرین گوید کمان حلاجی شغلی زشت بود اگر بیند که کمان
حلاجی در دست داشت دلیل که با مردم منافقی کند اگر بیند که کمان حلاجی
داشت و دانست که ملک وی است دلیل که زنی مشنع خواهد اگر بیند که این
کمان ضایع شد یا بشکست دلیل که از زنی جنبی جدا شود **[illegible]** ابن سیرین

کمان حلاجی

گوید اگر بیند که کمان آسمانی زرد بود بیماری و علت مردم آن دیار بود اگر بیند
که سبز بود دلیل بر فراخی نعمت بود و کسب مردم آن دیار اگر بیند که سبزی
بیشتر از سرخی بود دلیل که در آن دیار نعمت فراخ بود و پادشاه عدل کند
و خلق را کسب و معیشت نیک بود اگر بیند که سرخی بیش از سبزی بود تاویلش
بخلاف این بود مغربی گوید اگر کسی در کمان آسمان علامت سرخی بیند بگرداد
عمودها دلیل که پادشاه آن دیار را قوت و کامکاری بود و آن عمودها که
گفتیم اگر سیاه بیند تاویلش بخلاف این بود که یاد کرده شد **کمر** ابن سیرین
گوید اگر بیند که در میان کمر بسته داشت دلیل که از مردم ویرا پشت و پناه
بود و بعضی از معبران گویند ویرا پشت و پناه از پادشاه باشد و فرزندان بود
یا از خویشان اگر بیند که کمر مرصع بود بزر و جواهر دلیل که نقد و قیمت
آن مال و نعمت حاصل کند و بدان سبب ویرا قوی گردد و باشد که فرزند
آرد و محتشم و قبا پر شود کرمانی گوید اگر بیند که سه چهار کمر در میان بسته
داشت دلیل که او را مال و حشم بسیار بود و نیز گویند عمرش دراز بود اگر
بیند که کمری بزود از ندو در میان بست دلیل که بسفر رود اگر بیند که در
میان کمر بگسست و بیفتاد یا ضایع شد دلیل که مال و فرزندان او زایل شود
مغربی گوید اگر بیند که کمر شمشیر او بجوهر مرصع بود دلیل که مهتری شود
و اهل سپاه و سپاه او توانگر شوند اگر بیند که کمر شمشیر او با آهن یا برنج
آراسته بود دلیل خواسته باشد کمتر اگر بیند که کسی با کمر شمشیر بخشید دلیل
که از بهر پادشاه سفری کند جعفر صادق گوید دیدن کمر در خواب بر شش
وجه بود اول منفعت از قبل پادشاهان **دوم** فرزند **سوم** بزرگی و پناه
چهارم عمر دراز **پنجم** انصاف دادن و یافتن مراد **ششم** پاکی دین اگر بیند که

کمر در میان زد [illegible] دلیل که انصاف از خصم بستاند یا نیمهٔ عمرش گذشته
بود **کمر** [illegible] ابن سیرین گوید اگر بیند کمر گم شده بود دلیل که در آن موضع که
مقام او باشد ضایع باشد زیرا که او را بمعرفت نشناسند و قدر او ندانند
اگر بیند که وزیر ندیا عیال کمر کم شد دلیل که جهت ایشان اندوهگین شود
مغربی گوید اگر بیند که چیزی از او کم شد اگر آن چیز بتاویل نیک باشد بقدر
آن غم و مضرت بیند اگر بتاویل بد باشد غم و مضرت از او زایل شود و کارش نظام
گیرد **کمند** ابن سیرین گوید اگر بیند که کمندی بینداخت و مردی بگرفت دلیل
که بر اندازهٔ کمند از بزرگی یاری خواهد اگر کمندش از رسن بود یاری از
مردی معوض خواهد اگر بیند که کمندش از پوست گاو بود از مردی عامی
مدد خواهد اگر بیند که کمندش از موی خوک بود یاری از مردی کافر خوا هذ
اگر بیند که چون کمند بینداخت در گردن مردی آمد دلیل از مردی فریبنده
یاری خواهد اگر بیند که کمند در میان او افتاد یاری از مردی منصف خواهد
مغربی گوید اگر بیند که افتاد و در دست آن مرد افتاد دلیل که مردی از
مردی مسافر خواهد اگر بیند که کمند بینداخت و خصم را نتوانست گرفت
دلیل که آنکس ویرا یاری ندهد **کنار** ابن سیرین گوید کنار در خواب مالی بود
بی عیش و از میوه‌ها هیچ میوه خاصیت آن نباشد و گویند که میوهٔ آدم علیه السلم
در بهشت کنار بود اگر بیند که کنار خورد بقدر آن مال حاصل کند خاصه
چون بوقت خورد جعفر صادق گوید کنار در خواب مال حلال و روزی فراخ
باشد اگر بیند که بخروار کنار داشت دلیل که مال و نعمت بسیار او را حاصل
شود از جایی که امید ندارد **کناه** ابن سیرین گوید اگر بیند که گناه میکرد
و نداند که آن گناه چه بود دلیل که در فتنه افتد کرمانی گوید گناه کردن

در خواب نیم معصیت و نیم گناه بود چنانک در بیداری توبه باید کرد تا از
عقوبت خدای تعالی خلاص باشد و کارش بصلاح آید **گنبد** ابن سیرین گوید
گنبد در خواب زن بود اگر بیند که گنبدی با گنبد بود و نداند که ملک اوست
زنی خوب روی خواهد کرمانی گوید گنبد در خواب بزرگی و شرف باشد
اگر بیند که در گنبد مقیم شد دلیل که بقدر بلندی گنبد جاه و بزرگی یابد
اگر خود را در گنبدی بلند بیند دلیل که خیر و نعمت بوی رسد جعفر صادق
گوید گنبد در خواب بر چهار وجه بود **اول** زن **دوم** بزرگی **سوم** منفعت
چهارم عز و جاه **گنج** ابن سیرین گوید اگر بیند که گنج یافت بیمار شود یا رنجی
بدل او رسد محنون داغ اگر بیند که گنج ضایع شد تاویلش بخلاف این بود
ابن سیرین گوید گنج یافتن در جایگاه خراب صعب تر بود از جای آبادان
سبب آنک جای خراب بیمار هلاک شود و جای آبادان زود هلاک شود
کنجد ابن سیرین گوید کنجد در خواب مالی باشد که هر روز زیادت باشد
اگر بیند که کنجد داشت و از و میخورد بقدر آن مال از مال خود منفعت رساند
اگر بیند که کنجد خورد و طعم آن خوش بود بقدر آن مال یابد بعضی از معبران
گویند و برا غم و اندوه رسد **گنده پیر** ابن سیرین گوید گنده پیر در خواب
دنیا باشد و گنده پیر مسلمان که با جامه آراسته باشد مالی حلال بود و گنده
کافر بر جامه چرکن مال حرام بود و نیز گنده پیر سبزه خوب روی با جامه نیکو
بتاویل این جهان و آن جهان بود اگر بیند که پیر مسلمان و پیر زن خواست
یا داشت که ملک اوست مال حلال حاصل کند اگر بیند که گنده پیر کافر زن
کرد مال و نعمت حرام حاصل کند اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه
بیرون کرد یا طلاق داد دلیل که بترک دنیا گوید و راه آخرت جوید اگر بیند که

با گنده پیر مجامعت کرد دلیل که مراد این جهان او را حاصل شود **کندور**
ابن سیرین گوید اگر بیند که کندور میخورد یا میخایید با کسی خصومت کند
یا شکایت بود بقدر خاییدن مغربی گوید اگر بیند که کندور داشت غمگین شود
زیرا که تلخ است و در تاویل اندوه باشد **کندنه** ابن سیرین گوید کندنه در خواب
بیماری سبک باشد و زود شفا یابد اگر بیند که کندنه بسیار داشت بیماری
دراز کشد و عاقبت شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند که کندنه میخورد دلیل
که در رنج و اندوه گرفتار شود اگر بیند که کندنه بهیچی فرا گرفت و عطسه
داد دلیل که حاجتش بدشواری برآید **گندم** ابن سیرین گوید گندم در خواب
مال حلال بود که برنج بمردم رسد اگر بیند که گندم میخورد دلیل که کار او دین
دار بود اگر بیند که گندم پخته میخورد دلیل که غمگین شود اگر بیند که دهان او
ناشکسته بر گندم خشک بود دلیل که عمرش باخر رسیده باشد کرمانی گوید اگر بیند
که خوشها گندم میخورد دلیل که اندر بار قحط بدید آید **سبع سنبلات
خضر و اخر یابسات** اگر بیند که گندم می کشت حق تعالی در آن دیار نرخ گندم
ارزان کند جعفر صادق گوید دیدن گندم در خواب بر سه وجه بود **اول**
معزول شدن از ولایت **دوم** نصرت **سوم** غربی اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که
بوقت خود گندم میخورد دلیل که توفیق طاعت یابد اگر بیند که گندم بریان کرد
بخورد منفعت نیابد اگر بیند که گندم بوقت خود میدرود بخروار دلیل که مال
بسیار برنج حاصل کند و گندم فروش مردی بود که دنیا بر دین اختیار کند
کنفا کنفا مردی بود که مردم او را بدوستی یاد کنند ابن سیرین گوید کنفا در
خواب مال الحرام بود و گفتار زشت اگر بیند که خواب مصلح و مستور بود بعید
خود را از خوردن مال الحرام باز دارد اگر مصلح شود مال الحرام حاصل کند

و پوسته سخنان زشت گوید فی الجمله دیدن و خوردن کندنا منفعت نباشد **کندر**
ابن سیرین گوید کندر اگر بیند که در خواب فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل که رسولی
پیش او آید و او را شاد کند و کرامت یابد و بعد از چهار روز از قبل زبان مقصود
و شادی و مراد یابد خاصه بوقت روز دیده باشد **کنشت** ابن سیرین گوید اگر بیند
که در کنشت شد و از سوی قبله نماز کرد دلیل که عاقبت توبه کند و بخدای
تعالی باز گردد و بدین قوی شود سبب آنکه نه بر جای عبادتست و اگر بخلاف
سوی قبله جهودان کند دلیل که بهوای جهودان دارد کرمانی گوید اگر
بیند که کنشت خویش بیند دلیل که بگفتار مردم بی دین کار کند جعفر
صادق گوید دیدن کنشت و کلیسا مصلحانرا خیر و نیکی بود و نا مصلحانرا
شر و فساد بود **کنگر** ابن سیرین گوید اگر بیند که کنگر بوقت خود میخورد
اندوه بوی رسد و خوردن کنگر بخواب نفعی نبود اگر بیند که کنگر نا بوقت
می خورد غم و اندوه کمتر باشد **کنگ** ابن سیرین گوید اگر بیند که کنگ شده
بود دلیل که درویش و بد حال گردد کرمانی گوید اگر بخواب خود را کنگ بیند
دلیل تباهی و نقصان دین وی بود چنانکه حق تعالی فرمود **صم بکم عمی
فهم لا یرجعون** جعفر صادق گوید کنگی در خواب بر هفت وجه بود
اول درویشی **دوم** بدحالی **سوم** غم و اندوه **چهارم** نقصان عیش **پنجم**
مصیبت **ششم** نقصان مال **هفتم** نقصان دین اگر کنگی بخواب بیند
که زبانش گویا شد دلیل که کار بسته بروی گشاده شود **کنه** ابن سیرین
گوید کنه در خواب عیال مردم بود اگر بیند که اندامش میخورد بقدر آن
عیال از مال او بخورد اگر بیند که کنه بسیار بر چهارپای داشت دلیل که مردم
از چهارپایان او فایده بینند مغربی گوید اگر بیند که آن کنه را خود می انداخت

دلیل که عیال از خود دور کند اگر بیند که کنه از چهارپای خود میگرفت
و می انداخت دلیل که هیچ فایده از چهارپایان او بکسی نرسد جعفر صادق
گوید دیدن کنه در خواب بر سه وجه بود **اول** عیال بسیار **دوم** خدم و حشم
سوم مال و خواسته فراوان اگر بیند که کنه می کشت دلیل بر نقصان
از چیزها که بیان کرده شد **کنیزک** کنیزک در خواب خیر و نیکی بود بقدر جمال
او اگر بیند که کنیزکی خوب روی فرا برداشت دلیل که چیزی پنهان بدو رسد
و لیکن از آن چیز متفکر شود کرمانی گوید کنیزک در خواب که خوب روی
باشد دلیل مال نهانی بود اگر بیند که کنیزکی بخرید دلیل که وی را خیر و نیکی
رسد اگر بیند که بفروخت بخلاف این بود مغربی گوید اگر بیند که کنیزک
بفروخت و بها بستد دلیل که وی را غم و مضرت رسد اگر بیند که کنیزک خوش
و شاد بود مال و نعمت یابد اگر بیند که کنیزک روی بسته بود و در خانه او
آمد دلیل که شادی و منفعت بدو رسد و مراد و کام دل یابد **کهربا** ابن سیرین
گوید کهربا در خواب بیماری بود اگر بیند که کهربا داشت دلیل که بیمار شود
و زود شفا یابد اگر بیند که کهربا بسیار داشت دلیل که رنج و سختی منفعت یابد
و بعضی گویند بیماری او دراز کشد والله اعلم **گوارش** ابن سیرین گوید گوارش در خواب
خوردن چون شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت و شادی کند و گوارش تلخ
ترش دلیل بر غم و اندوه و رنج و فساد کند و هر گوارش که بوی او خوش بود
دلیل بر فتح و ثنا بود و هر چه بوی او ناخوش بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی
گوید گوارش شیرین خوردن غم و اندوه بود و گوارش داروها خوردن دلیل
بر منفعت دینی کند و گوارش عود و عنبر خوردن دلیل بر ستایش **گواد**
ابن سیرین گوید گواد در خواب دل مردم عالم بود و چیزها که در وی باشد از چیز

وشرو بدین قول دلیل آرند که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه فرموده آن
القلوب اوعیه فخیرها اوعاها مغربی گوید کوزه چون فراخ و بزرگ بود
دلیل بر خیر و منفعت بسیار کند و چون کوچک بیند منفعت اندک بود **کوارها**
ابن سیرین گوید کوارها که در خواب بیند بهتر از کوارهای خرما نبود بعد از آن
کوارهٔ جبن باشد بعد از آن کوارهٔ نان و کوارهٔ خشخاش تبا و بی منفعت از همه
کمتر باشد اگر بیند که کوارهٔ خرما میخورد دلیل که او را مال بسیار بدست آید
و خرم شود اگر بیند که کوارهٔ جبن میخورد بقدر آن مال و نعمت از مردی بزرگ
بحیله حاصل کند برنج و سختی اگر بیند که کوارهٔ نان میخورد دلیل که از مردی
پارسا منفعت بدو رسد اگر بیند که کوارهٔ خشخاش خورد منفعتش کمتر بود
اگر بیند که ازین کوارها که گفتیم داشت و چیزی از آن نخورد آنچ گفتیم بعضی
بدو رسد مغربی گوید کوارها آنچه شیرین و خوش طعم بود دلیل بر نیکی و آنچ
تلخ و ناخوش بود دلیل بر بدی **گور** دانیال گوید گور نابینا دلیل زنان بود
اگر بیند که گوری از بهر خود کند دلیل که احوال بر وی تنگ شود و بعضی
گویند در آن موضع که گور بیند از بهر خود سرایی نو سازد اگر بیند که او را
در گور کردند احوال بر وی دشوار شود و بعضی گفته‌اند بسفر رود و در آن
سفر شادیها بیند **ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره** اگر بیند که او را در گور
کردند و خاک بروی افکندند دلیل که او را دین نقصان بود و پس توبه از دنیا
رود ابن سیرین گوید اگر بیند که خود را در گور نهاد دلیل که او را در زندان
کنند و اگر بیند که در گور بمرد در زندان بمیرد اگر بیند که بر بام او گوری
کنند دلیل که زندگانی او دراز بود اگر بیند که بر سر گور ایستاده بود بر گناه
مقیم ایستاده باشد کرمانی گوید اگر کسی خود را در گور مرده بیند و منکر و

نکیر ازو سؤال کردند دلیل که پادشاه از وی باز مطالبت کند اگر جواب
منکر و نکیر داد جواب پادشاه برجه دهد و راحت بیند و اگر جواب منکر و
نکیر بخطا داد در عذاب پادشاه عاجز بماند اگر بیند که او را از گور بیرون
آوردند و بردار کردند و دیگر در گور نهادند دلیل که پادشاه او را بنوازد و خلعت
دهد و بعد از آن بزندان کنند اما اگر این خواب بازرگان بیند حساب او
با بازرگانان بود و شما هر کس با جنس خود معبر باید که بقیاس این چیزها نیک
بداند تا خطا نیفتند **گورستان** ابن سیرین گوید گورستان بخواب دیدن بهشت
بود با جاهلان که دین و دنیا ایشان فساد بود و غم و پشیمانی کرمانی گوید
اگر بیند که زیارت گورستان میکرد اهل زندان او را زیارت کنند اگر بیند که
بر گورستان باران بارید اهل آن گورستان را راحت و رحمت بود از حق تعالی
مغربی گوید اگر توانگری بیند که در گورستان می‌رفت و بر گورها سلام
می‌کرد دلیل که درویش گردد چنانکه از مردم گدایی کند زیرا که گورستان
جای مفلسانست اگر بیند که از گورستان معروف مردگان از گور برخاسته بودند
دلیل که اهل آنجایگاه بلا و محنت رسد اگر بیند که در گورستان گورها باز
میکرد بعضی مرده دید و بعضی زنده دلیل که در آن ولایت قحط و تنگی پدید
آید جعفر صادق گوید گورستان در خواب بر سه وجه بود **اول** زندان **دوم**
غم **سوم** محنت و بلا **گوز** مال بود که برنج و سختی حاصل شود اگر بیند که
بگوز بازی میکرد یا گوز در دست داشت دلیل بر جنگ و خصومت کند
کرمانی گوید هر گوز که مغز آن تلخ و تباه بود دلیل که مال حرام بدو رسد
بقدر بسیاری و کمی مغز و اگر مغز گوز بطعم خوش بود دلیل که مال
حلال یابد اگر بیند که گوز می‌شکست از مردی عجمی مال گرد کند مغربی گوید

اگر بیند که گوز داشت از مردی بخیل فایده بدو رسد اگر بیند که گوز بسیار
داشت او را جنگ و خصومت رسد اگر بیند که مغز گوز تلخ و ناخوش بود از
مردی بخیل جفا شنود اگر بیند که از مغز گوز روغن بیرون آورد از مردی بخیل
وی را منفعت رسد گوزهندی ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی گوزهندی بدو
داد دلیل که سخن و فال گیرد و منجم شود اگر بیند که گوزهندی بخورد سخن
ایشان که گفتیم راست پندارد و بعضی از معبران گویند گوزهندی بخواب
مردی زفت بود یا کنیزکی هندی کرمانی گوید اگر بیند که گوزهندی
بخورد دلیل که سخن منجمان راست پندارد و اعتماد و یقین بران دارد گوز بویا
ابن سیرین گوید اگر بخواب گوز بویا بیند صلاح دین بود و دانستن علم شرع
اگر بیند که گوز بویا بخورد دلیل که مصلحت را دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد
کرمانی گوید اگر بیند که گوز بویا داشت و می خورد و بمردم می داد دلیل که در
علم و حکمت بکار شود و از ان علم او را و دیگران منفعت بود اگر بیند که گوز
بویا که داشت نخورد و بکسی نداد دلیل که از ان علم نه خود منفعت بیند و
نه دیگران و بعضی از معبران گویند خوردن گوز بویا دلیل بر تعلیم علم نحو کند
گوزینه ابن سیرین گوید گوزینه مالی بود که بمکر و حیلت بدست آید اگر بی
سند که بکوی پنهان شده بود که او را از انجا راه بیرون آمدن نبود
دلیل که بمکر و حیلت در کاری افکند خود را که بدشواری از ان کار
بیرون آرد و هرچند کوی دورتر بود ان کار صعب تر بود اگر بیند که کوی
بمانند سردابی بود دلیل که دزد از وی چیزی ببرد کرمانی گوید اگر بیند که کوی
با جای هی کند دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت سازد اگر بیند که در ان کو اب
بدید آمد دلیل که بمکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدان معیشت کند

اگر بیند که کو از بهر کسی کنده بود آنچه گفتیم او را باشد مغربی گوید اگر بیند که
در کوی افتاد و از انجا شو انست بیرون آمد دلیل که در کاری مستور مانده
شود و از ان خلاص نیابد و اگر بخلاف این بیند از ان تنگی رستگاری یابد کوزه
ابن سیرین گوید کوزه که از سفید روی بود یا از مس در خواب خادم باشد اگر
کوزه سفالین بود دلیل بر کنیزکی خوب روی حاصل شود بقدر خوبی کوزه
اگر بیند که از کوزه آب خورد با کنیزکی مجامعت کند اگر بیند که کوزه بشکست
کنیزک بمیرد جعفر صادق گوید کوزه در خواب مال و نعمت باشد اگر بیند که
کوزه زرین یا سیمین داشت او را مال و خواسته حاصل شود اما دران مال
تهمت باشد اگر بیند که کوزه سفید روی یا قلعی داشت مال و نعمت یابد
اگر بیند که کوزه مسین داشت مال بود اما کم جعفر صادق گوید کوزه در
خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم
صلاح دین ششم عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت
زنان و کوزه اویی را باده خوانند و باویل اند در خواب زنی بزرگ زاده بهتر
بود گوساله ابن سیرین گوید اگر بیند که گوساله فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل
که وی را پسری آید و اگر گوساله ماده بیند دختری آید اگر گوساله لاغر
بیند غم و فکر بود اگر بیند که گوساله بخانه برد و بدو دست می مالید دلیل که
اندوهگن شود کرمانی گوید اگر بیند که گوساله در مسجد او امد و شد میکرد
دلیل بر غم و اندوه بود اگر بیند که گوساله دشتی فرا گرفت دلیل که او را پسری
آید اگر بیند که بر پشت گوساله نشسته بود بخدمت پادشاه عجمی بود و از و
بزرگی یابد مغربی گوید اگر بیند که گوساله او بمرد دلیل که فرزندش بمیرد
اگر بیند که گوساله او ضایع شد فرزند از وی مفارقت کند اگر بیند که گوساله

بکشت و از گوشت او بخورد میراث فرزند خورد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که
گوساله سفید بود فرزندش خوب روی و پارسا بود اگر بیند که سیاه بود
فرزندش توانگر و مستور و مبارک بود اگر ابلق بود از هر دو موجود
بود اگر بیند که گوساله او فربه بود دلیل که فرزندش تندرست و نیکو
حال بود اگر بیند که ضعیف و لاغر بود تاویلش بخلاف این بود **گوسفند** ابن سیرین
گوید گوسفند در خواب غنیمت بود اگر بیند که گوسفند می‌چرانید دلیل که
بر گروهی بزرگی و مهتری یابد اگر بیند که بعضی گوسفندان سفیدند و بعضی
سیاه دلیل که ازان گروه وبرا مهتر بود و بعضی از عجم باشد و بعضی از عرب
اگر بیند که گوسفند بسیار جمع شد و داند که همه ازان ملک اوست دلیل که
او را مال و نعمت بسیار حاصل شود اگر بیند که گوسفندی بر گردن خویش
گرفته بود دلیل که امانت کسی بر گردن گیرد اگر بیند که گوشت گوسفند پخته
میخورد نقد از غنیمت خورد اگر بیند که گوشت گوسفند بریان کرده میخورد
دلیل غم و اندوه باشد اگر بیند که گوسفند بکشت و نه بی خوردن خود دلیل
که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد کرمانی گوید اگر بیند که میشی فرا گرفت
یا کسی وی را داد دلیل که او را با مردی بزرگوار صحبت افتد و ازو بزرگی و مال
یابد اگر بیند که میشی گلو ببرید و رها کرد دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش
بستاند و هزینه کند اگر بیند که بر زبر میش نشست و او مطیع و فرمان بردار
بود دلیل که بر مردی بزرگ چیره گردد اگر بیند که بز میش بر روی غالب بود
تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که سروها بز و میش بشکست بر آن مرد که صفت
کرد برو قادر شود اگر بیند که سروها بز میش دراز بود و قوی آن مرد قوی و توانا
شود اگر بیند که پشم آن بز میش می‌برید از مردی بزرگوار بر قدر آن پشم حاصل

کند اگر بیند که بز و میش بسیار او را حاصل شد و دانست که ملک اوست
بعد ازان بر مردم بزرگوار فرمان دهد و ایشان را زیردست خود کرداند و
ازایشان مال و منفعت بسیار یابد و بعضی گویند بعد دهم بز میش او را سالی
بزرگی و شرف یابد اگر بیند که پشم بر تن بز میش زیادت شد آن مرد را مال و
نعمت زیادت شود مغربی گوید ماده میش در خواب زنی باشد که بزرگ بود
چنانکه حق تعالی در کلام قدیم فرموده در قصه داود علیه السلام **ان هذا
اخی له تسع و تسعون نعجة ولی نعجة واحدة** اگر بیند که ماده میش را
فرا گرفت یا کسی بوی داد زنی بدین صفت که گفتیم وبرا بخواست و خواستار شود
و ازو مال حاصل کند اگر بیند که از ماده میش ضایع شد زن از و جدا شود اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که ماده میش را گلو برید زنی مستور را بهتان نهد اگر
ماده میش سیاه بود آن زن عرب بود و اگر سفید بود عجمی بود و پوست گوسفندان
غنیمت و مال بود و جلاب گوسفند جمع کننده مال بود اگر بیند که گوسفند
با وی سخن گفت دلیل که روزی بروی فراخ شود جعفر صادق گوید دیدن
گوسفند در خواب بر پنج وجه بود **اول** مهتری **دوم** زنی بزرگ **سوم** مال **چهارم**
فرمان **پنجم** جاه و منفعت **گوشتها** دانیال گوید گوشتها بنا بر این هرچه پخته بیند
در خواب دلیل مال و نعمت کند که آسان بدست آید و گوشتها که بخام خورد بیند
نعمت و مال که برنج بدست آید ابن سیرین گوید خوردن گوشت پخته بهتر از بریان
باشد و خوردن گوشت بریان به از خام باشد اگر بیند که گوشت تن خود میخورد
دلیل که غیبت اهل خانه خود کند و بعضی از معبران گویند کاری کند که ازان
پشیمان شود اگر بیند که گوشت مردم میخورد غیبت مردم کند چنانکه حق تعالی
ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه اگر بیند که گوشت مردی

که بر دار کرده بودند بخورد مال حرام خورد اگر بیند که گوشت گوسفند نپخته
بخورد مال و نعمت یابد اگر بیند که گوسفندی مسلوخ بخانه او آوردند دلیل
که کسی بزرگوار در آنجا بمیرد اگر بیند که برخی از گوسفند در خانه او آوردند دلیل
که کسی از خانه او هلاک شود اگر گوشت پهلو آوردند زنی بسی ساله هلاک شود
معبری گوید گوشت فربه بهتر از گوشت لاغر اگر بیند که کسی را گوشت تازه بسی زد
دلیل که بزبان ویرا غیبت کرده اند یا ویرا غنیمت کند اگر بیند که گوشت بریان بخورد
بقدر آن روزی یابد با غم و اندوه اگر بیند که از قصاب گوشت بخرید و بهایش
بداد و بمنزل خود برد دلیل بر هلاک او بود از درد اندام کرمانی گوید اگر دید
که گوشت اژدها بخورد بقدر آن مال دشمن بستاند و هزینه کند و دشمن را
قهر کند اگر بیند که گوشت اسب بخورد دلیل که در میان مردم نیک نام باشد
و از پادشاه چیزی بوی رسد اگر بیند که گوشت اشتر بخورد بقدر آن مال
دشمن بدست آورد و بعد از آن بیمار شود و شفا یابد و بعضی از معبران گویند
او را از مردم پادشاه منفعت رسد اگر بیند که گوشت اشترمرغ بخورد بقدر آن
از مردی بیابانی ویرا چیز و منفعت رسد اگر بیند که گوشت اله خورد از پادشاه
ستمکار ویرا درم و دینار حاصل شود اگر بیند که گوشت آهو خورد بقدر آن از
زنی خوب روی او را مال و خواسته حاصل شود اگر گوشت بز بخورد بقدر
آن مال دشمن بدست آورد و هزینه کند اگر بیند که گوشت بز بخورد او را مصیبت
رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران گویند مال دشمن بخورد اگر بیند که گوشت
بط بخورد بقدر آن مال یابد اگر گوشت بلنک بخورد بجنگ نام آوری شود
و شرف و بزرگی یابد اگر بیند که گوشت بنجشک بخورد دلیل که از مال مردی
زفت یا از مال فرزند او را چیزی حاصل شود اگر بیند که چیزی از گوشت بوزینه

بخورد بیمار شود اگر بیند که از گوشت پیل بخورد بقدر آن از سلطان مال یابد
اگر بیند که گوشت تذرو بخورد از مال مردی غدار خورد اگر بیند که گوشت چرغ
بخورد از پادشاه ستمکار او را منفعت رسد اگر گوشت جغد بخورد مال دزدی
خورد اگر بیند که گوشت چکاوک بخورد بقدر آن از مال بزه خورد اگر بیند که گوشت
خر بخورد از مال زنی اندک چیزی یابد و بعضی از معبران گویند مال میراث یابد اگر
بیند که گوشت خروس بخورد بقدر آن از مردی چیز و منفعت بدو رسد اگر بیند که
گوشت خرچنگ بخورد از جایی دور مال حاصل کند اگر بیند که گوشت خوک
بخورد بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند اگر بیند که گوشت
دراج خورد بقدر آن مال از زن بستاند و هزینه کند اگر بیند که گوشت راسو
بخورد بیمار شود یا ترسی و بیمی بوی رسد اگر بیند که گوشت زاغ بخورد بقدر آن
از مال مردی فاسق مال حاصل کند اگر گوشت سنگ خوار بخورد از مال مردی
بله منفعت یابد اگر گوشت سار بخورد با مردی سفر بسیار کند و ویرا چیزی
و منفعت رسد اگر بیند که گوشت سوسمار بخورد دلیل که کمال و زینت این جهانی
بیند اگر بیند که گوشت سگ بخورد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که گوشت سنجاب
بخورد مال مردی عرب خورد اگر گوشت سیمرغ بخورد دلیل که از مردی بزرگوار
مال بدو رسد اگر گوشت شاهین بخورد از مال مردی ستمگر متمتع یابد اگر
بیند که گوشت ره بخورد با کسی گمراه محروم شوند اگر بیند که گوشت شغال
بخورد سبب تجارت با خویشان خصومت کند اگر گوشت شیر بخورد از
سلطان مال یابد اگر گوشت طاوس بخورد مال و نعمت یابد اگر گوشت
طوطی بخورد علم آموزد و ویرا منفعت کند اگر گوشت فنک بخورد بقدر
آن مال از زن بستاند و هزینه کند اگر گوشت قمری بخورد بقدر آن

از مال زن یا کنیزک نفع رسد اگر گوشت کبوتر میخورد از مال زن وی را
بهره بود اگر گوشت کره میخورد بقدر آن منفعت یابد اگر بیند که گوشت گراز
میخورد از پادشاهی ظالم مال بدو رسد اگر گوشت کشف خورد بقدر آن از
عالمی علم حاصل کند اگر گوشت کفتار میخورد دلیل که پیرزنی با جادویی
کند اگر گوشت کلاغ خورد مال مردی بی وفا خورد اگر گوشت کلاغ پیس خورد
مال مردی بیابانی خورد اگر گوشت خوک خورد مال و منفعت یابد اگر گو
ماکیان خورد دلیل که وی را مال از کنیزک و خادمی جمع شود اگر گوشت
ماهی خورد از مال زن بخورد اگر گوشت مرغ آبی خورد دلیل که بزرگی و ولایت
یابد اگر بیند که گوشت مرده خورد دلیل که از مرده کسی را به بدی یاد
کند اگر بیند که گوشت نهنگ میخورد دلیل که رنج و بلا بوی رسد اگر گوشت
هدهد میخورد بقدر آن از مال مردی زیرک بزرگ منفعت یابد اگر دید که
گوشت همای میخورد بقدر آن از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند شود
اگر گوشت هزاردستان میخورد بقدر آن از مال زن یا فرزند یا غلام وی را منفعت
رسد اگر گوشت واشه خورد از مال دشمن خورد اگر گوشت بوز خورد معبر
تأویل دارد جعفر صادق گوید گوشت جانوران در خواب بر چهار وجه بود
اول مال **دوم** میراث **سوم** توانگری **چهارم** مصیبت و اندوه **گوش** ابن سیرین
گوید اگر بیند که گوشش بیفتاد یا بریده شد دلیل که زن را طلاق دهد یا در حرم
بمیرد یا از هم جدا شوند و بعضی گویند اجلش نزدیک آمده باشد اگر بیند که
گوش او کر شد چنانکه هیچ نشنید و نتوانست دلیل بر فساد دیانت او باشد
زیرا که شنوایی دلیل بر دین و دیانت بود جعفر صادق گوید دیدن گوش در
هشت وجه بود **اول** زن **دوم** دختر **سوم** دوست **چهارم** رفیق **پنجم**

پس **ششم** غلام **هفتم** مال و خواسته **هشتم** زر و سیم **گوشوار** ابن سیرین
گوید اگر بیند که هر دو گوش گوشوار داشت نزد مردم آرایش و جمال او افزون
شود اگر بیند که از هر دو گوش او مروارید گرانمایه آویخته بود دلیل که علم قرآن
بیاموزد و عالم و دانا شود اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در یکی دیگر نبود
علم و قرآن نیاموزد کرمانی گوید اگر بیند که در هر دو گوش گوشوارها داشت
دلیل که بزرگی و جاه یابد اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت
یکی از زر و یکی از سیم دلیل که زن را طلاق دهد جعفر صادق گوید دیدن
گوشوار در خواب بر چهار وجه بود **اول** زن و جمال و آرایش **دوم** آموختن
علم قرآن **سوم** بزرگی و جاه **چهارم** غم و اندوه سبب طلاق دادن زن **گوشک**
ابن سیرین گوید اگر بیند که در گوشکی شد دلیل که مال و خواسته بروی
جمع شود خاصه گوشکی از خشت خام و گل بود اگر گوشک از گچ و آجر
بود مال یابد اما در دین نقصان بود اگر بیند که پادشاه گوشکی بوی داد
مال از پادشاه حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند که گوشک او خراب شد
مال و نعمت او تلف شود اگر بیند که آتش در گوشک افتاد پادشاه او را
مصادره کند جعفر صادق گوید دیدن گوشک در خواب بر هشت وجه
بود **اول** نعمت **دوم** ولایت **سوم** مرتبت **چهارم** ریاست **پنجم** بزرگواری
ششم پادشاهی **هفتم** رامش **هشتم** شادی و خرمی بقدر بلندی و نیکویی
گوشک **گوگرد** ابن سیرین گوید گوگرد در خواب غم و اندوه بود و در دیدن
گوگرد خیر و منفعت نباشد **کودک** دانیال گوید کودک در خواب غم
و اندوه باشد اگر بیند که کودک شده بود و در کتاب پیش معلم چیزی می
خواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود زیرا که کودک صلاح از فساد

نماند بعضی از معبران گفته اند اگر خود را کودکی بیند کارش ضعیف گردد
ابن سیرین گوید اگر بیند که کودکی بریان کرده بودند و پیش او نهادند و میخورد
دلیل که از وجه چیز بسیار یابد و ان کودک را با احتشام تمام رسد کرمانی گوید کودک
خوب روی بنا و بار فرشته بود و کودک زشت روی منفعت اندک باشد اگر
مردی بیند که کودک شیرخواره شده بود از مقصود باز ماند اگر بیند که
کودک را شیر میدهند دلیل که او را در زندان کنند یا در خانه بر و بسته کنند
اگر بیند که زن او کودکی شیر میداد وقت زادن بسلامت بود کوه دانیال
گوید اگر خود را بر کوهی بلند بیند و داند که ان کوه ملک اوست دلیل که
مردی بزرگوار او را در پناه خود گیرد اگر بیند که کوه را از جای بر کند مردی
بزرگوار او را قهر کند اگر بیند که در کوه مقام ساخت از مردی بزرگوار
بزرگی و عزت یابد اگر بیند که بر بالای کوهی می شد بقدر ان بزرگی و
جاه یابد بعضی از معبران گویند اگر بیند که بدشواری ببالا می شد
رنج و غم بدو رسد اگر بیند که از کوه بزیر آمد بزرگی و جاه او نقصان
شود اگر بیند که بر سر کوهی راست بایستاد بقدر بلندی کوه جاه و
حرمت یابد اگر بیند که بر سر کوهی مقام کرد در پیش پادشاه مقرب
شود ابن سیرین گوید اگر بیند که بر کوهی نماز کرد یا بانگ نماز میداد
کار او نیکو شود مغربی گوید بر بالا شدن کوشک یا کوه دلیل که مقصودی
که دارد بیابد اگر بیند که بزیر امد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بر
دامن کوه بیفتاد اندوهگن شود اگر بیند که در دامن کوه نماز میکرد
کاری کند که موافق دین باشد اگر بیند که در کوه با وی مردی بود
از کسان پادشاه دلیل که از پادشاه بزرگی و حرمت یابد اگر بیند که کوه

بجنبید و بعد از ان قرار گرفت مردی بزرگ در ان جا رنجور شود و شفا یابد اگر
بیند که کوه می کند و کندن کوه بروی آسان بود دلیل که عطا روزی یابد
اگر بیند که کوه از خاک بود او را بر بهتری خسیس طمع باشد اگر بیند که بر
کوه قاف نشسته بود دلیل که اجلش نزدیک بود اگر بر کوه طور سینا بود
پادشاه بروی اعتماد بود و مرادش حاصل شود اگر بیند که بر کوه عرفات
بود توبه کند و از گناه پشیمان شود اگر بیند که در کوه لبنان بود دلیل که
با علما و صلحا صحبت دارد اگر بیند که بر کوهی تاریک بود او را بیم هلاک بود
اگر بیند که بر کوهی اندر شد اجلش نزدیک بود یا بزندان گرفتار شود
اگر بیند که بر کوهی روشن بود از پادشاه مال یابد اسمعیل اشعث گوید
اگر بیند که در کوهی خراب که درو سنگها افتاده بود و بدشواری می
رفت و تیر می انداخت دلیل که او را از پادشاه ستمگر بیم بود اگر بیند که
در میان دو کوه می رفت و تیر می انداخت دلیل که در میان دو مرد بزرگ
توسط کند اگر بیند که تیر همه انداخت سخن صواب گوید اگر بد انداز و خطا
گوید اگر بیند که در کوهی سوراخی بود و در ان سوراخ شد دلیل که از
راز پادشاه آگاه شود اگر بیند که از ان سوراخ چیزی بیرون آورد از پادشاه
عطا یابد بقدر انچه بیرون اید حافظ معبر گوید اگر بیند که از کوهی ببالا
شد بخدمت مردی بزرگ مشغول گردد و اگر بیند که از کوهها سنگ بر
می گرفت و هر جا می انداخت دلیل سخن بزرگ گوید یا دبیری کند و نامها
پراکنده بدو رسد اگر بیند که از کوهها دیگر سنگ می انداختند و او بر
می گرفت و بر کوه می نهاد دلیل که مالها پراکنده جمع کند اگر بیند که کوه را
بر کنار گرفته بود دلیل که خود را بر کسی بزرگ بندد و از وجه منفعت یابد

باید اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که مرادش بر نیاید اگر بیند که در کوه نردبانی
بسته بود از گچ و آجر و از آن نردبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود حاصل شود
اگر نردبان از گل و خشت خام بیند نیکوتر باشد و اگر نردبان از رسن بیند بد باشد
اگر از آهن بیند قوت باشد و اگر از یخ بیند مقصودش بر نیاید اگر بر سر
کوهی بلند ایستاده بود خاص و مقرب پادشاه شود یا معتمد رئیسی بزرگ
شود و مال بسیار یابد جعفر صادق گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه
باشد اول پادشاهی دوم دلیری سوم ظفر چهارم بلندی پنجم رئیسی یافتن

گوهر

ابن سیرین گوید گوهر در خواب زن با جمال توانگر بود اگر بیند که گوهری
داشت زن را طلاق گوید و میان ایشان جدایی افتد اگر بیند که گوهر بسیار
داشت مال بی قیاس حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که گوهری میفروخت
دلیل که بشغل از نازه دابند و دلیل که دلالی کند اگر بیند که بعضی از آن گوهر
سوراخ داشت و بعضی سوراخ نداشت دلالکی دختران دوشیزه کند و زنان
مغربی گوید گوهر سفید در خواب فرزند بود اگر بیند که گوهری سفید
داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق گوید دیدن گوهر در خواب
بر هشت وجه بود اول مال بزرگ دوم علم مشهور سوم فرزند معروف
چهارم چیزی گرانبها پنجم زن با جمال ششم سخن مفید هفتم خیر و برکت
هشتم کار نیکو چون خداوند خواب مستور بود اگر مستور نباشد بشیمانی بود
و بدان که گوهر فروش بتاویل خداوند دین و علم و حکمت بود

کوچه

ابن سیرین گوید اگر بیند که در کوچه آبادان بود دلیل که چیزی و منفعتی بدو رسد خاصه
که کوچه مردم صالح باشد اگر خلاف این بیند شر و مضرت بدو رسد مغربی
گوید اگر بیند که در کوچه فراخ مقیم شد دلیل که کارها بروی گشاده شود

و روزی بروی فراخ گردد و خرم و شادمان شود و اگر بخلاف این بیند
کارها بروی بسته شود و روزی بروی [illegible]

کوی

ابن سیرین گوید
اگر بیند که پادشاهی کوی می زد بر دشمنان ظفر یابد اگر مردی عالم بیند
که کوی می زد با کسی جنگ و خصومت کند و نیز سخنهای ناخوش شنود
مغربی گوید کوی زدن مردم سپاهی را نیک باشد و غیر سپاهی را بد
ابن سیرین گوید گیاه تازه در خواب دین بود و نعمت و روزی فراخ اگر
بیند که در میان گیاه تازه مقیم شد در راه دین ثابت قدم باشد اگر بیند که
بر تن وی گیاه رسته بود یا درختی از تن او بر آمده بود دلیل که جنبی و نعمت
یابد اگر بیند که بر تن او گیاه رست که چشم او کور کرد یا گوش او را کر کرد دلیل
که اندامی از تن وی افگار شود و اگر مرده را در گیاه تازه مقیم بیند حال
مرده نیکو باشد کرمانی گوید اگر جمع کند و بخانه آورد از سفر مال و نعمت
بخانه آورد اگر بیند که گیاه را از خانه بیرون ریخت دلیل که مال را بخسران
تلف کند اگر بیند که گیاه میخورد بیمار شود اگر بیند که گیاه بکسی داد نقد
از معیشت و روزی بروی فراخ شود جعفر صادق گوید دیدن گیاه
در خواب بر شش وجه بود اول مال دوم دین سوم فرزند چهارم
ولایت پنجم ششم نیکویی

کیسه

دانیال گوید اگر بیند که در کیسه چیزی
داشت از درم و دینار و مثل این بقدر آن معیشت و روزی بروی فراخ گردد
اگر بیند که کیسه وی تهی است دلیل بر تنگی و بیچارگی حال وی باشد و بعضی
گویند اگر کیسه تهی بیند اجلش نزدیک باشد و نامش از دنیا گم گردد
ابن سیرین گوید اگر بیند که کیسه پیش مردی مجهول بنهاد با مانت دلیل که
امانت بازبیند اگر بیند که کیسه پیش مردی معروف بنهاد دلیل که وی را

با کسی خصومت افتد زیرا که اصل درم خصومت است چنانکه یکی پیش
امیر المومنین علی ابن ابی طالب رضی الله عنه امد گفت کیسه در خواب دیدم گفت
کیسه در خواب تن مردم بوذ اگر در کیسه هیچ نیافت دلیل که نوا ز دنیا برید
کرده اگر بیند که کیسه خود نگونسار کرد تا هرچه در وی بوذ بیرون آمد
دلیل که ذکر وی در میان خلق منقطع کرد کرمانی گوید اگر کیسه خود
دریده بیند راز وی آشکارا شود اگر بیند که کسی خود را بدوخت راز
وی پوشیده ماند اگر بیند که کیسه تهی مهر نهاد سخن دروغ پنهان
دارد اگر بیند که کیسه بادرم ضایع شد دلیل که کسی را بند دهد و نشنود
اگر بیند که کیسه خود بزن داد یا کنیزک دلیل که دل وی با کسی مشغول شود
اگر بیند که کیسه او واشگونه بوذ عیال تنگدل با کسان دارد اگر بیند که کیسه
وی سرگشاده بوذ و درمها بریخته دلیل که از خصومت فارغ شوذ و بعضی
از معبران گویند اگر در کیسه درم برهنه بوذ اگر بازرگان بوذ مفلس شوذ
و اگر پادشاه بوذ از ملک بیفتد جعفر صادق گوید دیدن کیسه تهی در
خواب بر سه وجه بوذ **اول** تن مردم **دوم** راز نهان **سوم** درویش
شدن **کبسو** ابن سیرین گوید کبسو ها در خواب دلیل که عز و جاه یابد
کسی که اهل کبسو باشد مثل سادات و زنان و توانگر را دلیل بر مال و پادشاه را
دلیل بر ولایت بسیار و رعیت را بر فرزند خاصه مستوی بوذ و علما را
و اهل تصوف دوستی گرفتن بوذ با اهل پیغامبر صلی الله علیه و سلم
کبک ابن سیرین گوید کبک در خواب دشمن ضعیف بوذ اگر بیند که
کبک وی را بگزید دلیل که از دشمن سختی شنوذ که وی را خوش نیاید اگر
بیند که کبک بگرفت دشمنی را قهر کند اگر بیند که کبکان بسیار روی

جمع شدند و می گریزند دلیل که در زبان عوام افتد و از آن مضرت بیند
زیرا که کبک خون مردم خورد و خون بتاوبل مال بوذ مغربی گوید اگر بیند که
وی را کبک در گوش یا در بینی شد و زحمت داد بقدر آن او را مضرت
رسد **کبیکج** چیز بوذ ابن سیرین گوید دیدن و خوردن وی غم و اندوه
بوذ اگر بیند که کبیکج داشت یا کسی بوی داد اندوهگن شوذ اگر بیند که
کبیکج خورد غم و اندوه صعب بوذ اگر بیند که کبیکج بکسی داد دلیل
غم و اندوه بوذ و درد دیدن او هیچ نفع نبوذ **حرف اللام لباجه**
ابن سیرین گوید لباجه دیدن در خواب نیکویی و باشد که زن بوذ خاصه
سبز بوذ اگر لباجه سمور یا سنجاب بیند دلیل که بنا کنیزک مردی یابد یا
مغربی گوید اگر بیند که لباجه سبز داشت وی را از مردی دیندار با امانت
منفعتی رسد اگر بیند که لباجه سفید داشت دلیل که از مردی مصلح
توانگر او را نفعی رسد اگر بیند که لباجه سرخ داشت یا کسی باو داد و در
پوشید از مردی معاشر بقدر او را منفعت رسد اگر لباجه زرد دارد
بیمار گردد اگر لباجه کبود بیند که پوشیده بوذ اندوه و مصیبت یابد اگر
لباجه سیاه بیند اگر قاضی و خطیب بیند خیر و نیکی بوذ و اگر بخلاف
این بیند بی حرمتی و مضرت باشد اسمعیل اشعث گوید لباجه دیبا
نقصان دین بوذ و زنان را شادی و خرمی و لباجه عنابی زنان و مردان را
نیک باشد خاصه آنکه سفید بوذ و فراخی لباجه دلیل بر خیر و منفعت
کند و تنگی لباجه نقصان مال جعفر صادق گوید پوشیدن لباجه کرباسین
و پشمین زنان و مردان را بر چهار وجه بوذ **اول** زنان نیک **دوم** امانت
داری **سوم** صلاح کارها **چهارم** خیر و منفعت **لباس** ابن سیرین گوید اگر

کسی بخواب بیند که لباس تابستان بزمستان پوشیده بیند دلیل که مالش
زیادت شود اما ترسی عظیم بدو رسد لیکن انجامش نیک باشد اگر زنی
بیند که لباس مردان پوشیده بود خیر و منفعت بدو رسد اگر زن بیند
که سلاح مردان پوشیده داشت خیری بشوهر وی رسد کرمانی گوید
اگر کسی لباس خود بتر از آن بیند که در بیداری دلیل که کارش بد بود اگر
بهتر بیند کارش نیکو شود اگر بر تن خود لباس مهتران بیند مهتر شود و اگر
لباس فاسقان بر تن خود بیند گناه بسیار کند اگر بیند که لباس سلاطین
داشت حالش قوی گردد و کارش به نظام گردد کرمانی گوید اگر بیند که
لباس سلاطین داشت از پادشاه خیر و منفعت رسد اگر لباس علما
پوشیده داشت دلیل که از علم بهره یابد اگر لباس صوفیان پوشیده داشت
دنیا دست بدارد اگر لباس توانگران داشت بجمع کردن مال حریص بود اگر بیند که
لباس جهودان یا ترسایان داشت دلیل که میلش بایشان بود جعفر صادق
گوید لباس در خواب بر هفت وجه بود **اول** دین پاک **دوم** توانگری **سوم**
عز و جاه **چهارم** منفعت **پنجم** عیش خوش **ششم** عهد نیکو **هفتم** علا
خواهد **لبها** ابن سیرین گوید لبها تبار و یار دلیل بود بر یاری در حاجات
و لب زیرین بهتر از بالا باشد و بعضی از معبران گفته اند دل لب در تاویل
قرابت و خویش بود اگر بیند که لب بالا او زجای بیرون شدن دلیل که
مال وی زوال یابد و لب زیرین همین تاویل دارد و گویند زنش بمیرد و اگر
بیند که لب بالا او ببریدند زن را طلاق دهد یا زن وی را هلاک کند اگر
هر دو لب خود افتاده بیند وی را مصیبتی رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند
غماز بود اگر لبهاء خود را دردمند بیند غمگین و مستمند شود اگر بیند که

لبها بر هم دوسیده بود و باز نتوانست گشود دلیل که کارش بسته گردد اگر
زنی بر لب خود خالی سیاه بیند دلیل که عز و جاهش زیادت گردد معبری
گوید اگر بیند که لب خود بدندان گزید خسته گردد و دیدن لب که در میان خو
یشان
وی خصومت افتد چنانکه بیم هلاک بود اگر بیند که لبها او اماسیده بود دلیل
که مال وی زیادت شود اگر بیند که لبها او سرخ بود سخن روا گردد اگر لبها
او سبز یا سفید بیند بسبب دوستان غم خورد اگر بیند که لبهاش سست و ضعیف
شده بود حالش بد شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل پسران
بود و لب زیرین دلیل دختران بود **لحاف** ابن سیرین گوید لحاف در خواب
زن بود اگر بیند که لحاف نو داشت زن خواهد اگر بیند که لحاف نو بخرید دلیل
که کنیزک دوشیزه بخرد اگر بیند که لحاف او ضایع شد زن را طلاق دهد اگر بیند که
لحاف او دریده و چرکن بود عیالش سلیطه و ناسازگار بود معبری گوید اگر
بیند که لحاف سبز نو داشت زنی خواهد دیندار توانگر اگر بیند که لحاف
سفید بود آن زن توانگر و سازگار بود و پارسا اگر لحاف سرخ بیند زنش
طرب دوست بود اگر زرد بود زنش بیمار گونه گردد اگر لحاف سیاه بیند
زنش عالمه پارسا و زاهده باشد اگر لحاف بلون بیند زنش فریبنده و مکار بود جعفر
صادق گوید لحاف در خواب دیدن چون نو بود بر سه وجه بود **اول** زن
عالمه **دوم** کنیزک دوشیزه **سوم** عز و جاه **لرزیدن** ابن سیرین گوید اگر بیند
که سر وی می لرزید از حاکمش رنج رسد اگر بیند که گردنش می لرزید در اما
داری ضعیف بود اگر بیند که قفاش می لرزید دلیل که بر بیت او اعتقاد را
نشکی ندارد اگر بیند که دستها او می لرزید تنگ معیشت بود اگر بیند که سینه
وی می لرزید سخنی که بشنود با او هکن شود اگر بیند که شکم وی می لرزید

ازمودی که قوت و پناه وی بود رنجی بدو رسد اکر بیند که جمله اندامهاش می
لرزید سبب مرادی که در پی ان بود رنج و سختی بیند دانیال کوید لرزیدن
اندامها ترس و بیم بود جعفر صادق کوید لرزیدن اندامها در خواب بر چهار وجه
بود اول ضعف احوال دوم ترس و بیم سوم غم و اندوه چهارم مضرت و بیماری
لرزیدن ابن سیرین کوید اکر بیند که اسمان لرزید در ان دیار فتنه و ظلم بسیار
شود اکر بیند که افتاب یا ماهتاب لرزید دلیل که باذشاه آن دیار را رنج و
مضرت رسد اکر بیند که ستارکان لرزیدند دلیل که فتنه و آشوب در نزدیکان
باذشاه افتد اکر بیند که زمین می لرزید دلیل فتنه و آفت بود اکر بیند که کوهی
می لرزید باذشاه ان دیار مضرت رسد مغربی کوید اکر بیند که عرش می لرزید دلیل
بر فساد و بی دیانتی علما بود اکر بیند که لوح و قلم می لرزید دلیل بر بدحالی این
بود و اهل قلم اکر بیند که هفت آسمان می لرزید دلیل که خشم و عذاب خدای
تعالی بود بر اهل ان دیار سبب فساد اکر بیند که ماه و افتاب جمله ستارکان می
لرزید دلیل بر جنک و خصومت باذشاه ان دیار باشد و قتل و خون ریختن اکر بیند که
کوشک یا سرای باذشاه لرزید دلیل که آفت و محنت باهل ان موضع رسد اکر بیند که
که تن وی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد دین بود لشکر ابن سیرین کوید اکر بیند که
لشکر در جایکاهی بوذ یا فرا رسید باهل آن موضع را رنج و کزندی رساند دلیل که
ان موضع را هیچ کزند نرسد اکر بیند که لشکر اراسته دید با سلاح تمام دلیل بر قوت
و نصرت ان شهر که لشکر انجا بود و بر قوت باذشاه بود که لشکر از ان وی بود
اکر لشکر بی سلاح بود دلیل بر عجز و ضعف مردم آن شهر و آن باذشاه جعفر
صادق کوید دیدن لشکر در خواب بر پنج وجه بود اول ملک دوم سیاست سوم
با نعمت چهارم خصومت و جنک پنجم بلا و محنت لعل ابن سیرین کوید لعل

در خواب بزن و کنیزک با جمال باشد اکر بیند که لعلی داشت فرا کرفت یا کسی بدو داد و او
بخرید دلیل که زنی بدین صفت که کفتیم خواهد یا کنیزکی یا کنیزه خرد اکر زنش باشد
دختر زاید با جمال لطیف صورت اکر بیند که لعل بسیار داشت بنده از مال حاصل
کند دلیل که در دین بکرت بود مغربی کوید اکر بیند که کسی اشنا لعل با وی بدو داد بعدد
و قیمت ان زنی خواهد و اکر از خویشان خود اکر بیند که مرد بیکانه او را بار لعل
داد زنی مجهول خواهد بدین صفت که کفتیم اکر بیند که زنی جوان لعل بدو داد
دلیل که وی را دختری خوب روی اید اکر بیند که کنده پیری لعل بدو داد مال دنیا
حاصل کند جعفر صادق کوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود اول زن
دوم کنیزک سوم نعمت چهارم مال دنیا و ذخیره لعوق لیسیدن بود ابن سیرین
کوید اکر طعم ان شیرین بود و بوی آن خوش دلیل بر خیر و منفعت کند چون لعوق
انار و لعوق بادام و لعوق جلغوزه و خشخاش و انجه بدین ماند اکر تلخ و ترش بود
و بوی ناخوش دلیل بر شر و مضرت کند مغربی کوید لعوق بخواب دیدن هر چه شیرین
بود خیر و منفعت بود و انجه ترش بود بخلاف این لفاح الشامه دستنبویه بود
ابن سیرین کوید دستنبو اکر بیند که می خورد بیمار شود و اکر بکسی داد ان کس بیمار
شود اکر بیند که لفاح بوی میکرد سخنهای خوش شنود اکر بیند که لفاح بسیار
داشت مال یابد جعفر صادق کوید دیدن لفاح در خواب بر شش وجه بود
اول سخنهای خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم
غلام لقلق ابن سیرین کوید لقلق در خواب مردی بود با حسب و نسب و آز
و عاقبت اندیش اکر بیند که لقلق را بکرفت یا کسی بدو داد دلیل که وی را با مردی
بدین صفت که کفتیم صحبت افتد اکر بیند که لقلق بکشت دشمنی بر وی بدست
وی هلاک شود اکر بیند که لقلق با وی سخن کفت دلیل که کاری کند که مردم را

از آن عجب آیذ و از مهتری او را منفعت رسذ اگر بیند که لقلق بر بام وی نشست
مهتری بخانه وی درآیذ اگر بیند که لقلق از دست وی بپرید دلیل که از صحبت
مردی دهقان جدا ماند اگر بیند که گوشت لقلق بخورد یا بیند از مال دهقانی
خورد جعفر صادق گوید دیدن لقلق در خواب بر چهار وجه بود اول مرد
دهقان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم عزبی و درویش لقمه
نواله بود ابن سیرین گوید اگر بیند که لقمه از طعام شیرین در دهان وی نهادند
آنکس سخنی خوش شنود گوید یا از زنهادان و خویشان کسی بفرود هذا اگر بیند که آن
لقمه از طعام ترش و غلیظ بود تأویلش بخلاف این بود مغربی گوید اگر بیند که
لقمهٔ لذیذ شیرین در دهان او نهادند دلیل که از سخن کسی در بلا افتذ اگر بیند
که آنکس که لقمه در دهان وی نهاد مصلح بود بقدر آن مال حلال یابذ و اگر
مفسد بود مال حرام یابذ اگر بیند که کسی لقمه گرم در دهان او نهاذ دلیل که آن
سخن کسی در بلا افتذ اگر بیند که لقمه در گلوی وی آسان همی شد تأویلش
خلاف این بود جعفر صادق گوید لقمه در دهان نهاذن در خواب بر سه
وجه بود اول بوسه داذن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر
لقمه لقوه ابن سیرین گوید اگر بیند که روی او از علت لقوه کج شده بود
نزد مردم خوار و حقیر شود اگر بیند که درویش با کین و نیکو بود دلیل که وی را
عزیز و گرامی دارند جعفر صادق گوید لقوه در خواب دلیل منافقی بود که با
مردم سخن نهان گوید اگر بیند که لقوه شده بود دلیل آشکارا شدن علت
و نقصان دین وی لگام ابن سیرین گوید اگر بیند که لگام وی بگسست
یا ضایع شد دلیل که بزرگی و شرف او نقصان شود اگر بیند که لگام بر سر
داشت چنانک اسبان باشد دلیل که روزه دارد و از گناه توبه کند امیر

المومنین علی کرم الله وجهه فرموده که هر کس که بد سگال تر بود لگامش
در دهان بود مغربی گوید لگام در خواب بر سر مرغ شک بود که پیوسته
بفرمان خواجه بود و بر سر اسب نادیدن نبود و گویند لگام سند و خواب را
ادب و فرهنگ باشد جعفر صادق گوید لگام در خواب بر سه وجه بود اول
شرف و بزرگی دوم روزه داشتن سوم ادب و فرهنگ باشد جعفر صادق
گوید لگام فروش در خواب تدبیر و ولایت باشد و راست کننده کارها لگد
ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را لگد زد از وی یا خویشان وی زیان رسد
اگر بیند که اسب وی را لگد زد دلیل که در شرف و بزرگی وی نقصان پدید آید
و بعضی از معبران گویند عیال او را بهانه مشغول کرد مغربی گوید اگر بیند
که لگد زد کسی وی را بسبب زنان و هکذ و متفکر شود اگر بیند که کنده پری
مجهول او را لگد زد دلیل که مالش تلف شود اگر بیند که اشتر وی را لگد
زد از مردی محتشم زیانش رسد اگر بیند که خود را لگد زد در کارش خلل
پیدا شود اگر بیند که استر وی را لگد زد در سفر وی را رنج و مضرت رسد
اگر بیند که گاو وی را لگد زد در آن سال وی را زیان رسد جعفر صادق گوید لگد
زدن در خواب بر چهار وجه بود اول نقصان شرف دوم مضرت سوم غم
و اندوه چهارم فساد عیال لک ابن سیرین گوید اگر بیند که لک داشت
از کسی فرومایه بدو منفعت رسد اگر بیند که لک بر آتش دود میکرد دلیل که
نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد اگر بیند که لک همی خورد غمگین و متفکر
شود اگر بیند که کاری در دست داشت و بلک محکم میکرد دلیل که میان دو کس
مصالحت و پیوند کند لوبیا ابن سیرین گوید لوبیا اگر کسی در خواب بیند در وقت
ویا وقت پخته و خام دلیل بر غم و اندوه بود لوح محفوظ ابن سیرین گوید لوح

بتاویل عالم را امانت بوذ که مال خوذ در راه خود هزینه کند کرمانی کویذ لوح محفوظ
بتاویل علم قرآن وحکمت باشذ مغربی کویذ اکر لوح محفوظ کوچک وحقیر بیند
دلیل که حال وی بذ شوذ اکر بیند که قلم داشت وبلوح محفوظ چیزی می نوشت
دلیل که کارش نیکو کردذ اکر بیند که قلم او بلوح محفوظ می رفت دلیل که وی را
با باذشاهی بزرگ شغل افتذ ودر آن فرمان شوذ اکر بلوح محفوظ نام خوذ
نوشته بیند اجلش نزدیک آمذه باشذ جعفر صادق کویذ لوح مکتب که کودکان
از وچیزی آموزند دیذنش در خواب بر شش وجه بوذ اول زیارت دوم
بس سوم علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم وحکمت بوذ لوزینه
ابن سیرین کویذ اکر بیند که لوزینه بشکر در دهان نهاذ از کسی سخن لطیف شنوذ
اکر بیند که لوزینه بسیار خورد بقدر آن مال ونعمت حاصل کنذ اکر بیند که لوزینه
بکسی داذ اورا سخن خوش کویذ یا از بهر وی کاری نیکو کنذ مغربی کویذ لوزینه
خوردن در خواب دلیل که مال ونعمت حلال وی را روزی شوذ اکر بیند که لوزینه
بجوذ بکسی داذ دلیل که از وی بذان کس مال ونعمت رسذ اکر بیند که لوزینه داشت
وضایع شذ یا کسی ببرد ازو بقدر آن نقصان مال بوذ لنگ شذن ابن سیرین کویذ
اکر بیند که لنگ شذه بوذ دلیل که در کارها که طلب کنذ از شر وخیر ضعیف
بوذ وتوانایی ندارذ وبعضی معبران کویند که اکر کسی خوذ را لنگ وحقیر در
خواب بیند دلیل که بچشم خویشان خوار وحقیر کردذ کرمانی کویذ اکر کسی
خوذ را لنگ بیند دلیل که شکسته دل بوذ ودر بزرگ ومقصودش بر نیایذ
بکارها چنین کردن اکر بیند که خوذ را عمدا لنگ ساخت از کسی یاری خواهذ
که مردم بروی اعتماد کنند ومرادش حاصل شوذ اکر بیند که قاصد خوذ لنگ
ساخت دلیل که بظاهر بر کسی اعتماذ کند واز اعتمادش حقیقتی نبوذ مر

کویذ اکر کسی خوذ را بذو پای لنگ دیذ چنانک بدو دست چوب کرفته بوذ وبی
رفت دلیل که بشغل کذخذایی درویش وعاجز ودرمند بوذ واعتماد کدخذایی
خویش عرضه کرده بوذ اکر بیند که از بهر خاری که پای وی رفته بوذ راست نی
توانست رفت دلیل که از شر آنکس ایمن کردذ اکر بیند که در هر دو پای وی خار بوذ
و پایها او اماسیذه بوذ وبهی لنگیذ دلیل که دشمن بروی حسد برد ومال وجاه
او زیادت شوذ اسمعیل اشعث کویذ اکر لنگ بخواب بیند که پای او درست
شذ چنانک بهی لنگیذ دلیل که کارها بسته بروی کشاذه شوذ ومرادی که نا
امیذ شذه باشذ بیابذ وکارش بر نظام کردد لنگیذن در خواب بر پنج وجه بوذ
اول سستی زن کارها دوم نامرادی سوم درویشی چهارم غم واندوه پنجم
نقصان عیش لوید در خواب خذمتکار خانه بوذ که اصلش ترسا بوذه باشذ
اکر بیند که لویدی از مس بوذ اصلش جهود بوذه باشذ اکر بیند که لویذی
بزرگ درست بوذ خذمتکارش مصلح وبا امانت باشذ اکر بیند که کهنه بوذ
وکوچک وحقیر تاویلش بخلاف این باشذ اکر بیند که لوید بشکست
خذمتکار او بمیرد کرمانی کویذ اکر بیند که لوید او سوراخ شذه بوذ خذمتکارش
بیمار شوذ اکر بیند که لوید بر آب صافی بوذ از خذمتکار وی بذو خیر ومنفعت رسذ
اکر بیند که لویدش بر خوردنی بوذ بقدر آن خیر ومنفعت یابذ از خذمتکار لیمو
ابن سیرین کویذ اکر لیمو بوقت یا بی وقت بخواب بیند چون زرد باشذ دلیل رنج
وبیماری بوذ وچون سبز بوذ اندوه وغم کمتر بوذ ودرد یذن وخوردن لیمو
چنین بوذ حرف المیم مار ابن سیرین کویذ مار در خواب دشمن
بذخواه بنهانی بوذ اکر بیند که مار در خانه وی بوذ دشمن خانکی بوذ اکر بیند
که مار در صحرا بوذ دشمن بیکانه بوذ اکر بیند که با مار جنگ ونبرد میکرد با

خصومت کند اگر بیند که مار بروی چیره شد دشمن بروی ظفر یابد
و اگر بیند که او را مار گزید از دشمن مضرت و گزند یابد اگر بیند که مار را بکشت
دشمن را قهر کند اگر بیند که گوشت مار بخورد بقدر آن مال دشمن خورد و چیزی
بیند اگر ماری بدو پاره کرد از دشمن خود داد بستاند اگر بیند که هر دو نیمه
مار را فرا گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت
وی را کاری عجب پدید آید که از آن کار خرم گردد اگر بیند که مار با وی بزشتی
و تندی سخن گفت دشمن بروی ظفر یابد اگر ماری مرده بیند حق تعالی شر
و آفت از وی بگرداند بی آنکه شری بوی رسد اگر بیند که مار مطیع وی بود
جاه و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که مار سفید بود و او را فرو گرفت دلیل
که ظفر و جاه یابد اگر بیند که مار ازو بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بود
بر ضعیف دشمن اگر بیند که ماری سیاه بود و دیگر ماران با او بودند دلیل
لشکری بود اگر مار سبز بود دلیل که دشمنی دین دار با امانت بود اگر مار
زرد بود دشمن بیمار گون بود اگر مار سرخ بیند دشمن طرب دوست و معاشر
باشد اگر بیند که مار پایها داشت دشمن قوی و دلاور باشد اگر بیند که مار
بسیار پیش وی جمع شده بودند و گزند نرسانیدند دلیل که خویشان خود
جمع شده بیند و نزدیکان خود دشمن بسیار باشند و لیکن مضرتی از ایشان
نه بیند اگر بیند که مار سرها و دندانها داشت دشمن وی کینه دار و دلیر
بود مغربی گوید اگر بیند که مار از بینی یا از گوش یا از پستان یا از ناف یا از
قضیب یا از مقعد او بیرون آمد فرزند دشمن او باشد اگر بیند که مار از دهان
ن آمد سخنی گوید که ویرا در آن زیان باشد اسمعیل اشعث گوید اگر مار
دشمن ضعیف باشد و مار سیاه دیدن لشکر و سرهنگ باشد

که
اگر بیند که از ثعبان میگریخت و مار او را ندید دلیل از آن دشمن رهی یابد اگر بیند که
مار او را بگرفت و گزند نکرد دلیل بزرگی یابد و از دشمن ایمن شود خلف
اصفهانی گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که از گنجهای ملوک
گنجی یابد اگر بیند که از آستین وی مار بجهد مدعی زنش دشمن باشد
اگر بیند که مار را بکشت و خون او در خود مالید مال دشمن یابد اگر بیند که
مار بر بستر خود بکشت زنش بمیرد اگر بیند که مار از گریبان یا از دامن
او بیرون آمد و بزمین فرو شد هلاک شوند و خانه مار بخواب دشمن
ضعیف بود جعفر صادق گوید دیدن مار در خواب بر ده وجه بود اول
دشمن پنهانی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم اسفهسلاری
ششم دولت هفتم زن هشتم مرگ نهم لبس دهم سیلاب بود مارقیشا
ابن سیرین گوید مارقیشا در خواب دلیل بر رنج و مضرت بود و بیماری
و دیدن او چنین باشد مارزیون ابن سیرین گوید مارزیون در خواب
دیدن بوقت وی بی وقت غم و اندوه باشد و خوردن وی نقصان مال
و هلاک تن بود خوردن دیدن او چنین باشد مازو ابن سیرین گوید اگر بیند
که از درخت مازو جمع میکرد دلیل که برنج و سختی مال حاصل کند اگر بیند
که بخروار مازو داشت دلیل بر مال مکروه کند اگر بیند که مازو میخورد چیزی
حرام خورد اگر مازو زرد بیند بیماری بود و اگر سبز بود غم و اندوه جعفر
صادق گوید دیدن مازو در خواب بر چهار وجه بود اول مال مکروه دوم
غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی در کارها ماست ابن سیرین
گوید خوردن ماست ترش غم و اندوه بود و ماست شیرین در خواب خیر و منفعت
بود دانیال گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل کند اگر بیند که ما ادا

وبخورد بقدر ان مال حاصل کند خاصه چون شیرین بود و اگر بیند که ماست
از مسکه بیرون آورد بقدر ان ویرا مال حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که
ماست شیرین خورد مال یابد و ماست ترش غم **ماش** ابن سیرین گوید
اگر بیند که ماش پخته بود و بخورد دلیل که خبری بد و رسد و اگر خام
خورد از هکر شود اگر بیند که ماش بمردم داد و در خانه نکذاشت پی غم
کرد کرمانی گوید دیدن ماش در خواب اگر تر باشد و اگر خشک و خام
و پخته غم و اندوه بود و اگر نخورد غمش کمتر بود **ماکیان** مرغ خانگی بود ابن
سیرین گوید بخواب خادم بود و کنیزک و بچگانش اگر بیند که مرغ خانگی
بخرید یا کسی بوی داد بنده خرد یا خدمتکاری به مزد گیرد اگر بیند که مرغ
خانگی پی قیاس داشت ریاست و سروری یابد اگر بیند که گوشت ماکیان
خورد بقدر ان مال و نعمت از خادمان حاصل کند اگر بیند که ماکیان بکشت
دلیل که فرزندش یا فرزند غلام و کنیزک ببلایی گرفتار شود کرمانی گوید
اگر بیند که خایه ماکیان بیافت دلیل که ویرا دختری اید یا مالی از خادمان
حاصل کند مغربی گوید ماکیان در خواب زنی با جمال بود و ماکیان
سیاه بهتر از ابلق و اگر بیند که ماکیان در خانه او خایه کرد از زنی مالی یابد
اگر بیند که ماکیان در خانه او همچون خروس بانگ کرد سخنی ناخوش شنود
اسمعیل اشعث گوید بچگان ماکیان در خواب بر سه وجه بود **اول**
زن با جمال **دوم** کنیزک **سوم** خادم خانه **ماميرا** ابن سیرین گوید ماميرا در
خواب دلیل بیماری بود و اگر بیند که خورد بیماری سخت تر بود مغربی
گوید اگر بیند که ماميرا در چشم کرد از بهر درد چشم دلیل که او را از بهر
نکاری کند که ویرا از ان خیر و ثواب حاصل شود **ماهیا** ابن سیرین

شاه

ماهیا در خواب اگر بوقت بیند و اگر بی وقت دلیل غم و اندوه بود و
دیدن ماهیا بخواب چنین باشد **ماه** دانیال گوید ماه در خواب وزیر پادشاه
یا وزیر خلیفه بود اگر بیند ماه از اسمان فرو گرفت یا ویرا ملک خود دید
دلیل که مقرب پادشاه یا وزیر گردد اگر بیند که با ماه جنگ و نبرد میکرد
دلیل که با وزیر جنگ و خصومت کند اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد وزیر
پادشاه گردد اگر بیند که نور از ماه بستد از وزیران منفعت یابد اگر بیند که ماه
از اسمان فرو گرفت و نور و شعاع نداشت و تیره و تاریک بود دلیل که
از غمها فرج یابد اگر بیند که ماه تیره و تاریک بود و بجای خود نبود دلیل که
وزیر پادشاه بکاری محتاج او گردد ابن سیرین گوید دیدن ماه بخواب
دلیل بر پادشاه کند خاصه ماه بدر بود اگر بیند که ماه بدو نیم شد
دلیل که پادشاه یا وزیر هلاک شود اگر بیند که ماه دیگر بار درست شد
دلیل که مردم از وی تظلم کنند و داد خواهند اگر بیند که ماه با وی سخن
گفت دلیل که ولایت یابد اگر بیند که دو ماه با یکدیگر جنگ کردند دلیل که
دو پادشاه با یکدیگر جنگ و خصومت افتد اگر بیند که از ان دو ماه یکی بیفتاد یا
پاره شد یا ناقص نور گشت دلیل که از ان دو پادشاه یکی از پادشاهی بیفتد مغربی
گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار خود گرفته بود دلیل که زن خواهد
اگر ماه هلال بیند ان زن با اصل و نسب از وی کمتر بود اگر ماه یک نیمه باشد ان
زن که خواهد از موالی زادگان باشد اگر ماه بدر باشد زن از و با اصل و نسب تر
بود اگر این خواب زن بیند او را شوهری خواهد بدین سان که گفته شد
اگر بیند که ماه روشن و با کرم بود که بر امد و در خانه وی تافت دلیل که زن
خواهد اگر بیند که در خانه کسی دیگر تافت از ان خانه زن خواهد و از ایشان منفعت

یابد اگر بیند که ام بچیزی نور ماه بپوشانید دلیل که پادشاه بر وزیر متغیر گردد اگر
بیند که ماه منخسف شد حال پادشاه بد باشد یا وزیر معزول گردد اگر ماه را گویند
اگر ماه بدر و منور بیند در موضع خویش و نورش در صفا بر خانه وی تافت اهل
آن خانه را از وزیر یا از پادشاه خیر و منفعت بیند اگر ماه بدر بیند لیکن تاریک
دلیل که از پادشاه رنج و مکروه رسد اگر بیند که ماه هلال از مطلع خویش برآمد
لیکن نزار و لاغر و نورش زیادت شد تا بدر گشت دلیل که در آن موضع از وی فرزندی
آید که پادشاه یا وزیر شود اگر بیند که ماه هلال از موضع خود افتاد ازوی فرزندی
آید یا کاری صعب بیفتد که مردم را از آن کار غم و اندوه باشد و بعضی از معبران
گفته اند اگر کسی را ماه در خواب بیند پادشاه آن دیار را پسری آید اگر ماه تا
زایل نور بیند آن پسر را زندگانی دراز بود اگر ماه را بدر نه بیند عمرش میانه بود اگر
ماه را ناقص بیند بخدمت وزیر پادشاه مشغول گردد اسمعیل اشعث گوید اگر
بیند که ماه را بدست گرفت یا بکنار وی آمد دلیل که وی را فرزندی آید عالم و دانا اگر
این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند دلیل که فرزندش پادشاه شود اگر بیند که
ماه و آفتاب و جمله ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل که بیننده
خواب هلاک شود و اگر مصلح بود در غم و اندوه افتد و یا بیند که بیمار گردد و
سرانجام شفا یابد جعفر صادق گوید ماه در خواب بر هفده وجه بود اول پادشا
دوم وزیر سوم ندیم چهارم رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم
کنیزک غلام هشتم کار باطل نهم والی دهم عالم مفسد یازدهم مهتر و
بزرگواری دوازدهم پدر سیزدهم مادر چهاردهم زن پانزدهم فرزند شانزدهم بزرگواری
ماهی دانیال گوید ماهی در خواب دیدن در دریا کم میسر بلا و محنت بود و در
دریا سر دست تاویل علاقه این بود و چون ماهی تازه و بزرگ بسیار بیند دلیل

مال و غنیمت کند اگر ماهی خرد بیند غم و اندوه بود اگر بیند که در شکم ماهی مروارید
یافت او را پسری آید ابن سیرین گوید اگر ماهی خشک شور کسی بوی داد دلیل که از
پادشاه یا از بزرگی وی را مضرت رسد اگر ماهی شور و خرد بیند دلیل که غلامی
رنج و غم بوی رساند و بعضی از معبران گفته اند که ماهی شور بریان کرده بتاویل
سفر بود در طلب علم یا صحبت مهتری و خوردن ماهی خرد خصومت باشد اگر بیند که
از دریا ماهی گرفت بزرگ دلیل که از اهل پادشاه کسی زن خواهد که مال بسیار
دارد اگر بیند که چیزی از اندام ماهی یافت چون گوشت و استخوان یا آنچه در
شکم ماهی باشد بقدر آن مال یابد یا غلام خرد یا خیر و برکت یابد معبری گوید
ماهی تازه بریان کرده بخواب مال و غنیمت بود زیرا که ماهی تازه بریان کرده
طعام بهشت است و بر آن خوان بود که از آسمان از بهر عیسی علیه السلام آورد قوله
تعالی ربنا انزل علینا مائدة من السماء اگر بیند که از دهان وی ماهی بیرون آمد او را
دختری آید اگر زنی بیند که از دهان زوجه ماهی بیرون آمد اندوهگین شود اگر بیند که
از دریا ماهی میگرفت از مردی بزرگوار مال و نعمت یابد اگر بیند که ماهی تازه
پخته میخورد بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که ماهی
و وسی میکرد دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد اگر بیند که ماهی از حوض
یا جوی میگرفت دلیل که از مردم عامه بمکر و حیلت چیزی بستاند اگر بیند که ماهی
دریا همه با او بجنگ درآمدند از پادشاه آشکارا شود جعفر صادق گوید دیدن
ماهی دریا در خواب بر شش وجه بود اول وزیر دوم لشکر سوم دختر دوشیزه
چهارم غنیمت غم و اندوه پنجم کنیزک هندو ششم ابن سیرین گوید
ماهی خوار در خواب زن بود اگر بیند که ماهی خوار بگرفت یا کسی بوی داد زن
خواهد اگر بیند که ماهی خوار از دست وی بپرید یا ضایع شد زن را طلاق دهد

اگر بیند که گوشت ماهی خام همی خورد بقدر آن مال از زهر بنیه کند مغربی گوید
ماهی خام بناو بر اغم و اندوه باشد **مبرد** سوهان باشد اگر بیند که مبردی
داشت و زنگ آهن بدان می زدود دلیل که کاری مشکل بدو گشاده شود خاصه
که آهن ملک او باشد اگر بیند که آهن روشن با کیزه چیزی می زدود کاری کند
که در آن مضرت و زیان بیند و بعضی گفته اند مبرد سخن زهر و لطیف باشد
اگر بیند که مبرد وی بشکست یا ضایع شد آن کار که طالب آن باشد بر دست
وی بصلاح نیاید مغربی گوید اگر بیند که آلتی از آلتهاء خانه مس یا آهن
همی روشن کرد دلیل که چیزی از و بخادم خانه او رسد یا شغل افاد شر بسبب
او بصلاح آید **مطهره** ابن سیرین گوید اگر بیند که مطهره نو داشت دلیل که در
سفر وی را خیر و منفعت رسد اگر بیند که مطهره کهن و دریده بود تاویل بخلاف
این باشد جعفر صادق گوید مطهره در خواب بر سه وجه بود **اول** سفر **دوم**
مال **سوم** بنده کانی **منشه** ابن سیرین گوید اگر بیند که چوبی با دیرخنی را
بمنشه سوراخ میکرد دلیل که بمکر و حیلت از چیزی بستانند و بعضی از معبران
گویند مقصود بر خاصل نشود مغربی گوید اگر بیند که بمنشه اندام کسی سوراخ
میکرد دلیل که بمکر و کید کسی را به بلا افکند **مجلس علم** اگر بیند که بمجلس علم
نشسته بود و عالم بر کسی قران میخواند و تفسیر قران و اخبار و توحید میگفت
دلیل که در آنجا یگاه عمارتی محکم کنند بقدر درستی خواندن اینها
که گفتیم اگر بیند که عالم بر کسی شعر و غزل میخواند دلیل که کاری کند که
خلاف شریعت باشد مغربی گوید اگر بیند که در مجلس علم می گریست
دلیل که بر کاری که از دینی شادمان کردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که
غمگین گردد اگر بیند که او را در مجلس علم حال بد بنا اند و سهو شر سد

چنانک عقل از وی برفت دلیل که کاری وی را پیش کمد دران سر گشته و متحیر شود
و سر انجام بخیر بود **مجلس شراب** ابن سیرین گوید اگر بیند که بمجلس شراب با حریفان
بعشرت و خوردن شراب مشغول بود دلیل که بفساد و هوای نفس و حرام
خوردن مشغول شود اگر بیند که در مجلس شراب بود و شراب نمیخورد
دلیل که بفساد و حرام رضا دهد اگرچه خود نکند اگر بیند که در مجلس
شراب مطرب و چنگ و چغانه بود وی را غم و اندوه رسد و باشد که با کسی
خصومت کند، و بدانک مجمره عود سوز بود و شرح آن در عین گفته ایم
مجمره ابن سیرین گوید مجمره بخواب زنی پاک دین عالمه بود اگر بیند که
مجمره داشت زنی عالمه بزن کند و از و خیر و منفعت یابد اگر بیند که مجمره بشکست
یا ضایع شد زنش بمیرد و اگر زن ندارد از خویشان او زنی عالمه بمیرد جعفر
صادق گوید اگر بیند که از مجمره چیزی می نوشت اگر آیه نوشت از قران
یا نامها خدای تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح و منفعت کند اگر بخلاف
این بیند دلیل بر شر و فساد بود **محراب** ابن سیرین گوید اگر بیند که در محراب
نماز میکرد وی را بشارت بود بفرزند صالح چنانک حق جل و علا در کلام
قدیم خویش در قصه زکریا علیه السلام فرموده **و هو قایم یصلی فی
المحراب ان الله یبشرک بیحیی مصدقا بکلمة من الله** اگر بیند که نماز
بوقت خویش کرد دلیل که فرزندان وی را بصلاح بود اگر بیند که در محراب
نشسته بود دلیل که بنماز کردن کاهل شود کرمانی گوید اگر بیند که محراب
را عمارت میکرد خیر و صلاح دینی یابد اگر بیند که در محراب اسباب ساختن میکرد
دلیل که او را فرزندی بود عالم و امام و بعضی گویند مال خود هزینه کند جعفر
صادق گوید دیدن محراب در خواب بر پنج وجه بود **اول** امام مسجد **دوم**

بادشاه سوم قاضی چهارم محتسب پنجم میانجی مردمان مخنث
ابن سیرین گوید اگر بیند در خواب که مخنث شد و بزینت زنان خود را بیاراست
بقدر آن وی را ترس و بیم بود و او را آفت و بلا رسد اگر بیند که جامهٔ زنان
از تن بیرون کرد و جامهٔ مردان بپوشید و بحال مردان باز آمد دلیل که از
ترس و بیم و کار و بلا ایمن گردد مغربی گوید اگر بخواب بیند که مجالست با
مخنثان داشت دلیل که با مفسدان اختلاط کند اگر بیند که در میانه ایشان
مقیم نبود دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود مداد ابن سیرین گوید
مداد در خواب طلب کردن معیشت بود و یا فقر مراد اگر بیند که مداد دار
کسی بستد یا بخرید بقدر آن معیشت بر وی فراخ شود اگر بیند که مداد از وی
ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که مداد بر جامهٔ او
ریخت دلیل که او را زیانی رسد و اگر دبیر بود مهتری یابد جعفر صادق گوید
دیدن مهتری در خواب بر پنج وجه بود اول مهتری دوم رامش سوم معیشت
چهارم شادی پنجم پند دهنده بود و ناصح بود و سوگند دهند چنانک
حق تعالی در کلام قدیم فرموده ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر
مردم باشد دادن اگر بیند که مردم را پند می داد وی را شادی رسد اگر بیمار بود
شفا یابد و اگر دشمن دارد قهر کند ابن سیرین گوید اگر بیند که مردی را
پند می داد که در آن پند صلاح دین و رستگاری آخرت بود دلیل که خیر
دینی و دنیاوی او باشد و اگر پند دهنده دیو بود او را بخدای تعالی پناه
باید بردن تا وی را از شر و فتنه نگاه دارد منی آب نشاط بود که چون
کسی شهوت بازی کند اول آب مذی از قضیب بیرون آید ابن سیرین گوید
دیدن آن در خواب شادی و خرمی بود بقدر آب که دیده باشد مرجان

ابن سیرین گوید مرجان در خواب زن بود یا فرزند اگر بیند که مرجان بخرید
یا کسی بوی داد زنی خواهد که او را فرزندی بود اگر بیند که مرجان
از وی ضایع شد زن را طلاق دهد کرمانی گوید مرجان در خواب فرزند بود اگر
سرخ و خوب بیند فرزند خوب روی باشد و اگر مرجان و جواهرها بسیار
بیند بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق گوید مرجان در خواب
بر چهار وجه باشد اول زن یا فرزند دوم زینت سوم جمال چهارم مال از
جهت خادم مرد معروف ابن سیرین گوید اگر مرد معروف در خواب بیند در بیداری
همچنان بیند یا بهم نام وی یا کسی که مانند او باشد اگر مردی مجهول بیند و جوان
بود دلیل که دشمن وی باشد اگر پیری مجهول بیند بخت وی باشد و خیر
و بزرگی یابد اگر جوانی معروف بیند که مویش سفید بود دلیل بر دیانت
و آهستگی و پاکدینی بود اگر پیری معروف بود که مویش سیاه بود تاویلش
خلاف این بود کرمانی گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادتی
دیانت و آهستگی و نیکویی وی در دین اگر مردی جوان را بیند از بزرگی
او را زحمت و کراهیت رسد اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخنی سرد
گفت دلیل که با مردی همچنان در خصومت افتد و بر وی ظفر یابد اگر بیند که
کودک شده بود دلیل که کاری کند بجهل که همه وی را ملامت کنند اگر مردی
بیند که زن وی قضیب داشت چنانک مردان دلیل که وی را پسری آید
که مهتر اهل بیت گردد اگر مردی بیند که وی افرج بود دلیل بر ذل و خواری
و احوال بد وی جعفر صادق گوید دیدن مرد پیر در خواب بخت مردم
باشد و دیدن مرد جوان مکر و حیلت و جز مکروه بود مرداسنگ ابن سیرین
گوید مرداسنگ در خواب بیماری بود اگر بیند که مرداسنگ می خورد

بیمار شود چنانک بیم هلاک بود اگر بیند که مرداسنگ کسی داد یا بخرید سخت
از رنج و بیماری شود و مرداسنگ زرد بیماری و اندوه بود جعفر صادق
گوید دیدن مرداسنگ در خواب بر سه وجه بود اول رنج و غم دوم
بیماری سخت سوم غریبی و شکنجه **مردن** دانیال گوید اگر بیند که بمرد
و مردم بروی میگریستند و زاری میکردند تا وی را بشستند و بر کفن
پیچیدند یا بر جنازه نهادند یا در گور کردند این جمله فساد بود در دین
وی بکرانک بیند که او را دفن کردند و خاک بر گور وی کردند و مردم از سر گور
او باز گشتند دلیل که دین او هرگز بصلاح نیاید و بعضی گفته اند اگر
بیند که بمرد و او را بر جنازه نهادند و جنازه او بر گرفتند و خلق بسیار
از پس جنازه وی می رفتند شرف و بزرگی یابد و فرمان روان گردد
اما بر ایشان ظلم کند. اگر بیند که مرده بود و زنده شد دلیل که گناهی
که کرده باشد از آن توبه کند و بعضی گویند عمرش دراز بود اگر بیند که کسی
وی را گفت تو هرگز نمیری در غزا شهید شود اگر بیند که بمرد و کسی بروی
نمیگریست و از پس جنازه وی کس نبود دلیل که آنچه از خانه او خراب
شده هرگز آبادان نشود اگر خود را مرده بیند بگورستان در میان مردگان
و چنان دانست که او مرده است دلیل که سفر کند با مردمان جاهل ابن
سیرین گوید هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک حق سبحانه و تعالی
چگونه است نگاه کند تا حال وی بنزدیک اهل صلاح دین از مردگان چگونه است
اگر بیند که از مردگان صالح کسی او را در خواب بشارة می داد و با وی
سخنان نیکو میگفت و گشاده روی بود حال وی نزدیک حق جل و علا
نیکو باشد و اگر مردگان سخن ناخوش با وی گفتند و روی از وی بگردانیدند

حال وی نزدیک حق تعالی بد است معبری گوید مرگ مفاجا در خواب دیدن
دلیل بود بر راحة مؤمن و عذاب کافر و مرگی که مفاجا نبود فساد دین بود
و هر چند جان کندن صعب تر بیند عذاب و عقوبت سخت تر بود اگر بیند
که بمرد و کسی وی را بشست دلیل که تایب گردد اگر بیند که قومی از پس جنازه
وی در هوا می شدند بزرگی از آن شهر در سفر بمیرد کرمانی گوید اگر بیند
که بمرد و وی را بر جنازه نهادند و خلق در پس جنازه وی می رفتند
بقدر خویش ولایت و بزرگی یابد اما اگر آن مرده بر جنازه گران بود
دلیل بر مردم قهر و ستم کند و اگر بر جنازه سبک بود با خلق نیکویی کند
اگر بیند که مرده بر کتف یا بر پشت داشت دلیل که مال حرام یابد اگر بیند که
زنی بمرد و او را بر تخت چوبین بستند و آن تخت را بر کتف نهادند و می بردند
دلیل که بخدمت پادشاه رود و از منفعت و راحت یابد اگر بیند که بمرد
و زنده شد دلیل که آن شهر خراب گردد اگر مرده را بیند که دیگرباره بمرد دلیل
که از فرزندان او کسی بمیرد اگر بیند که فرزندی از آن او بمرد توانگر شود و
بر دشمن ایمن شود اگر بیند که پدر یا مادر وی بمرد کارش شوریده
شود اگر زنی بیند که آبستن بود و بمرد و مردم بر وی میگریستند این زن را
پسری آید اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مرده دیگرباره بمرد و بمرگ وی
فغان نبود بلکه آهسته میگریستند دلیل که از اهل بیت وی یکی را زنی
خواهند و شادی و خرمی بود اگر بیند که بمرگ وی زنان و مردان فغان
می داشتند و نوحه میکردند دلیل که اهل بیت وی را غم و اندوه رسد اگر
زنی بیند که بمرد و وی را بشستند و بر جنازه نهادند سخت نیک بود و اگر بیند که
دفن کردند بد باشد **مرده دیدن** کرمانی گوید اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که

حال وی نیک بود خاصه مرده را شاد و روی گشاده بیند اگر زنده را مرده
بیند و ترس وی غمگین شود اگر کسی پدر خود را که مرده است زنده و خرم و
گشاده روی و با جامه پاکیزه بیند دلیل که دولت و اقبال یابد و کارش ساخته
گردد اگر مادر خود زنده بیند از غمها فرج یابد و کارهای وی نظام گیرد اگر زنی را
زنده بیند از غم فرج یابد اگر زنی بیند که شوی وی زنده شد دلیل که غایب
از سفرش باز آید اگر بیند که مردی بیگانه زنده شد دلیل که احوال
خویشان آن مرد نیکو گردد و اگر بیند که زنده بمرد تاویلش بخلاف این باشد
اگر بیند که مرده را زنده کرد کافری بدست وی مسلمان شود معبری گوید
اگر کسی مادر و پدر خویش ترش روی و با جامها چرکن بیند دلیل که اقبال
و دولت وی نقصان شود و غمگین و مستمند گردد زیرا که مرده در سرای
حق است بهر صفت که کسی مرده در خواب بیند دلیل بر احوال زنده بود
اگر کسی پدر و مادر در خواب بیند با مادر و پدر گشاده روی و با جامها پاکیزه
دلیل که مال و نعمت بسیار یابد اگر برادر خود را زنده بیند بدین صفت
که گفتیم دلیل که شرف و جاه و بزرگی وی زیادت شود اگر بخلاف این باشد
تاویلش بخلاف این باشد ابن سیرین گوید اگر کسی مرده را بخواب بیند
زنده و پرسد که تو مرده بودی و گوید نه بلکه زنده ام دلیل که احوال مرده
سخت نیک باشد در آن جهان و حق تعالی از وی خشنود بود قوله تعالی
ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم
یرزقون فرحین بما آتاهم الله من فضله این آیت دلیل است بر آنکه هر چه مرده
گوید راست گوید اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانه وی در آمد و بنشست
دلیل که صدقه و دعا بوی می رسد جعفر صادق گوید اگر بیند که مرده در خانه

خویش در کنار گرفت دلیل که تندرست و بسلامت شود و اقبال و دولت یابد
و اگر آن مرده خویش اوست دلیل که دعا و صدقه خواهد و از وی چشم دارد
اگر کسی مرده را از اهل بیت خویش شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی
بر خرمی و شادی بود اگر مرده را غمگین و ترش روی بیند تاویلش بخلاف
این بود اگر بیند که از اهل بیت خود مرده بیند که در روی جست و با وی
جنگ و مناظره میکرد یا روی از وی بگردانید دلیل که آن مرده وصیت
کرده باشد و بجای نیاورده باشد اگر بیند که مرده خندان سوی وی
می آمد دلیل که دعا و صدقه بدو رسیده و اگر بخلاف این بود در حق
مرده تقصیر کرده باشد اگر بیند که مرده با وی سخن نیکو گفت دلیل که
حال وی نیکو گردد و اگر سخن بد گفت یا وی را وصیت کرد تاویلش بد باشد
و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا وی را موعظه کرد و پند داد
دلیل بر خیر و صلاح و دین و دیانت خداوند خواب بود و اگر مرده را
بهتر و نیکوتر از آنکه در حال زندگی بود بیند و جامه پاکیزه داشت
دلیل که خاتمت کارش بر خیر و صلاح و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند
آن مرده را از عذاب خدای تعالی ایمن باشد و عاقبتش محمود بود حافظ
مجبر گوید اگر مرده را دست در کنار وی آورد و او را در کنار گرفت دلیل
که عمرش دراز بود اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت باید که بیننده
از بهر وی صدقه دهد و وی را بدعا یاد دارد اگر مرده را ترش روی بیند
و غمناک دلیل که گناه کار و عاصی بود اگر بیند که مرده بخندید و دیگر باره
بگریست دلیل که آن مرده نه بر مسلمانی مرده باشد اگر مرده را سیاه روی
بیند دلیل که کافر مرده باشد فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم

يوم ياتيكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

اگر مرده را بیند با جامهٔ پلید و در ماندە بیند دلیل که حال مرده بد باشد
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مرده نماز بود دلیل که آن مرده در زندگی
استغفار بسیار کرده باشد و بعضی از معبران گفته اند مرده بجای طاعت
ثواب است دلیل که بینندهٔ خواب بنماز و طاعت کردن کاهل بود اگر مرده را
دید که در انجا نماز کردی دلیل که مرده با دین بوده و زنده در صلاح
و عافیت باشد **چیزی دادن مرده** دانیال گوید اگر کسی بخواب بیند که مرده
برا چیزی از متاع دنیا داد دلیل که چیزی بدو رسد که امید ندارد اگر
بیند که مرده از خوردنی و آشامیدنی چیزی بدو داد و بخورد دلیل که
روزی حلال یابد و اگر نخورد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که مرده
از جامهٔ خود چیزی بدو داد و در پوشید دلیل که وی را غم و سختی رسد
در نفس و مال و اگر جامه را نپوشید بلکه همچنان مرده در پوشید
دلیل که از دنیا رحلت کند ابن سیرین گوید اگر بیند که دو جامهٔ شسته
مرده بدو داد از ان جامه که او پوشیده داشت و در پوشید و باز بیرون
کرد و بمرده داد و مرده در پوشید دلیل که کسی از اهل بیت وی بمیرد
و اگر ان جامه که از تن وی بیرون کرد و بمرده داد و بر وی هیچ زیان نبود
بلکه مالش زیادت شود اگر بیند که جامهٔ خود بمرده داد و مرده را
گفت جامه بدوز یا بشوی یا نگه دار دلیل که غم و اندوه بدو رسد اگر
بیند که مرده جامهٔ خود بعاریت داد و دیگر باره از وی طلب میکرد دلیل
که ان مرده را کردار بد باشد اگر بیند که مرده جامهٔ کهنه بدو داد دلیل
که خداوند خواب درویش و بینوا گردد اگر بیند که مرده جامهٔ نو بدو

داد دلیل عز و بزرگی بود اگر بیند که مرده وی را جامع قرآن داد یا کتاب فقه
یا آنچه بدین ماند دلیل که توفیق طاعات و خیرات یابد اگر بیند که مرده
جامهٔ سپید بهشت دلیل که از جامه گران شود اگر بیند که چیزی بمرده بخشید
و مرده از چیزی بستد دلیل که وی را مضرت و زیان رسد **نالیدن مرده** ابن سیرین
گوید اگر کسی مرده را بدحال و نالیده در خواب بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا
کرده باشد از وی سوال کنند اگر مرده را بیمار بیند وی را از دین و ایمان سوال
کنند اگر بیند که مرده از درد سر می نالید دلیل که در دنیا تکبر با خلق کرده و
از ان از وی سوال کنند و بعضی گفته اند از تقصیر که در حق مادر کرده و از ان
از وی سوال کنند اگر بیند که از درد دندان بنالید در دنیا خلق را غیبت
کرده از ان سوال کنند اگر بیند که از درد چشم همی نالید دلیل که در دنیا بر عیال
کسان نگاه کرد از ان سوال کنند اگر بیند که از درد گوش بنالید دلیل که در
دنیا عز سخن نابکار شنیده از وی سوال کنند اگر بیند که از درد دست
می نالید دلیل که آنچه در حق برادران و ابناء کرده باشند از وی سوال کنند
اگر بیند که از درد پهلو می نالید از آنچه در حق زنان کرده از وی سوال کنند
اگر بیند که از درد پشت می نالید دلیل که آنچه در دنیا در حق پدر و خویشان
کرده از وی سوال کنند اگر بیند که از درد عورت می نالید آنچه در دنیا
از فساد و زنا کرده از وی سوال کنند اگر بیند که از درد سر و ران می نالید
آنچه در حق خویشان کرده از وی سوال کنند اگر بیند که از درد ساق
می نالید و پایها دلیل که آنچه در دنیا کرده باشد از سفر و حضر سوال کنند
مجامعت با مرده جعفر صادق گوید مجامعت کردن با مرده که اصل این باب
است که چون با مرده مجامعت کند و از وی منی جدا نشود تاویل این خواب

صواب و درست آید و چون غسل واجب گشت تا و پلیش باطل آید اگر بیند که
سند که با زنی مرده معروف مجامعت میکرد دلیل که از آنجا که امید ندارد
حاجتش روا شود اگر بیند که با مادر یا خواهر خود که مرده بودند مجامعت میکرد
دلیل که صدقه و ثواب بجان مرده رسد اگر بیند که با مرده که اهل حرمت بود
مجامعت میکرد دلیل که از مال آن مرده چیزی بدو رسد اگر بیند که مرده را
بشهوت بوسه میداد دلیل که زن خواهد و آمیزی که دارد حاصل شود و بر
دشمن ظفر یابد و اگر بوسه بی شهوت میداد دلیل که از بهر مرده خیراتی
کند یا وی را بدعا خیر یاد دارد اگر بیند که با مرده مجامعت کرد از مال مرده
چیزی بدو رسد **از پس مرده شدن** کرمانی گوید از پس مرده که مصلح و پارسا
بود رفتن دلیل که راه او گزیند و اگر مفسد و فاسق بود سیرت و راه وی
گیرد و اگر نداند که مصلح یا مفسد بود و از پی او می شد بیمار شود و عاقبت
شفا یابد مغربی گوید اگر بیند که مرده بانگ کرد و جواب داد و مرده را
ندید دلیل که نوازد دنیا بود اگر بیند که از پس مرده بسرای مجهول
در شد دلیل که بمیرد و اگر گفت فلان وقت پیش من آی و گفت بیایم
دلیل که در آن وقت رحلت کند و گفته که مرده مصلح و راست گوی بوده
باشد اگر بیند که مرده او را بهم پیش خواند و او وی را منع نتوانست کردن
هم دلیل وفات بود اگر بیند که مرده بسرای خود خواند و او با مرده در
سرای نشد دلیل که بیمار شود و شفا یابد اگر بیند که مرده را به
بازار برد دلیل که کسب و معیشت وی نیکو شود اسمعیل اشعث گوید
اگر خود را در میان مردگان بیند دلیل که میان خلق امر معروف کند
و از وی نشنوند اگر بیند که با مرده دوستی گرفت دلیل که بسفر رود

و در آن سفر خرمی و شادی بیند اگر بیند که در میان مردگان بود چنانکه چون
او در میان زنده بود دلیل که با گروهی مجالست کند که دین ایشان بفساد
بود اگر بیند که گروهی مردگان طعام میخوردند دلیل که در آن موضع طعام
گران شود حافظ معبر گوید اگر بیند که کسی پاره از پس مرده بخورد دلیل که
گنجی از زمین بیابد اگر بیند که مردگان مجهول را بشمشیر گردن میزد اگر مرد
مصلح بود مردم بردست وی توبه کنند و از کردار بد باز گردند و بعضی از معبران
گفته اند با مردم بد مذهب مناظره کند و همه را بدلیل و حجت غلبه کند
جعفر صادق گوید اگر مرده را راه می نمود دلیل که راه حکمت و شریعت
یابد اگر بیند که مرده خود را می شست دلیل که خویشان او از غم و اندوه
رسته گردند اگر بیند که مرده را بر زمین می کشید دلیل که از کسب حرام مال
حاصل کند اگر بیند که مرده را برداشت مال حرام یابد اگر بیند که مردگان زنده
میکرد دلیل که پیشه دباغی بیاموزد اگر بیند که با مرده در یک خانه خفته
بود دلیل که عمرش دراز شود **جامها مرده** ابن سیرین گوید اگر بیند که مرده جامه
سبز پوشید دلیل که با شهادت از دنیا رفته باشد اگر بیند که جامه سفید
پوشیده بود دلیل که در جنتش نیکو باشد اگر بیند که جامه سیاه داشت حال
مرده بد باشد که جامه سیاه نار دوزخیانست اگر جامه سرخ داشت نیک
باشد اگر مرده جامه کبود یا زرد پوشیده بود بیننده خواب غم و مصیبت
رسد و اگر مرده جامه زنده بپوشید دلیل که بوقت زندگانی در میان ایشان
خصومت بوده و حق بجانب مرده بوده و اگر بخلاف این بیند حق بجانب زنده
باشد و بعضی معبران گفته اند زنده در خواب چون مرده را جامه پوشاند
دلیل که اجلش نزدیک باشد **پای کفن مرده** کرمانی گوید اگر بیند که کفن مرده

معروف برکند دلیل که در دنیا ظرافت آن مرده جوید اگر عالم بود بعلم و اگر مال
دار بود بمال و اگر بیند که مرده را کفن برکند و آن مرده در گور زنده بود دلیل
که حال آن مرده در گور نیک بود اگر بیند که مرده را کفن کرد دلیل که از خویشان
آن مرده یکی را جامه کند جعفر صادق گوید مرده در خواب بر سه وجه
بود اول مال دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین اگر بیند که مرده
در روی بنگریست دلیل که عمرش دراز بود و بیکن (?) در سرایش خللی افتد اگر بیند
که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بر وی ظاهر شود چنانکه اگر معزول بود
عمل یابد و اگر پادشاه بود علم و حکمت او زیادت گردد و امیدی که دارد روا
شود و از شغلی که طمع برید باشد باز یابد فاماته الله مائة عام ثم بعثه
مغربی گوید اگر بیند که مهتری یا عالمی زنده شد بود دلیل که مذهب و سیرت
وی زنده شود اگر نیک باشد نیک و اگر بد باشد بد اگر بیند که مرده وی را
در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود و کارش بالا گیرد اگر بیند که چیزی
بمرده داد دلیل که آن چیز عزیز شود اگر بیند که مرده چیزی میخورد نرخ آن
چیز گران شود و بعضی گویند آن مرده امرزیده شود اگر بیند که آن مرده از
وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد مرزنگوش
ابن سیرین گوید اگر بیند که مرزنگوش می بوئید وی را پسری مومن سالار (?)
آید که خداوند علم و فرهنگ باشد اگر بیند که مرزنگوش از جای خود برکند
دلیل که فرزندش بیمار شود اگر فرزند ندارد غم و اندوه بر رسد اگر بیند که
در زمینی که ملک او بود بسیار مرزنگوش رسته بود دلیل که وی را مردم مصلح
بسیار باشد کرمانی گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که از اهل
خانه او را زندار (?) بود اگر بیند که در زمین او درخت مرزنگوش سبز و خرم رسته

بود دلیل که کسی از اهل سنت دوستدار وی شود اگر بیند که از مرزنگوش
درد و رنج مرده باشد دلیل که آنکس معتقد و نیکبخت باشد مرغ ابن سیرین
گوید هر چند مرغ در خواب بزرگتر دلیل که همتش در آن کار که طلب کند
عظیم تر باشد اگر بیند که مرغان بسیار در جایی بانگ میکردند دلیل که
اهل آن موضع را غم و مصیبت رسد اگر بیند که خانه مرغ داشت دلیل
که وی را فرزندی آید کرمانی گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش
بلند شود اگر بیند که مرغ در دست وی بمرد اندوهگین شود اگر بیند که بار
بر پشت مرغی نهاده بود دلیل که بر آنکس که بمرغ منسوب است ظفر یابد اگر بیند
که مرغ بر سر و روی او نشسته بود دلیل که از کسی که بدان مرغ منسوب بود
مضرت بود اگر بیند که مرغی پاره گوشت از اندام وی ببرد دلیل که مال او وی ببرند
بستانند اگر بیند که گوشت اندام وی می برید و در پیش مرغ می نهاد دلیل که از مال
خود چیزی بخشد اگر بیند که مرغی پاره گوشت یا استخوان پیش وی افکند
دلیل مال باشد و بدانکه تاویل هر مرغی دلیل کند بدانکس که مرغ بدو منسوب بود
و این تاویل بیان کرده ابو مغربی گوید جوز و مانند مرغ خاص بود که غلام و کنیزان
زو شدا (?) جمیل الشعث گوید اگر بیند که مرغان مختلف در شهری جمع آمدند
دلیل که لشکری بیگانه آنجا رسد اگر بیند که مرغ چشمهای وی بکند دلیل که
از کسی در دین وی تباهی رسد مرغ آبی ابن سیرین گوید مرغ آبی در تعبیر بهتر از
مرغان دیگر است اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مال و
علم و بزرگی یابد و بکام دل برسد اگر بیند که مرغ آبی بسیار وی را جمع شد
بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید مرغ آبی بخواب معیشت
باشد اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بذو داد بقدر آن مال و بزرگی یابد

مس و استخوان وی سیم مال و نعمت بود جابر مغربی گوید اگر بیند که مرغ ابی
جامهٔ سیاه داشتند دلیل که در آنجا مصیبت و گریستن بود اگر بیند که بچهٔ
مرغ ابی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
گوید دیدن مرغ ابی در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم بزرگی سوم
ریاست چهارم فرمان روایی زیرا که مرغ ابی گاهی در هوا باشد و گاهی در
زمین و گاهی بر آب چنانکه خود خواهد این سبب است که هر که مرغ
ابی بخواب بیند همه مراد بیابد **مردمان** ابن سیرین گوید اگر بیند که بسیار
مردمان جامها سبز داشتند دلیل بر رامش و شادی و پاک دینی بود اگر
بیند که مردمان جامها پاکیزه سفید داشتند دلیل بر صلاح و نیک نامی
کنند و اگر مردمان دون بیند که جامهای سیاه و چرکن داشتند تاویل
بخلاف این بود و اگر جامهای کبود داشتند دلیل بر مصیبت و اندوه کنند
و جامهای فراخ و نو چون بر مردم بیند دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود
مرغزار ابن سیرین گوید اگر بیند که مرغزاری که جوهر سیاه های او نشناخت
دلیل اسلام و دین بود اگر بیند که در میان مرغزاری است و داند که آن
مرغزار ملک اوست دلیل کند بر دین پاک و اعتقاد وی بقدر مرغزار اگر بیند که
آن مرغزار ملک دیگر است و او تماشا میکرد دلیل که صحبت و مجالست
وی با نیکان و پارسایان و پاک دینان است اگر بیند که در مرغزاری خوب
می گشت دلیل که عیش بروی فراخ گردد و کار او منتظم گردد و عاقبت محمود
یابد کرمانی گوید مرغزار در خواب بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکویی
مرغزار اگر مرغزار سبز و پاکیزه بیند و داند که ملک اوست دلیل که
او را با مردی بزرگ پیوند بود و از و خیر و منفعت یابد اگر بیند که بوقت

بهار در میان مرغزار بود خوش و خرم و گلها و ریاحین بروی شکفته
بود و جوی و آب روان در آن می رفت دلیل که مرگ او با شهادت بود اگر
بوقت بهار مرغزاری معروف یا مجهول بیند که گل و ریاحین آن سبز شده بود
دلیل که او را با مردی بزرگوار صحبت افتد و آن مرد از خدم و حشم خویش
جدا مانده باشد اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان
و آن مرغزار از بیخ بکنند دلیل که پادشاه آن دیار را مرگ مفاجا رسد اگر
بیند که در مرغزار شد و آنجا شیر زد دلیل که پادشاه آن دیار ظالم
و ستمگر باشد و اگر در آن مرغزار گوسفندان دید دلیل که پادشاه را
مال بسیار شود و اگر در مرغزار گاو و خر بسیار دید دلیل که لشکری
عهد و بی وفا باشند و بر ایشان اعتماد نبود اگر بیند که از آن
مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت
رسد اگر بیند که از آنجا هیزم جمع کرد و بخانه برد دلیل که او را از پادشاه
رنج و سختی و منفعت رسد اسمعیل اشعث گوید مرغزار در خواب زن بود
اگر بیند که در مرغزاری سبز و خرم رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که زنی
ستیره خوب روی بزنی کند اگر بیند که مرغزار سبز و خرم نبود تاویلش
خلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن مرغزار در خواب بر هشت وجه
بود **اول** دین **دوم** اعتقاد **سوم** معیشت و نظام کارها **چهارم** پادشاه
پنجم مرد بزرگوار **ششم** خیر و منفعت **هفتم** زن **هشتم** یافتن مرادها **مرهم**
ابن سیرین گوید اگر بیند که مرهم بر اندام خسته یا ریشی می نهاد دلیل بر خیر
و کار صلاح دین او بود اگر بیند که مرهم می خورد چیزی حرام خورد تا اندوه
و مضرت بوی رسد اگر مردی بیند که مرهم بکسی داد برو زندان مردم خیر

رسانند معبّر گوید اگر بیند که مرهم بر اندام خسته یا ریش نهاد و آن مرهم گوشت
اندام وی خورد دلیل بر نقصان مال وی بود **مروارید** دانیال گوید مروارید در
خواب فرزند غلام یا فرزند کنیزک بود و ابن سیرین گوید مروارید در خواب
کنیزک خوب روی باشد یا زن با جمال اگر مروارید بسیار باشد چنانچه
چنانچه در شمار نیاید دلیل بر مال بسیار بود نقد مروارید و بعضی از معبران
گویند چون مروارید پراکنده بیند سخن علم و حکمت بود و بعضی گفته‌اند
دلیل بر پسران و دختران کند ابن سیرین گوید مروارید در خواب هم دلیل
بر زنان و پسران کند اگر بیند که مروارید بسیار داشت چنانچه در شمار
نیاید بقدر آن مال یابد اگر بیند که از دهان وی عقد مروارید بیرون
می‌آمد دلیل که از دهان وی کلام منظوم در علم و حکمت بیرون آید اگر بیند
که مروارید بخورد دلیل که علم نجوید و سخن حکمت را بپوشاند یا قرآن را
فراموش کند اگر بیند که در منزل یا در راه عقدها مروارید گسسته
داشت دلیل که وی را در علم و حکمت تصنیف بسیار بود و مردم از
کلام وی علم و دانش حاصل کنند اگر بیند که بجای هیزم مروارید آتش
می‌سوخت دلیل که علم و حکمت بسیار به مردم آموزد که سزای علم
نباشد اگر بیند که مروارید بسیار داشت و او عالم و دیندار و پارسا بود دلیل
بود بر زیادتی دین و دیانت وی و اگر توانگر بود مالش زیادت شود اگر
بیند که مروارید داشت دلیل که او را فرزندی خوب روی آید قوله تعالی
و اگر مروارید بر زنان بیند چنانکه از حد بیرون باشد دلیل که مال
بسیار حاصل کند اگر بیند که مروارید بفروخت دلیل که علم قرآن فراموش
کند اگر بیند که مروارید در دهان نهاد و فرو برد دلیل که حق تعالی که

او را علم و حکمت کرامت کند اگر بیند که مروارید بفروخت دلیل که علم
قرآن فراموش کند اگر بیند که مروارید در دهان نهاد و فرو برد دلیل که
حق تعالی او را علم و حکمت کرامت کند اگر بیند که مروارید بجای مجهول
بینداخت دلیل که در حق کسی کاری کند که آن کس قدر آن نداند اگر بیند
که عقد مروارید در دست بسته داشت دلیل که او را دختری آید معبّری
گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل که حق تعالی او را علم قرآن
و حکمت کرامت کند اگر بیند که از دهان وی یک یک مروارید گرانمایه
بیرون می‌آمد دلیل که سخنها نیکو کند چنانچه مردم از آن پسند کنند اگر
بیند که عقد مروارید از دست وی بیفتاد و بشکست دلیل که بباد
بگریزد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مروارید بسر گردن یا بجایی بلند
افکند دلیل که علم و حکمت در پیش مردم نادان گوید اگر بیند که مروارید
بآتش بسوخت یا بسنگ بشکست دلیل که بخلاف شریعت کاری کند
اگر بیند که مروارید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد اگر
بیند که مروارید از قضیب وی بیرون آمد و آن مروارید سوراخ نداشت
او را دختری آید اگر عقد مروارید بیند که در گردن بست دلیل که از هر گونه
علم و حکمت حاصل کند اگر بیند که عقد مروارید در گردن کسی بست
آن کس وی را علم و دانش آموزد اگر بیند که هر دو گوش مروارید گوشوار
ساخته بود دلیل که قرآن بزودی حفظ کند اگر بیند که بخروار مروارید
داشت بقدر آن مال و خواسته حاصل کند حافظ معبر گوید اگر بیند که مروارید
فروشی میکرد دلیل که آن کس مصلح و پارسا بود او را از هر علم بهره مند باشد
و اگر اهل علم بود وی را فرزند و مال بسیار حاصل شود جعفر صادق گوید

مروارید در خواب بر شش وجه بود اول قرآن دوم حکمت و فرهنگ
سوم مال خوب روی چهارم کنیزک با جمال پنجم فرزند نیک و مروارید
فروش در خواب فرزند و مال بسیار و علم و دین بود مزدوران ابن سیرین گوید
اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که ویرا با خویشان
یا با پادشاه خصومت افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی گوید اگر بیند که
در خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بر کاری صعب گرفتار شود و خداوند
خانه را با کسی خصومت افتد اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند
دلیل که غمگین و متفکر شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مزدوران در خانه
وی خاک همی کشیدند بقدر آن ویرا مال و نعمت حاصل شود اگر بخلاف این بیند
در مال وی نقصان پدید آید مژگان ابن سیرین گوید مژگان چشم در خواب
نگه داشتن دین بود اگر بیند که مژگان چشم وی فرو ریخت دلیل که در دین
وی فساد بود کرمانی گوید اگر بیند که مژگان چشم وی می جنبید دلیل
که بیمار شود اگر بیند که مژگان باز کوتر گشت بقدر آن زیان مال بود جعفر
صادق گوید دیدن مژگان در خواب اول نگاه داشتن دین دوم دوست
موافق سوم مال و روزی چهارم خرجی بر فرزندان فی الجمله هر خیر و شری
که در مژگان بیند دلیل بر چهار وجه بود مزورها ابن سیرین گوید
مزورها چون ترش و ناخوش نبود و در آن چربی بود دلیل بر خیر و منفعت
و شادی کند و چون ترش و ناخوش بود دلیل بر غم و اندوه و مضرت بود
مس ابن سیرین گوید مس از جنس جهودان باشد اگر بیند که مس داشت
بقدر آن ویرا مال حاصل شود کرمانی گوید اوانی مسی چون مشربه و آفتابه
و مانند بدان ماند جمله خدمتکار بود از نسل جهودان و دسته و چراغ

پایه و باب زن و تیغه بدان ماند جمله کدخدای سرای بود کرمانی گوید اگر
بیند که مس می گداخت و صافی و پاکیزه کرد دلیل که کاری مشکل بر دست
وی گشاده گردد و گوید مال حلال و بی رنج بدست آورد مستی ابن سیرین
گوید مستی در خواب مال حرام بود و کاهلی کردن در نماز خواندن و موافق قوله
تعالی یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة و انتم ابن سیرین گوید اگر مستی
در خواب چون از شراب بود ترس و بیم عظیم بود بقدر مستی جعفر صادق
گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود اول مال حرام دوم توانگری سوم
ناتوانی و نقصان مال چهارم ترس و بیم بقدر مستی مسجد ابن سیرین گوید
مسجد آبادان بنا و یا مردی عالم بود که مردم بنزد وی بسیار آیند از بهر صلاح
قوله تعالی و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا اگر بیند که مسجد بنا کرد دلیل
که از بهر مسلمانان چیزی بیکی جمع کند که ویرا از آن اجر و ثواب بود یا قومی
بر دین و شریعت وارد مغربی گوید بنا مسجد نهادن زن خواستن بود اگر بیند که
مسجدی بنیاد همی کرد اگر بنیاد تمام کرد زن حلال بخواهد و آن زن دین دار
و پارسا بود و اگر به سبب زن مستور و پارسا گردد اگر بیند که چراغ مسجد میکشت
دلیل که نور نماز بمیرد اگر بیند که در مسجد جامع نشسته بود و پیرامون وی
سبزی و گلها رسته دلیل که در وی گناهان بود که در وی نباشد کرمانی
گوید اگر بیند که کسی از مسجد ویرا باز داشت دلیل که آن کس بر وی ستم کند
اگر بیند که در مسجد نماز میکرد و رویش سوی قبله نبود تاویلش بد بود
اگر بیند که در مسجد روی و دست می شست دلیل که در آن مسجد مال خود
هزینه کند و مرادش حاصل شود اگر بیند که مسجدی خراب شد عالمی بمیرد
اسمعیل اشعث گوید بنا کردن مسجد در خواب خواهش بود و جمع شدن

مردم ضلالت و با بصلاح بودن و غیبت کردن اعدا قوله تعالی
قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدا اگر بیند که جایگاهی از ملک
او مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را بحق دعوت
کند اگر بیند که با قومی بمسجد رفت زنی ستیره بزنی کند اگر بیند که در مسجد
چراغی بر افروخت دلیل که وی را فرزندی صالح آید اگر بیند که در مسجد
مکه یا در مسجد مدینه درون شد دلیل که از همه ترسها ایمن گردد
جعفر صادق گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود اول
پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب
هفتم موذن هشتم قیم مسجد نهم امین دهم خیر و برکت یازدهم زن
خواستن دوازدهم نیکویی کردن اگر بیند که مسجد آذینه می آراست دلیل که
مردم عالم را بخیر و برکت یابند و اگر بیند که مسجد عمارت میکرد دلیل
بود بر درستی ایمان اگر بیند که در مسجد شد دلیل که از آنچه ترسد ایمن
شود ومن دخله کان آمنا وبالله التوفیق سبح ابن سیرین گوید اگر
بیند که سبح مونه می کرد دلیل که او را فرزندی عالم فاضل آید و صد مر تابع
او شوند معبری گوید اگر بیند که سبح مونه میکرد دلیل که بسفر رود و در آن
سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام شود مسکه ابن سیرین
گوید اگر روغن نان بود مال و نعمت حلال بود اگر بیند که مسکه فرا گرفت
یا کسی بوی داد و آنرا بخورد بقدر آن مال و نعمت حلال حاصل کند
کرمانی گوید مسکه در خواب دلیل که وی را مال و نعمت حاصل کند و مسکه
گاو دلیل که سال بر وی مبارک بود و بعضی مسکه وی را خیر و برکت باشد
و مسکه بز خوردن در خواب دلیل که از مهتری خیر و برکت یابد فی الجمله

مسکه هر جانوری که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال حلال بود جعفر
صادق گوید مسکه در خواب خوردن دلیل بر چهار وجه بود اول مال حلال
گواهی دادن براست دوم علم و دانش سوم معیشت نیکو چهارم ابن سیرین
گوید اگر مسلمانی بخواب بیند که دیگرباره مسلمان شد دلیل که از بلاها
و آفتها ایمن گردد اگر کافری بیند که مسلمان شد حق تعالی وی را مسلمانی
کرامت کند اگر بیند که مسلمانی بکافری گفت که مسلمان نیستی دلیل که کار او
راست و مستقیم کرد معبری گوید اگر بیند که مسلمان کافر شد دلیل که در بلاها
افتد و عاقبت کار وی بد باشد اگر بیند که کافری بدست وی مسلمان شد
دلیل که کسی را از فساد و فسق بگرداند معمار مردی بزرگ بود در خواب
که بکارها و حاجتهای مسلمانان پیوندد و بعضی از معبران گفته اند معمار در
خواب پادشاه بود یا امیری بزرگ اگر بیند که معمار قومی بزرگ داشت
دلیل که او را با مردی بزرگوار صحبت افتد اگر بیند که چیزی معمار بدو سخت
دلیل که بسبب مردی بزرگوار کار پراکنده او جمع شود اگر بیند که معمار
وی بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید معمار در
کارها چیزی مکروه بود که در آن خیر نباشد جعفر صادق گوید دیدن معمار
در خواب بر چهار وجه بود اول مردی بزرگوار دوم مردی که با مردم عهد
و سوگند افکند سوم امیر یا والی چهارم سفر و مکروهی در کار مسواک
ابن سیرین گوید اگر بیند که مسواک کرد مال را بخیرات هزینه کند که در آن
هیچ ثواب نباشد معبری گوید اگر بیند که دندانهای پیشین مسواک کرد دلیل
که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند اگر بیند که با همه دندانها
مسواک کرد با همه خویشان نیکی کند شرف ابن سیرین گوید اگر بیند که

مسلمانی

جوانی وی را نشناخت وبروی مشرف بود دلیل که دشمنی مکاره بروی مکر وحیلت
سازد اگر بیند که بر آب صافی مشرف بود دلیل که بر نعمت ومال کسی مشرف شود
اگر بیند که زنان بروی مشرف اند دلیل که بران نعمت ومال که مشرف باشد حسد
برند وبا وی دشمنی کنند مغربی گوید اگر بیند که مشرف پادشاه شد دلیل که معتمد
وخاص پادشاه شود اگر بیند که در کاری بود وپادشاه وی را از مشرفی معزول
کرد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید اگر بر کاری صلاح مشرف
بود دلیل بر خیر وصلاح بود واگر در کاری بد مشرف بود دلیل بر شر وفساد
بود مشرق ومغرب ابن سیرین گوید بنا ذاهل مشرق بخواب بر ملوک عالم است
وبر آمدن آفتاب وحاجت روایی مردمان از جهت پادشاهان وفرو شدن
آفتاب بخلاف این بود اگر بیند که بکاری صلاح در مشرق بود دلیل بر خیر
وصلاح اکثر بود اگر بیند که مشرق بجانب نیکوست کارش خوب کردد و
حاجتش روا شود از پادشاه اگر بیند که مشرق بجای بد بود وناخوشتر کار وی
بد کردد وحاجتش از پادشاه بر نیاید اگر بیند که جانب مشرق بسان بیابان
خراب بود ودر وی هیچ درخت وعمارت ونبات نبود دلیل که پادشاه را
خدمت بی منفعت کند اگر بیند که مغرب بجایگاهی نیکوست کار وی نیز نیکو شود
واگر مغرب بجایگاهی بد بیند انچه کفتیم بدتر وصعب تر بود کرمانی گوید
اگر کسی خود را در جای بیند که آفتاب بر می آید دلیل که وی را با پادشاهی
بزرگ صحبت افتد اما اگر جای خود نیکو بیند دلیل که همه مرادش روا
واگر جای خود بیند مرادش بر نیاید وبهمه حال جای بر آمدن آفتاب
بهتر از جای فرو شدن وجای آفتاب بر آمدن اقبال وبزرگی بود وجای
فرو شدن ادبار وفرو ماندگی مسلمانی ابن سیرین گوید اگر مشرکی بیند که

مسلمان شد دلیل که در مسلمانی بمیرد واگر بخوی خلاف راه دین وشرع
بود مسلمان نشود واگر مسلمان شود ثبات نباشد مغربی گوید اگر مشرکی بیند
که در بهشت شد مسلمان شود اگر بیند که مشرکی سوی قبله نماز میکرد یا شکر
حق تعالی میگزارد دلیل که مسلمان شود وزیادتی نعمت یابد قوله تعالی الله
نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح اگر بیند که مشرکی
در خانه مسلمانی آمد حجت دلیل کند جعفر صادق گوید اگر کسی مشرکی بخواب
بیند وبیند مستور بود دلیل که طالب علم کردد وبر دشمن ظفر یابد واگر
مستور نباشد با مردم بد مذهب اورا صحبت افتد مشعبد ابن سیرین
گوید مشعبد در خواب دیدن کار باطل بود اگر بیند که مشعبد شده بود دلیل
که در کار باطل باشد اگر بیند که در مشعبد نظاره میکرد فی الجمله در شعبده
دیدن هیچ خیر نباشد اگر بیند که از شعبده کردن دست بداشت از کار باطل
توبه کند وبخدای تعالی باز کردد مشک دانیال گوید اگر بیند که با خود مشک
داشت دلیل که با ادب وفرهنک بود وهمه کس بر وی آفرین وثنا گویند
اگر بیند که از وی بوی مشک پاکیزه می آید دلیل که نفس او پاکیزه وصافی
کردد در ثنا جعفر ابن سیرین گوید اگر بیند که مشک می سوزد دلیل که نیکویی
با کسی کند که از وی منت ندارد اگر بیند که زن وی مشک بدست آورد میکرد
دلیل که ستیره وصالحه بود وهمه کس ثنای او گویند واگر بیند که
مشک بدل میکرد رفیقی بصلاح در سفر گزیند اگر بیند که مشک سوده
در خود می مالید دلیل که احسان ونیکویی بسیار کند مغربی گوید اگر بیند که
نافه مشک بشکافت ومشک از وی بیرون آورد دلیل که زنی [illegible] توانگر
زنی کند اگر بیند که در میان نافه نافی بزرک پیدا شد دلیل که آن زن را [illegible]

هم مال بود و هم جمال اگر جهودان در خواب از اهل علم بود علم بسیار حاصل
کند. اگر از ترکان بود سود یابد. کرمانی گوید اگر بیند که نافهٔ مشک بشکافت و از آن
بوی ناخوش همی آمد تاویلش بخلاف اینها بود که گفتیم. اگر بیند که نافهٔ مشک یافت
مغشوش کرده هم بد باشد. اگر بیند که مشک میخورد مال بر عیال اهل خویش هزینه کند
و بعضی از معبران گفته اند مال حرام خورد و بعضی دیگر گفته اند اگر بیند که
بخروار مشک داشت و دانست که ملک او است بقدر آن مال و علم حاصل کند
و نام او در ازدیار منتشر گردد. جعفر صادق گوید دیدن مشک در خواب
بر شش وجه بود **اول** زن **دوم** مرد دوست و عالم **سوم** عیش خوش
چهارم کنیزک **پنجم** مال بسیار **ششم** سخن خوش. **مشک** ابن سیرین گوید مشک
آب در خواب سفر بود. اگر بیند که مشک آب داشت دلیل که بسفر رود
و سود بسیار حاصل کند. اگر بیند که مشک کهن بود تاویل بخلاف این بود
اگر بیند که مشک سوراخ داشت یا بدزدیدند در آن سفر ویرا رنج و زیان
رسد. کرمانی گوید اگر بیند که مشک پر آب داشت و از آن آب به مردم
میداد دلیل که بر مردم خیر و احسان کند. اگر بخلاف این بود هیچ خیر
از وی بکس نرسد. جعفر صادق گوید دیدن مشک در خواب بر سه وجه
بود **اول** سفر **دوم** مال **سوم** زندگانی دراز. **مصحف** ابن سیرین گوید
مصحف بتاویل علم و حکمت بود. اگر بیند که از آن مصحف قرآن میخواند
یا در وی نگاه میکرد دلیل بر علم و حکمت کند. اگر بیند که مصحفی بخرید
طالب علم و دانشمند شود. اگر بیند که مصحف را باتش بسوخت دلیل بر
فساد و تباهی دین وی بود. کرمانی گوید اگر بیند که مصحف گشاده بر سر
و دیده نهاد دلیل که بهرچه در قرآن دلیل است بدان کار کند. و والی

آن شهر گردد. اگر بیند که ورقهای مصحف همی خورد دلیل که قرآن بسیار خواند
اگر بیند که ورقهای مصحف می‌درید دلیل که نمازهای تمام میگزارد. اگر بیند
که نوشته‌های مصحف بزبان همی سترد دلیل که نیت دارد که قرآن حفظ کند
اگر بیند که قرآن را تفسیر میکرد دلیل که در کاری شود که در آن کار ناروا
بود. اگر بیند که مصحف داشت چون بگشود هیچ نوشته نبود دلیل که او
بر پای دیگر بود. اگر بیند که مصحف را بوسه داد دلیل که کارها خیر کند. اگر
بیند که قرآن همی شست دلیل که ملحد شود. اگر بیند که برهنه قرآن
میخواند دلیل که خورش وی از قرآن بود. اگر بیند که مصحف را بیالتر کرده
بود دلیل که بقرآن کار نکند. اگر بیند که کسی مصحف از وی بستند دلیل
علم فراموش کند. اگر بیند که قرآن همی خواند و فهم نمیکرد غم و اندوه سخت
بدو رسد. اگر بیند که مصحف حمایل داشت دلیل که از همه خوفها
ایمن گردد. اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که در مصحف قرآن نگاه میکرد
دلیل که جاه و بزرگی یابد. اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر
خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر گفت دلیل بر شر. جعفر صادق گوید دیدن
مصحف در خواب بر پنج وجه بود **اول** علم و حکمت **دوم** میراث **سوم**
امانت **چهارم** دوری سلطان **پنجم** دین و دیانت. **مصطکی** ابن سیرین گوید
اگر بخواب بیند که مصطکی میخایید دلیل که کاری کند که ویرا در آن
گفت و گوی بود. کرمانی گوید اگر بیند که مصطکی میخایید دلیل که
بر کسی شکایت کند بقدر خاییدن آن. اگر بیند که مصطکی داشت و از وی
میخورد دلیل که ویرا از کسی منفعت بسختی حاصل شود. اگر بیند که مصطکی
باتش بخور میکرد دلیل که ویرا از پادشاه رنج رسد. **مصور** صورت

کننده است **مصور** ابن سیرین گوید اگر بیند که صورت جانوران میکرد
دلیل که بر خدای عز و جل دروغ گوید و حرام را حلال داند مغربی گوید اگر بیند
که صورت آدمی با صورتی دیگر میکرد دلیل که بد مذهب و دروغ زن
باشد یا در صفات خدای تعالی چیزی گوید فی الجمله در دیدن صورت
گر خیر نباشد **مطبخ** جای خوردنی پختن بود ابن سیرین گوید در خواب
زن و خادم بود اگر بیند که در خانه خود مطبخی از گل و خشت ساخته بود
او را زن و خادمه پارسا دیندار حاصل شود اگر بیند که مطبخ وی بخیر و اجر بود
دلیل که خادمه بدیانت باشد و امانت نگاه دارد اگر داند که مطبخ ملک
او نبود چنین و شر آن بخداوند مطبخ باز گردد **مطبوخ** ابن سیرین گوید اگر بیند که
مطبوخی سوی بیماری می‌پخت و آن مطبوخ موافق بود دلیل که صلاح دین
جوید و اگر مطبوخ موافق نبود صلاح دین از وی زایل شود اگر بیند که
مطبوخ نه از بهر بیماری می‌پخت دلیل که صلاح دنیا جوید نقد مطبوخ
اگر بیند که از بهر مردم مطبوخ می‌ساخت دلیل که با خلق خدا احسان
کند اگر بیند که از پختن مطبوخ می‌خندید دلیل که از غم و اندوه باز رهد
کرمانی گوید اگر بیند که مطبوخ خورد و او را اسهال بسیار آمد و رنجور گشت
دلیل که وی را مضرت و زیان بسیار رسد اگر مطبوخ را قی کرد بد باشد
و اگر قی نکرد دلیل بر خیر و منفعت کند جعفر صادق گوید اگر مطبوخ خوردن وی
آسان بود دلیل بر خیر و شفا بود و اگر خوردن وی دشوار بود دلیل
بر رنج و مضرت کند اگر بیند که چون مطبوخ بخورد در وی اثر کرد بخیر
دلیل بر صلاح دین و تن درستی بود و اگر بخلاف این بود رنج و زیان رسد
مطربی ابن سیرین گوید اگر بیند که مطربی میکرد و چیزی از سرود و ترانها

می‌زد دلیل که چیزها حرام گرداند اگر بیند که جز رودها چیزی دیگر می‌زد چون
دف و طبلک و آنچه بدان ماند دلیل که اندوهگن و مستمند گردد و مطربی
کردن در خواب خیر و منفعت نباشد **مطرقه** خایسک بود و در حرف خا
بیان کردیم **مطجنه** ابن سیرین گوید آنچه مطجنه ترش بود دلیل بر شر و مضرت
کند و شیرین بر خیر و منفعت **معبر** خواب گزار بود و او مردی باشد چون
مقری و قاضی یا واعظ زیرا که این هر سه قوم خداوند کبر و زاری باشند
و در تعبیر دلیل بر فساد کند **معجون** ابن سیرین گوید اگر بیند که معجون
از بهر درد و بیماری می‌ساخت دلیل که از مردم خیر و منفعت یابد و اگر دید
که از معجون وی منفعت بکس نمی‌رسد دلیل که از وی خیر و منفعت نرسد
جابر مغربی گوید اگر بیند که کسی معجون وی همی خورد و معجون تلخ و ناخوش
بود و برنج و دشواری توانست خورد دلیل مضرت و زیان بود و اگر بیند که منفعت
معجون از بهر سر و چشم بود دلیل که از مهتری او را خیر و منفعت رسد اگر
بیند که منفعت معجون از بهر درد پشت بود دلیل که از پادشاه او را نفع رسد
اگر معجون از بهر درد شکم و پهلو بود دلیل که از برادر و پدر و خویشان
او را منفعت رسد اگر بیند که معجون از بهر همه تن بود دلیل که از دود
مانها خیر و منفعت بدو رسد **معده** ابن سیرین گوید اگر بیند که معده
وی قوی و بی آفت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند
عمرش کوتاه شود جابر مغربی گوید معده فرزند بود در خواب اگر بیند که
معده وی بسلامت بود و طعام نیکو هضم میکرد دلیل که فرزندانش از درد
و بیماری ایمن باشند و اگر بخلاف این بیند فرزندانش ضعیف و بیمار باشند
جعفر صادق گوید دیدن معده در خواب بر سه وجه بود **اول** مال

حرام دوم صناعت سوم سخنها ناخوش چهارم فرزند [illegible] زندگانی
ششم کار کردن و منفعتی که از کار حاصل شود معزول ابن سیرین
گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی وی را معزول کرد دلیل که زن را طلاق
دهد و اگر زن ندارد دلیل که در تجارت زیان کند معصره نازک و بزرگ بود
که در وی انگور را بمالند و آن مانند حوضی باشد و آنرا چرخشت خوانند ابن سیرین
گوید اگر بیند که در معصره چوبین انگور می فشرد بخدمت پادشاه پیدا کرد
مشغول شود و اگر معصره از گچ و آجر بود خدمت پادشاه عادل را دیانت کند
اگر در معصره بیند خود را که انگور می فشرد دلیل که وی را از خدمت پادشاه
خیر و منفعت رسد معصفر ابن سیرین گوید معصفر در خواب دلیل
بر بیماری کند اگر بیند که معصفر داشت بیمار گردد و اگر دید که معصفر
بخورد بیماری سخت تر بود اگر بیند که معصفر بپخت یا کسی داد از بیماری
شفا یابد اگر بیند که تخم معصفر در زمین خود کشت دلیل که کاری کند
که در آن غم و رنجوری بود جعفر صادق گوید دیدن معصفر در خواب بر
سه وجه بود اول بیماری دوم غم و اندوه سوم کارها که از آن رنج و
سختی رسد معلم ابن سیرین گوید معلم در خواب مهتر بود اگر بیند که
معلمی همی کرد و مردم را علم می آموخت دلیل که پیش مردم شرف و بزرگی
یابد خاصه نزد آنکسان که ایشان را علم آموخت و از ایشان خوش بشنید
کرمانی گوید اگر بیند که معلمی کرد و کودکان را علم آموخت دلیل که اگر
شایسته پادشاهی بود در موضع خود سخن روان کند و بقدر خویش
بزرگی یابد جعفر صادق گوید معلمی در خواب بر سه وجه بود اول فرمان
روائی بر چندان مردم که ایشان را تعلیم کرده بود دوم عز و جاه سوم

[illegible] حکم [illegible] بود ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز مردم [illegible] دلیل که بر
[illegible] شود و [illegible] اگر بیند که مغز مردم بخورد از پس مردم بد گوید و غیبت کند اگر
بیند که خا[illegible] سرخ کرد دلیل که در آن خانه لهو و طرب باشد مغربی
گوید اگر بیند [illegible] اگر مغز سرخ کرده بود دلیل که کاری کند که مردم
ورا ملامت کنند و [illegible] بود مغز دانیال گوید مغز سر و مغز استخوان
مال بود که ظاهر نبود اگر بیند که مغز خویش بخورد دلیل که مال پنهان
بود اگر بیند که مغز دیگری بخورد مالی که پیش کسی پنهان بود از آن هزینه
کند اگر بیند که مغز سر گوسفند و مغز استخوان بخورد دلیل که وی را بقدر
آن مال حاصل شود و هزینه کند ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز سر وی
بر زمین افتاد دلیل که سرمایه از دست وی بشود اگر بیند که همان مغز را
از زمین بر گرفت و بر سر نهاد دلیل که مال رفته باز دست آید اگر مغز خود را
خوش بوی و تازه دید دلیل که زکوة مال بدهد اگر بیند که مغز مرداری
میخورد یا جانوری که گوشت آن حرام بود دلیل که مال حرام خورد اگر بیند
که مار یا کژدم مغز سر وی میخورد بقدر آن از مال مرده بخورد اسمعیل اشعث
گوید مغز در خواب مال دفینه بود اگر بیند که مغز خورد و گنده بود و ناخوش
دلیل که آن مال حرام بود یا زکوة نداده باشد جعفر صادق گوید دیدن
زکوة در خواب بر سه وجه بود اول مال نهان کرده دوم عقل سوم
صبر مبتلا ابن سیرین گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه بر نمی توانست
خاستن دلیل که در کارها ضعیف و سست بود و در شغلها عاجز و فرو
مانده و اگر مبتلائی بیند که درست شده بود و بسلامت دلیل که کارها

بروی کشاده شود و بمراد رسد کرمانی گوید اگر بیند که
شد دلیل که کارهاش بسلامت بود اگر بیند که مبتلای
که از هر معصیت توبه کند اگر خود را مبتلا بیند چنانکه
که عیش بروی دشوار شود و روزی بروی تنگ
که کسی مبتلا کرد دلیل که عیش بر انکس تنگ
معجون معجون بود که شادی ارد و دل ... رد و اندوه برد ابن سیرین
گوید اگر بیند که مفرح مشک یا کافور میخورد بقدر آن از مردی بزرگ چیزی
و منفعت رسد و نامش در ان دیار به نیکی منتشر بود کرمانی گوید اگر بیند
که مفرح خورد تلخ و ناخوش بود دلیل بر حزن و ضعف بود و اگر بیند که
مفرح بکسی داد بدان کس چیز و منفعت رسد **مقراض** ناخن پیرا بود و در حرف
نون گفته شود **مقرمه** چادر شب بود تا ان بستر ابن سیرین گوید مقرمه
در خواب خدمتکار بیننده خواب بود اگر بیند که مقرمه پاکیزه داشت
دلیل بود بر خدمتکاری مصلح پارسا و دین دار اگر بیند که مقرمه وی کهن
و چرکن بود تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که مقرمه وی بدرید یا بسوخت
یا ضایع شد دلیل که خدمتکاری از وی جدا شود جابر مغربی گوید مقرمه
در خواب خدمتکار بود اگر مقرمه فراخ و بزرگ دید و ملک او بود دلیل
از خدمتکار خیر و منفعت بسیار بدو رسد و اگر بخلاف این بیند منفعت
نرسد **مقعد** ابن سیرین گوید مقعد در خواب شغل و کسب وی بود
اگر کسی مقعد خود بیرون آمده بیند دلیل که کار و کسب وی تباه
گردد اگر بیند که از مقعد وی خون میچکید دلیل که زیانی بعیال رسد

اگر بیند که از سوراخ ان کرمها با گوشت خون الوده بیفتاد دلیل که فرزند
هلاک شود اگر بیند که پلیدی با خون می امد دلیل که از کاری ناکردنی خود را
نگاه دارد کرمانی گوید اگر بیند که مقعد وی بزرگ و گوشتین بود بقدر ان
وی را کسب و مال بود و اگر بخلاف این بیند نقصان مال بود اگر مقعد خویش
دردمند بیند بسبب مال اندوهی بوی رسد مغربی گوید اگر بیند که از مقعد
وی خون یا پلیدی می امد و تن وی آلوده کرد مال حرام یابد با ملامت و بد
گفتن اگر بیند که از سوراخ مقعد مار بیرون امد دلیل که مقصود بیابد
اگر بیند که مقعد کسی معروف می لیسید دلیل که بدروغ مدح و ستایش او کند
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مقعد او بیرون آمده بود چیزی حرام خورد و
بعضی گفته اند معیشت بر وی تباه شود اگر بیند که از مقعدش خون می آمد
از رنج و گناه پاک شود اگر بیند که مار یا کژدم در مقعد وی شد از دشمن در
کار وی خلل پدید آید اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کسب
و کار بر وی بسته شود جعفر صادق گوید مقعد در خواب دیدن بر سه
وجه بود **اول** کسب و کار **دوم** منفعت و مال **سوم** معیشت **مقل**
ابن سیرین گوید اگر بیند که مقل از درخت باز میکرد کاری بی منفعت کند
اگر بیند که مقل باز میکرد و میخورد او را مضرت و زیان رسد اگر بیند که مقل
بسیار داشت او را غم و اندوه رسد **مقنعه** ابن سیرین گوید مقنعه در خواب
زنان را شوهر بود و مردان را زن اگر بیند که مقنعه از سر وی جدا شد دلیل
که شوهرش بمیرد یا طلاق دهد اگر بیند که برخی از مقنعه وی بسوخت
دلیل که شوهرش را از پادشاه رنج و بیم بود کرمانی گوید اگر زن در مقنعه
بیند از نیک و بد دلیل بر شوهر را بود و اگر شوهر ندارد بشوهرش دهند اگر

بیند که مقنعهٔ وی بزرگ و بهتر از آن شد که بود دلیل که حال شوهرش
بهتر از آن شود که بوده باشد اگر بیند که مقنعهٔ وی ضایع شد شوهرش
بمیرد یا وی را طلاق دهد اگر مردی بیند که مقنعه بر سر داشت دلیل که زن
خواهد یا کنیزک خرد جابر مغربی گوید اگر زنی بیند که بر سر مقنعهٔ سبز داشت
دلیل که شوهر وی پارسا و دیندار بود و مقنعهٔ سفید نیز همین دلیل
دارد و اگر سرخ بیند شوهر وی معاشر و طرب دوست بود اگر سیاه بیند
شوهرش اندوهگن شود اگر مقنعه کبود بیند شوهر وی مصیبت
زده بود اگر زرد بیند شوهرش بیمار گونه بود جعفر صادق گوید دیدن
مقنعه در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سوم خادم
چهارم منفعت از زنان اگر بیند که مقنعه کرباسین داشت یا ابریشمین دلیل
که شوهر وی مردی مصلح پارسا دیندار بود مگس ابن سیرین گوید مگس در
خواب مردم سفله درویش باشند اگر بیند که مگسان بر وی جمع شدند
چنانچه در چشم و دهان او می شدند دلیل که از کسی سفله مال حاصل
کند اما مضرت یابد اگر بیند که مگس در گوش وی شد دلیل که از کسی سفله
مال حاصل کند اما سخنی زشت شنود که از آن کوفته خاطر و غمگین شود
اگر بیند که بانگ مگس همی شنید از مردم غوغا بیند کرمانی گوید مگس
در خواب مردم حاسد و [illegible] باشند اگر بیند که بر پیراهن وی مگسان
جمع شدند دلیل که بر مردم حاسد او را شغل افتد اگر بیند که مگس بسیار
در خانهٔ وی می کشند دلیل که مردم غیبت وی گویند اگر بیند که مگسان وی را
می گزیدند دلیل که مردم دون بر خویشان وی چیره گردند اگر بیند که مگس را
می کشت حاسدان را قهر کند اگر بیند که مگس بخورد از مال دشمن

چیزی بکراهیت بستاند اگر بیند که مگسان در زیر زمین می شدند دلیل
که حاسدان از مال پنهان کرده وی بستانند و هزینه کنند و وی را
مضرت رسانند مگس انگبین ابن سیرین گوید مگس انگبین در خواب مردم
با مروت کسب کننده بود اگر بیند که مگس انگبین فرا گرفت یا کسی بوی داد
بقدر آن مال و غنیمت حاصل کند اگر بیند که مگسان انگبین می خوردند
آن او را مضرت و زیان رسد اگر بیند که از مگسان انگبین می ستد دلیل
که سخنهای با خیر و منفعت شنود و از آن فایده بیند مکه ابن سیرین گوید
اگر خود را بمکه بیند دلیل که زیارت کعبه کند اگر بیند که بمکه بود و مردم
او را می پرستیدند دلیل که براه بیهوده رود اگر بیند که از بهر تجارت
بمکه رفته بود نه از بهر حج گزاردن دلیل که حرص مال دنیا دارد مغربی گوید
اگر بیند که در مکه بزهد و عبادت مشغول بود دلیل بر منفعت دنیا باشد
اگر مکه را با نعمت و آبادان بیند دلیل که مال و نعمت یابد اگر مکه خراب بیند
تاویلش بخلاف این بود ملخ ابن سیرین گوید ملخ زنده لشکر بود و ملخ پخته
درم و دینار اگر بیند که ملخ بشهری یا بموضعی بدید آمد و در آنجا مضرت
رسانید بقدر آن ملخ در آنجا لشکر حاصل شود و فاضل آن موضع را بلا و زحمت
رسد کرمانی گوید ملخ لشکریست از لشکر خدای تعالی مغربی گوید اگر بیند که
ملخ بسیار جمع میکرد و در ظرفی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بکار
زن دهد اگر بیند که ملخ بی قیاس در دیاری جمع شدند و نبات آنجا
بخوردند دلیل که مالی بی قیاس در آنجا جمع شوند و همه نبات [illegible]
و خراب کنند منادی گر ابن سیرین گوید اگر بیند که منادی گری کرد و کلام [illegible]
موافق علم و حکمت بود و بنفس خود صالح و پارسا بود دلیل بر خیر و

و بشارت کند جابر مغربی کوید اکر بیند که منادی کرد بصلاح از جهانی
خیر و صلاح یابد و اکر منادی بچیزه دنیائی بود مراد این جهانی باید و
اکر بیند که منادی شر و فساد بود تاویلش بخلاف این بود **مناره**
ابن سیرین کوید مناره در خواب مردی بود که مردمان را براه دین خواند
اکر بیند که مناره بنا کرد دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام
جمع دارد اکر بیند که مناره را بکند و خراب کرد مسلمانان را متفرق کردند
اکر بیند که مناره بی سببی خراب شد دلیل که اهل آن موضع متفرق شوند
و بعضی کویند مؤذن آن مناره از دنیا برود کرمانی کوید مناره در خواب
دیدن باذشاهی بود یا مردی بزرکوار اکر بکوچه مناره بیند دلیل که بمهتری
بنان کوچه رسد اکر مناره از کچ و آجر بود دلیل که آن مهتر سلطان بود
اکر مناره از خشت خام بیند دلیل که آن مهتر از رعیت بود و دین دار
و متواضع باشد اکر مناره از سنک و اهک بیند دلیل که آن مهتر از باذشاهان
ستمکار باشد اکر مناره از چوب باشد دلیل که آن مهتر سفله و دون همت
باشد و اکر مناره بر در مسجد بیند دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و
خلق را بکارهای شریعت خواند اکر بیند که مناره مسجد افتاده بود دلیل
که از بزرکان دین یکی هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکندکی
افتد اکر بیند که در میان شهر مناره بود دلیل بر باذشاه کند اکر بیند
که سر آن مناره از مس یا از برنج بود دلیل که باذشاه ظالم و ستمکار
بود اکر سر وی از زر یا از سیم دید دلیل که باذشاه دروغ زن و بد فعل
و غدار بود اکر بیند که سر مناره از خشت پخته بود دلیل که باذشاه کردن
کش و متکبر بود اکر خود را بر سر مناره بیند دلیل که مقرب باذشاه کردد

وهی زیادت و نقصان که در وی بخادم باز کردد اکر بیند که مندیلی
بود داشت با کسی بوی داد دلیل خادمی هبه حاصل شود اکر بیند که
مندیل وی سبز بود خادم وی دین دار بود اکر سپید بود خادم با دیانت
و نیکو سیرت بود و اکر مندیل سرخ بود خادم معاشر و سرکش بود
و اکر زرد بود خادمش بیمار و بد خوی بود اکر کبود بود خادمش اندوهکین
و مصیبت زده بود اکر بیند که مندیل وی فوطه بود خادمش زاهد
بود اکر بیند که مندیله پشمین یا سیمین بود خادمش دین دار و با امانت
بود و اکر بیند که از کتان بود خادم نیک بنا شد اکر مندیله از قز یا از ابریشم
بود خادمش بی وفا و منکر بود اکر بیند که مندیله کهن و دریده و چرکین
بود دلیل که از خادم نیکوئی نه بیند اکر بیند که مندیل او ضایع شد
خادم از وجدا شود اکر بیند که مندیله بسوخت خادم بمیرد **منشور** ابن سیرین
کوید اکر مردی عالم یا زاهد و مصلح منشوری بدو داد که در آن کلامها
نبشته بود که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد که سعادت
دنیا و آخرت یابد و اکر بخلاف این بیند رستکاری نیابد اکر بیند که باذشاهی
منشوری داد شرف و بزرکی یابد مغربی کوید اکر بیند که باذشاه منشور
بدو داد و در آن شهر مردمان صالح بودند دلیل از باذشاهی بزرک منی
عظیم یابد و کارها او بنظام شود اکر بیند که منشور بشهر خراب و ولایتی
دور بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق کوید اکر بیند که فرشته
یا پیغامبری منشوری بخط سبز نبشته بدو داد دلیل که حق تعالی جل
جلاله اورا بیامرزد و از وی راضی و خشنود کردد و اکر منشور سیاه بود
خلاف این باشد **منقار** ابن سیرین کوید اکر بیند که اورا ایسان مرغ منقار

بوذ بعقد بزرگی منقار مال بوذ که حاصل کند اگر بیند که مرغی بزرگ
چون اله و کرکس و مانند این وی را منقار بوذ چنانک وی را درد کرد
دلیل که وی را رنج و سختی رسد و نقصان مال بوذ جابر مغربی گوید اگر
بیند که منقار مرغی داشت بقدر و قیمت مرغ وی را از شهری خیر و منفعت
رسد اگر بیند که منقار داشت و مردم را بمنقار میگزید دلیل که مردم را
از و رنج و گزند رسد **منی** آبی بوذ که از آن فرزند پدید آید ابن سیرین
گوید دیدن منی در خواب مالی پایدار بوذ که بذان شاد شوذ اگر بیند
که سبوی آب منی داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند اگر بیند که از
قضیب خویش منی بسیار بیرون آمد دلیل که از کسب خوذ مال بسیار
حاصل کند اگر بیند که از قضیبش یک قطره آب منی بیرون آمد بقدر
آن مال یابد کرمانی گوید اگر بیند که از قضیب وی منی همی رفت بقدر آن
مال از بیگانه بدو رسد مغربی گوید اگر بیند که منی از وی فرود آمد چنانک
باری تعالی فرمود **انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه**
فجعلناه جعفر صادق گوید منی در خواب بر چهار وجه بوذ **اول**
فرزند **دوم** زیادتی مال **سوم** نقصان مال **چهارم** بزرگی و چون
خواب بیند که منی از وی می آید معبر باید که تاویلش زیادتی مال کند و اگر
منی همی آید نقصان مال بوذ **مهد** ابن سیرین گوید اگر بیند که در مهد
نشسته بوذ و خداوند خواب سزاوار مهد بوذ دلیل راحت و آسانی
و عیش خوش بوذ و از ترس و بیم ایمن بوذ اگر بیند که مهد بیفتاذ و
بشکست تاویلش بخلاف این بوذ کرمانی گوید اگر بیند که در مهد نشسته
بوذ زنی مهربان خواهد یا کنیزکی خوب روی خرذ و بعضی از معبران گفته اند

مهد دیدن بخواب آرامگاه و عز و مرتبت بوذ کسی را که سزای مهد باشد
و کسی را که سزای مهد نباشد تاویل آن از زندان و حبس باشد جعفر صادق
گوید دیدن مهد در خواب بر هشت وجه بوذ **اول** راحت و آسانی
دوم عیش **سوم** عز **چهارم** دولت و آرامگاه **پنجم** مرتبت **ششم**
ایمنی **هفتم** زنان مهربان **هشتم** کنیزک مهربان و دیدن مهد درویشان را
بر چهار وجه بوذ **اول** زندان **دوم** جایگاه تنگ **سوم** غم و اندوه **چهارم**
رنج و محنت بوذ **مهر** اگر بیند که بر کاغذ مهر انگشتری نهاذ دلیل که خداوند
انگشتری منفعت و بزرگی یابد اگر بیند که بر نامه مهر نهاذ دلیل که تمامی
چیزی بوی رسد اگر بیند که باذشاه یا بزرگی انگشتری بدو داذ و گفت
خزینه مهر کن اگر سزاوار بوذ باذشاه خزینه بوی سپارد اگر بیند که باذشاه
مهر خوذ بوی سپرد دلیل از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که باذشاه
بر نامه مهر نهاذ چنانک رسم است دلیل که زوذ ولایت یابد و حاجت وی
روا کرد جعفر صادق گوید مهر نهاذن بر نامه و کیسه و آنچه بذین ماند
بر هفت وجه بوذ **اول** بر نامی عمل او بالا گرفتن کار **دوم** بر قوت
سوم ریاست **چهارم** حقیقت اخبار و صلاح دین **پنجم** مال و منفعت
ششم دولت و بزرگی **هفتم** کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب **مهره**
ابن سیرین گوید اگر بیند که مهره یافت یا کسی بوی داذ بقدر و قیمت آن مال یابد
یا از سفر روزی یابد مغربی گوید اگر بیند که مهره بخرید یا کسی بوی داذ دلیل که
وی را خذمتکاری حاصل شوذ اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بوذ دلیل که
آن خذمتکار مصلح و پارسا و با امانت بوذ و اگر مهره سبز بوذ خذمتکارش
مبارک روی بوذ و اگر زرد بوذ خذمتکار بیمار گونه و زرد باشد و اگر مهره

سه ساه بود خدمتکار بخت دل و بنجو باشد جعفر صادق کوید دیدن مهره در
خواب بر هفت وجه بود یکی زن اول خدمتکار دوم کنیزک سیم مال
چهارم ادب و فرهنك پنجم فرزند ششم غلام خرد و هفتم زیادت و
نقصان که در مهره بیند بر هفت چیز اید مهمان ابن سیرین کوید مهمان
در خواب اجتماع بود در چیزی کر اکر بیند که قومی را بمهمان خواند دلیل
کند که ان کار ان همه شغلی باز دارد اکر بیند که وی را در باغی بمهمانی
خواندند که میوهای بسیار در ان باغ بود و جوی های اب روان دلیل که
شهید کردد قوله تعالی فیها فاکهة کثیرة وشراب مغربی کوید مهمانی
در خواب دلیل بود بر باز امدن غایبی کرمانی کوید مهمانی در خواب دیدن
جون در ان جنك و جغانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت
کند و اکر انجه صفت کردیم در ان جا نبود دلیل بر خیر و برکت و راستی و رحمت
بود جعفر صادق کوید اکر بیند که عروسی خواست بی نکاح و مهمانی
دلیل او را غم و اندوه رسد مورجه ابن سیرین کوید مورجه در خواب
انبوهی مردم بود اکر بیند که مورجه بسیار در چیزی شدند دلیل مردم بود
که فرا رسند اکر بیند که موران بسیار از سرای وی بیرون امدند دلیل
مردم انجا بسرای دیکر تحویل کنند اکر بیند که مور در خانه زیادت می شد
دلیل که مال و نعمت خداوندان زیادت شود اکر بیند که مورجه بیکانه در خانه
وی شد دلیل که دزد در خانه او رود اکر بیند که بر تن او موران بسیار جمع
شدند غم و اندوهان وی بیرون امدند دلیل که زود هلاك شود جابر مغربی
کوید مورجه در خواب دشمن ضعیف باشد اکر در خانه خود مورجه
بسیار بیند نسلش بسیار شود اکر بیند که موران بسیار از سرای او

بیرون شدند نسلش کم کردد اسمعیل اشعث کوید موران خود
سرخ مردم ضعیف و سست باشند و موران سیاه بزرك دلیران
و اهل ست باشند اکر بیند که از سرای او موران بر امدند و دهها
می بریدند خویشان او بسفر روند اکر موران باز امدند خویشی
ایشان از سفر باز ایند جعفر صادق کوید دیدن موران نشان اهل بیت
بیننده خواب بود اکر بیند که از خانه او موران بیرون شدند خویشان
ایشان از سفر باز ایند جعفر صادق کوید دیدن موران نشان اهل بیت
بیننده خواب بود اکر بیند که از خانه او موران بیرون شدند دلیل
احوال از خانه بر ایشان شود مورد ابن سیرین کوید مورد در خواب
مردم اناد دراز عمر و خوش طبع و خوب روی و کامل عقل باشند
جنانك دوستی را شاید اکر بیند که مورد داشت با جبن مردی و یا
صحبت افتد و از و منفعت یابد کرمانی کوید اکر بیند که درخت مورد
بشکست یا از جای برکند از صحبت جنین مردی مفارقت کند مغربی
کوید مورد در خواب مال و نعمت بسیار بود و بعضی از معبران کویند
فرزند صالح بود جعفر صادق کوید مورد در خواب بر جهار وجه بود
اول مزدوران عاقل خوش طبع دوم فرزند صالح نیك سیرت
سوم مال بسیار جهارم منفعت اکر زنی بیند که دسته مورد بشوهر
خود داد دلیل نکاح ایشان پایدار بود موز ابن سیرین کوید
دیدن موز توانکرانرا مال بود و درویشانرا دین و برکتش بهتر بود
درختها بود اکر بیند که موز فرا کرفت یا کسی بدو داد وانکس توانکر بود
مالش زیادت کردد اکر بیند که موز بخورد منفعت دینی و دنیایی

بیابد جعفر صادق گوید موزه در خواب بر سه وجه بود اول یکی یافتن
مال دوم زیادتی دین سوم معیشت خوش و روزی حلال و بعضی
از معبران گفته اند اگر بیند که بوقت خویش موزه را میخورد زنی خوب
روی توانگر بزنی کند و از و منفعت یابد موزه دانیال گوید موزه
بخواب هنگام زمستان دلیل بر چیز و نیکی کند و تابستان دلیل بر غم
و اندوه و اندر موزه معبران خلاف کرده اند ابن سیرین گوید اگر بیند
که موزه در پای داشت و سلاح پوشیده دلیل دشمن از و منفکر بود
اگر بیند که با موزه سلاح نداشت دلیل غم و اندوه بیند خاصه موزه
نیک باشد اگر بیند که موزه ادیم در پای داشت زن خواهد اگر بیند
که موزه باز گونه پوشیده بود غم و اندوه بدو رسد کرمانی گوید اگر بیند
که از پوست میش موزه داشت بقدر آن مال بدو رسد اگر بیند که نیم موزه اش
دریده بود دلیل زن وی بمیرد اگر بیند که موزه از پای بیرون کرد شادی
و خرمی یابد و اگر در زندان بود خلاص یابد اگر بیند که موزه اش بسوخت
زنش بمیرد اگر بیند که پای موزه از و ضایع شد نقصان مال بود و سر
موزه همچنین تاویل دارد جابر مغربی گوید اگر بیند که موزه اش از خانه بدر
افتاده بود زن را طلاق دهد اگر بیند که موزه بمردی بیگانه فروخت دلیل
که زن وی را بمیرد اگر بیند که موزه وی را بدزدیدند دلیل جوانان قصد زن
او کنند جعفر صادق گوید موزه در خواب چون نو بود و پای بیازارد دلیل
بر هفت وجه بود اول زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوت پنجم
عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت موش ابن سیرین گوید موش در
خواب زنی باشد که بظاهر مستوره باشد و بباطن فاسقه اگر بیند که

موشی بگرفت یا کسی بدو داد دلیل از زن خواهد بدین صفت که گفتیم اگر بیند که
موش را بتله بگرفت زنی بمکر و حیلت خواهد اگر بیند که موشان بسیار در
خانه وی جمع شدند و موشان مختلف بودند چنانک بعضی سیاه و بعضی
سپید دلیل کند از اختلاف تاویل شب و روز بود در خبر است
از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود شب و روز دو موش اند
که در بخت عمر مردم می برند کرمانی گوید اگر بیند که از سوراخ بینی یا از سوراخ
قضیب وی موش بیرون آمد دلیل وی را دختری آید اگر بیند که از گلوی وی
موش بیرون آمد وی را پسری آید اگر بیند که از مقعد وی موش بیرون آمد
وی را دختری آید نابکار جابر مغربی گوید اگر بیند که در خانه وی موشان
دشتی آمدند در آنجا زنان نابکار منزل سازند و تعبیر موشان در خواب مال
و کالای زنان بود و بعضی از زنان مفسد و موش خانگی و دشتی تاویل یکسان
بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که موش بگرفت و دم نداشت زنی بی
اصل خواهد اگر بیند که موش در دست وی بمرد دلیل وی را مصیبت رسید
اگر بیند که سنگ بموش انداخت کسی را متهم کرد اگر بیند که موش
در بستر وی بود دلیل بر زنی مفسده فضول عیب دارد اگر بیند که موش
میخورد مال زنی مفسده بخورد موم ابن سیرین گوید موم سفید نعمت
و مال بود و موم زرد بیماری اگر بیند که موم سفید میخورد بقدر آن مال
حلال یابد اگر بیند که موم از وی ضایع شد یا بفروخت نقصان مال بود
مغربی گوید موم بهر رنگ که باشد مال و نعمت بود دلیل موم سپید بهتر
از موم های دیگر باشد اگر بیند که موم همی خاید از کسی شکایت کند اگر بیند که
موم را باتش بسوخت بقدر آن مال پادشاه از و بستاند اگر بیند که موم را

نثر میکرد و بجماعت می داد مال خود بخیرات صرف کند و با مردم جود و احسان
کند مومیائی ابن سیرین گوید اگر بیند که مومیائی داشت غمگین و متفکر شود
اگر بیند که مومیائی بخورد غم و اندوه وی از بهر عیال بود اگر بیند که
مومیائی بکسی بخشید یا از خانه بیرون انداخت از غم و اندوه فرج یابد
و خیر و منفعت بیند مغربی گوید اگر بیند که بسبب خستگی اندام مومیائی
خورد و از آن خستگی صحت یافت کاری کند که او را از آن منفعت بود
اگر بیند که مومیائی خورد و صحت نیافت دلیل بر خلاف این بود موی
دانیال گوید موی در خواب مردان را عمر بود و زنان را زینت و موی
چهارپای مال اندک اگر صوفی بیند که موی سر او دراز شد دلیل
وی را زینت صلاح باشد و اگر صوفی نباشد غم و اندوه بود بقدر درازی
عمر اگر بیند که قدری از موی ببریدند و بینداختند دلیل غم و اندوه
از او زایل گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که در وقت حج موی سر را
تراشید دلیل بر صلاح دین و کفارت گناهان اگر در خواب ماههای
حرام بیند یعنی رجب و ذوالقعده و ذی الحجه و محرم دلیل او ام
او گزارده شود و از غم فرج یابد اگر بیند که موی تمام ببریدند دلیل
اغه کفتم بیشتر باشد اگر صاحب خواب امیری باشد که موی سر
ببریدند معزول شود اگر زنی بیند که موی سر ببریدند شوهرش بمیرد
با ولی وی کرمانی گوید اگر پادشاهی موی سر خود بخواب بیند لشکر
بود اگر رعیت بیند زیادتی غم و اندوه و زیادتی موی تن سیم غم و اندوه
بود اگر مردی بیند که باهک یا با ستره موی بسترد دلیل بر خیر و راحت
بود اگر مردی موی سر خود آشفته بیند زیان دین بود و نقصان

مال اگر موی سر خود آویخته بیند دلیل بر غم و اندوه بود سبب مادر
و پدر یا جهت مهتری اگر سر خود را ضایع بیند دلیل بر زیادتی عشق و شادمانی
بود اگر خود را دو گیسو بسان علویان بیند مهتری یابد و نیک نام گردد اگر
بیند که موی خود را میکند دلیل کسان وی مال وی تلف کنند اگر بیند
که موی خود را پریشان میکرد دلیل آنست که بر کارها خود قادر باشد و
مراد و منفعت یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که موی بغل یا موی زهار
بسترد صلاح دین وی باشد و موی بغل ستردن دلیل بر یافتن مراد بود
و نا ستردن موی بغل دلیل بر رنج و محنت بود اگر بیند که بر سینه وی موی
بود و نباشد دلیل که وام بر وی جمع شود و موی بر تن وی مال بود و اگر
بیند که موی از تن خود بسترد بقدر آن موی نقصان از مال وی بود
اگر بیند که درویش و وام دار بود و امش گزارده شود و از غم و اندوه فرج
یابد اگر بیند که آهک بر تن خود مالید و موی از تن بسترد اگر توانگر بود
درویش گردد و اگر درویش بود توانگر گردد اسمعیل اشعث گوید اگر
بیند که قدری از موی وی فرو ریخت اگر توانگر بود مال او بکاهد و اگر
وام دار بود وامش گزارده شود و اگر بیمار بود شفا یابد اگر بیند که موی
راست وی مغرب بگرفت و موی جانب چپ او مشرق بگرفت دلیل وی را دو
پسر باشد در مشرق و مغرب نامشان مشهور بود حافظ مصری گوید اگر عالمی
بخواب بیند که موی وی جعد شد دلیل بر بدعت و ذلت وی کند
و اگر این خواب جاهل بیند نعمت و مال و عزت یابد اگر بیند که موی میکند
دلیل امانت گزارد اگر موی زهار خود دراز بیند وی را زیانی رسد و درازی
موی زهار ندامت باشد اگر مردی بیند که موی زهار خود بسترد خیر و منفعت

یابد اگر زنی سر خود سترده بیند دلیل که دین از وی بشود جعفر صادق
گوید دیدن موی ستردن در خواب بر پنج وجه بود اول حج گزاردن دوم
سفر کردن سوم عز و جاه چهارم ایمنی پنجم دولت باری تعالی در کلام
مجید و مود محلقین رؤسکم و مقصرین لا تخافون اگر خداوند خوا
را موی ستردن عادت بود نیک و بران سهل‌تر بود می پخته ابن سیرین گوید
می پخته بنا و یا مال حرام بود اگر بخواب بیند که می پخته خورد و مست شد
بقدر آن مستی جاه و منزلت یابد اگر بیند که از می پخته و خمر مست شد
دلیل ترسی و بیمی عظیم بدو رسد و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری
مغربی گوید مستی از می پخته یا از شراب مویزی بقدر خوردن ز مال و نعمت
کم شود اگر بیند که می پخته تنها میخورد مال حرام بدست آورد اگر بیند که
با دیگران شراب میخورد دلیل با مردم جنگ و خصومت کند اگر بیند که از
پیاله که بدان می پخته میخورند از دستش بستند دلیل جنگ و خصومت
با کسی کند بسبب معیشت اگر بیند که در میان می پخته غرق شد در میان
خصومت هلاک شود اسمعیل اشعث گوید که اگر می پخته میخورد مال
حلال بحرام بدل کند اگر بیند که می پخته با باب اضافت بود دلیل مال
بدست آرد که بعضی از آن حلال باشد و بعضی حرام و نیز گوید مالی از زنان
بستاند و بخصومت افتد اگر بیند که می پخته میفروخت چیزی حرام
فروشد میخ ابن سیرین گوید میخ در خواب دلیل پادشاه بود اگر بیند
که میخ در دیوار زد دلیل که پادشاه آنجا که میخ زد مردی فراخ گیرد
زیرا که دیوار بدیوار مرد باشد اگر بیند که میخ بر زمین بست دلیل پادشاه
بمردی پیوندد اگر بیند که میخ بر پشت زد دلیل از پشت وی فرزندی آید

پادشاه بود یا شرف و بزرگی یابد یا بهدی تمام از وی منتشر گردد با عالمی
تمام دارد کرمانی گوید اگر بیند که میخ در همه چیزی یابید کی بود شرف و دنیا
یابد اگر بیند که میخی در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند
که میخ [illegible] خانه خود بکند و بیند لخت تا ولیش علاقان بود اگر بیند که
میخ از چوب یا از آهن یا از نقره یا از زر یا از مس یا از استخوان دلیل آن بر دو
نوع باشد یکی آنک زنی بنکاح بخواهد یا دوستی گیرد اگر بیند که در جا
قرار گرفت دلیل که مرادش حاصل شود اگر بیند که میخ در ستون زد یا در
چوب دلیل دوستی با کسی کند که منافق و دروغ زن باشد اگر بیند که بر درخت
زد و قرار گرفت بنگرد که از جهه درخت بود تاویل آن با زن درخت کند
بانکاح یا بعطا و صلت مغربی گوید اگر میخ از برنج یا از مس باشد نیک نباشد
و اگر از آهن یا استخوان باشد دلیل بر قوت و نیکویی کند اگر بیند که بر دست
وی میخ آهنین بود دلیل که وی را فرزندی آید که سزاوار پادشاهی بود
اگر فرزند ندارد حق تعالی علم و دانش کرامت کند اگر اهل علم باشد اهل
علم او را دوست دارند اگر بیند که میخی از زر یا از سیم در زمین زد از کسب خود
توانگر گردد جعفر صادق گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود اول
پادشاه دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن میش ابن سیرین
گوید میش در خواب زنی بزرگوار کریمه باشد و شرح هر دو در حرف کاف
بیان کرده‌ایم و قیاس بر این کردیم اگر بیند که بر میش نشسته بود دلیل آن
زن مطیع و فرمان بردار وی بود دلیل که مردی از بزرگان فرمان بردار او
شود اگر بیند که با میش در جنگ بود و آن میش بر وی چیره گشت خصم
بر وی غالب گردد اگر بیند که شاخهای میش بزرگ و قوی گشت خصم بر وی

یا بیند اگر زنی سر خود سترده بیند دلیل که دین از وی بشود جعفر صادق
گوید دیدن موی ستردن در خواب بر پنج وجه بود اول حج گزاردن دوم
سفر کردن سوم عز و جاه چهارم ایمنی پنجم دولت باری تعالی در کلام
مجید و موده محلقین رؤسکم و مقصرین لا تخافون اگر خداوند خواب
را موی ستردن عادت بود نیک و بران بهتر بود می پخته ابن سیرین گوید
می پخته نباید اما حرام بود اگر بخواب بیند که می پخته میخورد و مست شد
بقدر آن مستی جاه و منزلت یابد اگر بیند که از می پخته خمر مست شد
دلیل ترسی و بیمی عظیم بدو رسد و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری
مغربی گوید مستی از می پخته یا از شراب مویزی بقدر خوردن مال و نعمت
کم شود اگر بیند که می پخته تنها میخورد مال حرام بدست آورد اگر بیند که
با دیگران شراب میخورد دلیل با مردم جنگ و خصومت کند اگر بیند که از
پیاله که بدان می پخته میخورند از دستش بستد دلیل جنگ و خصومت
با کسی کند بسبب معیشت اگر بیند که در میان می پخته غرق شد در میان
خصومت هلاک شود اسمعیل اشعث گوید که اگر می پخته میخورد مال
حلال بحرام بدل کند اگر بیند که می پخته با باب اضافت بود دلیل مال
بدست آرد که بعضی از آن حلال باشد و بعضی حرام و نیز گوید مالی از زنان
بستاند و بخصومت افتد اگر بیند که می پخته میفروخت چیزی حرام
فروشد میخ ابن سیرین گوید میخ در خواب دلیل پادشاه بود اگر بیند
که میخ در دیوار زد دلیل که پادشاه انجا که میخ زد مردی فراخ کرد
زیرا که دیوار بدو بهامرد باشد اگر بیند که میخ بر زمین بست دلیل پادرس
بمردی پیوندد اگر بیند که میخ بر پشت زد دلیل از پشت وی فرزندی آید



پادشاه بود با شرف و بزرگی یا بنیاد یا نهد تمام از و منتشر گردد با عالمی
نام دار کرمانی گوید اگر بیند که میخ در همه چیزی باید کی بود شرف و دنیا
یابد اگر بیند که میخی در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند
که میخ از خانهٔ خود بکند و بیند اخت تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که
میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از زر یا از مس یا از استخوان دلیل این بر دو
نوع باشد یکی آنک زنی بنکاح بخواهد یا درستی گیرد اگر بیند که در جایی
فرو کوفت دلیل که مرادش حاصل شود اگر بیند که میخ در ستون زد یا در
چوب دلیل درستی با کسی کند که منافق و دروغ زن باشد اگر بیند که بر درخت
زد و قرار گرفت بنگرد که از چه درخت بود تاویل آن از درخت کند بسببی
با نکاح یا بعطا و صلت مغربی گوید اگر میخ از برنج یا از مس باشد نیک نباشد
و اگر از آهن و استخوان باشد دلیل بر قوت و نیکویی کند اگر بیند که بر دست
وی میخی آهنین بود دلیل که وی را فرزندی آید که سزاوار پادشاهی بود
اگر فرزند ندارد حق تعالی علم و دانش کرامت کند اگر اهل علم باشد اهل
علم او را دوست دارند اگر بیند که میخی از زر یا از سیم در زمین زد از کسب خود
توانگر گردد جعفر صادق گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود اول
برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن میش ابن سیرین
گوید میش در خواب زنی بود کدخدای باشد و شرح هر دو در حرف کاف
بیان کرده ایم و اینجا باز اندک ذکر کنیم اگر بیند که بر میشی نشسته بود زن
نیکبخت مطیع و فرمان بردار وی بود دلیل که مردی از بزرگان فرمان بردار او
شود اگر بیند که با میش در جنگ بود و میش بر وی چیره گشت خصم
بر وی غالب گردد اگر بیند که شاخهای میش بزرگ و قوی گشت خصم روی



بکرددو آن مرد قوی و توانا شود اگر بیند که ریشش فرا گرفت یا کسی بوی
داد آن مردی بزرگوار منفعت یابد اگر بیند که پوست ریشش کند و گوشت
جدا کرد دلیل بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و هزینه کند اگر بیند که
ریشش از کشتن باز رها بیند دلیل از غم برهد کرمانی گوید اگر بیند که مادهٔ ریشش
بروی چنگ میکرد دلیل زنی با وی مکر و حیلت کند اگر بیند که گوشت مادهٔ ریشش
بخورد دلیل که زن خواهد اگر بیند که شپش میش بخورد بیمار شود اگر بیند که مادهٔ
ریشش بوی بخشیدند و فرزندی ازو آورد بد که مادهٔ میش از خانهٔ وی بخانهٔ دیگری
شد زن وی بعشق کسی مشغول گردد جعفر صادق گوید ریشش در خواب
بر شش وجه بود اول امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس پنجم
مال ششم فرزند میوه ابن سیرین گوید اگر بیند که میوه سیاه و سپید
و سرخ هر سه بتاویل منفعت باشد اگر بیند که میوه میخورد بقدر آن
مال و نعمت یابد کرمانی گوید اگر بیند که از زمین آب جدا کرد بقدر آن مال
حلال یابد اگر بیند که آب میوه خورد اگر اهل علم بود علمش زیادت شود
اگر بازرگان بود مالش زیادت گردد مغربی گوید اگر بیند که طبقی میوه بخورد
دلیل مال زن بخورد اگر بیند که بخروار میوه داشت اگر اهل علم بود علم و فضلش
زیادت شود و اگر بازرگان بود مالش زیادت شود اگر پیشه کار بود از
صنعت خود مال حاصل کند جعفر صادق گوید دیدن میوه در خواب
بر سه وجه بود اول مال دوم منفعت سوم عیش خوش میوه دانا
گوید هر میوه که در وقت آن بخواب خورد بقدر آن مال جمع کند و اگر میوه
نه بوقت خورد مالش پراکنده شود بدانکه هر میوه باصل درخت باز گردد
یعنی اگر نیک بود نیک و اگر بد بود بد و میوه ها آنچه زرد بود جمله بیماری